۹۱۵/۴۰۰۳
۵۹۷م الف
۱۲۹۴
کتابخانه آستان قدس
اسم کتاب: مرآت البلدان ناصری – جلد ۲
مصنف / مؤلف: مؤتمن السلطان (محمد حسن خان)
خطی / چاپی: سنگی – نسخ – تهران
سال چاپ یا تحریر: ۱۲۹۴/ق عدد اوراق
جزء کتاب: تاریخ شماره عمومی ۱۳۳۱
شماره عمومی: ۶۶۰۵۲ شماره قبض
واقف: محمود وزیری تاریخ وقف: مرداد ۱۳۴۹
طول: ۲۱ عرض: ۱۶
سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازبینی شد
۴۵ صفحه
۹۷۶

این بنده ... قصد ...

و از اراده جازمه این ... که تمام وقایع ... سلطنت و صدارت ... [illegible]

... علیحضرت ... در دولت ... [illegible]

... الملک ... ناصر الدین ... [illegible]

... [illegible]

علم ... [illegible]

مرحوم ... [illegible]

... [illegible]

۲ خامه شرح هر سالی از قدیر است بوقایع و حوادث عظیمه تمام اقطار عالم و کلیه دول روی زمین

[illegible]

هو الله تعالی شأنه العزیز
در دار الطباعه

جلد دویم کتاب
مرآت البلدان ناصری شرح سلطنت
سی ساله اعلیحضرت شاهنشاهی ادام الله ملکه
من تألیفات مؤتمن السلطان محمد حسن خان
صنیع الدوله ابن حاجی علی خان حاجب الدوله
اعتماد السلطنه غفر الله له

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

دولتی میمنت
انطباع صورت پذیرفت
فی سنه ۱۲۹۴

[illegible]

تا به مقام ترقی نامی و اصل شود چنانکه در بسیاری از امثال و شرح حال متقدمین مذکور و مسطور است که اکثر
مسبوق بخدمت و معروف حضرت سلاطین نموده و در زوایای خمول خفته بوده عاقبت بنور عقل و دانش
و حصافت رای و عزیمت و جلال خدمت بمقام منیع وزارت
رسیده‌اند [illegible] که حکیم فردوسی
فرموده هنر بهتر از گوهر نامدار

العبد الفانی محمد حسن ابن علی المراغه‌ای
الملقب بصنیع الدوله
ربیع الاول
۱۲۹۵

شرح سلطنت سی ساله شاهنشاهی صاحبقرانی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه
اعلیحضرت اقدس همایون خسرو صاحبقران قوی شوکت کل ممالک محروسه ایران

۱۲۶۴
سال اول

بسم الله الرحمن الرحیم

جلوس ابدمأنوس همایون اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران
شهریار عادل باذل ظل الله الممدود السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان
ناصرالدین شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه ومتعنا الله وجمیع المسلمین بطول بقائه
بر تختگاه سلطنت و سریر پادشاهی آبای بزرگوار و اجداد امجاد تاجدار خود در دارالخلافه باهره
در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری اتفاق افتاد
شکوه سلطنت افزود و دولت علیه حلیه عظمت دیگر نمود و روز بکر تاج خلافت خسروی تبارک
مبارک مزین و مفتخر گردید سال عمر همایون که امتداد آن شرف ادوار و قرون باد بهجده رسیده بارای
پیر و بخت جوان پا بر سریر گردون مسیر را بر روی مبانی معدلت و دعایم نصفت قرار داده قواعد ارکان

آنرا

آنرا استحکامی داید آماکان عنایت و مرحمت فرمود
شب ششم شهر صفر المظفر هزار و دویست و چهل و هفت هجری شب عید ولادت باسعادت شاهنشاه جمجاه
اسلام پناه است که همه ساله جشن این عید سعید مقرر و موجب سرور عموم اهل مملکت و کشور میباشد چون
در این سال فیروزی مآل سنین ملک و سلطنت شهریار کامکار بمبارکی و سعادت بسی رسیده و در یکقرن
پادشاهی مآثر و نتایج خاطر الهام ذخایر که لا تعد و لا تحصی است ممالک را در زیور آراستگی و کمال معموریت
و باصابت رای عالم آرا بلاد و عباد را مرفه و معمور فرموده این جمله را اقتضا اینست که مجلدی خاص جمع
و موجب روشنی و بهجت بصر و سمع مطالعه کنندگان حال و استقبال نماید و آنرا نازل منزله شکر نعمای الهی
و ادای حقوق عظیمه ولینعمت خود و کل اهالی ممالک محروسه ایران شید الله تعالی دعایم ملکه و دولته
قرار دهد لهذا شروع بشرح سلطنت سی ساله نموده هر سالی را با بیانی وافی خالی از اطناب ممل و عاری از
ایجاز مخل منیکارد و در ذیل احوال هر سال وقایع و سوانح بزرگی که در کل روی زمین سانح شده ترقیم آن
تکمیل حظ و استیفای نصیب ناظرین مینماید بعون الله تعالی و حسن توفیقه

شرح سلطنت سی ساله اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه

سال اول

چون شهریار مبرور ماضی انار الله تعالی برهانه شب ششم شوال هزار و دویست و شصت و چهار از قصر محمدیه
شمیران بملاء اعلی و ریاض قدس در پیوست نوبت خسروی این خدیو یگانه و پادشاه عادل فرزانه آمد
قبل از انتقال شهریار مبرور اسکنه الله تعالی فی دار السرور ذات ملکوتی صفات مقدس که ولایت عهد آنحضرت
رضوان جایگاه داشتند در دار السلطنه تبریز در انتظام امور مملکت آذربایجان و تکمیل موجبات آسایش
اهالی و رعایای آن سامان تجشم میفرمودند و در زمان اشتداد مرض شهریار فردوس قرار از جانب امنا و وزرای
دولت و حضرت عرایض و چاپار پی در پی روانه تبریز میشد و بعد از وقوع غایله هایله شهریار ماضی طاب الله ثراه
نیز مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تربتها اعلام را بآذربایجان شتافت (نواب مهد علیا دختر زاده
خاقان مغفور فتحعلیشاه و فرزند امیر محمد قاسم خان بن سلیمانخان قاجار قوانلو و والده اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه
روحنا فداه بودند) و نواب معظم الیها بنظم شهر و توابع دار الخلافه و تمهید مقدمات جلوس ابد مأنوس پادشاهی
دام ملکه رای و تدابیر صائبه فرموده نواب والا شاهزاده علیقلی میرزا که از زیور فضل و دانش داشته و دارند
بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند نیز در هشتم شهر شوال سنه مسطوره نوشته

حاجی میرزا آقاسی بعلیخان ماکوئی سردار آذربایجان رسید که بحرکت موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی انها نموده بود و وزرای مختار روس و انگلیس هم بقونسولهای خود این مطلب را نگاشته و ابتدا نامه را لغودکی وزیر مختار روس بآنیچکوف که در تبریز قونسول بود رسید و او نیم شبی بسمع اقدس رسانید بالاخره مطلب معلوم خواص گردید و پس از اقدام کارگذاران باتمام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سواره و غیره شب چهاردهم شوال المکرم و بروایتی شب هجدهم ماه مسطور ولیعهد کامکار در تبریز جلوس همایون فرمودند و علمای آن بلده و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بتقبیل عتبه علیه سربلند گردیدند و میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام و میرزا جعفرخان مشیر الدوله بتجهیز لشکر و تهیه سفر و روانگی موکب همایون بدار الخلافه باهره پرداختند و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و مأمور امور دول خارجه باشد بالجمله موکب اعلی روز نوزدهم شوال سنه هزار و دویست و شصت و چهار با اردوی مرکب از ده هزار نفر لشکری و خدام آسمان احتشام از شهر تبریز نهضت فرموده بباسمنج نزول اجلال کرده و از آنجا شدّ رحال و قطع منازل سفر فرمودند و همه جا چهارده عراده توپ با قورخانه از پیش روی لشکر میرفت و دو عراده توپ سبک وزن همراه موکب منصور بود و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدگی داشتند علیخان ماکوئی را که سردار آذربایجان معروف بود دخلی در این خدمت ندادند و میرزا فضل الله خان نصیر الملک بپیشکاری مشغول بود و میرزا تقیخان وزیر نظام برتق و فتق امور لشکر میپرداخت و چون محمد خان زنگنه امیر نظام در اینوقت درگذشت میرزا تقیخان منصب امیر نظامی یافت

و از اینطرف خیالات حکام و امرا متشتت بود و حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر میدید و از همه مأیوس بود بعد از آنکه فضان آقای سرتیپ توپخانه که در اینوقت وجود او را در امور مملکتی درست بود برای او پیغام داد که من از حکم نواب مهد علیا و صوابدید او بیرون نشوم و با تو موافقت نکنم بامامزاده عبد العظیم حسنی پناه برد و بستی شد و هر جا که یکی از بزرگان ماکوئی حاکم بود مردم بر آن شوریدند و امرای ایران که قابل مقامی بودند ظاهرا با هم موافق و باطنا جز نفاق نداشتند و در خفا هر یک براه مصلحت خویش میرفتند و منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیانا اگر فسادی در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام بدست نواب مهد علیا طابت تربتها بود و اصابت رای نواب معظم الیها و مساعی ایشان دخل و فایده عظیم در کار مملکت و تشیید مبانی دولت و سلطنه داشته و مردم را استظهاری کامل بخصایل معدلت شمایل شاهنشاه اسلام پناه میداد منشورها مرقوم فرمودند

وملاحظات

وملاحظات منظور شد حاجی علیخان والد مؤلف را که در اینوقت از زیارت بیت الله الحرام مراجعت کرده بود برای نظم و حکومت بگیلان فرستادند و عباسقلیخان جوانشیر بضبط قرای خالصه پرداخت تا در غله و حبوبات دیوانی حیف و میلی نشود و چون خزانه از اصفهان بدار الخلافه میآمد جعفرقلیخان قراجه داغی را با صد و پنجاه سوار جلو فرستادند که آنرا بسلامت بطهران آرند و در اینوقت میرزا آقاخان وزیر لشکر با برادر خود میرزا فضل الله نوری امیر دیوان بتوقف دار الامان قم و کاشان محکوم بودند بعد از اطمینان از التفات نواب مهد علیا و بفرموده ایشان بدار الخلافه طهران آمده در عمارت خورشید منزل یافت و کارگذاران نواب معظم الیها او را مهمان پذیر شدند و او با بزرگان مازندران دست اتحاد داده مردم را بریاست و وزارت خود خواند و دور او ازدحامی پدید آمد میرزا نظرعلی قزوینی حکیمباشی که نیز در قم ساکن بود بقزوین رفت که تقبیل رکاب اعلی نماید بالجمله موکب همایون کوچ بر کوچ بسلطانیه رسید و در هر منزل بزرگان و وجوه اهل مملکت باردوی معلی پیوستند از جمله در میانه زنجان و سلطانیه خسروخان گرجی باتفاق علیخان سرتیپ قراگوزلو و دو فوج سرباز بتقبیل رکاب مبارک سرافراز گردیدند و روز ورود زنجان دو فوج قدیم و جدید خمسه با هزار و پانصد سوار نیز پانصد سوار شاهسون از راه رسیده از سان نظر مهر اثر گذشته فوج خمسه مأمور توقف زنجان و فوج قراگوزلو مرخص خانه شدند که تهیه سفر خراسان کنند نواب عبد الله میرزا عم شاهنشاه ایران بوزارت میرزا شفیع تویسرکانی حکومت خمسه یافت هنگام ورود بقزوین میرزا نظرعلی حکیمباشی باستقبال موکب منصور مستعد آمد و میرزا تقیخان امیر نظام بیرخصت آمدن او را نیز و ورود میرزا آقاخان وزیر لشکر را بدار الخلافه بی اذن جسارتی شمرده هر دو را از این مبادرت منع و مورد مؤاخذه داشت میرزا نظرعلی را بقم بردند و میرزا آقاخان ببعضی از امنا و رجال دولت متوسل شده مقرر گردید که در خانه خود نشسته بیرون نیاید هم بمحمد حسن خان سردار ماکوئی که سمت مصاهرت شهریار مبرور داشت تهدیدی رفت که در خانه خود نشیند تا موکب اعلی بدار الخلافه نزول اجلال گزینند و در این ایام میرزا نصر الله اردبیلی صدر الممالک خود را صدر اعظم دولت میشمرد و چنان میپنداشت که بمجرد وصول اردوی معلی این منصب بدو تفویض خواهد شد نیز در این اوان سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین موقوف بود وسواس نفسانی بر او غالب شده بمیان قبایل کرد که در نواحی قزوین ساکن بود رفته بنای سرکشی گذارده بهوس پادشاهی افتاد و رقمها باطراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار او را در بقعه امامزاده معروف بکاذرسنگ دریافت و دستگیر نمود و اعوان او متفرق و خود او را بدار الخلافه آورد هم در این ایام میرزا محمد علیخان شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دار الخلافه بود تا اردوی همایون در منزل یافت آباد از ابنیه حاجی میرزا آقاسی که قریب بدار الخلافه است

قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان درگاه بخاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند در این محل پیشکاری میرزا
تقیخان امیر نظام معلوم همگی گردید و میرزا محمّد سعید انصاری کاتب اسرار مکتوم و منشی رسایل خاصّه گردید

ذکر ورود موکب منصور بدار الخلافه و جلوس همایون بر سریر سلطنت ابد دولت روز افزون و بعضی وقایع دیگر

روز بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار اعلیحضرت شاهنشاه کلّ ممالک محروسه
با فرّ و شکوهی فراوان دار الخلافه طهران را بقدوم سعادت لزوم مبارک مزیّن فرمودند سرور عامّ و نشاط
خاصّ عموم اهل این مملکت را دست داد و بلوازم شکرگذاری کوشیدند و از زیارت جمال همایون مثال مقدّس
قرین حصول آمال آمدند و در شب شنبه بیست و دویم همین ماه در سرای سلطنتی پیش روی کلاه فرنگی هفت
ساعت و بیست دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا تقیخان بلقب اتابکی
و منصب صدارت عظمی نایل گردید و بخلعتی فاخر مخلّع آمد

روز شنبه بیست و چهارم این ماه سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و بزرگان ایران بشرف حضور باهر
النّور اعلی مشرّف شده تهنیت گفتند قلوب آسایش و نفوس تسلیت یافت و هم از آن روز میرزا تقیخان اتابک اعظم
بتدبیر امور ممالک محروسه و تعدیل دخل و خرج دولت و مخصوصاً بفکر نظم خراسان افتاده و پرداخت و هر منصبی را
بشخصی شایسته واگذار کرده و با میرزا آقاخان وزیر لشکر در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بمصلحت داشت راه
اتّحاد گرفت اسکندر میرزا بوزارت میرزا موسی تفرشی مستوفی بحکومت قزوین رفت شاهرخ میرزا ولد
فرمانفرمای مرحوم حاکم کاشان شد و محمّد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در دوازدهم ذیحجّه نعش شهریار
مبرور طاب الله ثراه را بدار الایمان قم نقل و تحویل دادند و چون اغلب بلاد و ایالات بی شایبه غایله و فتنه
بود کماشتگان و کارگذاران آستان آسمان جاه همایون بتصفیه مشارب و حسم موادّ طغیان پرداختند

ذکر توجه قشون ظفر نمون بنظم بلاد خراسان

از جمله اشخاص که بنظم و انتظام بلاد مأمور شدند حاجی نور محمّد خان سردار و سلیمانخان افشار بودند
که باصلاح امور خراسان روانه شدند و چون بسبزوار رسیدند اطمینان نامه نوشته برای سالار و جعفر قلیخان
فرستادند (اسم سالار حسن خان و لد آصف الدوله اللهیارخان قاجار دولو است و اللهیارخان خال شهریار مبرور
ماضی طاب الله ثراه بوده) ولی سالار مدّاوان فرصت قوّتی گرفته و نوّاب والا حمزه میرزا را ضعف حاصل شده بموافقت
یار محمّد خان از ظاهر مشهد مقدّس بهرات شده بود و بلاد خراسان بحکوم سالار گردیده لهذا آن نوشته را وقعی

نواب معظم الیه والا ملقب بحشمت الدوله و آن حکمران عربستان و لرستان می باشند

نهاد

نهاد امّا چون سالار بطریق ترتیب حیدر به رفت جعفر قلیخان بجانب نیشابور آمد و در ورود او سلیمانخان
او را پذیرائی کرد و سخنها با او در میان آورد و در وی دل او را بجانب دولت گردانید و از او عریضه گرفته
بدار الخلافه فرستاد و لی چون سالار بسبزوار آمد سخنان عمّ خود نور محمّد خان را نشنید و در این وقت سلیمانخان
ایلخانی ابن رضا قلیخان زعفرانلو که در طهران مقیم و موقوف بود موقعی درست برای خدمت این دولت
جاوید شوکت و طلب نام نیک و حسن مقام بدست آورده از دار الخلافه فرار بجانب خبوشان رفته نوّاب
شاهزاده سلطان مراد میرزا که بلقب حسام السلطنه اختصاص یافته نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مأمور
خراسان شده و مصمّم تسخیر بوذنجرد و تخریب اسفراین بود نور محمّد خان و سلیمانخان در چهار شنبه سلخ
صفر باردوی نوّاب والا حسام السلطنه آمده و جعفر قلیخان ببهانه حفظ خانه خود از سالار اذن خواسته بمنزله
روئین دز در آمد و مجدداً با سلیمانخان ملاقات و مقالات نموده در عزیمت دار الخلافه یکدل ... و در غرّه
ربیع الاول روانه طهران شد و پس از ورود معفوّ و مورد مرحمت شاهانه گردید و از جانب دولت نوّاب سلطان مراد
میرزا با لشکری جرّار در پنجم ذی حجّه راه خراسان گرفته بسبزوار رسید و لشکر را بمحاصره شهر فرمان داد
و در این زمان سامخان زعفرانلو با ششصد سوار کرد از خبوشان باردوی والا آمدند و لطفعلیخان
بغایری و اللهیارخان و امیر حیدر خان طالش و کوچک آقای برادر زاده سلیمانخان در ذره جزی با جمعی
سواران بموافقت سامخان باردو آمده مورد لطف شدند و در این ایّام برفهای شدید مهیا دید و آذوقه
قشون نایاب و کار تنگ بود لهذا بخیال ترک محاصره و عزم شاهرود افتادند امّا سامخان منع این خیال نموده
نوّاب والا و سپاه را بخبوشان میل داد و متعهّد آذوقه و علوفه اردو شد و از عهده عهد بواجبی برآمد و
هنگام عبور بجانب خبوشان از راه سر ولایت نیشابور شاهان دز نام قلعه که در میان راه بود از شلیک
توپ متزلزل گردید و صاحب قلعه محمّد خان بغایری فرار کرده بمجال بام و جهان ادعیان که بخت و اهالی قلعه
امان یافته بیرون آمدند و آذوقه و علوفه که در آنجا انبار بود بتصرّف عساکر منصوره در آمد و صفی آباد نیز
مفتوح گردید و محمّد خان بغایری بشفاعت سامخان بخدمت آمد و نوّاب حسام السلطنه باراضی اسفراین
رفتند و در آن وقت حیدر قلیخان برادر جعفر قلیخان در قلعه میان آباد بود و از این قلعه بروئین دز نزد
جعفر قلیخان شتافت و جعفر قلیخان هنوز بدار الخلافه نرفته بود از اینجا مطمئن شده روبطهران نهاد
و نوّاب والا آهنگ جوین و قلعه جغتای کرد و سالار بجانب اللهیارخان جوینی باردوی والا نزدیک
شد و وزیری که اهالی اردو در مراتع جوین بطلب آذوقه متفرّق بودند سالار خبر شده با هزار سوار و
سیصد نفر سرباز که با دو عرّاده توپ در آنجا مبودند فرستاد چون صدای توپ بلند شد سواران

عراقی از هر طرف بلشکر خود پیوستند و سالار نیز سواران خود را امر بتاختن کرد و خود نیز پیاده بین قلعه
سرباز مدت شش ساعت با سپاه خراسان جنگ میکردند تا نوّاب حسام السلطنه آگاه شده بالشکر بر زمگاه
آمد و جنگی بزرگ در گرفت و دویست تن از سپاه سالار مقتول شد و خود او فرار کرد و چهار فرسنگ
پس نشست و نوّاب والا آق قلعه را محصور و مسخر نموده قلعه جغتای نیز بتصرف در آمد سلیمان اقای قلیچی
بسالار پیوست و محمّد ابراهیمخان قاجار از جانب نوّاب والا حسام السلطنه حکومت جوین یافت و نوّاب معظم
الیه قصد تسخیر سبزوار کرد اما سالار مبادرت نموده بسبزوار شد و میرزا محمّد خان برادر خود و امیر اصلانخان
پسر خود را در آنجا گذاشته جمعی را گروی گرفته بنشابور رفت و نوّاب حسام السلطنه در نیمفرسنگی شهر سبزوار
در قلعه خسروگرد چهارده روز با سواران سالار زد و خورد میکردند در این وقت یحیی خان تبریزی
از دار الخلافه با دو هزار سوار و سه عراده توپ و خزانه در خور و نشانهای التفات برای سالخان
و دیگران که خدمتی کرده بودند در رسید و جعفر قلیخان ترشیزی باظهار خدمتگذاری عریضه فرستاد و خبر
رسید که یعقوبعلیخان توپچی را اهل ترشیز محاصره کرده و مستدعی اند که اسکندرخان قاجار را که سابقاً سرتیپ
افواج آنها بوده روانه دارید تا ترشیز را باو سپارند هم نوّاب حسام السلطنه او را با شش عراده توپ و قشون
روانه کرده او بترشیز رفت و ترشیز را مسخر کرده سرباز مراغه را برداشته و صد و پنجاه تن از طایفه عرب و عجم را
بحفظ ترشیز گذاشته و جعفر قلیخان ترشیزی را با خود همراه برد چون بتربت رسید یعقوبعلیخان بجولات
رفته هم آخر او را اطمینان داده با خود باز آورد بعد از اسکندرخان نوّاب حسام السلطنه از خسروگرد کوچ
کرده بسبزوار آمد و دروازه های شهر را بر سپاه تقسیم کرده ببراوردن سنگر و حفر مارپیچ و مورچال و
لوازم محاصره فرمان داد در اینوقت مصطفی قلیخان ترشیزی برادر یعقوبعلیخان توپچی با دویست نفر سرباز
ترشیزی بمحارست ارک سبزوار مخصوص بود و فتنگر او قبول خدمت کرد و با اسکندرخان بتاختن نامه برادر
خود نوشت که من قبول خدمت دیوان اعلی کرده ام تو نیز با من موافقت کن و ارک سبزوار را تسلیم کماشتگان
نوّاب والا حسام السلطنه نمای مصطفی قلیخان این نوشته را با عریضه خود خدمت نوّاب حسام السلطنه فرستاد
و استدعا کرد شخصی را مامور کنند تا ارک مزبور را بدانشخص سپارد نوّاب والا فرج الله خان عرب را با تبعه
او مامور کردند و او بسرعت روانه شد روز چهاردهم ارک سبزوار را گرفتند و مردم شهر سراسیمه شدند
امیر اصلانخان تمل دروازه را شکسته بدر رفت و میرزا محمّد خان بیگلربیگی و شاهزاده محمّد یوسف افغان
هراتی و سلیمان اقای قلیچی گرفتار شدند و آنها را بیحیی خان تبریزی سپردند که مغلولا بدار الخلافه آورد
و نوّاب والا حسام السلطنه بعد از فتح سبزوار در بیستم شهر ربیع الثانی عزیمت نشابور کرد و امام ویردیخان بیات

کراز جانب نوّاب والا حشمة الدوله حسن میرزا حکومت نشابور داشت و در اینمدت بسالار خدمت و موافقتی
نکرده بود در این موقع باستقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا بنشابور در آمده شهر را بایشان
سپارم در این ایام که عید نوروز فیروز بود نشابور را نیز تصرف کردند

ذکر بعضی وقایع دیگر که در این سال اخیر در ایران واقع گردید

هم از وقایع این سال از هزار و دویست و شصت و چهار ماموریت میرزا جعفرخان مشیر الدوله است بسرحد بغداد که
باتفاق وکلای دولت روس و انگلیس و عثمانی از انجا بمحمره رفته حدود اراضی دولتین را تشخیص دهند و این سفری
طولانی بود که حاصل آن در ضمن نگارش احوال المراجعت بغیر مزبور مسطور خواهد شد
نیز در این سال حکام بلاد را تجدید نمودند و اصقاع ممالک غالباً از شوایب آشوب مصفی گردید و برای دفع
آشفتگی کرمان نوّاب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا را بحکومت انسامان فرستادند و فضلعلیخان را از آنجا احضار نمودند
و دوستعلیخان حاکم یزد بدار الخلافه آمد و محمّد عبد الله نامی از اشرار آنولایت مداخله در کار حکومت میکرد تا
اعلیحضرت شاهنشاه بر سریر گردون مسیر مستقل گردیدند و حاجی بیژن خان گرجی را که ریش سفید عمله خلوت بود
بحکومت یزد فرستادند و نوّاب والا معز الدوله بهرام میرزا بایالت فارس و نوّاب والا رکن الدوله ارد شیر میرزا بلرستان و
خوزستان بحکمرانی رفتند و خان خانان سلیمانخان حاکم اصفهان شد و چون حاجی بیژن خان متابعت رای محمّد عبد الله
مینمود بزودی از حکومت معزول شد
و در این سال نوّاب والا خانلر میرزا را از مازندران خواسته ببروجرد فرستادند و مازندران را ببرادرش نوّاب محمّد تقی میرزا
سپردند و در زمان او فتنه طایفه بابیه در مازندران موجب هلاکت جمعی کثیر شد و شرح فتنه اینطایفه باسرها در ذیل نگاشته خواهد شد
هم در این سال در اوایل جلوس ابد مانوس همایون میرزا تقیخان صدر اعظم بمصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه
سرافراز گردیده توقعات فوق العاده او موروث رشک بعضی امرای دربار گردید و بعضی افواج را براو بشورانیدند
و او ناچار از ارک و خانه حاجی میرزا آقاسی بشهر نقل مکان کرد و بسعی بعضی از امنای دولت خاصه عباسقلیخان جوانشیر
و عیسی خان بیگلربیگی افواج شوریده آرمیدند و میرزا تقیخان از خانه میرزا اقاخان که اعتماد الدوله لقب یافته بود بمکان
خود بازگشت و از نو بمنصب خود مستقل گردید و در اینوقت حاجی علیخان والد مؤلف منصب فراشباشیگری یافت
هم در این سال فیمابین علمای تبریز اختلافی پدید آمد و مریدها مادّه خلاف را غلیظ کرده بمصاف کشیدند و نوّاب
ملک قاسم میرزا حکمران تبریز باصلاح پرداخت و عوام آرام گرفتند و در این سال میرزا احمد شاملوی خوشنویس در گذشت
نیز در این سال حاجی میرزا اقاسی که چهارده سال صدارت شهریار مبرور طاب الله ثراه را داشت استدعا و استیذان
زیارت عتبات عالیات طلب نموده نصر الله خان یوزباشی لک با پنجاه سوار مامور شدند که او را حافظ و همراه باشند

و در بیستم ذیحجة الحرام عازم مقصد شده نایل بمقصود گردید و میرزا نصرالله صدر الممالک اردبیلی العهد از شورش افواج سغر ضیغین متهم نموده بقم رفت و از آنجا او را روانه کرمانشاه کردند و آغا بهرام قراباغی را نیز مخذول و لابکرمانشاهان برده و سپردند و جمعی از امرا که مورث فتنه و شورش و بر ضد میرزا تقی خان بودند تنبیه شدند

شرح فتنهٔ طایفهٔ بابیه

اگرچه تمامی فتنه طایفه مزبوره متعلق باین سال نیست بلکه بعضی بسالهای سابق و برخی بلاحق تعلق دارد ولی بمحض اینکه رشته مطلب گسسته نشود اینها بلرا باسر شاد بنموده مینگارد و هی هذا

سید علی محمد معروف بباب پسر میرزا رضا از سادات شیراز که با آباء و اعمام او بتجارت و بزازی در شیراز و بوشهر معاملتی داشتند بعد از آنکه چندی در عتبات عالیات در حوزهٔ درس علما خاصه حاجی سید کاظم رشتی شیخی بوده بندر بوشهر آمده مدتی در بین بندر که سر بوهنه در آفتاب ریاضت کشیده رطوبت دماغش تمام شده ابتدا مدعی بابیت امام غایب عجل الله تعالی فرجه شد و بعد ها کم کم بر زبان دعوی صعود نموده ادعای صاحب الامری کرده آخر الامر خود را از حضرت خاتم الانبیا برتر میخواند و نوشته جات سخیف خود را از قرآن کریم افصح و ابلغ میشمرد و حسین خان اجودان باشی حاکم فارس در سال هزار و دویست و شصت دو او را از بوشهر بشیراز طلبیده در خلوت با او نشست و در دروغی باو اظهار ارادت کرده و او را بران داشت که در مجلس علما عقاید و دعاوی خود را آشکار کند و او در روز نوزدهم رمضان در مجلس علما باعتماد بر حسین خان آنچه در دل داشت بر زبان آورد و اختلال حواس او معلوم شده بحرمت سیادت بجای سیاست کلی چوب بپاهای او زدند و روی او را سیاه کرده بمسجد وکیل بردند و اظهار ندامت و توبه کرده بخود لعن نمود آنگاه او را حبس کردند و شش ماه در حبس بود تا منوچهر خان معتمد الدوله از اصفهان سواران بطلب او فرستاده او را باصفهان آوردند و منوچهر خان با وکلا نامیبرد و او را در اصفهان پنهان داشت تا سال هزار و دویست و شصت و سه که منوچهر خان در اصفهان درگذشت و سید علی محمد را از اصفهان احضار و بچهریق آذربایجان برده و در آن قلعه گذاشتند و جمعی نگاهبان بر او گماشتند و سید یحیی پسر آقا سید جعفر معروف بکشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای او بود نیز رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام فریبی نهادند از جمله ملا حسین بشرویه که از علما و با مید ریاست تابع او شده بود در مشهد مقدس در میان هنگامه سالاری بازار آشفته دید مشغول فریب جمعی بود که شاهخان سرتیپ دوسی که در خدمت این دولت جاوید شوکت بود مطلع شده عریضه خدمت نواب والا حشمة الدوله والی خراسان کرد و چمن داد کان بمدافعه سالار میپرداختند نوشته اظهار داشت که عنقریب خود دکان فریب ملا حسین فتنه برپا خواهند کرد والی خراسان حکم کرد ملا حسین را بالاتر اول باردو آوردند و حبس کردند بعد از چندی که در حرکت اردو فرار کرده بمازندران رفت و سیصد چهار صد تن از فریب خوردگان

باو وصل شدند که با آذربایجان بیاری سید علی محمد روند چون حبس باب در چهریق مایه گفتگوی عوام شده بود و قتیکه بحکم شهریار مبرور رضاضی (محمد شاه) طاب الله ثراه حضرت ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران (شاهنشاه جمجاه دام ملکه) بحکمرانی آذربایجان و مضافات مامور بودند مقرر شد سید را از چهریق بتبریز آوردند و در حضور حضرت معظم ولیعهد علما حاضر شوند و با سید گفتگو نمایند تا ابا طیل او مشهود عالمیان گردد هم در این سال که سال هزار و دویست و شصت و سه باشد بر حسب امر اقدس در حضور حضرت ولیعهد گردون مهد مجلسی منعقد شد و علمای اعلام حاضر شدند آخوند ملا محمد ممقانی و حاجی مرتضی قلی مرندی ملقب بعلم الهدی و حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام و حاجی میرزا محمود نظام العلما سید علی محمد را حاضر بمجلس آورده سؤال و جواب در هر باب با او نمودند اصلا او را بهره از علم و معرفت از او استشمام نشد و بطلان دعاوی او بر خاص و عام ظاهر گردید پس از چندی توقف در تبریز دیگر بتبر چوب خوردن بامر اقدس حضرت ولیعهد و فتوای علما باز او را بچهریق برده حبس کردند و تابعین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گذاردند از جمله دختر حاجی صالح برقانی پیرو این طایفه شد عم خود مرحوم حاجی ملا تقی برقانی را که از علما و منکر این طایفه بود بدست دو سه تن بابیه بقتل رسانید و بقرة العین ملقب و مشهور شد و حاجی محمد علی نام بار فروشی که در مکه سید علی محمد را دیده و حسن ظنی باو حاصل نموده او نیز یکی از مشاهیر این طایفه گردید و در انتقال شهریار مبرور انار الله برهانه ملا حسین بشرویه که بوضع مسطور از خراسان بسمت مازندران که بحث با جمعی روی بنا در فروش نموده در خارج شهر در حوالی بحر ادم معروف بسبز میدان اقامت کردند و ظاهرا مشغول معاملات و باطنا بفریبی مردم پرداختند سعید العلما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنازعه کشید سعید العلما عباسقلیخان سردار لاریجانی را اطلاع داده وی محمد بیک یاور فوج را با سیصد نفر تفنگچی لاریجانی بدفع فرقه مبتدعه فرستاد و در این نزاع دوازده نفر از بابیه کشته شد و چند نفر نیز از اینطرف زخمدار گردیدند و بابیه در سبز میدان متحصن گشتند و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند و چون در راه مورد دست اندازی گردیدند در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف فضلای محدثین و مشایخ طبرستان است تحصن جستند و در آنجا قلعه بشکل مثمن از خشت بنا کردند و بروج عالیه در آن موضع نمودند و لوازم حصانت را بان دادند و گاو و گوسفند و شلتوک و هرگونه ماکولات غارت کرده بقلعه بردند و جمعیت متابعان بدو هزار رسید و با کسانی که از پیشگاه خلافت بدفع این فتنه مامور میشدند بنزاع بر میخاستند و ملا حسین بنفسه رشادتی میکرد لهذا نواب مهدیقلی میرزا و عباسقلیخان سردار لاریجانی و میرزا کوچکخان اشرفی و محسن خان هزار جریبی و بعضی خوانین و سرکردگان دیگر مازندران بدفع این غایله مامور شدند و بدور قلعه مزبور آمدند شبی سه ساعت بطلوع فجر مانده فرقه

مطرود به بادرود مامور بن شبیخون آورده هنگامه برپا شد و چون خمپاره‌های نفت بر اماکن چوبی سپاهیان ریخته
آتش میزدند صحرا شعله‌زاری بنظر آمده و ملاحسین بشرویه که اسم خود را سید علی اعظم نهاده بود در میان جنگ
با عمامه سبز و لباس سفید اتباع خود را ترغیب بجنگ میکرد هدف گلوله شده بعد از وصول بقلعه درگذشت و جسد
او را پنهانی در بن دیواری از مقبره شیخ طبرسی بخاک کردند و مریدهای او را گمان اینکه تن او در خلوتخانه با امانت
و بزودی دوباره زنده خواهد شد و بعد از او حاجی محمد علی که بقول ملاحسین علی اعلی نام گرفته در مقام عصیان
ثبات قدم بخرج میداد و مدتی خونها بناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمان خان افشار قاسملو از دربار معدلت
مدد مامور مازندران شده بدفع این طایفه پرداخت و قشون دار المرز بغلبه قلعه را گرفته بابیه را متفرق و جمعی
از آنها را که شرعاً و عقلاً واجب القتل بودند بکشتند و حاجی محمد علی رئیس آن جماعت را بخواهش جناب سعید العلما
و سایر فضلا ببارفروش بردند و پس از سؤال و جواب و عذرهای ناصواب بر خر نشانده در شهر بگردانیدند
و ازدحام عام شده او را با شمشیر ریزریز کردند و قلعه جدید شیخ طبرسی را با خاک یکسان نمودند نیز از فتنه‌های
اینقوم مطرود یکی خروج ملا محمد علی زنجانی بود این مرد از تلامذه مرحوم شریف العلما و بعد از چندی تحصیل میل
او بریاست فوق العاده و مشاجره با علما معلوم در زمان فتنه بابیه او نیز موقع را مناسب دیده با سید علی محمد
مکاتبات نموده بدل نموده طریقه او را قبول کرده مردم را با او دعوت نمود و جمعی کثیر دور او گرد آمدند و
بریاست او پا در راه تمرد نهادند و سید علیخان سرتیپ فیروزکوهی با جمعی دیگر به تنبیه این طایفه مامور شدند و آنها
وچون استعداد ملا محمد علی در زنجان از هر جهت زیاد شده بود چندی محاصره زنجان امتداد یافت و خونها
ریخته شد محمد خان بیگلربیگی ابن فتحعلی خان ابن هدایت الله خان گیلانی بتسخیر زنجان و دفع آن طغیان روانه شده
باز مدتی شهر در بند محاصره بود و از جانبین بر شمار کشتگان میافزود تا وقتیکه بضرب گلوله دست ملا محمد علی شکسته
و پس از هفته بمرد و فرقه مردوده بی سردار ماندند و لابد از در استیمان در آمدند و آنها که در راه عصیان رفته و
قاتل مقتولین اردو بودند بقتل و قصاص رسیدند و معلوم اولیای دولت شد که اصل شعبه فساد وجود
سید علی محمد است لهذا بفتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدهای او از چهریق بر تبریز آورده بستند بیکدسته
از فوج بهادران نصرانی سپرده بیاویختند و افواج دیگر نیز حاضر شده خلق باجماع او را تیرباران کردند چون در اثنا
بضرب تیر او را بکشتند و جسد او را در خندق انداختند تا شب هنگام طعمه کلاب شد و این واقعه در هزار و دویست
و شصت و شش روی نمود   فتنه دیگر خروج سید یحیی پسر آقا سید جعفر اصطهباناتی بود که بر خلاف طریقه پدر
بسبب میل بریاست بسید علی محمد گرویده و در نیریز فارس خروج نمود و چون وقتی او به نیریز آمده مردم آنجا بفتنه
که اهالی نیریز از حاکم خود حاجی زین العابدین خان بن محمد حسین خان رنجیده و او را از نیریز بیرون کرده

و از خوف

و از خوف او جویای ملاذی بودند این موقع برای سید یحیی مناسب و مساعد بود و مردم با او رغبتی کردند و علی
اصغر خان برادر کوچک حاجی زین العابدین خان که با سید یحیی از در مخالفت در آمده با چند تن از اقوام و عشایر و اولاد
و بنا بر باشاره سید یحیی کشته شدند لهذا دیوان بیگی محمد علی خان بن حاجی شکر الله خان نوری و مصطفی قلی خان
قراگوزلوی سرتیپ بحکم نواب والا نصرة الدوله فیروز میرزا حکمران فارس بدفع سید یحیی و اتباع او مامور شدند
و به نیریز آمده بعد از مقابله و مقاتله بر آنها غلبه کرده و سید یحیی را دستگیر نموده بشیراز آوردند و در
شیراز ورثه مقتولین سابق الذکر او را بحکم قصاص بکشتند و زین العابدین خان در نیریز بحکومت خود
استقلال بهم رسانید و هم در اواخر پس از چندی او را در گرمابه بکشتند

تذییل

مؤلف گوید   محض استیفای کامل مطالعه کنندگان از جلد دوم کتاب مرآت البلدان ناصری شرح وقایع هر
سالی از سلطنت سی ساله اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه ادام الله   ایام ملکه و سلطنته را مذیل مینماید
بحوادث عمده و سوانح و مطالب عمده که در آن سال در تمام روی زمین اتفاق افتاده و بترتیب حروف تهجی نیز از ذوی
درجات و شان و عظمت اسامی ممالک و دول را نگاشته معظمات مقاصد تاریخی آنرا در ذیل بطور اختصار ایراد
مینماید بعون الله تعالی و حسن توفیقه

وچون این وقایع مورخ بتاریخ مسیحی است و سنوات تاریخ مسیحی شمسی در تطبیق آن با سنین تاریخ هجری که قمری است
بقدر مقدور جهد و سعی میشود ولی از اینجا که این مطابقه طابق النعل بالنعل امکان نداشت و شاید که در مدت
سی سال تفاوت و اختلافی غیر عمده پیدا شود و ملحوظ ملاحظه کنندگان گردد خود اقدام و مبادرت بمقدار تحمّل
(جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صانه الله تعالی ملکه عن التناهی روز ششم ماه سپتامبر
سنه هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی است مطابق با چهارم شهر شوال المکرم هزار و دویست و شصت و چهار هجری

اتازونی ینکی دنیا

۱۲۶۴
در اینسال ما بین اتازونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتازونی مکزیکه پای تخت مکزیک را فتح کرد

اسپانیول

۱۲۶۴
هم در اینسال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد

اطریش

۱۲۶۴
دخل دولت اطریش در اینسال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فلورن و خرج سیصد و سی
و هشت کرور و دویست و نود و هشت فلورن بوده (فلورن معادل دو هزار و پانصد دینار پول ایران است)

المان

۱۲۶۴ دراینسال اشرار قسمتی از لهستان که در تصرف پروس است بواسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند تنبیه شدند

انکلیس

۱۲۶۴ دراینسال حبوبات در انکلیس تسعیری بهم رسانید پنبه از ینکی دنیا نیامد پول کم شد اکنل که از معارف ایرلند بود وفات نمود امتداد انکلیس در افغانستان و لاهور رو بترقی نهاد میانه دولت چین و انکلیس مجادله در گرفت واینده دولت چین را بتصرف کانتن که بندر چین است تهدید کرد و بعضی امتیازات از دولت چین بجهة دخول مال التجاره خود حاصل نمود

ایطالیا

۱۲۶۴ ورود اول سفیر دولت عثمانی بدربار پاپ در اینسال بود و همچنین بطبع رسانیدن خرج و دخل دولت پاپ اول دفعه

پرتوغال

۱۲۶۴ عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخله مملکت و استعانت نمودن از دولت انکلیس در اینسال بود

روس

۱۲۶۴ دراینسال قحط و غلا در فرنکستان نمودار شده غلات و حبوبات دولت روس در ان ممالک بقیمت وافر و مبالغ کلی بفروش رسید و اینفقره موجب مکنت و آبادی روس شد طلای زیادی از معادن کوههای اورال عاید روس گردید

سوئیس

۱۲۶۴ دراینسال هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع بمذهب است با وکلای تمام ایالت ممالک سویس که در برن پای تخت مجتمع شده مخالفت نمودند دول اطریش و فرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را تحریک و تقویت میکنند لیکن دولت جمهوری سویس ژنرال دفور را با پنجاه هزار نفر بجنگ اهالی ان هفت ایالت مامور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود

فرانسه

۱۲۶۴ دراینسال در فرانسه قحطی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد تا گندم روس که از بندر ادسا حمل بکشتیهای فرانسه شد فاقه کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود مسیو گیزو منصب صدارت یافت پرنس ادلائید خواهر لوی فلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبد القادر بمارک فرار نمود دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید در مارک امیر عبد القادر را بحکم سلطان مارک گرفته بسردار فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه در اینسال دویست و هفتاد و هفتکرور و بیست و شصت و هشت تومان و پنجهزار رایج ایران و خرج سیصد و بیست و یک کرور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده افتتاح راه آهن از آیین به بولن هم در اینسال شد

هایتی ینکی دنیا

۱۲۶۴ دراینسال رئیس رئیس جمهوری وفات یافت و سلوک که از جنس سیاهان بود بریاست برقرار گردید

وقایع سال دوم سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه دام ملکه و عزّ نصره مطابق سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری تخاقوئیل ترکی

شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی دو ساعت و دوازده دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود شرایط سلام خاص و عام در این تحویل و عید فیروزی دلیل در دربار معدلت مدار بعمل آمد در این ایام مطلبی که در انظار اولیای دولت گردون اقتدار اهمیت داشت رفع فتنه خراسان و محمد حسن خان سالار بود و همت بر اصلاح آن مفاسد میگماشتند و چنانکه در وقایع سنه هزار و دویست و شصت و چهار مسطور شد نواب والا حشمة الدوله حمزه میرزا عم شاهنشاه جمجاه با یار محمد خان افغان حکمران هرات بهرات میشد و در بند فریمون (قلعه فریمون) از جلوس همایون آگاهی یافت زیارت دستخط مبارک موجب سرافرازی و اطمینان نواب معظم الیه گردید ولی عساکر ایران از شوق شرفیابی خاکپای فرقدسا و هوای وطن مالوف متوزع البال نموده رو بطرف نیشابور و عراق نهادند خلاصه نواب حشمة الدوله متوجه هرات گردیده در دو فرسخی غوریان در ارض شبش لشکرگاه قشلاقی اختیار نمود زیرا که در ان زمستان نزدیک جنگل و درختان سبب راحت اهل اردو بود از نیمه محرم تا اواخر ربیع الثانی اطراق کردند و یار محمد خان نقداً و جنساً تقدیم خدمات نموده چون نواب حشمة الدوله از مامورین نواب والا حسام السلطنه خبردار شد بجانب نیشابور آمده با برادر دیدار تازه کرده و در این محل فرمان احضار نواب معظم الیه و حکمرانی نواب والا حسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب والا حشمة الدوله روانه دارالخلافه شد غره ماه رجب وارد و پس از شرفیابی از حضور باهر النور اقدس بحکمرانی آذربایجان مامور گردید و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا تقی قوام الدوله بوزارت آن

اختصاص یافت و درین ایام چراغعلیخان را برای کشف امور خراسان واستمالت سالار بدانسمت روانه نمودند واو بی نیل مرام مراجعت کرد چنانکه ذکران بیاید بالجمله نواب حسام السلطنه سلیمانخان دوه جزی را فرمان داد تا کلات را تصرف نماید و خود از راه سرولایت نیشابور رو بمشهد مقدس کرد دراینوقت عبدالجبار خان افغان از جانب یار محمد خان با هزار سوار افغان باردوی والا پیوست و بچناران رفتند و در اینجا معلوم شد که سواران تراکمه در تربت و قرائی نهب و غارتی نموده اند لهذا هزار و دویست نفر فوج قرائی که در اردوی والا بودند برای حراست متعلقین بخانمان خود رفتند تفرقه این فوج و رفتن نواب حشمة الدوله بدار الخلافه اهل خراسانرا دل قوی کرد درین ایام نواب حسام السلطنه مراسله بحاجی میرزا هاشم و حاجی میرزا حسن که از علما بودند بمشهد مرقوم نموده مضمون اینکه چراغعلی خان زنکنه از جانب اولیای دولت علیه بملاقات شما مأمور است اگر از شرارت جهال در امان است نزد شما آید ایشان ایمنی او را متقبل شدند در روز هجدهم جمادی الاولی با پنج سوار بمشهد مقدس رفت سالار برای اینکه استعداد خود را باو بنماید حکم کرد پنجهزار نفر سواره و پنج هزار پیاده با نه عراده توپ و توپچیان مکمل همراه اعیان و بزرگان بلد تا نیم فرسنگی شهر او را استقبال کنند چراغعلیخان وارد شده در خانه سالار منزل کرد و با سالار و علمای مذکور دو سه مجلس گفتگو نمود و پیغامهای امیر نظام را که مبتنی بر وعد و وعید بود تبلیغ کرد و سودمند نیفتاد پس از آن روزی جمعی از اشرار بقصد قتل چراغعلی خان هجوم آوردند رجب مروی مهماندار او خواست منع کند از عهده بر نیامد و برخی زخمی شدند اخرالامر سالار و حاجی میرزا هاشم رفع این غایله کردند و این قضیه موجب هراس چراغ علیخان شده خدعه و تدبیری اندیشید بر جب مروی گفت اگر سالار عریضه چاکرانه بدربار شاهنشاهی فرستد من این لشکر را از چناران کوچ دهم و در خدمت امیر نظام عرضه دارم که یکسال حکومت خراسانرا بسالار واگذار نماید و او را مورد تلطفات خسروانه کرده بعد از یکسال بدار الخلافه بخواند رجب مروی همانشب مراتب را بسالار اظهار کرده موافق طبع او آمده گفت ابتدا اردو را حرکت دهید وی قبول کرد وقت صبح چند تن از رؤسای قبایل را با پانزده سوار بهمراهی چراغعلیخان روانه ساخت که سالما بمقصد رسد همراهان فرسخی با او رفته بازگشتند جز یکنفر سوار که با خود باردو برد و بصحابت او نوشته برای سالار فرستاد که من دروغ نگفتم که چون باردو رسم اردو را کوچ دهم حسب الوعده فردا کوچ میکنند اما بطرف شهر میآیند شما مستعد حرب باشید بالجمله بعد از روانه کردن چراغعلیخان بمشهد نواب والا حسام السلطنه چند روز در چمن کوناباد اتراق کردند که شاید فتح شاهان دز بدون خونریزی میسر شود و یکنفر را بنصیحت بقلعه فرستاد تا اهالی او را کشته وسرا و را برای سالار فرستادند و مهیای مقاتله گردیدند ناچار نواب والا فرمان داده جعفر قلیخان بن اسکندر خان سردار قاجار با فوج نصرت وشش عراده توپ و سوار شاهسون

شاهسون

شاهسون دوه گرزی پیادگان وارد بقعه خود ساخته تا دروازه شاهان دز راندند ولی الوسها مشغول مجادله شدند مجملا چهارصد تن از اهل شهر مشهد و شاهان دز وصد تن از سربازان در این جدال بقتل رسیدند سکنه قلعه منهزم و افواج برجی را که در ظاهر قلعه بود متصرف نمودند و بیست و شش نفر شمخالچی را که در آنجا بودند سر بریدند و توپها را بقلعه بستند قلعگیان از در استیمان در آمدند و شب سیم رجب از قلعه بیرون و افواج داخل شهر گشتند و یوزباشی حسن و یوزباشی هادی سرکرده شمخالچیان را بحکم نواب والا بدهن توپ بسته هر دو را در هوا متلاشی کردند و اردو از شاهان دز بچمن قهقهه نزول کرده در اینجا خبر تصرف سلیمانخان در کلات رسید و نواب والا چراغعلیخان را روانه دار الخلافه نمودند و خود از چمن قهقهه بخارج مشهد مقدس رفتند هم در زمان ورود قشون ظفر نمون ده هزار نفر از شهر بیرون آمده و با مقدمه لشکر جنگ در پیوستند چون نواب والا از خبر که شهریان خبر شده فرمان دادند که دو هزار نفر مقدمه را بتوپ و قشون امداد نمایند و این رزم چهار ساعت امتداد یافت اخر الامر طوری شهریانرا عقب نشاندند که جمعی بخندق ریختند و مجال بستن دروازه ننمودند و لشکر منصور دویست نفر تفنگچی را دستگیر کرده زنده بحضور نواب والا آوردند و نواب معظم اليه برای رفع وحشت خلایق آنها را مرخص نموده بشهر رفتند و نواب والا در میان شمال و مغرب شهر منزل نموده سران سپاه در اطراف شهر برابر دروازه ها سنگر بستند وارد و زدند و هر روزه نایره قتال از طرفین اشتعال داشت در اوایل شهر شعبان سه هزار سوار ترکمان سرخس بکمک سالار رسیدند و با جمعیت شهری از دروازه پائین خیابان بطرف شرقی سنگر شامخان زعفرانلو تاختند ابو الفیض خان برادر شامخان و میر محسن خان تیموری که قراول سنگر او بودند بمجادله سواران پرداختند سالار مشغول بودن ایشانرا یکدیگر موقع و فوزی عظیم دانسته با تمام جمعیت شهری بسنگر شامخان یورش برد و از بالای برج نیز شمخالچیان و توپچیان و تفنگچیان مشغول تیراندازی شدند و از جمله اول سالار فوج ترشیزی از سنگر شامخان عقب نشست چون شامخان از دور این بدید شمشیر بر کشیده بمنع فوج مزبور پرداخت از طرف دیگر نواب والا افواج و توپخانه در رسیدند ولی آنروز کاری از پیش نرفته فقط در انتظام امور لشکر اهتمام کردند روز دیگر پانزده هزار نفر از سپاهی و ارباب حرف از شهر با سالار بیرون آمدند و بجانب سنگر بالاخیابان و سراب راندند کم کم پیش میرفتند و تفنگ میانداختند مردم سنگر که مجرب بودند دستگاه داشتند تا مردم و قشون شهری بجای تیررس رسیدند فوج مخبران و مافی کوچ بر ترتیب مشغول شلیک توپ و تفنگ شدند در شلیک اول صد نفر از پا در آمده و شهریان راه هزیمت پیش گرفتند و چون بسیاری از آنها کشته شد دیگر تا ده روز از شهر بیرون نیامدند شب سیزدهم رمضان قصد شبیخون زدن باردو نمود و سلطانخان افغانرا برای تفحص و تحقیق حال اهل اردو فرستاد تا منازل اشخاص را مشخص نماید چون

اوباردو

او بار دیگر نزدیک شد پیش قراولان او را هدف گلوله نمودند همراهان او جسد او را برداشته نزد سالار بردند
سالار که این بدید فسخ عزم شبیخون کرده بشهر رفت و با سپاه خود معاهده نمود که جنگ بزرگی نماید که کار را یکطرفی
سازد صبحگاهی با لشکر و توپ از شهر بیرون آمده در برابر سپاه منصور تا هنگام غروب کارزار کرده جمعی از طرفین
کشته شدند وقت شب که عزم معاودت کرد لشکر او را تعاقب کرده او را شکسته داخل شهر نمودند نیز روز دیگر پیش
از طلوع آفتاب از شهر خارج شده و تا شام نبرد کرده شبانگاه باز بشهر رفتند روز سیم عهد نمود که تا اردو را متفرق
ننماید دست از قتال نکشد و راه معاودت نپیماید نیز مصاف سخت دادند پیادگان سنگرها را بمدد اردو
خواندند سالار حکم داد پیاده ها از جانب جنوب لشکرگاه و سواران از طرف شمال بر سنگرها یورش برند حسام السلطنه
مقرر داشتند که سوار با سواره و پیاده با پیاده روبرو شوند سربازان فوج مخبران بر میسره سالار حمله بردند و
سربازان دیگر غیرت کرده با فوج مخبران همدست شده بر تفنگچیان شهری تاختند و آنها را منهزم کردند سواران نیز
بر سوارهای سالار غالب آمده سیل خون جاری شد مقارن غروب آفتاب سپاه سالار را منهزم ساختند و عساکر
منصوره پانصد نفر از ایشان را دستگیر و اسیر نموده بسنگرها عود کردند و در پنجشنبه بحکم نواب والا حسام السلطنه
حسین پاشاخان با افواج مراغه در کنار باغستان شهر سنگری در معبر سپاه سالار بساخت روز دیگر که سالار
بیرون آمد توپی از سنگر حسین پاشاخان خالی شده دو سوار را برد و سالار فسخ عزیمت کرده بشهر بازگشت
و تا پنجم ذیحجة بعزم رزم از شهر بیرون نیامد و بمحصوریت تن درداد و برای مخارج سپاه تنگدستی دامنگیر او
شد و بخیال تصرف خزانه حرم حضرت رضوی علیه السلام افتاده مردی شریر معروف بباقر نام را که در این وقت باقر سردار
میگفتند بخواست و باین خدمت مأمور نمود او با زمره فرومایه که در ربقه تبعیت خود داشت بحرم محترم رفته
و بملازم خود گفت این در را بشکن ملازم انکار و تعلل نمود وی خنجری بر سینه ملازم زده از پشتش بدر آمد
و جان بداد و باقر خود بضرب لگد در را شکسته هرچه در آنجا بود برداشته نزد سالار برد و بر بالای باره رفته
که تماشای اردو نماید ناگاه توپی از لشکرگاه رها شده و بر سینه او آمد و نیمه تن او را بهوا برد و سالار با مشاهده
آن کرامت باهره پند نگرفت و نادم نشد اما در این عمل از علما و خدام ضریح مقدس اندیشه داشت و در کار ایشان
کاوش میکرد در این حال مکتوبی از حاجی میرزا عسکری امام جمعه بدست او افتاد که بنواب والا حسام السلطنه نوشته بود
لهذا اولا امام جمعه را گرفته میر بدها سپرد که چهار هزار تومان از او مصادره بگیرند و حاجی میرزا
هاشم را بلشکر جامی داد و میرزا صادق ناظر حضرت رضوی را با حاجی میرزا عبدالوهاب مشرف و حاجی میرزا کریم
وکیل و میرزا تقی متولی بولیخان ده جزی سپرد که در حبس دارد و قنادیل طلا و نقره قبه مبارکه را برداشته بضرابخانه
فرستاده تا مسکوک کردند و حبوبات انبار خاصه حرم را بجای علوفه بلشکریان داد و بیست و دو هزار تومان زر

مسکوک از اشیاء طلا و نقره بدست آمد و بسیاری از اثاث و اسباب مهمانخانه و خزانه بغارت رفت بیشتر آنکه بهره
از مال حضرت دختر حرم بر میداشت جاهای آنها را پر کردن علمای محبوس میگذاشت و از ایشان تمسکی بمهر و خط
آنها میگرفت و بمتولی و خدام میسپرد و انبکار را بازیچه میشمرد و غافل که روزی بدان حرم محترم پناه آورد و خدام
او را قبول نکنند خلاصه فقره سنگر سامخان بعرض خدام آستان سپهر نشان رسید لشکری از نو بخراسان فرستادند
که معاون اردو و متابع صمصامخان سرتیپ باشند و آن لشکر عبارت بود از عباسقلیخان بن ابومحمدخان
بادکوبه و فوج خوی و علیخان قراگوزلو و فوج همدانی و حسنعلیخان سرتیپ که الحال وزیر خواپد است با فوج
گروسی و جمعی از سواران کرد و ترک آذربایجان و عبدالعلیخان سرهنگ مراغه توپخانه با چهار عراده توپ
و برخی دیگر از قشون ظفر نمون خلاصه این اردو منزل پیموده تا بچمن چهچهه رسیدند و در پنجم ذیقعده
در نیم فرسخی شهر بکوه سنگی نزول کردند و در آن روز سالار با سپاه از شهر بیرون آمد ولی بدون محاربه
بازگشت بعد از چند روز که صمصامخان و لشکریان از کوه سنگی کوچ کرده برابر دروازه منزل کردند
سالار با سپاهی فراوان و چند عراده توپ از دروازه نوقان بیرون آمده و در برابر صمصامخان و عساکر
نصرت اقتران صف کشیده و از دو جانب محاربتی عظیم درگرفت گلوله شمخال و توپ مثل تگرگ بر ایشان میبارید
و کار چنان شده بود که از لشکری که در رکاب نواب والا حسام السلطنه بودند امداد قشون تازه رسیده
در حیز اشکال بود با اینکه قورخانه این لشکر در عقب و هنوز نرسیده بود ثبات قدمی سخت نمودند و از
وقت ظهر تا دو ساعت از غروب گذشته جنگ امتداد داشت آخر شهریان عقب کشیدند و لشکر نصرت اثر
از دنبال سالار تا کنار خندق قتال کنان همی رفتند چون آنها از خندق بگذشت بازگشتند و شب را مانده
روز بلشکرگاه نواب والا حسام السلطنه پیوسته بطرحی از آن اردو منزل گرفتند پس از چند روز سالار دیگر
باره با پیاده و سواره از دروازه نوقان بیرون آمده طرح جنگ ریخت لشکر حسام السلطنه و سپاه صمصامخان
موافقت کرده سالار و همراهان و جمعیت او را هزیمت دادند و تا کنار دروازه تعاقب کردند هم در شب نهم
ذیقعده چهار هزار کس بچناران بتاخت و یغما رفتند قراولان که در دروازه سراب بودند خبر باردو فرستادند
سامخان با سوار جرار از قفای تراکمه و سپاه شهری رفت و در دو فرسنگی دو قریه را تاخته و سد و پنجاه نفر
مرد و زن اسیر ساخته بودند با ایشان تلاقی نموده دو لشکر درهم افتادند و تنور قتال گرم شد آخر الامر سامخان
ظفر یافته سپاه سالار را بکوفتند اسیران را آزاد و بجای ایشان هشتصد نفر از طرف مقابل اسیر شده را
باردو آوردند نواب والا حسام السلطنه حکم نمودند سلاح و حربه شهریان را گرفته خود آنها را رها نمودند و
دویست نفر از اسرا را که اکثر ترکمان بودند در حضور والا سیاست نمودند و بعد از این سانحه سواران سالار را

قدرت بیرون آمدن از شهر و با لشکر حسام السلطنه رزم کردن نماند ولی از بالای باره و برج بواسطه توپ و
تفنگ معارضه میکردند و گاه گاهی انتهاز فرصتی نموده بر سنگرها یورش میآوردند و حاصلی جز انهزام نمیبافتند
ولی از کار پیکار روزی آسوده نبودند و شبی بدون این نگرانی بسر نمی‌غنودند و زیاده از یکسال بود که سالار
با عساکر دولت هم از مبارزت میزد و هنوز پا میفشرد و جنون او را براه ثبات قدم میبرد بالجمله درین ایام
قشون قضا نظام بانتظام امور محاصره پرداختند و در افزودن سنگرها و بستن معبرها سعی وافی بعمل آوردند برجها
بساختند و در آنها تفنگچی و قراول سرباز گذاشتند در این موقع سه هزار نفر سوار ترکمان مروی بکمک سالار آمده در
میل ایاز شش فرسنگی مشهد مقدس بودند که بحکم نواب والا حسام السلطنه عباسقلیخان سرتیپ با دو کوپه باشی
عراده توپ و دو هزار سوار رزم دیده باتفاق شاهخان و سواران خراسانی و عراقی و آذربایجانی راه بر گرفتند سحرگاهی
از گرد راه بمجادله و مصادمه مشغول شدند جنگ بزرگی روی داد محمد شیخ سردار تراکمه منهزم شده سیصد نفر از
تراکمه گرفتار و صد نفر مقتول شدند و امرا مظفر و منصور باردو باز آمدند خبر این فتح را با عریضه حسام السلطنه
بدار الخلافه بردند هم از دار الخلافه حاجی یوسفخان سرتیپ فوج قراداغی و توکل خان با فوج خمسه و چهارصد نفر
سوار کلیائی و پانصد بار قورخانه و سه عراده توپ باردو ملحق شد و بحکم والا در میانه اردو و سنگر دروازه نوغان
بنیان سنگری جدید کردند و پاسبانه رفیع که مشرف بشهر بود بساختند و توپ مجدد پوند بالای آن بردند که گلوله
از آن بنیان سراهای شهر را ویران میکرد و از جانب سالار نیز برابر هر سنگری از سنگرهای اردو بر کنار خندق برای محافظت
خندق سنگری محکم برپای کردند و تفنگچیان زبردست در آنها نشاندند و هر روزه سالار و پسرش امیر اصلانخان بیرون
آمده با لشکر فیروزی اثر مجادله و مصادمه مینمودند و زیاده از دویست نوبت با سپاه منصور کارزار شده بود
که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام میبود خلاصه درین ایام از جانب امنای دولت قوی‌شوکت اسکندرخان قاجار
که در خراسان بود بدار الخلافه احضار شد و محمد ناصرخان (که الحال ظهیر الدوله است) در الوار این ابراهیم خان سردار این
حاجی جان محمد خان بسرداری سپاه خراسان اختصاص یافت و عباسقلیخان بن محمد زکی خان نوری که در این وقت
سرتیپ افواج بود و حیدرعلی خان سرهنگ فوج ششم تبریزی با چند عراده توپ روانه مشهد مقدس شدند روز
چهاردهم ماه صفر وارد عسکر پیر کردید و روز هفدهم جمعی از جانب نواب والا باستقبال رفته سردار را باردو آورده
باشند و در بین خط وقتی سردار رسید که از منزل کوچ کرده و راه میسپرد سالار دید که از جانب عسکریه لشکری در حرکت است
و از اردو سپاهی بدو برای پذیره میپیوسته این امر را فوزی عظیم دانسته با توپخانه و سوار و پیاده از شهر بیرون
رفته راه را بر سردار بسته از دو طرف صدای شلیک توپ بلند شد نواب حسام السلطنه از استماع بانگ توپ بر
قضیه واقف گردیدند و فرمان دادند که سوار و توپخانه از اردو بمعاونت سردار حرکت کنند علیخان قراگوزلو و عبد العلیخان

[illegible]

با چهار عراده توپ برفتند و خود نواب والا نیز دنبال ایشان را گرفتند وقتی سپاه و توپ رسید که سواره شهری
و پیاده افواج حمله برده و داخل شده بودند از پشت سر سالار نعره توپ اردو و تفنگ سربازان بلند شد و سپاه
سالار یکمرتبه بمجادله بر در آمدند و روی بدین سو کردند امیر اصلانخان پسر سالار و عباسقلیخان سرهنگ از غایت
جلادت پیاده شده پیشاپیش لشکر اقدام بجنگ میکردند در بین اثنا نواب والا حسام السلطنه در رسید و جنگ
بزرگ شد از دو جانب اسب و سوار را گلوله توپ با خاک یکسان میکرد آخر الامر سپاه سالار منهزم نموده و تا در شهر
با قدرت تعاقب کردند و این وقت سه ساعت از شب رفته بود سالار بشهر داخل شد و سردار بماند و نواب والا
چنان مصلحت دیدند که سردار بعد از سه روز باردو آید و در عسکریه بماند و حسب الحکم در اردوی سردار سنگرهای
محکم ببستند چون سه روز بگذشت قرار شد که لشکر عسکریه سردار از حرکت نموده از جانب کوه سنگی گذشته بطرف دروازه
آمده در دو روی ارک را محاصره نمایند از زمان حرکت سردار تا زمان ورود میانه شهری و سردار که بردار و کارزار بود
و استماع بر سبیل استمرار استماع صدای شلیک توپ و تفنگ مینمودند تا بکوه سنگی رسیدند و نزول کردند و بعد
از ورود سردار بکوه سنگی نواب والا حسام السلطنه سردار را باردوی خود برده عباسقلیخان سرتیپ را بحفظ
و حراست اردوی کوه سنگی مأمور نمودند و از آن پس مصلحت دیدند که اردوی سردار بمحاصره اطراف ارک و
دروازه ارک مشغول باشند لهذا آنها از کوه سنگی حرکت داده در یکمیدانی ارک که توپ در آن نبود مقام دادند و
بنای سنگر گذاشتند و سالار نیز در برابر سنگر ایشان کمیت و سنگرهائی بساختند که آمد و شد مابین مردم سنگر
سرای را بینکو ارک مانع شوند و روز بروز از طرفین در تقویت کار خود سنگر و سیبه و برج و پاسبان محکم می
کردند و عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت مجادله و محاصره ملول گردید
از وقایع این سال ۱۲۶۵ نیز یکی فتنه ملا محمد علی مجتهد زنجانی بود که بطریقه بابیه رفته و ما تفصیل از ابتدا و ذیل نگارش
سال قبل درج نموده ایم
هم درین سال در تبریز شورشی برخاست و تفصیل آن اینکه در شهر تبریز میدانی است که آنرا میدان صاحب الزمان
میگویند و گویند در اطراف میدان بقعه ایست معروف ببقعه صاحب الامر علیه السلام و عقیده اهالی این است که در سوابق
ایام یکی از مشایخ طریقت در عالم رؤیا بامر اقبت آنحضرت عجل الله تعالی فرجه باد را آنمحل مشغول نماز دیده بنا بر این
مردم تبریز آنمحل را محترم میدارند و موسوم باسم مسطور نموده اند و جعفرقلیخان دنبلی در اینجا بقعه بنا کرده
و خادم و متولی برای آن قرار داده اند و طلب حاجت از آن مینمایند درین اوان قصابی گاوی بمذبح کردن میبرد
برده که ذبح نماید گاو خود را از دست قصاب رهائید و بدهلیز بقعه صاحب الامر رفت قصاب در پی گاو شتافته خواست
در همان دهلیز او را ذبح کند از قرار مذکور همان وقت از پا افتاده چند قطره خون از بینی او برفت و بمرد گاو

نیز از اینجا فرار کرده بخانه میرزا حسن متولی آن بقعه آمد مردم از این واقعه در عجب شده نقاره خانه شهر را بآنجا
برده بنواختند و جشنی کردند و قربانی و نذورات تقدیم نمودند و از دهات و قصبات دور و نزدیک بزیارت
آمدند و غوغای عوام و ازدحام مردم مورث شور و شر و موهم فتنه و خطر گردید محمد رضا خان فراهانی که در این وقت
وزارت آذربایجان داشت بدستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرو نشاند
نیز از وقایع این سال رفتن عزیز خان آجودان باشی است بایروان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت
روس تبیین آنکه چون اوان ورود حضرت ولیعهد دولت روس الکساندر پسر مرحوم امپراطور نیکلا که الحال
اعلیحضرت امپراطور الکساندر دویم هستند برای نظم حدود قفقاز و مملکت گرجستان بایروان متامد ندبا
بر مصافاتی که بین دولتین علیتین بود بصوابدید میرزا تقی خان امیر نظام عزیز خان آجودانباشی را که بعدها
بمنصب سرداری کل عساکر منصور نایل گردید از دربار اعلیحضرت اقدس همایون مامور شده نامه مودت ختام با تمثالی
مهر مثال مرصع و مکلل بالماسهای قیمتی با یک رشته حمایل آسمان رنگ همراه معزی الیه برای حضرت ولیعهد مزبور
انفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب اول سفیر دولت شده حامل هدیه و تحف امیر نظام برای فرمان
فرمای گرجستان گردید خلاصه عزیز خان از دار الخلافه بزنجان شد و چند روزی در آنجا بدفع ملا محمد علی
مشغول بود بعد ها بکنار رود ارس رفت و از جانب کارگذاران دولت روس نیز مهمانداری از برای او در رسیده
شرایط پذیرائی او را کاملاً معمول داشتند و از آنجا روانه شده هشت روز قبل از ورود حضرت ولیعهد بایروان
وی بدان بلد رسید خاک ایروان با احترام تام و تمام او را با همراهان پذیرفت روز دیگر اسمعیل خان نایب اول
سفارت بتفلیس رفته هدایای امیر نظام را بفرمانفرمای گرجستان رسانید شش روزه ماموریت خود را انجام
داده مراجعت نمود روز هشتم وصول عزیز خان حضرت ولیعهد دولت روس وارد ایروان شدند و دو ساعت
بعد از ورود ایشیک آقاسی و آجودان مخصوص خود را با کالسکه مخصوص نزد عزیز خان فرستاده او را نزد خود
خواندند او باتفاق اجزای سفارت بحضور حضرت معظم رفته حمایل و تمثال همایون را تسلیم کرده تبلیغ مراتب وداد
و درجه مخالصت و اتحاد اعلیحضرت شاهنشاهی را نمود حضرت ولیعهد در اخذ اشیا تکریمی منظور نمود عزیز خان و
هر یک از اجزای سفارت را مورد تفقد و ملاطفتی خاص داشتند و بهر یک عطیه جداگانه بدادند و جواب
منشور خسروانه را نیز با شرحی مبتنی بر کمال مهر و صفاوت نگاشته برسانیدند عزیز خان بعد از انجام ماموریت
بر تبریز آمد و اسمعیل خان را برای بازدید افواج مراغه بدان بلد فرستاد و خود روانه آستان همایون گردید
هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهانست تفصیل این اجمال آنکه چون سلیمان خان خانان از
حکومت اصفهان بدربار معدلت مدار احضار فرمودند حکومت اصفهان بنواب محسن خان سپهدار تفویض شد

و او محمد حسین خان خلج را از پیش بر نیابت بدان بلد فرستاد تقریباً ماهی بعد از ورود محمد حسین خان باصفهان
روز جمعه مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه اصفهان بمسجد شاه آمده که نماز بگذارد یکی از اصحاب او در مسجد
با یکنفر سرباز آغاز مخاصمت نمود و برای جانبین مدد رسیده هنگامه در گرفت امام جمعه از مسجد بیرون آمد
که آتش فتنه را بنشاند سربازان چنانکه باید رعایت حرمت او ننمودند امام جمعه هم بر آمده بخانه سپهدار رفته
اظهار تشکی نمود قرار شد که فردا سپهدار بمیدان شاه آید و سربازان را تنبیه کند و امام جمعه بخانه خود رفت
مردم هنگامه طلب خاصه احمد میرزا که از طرف مادر نسبش بسلاطین صفویه میرسید فتنه را شنیده بر آن
شدند که هم امام جمعه را بمخالفت اولیای دولت منسوب و هم در امر حکومت سپهدار خللی اندازند لهذا
صبح دیگر عوام و بازاریها را شورانیده در مسجد جامع جمع شدند که ما پاداش توهین امام جمعه را خواهیم نمود
و انتقام خواهیم کشید سپهدار خبر شده محمد حسین خان نایب را باصلاح و دفع این غایله فرستاد بمسجد جامع بعد
از رسیدن او بجمع سخنی نگفته احمد میرزا با او بمناقشه برخاست و کار از مناقشه بمفاحشه رسید چوبی که در دست
داشت بر سر او زده اشرار را بکشتن او خواندند امام جمعه منع نتوانست نمود و اشرار چند زخم باو زدند او خود را
در حوض مسجد انداخت آخر الامر امام جمعه محمد حسین خان را از حوض بیرون آورده بخانه یکی از خویشان خود برد
و بمداوا پرداخت روز دیگر سپهدار کس فرستاده او را بدار الحکومه آورد بعد از دو روز در گذشت احمد میرزا
که باعث عمده قتل محمد حسین خان بود با میرزا عبد الحسین مستوفی و محمد علیخان و ابو هیمخان در خفیه هم عهد شده
مخالفت سپهدار را اختیار نمودند و جمعی از اشرار دور خود جمع کردند سپهدار حسن آقای سرهنگ را با دسته
سرباز بدفع احمد میرزا فرستاد وی چون قوت مقابلی نداشت با اهل و عیال و اموال بمسجد جامع پناه برد سربازان
بخانه او رفته آنخانه را نهب و خراب کردند از آنطرف امام جمعه که باطناً با احمد میرزا از قدیم صفائی نداشت از او حمایت
نکرد لابد احمد میرزا از آنجا بخانه میرزا زین العابدین پسر مرحوم حاجی سید محمد باقر اعلی الله مقامه نقل نمود و در آنجا
جمعیتی بهم بسته هر روزه تا حوالی میدان شاه میتاخت و سربازان و توپچیان بمدافعه پرداخته ایشان را تا مسجد
مرحوم سید رحمه الله باز پس میبردند و در این هنگام میرزا عبد الحسین نیز میرزا ابو القاسم طغیان خود را
آشکار کردند سپهدار که این بدید حاجی سید اسد الله ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر رحمهما الله و آقا محمد مهدی
ولد مرحوم حاجی محمد ابرهیم کرباسی و سایر علما را دعوت کرده با ایشان سخن نمود ایشان گفتند هر کس بر خلاف
پادشاه اسلام باشد خون او مباح است و ما این قوم را واجب القتل شناخته ایم و بر طبق این گفته خطی نوشته مهر کرده
بسپهدار دادند و بمنازل خود مراجعت نمودند و حاجی سید اسد الله بعد از مراجعت برادر خود میرزا زین العابدین را
از حمایت اشرار منع بلیغ کرد و او نپذیرفت لهذا حاجی سید اسد الله سر خویش گرفته با جماعتی از عتبات عالیات شد

ونایره شرارت اشرار غلظت یافت و سپهدار بدفع آنها پرداخته و بنای زد و خورد گذاشتند و شمخالچیان بالجمیع
بحکم سپهدار دروازه کوچه عباس آباد گرفته سنگرها که اشرار در کوچه‌ها داشتند بکوفتند تا بخانه میرزا عبد الحسین
رسیدند و داخل خانه شدند و سربازان بنهب پرداختند میرزا زین العابدین که حامی اشرار بود خبر شده دسته تفنگچی
بخانه میرزا عبد الحسین فرستاده شمخالچیان و سربازان را هدف گلوله نمودند و او را با چند تن سرباز بقتل رسانیدند
و چون کار بدینجا کشید سپهدار مراتب را بعرض اولیای دولت علیه رسانید و جمعی مامور دفع اینغایله شدند و
حاجی سید اسد الله که روانه عتبات شده بخواهش امنای دولت از گلپایگان باصفهان مراجعت فرمود و پس از مجادله
دباد و قتل نفوس بر اشرار معلوم شد که طغیان ایشان را جز خذلان نتیجه نیست لهذا آرا بر این اتفاق نمود که مقصرین
در خدمت آقای حاجی سید اسد الله بدربار معدلت مدار آیند و بشفاعت جناب معظم تقصیرات ایشان معفو شود
و چون از شهر خارج شدند و بمورچه خورت رسیدند حاجی کیکاوس میرزا که در اصفهان بجهة ضبط بتول و سیورغال
خود جای داشت امر مقصرین را از طلب شده با جمعی سپاهی و توپ بمورچه خورت بر سر ایشان رسید احمد میرزا و میرزا
عبد الحسین و بعضی دیگر باز بنای جدال گذاشتند ولی چون صدای توپ بلند شد هر کسی اسبی داشت سوار شده
فرار کرد و بسیاری از اشرار دستگیر شدند احمد میرزا و برادرانش بدار الامان قم پناه بردند و در آنجا پسرهای محمد
حسینخان خلج بقصاص و خون پدر یکشب در صحن مقدس ایشان را هدف گلوله کردند و پسر حبیب میرزا برادر بزرگ
احمد میرزا مقتول شد میرزا عبد الحسین که باراضی کاشان گریخته بود چندی در قریه قمصر پنهان بود از آنجا بکاشان رفته
بر آقا سید مهدی پسر حاجی سید تقی پشت مشهدی پناه برد معظم الیه فرمود من مخالف پادشاه اسلام را حامی نشوم هر جا
که خواهی برو میرزا عبد الحسین دیگر باره بطرف اصفهان رفت و در قریه ده نو بخانه علی نام که ملازم او بود منزل نمود
علی ملازمان سپهدار را از اینمطلب خبر داده رفتند میرزا عبد الحسین را گرفته بشهر بردند و پس از چند روز
بحکم اولیای دولت اورا بجای دیگر روانه نمودند و بعد از دفع اینغایله چراغعلیخان بحکومت اصفهان مامور شد
هم در اینسال نواب احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد خسرو خان لکی را گرفته
مغلولاً بدار الخلافه فرستاد و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت اردبیل و مشکین مامور شد و آن صفحات را انتظام داد
و از حادثات اینسال وفات شاهنشاه زاده سلطان محمود میرزا بود که بولیعهدی منصوب میبود و در صغر سن رحلت
کرد و در اینسال حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدر اعظم شهریار مبرور رضوانی (محمد شاه) طاب الله ثراه که در
عتبات عالیات اقامت داشت در شب جمعه دوازدهم ماه رمضان المبارک بعالم باقی روانه شد گویند با وجود
صحت یکهفته قبل از فوت خود خبر داده بود تغمده الله
هم در اینسال ۱۲۶۵ محمد حسن خان سردار ایروانی حکومت یزد یافت و آقاخان ایروانی که از اقارب او بود بنیابت حکومت او

یزد آمد و محمد عبد الله که در نیوقت بازدم از خود سری میزد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نکرد
بلکه گاهی قصد مقابلت و مقاتلت مینمود و چیزی نگذشت که سید یحیی که شرح حالش در وقایع سال قبل مسطور
شد بیزد آمد و محمد عبد الله از احزاب او شد و بنای شرارت و فتنه گذاشت اما کاری از پیش سید یحیی نرفت و از
یزد راه شیراز گرفت و همچنین آقاخان از نیابت یزد معزول و شمخالچیان عمزاده محمد حسن خان سردار بجای
او منصوب شد و بیزد آمد محمد عبد الله را بخواند و بنواخت و خلعتی داد چون خواست از منزل شمخالچیان بیرون
رود یکی از ملازمان شمخالچیان او را دعوت کرده در منزل او محمد اسمعیل نام غلام ایروانی خنجری بر شانه او
زد و دیگری نیز او را هدف گلوله تفنگ کرد و اهل یزد از شر محمد عبد الله آسوده و شهر نظم گرفت
هم در اینسال ۱۲۶۵ بصوابدید میرزا تقیخان امیر نظام ابراهیم خلیلخان را از دار الخلافه باهره باردبیل کوچ دادند

وقایعی که در اینسال ۱۲۶۵ در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

در اینسال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی مهندسی
از اهالی ینکی دنیا معدن طلائی در سواحل رودخانه های (سارمانتو و سان ژواکین) در ایالت کالیفرنی
انکشاف نمود) (جنرال تیلور بریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید) (مابین اتازونی و مکزیک عهد صلح
منعقد گشت) (ایالت کالیفرنی را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد باتازونی

اسپانیول

در اینسال شورشی در مملکت پای تخت اسپانیول برپا نمودند) (الوزاکا که یکی از شورشیان بود محبوس شد)
(میان دولت اسپانیول و دولت انگلیس بجهة تفتین سفیر انگلیس قطع مراوده شد) (اول خط راه آهن در
اسپانیول بمسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون الی ملاتا باشد ایجاد و ابداع شد)

اطریش از ممالک آلمان

در اینسال ۱۲۶۵ تعیین وزرای مجارستان شده و معین گردید که از وزرای مملکت اطریش مجزی باشند) (در
وین پای تخت اطریش شورشی برپا و مسیو مترنیخ وزیر اعظم معزول شد) (امپراطور اطریش بسبب شورش
اهالی وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروک را غیر لازم دانسته از آنجا هجرت کرد) (عساکر
اطریش که در خاک ایطالیا بودند شهر فرارکه جزو روم و در تصرف پاپ بود بغلبه متصرف شدند) (امپراطور اطریش
بعد از چندی وارد وین شد) (مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرک
سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش مامور بود بقتل رسانیدند) (و بعد از دو روز کونت لاتور وزیر جنگ را

شورشیان کشتند) (امپراطور مجبوراً از وین بالموتز فرار کرد و سه روز بوسیلهٔ استمرار قشون دولتی شهر وین کلوله توپ و نارنجک میانداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد) (امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف را که برادرزاده خود و آنوقت هجده ساله بود بجای خود منصوب نمودند

انکلیس

۱۲۶۵ دراینسال در بعضی از شهرهای ایرلاند شورشی پدیدار آمد) (لورد بنتینک که از معارف رجال دولت بود درگذشت

ایطالیا

۱۲۶۵ دراینسال در جزیرهٔ سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا شد) (فیمابین دولت اطریش و ساردینی و لمباردی منازعه درگرفت) (سفاین جنگی پادشاهان ناپل و ساردینی بر بندر تریستا از بنادر اطریش وارد شد) (ایالتین ساردینی و لمباردی یکی شده سلطنت شارل البر پادشاه پیمن را اختیار کردند) (شهر میلان که بتصرف شارل البر درآمده بود و از تصرف اطریش خارج کردید بواسطهٔ نفاق جمهوری طلبان بریاست مازینی از تصرف شارل البر بیرون شد و مجدداً بتصرف اطریش درآمد) (شهر ونیز و توابع اعلان جمهوری نمودند) (پاپ بعد از قتل مسیو روسی صدراعظم خود از اهالی روم سوءظن حاصل کرده بناپل رفت

باویر از ممالك المان

۱۲۶۵ دراینسال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولد خود ماکسیملین دویم را بجای خود نصب کرد

پروس از ممالك المان

۱۲۶۵ دراینسال در برلن پای تخت پروس مختصر شورشی بظهور رسید

دانمارك

۱۲۶۵ دراینسال کریستیان هشتم پادشاه دانمارك درگذشت و سلطنت بفردریك هفتم ولد ارشد او رسید) (ایالات اسلسویك و هولستین شورش نمودند قشون پروس باین ایالات وارد و رانژل سردار پروس چند شهر ازین دو ایالت را متصرف کرد) (دولت فرانسه و انکلیس و روس درین جنگ مداخله نموده حمایت از دولت دانمارك کردند

روس

۱۲۶۵ دراینسال در اغلب بلاد ممالك روس وبای شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشك سالی سبب مشقت اهالی کردید

سود

۱۲۶۵ دراینسال سلاطین سود و دانمارك با یکدیکر ملاقات کردند و پادشاه دانمارك را در نظم ایالات باعانهٔ سلطان سود امداد نمود) (برزلیوس شیمیست معروف درگذشت)

سویس

۱۲۶۵ دراینسال شهر برن پای تخت دولت و مرکز جمهور کردید و مقرر شد موقوفات کلیسا باطلاع دیوان دولت جمهور بمخارج مقرره برسد

عثمانی

۱۲۶۵ دراینسال رشید پاشا صدراعظم عثمانی بمقدمه از صدارت عظمی عزل و صادم پاشا نصب کردید) (مجدداً بعد از پنجماه نصب رشید پاشا در افلاق و بغدان شورش نمودند و قشون روس بهانهٔ نظم این دو ایالت آمده تا بوکارست پای تخت رفت

فرانسه

۱۲۶۵ دراینسال لوی فیلیپ پادشاه فرانسه بواسطهٔ شورش مردم خود را از سلطنت خلع نموده پسرزاده خود را بجای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین این مطلب نکرده بشورش افزودند لوی فیلیپ بغفلة فرار بمملکت انکلیس نمود اهالی شهر هجوم و بعد از خونریزی شدیدی در حوالی عمارت سلطنتی شده عمارت سلطنتی که موسوم بتویلری بود غارت کردند آنگاه اهالی فرانسه چند دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل مملکت جمهوری طلب شدند لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول که در مملکت انکلیس فراری بود وارد پاریس شده دو سه ایالت او را بسمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند) (آرشوك پاریس که اعظم قسیسین آنشهر بود با چند نفر جنرال در یکی از جنگها که اهالی شهر باهم میکردند کشته شدند) (آخرالامر لوی ناپلیون برای چهار ساله جمهوری برقرار شد) (راه آهن از پاریس الی بندر دیپ دراینسال کشیده شد) (شاتوبریاند که شاعر معروف و نویسندهٔ مشهور فرانسه بود در سن هشتاد سالگی دراینسال درگذشت

مصر

۱۲۶۵ درینسال مرض محمد علی پاشای مصری اشتداد یافت و ابرهیم پاشا ولد محمد علی پاشا والی شد و چیزی نگذشت که درگذشت و عباس پاشا برادرزاده محمد علی پاشا بوالیگری رسید

هولاند

درینسال در مملکت هولاند قرار آزادی ادیان شد باینمعنی که هر کس در هر مذهبی باشد در کمال آسودگی و رفاهیت میتواند در این مملکت زیست و زندگی نماید

وقایع سال سیم سلطنت تاجداری اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران ادام الله ایام ملکه و سنین سلطنته مطابق سال هزار و دویست و شصت و شش هجری ابتدای ایت ئیل ترکی

تحویل نیر اعظم از برج حوت بحمل در این سال خیر مآل هشت ساعت و یک دقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته بود مراسم جشن و سلام عید بوجهی شایان باشکوهی نمایان بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدرجه کمال رسید هرچه اختلالی که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار و اغتشاش کار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید نظام مبدل بانتظام شده صورت اختتام یافت تبیین این مقال آنکه چون محمد ناصر خان ظهیر الدوله چند روزی در ظاهر مشهد مقدس بماند و نواب والا حسام السلطنه بمباشرت وی کار محاصره را منظم نمود و چند بار با شهریان کارزار کردند و شهریان را هزیمت داده بشهر دوانیدند و منافذ خندق را برای یورش بردن شهر و تسخیر قلعه بینباشتند کار بر سالار و اتباع او بنهایت دشوار شد و رای مصالحت و مسالمت نیز قوت گرفت بنابراین ابتدا حسین پاشاخان متعهد گرفتن دو سنگر خاکی که در برابر سنگر نوقان بود گردید نواب والا حسام السلطنه با دو فوج وعده‌های لایق نمودند حسین پاشاخان سرتیپ شبی بهنگام ساعت از غروب گذشته با جلادت و رشادتی تمام بران دو سنگر یورش برده هر دو سنگر را با صد و پنجاه نفر از تفنگچیان سالار مسخر و دستگیر نمود جماعتی از شهر بمدافعه سرتیپ مزبور آمدند محمد ناصر خان با دسته قشون کاری بکمک سرتیپ مزبور بود در محافظت

سنگر

سنگر تا روز کوشید و صاحب‌منصبان لشکر هر یک بسنگر خندق افتادند و بزحمتی تن در دادند و موافقان سالار را رعب غالب آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب والا حسام السلطنه کردند عباسقلیخان دره‌جزی نامه بپاشاخان ایلخانی نوشته اظهار خیرخواهی دولت علیه نمود و روز دیگر ایلخانی بدروازه نوقان رفته با عباسقلیخان مکالمات کرد و او را آسوده خاطر ساخت روز بعد از آن روز پاشاخان ایلخانی و صمصام خان روسی و چراغعلیخان و عباسقلیخان کرد جهانبیگلو و حسین پاشاخان بدروازه شهر رفتند و عباسقلیخان دره‌جزی و بهادرخان جامی و آقا باباخان فراشباشی و کریمداد خان هزاره و ارض خان سرخسی در حوالی دروازه نوقان مجلس مصالحه آراستند و پس از هرگونه گفتگو اطمینان خواستند نواب حسام السلطنه ایشان را امان دادند و قرار بر این شد که از گذشته درگذرند و جان و مال شهریان در امان باشد و سالار را بدست ندهند این شرط را بزرگان اردو قبول نکرده گفتند باید سالار بدار الخلافه رود یا بهرات یا محمدخان را شفیع قرار دهد یا بهر طرف که خواهد اما عیال و اولاد او و اکثر منتسبان دولت اند با خود نبرد و هر روز با لاچیق ترکمانی بطور خواری نزول نماید بالاخره اکابر مسطوره باردوی والا آمدند و دستخطی مبنی بر این شروط گرفتند و مخلع بشهر باز شدند عباسقلیخان دره‌جزی قرار داد که فردا صبح علی الطلیعه صمصام خان و چراغعلیخان بدروازه آیند تا دروازه را تسلیم دهند و چنان کردند و چهارصد نفر سرباز قرائی را بدروازه راه دادند و در بالای برج جای دادند و دهان توپخانه را که بجانب اردو بود بطرف شهر نمودند و صد نفر تفنگچی پاشاخان بر کنار دروازه صف کشیدند و عباسقلیخان صمصامخان را بدروازه بالاخیابان برده و پاشاخان بدروازه پایین خیابان رفت سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر بدرون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شدند و هر یک بطرفی رفتند و شهر مشهد در نهم جمادی الاولی امسال بتصرف عساکر منصوره آمد و در همین روز پاشاخان باردوی ایلخانی رفته خود را در تحمل یکشب میرزا عسکری امام جمعه و علما و متولیان بقعه و روضه مبارکه نزد سالار آمده او را از جسارتهای دفتر ملامت کردند و گفتند تو برای این روضه مقدسه حرمتی باقی نگذاشتی که اکنون پناه بدان آورده چه جماعتی از سربازان اثنی عشری که بدین مقام کریم پناه آورده بودند برون بردی و بظلم هلاک کردی و چندین هزار مسلمان را بتراکمه مرو و سرخس بخشیدی برخیز و بهر جای دیگر که تو را اینجا پناهی نخواهد بود و لختی سخنان سراسیمه بگفتند و سودی نکرد علما برفتند و تنها ماند امیر اصلان خان پسر سالار گفت دو شب پیشتر گفتم در توقف بشهر محصور ماندن خیری نیست عزم آن است که بیرون رویم و راه بیابان گیریم تا چه پیش آید از من نپذیرفتی و اکنون ما را به بند و بکشان حسام السلطنه سپارند در این گفتگو بودند که چراغعلیخان از جانب نواب والا حسام السلطنه نزد سالار آمده با او سخنها گفت و او را با دو پسرش امیر اصلان خان و ولیخان بخش میرزا و محمدعلیخان برادرش بر چهار اسب پالانی

نشانده بلشکرگاه برد و بعد از چهار روز بحکم نواب والا حسام السلطنه حسین پاشاخان آن چهار تن را بمنزل خود
برده جمعی را مستحفظ ایشان قرار داد و اعلام را چاپاری راه دار الخلافه کرفت توپهای شهر را بارده آوردند و محاصره را
ترک نمودند راه آمد و شد مفتوح و ابواب مخالفت مسدود کردید نواب والا با اهالی هر سنکر انعام و اکرام زیاد
نمودند و بعزم زیارت وارد شهر شدند و مقبّل آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی علیه سلام الله و علی آبائه الطاهرین
و ابنائه المعصومین نمودند و در باغ آصف الدوله منزل کردند و هر خدمتی را بر عهده شخصی مناسب معیّن و مقرّر
داشتند و از هفتصد خانوار مروی که در مشهد مقدس متوقف بودند بحکم والا سام خان سیصد خانوار را
کوچ داده در خبوشان ساکن کرد و دویست خانوار را محمد ولیخان قرائی بتربت برد و دویست خانوار دیگر هم در اراضی
و قرای ارض اقدس پراکنده مکان یافتند آنگاه مجلس شورای عسکریه دار و تشکیل و خیانات سالار بدین
دولت ثابت کردید و خود بجرایم خود اقرار نمود بنابراین اجرای شوری حکم بسیاست سالار نمودند و نواب والا
حسام السلطنه بر طبق آرای بزرکان اردو و سران سپاه ظفر همراه سیاست سالار را بحسین پاشاخان محوّل داشتند
حسین پاشاخان سالار و محمد علیخان برادر سالار و امیر اصلانخان پسر او را که مادرش ترکمان بود بسزا رسانید
و یزدان بخش میرزا پسر دیگر سالار برای حفظ عیال او باقی ماند و این غایله در عصر یکشنبه پانزدهم شهر جمادی الثانیه
هزار و دویست و شصت و شش اتفاق افتاد و موجب عبرت ناظرین و سامعین شد و میرزا محمد خان برادر دیگر
سالار که در سبزوار کرفتار شده بود بدار الخلافه بردند و در شب چهارشنبه نهم رجب او نیز بهرک خدائی در
کذشت بعد از انجام این خدمت نواب حسام السلطنه بنشان تمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصّع و همین لقب مفتخر
و نایل کردید و محمد ناصرخان سردار نشان الماس یافت و هر یک از چاکران خدمتکذار باندازه لیاقت و خدمت مورد
مرحمت شده دارای خلعت و نشان کردیدند و بعضی از توپها و افواج را روانه دار الخلافه نمودند و چراغعلیخان
بعد از ورود قوللر آقاسی کشت و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد

۱۲۶۶ نیز در این سال فتنه سید یحیی دفع و بانتها رسید و شرح آن در ذیل وقایع سال اول نکاشته شد

۱۲۶۶ و در این سال نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس شیخ نصرخان پسر شیخ عبد الرسولخان دریا بیکی را که حکومت
بندر بوشهر داشت معزولا بدار الخلافه فرستادند و میرزا حسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت
دادند شیخ حسینخان عم شیخ نصرخان بترسید که این حکومت موروثه از این سلسله بیرون رود و اعراب را بامداد
خواست و رای کمک بدرا بیست و در بندر بوشهر نشست چون این خبر بشیراز رسید مصطفی قلیخان قرا
کوزلوی سرتیپ با افواج خود بمعاونت میرزا حسنعلیخان و مدافعت شیخ حسینخان برفت و مخالفت او را ظاهر
دید نامه بتجار و متوطنین بندر بوشهر نوشت و بوعد و وعید و امید و تهدید مردم را از دور شیخ حسینخان

پراکنده نمود شیخ حسینخان که موافقین را متفرق دید از بیم در کشتی نشسته بدریا راند و سرتیپ با میرزا حسنعلیخان
دریا بیکی بی‌زحمت قتال و جدال وارد بوشهر شدند مصطفی قلیخان سرتیپ بازای این حسن خدمت بمنصب میر
پنجکی نایل و میرزا حسنعلیخان سالها در آن ولایت با سیکی پسندیده و سلوکی خوش بماند

هم از وقایع این سال طغیان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصور خان طباطبائی است که سالها در کوه کیلویه
حکومت داشتند و برادر حکومت بهبهان مجتهد بی‌سابقه صافی نکشته بود و کاری نزد معتمد الدوله منوچهر خان
و پیش از آن در خدمت امین الدوله عبد الله خان بر میبرد چون حکمران فارس بنواب والا بهرام میرزا (معز الدوله)
و سید محمد کریم خان قاجار دائی کوه کیلویه میرزا فتح امور را نصفات نظمی بحکومت و الوار سکنه آن بلاد دیکر
کردید نه میرزا قوام بدانجانب رفته بمعاونت اعراب و موافقت بعضی دیگر دست تصرف در اموال و اثقال خلایق
دراز کرده و قلعه‌های محکم کل و کلاب را تعمیر کرده راه خود سری پیش کرفت و بقطع طرق و راهزنی قوافل پرداخت
و بر قرابت با اعراب افزود و در وقتیکه نواب والا اردشیر میرزا بحکومت لرستان و عربستان مامور بود و اشرار
قبایل را بدار الخلافه میفرستاد سلیمانخان کوچی ملقب بسهام الدوله را با توپخانه و لشکر بنظم امور رامهرمز و تنبیه اعراب آن
سرحد مامور داشت و خود دنبال او عزیمت آنجا نموده کردید بر سهام الدوله روشن شد که فتنه آن ولایت از میرزا قوام
و دیکران بتبع او هستند و دیده براو دارند لهذا با لشکر بر سر او رفته او در قلعه چم ملا بود و اعراب اتفاق کرده
شیخ حاکم و حمد الله شاه و شیخ قادر و شیخ جابر و شیخ عبد الله خان جمعیت خود را برداشته بکنار لشکرگاه سهام الدوله
آمدند و میرزا رضای پسر میرزا قوام هم روز دیگر با جمعیتی بدو فرسنگی اردوی سهام الدوله آمده در تپه اطراق
کردند و فی الحقیقه دور سهام الدوله را کرفتند چون نواب والا اردشیر میرزا این بدانست شیخ سلیمان را با نامه
عربی که بخط خود نواب والا بود باعراب فرستاد و شیخ مشار الیه بوعد و وعید هر یک را بخدمت سرکار والا استمالت
بکردانید و هر یک مورد مرحمت و خلعتی شده بمساکن خود رفتند و از حمایت میرزا قوام و خدمت نواب والا هر یک
بعذری معتذر کردیدند و روی با بلات خود کردند لاجرم سهام الدوله دنبال ایشان رفته و حمد الله شاه و شیخ حاکم
و شیخ جابر را کرفته نزد نواب والا فرستاد و در قلعه سلاسل شوشتر حبس شدند و سهام الدوله با پسر میرزا قوام
محاربتی در داده او را بشکست و میرزا قوام بعد از قلعه بیرون آمد و بدو پیوست و شب هنکام بامر والا علیرضا خان
بختیاری و توشمالخان فیلی با هشتصد نفر از آب عبور کرده بر قلعه یورش بردند و قلعه را بتصرف در آوردند
و خراب کردند و توپهای آنجا را بچنک آوردند و توپ بزرک نادر شاهی در آن قلعه بود آنرا خرد و درهم شکستند
و میرزا قوام را چون این قلعه از دست برفت کارش را قوامی نماند و راه بهبهان کرفت و پسرش بقبایل الوار ممسنی
کوبخت غضبان خان که از خصمای میرزا قوام بود بحکومت آن محال مامور و سهام الدوله عزیمت بهبهان کرد و چهار

ماه بهادر و عامر گذشت و برادر زادگان میرزا قوام میرزا سلطان محمد خان و میرزا کمال پسران میرزا منصور خان
که در شهر بودند ناچار بدست سهام الدوله افتاده و میرزا قوام از انجا بقلعه کل و کلاب که در چهار فرسنگی بهبهان
و از قلاع مشهوره است گریخت و متحصن شد مراد علی نام که مقدم مستحفظین قلعه بود در مراجعت از بهبهان
الوار ممسنی گرفتار سهام الدوله شد و اهل و عیال او را بعنوان گروی بار دوخواند و او را بگرفتن قلعه و تسلیم
نمودن بگماشتگان دیوان راضی ساخت و او بقلعه رفت و بنا بر مواضعه مسطوره شبی در قلعه را بگشاد و بتصرف
داد میرزا قوام از کل بکلاب گریخت و در ینوقت از جانب نواب فیروز میرزای نصرة الدوله حکمران فارس عباسقلی خان
سردار لاریجانی بنظم کوه گیلویه و اخذ میرزا قوام مامور شده بود که از قلعه کل بقلعه کلاب میرود بستند میرزا قوام از
بی آبی از قلعه فرار کرده که خود را بمعقلی رساند در راه بدست کسان عباسقلیخان سردار گرفتار شد و او را بشیراز
و از شیراز بدار الخلافه آوردند و در بیست و دوم ربیع الثانی حسب الامر محبوس گردید و محمد باقر خان نوئی نیز بدست
سرباز مزبور افتاده مغلول شد

هم درین اوقات نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا در بلاد عراق سفری نموده جمعی از اشرار را دستگیر و معاقل
ایشان را خراب نموده ببروجرد باز گشت

نیز درین اوان نواب والا موید الدوله طهماسب میرزا حکمران کرمان عبدالله خان صارم الدوله قراگوزلو را بنظم و
انتظام بلوچستان فرستاد و او امور آنحدود را منظم کرد

١٢٦٦
هم از وقایع اینسال مراجعت سام خان ایلخانی و عباسقلیخان میرپنج و میرزا عبدالباقی متولیباشی است بخراسان
که از دار الخلافه رخصت یافتند و در روز بیستم ربیع الثانی بمشهد مقدس وارد گردیدند و برحسب امر همایون
شاهنشاهی دران بلد سی چهار قراولخانه بنیاد نهادند و بتسخیر سرخس تصمیم نیت دادند

هم درین سال سلیمانخان دنبلی بحکومت تویسرکان رفت و محمد تقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام گردید و مرتضی قلیخان
عرب معزول شد و محمد رضا خان قاجار بحکومت اردبیل و محمد حسین خان نوری بکارپردازی مشگین نایل شد
و قاسم خان قاجار چاپارچیباشی حکومت قراچه داغ یافت و حکمرانی ارومی بنواب مصطفی قلی میرزا مفوض شد
و عبعلیخان ماکوئی منصب میرپنجگی یافت

محمد علی بیک ناظر شاهنشاه مبرور بسر تنبیهی ایلات قزوین رفت ولی اجل او را مهلت نداد
نظارت اعلیحضرت اقدس همایون بنصرالله خان ولد امیر کبیر قاسم خان خال شاهنشاه مفوض شد
فوج مصطفی قلیخان بیات شاخان مکری (مظفر الدوله) سپرده آمد
موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند

در خاتمت این سال از انجا که اقطاع ممالک محروسه بالتمیز بود امن و امان آراسته و مشارب
منافع از کدورات گردیده بود خیال امنای دولت علیه متوجه حصول ترتیبات و تمهید قواعد متقنه
و تاسیس قوانین محکمه برای آسایش رعایا و مزید انتظام بلاد و موجبات امنیت طرق و شوارع و اطمینان
قوافل و معابر و ترویج صنایع مملکتی گردید و شرح این جمله در وقایع سال آینده مرتب در محل خود نگاشته
خواهد یافت بعون الله تعالی و حسن توفیقه

وقایعی که در اینسال ١٢٦٦ در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد
اتازونی ینکی دنیا

١٢٦٦
درین سال در ممالک اتازونی گفتگو در باب آزادی سیاهان کرده بعضی از ایالات این ممالک برده بوده
نمودند و صیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی باطراف رسیده از هر طرف جمعیتی بکالیفرنی آوردند
اول و قتیکه امتعه چین مستقیما علی الخصوص چای بیانام وارد شد این سال بود) در ایالت کارولین
اتازونی شروع بزراعت چای نمودند

اطریش

١٢٦٦
در اینسال اهالی مجارستان بدولت اطریش یاغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اند لشکر او
مامور بنظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون بمجارستان کشید و ادمبهر
(بود) پای تخت آنمملکت گردید) (عساکر روس که در و الاشی بودند بکمک امپراطور اطریش وارد مجارستان
شدند ولی اهالی مجارستان بعضی شهرها که متصرف قشون دولت بود متصرف شده (کوسوت) نام را رئیس
جمهور قرار داده اتفاق کرده مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر پست که در حوالی شهر (بود)
پای تخت میباشد بتصرف یاغیان در آمد اعلیحضرت امپراطور اطریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل و اردوی
خود را در شهر پوسبورک قرار داد (عساکر روس که در افلاق بغدان بودند بملاحظه اینکه مبادا شورش اهل
مجارستان امتدادی یافته بسمت لهستان روس سرایت نماید مجددا مستحم جانب امپراطور اطریش شده قشون
بکمک امپراطور اطریش بمجارستان فرستادند) (نیز در اینسال لشکر اطریش در ایطالیا فتح نموده و قلعه
مدن را متصرف شد) (سردار بزرگ اطریش (رادتزکی) نام در نوار پادشاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه
ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را بسلطنت انتخاب و برقرار داشت) (سردار مذکور اغلب

شهرهای ایطالیا حتی فلورانس وغیره را متصرف شد و مملکت لومباردی را که از ممالک ایطالیاست بعلاوه و نیز کلیةً بتصرف اطریش درآورد) (یکدسته از قشون فرانسه وارد بندر سیوتیاوِیشیا بندر ایالت رُوم شد بعد از فتوحات مذکوره در ایطالیا جرات عساکر اطریش در مجارستان زیاد شده در دفع اشرار آنجا ظفر قریب بیقین حاصل نمودند) (یکصد هزار قشون از روس مجدداً وارد مجارستان شده بکمک امپراطور اطریش آمدند اعلیحضرت امپراطور روس نیکلا مرحوم بشخصه بکراکوی بکمک امپراطور اطریش آمد) (یاغیهای مجارستان مستاصل شده فرار بر قرار اختیار کردند و پناه بخاک عثمانی بردند بالاخره بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد

المان

هم در اینسال ۱۲۶۶ اجزاء پارلمان که در شهر فرانکفور جلوس نموده بودند ریاست دول متعاهده المان را که تا آن زمان با دولت اطریش بود دستبردار ساختند و وکلای پارلمان متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهده المان خلع نمودند این ریاست را بپادشاه پروس که در آنوقت فردریک کیوم بود تسلیم کردند پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از طرف امپراطور اطریش بمجلس وکلای پارلمان المان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمان بودند احضار بوین نمود) (دولتین ورتمبورک و باویر که از دول معظمه المان میباشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد پادشاه پروس هم بالطبع مایل اینکار و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول المان را که خلل با حکام مجلس فرانکفور وارد آمده در مملکت هانوور و دیگر نیز از دول المان است و در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت ساکس از دول المان شورش سختی کردند مردم بر ضد خانواده سلطنت شدند (قشون پروس تا (درزد) پای تخت آن دولت حمله بوده شورشیان را متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت باد نیز بنای شورش شد بعد از چندی پادشاه پروس بر ریاست دول المان راضی شد مشروط که بواسطه عهدنامه سلاطین ساکس و هانوور قبول این فقره نمایند و بر عهده گرفت که داخله مملکت المان را منتظم سازد و دست دشمن خارجی را از ممالک المان کوتاه نماید) (سردار پروس جنرال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت باد با شورشیان جنگ داد در پائیز این سال سلاطین اطریش و پروس و ساکس باهم ملاقات نمودند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دو نفر بجهة ریاست ممالک المان تعیین شود که فی الواقع ریاست کلیه از آن ببعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد

انگلیس

انگلیس

هم در اینسال ۱۲۶۶ بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انگلیس است بجهة تجارت تمام روی زمین بازشد ایالت گینه را که در افریقاست انگلیس از پورتغال ابتیاع نمود) (نیز جنگ انگلیس با افاغنه و هندیهای لاهور مسببه ببک و فتح ملتان و حمله افاغنه بر پنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انگلیس و تصرف آنجا از وقایع این سال است هم در اینسال بجهة عبور کالسکه راه آهن بر روی دریاد بوغازمنی پل بستند که جزیره انگلیزی وصل بکارنارون شد) (جمعیت انگلیس در اینسال بیجاه و هشت کرور بوده

ایطالیا

نیز در اینسال ۱۲۶۶ اعلان جمهوری در شهر روم و ضبط موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد) (جلوس ویکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی تُن بپادشاه تازه از وقایع این سال است) (والی سابق دوشی پارم باعانت اطریش مستقل شد) (دول اطریش و فرانسه و اسپانیول و ناپل بپاپ اعانت نمودند که از شر جمهوریان روم محروس باشد) (چهار هزار قشون اسپانیول بسرداری جنرال کوردفا بکمک پاپ آمدند و اهالی روم بنای محاصره با قشون فرانسه گذاردند روم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد) (ریاست جمهوریان با کارلو بالدی و مازینی بود) (سلطنت ظاهری پاپ در مملکت روم بتوسط فرانسه استقلال یافت) (شارل البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال در گذشت) (مابین پادشاه ساردین و یکتور امانوئل و امپراطور اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد) (پاپ از گائت که آنجا را مامن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد

دانمارک

هم در اینسال ۱۲۶۶ مابین دانمارک و عساکر المان که بکمک شورشیان اسلسویک هولستین آمده بودند شروع بمنازعه شد و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند قشون دانمارک عساکر پروس را که بکمک یاغیها آمده بودند شکست دادند و ششماه مابین یاغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد نیز در اینسال بوساطت دولت انگلیس مابین دانمارک و پروس و سایر دول المان انعقاد مصالحه شد

روس

و در اینسال ۱۲۶۶ دولت روس با اطریش در شورش مجارستان کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد در اینسال اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه یهود که در ممالک روس متوقف اند یا باید بلباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند جمعیت جهل و نه ایالت مملکت وسیعه روس در اینسال یکصد و هشت کرور و نود و دو هزار و سیصد نفر بود

سال سیم

هم از وقایع امسال اینست که جمعیکه در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند بدست آمدند و بیست و یکنفر آنها را که از عدالتخانه حکم قتل ایشان صادر شده بود امپراطور از قتل ایشان گذشته حبس مؤبد میکنند

سوئیس

۱۲۶۶ هم در امسال در مملکت سوئیس اوزان و مقادیر بطرز فرانسه قبول میشود

عثمانی

۱۲۶۶ در امسال دولت عثمانی با دولت روس در خصوص افلاق بغدان معاهده میبندد در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغدان را عثمانی معین خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال (پرنس شبکا والی افلاق بغدان گردید) (نیز در امسال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نمودند که چرا افراریهای لهستانی و مجارستان را که پناه بخاک او برده بودند پس نمیدهد و دولتین انگلیس و فرانسه رفع این کدورت را توسط نمودند) (امیرال انگلیس پارکر با کشتیهای جنگی انگلیس بکمک عثمانی وارد داردانل شد)

فرانسه

۱۲۶۶ در اوایل امسال لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون بزرگ که در چهارده کرور و منتخبین یازده کرور و یکصد هزار نفر او را بریاست جمهوری منتخب نمودند باین شغل برقرار شد و عمارت الیزه را مسکن او قرار دادند) (هم در امسال در فرانسه مدت دو ماه وبای شدیدی بروز کرد و مارشال بوژو از این مرض درگذشت) (سرداران فرانسه جنرال اودینو جنرال والیان روم را مسخر نمودند) (فوت مارشال مولیستور که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در امسال اتفاق افتاد)

مصر

۱۲۶۵ در امسال محمد علی پاشای مصری درگذشت

هلاند

۱۲۶۰ در امسال گیلیوم دوئم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل امسال بجای او جلوس نمود

ینگی دنیای جنوبی

۱۲۶۶ در امسال جنرال روزاد در ریاست جمهور ایالت بنوز دا استقلال تام و تمام بهم رسانید و این ایالت
با انگلیس بهمان قرار که با فرانسه عهد
تجارت و دوستی بسته است
معاهده نمود

وقایع سال چهارم سلطنت جاوید عدت اعلیحضرت اقدس خسرو صاحبقران عز نصره مطابق هزار و دویست و شصت و هفت هجری سنه تنگوز ئیل ترکی

تحویل آفتاب جهانتاب از حوت بحمل در امسال سعادت مآل روز جمعه هفدهم جمادی الاولی یکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب گذشته بود

چون ترکمن سرخس بعضی از محال مشهد مقدس را گاهی غارت و دستبردی میزدند و در این باب محمد امین خان والی خیوق نیز ایشان را محرک بود بنابراین در آغاز این سال جنرال الحکم همایون شرف صدور یافته که نواب والا حسام السلطنه والی خراسان بتدمیر فرقه مزبوره بپردازد و نواب معظم الیه با جماعتی از عساکر منصوره دو ماه بعد از عید نوروز از راه دهنه مزدوران که راهی بنهایت صعب است وارد سرخس شدند و بقدر امکان در دفع غائله مطوعین کوشیده آن نواحی را مصفا نموده مراجعت بارض اقدس نمودند

هم در امسال چراغعلی خان زنگنه قوللر اقاسی (که بعد لقب سراج الملکی یافت) مامور نظم اصفهان شد و بعد از چندی نایل بحکومت آن بلد گردید بقیة السیف اشرار اشقیا را از دست گرفته و بتدمیر ایشان پرداخت

هم در ایام حکومت چراغعلی خان در اصفهان جماعتی از پیروان میرزا علی محمد باب در هم جمع شده دوازده نفر را از میان خود انتخاب کرده ایشان را ائمه اثنی عشر نامیدند و بهوای شورش و فتنه بودند که چراغعلی خان خبر شده ایشان را دستگیر نمود و پس از آنکه عقاید فاسده ایشان معلوم علما گردید بفتوای شرع بسزای خود رسیدند

هم در امسال محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواند آتابای ذ محرم را که از نزدیکان او بود بسفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مامور کرد مشار الیه روز یکشنبه هفتم ربیع الثانی وارد دار الخلافه شد روز بیست و یکم شرفاندوز حضور مبارک گردید و هدایائی که حامل بود از پایه سریر اعلی گذرانید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان سپهرنشان بهمراهی او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد بحسب الحکم همایون مرحوم رضاقلیخان لله باشی را که یکی از اعیان کاردانان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نگارنده فاضل و بی نظیر بود انتخاب نمودند و او عازم این سفر شد وقایع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته چون حاوی بعضی مطالب جغرافی و تاریخ است ما همان را بعینه در این مورد ایراد مینمائیم

محرم باصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است

شرح مسافرت مرحوم رضاقلیخان لله باشی بخوارزم

روز پنجم ماه جمادی الاخری بباغ جنتکه در خارج شهر طهرانست نقل مکان نمودیم آتابای ذ محرم نیز با من قصد مراجعت کرد

مسافرت مرحوم رضاقلیخان روح الله روحه بمخوارزم

روز نهم از ظهر روز کوه و سواری قصد استراباد و خوارزم نمودیم از رود جاجرود عبور و بشلال البرز رسیدیم
(در ذکر کوه عام مشهور بقاف و معروف البرز) کوهی که در حدود ری و مازندرانست از اجبل عام و البرز خوانند
کوهی عظیم و ممتداست و او را کوه قارن و کوه قاف نیز گفته‌اند و پیوسته از بسیاری سبزه چون قطعه ابیات زمرد
واقع در وسط مایل بجنوب طبرستان کوه را ابتدای اینکوه از جبل القمر است در مملکت سنار از بلاد سودان و نزدیکی
در اواسط خط استوا و منبع رود نیل از انجاست پس دو شعبه میگردد یکی بطرف شمال ممتد شده از ملک سودان
گذشته باقلیم صعید مصر آمده از اقلیم دوم و سیم گذشته از وسط اقلیم چهارم بجانب مغرب کشیده بدریای
محیط منتهی میشود و دیگری بطرف جنوب امتداد یافته از بلاد سودان گذشته نزدیک قاهره مصر مایل بسمت مشرق
شده قریب بهشت منزل طی کرده بعد بجانب شمال ممتد میشود و قریب بکماه راه طی مینماید انگاه بار مینیه کبری و توامان
و اناطولی آمده چون بوسط اقلیم رابع میرسد بجانب مشرق ممتد میگردد و از بلاد داغستان و کرجستان و آذربایجان
و شیروان و گیلان گذشته از شمالی دار الملک طهران مرور کرده از جنوب دیار طبرستان و خراسان و کابل و زابل
و سیاهپوشان میگذرد و جنوبی بلاد ترکستان و بدخشان قطع مینماید و از تمام بلاد کشمیر و تبت میگذرد انگاه از جنوبی
ملک تنکات ختا و ختن و چین گذشته از شرقی هندوستان و نیپال و بنکاله مرور کرده بدریای محیط منتهی میشود
طول این کوه را هزار و پانصد فرسخ دانسته‌اند و دوازده هزار شهر و ولایت در قرب و جوانب ان آباد میباشد
و بسبب قرب هر ولایت باسمی جداگانه موسوم شده است و سیاحان نوشته‌اند نزدیک هفتاد لغت اسم ان کوه را
شنیده‌ایم و زیاده بر دویست طایفه اطراف ان دیده‌ایم که بلغات و لسان مختلفه تکلم میکرده‌اند و نزدیک سیصد
فرقه دیده‌ایم که هر یک مذهبی علیحده داشته‌اند الحاصل از جلگای ری داخل اینکوه شدیم و از رود جاجرود که رودی
معروفست و نیز یاد آب و سیل موصوف از راه پل عبور نمودیم بعد از طی هشت فرسنگ در نشیب و فراز بقریه
اسلک رسیدیم یکشنبه دهم قصد منزل انبه روزان کردیم در بین راه باریدن گرفت هوا سرد شد برود بومهن
رسیدیم پل را سیل برده بود ناچار باب زده عبور کردیم گاهی در زمین هموار و زمانی در قلل کوهسار با دهشت
باران از باران بقلعه کیلارد نزدیک شدیم و بسیل رفیقان در آن قلعه منزل کردیم روز دوازدهم از قلعه کیلارد
روانه شده بعد از طی دو فرسخ راه قریه آئینه ورزان نمایان شد و بر طرف شمال راه باغستان و اشجار و بیوتات و انهار
پدیدار آمد آئینه ورزان در دامنه کوهی واقع و طرف بهینش زمینی واسع و از نوادر انکه از قله کوه رفیع دایما
نهر آب صافی روان و بر وجود کوه را تراشیده چنانکه گوئی جوئی تراشیده‌اند در کنار آن جویبار درختان
بلند سایه افکن است از انجا بقریه سربندان که از توابع دماوند و شکارگاهی بیمانند است رفتیم

ذکر کوه دماوند و بلوک ان بطور اجمال

کوه دما

کوه دماوند کوهی است مشهور و واقع در دو منزلی ری در طرف شرقی ری و اصل ان دنباوند است یعنی ظرف
دنباوند پر اگر در پارسی آوند بمعنی ظرف است کو بند ارتفاع آن کوه از زمین چهار فرسنگ است و بلندترین
کوههای عراق میباشد و از مسافت بعیده مسافرین او را مشاهده مینمایند در قله آن سی جریب زمین هموار است
از آن روشنی تابد گویند چاهی است که آن روشنی از آن بر آید و شبها ان روشنی از خیلی راه نمایان است و دود
دود از آن متصاعد شود مشهور است که حضرت سلیمان صخره جنی را در ان حبس فرموده و گویند فریدون
ضحاک ماردوش را در آن بند کرده و بعضی گویند آنجا معدن گوگرد است و شب آتش نماید و دود دود ازان بر آید
آنچه از قراین خارجه معلوم میشود کوه آتش فشان است که آتش از اشکافته متصاعد شده است و چاه بنظر میاید
و چنین کوه در فرنگستان و سکی دنیا بسیار است و جمعی دیده‌اند صاحب تاریخ طبرستان گوید سی سوراخ چاه مانند
بر سر این کوه است که از آن آتش کبریت بر آید و هیچ حیوان بران قرار نتواند گرفت از سختی باد و ماکر وند و بر جوانب
او برف باشد و ظاهر است در حوالی آن کوه آباد و خرم و بنام آن کوه معروف و بسبب انقریه بصفت خوبی موصوف
خلاصه از سربندان بیشتر رفته در پهلوی باغ شاه که از بناهای شاه شهید (اقا محمد شاه) طاب الله ثراه است و مخصوص
توقف ایام شکار بنیاد نهاده خیمه برپا کردیم

ذکر باغ شاه

باغی است وسیع با عمارتی فوقانی و رفیع خیابانی عریض از دروازه تا منتهای باغ آراسته مشتمل بر بید و صنوبر
از وسط باغ نیز خیابانی دیگر و چهار طرف خیابان اشجار مثمر است تخمینا نیم فرسخ کمتر دور دیوار آن باغ میباشد و
میوه‌های ان در کمال حلاوت و لطافت شاه شهید طاب الله ثراه او را بنا نموده دور طرف شکارگاه ولیچای
توچر و شب راه دران باغ بسر میبرده‌اند شکار کبک و بز و میش در آن صحرا و کوه از اندازه بیش است
روز دوازدهم از این منزل حرکت و روانه فیروزکوه شدیم بعد از طی دو فرسخ راه شکارگاه مزبور رسیدیم
دامن کوهی است با فسحت و صحرائی با وسعت و کوه از دو کنار و میان این مکان شکار بعد از نیم فرسنگ راه فاصله
دو کوه کم و تنگ میشود انگاه سرازیر شده بمولیچای قریب رودخانه ولیچای رو بفراز نهادیم و از ان رود گذشته
قدم بیشه گذاشتیم تل و جبل و پست و بلند طی کرده برباط امین آباد آمدیم از انجا تجاوز و رو بدره موسوم
بسربند نمودیم از آن نیز تعدی جسته بلب رودخانه موسوم بعاذان چای فرود آمدیم و پس از آسایش بقصبه
فیروزکوه راندیم طرف دست راست کوهی تا فیروزکوه کشیده قلل آن بلند و پر از آثار سنگر و بروج و باره
از هم فرو ریخته قریب بقصبه فیروزکوه پشته بلند بود که او قاتی که حضرت خاقان اناراالله برهانه بشکار آن کوهها
میپرداخت از شاخ گوزنان آن پشته بلند را کوئی جنگلی پر از شاخهای درختان کرده بود و حقیق شاخها سیصد و پنجاه
از پنج هزار افزون بود هم در آنحوالی چمنی است که بقدر صد چشمه بزرگ و کوچک آب در آن جریان دارد و باب

رود واشی میپیوندد و داخل تنگ فیروزکوه شده از طرف بهمین دفعه با آب موسوم بگور سفید یکی شده بجلبرود
و از آنجا بورامین میرود

ذکر چمن موسوم بواشی

در دو فرسنگی طرف شمالی فیروزکوه چمنی و تنگی و دره ایست با کمال صفا و لطافت با آبی بنهایت خوب و گوارا
چنانکه از همهٔ آبها بوزن سبکتر است و از آن دره راهی است که دو طرف کوه است و از میان آن دره و آب معبر
و بعد از عبور از آن تنگ چمنی است دلگشا که محل سراپردهٔ خاقان مغفور بوده و در آن کوه تمثال مبارک خود را امر
فرموده در سنگ نقاری کرده اند و چون بالای آن کوه روند تمام جنگل مازندران و دریای خزر در نظر است

ذکر قصبهٔ فیروزکوه

فیروزکوه از قصبات قدیمه و اکنون نیز معمور است و آن برزخ عراق و طبرستان میباشد و قرای آن بعضی قریب
بهمان کوهی بلند است و بر قلهٔ آن کوه آثار عمارات کهنهٔ غریبه قدیمه هنوز باقی آسیای بادی و حمام و دو غالی
و چاه سنگی داشته که از فراز کوه تراشیده اند تا بزمین که قریب پانصد ذرع است بسته بود و آب از رودی
که بطرف کوه است بچاه میرفته و از شیب چاه بفراز کوه میکشیده اند و با سلاطین عهد تحصن و تمرد میکرده اند
قلعهٔ قدیمی در دامن کوه بوده و هنوز بعض رعایا در آن ساکن اند اکنون طرف رودی که از این کوه میگذرد آباد
کرده اند و بیوتات و عمارات و گرمابه ها ساخته اند و چهارصد مرد در آنجا متوطن شده آثار قدیمه در آن حوالی
بسیار است تفصیل حال آنها در تاریخ مازندران مشهور بتاریخ طبری که یکی از سادات نوشته مسطور است
و از توابع این بلوک قریب چهل قریه است و در اواخر دولت شاه شهید آقا محمد شاه رضوان جایگاه چندی ضبط
و حکومت آن با این غلام بود   روز چهارشنبه سیزدهم از فیروزکوه روانه شده قریب سه فرسخ رانده برباط
پای گدوک مازندران رسیدیم و از آنجا فرسخی رانده برباط سر گدوک آمدیم (گدوک باصطلاح اهل آن ولایت
بلندی را گویند که از آنجا راه سرازیر میشود و چنین موضعی را تنگ نیز گویند) از آنجا راه تنگ شد و سراشیب
عبور نمودیم چون از دهنهٔ آن تنگ که بعباس آباد معروف است و کوه دیو سفید را هم در زبان مازندران
در همین مقام بوده است عبور نمودیم قومی قریب الخلقه دیدیم که باروهای سیاه پس از تحقیق معلوم شد این جماعت
جنگل را بریده هیزم میکنند و سوزانیده زغال میسازند و سیاهی روی و اندام ایشان از گرد زغال است
الحاصل میان آن دره آبها اندک بود که هرچه پیش میرفت زیاد میشد تخمیناً هشت فرسخ سراشیب راه پیمودیم
از دو طرف کوه و آب در میان و از این حد اول بلوک سوادکوه و ابتدای خاک مازندران است همه راه پر آب
و درخت و جنگلهای سخت و گلها و شکوفه ها و ریاحین رنگین زیاده از حد و مرغان نغمه سنج نیز بسیار اند

خلاصه

خلاصه از قرای سوادکوه گذشته بسرخ رباط رسیدیم و از آنجا عبور کرده در تنگی که بدو آب موسوم است رسیدیم
و شبی در سبد توقف کردیم ما نا ده فرسخ راه پر بلا پیموده بودیم شب آسودیم   پنجشنبه چهاردهم از منزل مبا
دو آب پنج فرسخ راه طی کرده بمکان موسوم بزیر آب رسیدیم جوی کوچکی که از اول دره تنگ از اطراف میزاید
و سرازیر میشود از تداخل چشمه سار و تقاطر امطار در این چند منزل رود عظیم میشود و نامش تالار است و
از آن بشتوان گذشت پلی وسیع و محکم بر آن بسته و موسوم بپل سفید است از آن عبور کرده با مامزاده ابوطالب
آمدیم و شب جمعه را در آن محل آسودیم و دعا و زیارت نمودیم   جمعه پانزدهم قصد منزل شیرگاه کردیم راه پر
جوی و جدول و چشمه و رود و نشیب و فراز و جنگل و بیشه بود درختهای شمشاد و نارون بسیار بلند و سبزه های
با صفا دیدیم چون در راه باتلاق و جای فرو رفتن مال و مواشی بسیار بوده شاه عباس صفوی که از این راه گذشته
از حدود شیرکوه الی ساری و بارفروش و از آنجا تا اشرف و استرآباد حکم نموده درختان را بریده خیابانی
از سنگ و گچ راست ساخته اند از راه خیابان عزم ساری کردیم قریب هفت فرسخ راههای سخت و جنگلهای
پر درخت قطع نمودیم و در بیشه شیرگاه آسودیم الحق جای بدی بود شب تشنگی کشیدیم وقت سحر باز روانه شدیم
شنبه شانزدهم بفضای دلگشای علی آباد رسیدیم و بمقبرهٔ شیخ طبرسی نزدیک و از حوالی آن گذشتیم در امامزاده
خارج علی آباد منزل کردیم از این محل نیز دو منزل شده از راه خیابان شاهی بساری رسیدیم از شیرگاه تا شهر
هفت فرسخ مسافت داشت امیرزاده محمد تقی میرزا حاکم مازندران در سواحل خزر مشغول انتظام بود کاشتگان
او ما را پذیرفتند هم مکتبان سابق را که بواسطهٔ چهل سال توطن در شیراز ملاقات نکرده بودیم دیده از صحبت
و دیدار هم خورسندی حاصل کردیم

ذکر مجملی از ولایت طبرستان و مازندران

طبرستان ولایتی است مشتمل بر بلاد قدیمه و قصبات عظیمه جبال سخت و بیشه های پر درخت بکثرت آب و رطوبت
هوا مشهور و تمام آن بلاد از اقلیم چهارم است هوای بعضی بلاد آن مایل بگرمی و بیشتر شهرهای آن را هوای
معتدل میوه های گرمسیری و سردسیری   و آن بنا بزعم بعضی طهمورث دیوبند بنای آبادی نهاده آمل و ساری
و قلعه مور از قدیم بوده و در عهد افراسیاب و کیقباد همین نام داشته و این مملکت را از آن مازندران گویند
که ماز نام کوهی است در آن منوچهری گفته (برآمد ز کوه ابر مازندران ٭ چو مار شکنج و ماز اندران) سابقاً
از این پیش مازون نیز گفته اند محمد بن حسن بن اسفندیار صاحب تاریخ مازندران که در سنهٔ ششصد و شش
بوده نوشته مازندران شهری بوده بحد مغرب و نامی که اکنون بر مازندران استعمال کنند جدید است و کوه اینجا
موز و ماز خوانند و آنچه در درون آن کوه است موزاندرون گویند و آن کوه از حد گیلان کشیده تا بلاد و

قصران تا جاجرم و آنچه را طبرستان خوانند از دنبارجای شرقی تا بملاط باشد و این مواضع در قدیم جنگل بوده بیشه را تراشیده و در آن شهرها ساختند و قدیم‌ترین شهران لاریجان میباشد و فریدون در آنجا تربیت یافته و دار الملک وی بعد از سلطنت تمیشه بوده و از بیشه ماذون میخواندند و بمرور دهور بهشت شهر مشهور در مازندران معمور شد که حالا غالبا ویران است نیز محمد بن حسن سابق الذکر گوید در قدیم از زبابجان و اهارد کیل و دیلم و ری و قومس و دامغان و گرگان را طبرستان میگفته‌اند وجه تسمیه آنکه حربه ایشان تبر بوده و الان کمان و طبر معرب تبر است و بتحقیق من بنده اینست که تیره و تبرک در لغت پهلوی مازندری و فارسی بمعنی پشته و تل و کوه است چنانکه قلعه بر تل شهر اصفهان بوده و از آن تبرک میخوانده‌اند و قلعه دیگر در حوالی شهر ری کهنه بر بالای کوه بوده که آن را طبرک مینامیده‌اند و تبرستان بنای فارسی بمعنی کوهستانست و دخلی بحربه تبر ندارد چنانکه وقتی یکی از خلفا شخصی را بتفحص بلاد طبرستان فرستاد وی بعد از ملاحظه امتعه و وفور نعمای آن ولایت مراجعت نموده بخلیفه گفت طبرستان را برای کثرت ارتفاعات و سعودیت فراوان ثبرستان باید خواند بکسر ثاء و سکون با بمعنی ذرستان یعنی معدن زر و نثرستان بفتح تا و با علی ای حال حمد الله مستوفی و جمعی گفته‌اند مازندران هفت بلوک است (جرجان) (موردستان) (استراباد) (آمل) (رستمدار و رویان) (دعد) (سیاه رستاق) و چنانکه گذشت گویند طبرستان را ولایت چند است از جمله بسطام و سمنان و دامغان و فیروزکوه خرقان و چون مدتی در تصرف ملوک خراسان بوده لهذا داخل خراسان میشمارند مانند مملکت قهستان و سیستان و مفازه که ولایتی جداگانه بوده و اکنون داخل خراسان شده و اهالی مازندران و طبرستان در بدو دولت ابد مدت قاجاریه زیاده از اندازه خدمت کرده‌اند و حضرت شاه شهید و خاقان مغفور طاب الله ثراهما با اهالی و اولاد ایشان بفقره سیورغالات عطا و مناصب عالیه تفویض کرده‌اند

ذکر شهر ساری مشهور بساری

ساری از بلاد قدیمه است گویند طوس نوذر بنیاد نهاد و طوسان نام کرد چون خراب شد ثانیا ساختند و ساری نامیدند فرحان بزرگ و مازیار در آبادی آن کوشیدند شهر یست دلنشین مشتمل بر بیوتات و عمارات پادشاهی حمام و بازار و مساجد و مدارس آبادانی این بلده در بین اواخر از شاه شهید و خاقان مغفور است و ملک آرا و اولاد او بر آن افزوده‌اند

شهر بارفروش

در قدیم دهی بوده و بارفروشانیکه با کشتی از خلیج ترخان به بندر مشهدسر میآوردند بار دهی حمل نموده و میفروختند لهذا آن قریه موسوم ببارفروش ده شده بتدریج جماعتی از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد در دهی

و در آنوقت آبادی زیاد داد و در تاریخ مازندران مسطور است که در زمان خلفای ثلثه حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام بتسخیر مازندران تشریف آورده در یکی از اماکن متنزهه آن که آبگیرها و شکوفه‌ها و گلها و مرغزارها و بقعه مرتفع داشت فرمود بقعة طیبة مناه و طرح در آنوقت آبادانی آن مختصر بود و در عهد محمد بن خالد بازار و عمارت یافت در سال صد و شصت مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد کرد و همانا که بارفروش اکنون آنمحل است که شهری آباد شده و چون اطرافش جنگل است باره و برج بر نمیتابد مشتمل است بر مساجد و عمارات و مدارس و دکاکین و سراها و بیوتات جمعیت آن زیاد و از ساری بدریا نزدیکتر است و این بنده مدت هشت سال در ایام طفولیت در این شهر بسر برده‌ام خلاصه در خارج شهر میدانیست اخضر موسوم بسبزه میدان و مردابی وسیع در آنجا واقع و در وسط مرداب زمینی مشتمل بر عمارات عالیه رفیع و بدیع معروف بحرام اصل بنای آن از سلاطین صفویه و آبادیش از پادشاهان قاجاریه است

بندر مشهدسر

مکانی است بر لب دریای خضر و محل عبور و مرور سفاین

آمل

از شهرهای قدیمه مازندران بوده طهمورث آن را بنا کرده و فریدون دار الملک ساخت حالا چندان آباد نیست حکما و فضلا و شعرای زیاد از آنجا برخاسته‌اند از جمله سید حیدر آملی قدس سره و محمد بن جریر طبری مشهور صاحب تاریخ از آنجا بوده و ولایت مازندران سالها در حکم سادات زیدیه بوده و با سلاطین عهد مخالفت نموده‌اند و بزحمت بسیار سلاطین بر آنجا غلبه نموده و سیاحان انگلیس گفته‌اند که در دهه عالم جزیره و ملکی بحکم تر از مازندران ندیده‌ایم و الله اعلم

باز رجوع نمائیم بشرح مسافرت روز بیستم ماه جمادی الثانیه با سفیر خان خوارزم عزم اشرف کردیم ابتدا از دو پل پادشاهی عبور کرده و گذشتیم و بار دیگر وارد جنگل و خیابان گشتیم بعضی از جاهای خیابان شکسته و از پهلوی آن معبر شده بعضی معابر دیگر را درختان گرفته چنانکه باید بر روی اسب خم شد و عبور کرد فرسخی چند راه طی کردیم چون از دو زحلی بر آمده بود و بار و بنه عقب مانده و جمعی مردم خوارزم و اهالی خوقند که از مکه مراجعت کرده عزیمت همراهان شده دعا بتعجیل رسانیده بار را در منزل نکا ماندیم چهار فرسخ راه آمده و پنج دیگر تا اشرف مانده است تمام راه در نهایت صفا آب و سبزه و درختان بزرگ نارون و شمشاد و آزاد چندان که احصا نتوان کرد روز بیست و یکم از راهی بوصف مسطور راه نوردیده باشرف آمدیم اشرف بر کوهی بلند واقع و دریا در برابر پیداست شاه عباس در آنجا باغ و عمارت بیرونی و اندرونی ساخته حوضی بزرگ داشته مشهور است که آب آن از دریا و ندهم جا از فراز کوهها آورده‌اند

حق اینست که اشرف جائی باصفا و هوای آن در زمستان و پائیز معتدل است اما باغ اشرف آنچه پس از دویست سال برقرار است اینست که نخست چون داخل باغ شوند جوئی در وسط باغ که کف و هر دو طرفان از سنگ صافی تا منتهای باغ تخمیناً چهارصد قدم است جاری بوده و طرفین نهر دو خیابان که روی بوسط باغ دارد آخر عمارت میرود و در هر دو طرف خیابان و نهر دو رده سروهای ممتاز است که از بیست الی سی ذرع بلندی دارند و پشت سر آنها درختهای نارنج صف بصف داغلب بلندتر از نارون و عقب آنها تا دیوار باغ درختهای مرکبات دیگر اما غالباً نارنگی و لیمو بوده است در وسط باغ تالار مرتفع دو در و پیرو در پهلوی آن دو اطاق بطور قرینه و دو بالاخانه که بهر طرف باغ نظر دارد و باغ و کوه و صحرا و دریا تماماً پیداست ارتفاع تالار دوازده سیزده ذرع و در هر طرفش پنج ستون بزرگ محکم برپاست حوض بزرگی در پیش تالار و زمین باغ شش هفت مرتبه و طبقه میشود و در زیر هر آبشاری حوضه وسطی پر از آب که از طرف بالای باغ آب روان شده و هر حوضه پر گشتی و جاری آنکه تا مرتبه بمرتبه بحوض و در پایه بزرگ وسط تالار رسیده و از آن حوض لبریز شده از سینه عمارت تالار لبریز سرازیر گردیده بحوض پیش عمارت ریختی و از آن نهر جاری گشته تا از باغ بیرون شده در بیرون و بنا را این باغ قلعه مستحکم مشتمل بر بیوتات و اشجار و باغستان و نارنجستان و سایر فواکه بطور دیگر همانا یکی از آن دو حرمخانه خاص پادشاه بوده و در اطراف این باغ و عمارت امرا و امنا منازل داشته و آثار بعضی برقرار است وقت رسیدن بنده بدین باغ هنوز نارنجها بر درختان بود و میدرخشید افسوس خوردم که بنیاد خیابان شاه عباسی و باغ اشرف روی بویرانی نهاده

روز بیست و دویم از اشرف روانه شدیم در عرصه کلباد راندیم همه راه فالیز و بوستان و گلهای خودروی خوش رنگ نیز پیدا بود بحوالی خانه میرزا محمدخان کلبادی که حاکم آنجا بود رسیدیم در طرف یمین راهی بود که بکوهی بلند صعود مینمود در کمرکوه پشته و جریبی زمین مسطح واقع و اطرافش از بلندی ایمن کانون امانع عمارت و اندرونی و اصطبل و مطبخ و مهمانخانه و غیره هرچه باید در آنجا ساخته اند قلعه ایست خدا آفرین و منظر آن دشت و سبزه و درخت و دریا و سفاین بحری نیز مشهود است چون صاحبخانه غایب بود در آنجا توقف ننمودیم و از میان جنگلستان سخت و عرصه‌های پر درخت بجفره کنده که موسوم بجر کلباد و از بناهای صفویه است رسیدیم (جر کلباد) جر در لغت فارسی جائی دریده و بریده و کنده را گویند در زمان سلاطین صفویه طایفه تراکمه از سمت گرکان و استراباد بحوالی اشرف بدزدی میآمدند شاه عباس فرمان داد ازحد کوه تا لب دریا خندقی عمیق طولانی چهار فرسخ و عمقاً ده ذرع کندند و راهی باریک از معبر خیابان که دو طرفش جنگل است گذاشتند و در آنجا مستحفظین گماشت در واقع سدّ طریق تراکمه بود و سواره و پیاده بجمعیت نمیتوانستند

از اینجانب باستراباد و کلباد و اشرف و غیرهم ترکتاز آرند حالا پر و دهو با آن جر انباشته شده و اشجار رسته مع ذلک عبور از آن بصعوبت ممکن میشود الحاصل از پلوک از آن گذشته وارد نوکنده گشتیم

بیست و سیم در نوکنده که اصل آن از آن است بسر بردیم و فردای آن روز علی الصباح روانه گردیده محله شدیم همه جاده خیابان شاه عباس عبور نموده بخانه رضاقلیخان سدن رستاقی آمدیم بامداد از آنجا راه استراباد گرفتیم چون چند فرسخ راه طی کردیم با امامزاده رسیده فرود آمدیم و دو زیارت آنجا نموده بعد از نماز عصر بجانب استراباد رفتیم خانه و آلاچیقهای ترکمان از دو سو نمایان بود جنگل و درخت کمتر شد و زمینها سبز و چمنزار بود بالاخره وارد استراباد شده در وسط باغی در عمارت کلاه فرنگی که از بناهای بدیع الزمان میرزا ولد مرحوم ملک آرا و بر فراز آن عمارتی چهار فصل ساخته بودند منزل نمودیم برای فرستاده خان خوارزم نیز قریب بهمین محل اطاق تحتانی معین شده بود

ذکر شهر استراباد

استراباد شهریست از اقلیم چهارم بجرجان و قاعده آن ملک است چون گرگین میلاد شهر گرگان آباد کرد مسافت مابین او چهار فرسنگ بود و از نشستنگاه خود قرار داد خربندگان و استران او بمرتعی در چراخوری آمدند و در آن متوقف شدند و بطول مدت خانه‌ها ساختند و آنرا استرآباد خواندند و بمرور آباد شد و گرگان آباد ماند بالجمله استراباد گاهی بواسطه همسایگی موذی در زحمت و خرابی و زمانی در رونق و آبادی مینهاده در دولت آل قابوس نهایت معمور بوده در زمان نادرشاه آق قلعه عمارت یافته و بعضی از قاجاریه در آن متمکن بوده اند اکنون آن محل ویران و استراباد را حالت متوسط است فرضه دریای خزر گردوس و تراکمه را معبر و رهگذر است در نزدیکی استراباد واقع میباشد و بندرگاه آن قریه کز است و آبسکون اسم رودیست که از سر فرسنگی استراباد از جانب خوارزم آمده بدریا خزر میریزد و محل دیگری از آن نیز ابسکون گویند و جزیره در آنحوالی است باین اسم موسوم و آسکون مخفف آبسکون میباشد در بعضی کتب قدیمه نوشته اند جرجان معرب گرگان است و قصبه آن آبسکون بوده اکنون استراباد است

روز هشتم رجب نیره و ملازمان را بر لب رود گرگان روانه کرده خود بعد از فاصله بیرون آمدیم باتفاق قراخان اتابایی که ایل و اویماق او بر لب رود گرگان نیز نشسته اند بپناه بالار رسیدیم و وارد اردوی آلاچیق بیگلربیگی استراباد شدیم مشارالیه شرایط مهربانی بجای آورده و کوکجه بای جعفربائی را بهمراهی و بلدیت معین کرد و لوازم سفارش و اهتمام در باب سفر خوارزم بجای آورد دانگاه وداع نموده و وارد گرگان شدیم و قریب بغروب وارد اوبه قراخان شدیم در راه قلیجان و بعضی از ریش سفیدان ترکمان استقبال نمودند

نهم رجب بر لب رود گرگان اقامت داشتیم زنان و اطفال ایل روزی دو سه مرتبه از دیر رود میآیند و آب بازی میکنند عجب تر اینکه اطفال شش هفت ساله ایشان از فراز رود که آب شش هفت ذرع بود خود را بآب پرتاب

میکردند و مرغابی وار در روی آب بودند

(ذکر رود گرگان)

چون این رود در شهر گرگان واقع شده بنام آن موسوم است و رودی میباشد وسیع پهنای آن کما بیش بمقدار معابر پانزده ذرع الی بیست ذرع از طرف کوکلان بجانب دریای استراباد (خزر) جاریست در زمستان عبور از آن با کلک و خیک و ناوه های بزرگ و کوچک و در تابستان بشنا از آن عبور میکنند و در آن ماهیان بزرگ دیده اند در بهار چنان مملو شود که آب قریب شش ذرع از دیوار لب رود بالا آید کاهی مسحرا الحق صحرای گرگان بهترین اراضی است از وفور آب و قوت زمین و استعداد خاک و حاصل آنرا کمال ربع است ولی ترکمانان احیاناً بقدر احتیاج زراعتی نمایند و اگر رعایای زارع در اینجا نشینند و زراعت کنند حاصل آن ولایت مملکتی را کفایت کند چنانکه در زمان سلطان محمود و مسعود غزنوی آبادی و ازدحام گرگان ضرب المثل بود و امیر قابوس وشمگیر از اولاد او بحکومت گرگان دم از سروری میزدند و گنبد قابوس در صحرای ترکمان هنوز در نهایت استحکام است و آن مقبره اوست که پسر شمس منوچهر برای او ساخته و تاریخ آن قریب بششصد سال است باری تراکمه آتابای که رئیس ایشان قراخان است برلب گرگان سکنا دارند و طایفه جعفربای در طرف دریای استراباد بسر میبرند

ذکر دریای استراباد مشهور به بحر خزر

خزر نام پسر یافث بن نوح علیه السلام است که در هنگام سیاحت بر شمال آن دریا عبور کرده و بکنار رود اتل رسیده در آبادی آنجا کوشیده و شهری بنام خود در آنجا بنا نموده و دریا باسم آن شهر مشهور شد بعد از آن گرگان و جیلان و بلاد دیگر در اطراف آن آباد گشته دریا را باسم هریک خواندند چنانکه آمویه شهریست برلب جیحون و جیحون را نیز باسم آن شهر خوانده اند طولش از مشرق بمغرب و بیست و شصت فرسخ و عرض دویست فرسخ و بسیار رودها در آن میریزد از جمله نهر گرگان و جیحون و ارس و کر و اتل است و این دریا را جزر و مد نیست زیرا که ببحر محیط متصل نیست و گرداب عظیم دارد و تلاطم و موج آن بسیار است و بر طرف شرقی این دریا خوارزم و بلغار و سقسین و بر شمالی آن قپچاق و دشت خزر و بر غربی قزلر و شیروان و الان و بر جنوبی گیلان و طالش و مازندران و استراباد و بعضی از طوایف تراکمه بر این کنار فرضه واقعند اند

دهم رجب از لب رود گرگان حرکت کرده تقریباً دو فرسخ که رفتیم بآق قلعه رسیدیم از این شهر قلیل آثاری مانده است ولی آثار دروازه و جای عمارات و جنابان و اصطبل و ابنیه بزرگ و بازار از قرینه و قیاس معلوم میشود این بلد در زمین خوب قریب برود گرگان بوده از میان شهر عبور کرده بلب گرگان که محل عبور بود رسیدیم از آب گذشتیم با حاجیان خوقند و سایر همراهان زیاده بر دویست سواره و شتر و پیاده بودیم تخمیناً فرسخی نیز از آن طرف رود راه پیموده فرود آمدیم روز یازدهم رجب خوانین ترکمان که با ما بدین سوی گرگان آمده بودند و بقدر قوه خدمت کرده با نهایت [illegible]

ایشانرا باز کرده اندیم حسن جبقان نیز بدو رسید باقلیجان آق و جمعی دیگر شب در خیمه ما آسودند و صبح روانه مقصد شدند و قاضی تراکمه که خود را از اولاد مغول و چنگیزخان میشمرد نیز وداع کرده با دیه خود رفت ما نیز راه بیابان گرفتیم کوه استراباد در دنبال سر ما ماند روز دیگر ناپدید شد و همه راه قبله در پشت سر ما ماند و رو بشمال می آمدیم در راه پای اسب علیقلی فرزند من بنده بسوراخ موشی فرو شده ناکاه اسب بسر در آمد و او در زیر اسب کوفته شد و صدمه شدیدی دید دیگر در روی پای او وارد آمد بعد از آنکه بهبودی بخود آمد از سواری اسب معذور بود ناچار شتر کجاوه که خالی رفتی بخواستم و او را در کجاوه نشانده مومیائی که احتیاطاً همراه بود باو خورانیدم چون شب هنگام شد فرود آمدیم (علیقلی اشاره است بجناب مخبرالدوله علیقلیخان که اکنون وزیر تلگرافخانه های کل ممالک محروسه ایران و دارای نشان تمثال بیمثال همایون و لقب جنابی میباشند)

(ذکر طایفه تراکمه یموت) تراکمه طایفه بسیار اند تعداد اینها بس مشکل است زیرا که شهری ندارند که در آن محصور شوند و در جایی دایم و قایم باشند که کسی تعیین کند در دشت گرگان و خوارزم که صحرایست بی کنار متفرق بعضی اینها را صد هزار دانند و بعضی کمتر و بیشتر خوانند و از استراباد تا خیوق که عرض صحرا بیست روز زیاده شبانه روزی دو منزل است و در حقیقت چهل منزل و سیصد فرسنگ است نشسته اند و بسمت دیگر استراباد طوایف گوکلان که با این طایفه عداوت و دشمنی دارند متوقف اند و اگر شعبه و تیره های دیگر این طایفه را بخواهیم ذکر کنیم مایه تطویل است هر طایفه خود سرانند و اطاعت طایفه دیگر نمینمایند بلکه امنه شتربانان هیچ ایلی بر رئیس و خان ایل خود اعتنا نمینمایند بسیار شبیه اند باعراب بادیه و از هر حیثیت مناسبتی با این طایفه دارند الا اینکه لسان آنها عربی است و زبان اینها ترکی و بعضی گفته اند ترکمان ترک نیستند ترک مانند و مفهوم این اسم نیز همین است عمده معاش ایشان بسرقت و غارت و شترداری و شتربانی و شیر شتر و گوشت شتر است و بعضی گوسفند دارند و شال و قالی و تنک و توبره از مختصات زنان این طایفه است و اصل حنفی مذهب ولی از آن نیز چیزی ندارند

دوازدهم رجب از این منزل که تراکمه این چکر میباشند شب هنگام بار بستیم و همه رفتیم در وقت ظهر بر رود اترک رسیدیم آبی تلخ و شور داشت و رودی بزرگ بود از رود گذشتیم و بر آن سوی رود فرود آمدیم روسای ترکمان که همراه ما آمده بودند و قریب پنجاه سوار بودند توقعی که داشتند بعمل آورده آنها را معاودت دادم و نوشته به بیکلربیکی استراباد نوشته او را از سلامتی خود و گذارش آگاه نمودم آنگاه مجدداً سوار شده قریب بغروب بصحرای غریبی رسیدیم تراکمه آن زمین را کوکچی میناممند   مخفی نماند که این صحرای بیکنار را نه آبادی نه شجر و حجر و علامتی است فراسخ آن نیز معین نمیباشد شب و روز در حرکت بودیم و بزمینی که میرسیدیم بجهت ورود اسباب حرکت فراهم بود و هر زمینی را بنامی میخواندند چاه های آب شیرین را در هر جا هست خود میدانند

در حقیقت هر روز سه منزل قطع کردیم و در مدت بیست و دو روز بخیوق رسیدیم و آنچه رنج و مشقت بود در راه دیدیم
سیزدهم رجب از منزل کوه کی حرکت کرده صبح بآلّه رسیدیم از آنجا گذشته بکسبلی منار آمدیم و آن مناری بوده
سرش افکنده در طرف دست چپ آن آثار شهری نشان میدادند که از شهر مصریان مینامیدند حالا ویران است
در حوالی منار پاره آجر بسیار بود و دلالت میکرد که سابقاً جائی آباد بوده چهاردهم شب رفتیم و صبح ببرزاه سو
بداش و دوی فرود آمدیم و از اینجا تا ببرنجرد راهی است که به پنج منزل میروند و کوه بلخان که محل طوایف یموت است
در دست چپ افتاده درین منزل قریب سی چاه بود که آب شیرین متوسط ولی در نظر جلوه کوثر و تسنیم
داشت خیکهای بزرگ و کوچک پر کرده روانه شدیم پانزدهم از سر این چاه تا چهار منزل راندیم و بیابان شوره زار
و ریگزار قطع نموده بچشمه موسوم باددون آتا رسیدیم (در ذکر حال اددون آتا)
اددون آتا از مشایخ اتراک بوده و مرید زنگی آتاست و زنگی آتا مرید حکیم آتا ایشان در میان تراکمه شأن عالی دارند
و قبور ایشان در صحرای خوارزم زیارتگاه اینطایفه است اما بجز نامی از ایشان نمیدانند چون قبر اددون آتا درین منزل است
چشمه بنام او شهرت یافته و در دست راست این منزل کوهی بود مذکور نمودند که بوزنجرد که معروف ببجنورد است
پشت این کوه واقع میباشد هفدهم و هجدهم چهار منزل بریده بچشمه موسوم بقرانکلان رسیدیم چهار فرسخ
بمنزل مانده رودخانه آب شوری دیدیم که اول خاک خوارزم بود و مردابی ایستاده بود همراهان خوانین اظهار نمودند
که سابقاً رود جیحون از اینجا میگذشته و بعد از آنکه مغول راه آنرا گردانیدند هرچه درین زمین شوره زار مقعر
آب باقی مانده بواسطه زمین شوراب شده قریب دو فرسخ از اطراف و جوانب این آب راه پیمودیم تا این رود در
طرف دست چپ ماند و از او گذشته باصل منزل که قرانکلان بود رسیدیم چشمه بزرگ و آب ایستاده و آب آن شیرین
بود کارسازی کرده طرف عصر از آن گذشتیم درین راه جائی بود مذکور شد که توپی از توپهای محمد رحیم خان خوارزمی
حین مراجعت از سفر گرگان و استراباد مانده است چون توپچی بخان خوارزم عرض کرد توپ یاتلدی (یعنی خوابید)
آن زمین باسم موسوم شده در این منزل آتانیاز محرم سواری بخوارزم فرستاده از آمدن من بنده و خود شرحی
عرضه داشت و پیغامی داد و اخباری کرد همانا خان حرکت کرده بود و سوار در عرض راه باو رسید نوزدهم
و بیستم بمنزل یک ارسلان که کوهی بلند بود رفتیم و از آنجا بقوبمتا آتا شدیم درین منزل نیز چشمه آب شیرین و
تلخ بود بیست و یکم بمنزل قربان آتا نام که صحرائی بی‌گیاه بود رسیدیم همان آب تلخ در آنجا هم میرسید بشیرینی
خوردیم بیست و دویم بمنزل کوکلان قوئی رسیدیم و آب تلخی در آن سرزمین دیدیم بیست و سیم چهار
منزل قطع کردیم و از کوه قاپلان قوی بر فراز آمدیم کوهی بلند بود و تنگنائی صعب داشت بزیر کوه نشستیم
و تمام بار و استران و کاروان را بگذرانیدیم و دو جرشی وارد شدیم در این منزل آب شیرین بود

بیست و چهارم در عرض راه چند نفر ترکمان یموت دیدیم که از اوبهی باوبهی میرفتند صحرائی شوره زار دیدیم
که خار تری داشت از دیدن سبزه مسرتی حاصل شد آب تلخ قلیلی نیز در آنجا بود و نام آنجا را اغمرچاشکن
میخواندند بیست و پنجم بیابان خشکی طی کردیم که صحرا ریگ بود بجائی فرود آمدیم که از آن شاه صنم میخواندند
همانا سابقاً قلعه آبادی بوده است از آن نام بزرگ خوب و از آن زمین ریگ بلجبر تجی کردیم و معنی اسم بهیچ را
دانستیم آبی تلختر از شیره حنظل در آنجا بهم رسید بیست و ششم دشتی شوره زار و کوهی سفید از پیچ قطع کردیم
از زمین پست بصحرائی بلند رسیدیم مذکور شد که از این دشت بجانب دوس راهی است که خوارزمیان آب
و آذوقه برداشته عبور میکنند شب بادی تند وزید و هرچه رمل و ریگ در صحرا بود بر سر ما ریخت طناب
خیمه ما گسیخت و چراغ خاموش شد ستونها شکست گفتم نام این صحرا چیست گفتند سقر چگه تصدیق کردم که
در سقر بهتر از این نخواهد گذشت بیست و هفتم از گرمی و جمعیت همراهان و رغابت آن تشنگان آب شیرین
خود اگر من بنده با تمام رسید بعنق راه و فرستاده خوارزمشاه آگاه شده کوزه آب شیرین که از آب گرگان ذخیره
کرده بود بجهت من هدیه فرستاد الحق چنان بود که بمن عالمی عطا کرده باشند بعد از قطع مسافت بسیار بمنزلی رسیدیم
که از او شاق قوبی میخواندند در آنجا آب شیرین تحصیل شد بیست و هشتم منزل آبرتام نام داشت درین منزل
اسب عربی من بنده فرو ماند جلوداری که او را میآورد شب در صحرا گم شد علی بابی ترکمان با آب شیرین فرستاده بود
او را دو قیتکه مشرف بهلاکت بود در یافته آب داده آورده در منزل قرافلاغ باسب ما رسانید قبائی زری
و شالی کرمانی بآن ترکمان خلعت دادم بیست و نهم بما مژده دادند که درین منزل اول آبادی خیوق است جوی آب
از جیحون بدینجا میآید و ایلات نشسته اند هرچه لازم شود مهیاست چون بدانجا که بشغزی نام داشت رسیدیم
جوئی خشک دیدیم معلوم شد که آن آب را بر گردانیده اند و بدانجا نمیآید چند الاجیق دیدیم چیزی هم بهم نرسید
سلخ شهر رجب باول خیوق رسیدیم نهرهای آب و درختان بسیار و سفیدار بیشمار از دور پدیدار شد گفتم این
کجاست گفتند منزل قرافلاغ و ابتدای آبادی این سمت است آتانیاز محرم پیش رفته تهیه منزلی بجهت من بنده
و خود نمود و جمعی را باستقبال من فرستاد بمنزلی با صفا رسیدیم که خانه وسیع و حوضی عمیق و درختان نارون
بلند و بید گرداگرد حوض سایه انداخته بود در برابر رواق باغی طویل و عریض در نهایت قاعده و قانون و خیابان
پرداخت صاحب این خانه یموتی بود موسوم بملا پیر نفس مردی مکرم و مطعم بود روز بعد از آنجا روانه شده
روز غره شعبان یوسف جان آقا از بزرگ زادگان ملازمان خان خوارزم باشاده معظم الیه با سواران باستقبال
من بنده آمد و پرسش و اکرام کرده بطریق مهمانداری همراه بنده همی بود از نزدیکی منزل و باغ پیشتر رفته چون
بدروازه باغ رسیدیم دیدیم آنجا ایستاده اظهار شرمساری میکند و عذر میخواهد بعد از ورود قند در

وچای ونقل کراز شهر آورده بودند با بعضی میوهای نودس ونارس آن باغ بمجلس آورده پس از صرف چای ونقل ومیوه محقق شد که خان جلیل الشأن چنوه قریب هفته ایست که بسفر مرو رفته اند علی العباد وبراه نهاده از بی ادیحا نهاد واشجار خشکی بیابان فراموش شد بنهر خاپر رسیدیم تا بحوالی خیوق رسیدیم جمعی باستقبال آمدند داخل دروازه شدیم ابجالا کتماشانی از شهر نمودیم واز دروازه دیکر بیرون شدیم ودر باغ وخانه که معین کرده بودند نزول کردیم رحمة الله دیوان خال سرکار مهتر که مستوفی خان خیوق است با ناظر مهتر آقا شرط مهمانداری وخدمتکاری بجای آوردند ولی چون منزل چندان با صفا نبود شکایتی رفت واز ابرای سرکار خان در عرض راه مکاتبه کردند از اینجا حکم شد بباغ وعمارت شاهانه مرحوم محمد رحیم خان که در خارج شهر در زمین موسوم بکندم کان است نقل نمائیم (ذکر عمارت خانی ومنزل ثانی)

نخست فضائی دارد که حوضی در آن است درختان نارون بلند انبوه پس دروازه رفیع که در دو جنب دو برج وسیع دارد وچون از دالان پیش آیند فضائی دیکر ودری دیکر است پس دری دیکر ودر راستش خلوتی وسط مشتمل بر اطاق بزرک وبالاخانه منقح که منسوب بمهتر آقای وزیر سابق بوده است پس دالانی دیکر ودری دیکر واطاقی در دالان بجهة منزل چاکران ودری دیکر که از آن داخل بعمارت خانی میشوند مشتمل بر اطاقهای بزرک بیها واطاقها در اطاقها ساخته که در زمستان کرم ودر تابستان خنک خواهد بود ودر پیش هر اطاقی ایوانی وسیع وسقفی رفیع ودر زیر هر ایوانی ستونی تراشیده بترکیب سرو وپای هر ستونی بر سنک تراشیده بزرک مجزوطی امرودی ترکیب کذاشته ودر دو طرف آن دیوانخانه اطاقهای دیکر وبر فراز هر اطاقی بالاخانه های طولانی ودر پیش هر بالاخانه ستونهای بلند نصب کرده ودر میان فضا حوضی آبی وبر کرد آن درختان نارون بقد چنار ودر زیر سایه آنها باطراف حوض تختی بسته پس از این فضا دری دیکر بخلوت دیکران نیز مشتمل بر دو اطاق منقش تو در تو در پیش اطاق اول ایوانی افراشته دستونی سطبر در ازبتر کیب سرو وتمام ستون منبت کاری وپای ستون بر سنکی بزرک سفید منبت کرده نهاده ودو ستون دیکر بهمین طور در زیر دو سقف دو اطاق جنبین نهاده زمین فضا اجر فرش ودر وسط باغچه پر درختان میوه دار وصنوبرهای بیبناد بلند واز انجا راهی بباغچه دیکر وحوض دیکر نیز بر کرد حوض نارونهای بزرک بلند وبر یکسو عمارتی چهار دری موسوم بکوشک وبر سه طرف آن ستونهای چوبی بر زبر سنک تراشیده نهاده سرها در زیر سقف محکم نموده وزمینی بقدر دو ذرع ساخته وتخت کرده بر اطراف آن سنک کذاشته از دو طرف پنج پله از اجر وکچ بجهة بالا رفتن این تخت مهیا کرده قطر دیوار یکذرع واصل بنای اطاق از کل وارتفاع ان پنجذرع واطاق دیکر بر بالای آن از همین قرار بنا کرده اند واز چهار سوی آن چهار در که باغچه وحوض زیرین پدیدار است واطاق دیکر بهمین وضع

بالای

کتابخانه ...

بالای اطاق دیدیم که بام اطراف آن سقف تختکاه اطاق زیرین است وبر پهلوی اطاق سیمین نردبانی بلند وپله های چوبین نهاده که از این نردبان ببالای بام سیمین بر آیند واز تحت تا فوق بیست وچهار پله تا بالای بام آخرین بیست وهشت ذرع وفراز بام محل خوابکاه نیمه آن مسقف ونیمه دیکر بدون سقف که از آنجا تمام صحرا وبساتین وباغها وکشتزارهای اطراف شهر وبیوتات اغلب شهر در نظر پیداست وبر سر جانب این کوشک باغی است وسیع ودر وسط آن نیز حوضی وعمارتهای چهاردری بزرک ورفیع تخمینا سی جریب باغ است خطارها نارون بیک اندازه از بیست ذرع الی چهل ذرع وهمچنین درختهای صنوبر که سفیدار وتبریزی کویند در کمال راستی وبلندی ودرختان میوه دار از انجیر وانار وتوت وانکور وهلو وشفتالو وشلیل وسیب وبه ممتاز است باری درین عمارت منزل کردیم واز خستکی راه آسودیم

ذکر بعضی از وقایع ایام شهر شعبان

رفیق راه آتابیاز محرم که از دنبال خان خیوق رفته بود باز آمد وچون در طهران روزی او را ضیافت کرده بودم او هم باذن خان مرا بمهمانی بخانه خود خواند سوار شده بشهر وبخانه او رفتم نهایت اعزاز کرد وقریب سی تن از علمای شهر وعالیجناب آخوند آقاجان ملقب باعلم که در بخارا تحصیل کرده ودم بر درس رفته وزبان فارسی را نیکو میدانست اجزای مجلس بودند با مولانا اعلم از هر جا صحبتی بتقاعد پس از آن مجلس در شهر من بنده نادان بدانائی مشهور شدم ودر این ایام کاهی سوار شده بتماشای بساتین خارج شهر میرفتم از جمله روزی بتفرج صحرا رفته بودم که کفتند باغ محمد امین بهادرخان خوارزمشاه در همین حوالی است بتماشای آن باغ رفتم خارج باغ جاهی باصفای پر آب وسبزه ایست عمارت این باغ کمتر از باغ کندم کان است ولی روح در این باغ است که در باغهای دیکر نیست خیابانهای وسیع منظم درختهای با ترتیب آبکیرهای متعدد با صفا بارون وسفیدارهای بلند مشرف وباغبان شرط تکریم بجا آورده زردآلو وکیلاس زیاد آوردند الحق این باغ باروح وشباهتی بباغهای ایران دارد درین ایام تنکری قلی توره از اولاد محمد رحیم خان بحکم نیابت در خیوق ماند هم درین اوان فرستاده خان خوقند خدایارخان بخیوق آمد وچون خان بسفر مرو بود او نیز ناچار توقف نمود هم در این اوقات یکی از اسرا شنیدم که مدعی است که از شاهزادکان ایرانم خالی معلوم کردم چون صرف دروغکو وشیاد بود دروغ او وا نمودم وکذب او بر همه کس واضح شد نیز درین اوان نور مهدی نام بخارائی که از جانب امیر نصرالله خان حاکم بخارا بروم رفته بود ودر مراجعت بدار الخلافه طهران آمده واز انجا عازم مقصد شده بود همانا در راه خراسان بدره جز آمد واتابیاز محرم بخان خیوق اظهار کرد که نور مهدی از روم آمده وانفیه دانی مرصع از خوندکار روم بامیر بخارا برسم نشان همی برد وامیر بخارا وخان خیوق اکرچه هر دو از امرای اوزبکند ولی با هم عداوت دارند بنابراین باشاده سرکار خان طایفه تکه

بر سر او ریختند و اموال او را غارت کردند و او را اسیروار بخیوق آوردند الحاصل احوال در خیوق
میر بیت مکرخان اینکه هر کس از کار او گشاید بالجمله روز دهم شوال سرکار خان از مرو مراجعت کرده وارد خیوق
شد بعضی چاکران را بتماشا و فهم وضع و عدت فرستادم و خان نیز بعد از ورود اتالیق را مجدداً که با من همسفر
و در آن اوقات مباشر معاملات بعضی از کنج بود طلبید و پس از چند روزی در باغ انگوربیک مشهور با نگوربیک
با اتالیق و ترجمان و دو یلماج بخدمت خان رسیدیم سلام کردم جواب داد پرسش نمود مکالمات رفت از حال
اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه و اوضاع ممالک محروسه سؤالات وافی نمود و جوابهای کافی شنید بعد بمنزل معاودت
کردیم روزی نیز اتالیق دید مهتر یعقوب و وزیر رفتم ملا محمد نظر دیوان که فارسی دان بود و اتالیق محرم و بیک دو
تن دیگر بعض کردیم نهار آوردند اما طعام ایشان برنج با روغن کنجد بجوشانند و گوشت گوسفند را نیم پخته باو بندند
و در آن باشی طعام چند در پیشخدمت با کاردی که در طرف جیب بکمر بسته و آن پخته گوشتها را از استخوانها برید
بر روی طعام نهند و کله گوسفند با پاچه موی دار سم دار نیم پخته در ظرفی کرده بگذارند و آشی از برنج پخته بقدر
شیری روغن کنجد روی آن ریزند و در میان آن زرد آلوی خشک و آلو بخارا و امثال آن کنند و گوشتی نیز نیم پخته
دارد و خربزه و انگور و انجیر از دو الوان هر میوه که باشد بر خوان نهند و قند روسی درست و نبات سفید
و گلاب در ظرفی کرده در میان سفره نهند و گوشت را با پیاز پخته آنرا چلاو نامند و بهترین خورشهای ایشان آنست
و چون فراغت از خوردن یابند دست خود را با سفره پاک کنند آفتابه لکن همراه من بنده بود بیاوردند دست
شستم اسباب قهوه خوری همراه بود قهوه پخته آوردند فنجانی بهر یک دادند چون معمول آنجا نیست از بی‌خبری
ملا محمد نظر یک دفعه در دهان ریخت دهن او بسوخت نیز از تلخی قهوه متاذی شد قلیان بلور با نی پیچ که
همراه داشتم آوردند نهایت اسباب تعجب حضار شد بعد از رفع مجلس قند خشک و نبات و گلاب و شربتی که در
سفره حاضر بود بچاشتکان خود داده بمنزل من آوردند پس از یک دو روز بیک نیاز محرم دیوان بیگی که او را وزیر
دولت خارجه نیز خوانند ذکوة رعایای آن ولایت با او جمع اوست و محمد شریف بای برادر کهتر او بنیابت وی در
ولایت رفت تفصیل نماید بهمچنین مهتر آقا وزیر خان مرا دعوت کرد چون برادر او مامور بهمراهی من بود اجابت
کردیم دو سه روز دیگر مهتر نیاز محرم و ملا محمد نظر دیوان و اتالیق نیاز محرم را بمهمانی طلبیدم و گفتم خورشهای
کوناگون ایرانی و اغذیه لذیذ و اطعمه انواع و اقسام حاضر کردند بعد از آن مهمانی دیگر کسی اقدام بدعوت و ضیافت
من نکرد بلکه از دعوت سابق خجل بودند   روزی کاروان باشی کردرا نولایت بمنزله ملک التجار است و در
معاملات دیوانی دخیل و نهایت معتبر با دو نفر دیگر آمده بقچه و کیسه نزد من گذاشت که این خلعت و انعام
خوارزمشاه است عذرخواهی بسیار نمود در قبول آن مسامحه و او را اصرار بود سر بقچه بگشود قبای اطلس

مشجر

مشجر و جبه زری اعلی بود مرا خنده آمد و او را تجربه با ابرام خلعت را بدوش من افکنده گفت تنخواه را نیز
تصرف کنید گفتم چاکران بر گیرند زر نقد پانصد تومان بود بیش از پنجاه تومان بقلیان انعام دادم
الحاصل بعد از کشف مطالب و درک مسائل موقع معاودت از سفر خوارزم شد در اینوقت خان خیوق
پیغام داد که سید احمد نقیب بخارائی منسوب امیر بخارا اراده مکه معظمه است او را با جمعی از علما و فضلای
کاشغر و فرغانه و خوقند و خیوق بطهران برده روانه نمائید قبول نمودم خواجه سید احمد پسر عم امیر نصرالله خان
بخارائی است و از نجبای آن ولایت و منصب نقابت در بخارا نازل منزله امارت است چون این شخص با وجود
احترام زیاد در سواری و شکار زبردستی و تهور دارد و اتالیقان بخارا از او ناصبر و ظاهر است امیر بخارا
مردی با سوء ظن با وی دل بد کرده او را محبوس خواست وی فرار کرده بخوارزم آمد اینک بعد از چندی
مجالست با خان خیوق دو پسر خود را برداشته با من بنده روانه ری شده مردی است دانا با مکنت از تواریخ
با خبر و در موسیقی ماهر خلاصه روزی چند بتدارک سفر پرداختیم دوازده شتر خریدیم و ده نیز از ساربان
کاروان بموت کرایه کردیم و آب و آذوقه پانزده اسب و بیست و دو شتر و بیست و پنج آدم تهیه کرده دیگر باره
خان خیوق را ملاقات نموده وداع کردیم و بازآمده از خیوق که دار الملک خوانین خوارزم است مصمم منازل
راه اورکنج الی اورکنج کهنه شدیم که شهر قدیم آنجا بوده و سپاه مغول انجا را ویران نمودند و در اینمحل برکه
مختصری از بلاد و قلاع و قواعد و رسوم آن ولایت بنگاریم و مشهودات را مزید معلومات نمائیم

ذکر خوارزم

خوارزم را قلعه‌ها و شهرها بوده و هست وجه تسمیه این ملک بخوارزم اینکه در زمان کیخسرو بن سیاوش
ابن کیکاوس که با جد خود افراسیاب دعوی خونخواهی پدر خود سیاوش همی کرد و مکرر در میان ایرانی
و تورانی جنگهای بزرگ شد از جمله وقتی افراسیاب لشکری ببرادری شیده پسر خود که خال کیخسرو بود بجنگ
ایران فرستاد کیخسرو نیز با لشکر بسیار حرکت کرده بر لب جیحون در زمینی وسیع و صاف تلاقی دو لشکر
شده چون شیده بشجاعت خود مستظهر بود خواهش کرد کیخسرو بنفسه با او جنگ کند هر کدام کشته شدند
بقیه لشکر در امان باشند و بی نزاع برگردند کیخسرو پسندید در این باب عهد کرد امرا و پهلوانان ایران چون
از شجاعت کیخسرو بیخبر بودند از اینکار تشویش داشتند و هر چه منع کردند کیخسرو نپذیرفت خلاصه هر دو
بنفسه با هم رزم کردند و کیخسرو پیروز شده غالب شد او را بکشت و پس از قتل عزاداری کرده سپاه ترکستان را
مغافا از مصاف نموده و رخصت انصراف داد چون در لغت فارسی خوار بمعنی سهل و کم و آسان و کار بیابه رزم
آمده لهذا کیخسرو گفت در این زمین خوار رزمی شد بنا بر قاعده پارسیان که چون یکحرف مکرر و در پهلوی هم

یکی را حذف و بیکی اقتصار نمایند آن زمین بخوارزم موسوم شد و بواسطه قرب با بجیحون بر رود و مردم در اینجا جمع و خانه بنا نهادند و هر جا قلعه و شهری بنا کردند تا آباد شد خوارزم را از اقلیم پنجم گرفته اند در عهد سلاطین خوارزمیه خاصه سلطان محمد خوارزمشاه که ایران و توران در حکم او در آمده بود آن ملک در نهایت آبادانی و معمور بود در زمان مغول خراب شد بعد باز بتدریج رو بآبادانی نهاد و اکنون آباد است قرای خوب و قلاع مرغوب دارد و پنج قلعه حاکم نشین خیوق و هزاراسب واورگنج وکات وخانگاه از بلاد قدیم آن مملکت بوده است

ذکر هزاراسب

از شهرهای مشهور خوارزم و معرب بهزاراسف از قلاع محکم و در بلندی واقع شده دو دروازه دارد و قریب ده هزار کس در آن ساکن اند در عهد سلطان محمود غزنوی خوارزمشاه با وی معارضه کرده سلطان لشکر بخوارزم کشید و هزاراسب را مفتوح نمود و حکیم ابو الحسن فرخی سیستانی در مدح سلطان محمود گفته

بهزاراسب فریدون از دو هزاراسب گرفت ٭ همه را تر شد از خون خداوندان تنک

در عهد سلاجقه خوارزمشاهیه که از اولاد نوشتکین غرچه غلام ملکاتکین از ممالیک سلطان ملکشاه سلجوقی بوده ترقی نموده اند و اتسز بن قطب الدین محمد بن نوشتکین از سنجر یاغی شد سلطان سنجر از مرو قصد خوارزم کرده اتسز در هزاراسب متحصن شد انوری ابیوردی در اردوی سلطان سنجر بود این رباعی در مدح سنجر گفته نوشته بتیری بسته در قلعه هزاراسب انداختند

ای شاه همه ملک جهان حسب تو راست ٭ وز دولت و اقبال شهی کسب تو راست
امروز بیک حمله هزاراسب بگیر ٭ فردا خوارزم و صد هزار اسب تو راست

چون اتسز این شنید رشید الدین وطواط بلخی حکم نمود جواب گفته باردوی سنجر انداختند رباعی

ای شاه بجاست می صافست نه درد ٭ اعدای تو را ز غصه خون باید خورد
گر خصم تو ای شاه شود رستم گرد ٭ یک خر ز هزاراسب نتواند برد

سلطان سنجر قسم خورد که چون قلعه مفتوح شود وطواط را بهفت پاره کنم و بعد از گریختن اتسز و گرفتن قلعه وطواط بشفاعت بدیع منشی خلاص شد الحاصل از مرو بهزاراسب راهی است کم آب و چاههای آب در بعضی بیابان است که اهل آنمملکت اطلاع دارند و ده دوازده روز راه زیاده تا مرو نمیباشد و تا خیوق سر منزل آن و تا لب رود جیحون چهار فرسخ سیب هزاراسب در همه عالم نظیر ندارد و سایر میوه هایش نیز نیکو است

ذکر قلعه خوانکاه

از قلاع خمسه خوارزم و در میانه هزاراسب مذکور و خیوق است هنگامی که نادرشاه از بخارا بجانب ایلبارس خان

والی خوارزم لشکر کشید اول بهزاراسب آمد چون قلعه محکم و آب جیحون اطراف انرا داشت نادرشاه بفتح آن نپرداخت و بخیوق راند ایلبارس خان از هزاراسب بیرون آمد سواره بهوت و تکه با لشکر نادری کشید نادری مشغول جنگ شد ایلبارس منهزما بقلعه خوانکاه رفت روز دیگر جنگ در انداختند ایلبارس و بیست نفر از اعاظم آمده مقتول شدند و از اینجا بخیوق آمد چهار روز توپ بقلعه زدند قلعه گیان امان خواستند دوازده هزار کس از اسرای خراسان که در خیوق بودند نجات یافتند و ده هزار خوارزمی کشته شد و خاک خیوق را در چهار فرسخی ابیورد برده قلعه خیوه آباد ساخت (دار الملک خیوق) خیوق معرب آنست تا بقا که کر کانج مشهور باورگنج معمور و دار الملک خوارزمشاهیه بود خیوه قلعه از قلاع خمسه خوارزم محسوب میشد بعد از خرابی اورگنج خیوه رو بآبادانی نهاد گویند بحساب هند سر تاریخ بنای او نام اوست ششصد هفتصد سال است که ساخته شده اکنون در همه خوارزم از خیوه معمورتری نیست و دار الملک خوانین اوزبکیه است و از ایام محمد رحیمخان تا اکنون خوانین در آبادی آن کوشیده مساجد و مدارس و عمارات عالیه در آن ساخته شهر نیست که حصاران در کمال متانت ولی خندقی بر گرد آن نیست و با وجود نهرهای بسیار از آب جیحون که در اطراف آن شهر است حاجت بخندق ندارد دور آن شهر تخمینا یکفرسخ است و ارکی در یکطرف آن ساخته اند پنج دروازه دارد بعد از عبور از معتدادی راه بدروازه ارک رسند و بر شهر قدیم آن شهر جدیدی ساخته اند و عمارات عالیه در آن بنیاد نموده اند دکاکین و بازار دارد و قریب ده هزار کس در آن متوطن اند که غالبا اوزبک اند و هوای شهر بغایت گرم است و توقف در آن بصعوبت ممکن است لهذا بزرگان این شهر بیشتر در خارج شهر که صحرائیست پر آب و سبزه و انهار و اشجار باغها و خانه ها وسیع ساخته در آنجا بسر میبرند و در بیرون شهر بیکطرف باغی از بناهای الله قلیخان است که رفیبنك خوانند و ابنیه عالیه فوقانی و تحتانی زیاده دارد و در خیوه بهتر از آن باغی نیست بلکه نظیر باغهای خوب ایران میتواند بود و در طرف دیگر چمنیک نیز باغی تازه از بناهای محمد امین خان بن الله قلیخان خان حالیه خوارزم است که در آن عمارات تحتانی و فوقانی بلند ساخته اند و از میان عمارت و زیر آن نهری بزرگ از آب جیحون میگذرد آن وقوشخانه مرکادی نیز در این باغ است و در شهر خیوق میدان در اطراف دروازه بسیار است و از میدانهای بسیار بزرگ میدانیست که محل اجتماع عراده کشان است و زیاده از دو هزار عراده با اسب بسته در آن جمع است که هر کس بخواهد بجهة بار کشی و سواری کرایه میکند عراده کشان ایرانی اند میدان و بازار وسیع دیگری است که اسب فروشند هم در جائی معین است که شتر فروشند و نیز در بازاری معین اسب فروشند و معامله بازار آن ولایت در دو روز دوشنبه و جمعه است و در سایر ایام هفته بیشتر کسبه بباغها روند و عشرت کنند و در هر قریه روزی معین بازار و معامله دارند و تا اکنون از گنج از بنقرار مقرر است

مسافر مرحوم رضا قلیخان روح الله روحه بخوارزم

و از مزارهای خیوق یکی مقبره پهلوان محمود خوارزمی پیر پوریای ولی است و پهلوان محمود را از اولیا دانند
و حضرت پهلوان خوانند دیگر چهار شهباز که از ابنیه اولیا دانسته زیارت کنند و اغلب اوقات فقرای بخارا و
خیوق و غربای هر دیار در آن دو مزار بسر برند

ذکر مراجعت از خیوق بجانب جرجانیه مشهور بگرگانج

روز پنجشنبه شانزدهم ذیقعده الحرام از منزل مقرره بخلوت دیگر مکان نقل کرده روز جمعه باتفاق محمد شریف بای
روانه شده چند فرسخ طی کردیم و بمنزل شاه آباد نزول اتفاق افتاد شب در منزل نوره اتالیغ که باغ با صفا داشت
بضیافت گذشت شنبه هجدهم بمنزل موسوم بتاش حوض رفتیم باغ و عمارتی وسیع و رفیع از بناهای خوانین
خوارزم در اینجا هست یکشنبه نوزدهم بهلالی راندیم اینجا نیز باغ و عمارتی از بناهای خان دیدیم که الحق
در خور توصیف بود دوشنبه بیستم بآق پته آمدیم و در باغی از ابنیه خوانین خوارزم آسودیم سه شنبه بیست و یکم
بمنزل خان آباد در باغ خان که حوضه منزل نمودیم در همه منازل باغی بدین نزهت و اسلوب دیده نشده زمین
آن یکصد جریب و بر اطراف خیابان آن سپیدارها صف کشیده از هر خیابانی بحوضه راه و از هر حوضه بخیابانی
معبر دیگر با چهار خیابان بچهار سو آراسته نام آن باغ بهار چمن بود چندان گنجشک بر شاخ درختان نشسته
بودند که چون رمیده و برخواستندی آواز و بانگی عجیب از پرواز ایشان بگوش رسیدی چهارشنبه بیست و دوم
روانه کهنه اورگنج شدیم نهری بزرگ از جیحون بصحرا افتاده در زمینهای پست تا دو سه منزل رفتی و جمعی از تراکمه
یموت در زمینهای آن سکونت گرفته زراعت میکرده اند کار بجائی میرسید که طاغی شده زکات بخان خیوق
نمیدادند و از کثرت جمعیت دم از خودسری میزدند کارگذاران این نهر را برگردانیده بعد از دو سه سال آن
طایفه بستوه آمده در دهات خوارزم متفرق گردیدند خلاصه از پهلوی گرگانج که دار الملک سلاطین خوارزم
شاهیه بوده و لشکر مغول خراب کرده گذشتیم و بکهنه اورگنج نو وارد گشتیم اتالیغ محرم که متصدی آنجاست
استقبال کرده در باغی تازه منزل داد دو سه روز توقف کردیم تا همسفران از عقب رسیدند پنجشنبه
بیست و سیم قصد تماشای کهنه اورگنج و آثار قدیمه و زیارت مزار قطب المحققین شیخ ابو الجناب طامة الکبری نجم الدین
احمد بن عمر الخیوقی که از مشاهیر مشایخ بوده نمودیم قاضی عبدالله خوقندی که با من سابقه آشنائی داشته
در اورگنج امامت میکرد با محمد شریف بای همراه بمرقد شیخ نجم الدین کبری قدس سره رفتیم فاتحه خواندیم یاد
سلطان محمد خوارزمشاه و چنگیز نمودیم و از قضا و بخت روزگار عبرت گرفتیم

گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک   زایشان شکم خاک است آبستن جاویدان

ذکر شیخ نجم الدین کبری

اصل

اصل او از خیوق بوده در جوانی از کثرت علم با هر کس مباحثه کردی بر او فایق آمدی لهذا او را طامة الکبری خواندند
بعد از آن طامه را حذف و او را فقط کبری گفتند و بجهة اجتناب از دنیا ابو الجناب نیز نامیدند گویند
این لقب را در خواب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله یافته بعد از مسافرت بسیار و درک صحبت مشایخ عصر
کرده تکمیل شده بخوارزم آمد و ده نفر از مریدان او بدرجه ارشاد رسیدند چون بحکم سلطان محمد خوارزمشاه
مجد الدین بغدادی را که از مریدهای نجم الدین بود در رود جیحون انداختند شیخ خوارزمشاه را نفرین کرد
و لشکر تاتار بخوارزم آمدند و قتل و غارت میکردند از جمله شصت نفر بگرگانج بخانقاه شیخ ریختند و شیخ نیز
جهاد کرده تا شهید شد از مزار شیخ گذشته بمزار خواجه علی رامتینی معروف بعزیزان رسیدیم اصل خواجه
از قریه رامتین از اعمال بخارا است و از مریدان خواجه محمود انجیر فغنوی و بر طریق اکابر نقشبندیه است از آنجا بخوارزم
آمده ساکن شد بعد از آن بمزار دیگر رفتیم که بامام فخر رازی منسوب بود

ذکر امام فخر رازی

فخر الدین ابو عبدالله محمد بن حسن القرشی التیمی البکری از مشاهیر فضلا و حکمای عهد خود بوده ولادت او
در سنه پانصد و چهل و چهار و رحلتش در سال ششصد و شش اتفاق افتاده است مزارش در کهنه اورگنج
صاحب تصنیفات و تالیفات معروفه گاهی نظم فارسی نیز داده و این رباعی از آنجمله است

هرگز دل من ز علم محروم نشد   کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز   معلوم شد که هیچ معلوم نشد

بعضی گویند این قبر از فخر الدین رازی نیست قبر ابن حاجب را نیز در اینجا نشان دادند و تحقیق بدین آن نشد
در حوالی آن آثار بناهای عالی بسیار بود از جمله مناری که قریب شصت ذرع ارتفاع داشت و قطر آن چهل ذرع بود
گویند وقتی لشکر مغول آن منار را از دو سه منزلی دیدند راه نزدیک فرض کرده بغارت گرگانج و خوارزم تاختند
بعد از دو سه روز بدانجا رسیدند لهذا خشمناک شده منار را خراب نمودند و آنچه هست بقیه منار است نیز تما
آن چند مزار دیگر که یکی شیخ شرف نام و دیگری را قراقاپیچ میخواندند دیده شد نیز از آثار قدیمه گنبدی مرتفع
کاشی کاری در کمال متانت و علو صفا و استحکام دیده شد مذکور نمودند قبر توره بای خانم دختر قتلق سلطان
بوده است کهنه اورگنج در اینوقت باهتمام محمد امین خان رو با بادانی نهاده است بعضی از سواران قزاق و
قراقلپاق با لباس عجیب و کلاه عجیب در آنجا دیده شد بالجمله در آن حدود قرا و قلاع معروف و غیر معروف بسیار است

ذکر کات

از شهرهای خوارزم و از قلاع حسن آن بوده سابقا آبادی تمام داشته اکنون حد وسط است شهر یعقوب بیر

مهتر یوسف وزیر خوارزم خیوق از انجاست محمد رحیم خان درانجا عمارتها نموده (زمخشر) قریه و قلعه بوده در قدیم اباد فاضل زمخشری از ینقریه میباشد (قنقرات) شهری و قلعه ایست از بلاد خوارزم و طایفه قنقرات از طوایف اوزبک درانجا سکنی دارند و اصل خوانین خیوق انرا از بکیه قنقرات بوده و طایفه قبات نیز درانجا سکنی دارند (حکیم اتا) نام محلی است برلب رود جیحون که حکیم دران مدفون شده و او از مشایخ ترك و متعلقین سلسله نقشبندیه بوده است بادی ولایت خوارزم و قرای آن اغلب برلب رود جیحون واقع شده تا لب جیحون سه فرسخ چهار فرسخ کما بیش فاصله است و حکیم اتا انتهای ابادی خوارزم است (بحیره جند خوارزم) دور آن یکصد فرسخ و قطرش سی و دو فرسخ و جیحون خوارزم و سیحون چاچ و فرغانه درین بحیره میریزد

ذکر خوانین خیوق

بعد از نادرشاه هرج و مرج در او ضاع سلطنت اغلب سلاطین روی داد ترکمانیه یموت دست استیلا بر بقاع و قلاع خوارزم بکشادند و مدتی براین منوال بود تا از اولاد مغول طایفه اوزبك کرد قنقرات سکنی داشتند لوای حکمرانی برافراشتند اول انها التذر بن عوض ایناق بن محمد امین ایناق بن فاضل ایناق قنقرات بن ابو الغازی ابن اسفندیار بن عرب محمد سلطان مغاصر صفویه ابن حاجم خان بن یونس خان که از جانب صفویه بحکومت خراسان رسیده اند و سلسله ایشان متجدد کشته پنجنفر بوده اند اول التذرخان در هزار و دویست و یازده در قنقرات خروج کرد و طایفه یموت را از کرکانج و خوارزم بیرون نمود و در هزار و دویست و سیزده بر مسند خانی نشست و مدت ملکش دو سال بود دوم محمد رحیم خان برادر کهتر التذرخان او کمر همت برای نظم خوارزم بست با بخارا و یموت و تکه نزاعها کرد و بر همه غالب شد بعد از بیست و هفت سال حکمرانی در هزار و دویست و چهل در کذشت سیم الله قلیخان بن محمد رحیم خان بجای پدر نشست و هجده سال بعیش حکمرانی کرد و در هزار و دویست و پنجاه و هشت در کذشت چهارم رحیم قلیخان بن الله قلیخان بخانی رسید و چمن قلی توره در مقام ایناقی یعنی مرتبه وزارت و امارت یافت مدت ملك رحیمقلیخان پنجسال بوده بعد از ان برادر کهتر او محمد امین خان بن الله قلیخان منصب خانی یافت و تا کنون که سال هزار و دویست و شصت و هشت است شش سال میباشد که حکمرانی مینماید و از اولاد محمد رحیم خان و الله قلیخان جمعی هستند که توره یعنی شاهزاده اند از جمله پسری است دوازده ساله بفرزندی دبزرگی پهلوان سی ساله و اسب دستکینی پیکر او بستوه است

شنبه بیست و پنجم ذیقعده الحرام از کهنه اورکنج مصمم شده خیکها از آب جیحون پر کرده تدارکات دیگر دیده بعد از طی چهار فرسنک بمنزل غاتقر رسیدیم اینجا نیز باغی تازه مغروس از مستحدثات خان خیوق دیده شد ملا مختار فرستاده مهتر اقای وزیر خوارزم که از خیوق با من همراه بود و مهماندار عرض راه او را با دلی خوش از انجا معاودت دادیم

وازهمان

از همان راهی که از استراباد امده بودیم مراجعت کرده منزل میپیمودیم در چرشی مسموع شد که طایفه یموت کرکان نشین استراباد بر محمد ولیخان بیکلربیکی قاجار خاکرخود طغیان نموده اند از ین خبر دغدغه در خاطر هارو نمود چیزی نکذشت که اشفتکی راه کرکان محقق شد بالجمله در خوف و رجا راه میپیمودیم تا بمنزل موسوم بکسل منار و مشهد مصریان رسیدیم مخفی نماند که از کرکانج تا کرکان اثار شهرهای ویران بسیار است و معلوم میشود که غالبا در فتنه مغول از ابادی افتاده از جمله اثار شهر عظیمی در اینمحل در کنار راه است که عمارات و بقاع و کنبدهای بزرك و کوچك و متوسط از اجر و کچ در آن مشهود میشود در کنبدی عظیم که نهایت مرتفع بود داخل شده اثار خطی بر کرد طاق دیدم که بخط کوفی شبیه بود و در پهلوی ان اطاقی دیدم که در کوچك داشت خواستیم داخل شویم از غرایب اتفاقات انکه ماری بر در آن اطاق رفته در میان در حلقه زده نشست چندان که هاى و هوی کردند نرفت مار دراو واو در ما منکر یست چون بسیار نزدیك میشدیم سر بر میداشت و مستعد جستن میکشت در میان در بود تا قدری واپس آمدیم او هم از میان در پشت در رفت باز نزدیك آمدیم مار هم از پشت در بیرون امده در میان در نشست او را بحال خود کذاشته روانه شدیم و بمنزل آمدیم القصه همه جا خبر طغیان یموت میرسید و معلوم شد که انتظار مرا میکشند که از رفتن ممانعت کنند باری بعد از وصول بحوالی رود اترك که غالب ترا کمه در ان حدود سکنی دارند شب غذائی خورده و خواب را نامناسب شمرده سوار شده راندیم چون اندکی راه رفتیم نشان سم اسب سواران ظاهر شد معلوم شد که عده کثیری و از حوالی ما کذشته وارد رود اترك شدیم از دست چپ راه که زمینی نمك زار بود عبور کرده خائفا راه طی مینمودیم چون هنکام رفتن در لب رود کرکان با ویر قراخان یموت اتابای که اباعن جد خدمتکذار این دولت بودند منزل کرده و نان و نمك خورده بودیم و با بعضی از ریش سفیدان ابلات آق و قاضی یموت اتابای آشنا شده بودیم انسب دانستیم که بخانه قراخان و قلیخان یا خانه قاضی منزل کزینیم و منزل کار استراباد نداشتیم در ین اثنا که از دست راست یلان راه میرفتیم قاصدی از برابر آمد از قصه پرسیدند کفت قراخان بیکلربیکی کرفته حبس نموده و هزار سوار یاغی اکنون در پیش روی شما بجزایر رود کرکان رفته اند فرستاده خان خیوق و دیکران ازین خبر بهم بر آمده متحیر شدند یکی کفت از دست چپ که راه متداول نیست رفتن اولیست زیرا که سواران در پیش روی ما نرسند و دزدی قلیج خان نیز درین طرف او برادر ودر ما را مغتنم میشمارد و اکر لازم شود در رفتن باستراباد خود با سواران همراهی کند چند او برد الاچیق از دور نمودار شد بیکانکان را آشنا کمان کرده رو بدانها همیرفتیم بعد معلوم شد که الاچیقها از ترا کمه یاغی است کفتند قانون ترا کمه آنست که هر که بخانه انها رود ایمن بود ناچار بر ایشان وارد شدیم نانی بنا و ردند و اظهار خدمتی کردند از انجا زود حرکت کردیم انها خبر بدشمنان ما دادند و خود باما براه افتادند ناکاه غبار از دست چپ بلند و سوار متوالی در رسید

بر بنه ما حمله کردند و از هر جا دستشان بچیزی رسید بردند من خواستم اسب بجانب آنها تازم رفقا گفتند این همه
برای تو است بپای خود چرا بطرف هلاکت روی ناچار قدری باز پس راندم ملازمان را بمدافعه تحریص میکردم و خود
در انجام کار متحیّر آخر الامر نام مرا برده گفتند فلان را بما بسپارید و باقی آسوده بگذرید چون بزرگان ما را گرفته اند
و گوسفندان را برده او را نگاه میداریم تا آنها مستخلص کردند و رفقا این همه دست شده باین معنی رضا ندادند
و شترانرا بخوابانیدند و زنان و پیران در میان بنشستند و جوانان و دلیران در اطراف با اسلحه مهیّای
مدافعه شدند زد و خورد میکردند و دمادم از اطراف سواران طوایف ترکمان بموافقت و حمایت ایشان همی رسیدند
قدری از ظهر گذشته بود معلوم شد که چون شب در رسد دوست از دشمن شناخته نگردد و از هر سوی بتازند
و کار ما را بسازند خلاصه در میان انجماعت با خوف و هراس حرکت مذبوح میکردیم

چونکه عادت کرده بود این پاک جیب   در هزیمت رخت بردن سوی غیب

پناه بذات اقدس بیچون برده طریق توسل میپیمودم که خادم آمده گفت قاضی یموت که هنگام رفتن با شما در
خانه قراخان بلکه تا انزد همراه بود آمده با شما ملاقات میخواهد دانستم که بفضلی از خداست گفتم بیاید قاضی باز آمد
و سلام کرد گفتم ایها القاضی شما هم چشم از دوستی سابق و سابقه پوشیدید با ترکمانان بگرفتن من آمده گفت لا والله
من از این ماجرا بیخبر و در لب رود گرگان در اوبه خود بودم اینخبر موحش شنیدم آمدم حال هر چه این طاغیانرا نصیحت
میکنم اثر نمیکند گفتم هر جا سخن عاقلان را وقعی نیست اجتماع جهال را اثر خواهد بود اگر راست گوئی آدمی باوبه
او به خود و قراخان و قلیجخان آق که با من الفت و میثاق داشتند بفرست و برهانی من سواران اتابای و آق را
بخوان قاضی فوراً برادر خود را فرستاد و باوبه پیاپی دادخواه قراخان اتابای که در حباله علیخان یموت بنی عم
او بود بعد از گرفتاری قراخان و اولاد او در استراباد و گرگان در اوبه برادر مختار بود چون شنید که من بجانب اوبه
قراخان حرکت کرده ام جمعیرا برانگیزانیده سوار شدند و نزد ما آمده گفتند در توقف مصلحت نیست اگر
شب در اینجا بمانید صبح از کثرت تراکمه مجال رستن نیست لهذا حرکت کردیم و سواران ترکمان از همه طوایف
بر گرد ما و بنه ما همی رفتند و منتهز فرصت بودند ولی مجال ترکتازی نکردند و هر وقت نزدیک میشدند
سواران اتابای برایشان دشنام میدادند و نام خود را میگفتند آنها بر میگشتند و تا فرسخی با ما براه آمدند
و حاصلی ندیدند اندک اندک دور شدند و متفرق گشتند نیمی از شب گذشته باوبه قراخان آمدیم اهل اوبه
خاصه زن مسطوره پذیرائی و مهمانی کردند شب چیزی خورده بخفتیم صبح برخاسته بزرگان یموت بدیدن
آمدند بعد از دو شب یکروز از اوبه قراخان حرکت کردیم محمد قلیخان و قلیجخان والتذ سردار و سایر خوانین
اتابای و آق و منسوبان قاضی با سواره زیادی با ما همی آمدند و چون بحوالی گرگان رسیدیم خوانین جعفر بای

و سواران

و سواران ایشان استقبال کردند و سواران اتابای را رخصت دادیم رفتند

بیان بند گرگان

بتماشای این بند رفتیم پنجاه شصت ذرع طول و پانزده ذرع عرض آن بود الحق خان بیگلربیگی در مدّت قلیل
بندی محکم بر چنان رودی بسته فواید و منافع این بند بسیار است چون از بند گرگان گذشتیم سرکردگان استرآباد
باستقبال ما آمدند اردوی بیگلربیگی در پهلوی جعفرآباد بود من با همسفران در تپه جعفرآباد در نزدیکی
اردو منزل کردیم شب با محمد شریف بای مهمان بیگلربیگی بودیم و آنچه باید و لازم بود در امور آنصفحات گفتیم
و شنودیم علی الصباح حرکت کرده بشهر استرآباد آمدیم چند روزی بماندیم بعد از دفع خستگی از راه خوارزم
روز غرّه محرّم از استراباد حرکت کرده منازل پیموده بیست و هفتم همین ماه باتفاق محمد شریف بای و سید احمد
بخارائی نقیب وارد شهر دار الخلافه شدیم پس از چند روز محمد شریف بای باتفاق من بنده بحضور مهر ظهور
اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه مشرّف شده هدایای محمد امین خان را از لحاظ نظر مبارک گذرانیدند خواجه سید احمد
نقیب هم دو بهله قوش طرلان و قزل شکاری بحضور حضرت اقدس همایون برسم پیشکش آورده استدعای
مرخصی زیارت مکّه معظمه زادالله تعالی شرفاً و تعظیماً نمودند مخلع و مرخص شد و این بنده بعواطف مخصوص
سربلند گردید انتهی

۱۲۶۷
هم در اینسال در این دولت جاوید عدّت یعنی دار الخلافه باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه
و بعضی اعلانات تجارتی و غیره ایجاد شد و اول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید مورّخ بتاریخ روز جمعه
ربیع الثانی سنه هزار و دویست و شصت و هفت بود

نیز در اینسال بواسطه قراولخانه که در هر نقطه شهر دار الخلافه ساخته شده بود بنظم شهر افزود و مقرّر شد
که در سایر بلاد نیز قراولخانه ها بسازند

۱۲۶۷
نیز در اینسال بواسطه باریدن برف زیاد در دار الخلافه و موجود بودن دوازده هزار خروار غلّه مال دیوان
در انبار دار الخلافه چیزی بر تسعیر جنس نیفزود مصطفی قلیخان قراگوزلو نظر بخدماتیکه کرده بود منصب
میرپنجی یافت آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین گردید پاشاخان مکری (حالا مظفر الدوله)
سرتیپ افواج سمنان و دامغان شد سلیمان خان دنبلی حکومت تربت یافت یوسف خان افشار را
منصب سرهنگی فوج جدید افشار ارومی دادند رضاقلیخان ولد سلیمانخان افشار صاین قلعه بنیابت
حکومت صاین قلعه برقرار آمد

۱۲۶۷
هم در اینسال مقرر شد که ماهی دو مرتبه یکی روز غرّه و مرتبه دیگر در پانزدهم ماه چاپار با آذربایجان و فارس

و گیلان و مازندران و کرمان و خراسان و استراباد و کرمانشاهان دفتر مراجعت کند محمد تقی خان جوانشیر
حاکم شاهرود و بسطام گردید نواب والا خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان از بروجرد بمقر حکومت خود
روانه گردید نیز در اینسال ۱۲۶۷ کارگذاران دولت علیه در خوبی شال کرمان اهتمام نمودند استاد عبد الحمید
نامی شکر مازندرانرا طوری تصفیه نمود که مثل شکر هندوستان شد شفیع خان نایب اول آجودان باشی
مامور مصلحت گذاری و اقامت لندن شد میرزا حسینخان ولد میرزا نبی خان امیر دیوان مامور بمبئی و کار
پرداز امور تجارت رعایای ایران که در هندوستان بودند شد (مقصود جناب اشرف حاجی میرزا حسین خان
مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه میباشند جناب معظم الیه از همین وقت که ابتدای
ماموریت و خدمت ایشان بدولت علیه بود هر روزه در مدارج ترقیات کامله صعود نموده انا فانا مراتب
کفایت و کمال عقل خود را ظاهر و معلوم ساخته سفر و سفارتهای بزرگ و وزیر مختاری کرده بعد از خدمات
جلیله باین دولت جاوید شوکت در خارجه و مراجعت بداخله بتفویض وزارت عدلیه عظمی نایل و از ان مقام
منیع ارتقا جسته سپهسالار اعظم و از سپهسالاری بمسند جلالت صدر اعظمی ایران قعود نمودند هم اکنون
سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه میباشند و شرح سفارات ایشان بیاید)

هم در اینسال ۱۲۶۷ بنای کارخانه چینی سازی در طهران و بنای کارخانه بلورسازی در قم نهادند مفتول دوزی
در لباس اهل نظام که تا انوقت در ایران معمول نبود زنی طهرانیه مسماة بخورشید خانم نمونه ازان دوخته بنظر
اولیای دولت رسانید و معلوم شد مفتول دوزی سردست و یقه صاحب منصبان را در ایران بدوزند شال جوخای
مازندران نیز در اینسال طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز بسیار بکار میخورد زمستان اینسال اجلی میرزا
شد حکومت اردبیل بمحمد رضا خان قاجار تفویض آمد محمد حسن خان نوری بحکومت مشکین و ایلات انجا
رفت قاسم خان قاجار ارجاری باشی حکومت قراجه داغ یافت میرزا زین العابدین تبریزی مامور بتعدیل
مالیات گیلان و تومن بن اعمال گیلان شد میرزا هدایت الله مستوفی بتعدیل مالیات مابین قلعه و سبکه
بموجب سوار انجا رفت (جناب میرزا هدایت الله مشار الیه از انوقت الی الان یوما فیوما در مدارج ترقیات
کامله بود تا چند سال قبل وزیر لشکر شده اینک وزارت جلیله دفتر با جناب معزی الیه است و یکی از کفات
و بزرگان رجال این دولت فیروزی مآل میباشند) میرزا حسن خان وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان اتابک
اعظم حکمرانی عراق یافت محب علی خان ماکوئی را منصب میر پنجگی دادند و حسن خان یوزباشی ولد مشار الیه
سرهنگ و مامور شد که از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز جدید بگیرد حسنعلیخان سرهنگ از کروس
یکفوج سرباز گرفت (جناب حسنعلیخان از همان زمان بخدمات بزرگ این دولت مامور و چند سال

از نهایت

از جانب دولت علیه در پای تخت فرانسه بسفارت مقیم و وزیر مختار بودند و بدرجات عالیه نایل شده
اکنون وزیر فواید و از بزرگان رجال این دولت جاوید شوکت اند) از فراهان دگر از دو فوج جدید و از
مراغه نیز یکفوج بسرتیپی جعفر قلیخان قاجار از خلخال یکفوج بسرهنگی محمد علیخان و از کرمان یکفوج بسرکردگی
امامعلیخان اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یاوری یافت مصطفی قلی میرزا بحکومت ارومی
رفت نواب والا شاهزاده مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت یزد بمحمد حسن خان سردار
و نیابت حکومت معزی الیه بشیخعلیخان ایروانی مقرر شد کلب حسینخان آجودان باشی مامور سرپرستی
قشون آذربایجان گردید علی قلیخان شقاقی سرهنگ فوج دامغان شد

هم در اینسال ۱۲۶۷ مقرر شد چهارده فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دار الخلافه باشند و چون پیشتر
ازین رسم بود مامور دیوانی بهرجا میرفت از رعیت عنفا سیورسات میگرفتند حکم شد من بعد باحدی
سیورسات ندهند هرکس بهرجا مامور است جنس نقد داده هرچه میخواهد ابتیاع نماید آبله کوبیدن اطفال
که در ایران رسم نبود و ازین جهت غالبا تلف میشدند یا معیوب میگردیدند حسب الحکم در تمام بلاد معمول شد
در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاک و زید که راه عبور و مرور ترکمان بود و رعیت آنجا متفرق
شده بود بنای قلعه گذاشتند و تفنگچی و مستحفظ قرار دادند و رعایا دوباره بجای خود آمدند ایجاد تذکره
عبور و مرور در جمیع بلاد ایران که مترددین از بلدی ببلدی دیگر بی تذکره عبور و مرور ننمایند نیز در اینسال شد
هم در اینسال ۱۲۶۷ کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر مشتمل بر سیصد و سی و شش حجره تحتانی و فوقانی در
دار الخلافه بنا شد محمد رحیم خان نسقچی باشی بحکومت خوی مامور و روانه شد (جناب محمد رحیمخان علاء الدوله
هم از انوقت بواسطه خدمات جلیله این دولت ابد مدت تحصیل مراتب اعتبارات کامله روز بروز بمقامی
منیع و درجه رفیع رسیده تقریبا چهار سال قبل یکی از وزرای ستة و بعد از ان منصب وزارت دربار اعظم
اینک نیز از بزرگان وزرای جلیل الشان دولت علیه میباشند و شرح ترقیات و افتخارات ایشان بیاید)
هم در اینسال ۱۲۶۷ فوج جدید خلخال باسه فوج دیگر در تبریز همیشه حاضر مشق نظامی میباشند قرار شد امر معادن مس
قراجه داغ نظم گرفت محمد باقرخان نوئی را که از خوانین متمرد پشت کوه فارس بود در قلعه صخبی محصور
عباسقلیخان سردار لاریجانی حاکم بهبهان بواسطه نوکر و صاحب منصب لاریجانی او را بچنگ آورده بسزای
خود رسانید شال کرمانی بطوری خوب شد که مشتبه بشال کشمیری گردید نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک
نواب والا خانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبدالله خان صارم الدوله مامور بمیود
و اتحاد و را نظم کلی داد طایفه بلوچ سیستان که شرارت مینمودند با محمد خان ظهیر الدوله بامر اولیای دولت

علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده آنها را تنبیه کرد بسیاری از اهل مملکت بر فایده روزنامه دولتی خبر شده مشتری آن شدند آقا اسمعیل سرهنگ تحویلدار جیره و ملبوس و چادر کل اهل نظام شد مطلب بیگ تفنگدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیاده شده بحراست راه خراسان مامور شد در مشهد مقدس شروع بساختن قراولخانه نمودند هفتاد باب خانه در لنگرود آتش گرفت از جمله خانه منجم باشی بود قطران که بجهة مصارف توپخانه از روس میآوردند در رحمت آباد گیلان بقدر کفایت [illegible] ساختند یکفوج سرباز جدید از نیشابور بسرهنگی محمود خان کرکری گرفته شد دهم جمادی الاولی در تبریز زلزله سختی شد ولی چندان خرابی نکرد و بعد از آن برف و بوران شد یک کرده هوا با علی درجه برودت رسید جوادخان بادکوبه که در عربستان و لرستان خدمتها کرده بود سرهنگ فوج جدید بروجرد شد نصرالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان سرهنگ فوج کلپایکان گردید (اینک سرتیپ اول افواج قزوین و زنجان و ملقب بنصرالملک و دارای نشان تمثال همایون است) هاشم خان قراباغی سرهنگ فوج کره شد جبرئیل خان پسر صمصام خان سرهنگی فوج جدید ارومی و سلماس یافت ضعیفه در خانه میرزا محمد نائینی از بام نه ذرعی افتاده عیب نکرد

هم در این سال ۱۲۶۷ موکب همایون عزم سیاحت ولایات عراق و اصفهان فرمود حسنعلیخان سرهنگ گروسی را بدار الخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند چون اهل دار الخلافه از آب تنگی داشتند مجرای بزرگی که از بالای نگارستان حفر شده بود که آب از رودخانه کرج بشهر آورند و قریب بده سنگ آب بگیری دارد و در این وقت مرمت میخواست مبلغی دیوان اعلی خرج تعمیر آن کرده آن نهر لبالب از آب و ده شبانه روز اهالی شهر را بطور فراوانی سیراب کرد و آب انبارها و حوضهای خانه ها از آب مملو گردید محمد تقی خان جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام و مرحوم حسنعلیخان جوانشیر منسوب و بجای او حکومت یافت کوچه های شهر تبریز را بحکم نواب والا حشمة الدوله حکمران سنگ فرش کرده نظافت دادند بادنکهای نافع در دار الخلافه و خراسان و سایر بلاد شد قانون نظام منقح و برونقان افزود حکومت کلپایکان و خوانسار از عربستان و لرستان مجزی و محول بنواب والا احمد میرزا شد بهرام خان برادر کهتر حسنعلیخان سرتیپ سرهنگ فوج گروسی شد سیصد و چهار صد خانوار مشهدی و هراتی که در ایام انقلاب بشهر هرات رفته بواسطه امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسق شد پسران امام وردیخان نیشابوری که باطمینان قلعه های خود حسین آباد و توزنده جان دم از خودسری میزدند اللهقلیخان حاکم نیشابور با معدودی از سپاه منصور آنها را دستگیر نموده قلاع ایشانرا کوبید صد نفر ریش سفیدان و کدخدایان معتبر سرخس

خدمت

خدمت نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان آمده متعهد خدمتگذاری و اطاعت شدند ظهیر الدوله میرزا محمد علی برادر میرزا نجفخان را از هرات با عریضه بدربار همایون فرستاد اهالی لارستان فارس را که بواسطه قلاع مستحکم و جبال شامخه راه طغیان میسپردند نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس منهزم و مطیع نموده بعد از گرفتن هفت قلعه از آنها باز جمعی در قلعه بید که چهار هزار ذرع دور داشته و در سر کوهی که [illegible] ذرع ارتفاع دارد واقع متحصن بودند آن قلعه را نیز بضرب توپ و جلادت فوج سیلاخوری مسخر کرده آن نواحی کاملاً امن شد

موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه بقصر قاجار نقل مکان فرمودند که در ماه رجب تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند محمد حسن خان سرتیپ افواج فراهانی که مامور گرفتن یکفوج سرباز جدید بود آن فوج را تماماً گرفت میرزا حسن خان وزیر نظام که حاکم عراق بود بانتظام امور قشون آذربایجان رفته بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان برکاب اعلی بپیوندد سوار و سرباز جدید از خمسه گرفته مشغول مشق شدند قلعه ارک تازه بمعماری عبدالله خان معمارباشی بنا کردند عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند شب هفتم ماه جمادی الثانیه در تبریز جزئی زلزله شد بعد از آن چند روز متوالی بارش آمد و موافق نوشتجات اسلامبول در همین ایام در یونان چند زلزله سخت شد قریب چهار صد نفر سواره چکنی مامور خراسان شدند پانصد نفر سواره شاهسون بغدادی و دویست و پنجاه نفر سواره اصانلو که اسب همه را داغ کرده و جیره و مواجب داده بودند در کمال خوبی سان دادند محمد تقی خان برادر محمد حسن خان سرتیپ فراهانی را سرهنگی فوج جدید فراهان دادند محمد ولیخان حاکم نهاوند معزول و مهدیقلیخان نایب آجودانباشی بجای او حکومت یافت حکام و مباشرین سابق کرمان در خالصه صیفی کاشته برعایا طرح میکردند این رسم را نواب والا مؤید الدوله برانداخت قلعه ابرندکان را عبدالله خان صارم الدوله از تصرف محمد علیخان بلوچ خارج کرده بمحمد خان سپرد قلعه نرگسند و حسین آباد در راه یزد چون دزدگاه و خراب بود شجاعلی خان نایب الحکومه یزد آب آنجا را بیرون آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا بسلامت بگذرند در یکی از قرای زنجان برق زده یکنفر آدم و یک اسب را کشته و یکنفر هم سوزانیده ولی هلاک نشده

روز شنبه غره شهر رجب موکب همایون از مقر خلافت عظمی روانه یافت آباد شده که تشریف فرمای قزوین شوند و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد بسمت اصفهان نهضت فرمایند ملتزمین رکاب اعلی از شاهزادگان نواب عباس میرزا و نواب کیومرث میرزای ایلخانی و نواب والا علیقلی میرزا (نواب معظم الیه والا شاهزاده

اعتضاد السلطنه الان وزیر علوم و معادن میباشند و احکام دیوانخانه عدلیه عظمی نیز موکول بمهر و صواب دید ایشان است) نواب محمد رضا میرزا نواب بهاء الدوله نواب امامقلی میرزا (این شاهزاده ملقب بعماد الدوله شده زیاده از بیست سال مستمر و مقتدر از جانب اولیای دولت علیه بحکومت کرمانشاهان و سنقر و کلیائی و سرحد داری عراقین مامور بود و چند سال حکومت نهاوند و لرستان نیز ضمیمه حکومت ایشان گردید سالی هم در دار الخلافه بوزارت عدلیه عظمی منصوب بودند قریب یکسال و نیم است که بجوار رحمت الهی رفته) نواب صاحبقران میرزا و از امرا و وزرا جناب اتابک اعظم امیر نظام و جناب اعتماد الدوله میرزا آقاخان و میرزا محمد شفیع صاحب دیوان و محمد حسن خان سردار و معیر الممالک و ملک الکتاب و مستوفی الممالک و بعضی از مستوفیان و نصرالله خان میر پنجه و محمد خان میر پنجه و فوج کروس بوابجمعی حسنعلیخان سرتیپ و فوج ناصریه ابوابجمع محمد آقای سرهنگ و توپخانه با اللهوردیخان سرهنگ و زنبورکخانه با نصرالله خان و از سایر خدم و حشم نیز بقدر ضرورت بودند عزیزخان اجودانباشی مامور توقف دار الخلافه و اردو و نظم قشون شد

هفتصد و پنجاه و دو نفر سواره شاهسون دویرن جمیع ملبوس یکرنگ و نهایت خوش اندام بودند و در مشق نظامی نیز درجه امتیاز داشتند بسرکردگی سیف الله خان مامور خراسان گردیدند سواره چهار دولی عراق ابوابجمع سلیمانخان سرتیپ افشار پانصد نفر سواره افشار ابوابجمعی سلیمان خان مامور اصفهان گردید محمود خان کلانتر مواظب تنظیف شهر دار الخلافه شد

موکب همایون روز سیم رجب در کرج و در منزل سلیمانیه اطراق نموده روز چهارم بمنزل قاسم آباد نزول اجلال فرمود و از اینجا منزل بمنزل عازم قزوین شدند و اردو نهایت منظم و احدی از اهل اردو تجرات تعدی بار عیتی نبود میرعلینقی خان پسر میرسعدالله خان فندرسکی را منصب سرهنگی دادند هادی خان حاکم شاهرود و مکری معزول و عباسقلیخان کردبیسی بجای او حکومت یافت عباسقلیخان باد کوبه سرتیپ فوج دهم خوئی میرپنجگی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاه نایل گردید سواره پا پروند که سیصد نفر بودند ابوابجمع قلیخان مامور و روانه خراسان شدند قشونی با جعفرقلیخان میرپنجه مامور گرگان گردید فوج قراجه داغی ابوابجمع سرخای خان ولد مشار الیه با چهار عراده توپ ضمیمه قشون مزبور شدند سواره سلیمانخان که مامور اصفهان بودند مجدداً حکم شد سیصد نفر از آنها با جعفرقلیخان روانه گرگان شوند اردوی جعفرقلیخان مرکب است از فوج قراجه داغی و فوج بنات و سواره قراچورلوی آذربایجان و عراق که در خوار و ورامین سکنی دارند با چهار عراده توپ در روز نوزدهم رجب وارد گرگان شدند روز نهم رجب وزیر مختار انگلیس و سفیر دوم از دار الخلافه روانه اصفهان گردیدند و روز یازدهم وزیر مختار روس نیز بهمان صوب عزم کرد

فرج الله خان سرهنگ یکفوج سرباز از توشیز کوفت اردوی مصطفی قلیخان میرپنجه که بدشتی رفت با کمال نظم حرکت مینمایند

روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد و علما و اشراف و اعیان لازمه تشریفات را بعمل آوردند کتاب نظام ناصری در علم نظام از مولفات نواب الاجل بهرام میرزا (معز الدوله) که در این علم فرد و ماهر میباشند تمام و چهارصد جلد از آن در دار الخلافه طبع شده منتشر و موجب بصیرت اهل نظام گردید در یازدهم رجب بعد از ظهر تا عصر باد بسیار شدید در دار الخلافه وزید برج و باره شهر دار الخلافه تعمیر شد موکب همایون اعلی روز هجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای عراق و صفهان شدند حاجی علیخان فراشباشی و الدوله را اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند آقاخان سرتیپ سواره قزوین هزار و پانصد نفر سوار در کمال خوبی سان داد فوج جدید از افشار بر کشلوی قدیم گرفته بودند در قزوین سان دادند در شیراز ملخ خوار کی شده ولی مرغ سفید که بهمرسید که ملخ را تلف میکرد علی آقای شکاک از اشرار اردوی بحکم نواب مصطفی قلی میرزا حاکم ارومیه با اتباع گرفته برکاب همایون فرستادند در مراغه سبک جراح صنعتگر از آهن ساخت گلوله بوان کار میکرد و مدعی بود که با همین آهن وزره میسازد که گلوله در آن اثری نبسته نسبت دعوی صنایع غریبه نیز باو میدادند

موکب همایون بتاریخ پنجم شعبان در بلوک ساوه تشریف دارند چون سیل سد قزوین خرابی کرده بود حکم شد جلو سیل را سد سدید ببندند و هرچه خرج آن شد از دیوان همایون اعلی عوض اسباب و دهات او داده شود مهر بلیت دروازه های دار الخلافه بمحمود خان نایب اول اجودانباشی سپرده شد که تو اهل نظام بتصدیق اجودانباشی و کسبه و رعیت بتصدیق محمود خان کلانتر تذکره از مشار الیه گرفته بروند و این بلیت مجاناً داده میشد سربازان فوج سوادکوهی را که نواب محمد تقی میرزا فرستاده بود در دار الخلافه سان دادند محمد ولیخان بیگلربیگی استرآباد بقصد تدمیر تراکمه با سه هزار نفر سواره و پیاده در یکفرسنگی شهر کرقریه تازه میسازند دفتر اقامت نمود

موکب همایون بتاریخ دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد است نواب والا بهرام میرزا در نظم دار الخلافه ساعی میباشند عمارات دیوانی بروجرد را با باغ شاه از برای ورود موکب اعلی تعمیر کردند در بلاد ممالک محروسه عموماً و در دار الخلافه خصوصاً در دایر نمودن جباخانه و ساختن اسلحه ساعی شدند شمشیر و تفنگ های خوب ساختند ساختن مهتاب بجهت آتش دادن توپ را تکمیل کردند که در زیر آب هم میسوزد و خاموش نمیشود بحکم امنای دولت در جباخانه دار الخلافه شروع بساختن چند عراده کالسکه نمودند

هم درین اوقات زلزله‌ئی در مشهد مقدس و زلزله عظیمی در قوچان شد یکربع از خانهای قوچان یا بکلی منهدم یا قریب بانهدام شد

موکب همایون روز نهم شعبان وارد بروجرد شده باغ شاه بورود مسعود مزین گردید اهل شهر از علما و اعیان استقبال و پذیرائی کامل نمودند و حکام ولایات از کرمانشاه و نهاوند و ملایر و کردستان و همدان بتقبیل آستان مقدس مشرف گردیدند حاجی محمد حسین کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان ترتیب داده و بافته که منقش از ماهوت کمتر نیست و لطافتش بیشتر و دوامش بمراتب زیادتر است امنای دولت این پارچه را پسندیده زاید الوصف توصیف کردند قیمت دو هزار ثوب کلیجه برای اهل نظام برسم علی الحساب بحاج مشار الیه دادند که تمام کند هر ثوب کلیجه چهار هزار و پانصد دینار تمام میشود در هوای دار الخلافه بسبب کثرت و زیادتی باغات و اشجار و انهار حوالی نسبت بسابق سلامت و اعتدالی محسوس پدید آمده فوج جدید افشار بسرهنگی یوسف خان بقراولی رکاب ظفر انتساب و فوج جدید خمسه حسب الامر دو ماه در سلطانیه مشغول مشق بود میرزا ابراهیم خان سرتیپ خمسه هشتصد نفر سواره خمسه را سان داده مقرر شد هزار نفر سوار و دو فوج سرباز که هر فوجی هزار و پنجاه نفر باشد از خمسه گرفته مواجب آنها را داده حاضر باشند فوج سربندی در بروجرد مشغول مشق گردید سیصد نفر نوکر دولت که واحد بقلی میرزا مواجب و ملبوس داد فوج جدید خواجه وند عبد الملکی تمام گرفته در ساری حاضر شد خان کشی بیک حاکم اشرف را محمد تقلی میرزا منصب بکر داده سلطانحسین میرزا ولد مرحوم ملک آرا را بجای او حاکم اشرف کرد

از اتفاقات غریبه این سال ۱۲۶۷ آنکه گاوی در دشت حامله بوده و وضع حملش نمیشده صاحب گاو بتوهم آنکه مبادا بمیرد ذبح نموده شکمش را شکافته گوساله بیرون آمده که دو سر داشته یکی بزرگتر دیگری فی الجمله کوچکتر تا گردن که چسبیده بشانه است دوتا بوده و دست و پا و سینه و شکم موافق قاعده یکی و دم آن باز دوتا بوده دکتر شلیمر آنگوساله را گرفته که تشریح نماید در پشته انوزی طفلی خواب بوده ماری آمده بر روی سینه او میخوابد طفل که بیدار شده مار را می بیند از ترس میمیرد

موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد بعزم اصفهان انتهاض فرمود جعبه جواهری در دار الخلافه از حرمخانه گم شده دزد را که دلاکزنی بود پیدا و جعبه را باز پس گرفتند اهالی طهران چون تنگی از آب میکشیدند بحکم دیوان آب از رود کرج بشهر آورده مردم را سیراب و آسوده کردند جبرئیل خان سرهنگ فوج نصارای ارومی مامور گرفتن فوج مزبور را بخدمت و بانجام رسانید در سلماس و ارومی تگرگ شدید باریده در مازندران امسال اکثر از سالهای دیگر باران آمد ایضا در مشهد مقدس و قوچان

دوبر

و ترتیب زلزله شدید شد کربلائی نور محمد آبله کوب در مازندران بر حسب امر اولیای دولت سیصد و چهار صد نفر طفل را آبله کوبید همچنین میرزا ابوالقاسم آبله کوب در گیلان آبله جمعی اطفال را کوبید روز بیست و سیم شعبان وقت شام رعد و برق و بارش شدیدی در تبریز شده یکنفر را در محله باغ میشه برق زده هلاک کرده و از بس بارندگی سیلی برخاسته که درین سنوات نظیر آن دیده نشده بود در کردستان نیز تگرگ زیاد که موجب سیل عظیم شد آمد آقا باباخان یوزباشی حکومت صاین قلعه یافت سیصد و چهل نفر سرباز جدید که فوج ناصریه را شاه محمد بیک گرفت

موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرمای چمن قهیز بود دوازده هزار تومان بکرمانشاه و چهار هزار تومان بملایر تخفیف مرحمت شد اشرار فوج قهرمانیه که چندی قبل بهمراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند در تبریز هریک باندازه تقصیر خود تنبیه شدند محمد ولیخان بیگلربیگی استرآباد با اردوی معتبری در بنیان طایفه ترکمان خواجه نفس رفته آنجا را مصفی و تراکمه را مطیع و منقاد نمود سرهنگی فوج جدید کردستان را بامان الله خان والی کردستان مرحمت فرمودند سواره شاهسون اردبیل بسرکردگی شیخعلیخان روانه گرگان شد سرکردگی سواره سنجابی و حکومت طایفه مزبوره را بعلاوه منصب سرهنگی باسد الله خان گوران دادند در ماه رمضان امسال امامزاده زید را بسته امتعه و اسباب تحفه در آن خرید و فروش نمودند اردوئی مرکب از هشت فوج سرباز و سه هزار سوار در بیرون شهر مشهد تشکیل یافته مهیای روانگی بتدمیر تراکمه هستند

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم شهر رمضان شهر اصفهان را بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین فرمود این سفر خیر ترتیب اثر زاید الوصف متضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و هر جا که الاستحقاق بقدر لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند فوج علیخان سرتیپ مامور و روانه کرمان شد عبدالله خان صارم الدوله با سرباز ابوابجمعی خود عازم تقبیل آستان معلی گردید اهل مازندران که از بسیاری باران مضطرب شده بودند نزول رحمت الهی دفع اضطراب آنها نمود آبله کوبی در یزد متداول شد زوجه آقابابا نام شاهرودی بعد از یکسال حمل مولودی آورد که یکچشم نداشت و جای آن صاف بود و بالای برانش چسبیده و پارچه گوشتی باندازه یک وجب از مغز سر او بیرون آمده چشم مادرش دو روز و دو شب خون آلود کرد و رؤیت آن موجب وحشت بود اما آنطفل نماند

موقف موکب منصور در اصفهان در عمارت سلطنتی شهر و اعیان و ارکان حضرت در ابنیه نزدیکی دربار همایون و سایر اهل اردو از اهل نظام و غیره در عمارت هفت دست در کنار رودخانه زاینده رود و چادرها

بودند تابستان اصفهان در این سال فوق العاده گرم بود حاجی علیخان والد مؤلف در خدمات مرجوعه حسن سلیقه و اهتمامی منظور و مشهود نموده مورد مرحمت مخصوص گردید طفلی ده ساله در دار الخلافه خود را از دیوار بسیار بلندی بر زمین انداخته هیچ عیب نکرد نیز طفلی ده ساله در چاهی سی ذرعی افتاده اما سالم بود مطابق دستخط همایون در رمضان این سال میرزا محمد علیخان بمنصب وزارت دول خارجه نایل گردید سلام عام روز عید صیام در اصفهان با شکوهی تمام انعقاد یافت عمارات سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند نواب والا احترام میرزا (معزالدوله) در این باب و در سایر امور دار الخلافه جهدی کامل مینمودند در تبریز قراولخانه ساخته سرباز در آن گذاردند بر اینکار محمد علیخان جوانشیر مأمور بود سرحدات طرف اردبیل و سلدوز بمراقبت عسکرخان سرتیپ اردبیلی و افواج و سواره ابواب جمعی او امن و از تعرض طایفه ملباس محفوظ شد محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان از آن را بمستحفظی آنجا گذاشت و بجهة ساختن بند گرگان بسرحد آمده بانجام این مقصد مشغول شد و نواحی گرگان و استراباد نظمی کامل یافت کتابهای معتبری که تا این سال در ایران طبع شده (تفسیر صافی) (شرح لمعه) قوانین شرح الزیاره تشریح شاهنامه فردوسی قاموس مجمع البحرین معراج السعاده زبدة المعارف تاریخ پطر کبیر جامع التمثیل و بعضی کتب مقدماتی بود دوازده سال قبل طایفه بختیاری اسبابی از نواب امامقلی میرزا بسرقت برده بودند در این سال قاموسی را که از جمله اسباب مسروقه بود نواب والا خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و بختیاری بدست آورده و در صدد تحصیل باقی اسباب است میرزا احمد کارپرداز ارزنة الروم برکاب اعلی آمده بنیابت دوم وزارت دول خارجه یافت محمد قلیخان ایلبیگی فارس و ابوالفتح خان برادر شاهخان ایلخانی با دویست نفر سوار غلام خراسانی در اصفهان بتقبیل رکاب اعلی فایز شدند مقرر شد سر فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند بنای جبه خانه در اصفهان نموده که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست قالسقه و اسباب سربازی در آن تمام میشود و نظر برعایت حال صنف نساج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود فوج فریدنی از نظر اولیای دولت گذشته بسیار با شکوه بودند نظر بلیاقت میرزا احمد وکیل دیوانخانه مبارکه بمنصب ناظم دیوانی و ملقب خانی او را سرافراز فرمودند نواب محمد تقی میرزا از حکومت مازندران در ماه شوال معزول و جانمحمد خان قاجار بجای او حاکم گردید عمل زراعت حوالی دار الخلافه طهران و غرس اشجار در باغات ترقی کرد بنای تریاک کاری گذاردند و تخم و نهال و قلمه از سایر بلاد آورده بزدن پیوند پرداختند و اغلب میوه ها را بوفور عمل آوردند یار محمد خان ظهیرالدوله یکشبانه روز در سبزوار ناخوش شده درگذشت و پسرش سعید محمد خان

بجه

بجای او متمکن و عریضه و مطالب خود را بخدمت نواب والا احتشام السلطنه فرستاد که بعرض اولیای دولت برساند در نادرین قلعه یزد بنای آب انباری بزرگ نمودند محمد علیخان سرکرده جمازه سواران مستحفظ راه دیباج پشت بادام یزد آن راه را از دستاندازی بلوچ و غیره امن دارد فوج بندپئی شاملو یزد بسیار خوب حرکت میکنند سیف الدین خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ بخدمت نواب والا امو تبال الدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید پرویز خان سرتیپ سواره بهارلو را در تبریز حاضر کرده اسبهای آنها را داغ نمودند بسیار سواره خوبی بودند

موکب همایون از اصفهان بمقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذیحجه بدار الخلافه باهره نزول اجلال فرمودند و در همین روز سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید اهل دار الخلافه بزیارت جمال بی مثال مقدس شادیها نموده فی الحقیقه عید کردند

چون میل مبارک متوجه تسهیل امور و استراحت عمومی است مقرر فرمودند که هر کس برای سواری خود بتواند کالسکه راه بیندازد مرخص است و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان کالسکه ها ساختند که بخوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود مصطفی قلی میرزا که سابق حاکم اردبیل بود بحکومت مازندران مأمور شد میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه با ایلچی گری مخصوص با صاحب منصبان و اجزا بروس رفت فوج قراگوزلوی همدان ابواب جمع علیخان سرتیپ که در کرمان بود مأمور گرمسیرات فارس گردید سر فوج از افواج آذربایجان که فوج خاصه ابواب جمع محمد علیخان جوانشیر سرتیپ و فوج خلخال ابواب جمع محمد علی خان جوانشیر سرهنگ و فوج جدید مراغه ابواب جمع حسین پاشاخان میرپنجه باشد بدار الخلافه طلبیدند که مشغول مشق و قراولی باشند حاجی میرزا علیخان خوئی بمنصب سرهنگی نایل و در دیوانخانه مبارکه بامور قشون رسیدگی مینماید چهاردهم ذیقعده در انزلی دو ساعت بغروب مانده خانه میرزا غفارخان آجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و با شش خانه دیگر در جنب او تمام سوخت این بلیه برای قورخانه محل خطر بود ولی توپچیان و قورخانه چیان آتش را خاموش کرده بقورخانه آسیبی نرسید ایضاً از کتابهای طبع شده در ایران تا اینوقت دیوان خواجه مجالس حمله تحفه حکیم مؤمن معالم خمسه نظامی مطول کشکول حدیقة الشیعه حیات القلوب جلد سیم زاد المعاد زینة المجالس فصول خوارزمی تحفة المجالس قصص الانبیاست کوچه های ارک پادشاهی دار الخلافه را شروع بهموار کردن و سنگ فرش نمودن نمودند که راه کالسکه رو صاف باشد در سمت شرقی میدان ارک تذکره خانه ساخته و حاجی میرزا جبار امین تذکره در آنجا نشسته تذکره مرور میداد میرزا تقی وزیر سابق عراق بمنصب استیفا و مباشری کل وظایف ممالک محروسه برقرار گردید ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی بمنصب سرتیپی فوج مزبور

دفوج جدید افشار بکشلوی قزوین نایل گشت محمود خان کلانتر نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت، حمت
در اواخر ذیقعده طوایف ترکمانان دشت گرگان متفق شده با قشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفر قلیخان
میرپنجه ایشان را شکستی فاحش داده متفرق نمود جمعی از طایفه بلوچ متعرض نواحی کرمان شده بودند مقدّمین
متفرق شد بلعاجی بیک نخعی با تفنگچی ابواجمعی خود بسر آنجمع پرداخته بعضی را مقتول و برخی را گریزانیدند
محض اشاعه خیر کثیر و نفع اهل مملکت امر همایون شرف انفاذ یافته بود که بند کار پل شوشتر را ببندند
و سدّی هم در نهر مشهور بمیاناب بستر شود آن بند و سد در این اوان نزدیک باتمام است عزیزخان با اهتمام
نواب والا خانلر میرزا خیلی منتظم شد در نورآباد از محال خمسه تگرگی بارید بدرشتی تخم مرغ و تا دو روز در کرمانشاهان
در شمیرانات نیز همانوقت تگرگ شدید آمده و سیل برخاست

۱۲۶۷ هم در اینسال در دار الخلافه همایون مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد اگرچه شروع بساختن و اقدام بر بنای
این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه دو سال قبل شد ولی در این سال خجسته مآل ساخته آمد طرح این بنا را
میرزا رضای مهندس باشی کرد و بمعماری محمد تقی خان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا باتمام رسانیدند
و معلّمین از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند
و شرح این جمله در وقایع اوایل سال آینده مفصلاً نگاشته خواهد شد

چاپار جنرال سرهنری بلون مشهور بلنزی صاحب که خدمات جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور محمد شاه طاب الله ثراه منصب امیرتومانی یافته روز چهارشنبه هفدهم ربیع الثانی ۱۲۶۷ در گذشته او را بعزّت و احترام تمام برداشتند

وقایعی که در این سال در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینگی دنیا

۱۲۶۷ در اینسال این دولت با دولت انگلیس بجهت ساختن نهر بحری در پاناما نقطه مرکزی ینگی دنیا که دو محیط را
بهم وصل مینماید معاهده نمود مسیو تیلور رئیس جمهوری در اواسط تابستان اینسال در گذشت و
مسیو فیلمور بجای او ریاست یافت کلای نام که یکی از وکلای ملت بود در مجلس اظهار داشت که نگاه داشتن سیاهان
بطور بنده و خرید و فروش ایشان که در بعضی ایالات اتازونی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد
و اینظلم بسایر ایالات سرایت نکند و دولت مانع باشد مجلس وکلای دولت قبول این تکلیف ننمودند و لهذا
پرورش نگاهداری غلام و برده زیاده در اتازونی رواج گرفت و شیوع اینعمل در ایالات جنوبی اتازونی مثل
ایالت ویرجینی و کارولین بدرجه رسید که تجارت بزرگ از خرید و فروش سیاهان دایر گردید تقویت
دولت در رواج و انتشار اینعمل قبیح بحدّی بود که احکام اکیده صادر نمودند که اگر از بردگان و سیاهان
که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده بایالتی که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست و منع
پناه بجویند حتماً باید آن ایالات آنها را بصاحبان خودشان مسترد نمایند در ایالات شمالی اشخاصیکه بر

ضد این

ضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاردند جمعیت اتازونی در اینسال بیست و ۱۲۶۷
شش کرور و دویست و چهل و شش هزار و سی و یکنفر رسید که در ظرف ده سال دوازده کرور بواسطه مهاجرین
فرنگ بر جمعیت آن مملکت افزوده و علاوه شده بود ژنرال اربنیسا در مکزیک بریاست برقرار شد
بعضی از مطالعه کنندگان که چندان خبره و بصیر در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیلی را که ما در باب سیاهان
که در ینگی دنیا برده بودند نوشته ایم درست ملتفت نشده شاید از روی عدم بصیرت و اطلاع ایراد کنند
که مقصود چه بود با اینکه جمعی طالبان علم و اطلاع از تواریخ واقعه بخواهند بصیرتی حاصل نمایند لهذا لازم بود
که قدری از جاده وقایع نگاری تمام عالم در ضمن اینسال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قلم بیرون
گذاشته تاریخ بنده گرفتن و خرید و فروش آنرا که در تمام عالم چه وقت رسم شد و چه شد که در اتازونی ینگی دنیا
در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی
زیاد اینعمل شنیع را موقوف نمودند بنگاریم اما چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

اسپانیا

۱۲۶۷ مراوده و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چندی بود مقطوع شده مجدداً در اینسال برقرار شد
ژنرال لوپز نام جمعی دجّاله و اوباش ینگی دنیا را با خود متفق نموده که جزیره کوبای ینگی دنیا را که در تصرف
اسپانیول است تصرف نماید ولی کوشش او بیفایده شده و مثمر ثمری نگشت

المان

۱۲۶۷ در اینسال در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل
راجعه بالمان اشکال اجرات اظهار مینمود و از آن طرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت
بسبب ایالت از ایالات بیست و دو المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفور مجلس پارلمان تمام ممالک المان
بواسطه کونت دتون مامور اطریش مفتوح شد در شهر درشولهستان مجلس کهنکوئی منعقد شد که امپراطور
نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس و پرنس شواستن برک وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس
قراری در اتحاد المان و دوستی بین الدول این مملکت بدهند دولت پروس خیال فرستادن وکیل در مجلس
پارلمان که در شهر فرانکفور منعقد است ندارد نزاع مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که در بگیرد
مسیو رادویتز وزیر امور خارجه پروس برقرار شد ملاقات امپراطور اطریش و پرنس شال پروس و کونت براندبورگ
وزیر اوّل پروس و مرحوم امپراطور نیکلا در پائیز اینسال بود استعفای مسیو رادویتز پولتیک پروس را
تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد وزرای اعظم پروس و اطریش بجهت انعقاد مصالحه در اولموتز

ملاقات کردند بواسطه نزاع مابین دانمارک و ایالت هولستین در برلن مجلس کنفرانس بخواهش دولت انگلیس منعقد شد باغیان هولستین از عساکر دانمارک شکست خوردند دول انگلیس و فرانسه و اطریش واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و باغیان هولستین شدند دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمیکند جمعیت مملکت پروس در امسال ۱۲۶۷ بیست و دو کرور و سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض قناعت در مخارج دولت در اطریش هشتاد هزار از قشون خود کسر نمودند

انگلیس

لورد پالمرستون که در امسال ۱۲۶۷ وزارت خارجه این دولت داشت در بعضی مسائل جزئیه بدولت یونان ایراد وارد آورد و یکدسته کشتی جنگی انگلیس تا پیره بندر یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید بجنگ نمود دولت فرانسه میانجی شده انگلیس قبول وساطت او را نمود دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی زیاده از یکماه نشد که میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد سیر روبرت پیل که از معارف انگلیس بود در تابستان امسال از اسب بر زمین خورده هلاک شد سیم تلگراف بحری که فرانسه و انگلیس را از کاله بدوور بهم اتصال میدهند ایجاد شد بنای عمارت بلور بجهة اکسپوزیسیون آینده در انگلیس نیز در امسال شد

ایطالیا

در مجلس شورای ملتی تورن قرار گذاردند که در ممالک ایطالیا که متعلق بویکتور امانوئل است علمای دین بهیچوجه نباید مداخله باجرای قانون و صدور احکام نمایند قانون همان قانون دولتی است که همه مطیع آن هستند نیز بست در معابد و کلیساها موقوف باشد کاردینال انتونه صدر اعظم برضد این قرار داد احکام از طرف پاپ بکشیشان صادر نمود کشیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلولا در قلعه این شهر حبس شد کونت کاوور که از روزنامه نویسها بود جزو وزرا شد شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت توسکان بجهة حفظ خانواده والی متوقف هستند پاپ که فرار از روم مهاجرت کرده بود اول بهار وارد روم شد

پورتوغال

دو کشتی جنگی وارد دهنه رود خانه تاج که از وسط لیزبون پای تخت میگذرد شده دولت را تهدید کرد که قراری در چند مسئله که از قدیم در میان اتازونی و پورتوغال مابه النزاع بود بگذارد پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد

چین

در امسال ۱۲۶۷ امپراطور چین تااوکوانگ درگذشت و پسر چهارم او ایشنک که نوزده ساله بود بجای پدر بر سریر سلطنت چین جلوس نمود

دانمارک

باوجود وساطت فرانسه و انگلیس و اطریش و سوئد و نروژ و حضور سفاین جنگی روس در سواحل دانمارک بجهة کمک این دولت و اثبات حقوق او در دو ایالت اسلسویک و هولستین که باو یاغی هستند باز یاغیگری برجا و اهالی آلمان علی الخصوص پروس محرک باغیان است و از فرستادن قشون و آنچه لازمه تقویت برای باغیان کوتاهی ندارد

روس

در امسال ۱۲۶۷ دولت روس با طایفه چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی نمود و اول وهله شامیل بر عساکر روس غلبه کرد اما بعد مغلوب و بکوههای داغستان فراری شد شورش رعایا بادیه خود در بعضی ایالات در امسال بود

سوئد

اول بروز وبا در این مملکت در امسال ۱۲۶۷ بود

سویس

در امسال ۱۲۶۷ بعضی آزادی طلبان آلمان و فرانسه در این مملکت پناه یافتند اول صعود بکوه برنهان که چهار هزار و پنجاه و دو ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد در امسال بود تمام جمعیت سویس در این سال چهار کرور و سیصد و نود و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است

عثمانی

در این سال ۱۲۶۷ وبای شدیدی در تونس و طرابلس بروز کرد

فرانسه

ایجاد قانون در تعلیم و تعلم که در همه ایالات نایب یک مجمع العلوم باشد در امسال ۱۲۶۷ بود پرنس لوئی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با یالات شرقی و نورماندی مسافرت کرد لوئی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالگی در قصر کلارمون در انگلیس درگذشت بالزاک که از نویسندگان معروف بود درگذشت ژروم بوناپارت که عموی پرنس لوئی ناپلیون بود بمنصب مارشالی فرانسه مأمور آمد و در امسال مواجب رئیس جمهوری در سال بمبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین کردید ورود اول کشتی بخار مستقیما از نیویرک ینگی دنیا به بندر هاور فرانسه در ماه مه این سال بود

مکزیک

ژنرال اربستا در این سال ۱۲۶۷ بریاست جمهور تعیین و منتخب شد و وبای شدید در مکزیک بروز کرد

مصر

بروز وبای شدید در این مملکت در این سال ۱۲۶۷ شد

شرح سال پنجم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه قاجار روحنا فداه مطابق با سال هزار و دویست و شصت و هشت هجری تنکوزئیل ترکی

ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مآل مزید آسایش رعیت ممالک محروسه و نظم بلاد و تربیت و ترقی عمومی را وجهه همت ملوکانه فرموده بعدل و نصفت متمسک و متقلد اعمال سلطنتی بودند شفیع خان چاپارچی باشی التزام داد که مکتوبات بلاد بنظم بصاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند میرزا مصطفی مستوفی ملقب بامین الملک شد خبر تنبیه و مخذول کردن سپاه منصور طوایف تراکمه یاغی را در صحرای گرگان و استراباد بدار الخلافه رسید در سمنان زنی مولود ذکوری آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه چشم داشت ولیکن مولود نماند در کرمانشاه ناخوشی وبا بروز کرد و بعد از چندی باران آمده پس از نزول رحمت ناخوشی بکلی تمام شد میرزا غفار خان بنیابت دویم وزارت جلیله خارجه برقرار شد میرزا سعید خان ملقب بمؤتمن الملک نایل و بمراحم مخصوصه سربلند شد فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دار الخلافه شد نور الله خان شاطرانلو نایب اجودان باشی را سرهنگ فوج خواجه وند عبد الملکی فرمودند سید محمد خان حاکم هرات پسر ظهیر الدوله که میرزا بزرگ را با پیشکش بدربار معدلت مدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و تسلیت او در فوت ظهیر الدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات و اسبی براق طلا و کاردی مکلل و خلعتی فاخر برای سعید محمد خان عنایت و ارسال فرمودند

از خراسان خبر رسید که پنج ششهزار سوار ترکمان سرخسی بمحبت ترتیب جنگ به آمده نواب والا حسام السلطنه جمعی را بسر آنها فرستاده جنگی عظیم در گرفته تراکمه را مقهور و بسیاری از ایشان را مقتول زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سر بدست قشون ظفر نمون افتاده باقی فرار کردند نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس با محمد قلیخان ایل بیگی برای نظم و سرکشی بطرف کوه گیلویه و بهبهان رفتند میرزا باقر خان امیر طبیب یزد آمد یکی از کشتهای ینگی دنیائی ساکن اروپا تخم پنبه ینگی دنیائی در اروپا کاشته حاصل آن بسیار خوب شد لهذا قرار دادند که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند برای اینکه مردم بیسررشته خود را طبیب قلم ندهند و بطبابت فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در دار الشفای دکتر کلوکه حکیم باشی

نظام

نظام باشند و بتصدیق مشار الیه طبیب هر فوج مشخص شود محمد خان که نایب الحکومه مازندران بود بحکومت اردوی برقرار گردید ریش سفیدان تراکمه سرخس بخدمت نواب والا حسام السلطنه مستقبل انقیاد و خدمتگذاری شده با عباسقلیخان بیگلربیگی شهر مشهد که بامور حکومت سرخس گردیده بود روانه محل گردیدند شب چهارشنبه چهارم محرم در تبریز دو ساعت از شب گذشته زلزله شدید شده نزدیک صبح نیز مجددا زلزله میشود قبل از زلزله سه چهار روز برف زیاد آمده و بعد باران بسیار بارید

از وقایع این سال ۱۲۶۹ آنکه روز بیست و پنجم ماه محرم باقتضای رای صواب نمای همایون و نظر بمصالح ملکی میرزا تقی خان اتابیک اعظم از منصب امارت نظام و وزارت عظمی و لقب اتابیکی و سایر مشاغل و مناصب بکلی خلع و معزول شده میرزا آقاخان اعتماد الدوله بجای او بتفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند این اوقات در تبریز بسبب سیلی عظیم آمد ولی خرابی بشهر وارد نیاورد و چون اکثر اوقات فیمابین جدید الاسلام ارامنه و یهود و گبرها در باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد دیوانخانه مخصوص بدار الخلافه و دیوانخانه بزرگ پادشاهی باشد و احدی از حکام شرع و عرف ولایات مداخله در آنکار نکنند چاپارخانه ها خوب منظم شد سیصد نفر ملازم از اهل اشرف و توابع مأمور مستحفظی دروازه های شهر دار الخلافه شدند قراولخانه برای مستحفظین راه و معابر تراکمه دشت گرگان و استراباد ساخته شد

اعتماد الدوله صدر اعظم بعصای مکلل بالماس و یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع و بند کاغذ شرابه مروارید و نشان صدارت عظمی نایل گردید محمد حسن خان سردار باعطای یکقبضه نشان تمثال همایون سرافراز گشت حاجی بیجن خان بمنصب پیشخدمت باشیگری و ریش سفیدی عمله خلوت و تفنگدار باشیگری مفتخر گردیدند نواب والا خانلر میرزا که حکمرانی عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری و تعمیر پل شوشتر و بستن بند نهر هاشم و سایر خدمات مساعی جمیله مبذول داشته بود ملقب باحتشام الدوله شد منصب امیر نظامی حسب الامر متروک شد عزیز خان اجودانباشی در خدمات مرجوعه مستقل و بیکقبضه شمشیر با عطا فرمودند خانه نزول که در طهران رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم شد برای حاکم دنوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر [illegible] بنا کردند و بجهة آسایش قوافل از دزفول تا خاک بروجرد در هر منزل قلعه بسازند برای تنظیف شهر دار الخلافه قراری مجددا گذاردند ساختن تفنگ و چخماق در اصفهان ترقی کرد در باب آبله کوبی اطفال قدغن اکید شد تا این قلعه حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسد الله خان میراخور باعطای یکقبضه شمشیر نایل و مورد مراحم مخصوصه شد میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدر اعظم را لشکرنویس باشی فرمودند و حاجی علیخان والد مؤتمن

که از اول دولت بمنصب فراشباشی گری برقرار و بعد مهام جباخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دار
الخلافه و سایر ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام مهمانخانه دولتی بعهده مشارالیه
محول شده و جمیع این خدمات نیز درست ساختن سربازخانه ها و قراولخانه های شهر کمال کفایت را بکار برده ملقب
بحاجب الدوله شد و یک قبضه قمه مرصع باو مرحمت فرمودند بسیاری از افواج و سواره امور خراسان
احضار بدار الخلافه شده بهمه مواجب داده و بذل انعام نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند مبلغی وجه نقد بجهت قشون
استراباد فرستاده شد برای قشون مامور و متوقف خراسان نیز وجهی فرستاده شد سد عمارت کهنه که در
بولایت جوین مبرهنست و چند سال است بهم خورده بکار افتاده مقرر فرمودند آنرا بواسطه سنگ در مجرای اول جاری
کنند عمارت ملکی محمد خان مصلحتگذار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشارالیه بدولت علیه بدادن هزار تومان
فروخته و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور دربار پای تخت میشوند باشد بندگان اعلیحضرت
همایون محض بذل غایت خاص درباره جناب صدراعظم بخانه معظم الیه تشریف فرما شدند جناب صدراعظم
حد تشریفات و احترامات را بعمل آوردند سرتیپی افواج جدید اصفهان را بمصطفی قلیخان قاجار تفویض فرمودند
بعضی قلاع صعبه لارستان و گرمسیرات فارس که مسکن طاغیان بود باهتمام نواب نصرة الدوله مفتوح
و خراب شد و از انجمله قلعه سفید معروف بود و قلعه شهریادی که از دروازه آن تا بالای کوه تقریبا ربع
فرسخ بود و جمیع انرا با سنگ و گچ ساخته بودند و چند برج و هر برجی موسوم باسمی چنانکه برج سمت شرقی
موسوم بغراب و برج سمت غربی موسوم بدولاب و برجی در سمت شمال از سادوج موسوم بلیلی و مجنون و برجی
در وسط کوه موسوم ببرج خاکم که شیخ حسین عرب که با میرزا حسنعلیخان حاکم بندر بوشهر از در تمرد برآمد
بجزیره خارک دفتر بود میرزا حسنعلیخان جزیره را متصرف و شیخ حسین فرار بکتیا که جزو محمره است نمود
استاد حسن نام تبریزی دو صندوق خزینه بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای خوب فرنگی بود و یکی
یکهزار و دو زن داشت عید مولود مسعود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه با کمال شان و شکوه گرفتند
بنای افتتاح مدرسه مبارکه دار الفنون شد

تشیید در بنای مدرسه مبارکه دارالفنون و دایر شدن آن

پوشیده نیست که در قرون و اعصار قدیمه بلاد و ممالک محروسه ایران مجمع علوم غالبه و گنجینه صنایع شریفه
و مسکن حکمای بزرگوار و موطن فضلای فرزانه آثار و ملت آن مقدم ملل و دولت انرا بر سایر دول برتری بوده
علاوه براینکه متون تواریخ و سیر شاهد اینمدعاست کتب حکم و نصایح بعضی سلاطین و بزرگان قدیم اینمملکت
از قبیل هوشنگ و جاماسب و غیره هنوز باقی و بالسنه مختلفه ترجمه شده محل تمجید و توصیف اکابر دانشمندان

زمان میباشد و آثار باقیه تخت جمشید نیز اقوی دلیل است که در عهد قدیم محترفه عجم دارای صنعت حجاری و
نقاشی و علم هندسه و جر اثقال و مناظر و مرایا و بعض علوم و صنایع دیگر را بکمال داشته اند و اگر از علمای آن
قرون کتب و نسخ عدیده بدست نیست بر خلاف مصنفین لاتین و یونان و مولفین هنود و برهمنان و غیرهم
که نتایج افکار آنها و دفاتر مولفه ایشان موجود و باقی است اینمعنی را حمل بر خالی بودن ایران از حکما و فضلا و ادبا
و شعرا نمیتوان کرد بلکه اسباب و علل آن نزد مطالعه کنندگان اخبار سلف معلوم و جهت معین است چه
انکه قبل از اسکندر یونانی رؤسای مذهب عجم مقتدر و در کلیه امور مداخله داشتند و حتم بود که ارباب
مناصب از این طبقه باشند چنانکه اطبای سلاطین آن زمان و اینمعنی سبب اختلاط علوم عقلیه و نقلیه گردید
هر دو را در یکجا درس تحصیل میکردند مدارس متعدد نبود و جای کتب جز در معابد نه چون اسکندر بر دارا
غالب آمد معبد چهل مناره اصطخر را بسوخت و تمام کتب علمیه آتش گرفته بر باد فنا رفت و کتابهائی که در امتداد
زمان سلطنت کیان در آن معبد جمع شده و از عدم اسباب انتشار از قبیل کاغذ و محرر تا چه رسد به ادراک آلات
و طبع کننده هر نسخه منحصر بفرد بود نابود شد و پس از اسکندر که بملوک الطوایف میگذشت و سلطانی مستقل
نبود که مشوق اهل علم شود و فضل و هنر قوت و رواج گیرد و علوم را مسترا احیا کرده سلاطین اشکانی اگر
چه اقتداری داشتند و غالبا با قیاصره روم الکبری مقابلی کرده بر آنها غلبه مینمودند اما تمام همت آنها حصر
در حفظ ثغور و حدود خود بود و مجال توجه و اقدام بتربیت علما و نشر علوم و فضایل نکرده ناچار از بنیه جلیه برگشا
بواسطه ضرورات دیگر میرفتند چون دور سلطنت بساسانیان رسید مملکت را از سمت عراق عرب و آن نواحی بسط
حاصل و اعراب حیره و شامات را تدریج استعدادی میباشد و پای تخت قیاصره از روم الکبری منتقل بقسطنطنیه
و قرب جوار موجب زحمت بسیار گردید این طبقه سلاطین نیز دائما در سرحدات با تولی با قیاصره در جدال بودند
و بنابر مصلحت وقت پای تخت و مرکز سلطنت را تغییر داده تارک عراق عجم و عراق عرب را دارالملک خود قرار دادند
و شهر طیسفون را بنا کردند این اتفاق بسبب تغییر وضع و تربیت علوم عجم تفاوتی کلی در بنگاه پدید آمد یعنی بغیر
علم این ملت بمعلومات جدیده عرب نیز با علوم یونانی و رومی مختلط و مرکب گردید طرح و سبک حجاری طاق بستان
(و ستام) و تباین آن با وضع تخت جمشید منمابد که استادان این دو صنعت اهل این مملکت نبوده و کاری
که در طاق بستان شده بصنایع کارکنان یونان بیشتر شبیه است و مؤید این قول روایت یاقوت حموی است که در
معجم البلدان گوید حجار طاق بستان قطوس ابن سنمار بوده و همچنین اسامی معماران معروف عمارات سلاطین
ساسانی از قبیل سنمار و شبدیز که خورنق و سدیر را بنا کردند و بنابر عقیده آنها که این معروف بشیر بن ذوحیر
خسرو پرویز را دختر امپراطور روم (مریم) دانند نکیسا و باربد دو نفر معلم علم موسیقی بوده اند که با شیرین

بایران آمده در رواج این علم کوشیدند و بحر تقاید بود در اختلاط علم عجم با عرب و روم و یونان دیری نپائید زانرو
نیز در استیلای عرب بر عجم حسبنا کلام الله گفته سوزانیدند و این عمل شنیع مکرر شد چنانکه طاهر ذو
الیمینین نیز در حرق کتب ابرامی داشت اما با عروض این سوانح و آفات بعضی از خلفاء بنی امیه خاصه
عمر بن عبد العزیز مهیا و مجد در تجدید مراسم علوم گردید و چون دور بنی عباس شد بتخصیص هرون
الرشید و مأمون جهدی کردند و بنشر علوم و فضایل پرداختند کتب حکمیه یونانی بعربی ترجمه شد و مدارس
و کتابخانه ها در بغداد ساختند و بسعی این دو خلیفه و سایر در عراق عرب بیشتر و در ممالک عجم کمتر تجدید علم
رونقی حاصل آمد ولی تدوین آن مخصوص بزبان عرب شد و از آن وقت علمای نامی و حکمای بزرگ و
شعرای ناقد مثل معلم ثانی حکیم فارابی و رئیس الحکما شیخ ابوعلی و ابوعلی مسکویه و خواجه نصیر الدین
و قطب الدین و اسحق بن حنین و فرهنگی و فردوسی و مسعود سعد سلمان و انوری و شیخ سعدی و امثالهم
بدرجه کمال رسیدند ولی فقط دو چیز مانع کلی و سبب نقصان بود یکی سرعت زوال ملک طبقه بسبب غلبه
اقتدار طایفه دیگر و قلت دوام و بقای سلطنت در یک خاندان ثانی ضیق مجال و وقت برای مقارنت
علم و عمل و فی الحقیقه این منقصت نیز راجع بعلت اولی بود و غرض از علوم که فوز بمنافع و دفع مضار و فواید
عمومی است در حجاب تواری مستور بود و چون این مأمول قرین حصول نمیشد غالبا اهل مملکت محتاج
بنایان و صنعتگران ممالک خارجه میشدند چنانکه در زمان صفویه معماران ابنیه ایران و نقاشها فرنگی
بودند بلکه بیشتر نقاشی عمارات اصفهان و مازندران را که در آن اوان بنا شده نقاشان هندی و کشمیری کرده اند
راه شوسه که در مازندران صفویه ساخته اند یکنفر مهندس هلاندی مباشر بوده پلها که در آن راه مشهور مازندران
ساخته بودند از طرز آنها میتوان دانست که کار معماران ایران نیست بالجمله زمان درک این سعادت
و مساعدت اسباب و اقتران نتایج با مقدمات بنا بر حکمت و مشیت حضرت واهب العطایا مخصوص باوان شهریاری
این خسرو عادل صاحبقران بود که بیمن همت شاهانه آب رفته بجوی آمد و رسوم منطمس را مجدد نماید گوئیا
اجداد امجاد پادشاهی که تربت و بحار نکهتشان باب رضوان و مغفرت سیراب باد نهال این ثمر نشانده و تخم
این امل افشانده اند اما خواست خداوند که جمع این حاصل و ضبط این محصول را مخصوص ذات ملکوتی صفات
مقدس خواست و این صحیفه بنام همایون او آراست (کاری که خدا کرد یقین مصلحتی داشت) نتیجه
اینکه از اول جلوس اید مانوس محض استیفا و بهره کامل عموم اهالی ممالک محروسه از فواید و منافع علم
و تربیت قم همایون بر نشر علوم جدیده ریاضی و طبیعی و شیمی و قواعد متعلقه بنظام سواره و پیاده و توپخانه
و سایر انکشافات حکمای فرنگ مقصور آمد و چنانکه در شرح سال قبل ذکر شد بنای مدرسه مبارکه دار الفنون

در ارک پادشاهی در محلی که اکنون واقع در میان خیابان ناصریه و خیابان الماسیه است نهاده و معلمین برای
هر علمی از دولت استریه طلبیده و مسیو جان داود مترجم اول دولت علیه که با این مأموریت بوینه رفته بود
اعلیحضرت امپراطور استریه اوامر با مرام مغاوضت داده چند نفر معلم با او همراه نمودند و او را بازای اینخدمت
بعطای یکرشته حمایل سرخ سرتیپی سربلند فرموده اسامی معلمین از اینقرار است (مسیو بارون گومونز
معلم پیاده) (مسیو اوگوست کرشیش معلم توپخانه) (مسیو کولوسکی معلم مهندسی) (مسیو نمیرو معلم سواره نظام)
(دکتر پولاک معلم طب و جراحی) (مسیو چارنوطا معلم علم معدن) (مسیو فوکتی معلم علم دواسازی)
بعد از آنکه معلمین مزبور بدار الخلافه رسیدند و طرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه
ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل
در این مدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه شرفیاب حضور خاکپای مبارک شده
بعد از آن بمدرسه مبارکه آمده بیمنت شروع بتحصیل کردند و در این روز دار الفنون افتتاح یافت و حسب
الرسم تشریفات معمول عمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره
نظام و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباس علیحده بپوشند
که فقط از وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قرار داده شد مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز
علوم جدیده و انکشافات نافعه ملل فرنگ که در چند ماه بزحمت زیاد و مشقت بیشمار معلوم شده بود در این
مملکت شروع بانتشار نمود و از اینجا که نگارنده اوراق خود در این مدرسه فردوس رواق سالها بشرف تحصیل
مشرف بوده بر ذمت خود لازم نمود که اسامی اشخاص معروفی که در این مدرسه مبارکه تحصیل نموده و تربیت شده
و بخدمات بزرگ دولت نایل و بمناصب عالیه فایز شده اند در ذیل ثبت نماید تا بر مطالعه کنندگان معلوم
شود که ایجاد این بنا چه مایه سودمند و مثمر ثمر و منتج اثر بوده و خواهد بود

نواب مستطاب الاشاهزاده آزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه ابن خاقان مغفور فتحعلیشاه طاب الله ثراه که عالی یگانه و
جامع جمیع مراتب علمیه میباشند اگرچه در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو رسما بوزارت علوم و صنایع برقرار
شدند ولیکن از ابتدای ایجاد مدرسه هر کس و نیس بود در حل و عقد امور بدستور العمل نواب معظم الیه
رفتار میکرد

رضا قلیخان امیر الشعرا متخلص بهدایت که هزار جریبی مازندرانی که از امرای زمان شهریار مبرور ماضی محمد شاه
طاب الله ثراه بود و شرح مسافرت و سفارت ایشان بخوارزم در ضمن نگارش سال قبل مسطور شد بعد از
مراجعت از خوارزم بنیابت وزارت علوم و ریاست مدرسه مبارکه دار الفنون نایل و مدت چند سال [illegible]

تمام و درایتی عالی بمزاولت این عمل برقرار بود بعد از آن نظر بکمال اعتماد و اطمینان بمراتب عقل و دیانت و خصال
حمیده معزی الیه الله باشی گری منصب حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران مظفرالدین میرزا
ادام الله تعالی اقباله العالی را بایشان تفویض فرموده که در ادب نفس و درس حضرت مستطاب معظم الیه مراقب و
ساعی باشند لهذا باذربایجان رفته چند سال در آنجا باین خدمت مشغول و بعد بدار الخلافه مراجعت کرده
در سال هزار و دویست و هشتاد و هشت برحمت ایزدی پیوست مرحوم مشار الیه روح الله روحه دایم بتصنیف
کتاب و تالیف دفتری مشغول و مصنفات ایشان بسیار و اسامی آن کتب نفیسه از این قرار است

انوار الولایه بوزن ... — گلستان ارم معروف به بکتاش — بحر الحقایق بوزن ... — انیس العاشقین
مخزن الاسرار — نامه — حدیقه — خرم بهشت بوزن تقارب
هدایت نامه بوزن رمل — منهج الهدایه — رساله مدارج البلاغه — مظاهر الانوار — مفتاح الکنوز — لطایف المعارف
فهرست التواریخ — اجمل التواریخ — تذکره ریاض العارفین — نژاد نامه — تذکره مجمع الفصحا — اصول الفصول فی حصول الاصول
فرهنگ انجمن آرای ناصری — سه جلد روضة الصفای ناصری

از مرحوم رضاقلیخان طاب ثراه دو پسر ماند یکی علیقلیخان ملقب بمخبرالدوله که از معلمین اول این مدرسه مبارکه
و مترجم بود بشغل کتابداری و بعد بمنصب اجودانی رسید در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو که شروع
باستداد سیم تلگراف از طهران بسلطانیه میشد ریاست مامورین اینکار بایشان مفوض و از فرط کفایت در
مدارج ترقی بودند تا اکنون که وزیر تلگرافخانه‌های کل ممالک محروسه ایران گردیده‌اند و در عداد منظومه
سرتیپ اول و در جمع وزرا وزیر تلگراف و بخطاب جناب مفتخر و دارای تمثال بیمثال همایون هستند و در سال
هزار و دویست و نود که موکب همایون بسفر فرنگستان تشریف فرما شد ملتزم رکاب اعلی و چندین نشان
از دول فرنگ بایشان داده شد

پسر دویم جعفرقلیخان نیز از شاگردهای اول مدرسه و از معلمین علم هندسه و ریاضی و در فنون مزبوره
تحصیل کامل نموده و در زبان فرانسه بدرجه رسیده‌اند که در لسان مذکور تحریرات ایشان از درجه لایق و خالی
از اغلاط املائی و غیره است معزی الیه نیز پیوسته در طریق ترقی و از روی امتحان و قابلیت از تقاضاجات حالا
رئیس مدرسه دارالفنون و در نظام رتبه سرتیپی اول و حمایل و نشان این رتبه را دارا میباشند

محمد حسین خان ولد محمد حسنخان اصفهانی که از اعاظم نجبا و بزرگان آنسامان میباشند بدواً از متعلمین
علم توپخانه بودند پس از مدتی تحصیل و دریافت بهره وافی از مراتب علمیه چون شخصی کافی و مجرب و مربی قابل
و مهذب است بمرتبه اجودانی رسیده و از این مرتبه نیز بعد از چهار سال از تقاضاجات ناظم مدرسه مبارکه

دارالفنون

دارالفنون و تا کنون باین مرتبه و بمنصب سرتیپی سیم سرافراز است

محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیخ علی میرزا معروف بشاهزاده آخوند که از متعلمین علم نظام بود چون فرط ذکاوت و
فطانت و سیاق اطوار پسندیده و رفتار و درستی او در زمان تحصیل معلوم و مشهود گردید پس از فراغ از تحصیل
بمنصب سرهنگی و اجودانی مدرسه مبارکه نایل و برقرار آمد

مؤلف گوید پس از این تشبیب بجهت بسط و اطلاع ناظرین در این فصول جمیع طبقات اهل مدرسه مبارکه را از معلم
و متعلم بترتیبی که باید در ذیل مینگارم و بمحض تسهیل عمل مطالعه کنندگان در نگارش اسامی هر طبقه رعایت
حروف تهجی را نموده ملاحظه شان و اوان خود و بعضی با اعتبار علم و منصب و مقام و ماموریت حکومت و غیره
مفهوم میشود و پوشیده نباشد که در افتتاح مدرسه مبارکه مرحوم عزیزخان سردار کل بریاست مدرسه برقرار
و کفایت این امر مهم میشود و عبدالحسین خان ولد علینقی خان اجودان از جانب سردار کل نیابت داشت و جناب
مخبرالدوله اجودان و کتابدار مدرسه بودند و بعد از مرحوم عزیزخان مرحوم محمدخان امیر تومان چندی این
منصب جلیل را دارا بود و در این امتداد مدت نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم باتفاق
فحل فاضل عالم اوحد مرحوم آخوند ملا علی محمد اصفهانی که در حساب و ریاضی و علوم غریبه و سایر مراتب علمیه مرد
فرید و ثانی اثنین غیاث الدین جمشید بود و حضرت وزارت علوم محلی منیع داشت غالبا برای امتحان بمدرسه
مبارکه آمده عیار و معیار کار را سنجیده و رسیدگی بجزئی و کلی امور رسیده دستورالعمل لازم میدادند و تشیید
قواعد را بنیانی نیکو مینهادند تا در سال هزار و دویست و هفتاد و دو از جانب سنی الجوانب همایون یکباره کلیه
مهام مدرسه مبارکه بعهده نواب مستطاب معظم الیه موکول آمد و از آن زمان الی الان بنحو بهترین قانون و مطلوب
مهمات این عمل را کفایت کرده اند

معلمین قدیم و جدید فرنگی

(مسیو اندرنی معلم پیاده نظام) (بارون ضابطی اهل سویس که در خدمت دولت اطریش بود معلم پیاده نظام)
قدیم — اواسط
(دکتر پولاک نمساوی معلم علم طب) (مسیو بهلر فرانسوی معلم علم ریاضی) (مسیو منزل فرانسوی معلم علم ...)
قدیم — قدیم — اواسط
(مسیو پشرا ایطالیائی معلم پیاده نظام) (مسیو پتی فرانسوی معلم پیاده نظام) (مسیو پروسکی
قدیم — قدیم
که بمنصب اجودانی وزارت عسکریه رسیده حالا دارای منصب سرتیپی است معلم زبان فرانسه و جغرافی
و شرح خدمات والد او مسیو بروسکی امیرتومان که از بزرگ زادگان لهٔ بود بیاید

(مسیو چارنتا نمساوی معلم علم معدن) (مسیو بشارخان فرانسوی سرتیپ معلم زبان فرانسه از فضلاء
معلمین و از قدیم تا بحال بمعلمی و تالیفات دایقه مشغول و مردی از همه جا آگاه است) (مسیو سلزی ابطالیائی معلم
علم هندسه) (دکتر شلیمر از فضلای اطبا و حکیمی مجرب صاحب تصنیفات عالمانه
قدیم
(مسیو طبلو معلم زبان انگلیسی) (مسیو غراف غراجانی اطریشی معلم علم تاکتیک) (مسیو فوکیتی ابطالیائی
حال
معلم علم طبیعی) (مسیو کرشیش نمساوی معلم علم توپخانه) (مسیو گاردیلو ابطالیائی معلم نقاشی)
قدیم
(مسیو کنستان معلم نقاشی) (مسیو لمر معلم علم موزیک) (کلنل ماتلانو معلم پیاده نظام)
اواسط حال قدیم
(مسیو پش فرانسوی معلم زبان فرانسه) (میرزا ملکم خان اصفهانی معلم علم حساب و هندسه قدیم حالا
قدیم
ملقب بناظم الملک و در لندن وزیر مختار دولت علیه ایران است) (میرزا مادروس خان از اهل جلفای اصفهان
در طفولیت بمسکو رفته چند سال تحصیل زبان روسی و فرانسه نموده اینک در مترجمی این دو زبان حدّ مهارت
و فرط ذکاوت دارد و در مدرسه مبارکه بمعلمی زبان روسی مشغول است) (مسیو لمر نمساوی معلم سواره نظام)
قدیم
(مسیو نیکولای فرانسوی معلم توپخانه) (نظر آقا اهل ارومی معلم جغرافیا حالا در پاریس وزیر مختار دولت علیه ایران است)
(مسیو ویله معلم علم معدن) (مسیو هوری بلژیکی معلم زبان فرانسه
حالا قدیم

(معلمین قدیم و جدید ایرانی)

(میرزا احمد حکیمباشی کاشانی معلم علم طب) (میرزا ابو القاسم حکیمباشی از فحول علمای طب معلم علم طب)
قدیم حالا
(میرزا اسدالله مردی فاضل و معلم فارسی و عربی و پیش نماز مدرسه) (ملا حسین معلم فارسی و عربی)
حال اواسط
(مرحوم میرزا رضای دکتر که در علم طب فرنگی عالمی یگانه و دکتری بی نظیر بود و در فرنگستان تحصیل کرده
اواسط
معلم علم طب) (شیخ صالح معلم فارسی و عربی و پیشنماز) (میرزا عبدالغفار نجم الملک ولد مرحوم آخوند
قدیم
ملا علی محمد اصفهانی دارای فضایل و علوم غالبه و رتبه منجم باشیگری اعلیحضرت اقدس همایون و منصب
سرتیپی معلم کل علوم ریاضی) (میرزا علی اکبرخان نقاشباشی اعلیحضرت اقدس همایون که مدتی در فرنگستان
اواسط تا حال
بتحصیل و تکمیل علم و عمل نقاشی پرداخته و فی الحقیقه این صنعت بزرگ را بحد کمال دارا است و در علم زبان
فرانسه نیز کامل معلم مشق نقاشی و زبان فرانسه) (میرزا علی دکتر همدانی که پس از تحصیل کلی حکیمباشیگری
حال
حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر را داشت بفرنگستان رفته تکمیل علوم خود نموده
تصدیق مرتبه دکتری نعمای پاریس گرفته بعد از مراجعت رسما اطبای حضور همایون منسلک معلم
علم طب فرنگی) (علیخان نواده مرحوم رضا قلیخان روح الله روحه که در فنون علم هندسه و غیره متبحر
حال
و چندی در فرنگستان بتکمیل مراتب علمیه خود مشغول و برد رجه تحصیل افزوده معلم توپخانه)
حال

مرتضی کاشی

(میرزا محمد کاظم محلاتی که در علم طبیعی و شیمی و غیره خلاصه اعصار و یگانه روزگار است و با جدّ موفور مدتی در
فرنگستان بتکمیل معلومات مجربه خود پرداخته و برتبه عالی رسیده معلم فیزیک و شیمی) (میرزا محمد خلیفه
اواسط تا حال قدیم تا اواسط

مترجمین مدرسه مبارکه دار الفنون

(میرزا آقا) (میرزا جعفر) (محمد حسینخان قاجار) (میرزا رضا) (میرزا نقی خان) (حاجی شیخ محسن خان
کرالان ملقب بلقب معین الملکی و از کفات رجال دولت علیه و مامور سفارت اسلامبول و دران پای
تخت مقیم است

مباشرین مدرسه مبارکه

(اسدالله خان کتابدار)

(میرزا اسحق) (میرزا تقی) (میرزا رئیس الکتاب) (میرزا یوسف لشکرنویس)

شاگردان مرتبه اول علم هندسه قدیم

(میرزا اسمعیل نوری مدتی در مدرسه تحصیل کرده بعد خارج شد) (میرزا ابو تراب منسوب مهندس باشی
مدتی در مدرسه تحصیل نموده بعد خارج شد) (میرزا باقر تبریزی پس از مامور بتسعیرات فما بخام مرحوم شد)
(میرزا باقر ولد میرزا احمد مهندس) (جعفر قلیخان ولد مرحوم رضا قلیخان که شرح حالشان ذکر شد حالا
سرتیپ اول و رئیس مدرسه مبارکه میباشند) (میرزا جبار ولد میرزا رضای میرزا آقاسی مشغول خدمات
دیوانی است) (میرزا جواد ولد میرزا کاظم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (ذو الفقار خان
ولد رضا قلیخان بمنصب سرهنگی فوج مهندس برقرار و مدتها مامور سیستان و بلوچستان بود حالا نیز
مشغول خدمات دیوانی است) (رضا خان ولد شاهرخ بیک بمنصب سرهنگی نایل و مامور خدمت تلگراف است)
(زردشتخان ولد عباسقلیخان مامور تبریز و در انجا مرحوم شد) (شریف میرزا ولد فتح الله میرزا بعد از
مدتی تحصیل در مدرسه خارج شد) (عبد الرسولخان ولد عبد الحسین خان اصفهانی بمنصب سرتیپی اول و
حمایل و نشان از این درجه رسید مشار الیه در زبان فرانسه و علم ریاضی کامل و برناست چهل نفر از جوانان معتبر
ایران که مامور بتحصیل فرنگستان بودند روانه فرنگ شد و هشت سال توقف نموده مراجعت کرد و بعد از
ماموریتها و حکومت ملایر و نیابت حکومت گیلان در سال هزار و دویست و نود و یک مرحوم شد) (میرزا
عباسخان ولد میرزا رضای مهندسباشی بعد از تحصیل مقدمات در مدرسه مدت هشت سال تمام در پاریس
در مدرسه پلیتکنیک تحصیل علوم ریاضی نموده بعد از مراجعت از فرنگستان ببعضی خدمات سرحدی
مامور و بمنصب سرتیپی دویم برقرار و حالا بسمت تشریفاتچی نظام و سفرا و مخاطب بمهندس مخصوص حضور است)
(میرزا علی محمد برادر میرزا زین العابدین مستوفی مدتی در مدرسه تحصیل نموده بعد خارج شد)

(علیخان قاجار مرحوم شد) (میرزا علی اکبر شیرازی مرحوم شد) (میرزا محمد علی شیرازی بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلیخان ولد اسفندیار بیک بعد از تحصیل مدرسه شش سال هم در پاریس تحصیل میکرد و حال در خدمت حضرت اجل اعظم والا نایب السلطنه امیر کبیر است) (میرزا فرج الله ولد آقا غلامعلی مهندس مازندران و بخدمات تصفحات مشغول است) (میرزا محمود ولد میرزا احمد قمی بعد از تحصیل کامل در مدرسه مامور فرنگستان شده علم نجوم را کاملاً معلوم نموده بعد از مراجعت از فرنگ بلقب خانی و منصب سرهنگی سرافراز و پس از چندی بنیابت در تلگرافخانه مبارکه حالا جنرال قونسول طرابوزن و مقیم انجاست) (میرزا مهدی قاینی در علم هندسه تحصیل کامل نموده مامور کرمان و سالها در انجا مشغول خدمت بود دارای منصب سرهنگی و حالا در دار الخلافه است) (میرزا مهدی ولد میرزا کاظم بروجردی ملقب بلقب خانی و منصب سرهنگی نایل و حاضر خدمت دیوان است) (محمد میرزا ولد محمود میرزا در علم ریاضی ماهر و در نقشه کشی بی اقران فایق و بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (میرزا منصور ولد میرزا کاظم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا نصرالله ولد میرزا مهدی مستوفی بلقب خانی و منصب سرتیپی ستیم برقرار و حاضر خدمت دیوان است) (نجفقلیخان برادر زردشت خان جزو صاحبمنصبان مهاجر است)

(میرزا نصرالله نوری در مامور بت خراسان مرحوم شد)

شاگردان درجهٔ اول مهندس که بعد از طبقهٔ اول بودند

(احمدخان ولد محمد علیخان قاجار مامور خدمات دیوان است) (احمدخان ولد محمودخان ملک الشعرا مشغول خدمات دیوان است) (اسکندرخان ولد میرزا یعقوبخان پس از مدتی تحصیل مشغول خدمات خارج مدرسه شد) (میرزا باقر) (میرزا باقر نوری مرحوم شد) (محمد تقیخان ولد رضاقلیخان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شده غالباً بخدمت نواب والا احتشام السلطنه مشغول است)

(میرزا جوادخان ولد حاجی میرزا جبار ناظم المهام شخص زیرک و با درایت و سالها برپاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار و الحال دارای منصب سرتیپی دویم و رئیس مدرسه نظام آذربایجان و در این سال که هزار و دویست و نود و چهار میباشد بماموریت کمیسر جنرالی دولت علیه در اکسپوزیسیون پاریس است) (محمد حسن میرزا ولد کیخسرو میرزا بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمات دولت است) (محمد حسین میرزای شاهرخ شاهی در خدمت شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه مامور خدمات شهر طهران است) (حسینقلیخان رند ولد محمد علیخان قاجار حاضر خدمت دیوان است) (میرزا حسین قمی ولد میرزا اسمعیل مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا حسن اصفهانی) (محمد حسنخان ولد محمد رضاخان) (محمد باقرخان ولد محمد باقرخان قاجار حاضر خدمت

دیوان است) (سلیمانخان مسیحی ولد میرزا داودخان حکیم فارغ التحصیل و بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمات دیوان همایون است) (میرزا سلیمان ولد وقایع نگار در خدمت حضرت مستطاب امجد شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه مشغول خدمتگذاری است) (سلیمانقلیخان ولد حاجی محمد جعفرخان بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (شاهمراد میرزا ولد مرحوم حاجی عباسقلی میرزا مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا عباسخان ولد حاجی میرزا جبار ناظم المهام بلقب خانی و منصب سرهنگی و ریاست تلگرافخانه آذربایجان برقرار است) (علیخان ولد قاسمخان بعد از تحصیل مدرسه بجهة تکمیل علم و عمل توپخانه در رکاب قدوسی انتساب مبارک بپاریس رفته از آنجا چون مراجعت نمود بمعلمی توپخانه سرافراز گردید) (میرزا علی اشرفخان تبریزی بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت دیوان است) (علیخان ولد محمودخان ملک الشعرا جزو مهندسین فارغ التحصیل در مدرسه و حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلیخان ولد حاجی نجفقلیخان بمنصب سرهنگی سرافراز و حاضر خدمت است) (میرزا علی اکبر ولد میرزا علی حاضر خدمت دیوان است) (عباسقلی میرزا ولد محمد رضا میرزا مشغول خدمت تلگرافخانه است) (تکمه خان ولد نواب ملک ایرج میرزا مامور معلمی مدرسهٔ تبریز است) (میرزا مهدی ولد میرزا جعفرخان کاشی حاضر خدمت دیوان است) (میرزا محمد اصفهانی و میرزا محمد نائینی و میرزا محمد چند نفر دیگر هم بودند بعضی داخل خدمت مرحوم شدند)

شاگردان مهندس که مشغول تحصیل اند

(اسدالله خان ولد محمد حسنخان مقدم خلیفه درس ریاضی است) (آقاخان ولد میرزا داود میرزا خلیفه درس ریاضیات است) (میرزا احمد ولد میرزا حسن خلیفه درس ریاضی است) (امان الله میرزا ولد شکرالله میرزا) (احمد میرزا ولد حاجی محمد میرزا) (اسدالله خان ولد محمدخان) (میرزا اسمعیل ولد میرزا موسی) (حاجی آقا ولد حاجی نوروز) (محمد آقا ولد حاجی نجفقلیخان) (محمد باقرخان ولد میرزا احمد) (میرزا تقی ولد میرزا محمود) (محمد حسین میرزا ولد کیوان میرزا) (محمد حسین میرزا ولد داورنک میرزا) (سیف الله خان ولد ذوالفقارخان) (عبدالله خان ولد حاجی محمد جعفرخان) (علیخان ولد محمودخان) (میرزا علی اکبر ولد میرزا صادق) (عبدالرشید میرزا ولد امیر تیمور میرزا) (عبدالحسین میرزا ولد ایضاً) (عزیز الدین میرزا ولد مرحوم جلال الدین میرزا پس از مدتی تحصیل در خدمت نواب والا امیرة الدوله فرمانفرما مامور عراق شد) (میرزا غلامعلی ولد میرزا محمود وزیر دار الخلافه بعد از تحصیل چند ماه بدفترخانه مبارکه رفت) (غلامحسین خان ولد شاهرخ بیک بجهة تکمیل تحصیل بفرنگستان رفت) (کاظم خان ولد محمد تقی میرزا سرهنگ واجودان مدرسه) (محمد تقیخان ولد حاجی محمد بیک یاور توپخانه) (میرزا موسی ولد میرزا اسدالله) (میرزا محمدخان ولد رستم خان) (میرزا ولی ولد میرزا جبار) (میرزا یوسف خان ولد محمد حسنخان) (میرزا یعقوب ولد میرزا تقی روزنامه نگار)

شاگردان توپخانه

مرتبهٔ اول که قدیمی و همه فارغ التحصیل اند

(ابوطالب خان ولد صارم الملک بمنصب سرتیپی مفتخر و در توپخانهٔ مبارکه مشغول خدمت دیوان است) (ابوالقاسم خان ولد ابوالفتح خان بمنصب سلطانی مفتخر و در توپخانه مشغول خدمت است) (اسدالله خان ولد محمد طاهر خان جزو مهندسین وزارت خارجه است) (اکبر خان ولد هادیخان پس از مدتی تحصیل جزو صاحب منصبان تلگرافی و بعد فوت شد) (محمد باقر خان ولد ابرهیم خان بیگلربیگی سابق اصفهان در اصفهان مشغول خدمات حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده ظل السلطان است) (محمد تقی خان ولد محمد حسن خان پس از تکمیل تحصیل در بادی بمنصب سرهنگی سرافراز و در قورخانه مشغول خدمت است) (محمد تقیخان ولد هادیخان پس از مدتی تحصیل جزو صاحب منصبان تلگرافی مقرر و مشغول خدمت است) (حسن خان ولد سپهدار بعد از منصب سرهنگی توپخانه از نوکری استعفا کرده مجاور عتبات عالیات شد) (محمد حسین خان ولد محمد حسن خان بعد از چند سال تحصیل و حصول مراتب ترقی بمنصب سرتیپی سیم مفتخر و ناظم مدرسه مبارکه دار الفنون است) (محمد حسن خان مقدم بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد) (حسن خان ولد قاسم خان بمنصب نایب اجودانی سرافراز و پس از چندی مرحوم شد) (ذوالفقار خان محلاتی بمنصب سرهنگی مفتخر و مدتها مامور بخدمت سیستان و بلوچستان و الحال جزو مهندسین خاصه و مشغول خدمات دیوان است) (محمد رضا خان ولد ابرهیم خان پس از تحصیل بمنصب نایب بشبک اقاسی باشیگری سرافراز و بعد از مدتی مرحوم شد) (رضا قلیخان ولد محمد ولیخان قاجار پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و مرحوم شد) (رحیم خان ولد آقا رضاخان اجودانباشی در اوقات تحصیل مرحوم شد) (محمد صادقخان ولد محمد حسین خان قاجار سرتیپ بمنصب سرتیپی برقرار و ملقب بامین نظام و مشغول خدمات عمده دیوان است) (عباس میرزا ولد اسمعیل میرزا بعد از مدتی تحصیل در توپخانه بمنصب یاوری سرافراز شد) (عباسقلیخان ولد سلیمانخان دنبلی در اوقات تحصیل مرحوم شد) (میرزا عبد الرحیم خان ولد میرزا عفار خان صدیق الملک پس از مدتی تحصیل بمهندس باشیگری خطوط تلگرافی برقرار شد این اوقات در اداره وزارت جلیله خارجه است) (علی اصغرخان برادر قاسم خان صاحب جمع مشغول خدمت تلگرافی است) (میرزا فضل الله ولد میرزا محمد حسین دامغانی بلقب خانی و منصب سرتیپی سیم مفتخر و مامور خدمت تلگرافی است) (میرزا فتح الله خان ولد نصیر الملک سرتیپ سیم و در توپخانهٔ مبارکه مشغول خدمت است) (مصطفی قلیخان ولد مرتضی خان سرهنگ و معلم توپخانه شد بعد ها مرحوم گشت) (محمد خان ولد مرحوم قاسمخان والی بعد از چندی تحصیل در مدرسه مبارکه دار الفنون در بادی بمنصب سرتیپی اول برقرار و الحال ملقب بوالی و بحکومت یزد برقرار و دارای شئونات و درجات عالیه است)

محمد مهدی میرزا

(محمد مهدی میرزا ولد داود میرزا مشغول خدمت تلگراف است) (محمد آقا ولد محمد حسین بیک قاپوچی باشی پس از مدتی تحصیل در مدرسه جزو اجودانهای مخصوص سرکار مرحوم شد و بعد از فوت پدر حالا بمنصب قاپوچی باشیگری دربار همایون سرافراز است) (نصرالله خان ولد خداداد خان سرهنگ و مامور خدمت تلگرافی است) (جعفرقلیخان ولد شاهرخ بیک یاور و مدتی معلم توپخانه مدرسه تبریز مامور است) (هادیخان مشغول خدمت تلگرافی است)

شاگردان مرتبهٔ دوم

(تهمتن میرزا ولد محمود میرزا در اوقات تحصیل مرحوم شد) (چنگیز میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا بمنصب اجودانی سرافراز و پس از مدتی مرحوم شد) (محمد جعفر خان ولد محمد ولیخان بیگلربیگی استراباد مشغول خدمات دیوان است) (جلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزو صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است) (میرزا حبیب الله ولد کریمخان مامور آذربایجان کردیده پس از مدتی فوت شد) (حسین خان ولد قاسمخان پس از مدتی تحصیل بفرنکستان مامور شده چون در بزی آموخت حال بخدمات دیوانی مشغول است) (خلیل میرزا ولد بدیع الزمان میرزا جزو صاحب منصبان تلگرافی مشغول خدمت است) (خلیل خان ولد محمد رحیم خان قاجار پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (داود میرزا ولد اسمعیل میرزا در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است) (ذوالفقار میرزا ولد کیکاوس میرزا از مدرسه خارج شد) (رستم خان ولد میرزا کرکین خان نایب اجودان است) (زین العابدین میرزا ولد شیرم میرزا معروف بشاهزاده آخوند مامور خراسان است) (میرزا عبد الله برادر میرزا یوسف لشکرنویس در مدرسه خلیفه درس زبان فرانسه شده بعد از چندی فوت شد) (عباسقلیخان ولد محمد حسن خان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علی برادر میرزا صادقخان حکیم پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا عباس قمی ولد میرزا حسین پس از مدتی تحصیل مامور خدمت تلگرافخانه شد) (محمد بیک قراجه داغی در تلگرافخانه مبارکه مشغول خدمت است) (مهدیخان ولد محمد حسن بیک یوزباشی بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (مطلب آقا برادر زاده فضان آقا در اوقات تحصیل مرحوم شد) (نصرالله خان ولد قاسم آقای قاجار اوقات تحصیل مرحوم شد)

شاگردان پیاده نظام مرتبهٔ اول

(احمد خان ولد ابراهیم خان از خدام صندوقخانه مبارکه است) (اسدالله خان ولد محمد تقیخان قاجار پس از فراغت از تحصیل مامور مشاق افواج ساخلو خراسان و در آنجا مرحوم شد) (آقاخان ولد سلیمانخان پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (اسمعیل میرزا ولد محمد رضا میرزا پس از مدتی تحصیل بمنصب نایب اجودانی سرافراز و بعد فوت شد) (احمد خان خمسه) (میرزا آقای کاشانی

بمنصب نایب اجودانی سرافراز و مشغول خدمت است) (محمد باقر خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان ملقب شجاع السلطنه ملقب و بمنصب سرتیپ اول مفتخر و صاحب فوج است) (بیوک خان ولد مرحوم محمد خان امیر تومان بعد از فوت امیر تومان از مدرسه خارج شده در سلک صاحبمنصبان نظامی مشغول خدمت است) (محمد تقی میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده اخوند بعد از فراغت از تحصیل بنا بر لیاقت بمنصب سرهنگی و اجودانی مدرسه سرافراز و برقرار است) (محمد تقی خان ولد علیرضا خان کرمانی اجودان و مشغول خدمات نظامی است) (محمد حسن خان ولد مرحوم اعتماد السلطنه که بنده مؤلف باشد و از بدو تحصیل این مدرسه [illegible] الآن بنگارش این کتاب نایل است گذارش حالم مطابق نگاشته نواب مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن از قرار ذیل است

(شرح حال مؤلف)

محمد حسن خان صنیع الدوله ولد مرحوم حاجی علیخان اعتماد السلطنه که اماً نواده مرحوم مصطفی خان قاجار قوانلو برادر شاه شهید آقا محمد شاه قاجار طاب الله ثراه است در اوایل سلطنت همایون بسمت فراشباشیگری مرحوم سلطان محمود میرزا ولیعهد دولت علیه سرافراز بود بعد از ایجاد مدرسه دار الفنون جزو متعلمین گردید بمدت دوازده سال در مدرسه تحصیل زبان فرانسه و علم پیاده نظام نمود چهار امتحان کرد در ظرف این دوازده سال دو داد در هر یک از آنها علماً و عملاً مرتبه اول بود از مدال مس که در اول امتحان دادند و مدال نقره و مدال طلا که در آخر امتحان داده شد در هر امتحان باو داده شد بعد از فراغت از تحصیل در مدرسه که از درجه وکیلی تدریجاً ترقی نموده بود بمنصب سرهنگی برقرار و در جزو ملتزمین محمد قاسم خان مرحوم ولیعهد که در دوره ولیعهدی دولت علیه ایران سمت اجودانی مخصوص یافت بعد از فوت ولیعهد مرحوم در سفر سلطانیه سنه ۱۲۸۵ جزو صاحبمنصبان اردوی میرزا محمد خان سپهسالار مرحوم بسلطانیه رفت مرحوم اعتماد السلطنه که بحکمرانی عربستان و لرستان برقرار شدند از طرف وزارت جنگ مشق و نظم عساکر منصوره متوقفه آن سرحد بعهده صنیع الدوله گردید بعد از سه سال توقف در آن سرحد که غالباً بسمت نیابت حکومت عربستان و یکسال بسمت نیابت حکومت لرستان برقرار بود با والد خود که احضار بدار الخلافه شده بود بطهران آمد در ازای خدمات عربستان و لرستان بمنصب جنرال اجودان حضور همایون سرافراز و حمایل و نشان سرهنگی یافت در سنه ۱۲۸۰ بسمت نیابت دویم سفارت ایران مقیم پاریس مأمور فرنگستان شد مدت سه سال و نیم در پاریس مشغول خدمت دیوان و تکمیل زبان فرانسه بود در مراجعت از فرنگستان جزو خدام خلوت همایونی بسمت پیشخدمتی سرافراز شد و در سفر عراق ملتزم رکاب بود بعد از چندی علاوه بر پیشخدمتی بسمت مترجمی حضور مبارک را یافته سفر اخیر را ملتزم

رکاب

رکاب مبارک است بعد از مراجعت از فرنگستان بریاست دار الطباعه و دار الترجمه دولتی برقرار و نشان از درجه دویم شیر و خورشید باو مرحمت شد و در صدارت جناب اشرف امجد حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم بمیل ایشان و اجازه وزارت علوم ایجاد مدرسه مشیریه در دار الترجمه نمود که اغلب از بزرگزادگان و اولاد رجال دولت شاهزادگان در آن مدرسه بتحصیل زبان فرانسه و انگلیس و هندسه و جغرافی مشغول بودند این مدرسه تا زمان صدارت جناب سپهسالار اعظم برقرار بود و دو سه امتحان شاگردان این مدرسه دادند که از طرف دولت قوی شوکت بآنها مدال و امتیازات دیگر عطا شد بعد از استعفای سپهسالار اعظم از صدارت عظمی متعلمین این مدرسه که مقدمات را کاملاً تحصیل نموده بودند تکمیل تحصیل را در مدرسه دار الفنون نمودند در سفر فرنگستان ملتزم رکاب ظفر انتساب همایون بوده در این سفر بسمت نیابت ایشیک آقاسی باشیگری [illegible] دول فرنگ معرفی شد و از اغلب دول فرنگ موافق تفصیل ذیل دارای نشان است

دولت پروس	دولت المان	دولت اتریش	دولت فرانسه
نشان سنت انا از درجه سیم	نشان کورن از درجه دویم	نشان کورن دفراز	نشان لژیون دانور از درجه چهارم

دولت عثمانی	دولت بلژیک	دولت ایطالیا	جمهوری ونزوئلا
نشان مجیدیه از درجه دویم	درجه سیم	سنت موریس و لازار از درجه سیم	ینگی دنیا از درجه دویم

دولت اسپانیول	تونس
درجه سیم	درجه دویم

مراجعت از فرنگستان مدیر باغات و عمارات دیوانی دار الخلافه گردید احتساب شهر معابر عمده دار الخلافه باو سپرده شد و در دیوانخانه عدلیه بسمت معاونی و وکالت الی اواسط سنه هزار و دویست و نود و چهار برقرار بود نشان و حمایل سرتیپی از درجه سرتیپی دویم باو مرحمت شد

کتبی که تا الحال ترجمه نموده

انکشاف ینگی دنیا که بطبع رسیده	گرام فرانسه که بجهة تحصیل متعلمین مدرسه دار الفنون ترجمه نموده بطبع رسیده	مکالمه از فرانسه بفارسی که بحکم دولت جهة مسافرین و سیاحانیکه بفرنگستان میروند
مختصر جغرافیای عمومی دنیا که بطبع رسیده	ترجمه مسافرت کاپیتن اطراس بقطب شمال که در روزنامه بطبع رسیده	ترجمه شرح حال دوبن سون در روزنامه بطبع رسیده

تاریخ ایران از ابتدای وضع سلطنت تاکنون تالیف نموده کتاب مرآت البلدان ناصری که جلد اول در سال گذشته
از قرار تحریر موزخین فرنگ و ایران در سال الناصر سنه ۱۲۹۲ منتشر شده و جلد دویم اینست که طبع
بطبع رسیده میشود

(حسنعلی خان قراجه داغی مشغول خدمات سرحد آذربایجان است) (حسینعلی بیک ولد محمود خان قراگوزلو)
(محمد حسن میرزا ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده آخوند پس از فراغ از تحصیل بخلیفه گی و معلمی
شاگردان پیاده نظام مدرسه برقرار و بمنصب سرهنگی سرافراز آمده مامور خراسان شد) (میرزا حسین ولد
ولد میرزا عباس مشغول خدمت تلگرافخانه است) (محمد حسن خان ولد جناب جلالتماب علاء الدوله بعد از چندی
تحصیل بمنصب نسقچی باشیگری و فراشباشیگری سرافراز و برقرار است) (محمد حسین میرزا ولد نصرالله میرزا
پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (حسن خان ولد محمد رضا خان ساوجبلاغی پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج شد) (حسین خان برادر حسن خان نیز کذلک) (خان بابا خان ولد سید علیخان فیروزکوهی
از مدرسه خارج شده اکنون در خدمت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مشغول
خدمت است) (حاجی خان ولد اسکندر خان قاجار پس از مدتی تحصیل حالا خلیفه زبان فرانسه و مواظب
متعلمین سبیدی است) (میرزا رضی خان برادر میرزا جعفر خان کردستانی بمنصب سرهنگی نایل و در محاصره
هرات کشته شد) (محمد رضا میرزا ولد داود میرزا از مدرسه خارج و مشغول خدمت تلگرافخانه است)
(وجیهخان برادر محمد تقی خان حاجب الدوله پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (سنجر میرزا ولد نواب
مستطاب اشرف والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن در اوقات تحصیل مرحوم شد) (سلطان مجید میرزا
ولد نواب الاعتضاد الدوله پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا در آذربایجان است) (سلیم خان)
(میرزا سلیمان ولد میرزا غلامرضا از مدرسه خارج و مشغول خدمت تلگرافخانه است) (میرزا شکرالله ولد میرزا
محمد قلی در طهران مشغول خدمات نظام است) (طهماسب قلیخان ولد مصطفی قلیخان سمنانی بمنصب نایب آجودانی
سرافراز و پس از چندی خدمت در خدمت سپهسالار مرحوم بلستراکم مقتول شد) (عبدالحسین خان ولد مرحوم
اعتماد السلطنه پس از مدتی تحصیل بمترجمی معلم پیاده نظام که کلنل ماترانسو بود برقرار شد مدتی بعد از مرخصی
معلم مزبور خود بشخصه معلم علم پیاده نظام و در میدان مشق معلم کل افواج قاهره بود بعد بسرتیپی فوج خلج حالا
سرافراز و پنجسال قبل مرحوم شد) (علیقلی خان برادر محمد حسن خان سردار بسرهنگی فوج سمنان سرافراز و بعد
از مدتی خدمت مرحوم شد) (علیمحمد خان ولد ابوالحسن خان قاجار مشغول مشاقی افواج قاهره است) (میرزا
علی اصغر برادر حاجی میرزا رضای وکیل الرعایا بمنصب نایب آجودانی سرافراز و مشغول تعلیم افواج قاهره است)

(علی آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل بجهت تکمیل بفرنگستان شده بعد از مراجعت بمنصب سرهنگی سرافراز مامور شده
و مامور کرمان گشته در امسال مرحوم شد) (محمد علی آقا کرمانی محمد علیخان است پس از مامور بفرنگستان بمنصب
سرتیپی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است) (عسکر خان شقاقی بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت
دیوان است) (عیسی خان ولد مرحوم میرزا آقاخان اعتماد الدوله صدراعظم بعد از چندی تحصیل مرحوم شد)
(عبدالله خان ولد جناب جلالتماب علاء الدوله پس از چندی تحصیل الحال بمنصب توپچی قولر آقاسی باشیگری سرافراز و
غلامان خاصه همایون سپرده باشان است) (عبدالرشید میرزای ملایری ولد شیخ علی میرزای شیخ الملوک پس از مدتی
تحصیل از مدرسه خارج و فوت شد) (میرزا عباس ولد آقا غلامعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد)
(عسکر خان ولد محمدعلی خان بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (کریمخان ولد محمد حسین خان فیروزکوهی
پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و حالا بمنصب سرتیپی سرافراز و فوج فیروزکوهی سپرده باشان است)
(لطفعلی خان ولد فضلعلیخان امیر تومان بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (مرتضی قلیخان ولد مرحوم
محمد اسمعیل خان وکیل الملک حالا بلقب وکیل الملکی سرافراز و حکمران کرمان و بلوچستان و دارای شئون عالیه است)
(محمد آقا ولد حاجی شیخ کاظم نایب اول جناب وزیر فواید و سرتیپ فوج طهران است) (مرتضی قلی آقا ولد بهاء الدین آقا
بمنصب سرهنگی سرافراز و مشغول خدمت است) (مرتضی قلیخان ولد مصطفی قلیخان سمنانی بمنصب سرهنگی سرافراز
و مشغول خدمت دیوان است) (محمد خان ولد مرحوم حاجی سعد الدوله بمنصب نایب آجودانی سرافراز و پس
از مدتی مرحوم شد) (مصطفی قلیخان ولد حاجی حسن خان قاجار پس از فراغت از تحصیل بمشاقی افواج مشغول است)
(محمود آقا ولد حاجی محمد آقا پس از مدتی تحصیل بجهت تکمیل بفرنگستان رفته بعد از مراجعت بمعلمی پیاده نظام مدرسه
سرافراز و پس از دو سال بسرهنگی فوج خلج مفتخر و بعد مرحوم شد) (آقا سید میرزای کاشانی پس از مدتی تحصیل که ابتدا بمنصب پیشخدمتی سرافراز بود
و تکمیل بسرهنگی یکی از افواج قاهره منصوب و در جنگ خراسان مشغول خدمت بود حال در طهران بر رؤسای منصوره مشغول
خدمت است) (محمد خان قاجار ولد محمد زمان خان در تبریز مشغول خدمت است) (مصطفی خان ولد شریف خان
بعد از مدتی تحصیل از مدرسه خارج و بعد فوت شد) (مسعود میرزا ولد نواب حاجی محمد ولی میرزا پس از مدتی تحصیل
از مدرسه خارج شد) (نجفقلی خان ولد محمد باقر خان جزو وزارت جلیله امور خارجه است) (نصرالله میرزا
ولد هرمز میرزا در اوقات تحصیل وفات کرد) (نصیر خان ولد قاسم خان پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و
بمشاقی افواج قاهره مشغول میباشد) (ولیخان ولد امیر آخور)

شاگردان مرتبه دویم که حاضر مدرسه و مشغول تحصیلند

(آقا سردار ولد محمد خان سرتیپ) (میرزا ابوتراب ولد میرزا کلبعلی) (ابوالخیر میرزا ولد حاجی اسمعیل میرزا)

(میرزا ابراهیم خان ولد میرزا احمدخان) (اسدالله خان ولد محمدعلیخان) (میرزا احمدخان ولد ابوالقاسم خان جزو
متعلمین اتاماژور شد) (میرزا احمدخان ولد میرزا عبدالرحیم جزو شاگردان اتاماژور شد) (میرزا ابوالقاسم خان
ولد میرحسین خان) (میرزا احمدعلی ولد حاجی میرزا جعفر) (میرزا باقر ولد حاجی میرزا حسن) (تقیخان ولد
شیخعلیخان) (حسنخان ولد حاجی کریمخان بدستورالعمل مسیو لسو مواظب مشق تفنگچیان حاضر دارالخلافه است)
(حسینقلی آقا ولد حسن بیک در مدرسه مواظب مشق شاگردان جدید و در میدان مشق نیز مشتاق است) (میرزا
حسنعلی ولد حاجی میرزا جعفر) (حسنخان ولد حاجی رئیس) (میرزا حسن ولد میرزا حسین محلاتی)
(امیرزاده محمدحسن میرزا ولد نواب مستطاب اشرف والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن)
(حسنخان ولد محمدجعفر بیک) (میرزا حسین ولد میرزا یعقوب) (حسینقلیخان ولد رضاقلیخان) (میرزا
حسین ولد میرزا عباس) (حسنخان ولد حاجی اسمعیل از مدرسه خارج شد) (محمدحسنخان ولد مصطفی خان
جزو شاگردان اتاماژور شد) (خدادادخان ولد حاجی محمدخان) (رحمة الله خان ولد امان الله خان بعد از فوت سیف
الملک از مدرسه خارج و بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (سهرابخان ولد علی اکبرخان) (شریفخان ولد محمدخان
قاجار چون باید در رکاب مبارک سوار شود از مدرسه خارج شد) (طهماسب خان ولد میرزا یوسفخان) (میرزا علی اکبر
ولد حاجی آقا بیک در مدرسه مبارکه مواظب یکطبقه از شاگردان جدید و در میدان مشق نیز مشتاق است)
(عیسیخان ولد میرزا محمدعلیخان نواب) (میرزا محمدعلی ولد حاجی آقا بیک مشغول تحصیل و در میدان مشق
نیز مشتاق است) (میرزا عبدالله ولد حاجی نوروز) (عبدالحسین خان ولد علیقلیخان) (میرزا علی اصغر ولد
حبیب الله بیک) (محمدعلیخان ولد حاجی نجفقلیخان) (میرزا علی اکبر ولد میرزا علی اصغر) (علیخان ولد علی اکبرخان)
(میرزا علی ولد جعفرقلیخان) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا محمود) (عبدالحسین خان ولد آقاخان) (میرزا عبدالرحیم
ولد میرزا تقی روزنامه‌نگار) (میرزا محمدعلی ولد میرزا حبیب الله) (علیرضا خان ولد محمدتقی خان جزو متعلمین اتاماژور شد)
(غلامحسین خان ولد علیخان قاجار در مدرسه مبارکه مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است) (غلام
حسین خان ولد صادقخان) (غفارخان ولد اسدالله خان بمنصب یاوری سرافراز و بمعلمی پیاده نظام مدرسه
تبریز برقرار است) (فضل الله میرزا ولد شکرالله میرزا) (قزل ارسلان میرزا ولد سنجر میرزا) (کریمخان ولد
آقاخان در مدرسه مبارکه خلیفه متعلمین پیاده نظام و مشغول خدمات مدرسه اتاماژور و در میدان مشق نیز
مشتاق افواج قاهره است) (کریمخان ولد شاهزاده شیردل میرزا معروف بشاهزاده آخوند) (لطفعلیخان
ولد محمدخان امیرتومان) (مصطفی خان ولد مرتضی قلی میرزا مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است)
(محمدخان ولد ابوالقاسم خان) (مصطفی خان ولد ابوالقاسم خان) (محمد آقا ولد محمود آقا) (میرمحمدخان ولد

میرزا صادقخان

میرزا صادق خان چون پدرش مامور تبریز بود مرخصی او را گرفته همراه برد) (میرزا مسعودخان ولد سیف الملک
از مدرسه خارج و بمنصب نایب اجودانی سرافراز است) (نصرالله خان ولد علیرضا خان) (نقیخان ولد شیخعلیخان)
(یدالله میرزا ولد شکرالله میرزا) (یحیی خان ولد شریفخان مشغول تحصیل و در میدان مشق نیز مشتاق است)

اطبّا

(میرزا آقا بزرگ ولد آقا مهدی نواب پس از مدتی تحصیل در مدرسه مبارکه بجهة تکمیل مامور فرنگستان شد و بعد از
مراجعت مامور کرمان گشت اکنون در آنجا مشغول معالجه است) (اسکندر میرزا ولد نواب حاجی محمدولی
میرزا پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت حالا در اصفهان است) (میرزا اسمعیل کاشانی
مدتی تحصیل کرده بعد از مدرسه خارج و جزو محاسبین و نویسندگان تلگراف شد) (میرزا احمد ولد میرزا
علی پس از مدتی تحصیل علم طب شوقش بعلوم طبیعی زیاد شد تحصیل عمده در این علوم نموده و صنعت عکاسی
بدون اینکه معلمی دیده باشد کامل کرده اکنون بهمان صنعت اشتغال دارد) (میرزا ابوالقاسم ولد میرزا محمدعلی
پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (امان الله خان ولد اسدالله مشغول تحصیل است) (میرزا ابراهیم
ولد حاجی خان پس از فراغت از تحصیل بطبابت مشغول گردید و حالا خلیفه درس طب مدرسه است) (میرزا
ابوالحسن ولد میرزا عبدالوهاب پس از فراغت از تحصیل همواره مامور خدمات دیوان همایون و حکیمباشی کشیکخانه
مبارکه است) (میرزا اسدالله ولد میرزا محمد تنکابنی بعد از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا ابوالقاسم
ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است) (میرزا ابوالحسن ولد آقا یوسف مشغول تحصیل است) (میرزا ابوالقاسم
ولد جناب پس از چندی تحصیل مقدمات بمدرسه اتاماژور رفت) (میرزا ابوالقاسم ولد سید تقی چون پدرش
با اهل و عیال بمشهد مقدس رفت نتوانست تحصیل خود را تمام نماید) (میرزا احمد ولد شریف الحکما مشغول تحصیل
مقدمات است) (میرزا ابراهیم ولد میرزا حسین در تحصیل مقدمات است) (میرزا احمد ولد میرزا کاظم در تحصیل
مقدمات است) (میرزا احمد ولد حاجی محمدحسین در تحصیل مقدمات است) (میرزا ابوالحسن عرب مشغول تحصیل است)
(میرزا سید احمد کاشانی مشغول تحصیل است) (محمدباقرخان ولد محمدحسین خان قاجار پس از فراغت از تحصیل
بطبابت عامه مردم پرداخت و اکنون در دارالخلافه مشغول معالجه و حاضر خدمت دیوان است) (میرزا باقر ولد
آقا یوسف پس از چندی تحصیل فوت شد) (میرزا سید باقر ولد میرزا اسدالله در تحصیل مقدمات است)
(میرزا بزرگ ولد میرزا سید محمد در تحصیل مقدمات است) (میرزا تقی ولد میرزا هاشم پس از فراغت از تحصیل چندی بعد
بولایات خارج و داخل مامور خدمت شد حال بلقب خانی و نشان و حمایل سرهنگی و حکیمباشیگری حضرت اشرف امجد
والا ظل السلطان سرافراز است) (میرزا تقی ولد میرزا محمد) (شیخ جلیل پس از فراغت از تحصیل و سفر فرنگستان

درخدمت وزارت جلیله علوم مامور طبابت صاحب منصبان و عمله جات تلگرافخانه بود بعد جزو اطبای دربار
برقرار و در رکاب همایون بچاجرود رفته در آب رودخانه غرق شد) (محمد جعفر میرزا ولد داود میرزا پس از تحصیل
بطبابت عامه مردم پرداخت و اکنون در دار الخلافه مشغول معالجات است) (محمد جعفر خان ولد محمود خان ملک الشعراء
پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت و چند نوبت مامور ولایات گردید حال بمعلمی طب طبیعی مدرسه
تبریز برقرار است) (میرزا جعفر ولد محمد صادق بیک پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج و جزو اجزای تلگراف
شد) (میرزا حسین ولد میرزا احمد انشاء پس از مدتی تحصیل در مدرسه بجهت تکمیل بفرنگستان مامور شد بعد
از حصول اجازه دکتری و مراجعت بحکیمباشیگری حضور مبارک مفتخر و بعد از چندی فوت شد) (میرزا حسین
ولد میرزا آقا بزرگ از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغ از تحصیل در اسفار قشونی مامور خدمت بود و
حال در خدمت نواب والا معتمد الدوله است) (میرزا حسین ولد میرزا احمد تنکابنی از شاگردان مرتبه اول طب
و در طب ایرانی کمال مهارت را داشت پس از فراغت از تحصیل چند سال مشغول خدمات دیوانی بود تا فوت شد)
(میرزا حسین ولد میرزا نوروز علی پس از فراغت از تحصیل بطبابت فوج سوادکوهی مامور و بعد از مدتی فوت کرد)
(میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل بحکیمباشیگری همدان مامور و مدتی در آنجا
مشغول معالجه مردم بود حال احضار بدار الخلافه شده است) (میرزا حسین جراح پس از مدتی تحصیل از مدرسه
خارج و مشغول جراحی است) (میرزا محمد حسین ولد میرزا باقر اصفهانی پس از فراغت از تحصیل همواره مامور خدمات
مرجوعه دیوانی بوده و حال مامور عربستان است) (محمد حسن خان ولد اسد الله خان پس از فراغت از تحصیل
بطبابت عامه مردم پرداخت پس از آن بطبابت مریضخانه مبارکه مخصوص و حال مشغول خدمت است) (میرزا
حسنعلی شیخ الاطباء در طب ایرانی کمال مهارت را دارد مدتها نیز در مدرسه تحصیل طب فرنگی نموده حال در جرگه
اطبای خاص حضور همایون است) (میرزا حسن ولد میرزا ابو الحسن پس از فراغت از تحصیل بطبابت فوج همدان
جمعی احمد خان سرهنگ منتخب و مشغول خدمت است) (میرزا حسین ولد میرزا محمد علی از عهده درس طب برنیامده بمشق
نقاشی پرداخت) (میرزا حسنعلی ولد میرزا عباس پس از فراغت از تحصیل و چند فقره ماموریت ولایات فوت
نمود) (حمید میرزای شاهرخ شاهی مشغول تحصیل است) (حبیب الله خان ولد میرزا رضا خان) (میرزا محمد حسین
ولد حاجی میرزا تقی کلانتر پس از مدتی تحصیل بحسب امر حضرت اشرف امجد اعظم والا نایب السلطنه از مدرسه
خارج و بمنصب کدخدائی محله عودلاجان سرافراز گردید) (میرزا سید حسن هندی مشغول تحصیل است)
(میرزا حسین ولد آقا محمد نبی مشغول تحصیل است) (میرزا حسن ولد میرزا ابراهیم در تحصیل مقدمات است)
(میرزا حسین ولد میرزا بزرگ تفرشی در تحصیل مقدمات است) (سید حسن ولد میرزا اسماعیل در تحصیل مقدمات است

میرزا حسین ولد جناب پس از چندی تحصیل بمدرسه [illegible] رفت

میرزا خلیل

(میرزا خلیل ولد میرزا علی تقی مشغول تحصیل است) (میرزا رضای دکتر ولد حاجی میرزا مقیم احوالش جزو معلمین
نگاشته شد) (میرزا رضای مازندرانی پس از فراغ از تحصیل در خدمت جناب جلالتمآب علاء الدوله
مامور اسلامبول شد و بعد از مراجعت بحکیمباشیگری زنجان و خمسه برقرار است) (رضا خان ولد
محمد حسین قاجار مشغول تحصیل است) (میرزا زین العابدین ولد میرزا محمد کاشانی پس از فراغت از تحصیل
مدتی مشغول خدمات محوله بود برحسب خواهش مرحوم عماد الدوله مامور کرمانشاهان گردید بعد از چند
سال احضار بدار الخلافه شده در سلک اطبای حضور همایون منسلک و جزء اجزای حافظ الصحه و بتصدیق
جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در علم و عمل جراحی اول متبحر است
(میرزا زین العابدین ولد میرزا محمد فخر الاطباء پس از مدتی تحصیل بتبریز رفته جزو عمله جات حضرت اجل
اعظم ولیعهد دولت علیه گردید) (شهباز خان ولد محمد تقی میرزا در تحصیل مقدمات است) (شاه
صفی مراغی مدتی در مدرسه تحصیل کرده مراجعت کرد) (میرزا صادق ولد آقا یوسف همدانی در تحصیل
مقدمات است) (میرزا ضیاء ولد میرزا یحیی ندیم باشی در تحصیل مقدمات است) (میرزا طالع پس از چندی
تحصیل از مدرسه خارج شد)
(میرزا علینقی حکیم الممالک ولد حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام از متعلمین اول مدرسه است
بعد از چند سال تحصیل علم طب در مدرسه دار الفنون در سفارت کبرای مرحوم فرخ خان امین الدوله بسمت
بنیابت دوم مامور پاریس گردید بعد از ورود پاریس کارهای رسمی خود را کنار گذاشته بتحصیل علم
طب پرداخت بعد از هفت سال اقامت در آن مملکت و دادن امتحانهای متعدده و گرفتن تصدیق نامه از
جمیع اطبای فرانسه که دکتر و دانشمند علم طب است بایران مراجعت کرده بنیابت مرحوم والد خود سالها
برقرار بود و از اطبای خاصه همایونی محسوب میشد کتاب سفرنامه خراسان از تألیفات او ست که جزو وزرای دار
الشوری منسلک و بعد از فوت مرحوم حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشیگری سلام مفتخر و دارای شئونات
و امتیازات مخصوص است چنانکه در ذیل شرح سلطنت سی سال خواهد آمد)
(میرزا عبد الوهاب ولد مرحوم محمود خان احتساب الملک پس از چندی تحصیل در مدرسه بجهت تکمیل بفرنگستان
مامور شد و بعد از گرفتن اجازه دکتری و مراجعت بحکیمباشیگری حضرت اشرف اعظم ظل السلطان مفتخر و بعد
از مدتی فوت شد) (میرزا سید علی در طب ایرانی کمال مهارت را داشت و بجهت تحصیل طب فرنگ مدتی در مدرسه
تحصیل نمود بعد بمعلمی طب ایرانی در مدرسه برقرار و پس از مدتی مامور بندر بوشهر گردید اکنون طبیب حافظ
الصحه فارس و صاحب نشان سرتیپی است) (میرزا عبد العلی ولد میرزا محمد حسین دامغانی پس از فراغ از تحصیل

مشغول خدمات دیوان شد اکنون در تبریز است) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا اسمعیل در طب ایرانی مهارت داشت طب فرنگی را نیز در مدرسه تحصیل و تکمیل نموده بعد از فراغت مشغول طبابت و از حذاق اطباست) (میرزا عبدالجواد ولد میرزا حسین حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل بطبابت عامه مردم پرداخت و بعد از چندی فوت شد) (میرزا علی دکتر داخل معلمین نگاشته شد) (میرزا محمد علی ولد حاجی محمد رضای خراسانی پس از مدتی تحصیل بخراسان رفت) (میرزا عبدالله ولد میرزا محمد علی سرکارات پس از فراغ از تحصیل مشغول خدمات مرجوعه دیوان بوده و بطبابت اجزای وزارت امور خارجه اختصاص دارد اکنون بجهت معالجه یکی از علمای اعلام مامور عتبات عالیات) (میرزا علی اکبر ولد حاجی میرزا حسن کرمانی پس از فراغت از تحصیل مدتی خلیفه علم طب در مدرسه مبارکه بود بعد بحکیمباشیگری مریضخانه مبارکه سرافراز شد) (میرزا عزیزالله ولد میرزا علی اکبر بعلت ضعف بصر از عهده درس طب برنیامد مخصوص درس زبان شد) (میرزا عبدالحسین ولد حاجی لطفعلی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا محمد علی ولد محمد حسن بیک پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علیخان ولد مهدیخان پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان بود حالا در مدرسه مبارکه معلم طب افواج و غیره است) (میرزا عبدالمناف دامغانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا عباس ولد میرزا نصرالله) (علی آقا ولد کاظم بیک یوزباشی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا عبدالحسین ولد آقا سید علی) (میرزا عبدالکریم ولد میرزا یحیی نوری) (میرزا محمد علی ولد حاجی میرزا تقی کلانتر پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا علی اکبر ولد صمد شیرازی در تحصیل است) (میرزا علی اصغر ولد حاجی میرزا حسین کرمانشاهانی در تحصیل است) (میرزا سید علینقی ولد میرزا احمد در تحصیل مقدمات است) (میرزا غفور ولد میرزا یوسف جراح پس از مدتی تحصیل جزو عمله جات تلگرافخانه شد) (میرزا کاظم ولد میرزا ابوالحسن مشغول تحصیل است) (مهدیخان منسوب قاسم خان از شاگردان مرتبه اول طب بود در اوقات تحصیل وفات کرد) (میرزا موسی ولد میرزا عقیل اصفهانی از شاگردان اول و پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان و چندی سال مامور کرمان بود اکنون در اصفهان است) (میرزا مصطفی ولد میرزا عقیل پس از فراغ از تحصیل بحکیمباشیگری مرحوم جلال الدوله مفتخر و حال بحکیمباشیگری شهر مشهد مقدس برقرار و مشغول معالجه مردم است) (میرزا مسیح ولد میرزا علی پس از فراغت از تحصیل مشغول خدمات دیوان و چندی سال حکیمباشی نواب مهد علیا طاب الله ثراها بود و بعد از چندی فوت کرد) (میرزا محمد ولد حاجی میرزا محمود طبیب پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد بمعالجه مردم پرداخت و از حذاق اطباست) (میرزا مصطفی ولد میرزا احمد مشغول تحصیل است) (میرزا محمد کرمانشاهانی

میرزا سید محمد تنکابنی پس از فراغت از تحصیل بطبابت افواج قاهره مامور گشت اکنون نیز مشغول خدمت است

پس از چند

پس از چندی تحصیل مامور کرمانشاهان شد) (میرزا محمد ولد میرزا محمود پس از چندی تحصیل فوت شد) (میرزا مجید ولد میرزا حسن پس از چندی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا مؤمن ولد میرزا محمود پس از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان و اکنون مامور کردستان است) (میرزا شیخ محمد ولد میرزا علی محمد مشغول تحصیل است) (میرزا محمد ولد ملا محمد علی شمیرانی پس از مدتی تحصیل از مدرسه خارج شد) (میرزا محمد ولد میرزا کاظم از مدرسه خارج شد) (میرزا محمد ولد میرزا محمد حسین تفرشی مشغول تحصیل است) (میرزا سید محمد ولد آقا سید حسین مشغول تحصیل است) (میرزا مرتضی ولد میرزا محمد مشغول تحصیل) (میرزا محسن ولد مولا بیک در تحصیل است) (میرزا محمد ولد میرزا غلامعلی در تحصیل مقدمات است) (نصرالله میرزا ولد نواب حاجی سیف الدوله میرزا از شاگردان مرتبه اول طب و پس از فراغت از تحصیل بنیابت وزارت علوم مقرر و همواره مشغول خدمات مرجوعه میباشد) (میرزا نصرالله ولد میرزا احمد تنکابنی حکیمباشی پس از فراغت از تحصیل همواره حاضر خدمات مرجوعه دیوان بوده بعد بحکیمباشیگری قم مامور و بعد از چندی توقف احضار شد و بولایات متفرقه نیز ماموریت حاصل کرده اکنون در طهران مشغول معالجه عامه مردم و از اطبای حاذق عالم و بخدمات محوله مشغولست) (میرزا نصرالله ولد حکیم الهی پس از فراغت از تحصیل مدتی بطبابت عامه مردم پرداخته بعد مامور تبریز گشته و در همانجا درگذشت) (میرزا نصرت ولد محمد صادق بیک پس از فراغت از تحصیل بطبابت مریضخانه مقرر و طبیب مخصوص مدرسه مبارکه دارالفنون و در جنب مدرسه با حذاقت تمام بمعالجه عموم مردم میپردازد) (میرزا اسدالله اصفهانی پس از فراغت از تحصیل غالباً مامور خدمات مرجوعه دیوان اعلی و صاحب نشان و حمایل سرهنگی و بعد از چندی فوت نمود) (میرزا یوسف ولد میرزا محمود در تحصیل است انتهی

۱۲۶۸

هم در این سال میرزا احمد نایب دوم وزارت خارجه بلقب خانی و نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی با حمایل سفید نایل گردید میرزا فضل الله بمنصب جلیل وزارت کل نظام سرافراز و روانه آذربایجان گردید فوج اول خاصه که احضار بدار الخلافه شده بود با محمد علی خان سرتیپ و سایر صاحبمنصبان وارد طهران شدند فوج جدید خلخال بسرهنگی محمد قلیخان جوانشیر نیز وارد دار الخلافه گردیدند سواره افشار قزوین که از خراسان مراجعت کرده بودند مواجب گرفتند دو دسته غلام چلیپانلو ابو یحیی جوادخان و محمود خان مامور نظم طرق شاهرود و بسطام شدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هر یک بانعام و خلعت همایون مفتخر گردیدند اسکندر خان قراپاپاق بنیابت اول آجودان باشیگری برقرار آمد عبدالحسین خان و میرزا محمد خان و آقا رضا خان و نوروز خان و لطفعلی خان که مدتی مشغول مشق نظام بودند

برادر جناب صدر اعظم

هریک بمنصب نایب اجودانباشیگری نایل شدند کاظم خان قراپاپاق بسرتیپی سواره قراپاپاق سرافراز و به
سیصد تومان اضافه مواجب سرافراز شد حسن خان قراپاپاق نیز بسرکردگی سواره قراپاپاق یافت
۱۲۶۹ هم در اینسال بحکم نواب الاعظم نصرة الدوله حکمران فارس پانزده باب چاپارخانه در عرض راه این مملکت ساختند
دو نفر بختیاری که در راه شولستان شرارت میکردند تنبیه شدند دو دسته فوج کشیکچی بارقی در شط
محمره لنگر انداخت میرزا نصرالله بلشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب لشکر انجا
و فتحعلی بیک بنایب اجودانباشیگری رفتند حکیم کاظم لاهیجی بحکیم باشیگری کل افواج قاهره سرافراز شد
حکیم داود خان مسیحی که خدمات بدولت علیه کرده بود در ماه ربیع الاول این سال وفات نموده باحترام او را بجان
سپردند سواره مقدم بسرکردگی علیخان مرخص خانه شدند نواب الاعظم نصرة الدوله حکمران فارس بیک ثوب
جبه ترمه شمسه الماس خلعت همایون مفتخر گردید نظم سرخس باهتمام عباسقلیخان بیگلربیگی بدرجه
کمال یافت در بلوک نایج مازندران تصفیه آهن را بدرجه کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان نرمتر و باستعمال
نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده بدار الخلافه آوردند و امر بتشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد
نیز در مازندران باهتمام مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران و بمباشری استاد عبدالحمید قنادی که استادی
قابل است شکر مازندران را در کمال خوبی سفید کردند راه استرآباد بواسطه قراولخانه‌ها که ساختند و مواظبت
مستحفظین کمال امنیت یافت
روز هفدهم ربیع الاول که عید مولود مسعود حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله میباشد شرایط احترامات
این روز کاملاً بعمل آمد شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران باعطای یک ثوب جبه ترمه خلعت همایون
مفتخر گردید نجفقلیخان پسر محمد طاهرخان وکیل چون خط و ربطی داشت در سلک ارباب قلم منسلک گردید
مسیو جان داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت بطرز بورغ گردید پیش از این افواج که مرخص
خانه میشدند سرتیپان و سرهنگان آنها گاهی در دار الخلافه توقف میکردند این اوقات حکم همایون شد که
سرهنگ و سرتیپ هر فوج مرخص شده تا محل موطن حتماً با فوج همراه باشند که مایه بی‌نظمی نشود علیقلیخان ولد
محمد طاهرخان وکیل نایب اجودانباشی شد فوج ششم تبریز که دو سال در خراسان مامور و مشغول خدمت
بودند مراجعت بدار الخلافه کرده مواجب گرفته مرخص خانه شدند راهزنان ایلات لرستان و پشتکوه باهتمام
نواب الاعظم خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان تنبیه شدند و محصور شدند نصیرخان جودکی که سنه‌ها من قوافل
و غارتها دزفول و عربستان میشد برای خود مسجد و از دزفول تا خرم آباد رباطات ساختند
خدمات نواب الاحتشام الدوله حکمران آذربایجان منظور و نظر مراحم شده بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع مفتخر

میرهاشم خان حاکم ملایر و تویسرکان بجبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید محمد تقی خان قاجار کرمانی
سرکرده سواره خزل بود مجدداً باین منصب برقرار آمد افواج قدیم و جدید کروس بدو تعلیمات نظامی
مهارت کامل بهم رسانیدند در خبوشان برق زده چند باب دکان را سوزانید بعد زلزله شدید شده
خرابی زیاد کرد خوانسار از شر اشرار باهتمام نواب الاحمد میرزا آسوده شد شوارع کرمان بخراسان
از اهتمام اولیای دولت امنیت یافت
جناب اعتماد الدوله صدر اعظم را بیک ثوب جبه ترمه قرین مفاخرت فرمودند میرزا محمد علیخان وزیر دول
خارجه نیز باعطای یک ثوب جبه ترمه کرمانی مفتخر گردید جناب صدر اعظم بنا زدید مدرسه مبارکه دار الفنون
رفته بعد از امتحان متعلمین و حصول اطمینان بترقی آنها هر یک را تشویق نمودند یک ثوب جبه ترمه برسم
خلعت برای نواب الاحتشام السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیزخان اجودانباشی که در تعلیم و نظام
و مشق افواج اهتمامات نموده بود بیک ثوب قبای نظامی زری دوز از ملابس خاصه مخلع گردید نبی بیک
نایب سرکرده سواره مقدم لقب خانی یافت نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بمنصب یاوری سرهنگی فوج
مخصوص سرافراز شد جوادخان ولد اسکندرخان قاجار حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه
فرمودند چرخ منگنه که خارا و سایر اقمشه ابریشمی را موج میدهد در یزد تا حال نبود و منسوجات ابریشمی
یزد را بکاشان برده منگنه میکردند و اسباب تعویق بلکه تضییع بود میرزا عباس نایب الحکومه یزد چرخ
منگنه تمام نموده در کمال خوبی اقمشه را بآن موج میدهند که از قماش فرنگ فرق نمیتوان کرد
۱۲۶۹ در اینسال خبر دادند که در بلوک رفسنجان کرمان جوانی است نوزده ساله که بر روی شکم و سینه او هیکل آدم
طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آنجوان و سایر اعضای او بر روی شکم جوان میباشد
در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ایجاد گردیده موسوم
بمعین الدین میرزا شد میرزا محمد خان کشیکچی باشی باعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید
روز دوشنبه هجدهم ربیع الثانی میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه مرحوم شد محمد یوسف خان بمنصب
سرتیپی و بیک ثوب جبه ترمه اعلی سرافراز شد سید احمد تانکلی کرمانشاهان با سواره ابواب جمعی خود از ستان حضور
همایون گذشته سیصد نفر از سواره او منتخب و داخل قشون ظفر نمون برقرار شدند قلیچ خان سرتیپ سواره
مافی که از خدمت خراسان برگشته بود بیک ثوب جبه ترمه با مرحمت فرمودند فضلعلیخان سرکرده سواره
شاهسون نیز از خدمت خراسان معاودت کرده باعطای یک طاقه شال سرافراز شد میرزا علی اکبر سرهنگ
قورخانه استاد فتح الله آهنگرباشی قورخانه را با مولهٔ برای ساختن آهن تخته فرستاده ده خروار آهن ساخته

بقورخانه آورده و از آهن مزبور لوله تفنگ ساختند و بسیار نرم و خوب بعمل آمده حکم شد در معدن مزبور کار کنند حاجی خان و شیرخان را که دو نفر از اشرار دهخوارقان بودند نواب احتشام الدوله حکمران آذربایجان بسزای خود رسانیدند بحکم نواب معظم الیه چند باب قراولخانه علاوه بر قراولخانهای سابق ساختند موکب اقدس همایون پنجشنبه بیست و یکم ربیع الثانی تشریف فرمای شکار جاجرود گردیدند هم در این سال چون بعضی حاصل کرمان مورد آفات شده بود محض رعایت رعیت آن ولایت تقریبا شش هزار تومان نقد و سه هزار خروار جنس با آنها تخفیف مرحمت فرمودند عبدالقادر خان شکی که از خدمت خراسان معاودت نموده بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع گردید جعفرقلیخان سرتیپ افواج مراغه که یکسال در رکاب اعلی بود مرخص آذربایجان شد ابراهیم آقای سرتیپ ماکوئی که بمنصب سرتیپی فوج شانزدهم شقاقی سرافراز شده بود بجهت نظم فوج مزبور روانه آذربایجان گردید رحمة الله خان نایب اجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلع مامور آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد سواره شاهسون افشار مواجب شش ماهه گرفته که روانه خراسان شوند استاد علی اکبر تفنگساز که حسب الامر بخراسان رفته بود که تفنگ سربازی بسازد این اوقات پانصد ششصد قبضه تفنگ ممتاز ساخته که همه کس پسند نموده و تشویق او کردند در حوالی شهر کرمان قناتی احداث کردند که اهل شهر از آب رفاهیت داشته باشند در بلوک شوشتر موسوم بعقیلی نیشکر بعمل آوردند که قد آن سه ذرع و نیم ذرع از نیشکرهای مازندران بلندتر بود

روز غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بمدرسه مبارکه دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین را که در اندک وقت زیاد ترقی کرده اند سرکشی و تشویق فرمودند میرزا کاظم خان مستوفی ولد جناب صدر اعظم را بلقب جلیل نظام الملکی و خلعتی خاص قرین اختصاص فرمودند محمد ناصر خان (ظهیرالدوله) را بمنصب ایشیک آقاسی باشیگری دربار همایون که از مناصب جلیله است و باعطای عصای مرصع که مخصوص این منصب است مفتخر فرمودند میرزا محمد سعید مؤتمن الملک بلقب خانی و منصب وزیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت دول خارجه است سرافراز و مخلع گردید حاجی میرزا جبار رئیس تذکره بلقب ناظم المهامی ملقب و خدمت رسیدگی بامور معادن و کارخانه های بلورسازی و چینی سازی دارالخلافه و غیرها را باو محول داشتند و بخلعت همایون سرافراز شد رجبعلی بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد این اوقات ماهی یکدستگاه کالسکه باهتمام معیرالممالک و مراقبت محمد قلی بیک کالسکه چی ساخته میشود که کمال امتیاز را دارد آقا محمد ملک التجار بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید اسدالله خان امیر قاین بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر و روانه خراسان شد جعفرقلیخان میرپنجه که در استراباد و گرگان مامور تنبیه اشرار تراکمه بود رؤسا و ریش سفیدان

طایفه مزبوره را براه انقیاد در آورده و باجازه امنای دولت آنها را با خود بدربار همایون میآورد بعطای یکثوب جبه ترمه مفتخر و مخلع گردید مرتضی قلیخان حاکم شاهرود و بسطام مجددا بحکومت بسطام و بیکثوب جبه ترمه مخلع و سرافراز گردید

روز چهارشنبه چهاردهم جمادی الاولی محض اظهار عبودیت اشخاص مسطوره در ذیل با عریضه و پیشکش بتقبیل عتبه علیه سرافراز گردیدند (محمد حسین خان برادر کریمداد خان بیگلربیگی هزاره با عریضه کریمداد خان) (سید علی خواجه فرستاده حکومت خان والی میمنه با عریضه والی) (محمد ولیخان پسر مرحوم ابراهیم خان بیگلربیگی سابق هزاره) (اللهیار خان برادرزاده او) (عبدالحمید بهادر فرستاده حسن سردار هزاره پساکوهی با عریضه او) (عبدالکریم بیک فرستاده ابراهیم خان سردار تایمنی با عریضه) (خان میرزا بیک فرستاده ابراهیمخان و اکرم خان فیروزکوهی با عریضه) (شادمان بیک فرستاده مظفر خان جمشیدی با عریضه) (رضا بهادر و موسی مهمی) (ارباب خالق ریش سفید طایفه ایچکه) (علی بهادر ریش سفید طایفه قرسیلن) (عظیم بیک ریش سفید طایفه قهقهه) (ملاحسین ریش سفید طایفه ده زنگی) (حکیم کاضولانی حکیم باشی نظام صاحب نشان درجه دوم شیر و خورشید دولت علیه و صاحب نشان درجه دوم سنت استانیسلاس دولت روس روز بیست و سیم ربیع الثانی وفات کرد او را با احترام تمام دفن و کفن کردند جبه خانه اصفهان ترقی نموده آلات حرب بسیار ممتاز از قبیل لوله تفنگ و چخماق و سرنیزه و شیپور و غیره میسازند از فوت سید محمد خان حاکم هرات کاستر امیر افضل خان پسر کهندلخان قندهاری با جمعی افاغنه بر سر فراه و سبزوار آمده این دو شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست در عقیلی بلوک شوشتر تگرگ بقدر گلوله توپ آمده چرخها که در صحرا برای مرمت و تعمیر قنوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده بهرام میرزا که در تشریف فرمائی موکب همایون بسفر اصفهان از جانب سنی الجوانب پادشاهی بنیابت داشتند و خدمات نمایان نموده بنشان تمثال بیمثال المبارک قرین افتخار گردیدند جناب صدر اعظم بسرکشی کارخانه بلورسازی دفتر عملجات را انعام داده تشویق کردند و از طرف قرین الشرف ملوکانه نیز باستادان کارخانه بذل مرام شد میرزا عبدالوهاب پسر مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر دول خارجه بمنصب نیابت دوم وزارت دول خارجه و یکثوب جبه ترمه مخلع و نایل گردید از اصفهان تا منزل مقصود بیک در راه فارس همچنین از اصفهان الی کاشان حسب الامر قراولخانه ها در راه ساختند مایه مزید امنیت گردید بطایفه گکلان در استراباد که بقشون مامور آن نواحی خدمت کرده بودند دو هزار تومان تخفیف مرحمت شد میرزا محمد ولی طبیب حکیمباشی کل افواج قاهره گردید اسمعیل میرزا ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنگی یافت فوج پانزدهم شقاقی که از خدمت خراسان برگشته بود از وجوه خزانه مواجب آنها را

داده و بعضی خانه فرمودند که چندی آسوده باشند محمدخان میرپنجه و بیگلربیگی آذربایجان بدارالخلافه
آمده شرفیاب حضور مبارک گردیدند وزیر نظام در آذربایجان در خدمات مرجوعه مساعی جمیله دارد
نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس با سه عراده توپ و چهارصد سوار و دویست نفر سرباز همدانی بنظم
گرمسیرات رفتند و پیش از اینکه خود عازم شوند سه عراده توپ و پانصد نفر سرباز و سه هزار سوار با فضل الله
خان میرپنجه و جعفرقلی بیک یاور اول توپخانه بگرمسیرات فرستادند این اوقات قلعه سفید را گرفته ساکنین آن را
در ربقه اطاعت درآورده بازای این خدمت جعفرقلی بیک بلقب خانی ملقب گردید
عبدالله خان صارم الدوله که در کرمان و بلوچستان خدمات کرده بود مورد مرحمت شد فوج خلج بنیچه لورا ابوالجمع
او فرمودند و بیک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردیده مامور شد که کسری فوج ملایر و توپسرکان و قراگوزلو را بگیرد
سید احمد و سید باز خان نامی که در کرمانشاهان مخلع گشتند چون امسال تنگوزئیل است حسب الامر شان قشون خاصه
و کلب زادند این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات باسم همایون سکه زده بودند و عریضه سید محمدخان
با جمعی از معارف هرات بدربار همایون رسید از قراری که ذکر نمودیم چون این اوقات سید محمد و للخان قندهار
و خوشدل خان و غلام محی الدین پسر کهندلخان با جمعی مشاهیر دیگر دو هزار سوار و دو هزار نفر پیاده و هفت عراده
توپ و لک لولر ز بنورک بفراه آمده آنجا را تصرف کردند و محمد صدیق خان پسر کهندلخان نیز در تعاقب آنها با جمعی کثیر
و توپخانه اراده اسفزار دارد و بسر اسفزار آمده و قریب الوصول است و از قرار مسطور خود کهندلخان نیز بخیال هرات
خواهد آمد لهذا اوضاع هرات قدری مغشوش است و ایلات و عشایر حول و حوش هرات که این بی‌نظمی را دیده
بنای تاخت و تاز گذاشته‌اند و باتفاق بعضی تراکمه بهندان را چاپیده‌اند در کرمانشاهان باران زیاد شده
در منزل قهرود پنج روز علی التوالی طوری برف آمده که راه عبور و مرور مسدود بوده این ایام در رحمت آباد
گیلان باهتمام میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه قطران زیاد میسازند فوج جدید مراغه با بوالجمعی اسکندرخان سرهنگ
و فوج خلج ساوه جیره و علیق گرفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین مامور خراسان شدند
دو هزار و پانصد دست غالسقه که در قورخانه ساخته شده و دو هزار قبضه تفنگ طرح انگلیسی که در جبه‌خانه دار
الخلافه ساخته‌اند بار بسته که بخراسان ببرند هریک از افواج که کسری داشتند حسب الامر کسری آنها گرفته میشود
نواب والا حسام السلطنه والی خراسان عباسقلیخان میرپنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت
جام نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم آن صفحات باشند فتحعلی بیک نایب اجودانباشی را نواب والا حشمة
الدوله حکمران آذربایجان مامور نظم امور نظام مراغه نمودند کتاب قاموس و تاریخ پطر کبیر طبع شده منفرد شد
روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش دقیقه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از

برج ثور

برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر باشکوهی وافر منعقد گردید و قریب سی نفر از اعیان
و ریش سفیدان هزاره و تیمنی و جمشیدی در این سلام مخلع گردیدند شب عید جناب صدراعظم بیک قطعه
نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس بر ملیان مفتخر شدند و بیک ثوب جبه ترمه دوره مروارید دوز که ذات
معدلت صفات همایون بعادت جدید تشریف فرما میشدند بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند در این ایام
نواب شاهزاده امامقلی میرزا بحکومت کرمانشاهان و خلعت همایون سرافراز گردید خسرو خان والی را خلعت
و حکومت قزوین دادند بعد از آمدن جعفرقلیخان میرپنجه با افواج و قشونیکه مامور صفحات ترکمان و استرآباد
بودند بدارالخلافه معدودی از اشرار تکه آن صفحات را خالی از قشون فرض کرده قصد تاخت و تاز کرده بودند
ولی قراولان آن نواحی ایشان را بسزای خود رسانیدند از غرایبی که در کرمان اتفاق افتاده اینکه در دارزین
بزی چهل روز دیوانه شده و سر بچه زاییده که یکی از آنها شباهت ببلک داشته بخصوص دست و پای او که خیلی
شبیه ببلک بوده است این اوقات باران که زیاد در کرمان شده بعد از باران که وقت عصری صاعقه در سر
کلشن فرود آمده است در خمسه باران زیادی آمد قشونیکه از استرآباد آمده مواجب سالیانه آنها را داده
مرخص خانه شدند فوج بکشلوی افشار را ابوالجمع عباسقلیخان سرتیپ افواج قدیم و جدید قزوین فرمودند
جمعی از تراکمه که در خراسان بتاخت آمده دوچار محمد رحیم خان شده سه نفر سردار با اسم و بیست نفر دیگر از ایشان
قشون ظفرنمون مقتول نمودند نواب والا مؤید الدوله با بزرگان سیستان گفتگو نموده که در ترشیز آب و در دهنه
بهندان قرار قراولخانه و مستحفظ بگذارند که طرق و شوارع از دستاندازی بلوچها محفوظ ماند قراولخانه‌های
شهر اصفهان تمام شده و سرباز در آن قرار گرفته‌اند و این فقره موجب مزید نظم و انتظام است باران زیاد در اصفهان
شده روز پنجشنبه دهم جمادی الثانیه که روز سیزده عید بود موکب همایون بعزم توقف چند شب تشریف فرمای
قصر قاجار گردیدند در دارالخلافه بارانهای بموقع آمد حکومت ساوجبلاغ آذربایجان را بکریمخان مکری محول
فرمودند نواب والا حشمة الدوله باجازه اولیای دولت نجفقلیخان پسر مهدیخان قراپاپاق را مامور سرکردگی
ایل قراپاپاق نمودند این اوقات حکم شد هر کس معدنی در ممالک محروسه پیدا کند بواسطه حاجی میرزا آقا
ناظم المهام بعرض اولیای دولت برسانند اذن کار کردن در آن معدن را باو خواهند داد و تا پنج سال
هرچه از منفعت حاصل نماید مال خود اوست و هر کس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان میشود
کسر سواره را حسب الامر میگیرند که بدفعات دوازده هزار و پانصد نفر سواره حاضر رکاب اعلی شوند در
شوشتر و دزفول و آن صفحات باران کلی کامل شده منیرخان از طایفه جودکی لرستانی را که از اشرار و راهزنان
بود نواب والا احتشام الدوله گرفته بسزای خود رسانیدند در قزوین هفت شبانه روز مستمر باران آمد

سواره ایلات قزوین بدار الخلافه احضار شدند کتاب فصول خواندمیر والفیه و حدیقه حکیم سنائی طبع
شده میفروشند چون جمعیت دار الخلافه زیاد شده حکم شده هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید بنا بر این
دویست باب خانه تاکنون بنا نموده اند این اوقات باران که در دار الخلافه شده رعد و برق بود و صاعقه فرود آمده
ببادگیر خانه حاجی محمد حسین طهرانی گرفته بقدر گلوله شمخال سوراخ کرده و فرو رفته افواج و سواره که در آذربایجان
بودند احضار بدار الخلافه شدند کرمی مار مانند در شکم مرغهای صفحات کرمانشاهان و عربستان پیدا شده که مرغ
دیوانه میشود و خوردن گوشت او نیز مضر است نواب الامؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان که بسفر
بلوچستان رفته بودند خوانین و اعیان بلوچستان از قبیل رشید خان و سیف الدین خان و سالار محمد خان
واعظم خان وغیرهم از روی انقیاد خدمات بنواب معظم نموده اند و مدد علیخان سرحدی نیز مخلع و مامور شده که
سایر بزرگان بلوچ را بخدمت نواب مؤید الدوله بیاورد میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب والا نصرة
الدوله حکمران فارس بگرمسیرات رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده گرفته و خراب
کرده ملا علی ابو الحسن اهرمی نیز که بواسطه استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مینمود بسزای خود رسانید دو سه
قلعه دیگر نیز که در بلوک جهرم و بید شهر و در تصرف اشرار بود مستخلص شده انتظام و نظم یافت طرح اجناس
عشر و عوارض از حکام جهرم و قیر و کارزین و داراب و ابکار وغیره بر رعیت معمول بود حسب الامر موقوف شد
نصرالله خان بیگلربیگی سابق لار و قباد خان شقاقی و احمد خان بهارلو که از حکام سابق و کردان بودند استمالت
شده بجاهای خود برگشتند در گرمسیرات فارس باران کمی شده تاریخ جهانگشای نادری و کتاب جامع طبع شده میفروشند
حکومت خوی را بشاهزاده محمد رحیم میرزا مرحمت فرمودند حکومت ولایت خلخال را بنواب شاهرخ میرزا مرحمت
فرمودند چون اختیار حکومت عراق را در هذه السنه سیچقان ئیل بجناب مستوفی الممالک واگذار فرموده اند
لطفعلیخان نایب اجودانباشی را حسب الامر از جانب معظم الیه بنیابت حکومت عراق معین و روانه کردید عباسقلیخان
سرتیپ نوری که در خراسان خدمات کرده بود یک قبضه حمایل سرخ از مرتبه سرتیپی اول نائل گردید سکه قدیم
در شوش مسکوک بنقش کلمه طیبه لا اله الا الله و آیات شریفه قرآنی پیدا کرده بدار الخلافه آوردند و شرحی میرزا
جعفرخان مشیر الدوله همراه مسکوکات نوشته و ارسال داشته که صورت آن از قرار ذیل است

در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات غالب از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارت
اردشیر دراز دست است که آن عبارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه و فاصله هر ستون هفت ذرع و
بلندی ستونها بعلت افتادن و شکستن معلوم نیست لکن از زیر ستون و سرستون که اکثر صورت گوساله وغیره
دارد معلوم میشود که ستونها بسیار بلند بوده با وجود اینکه در صحرای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمیشود

سی و شش زیر ستون هم در پیش روی همین عمارت و در شمال او پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده این
عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است در بعضی از ستونها عبارات بخط سریانی و کلدانی منقور است آجرها
بوزن شصت و هشت من در اینجا کار کرده اند در بالای یک عمارت قدری پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون
آمده معلوم میشود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات
و نیشابور و دارابجرد و اصطخر بوده تاریخ سکه پول سال یکصد و پنج هجری است و تعجب است که چگونه در مدت
مدید پولها با نهایت صفا و تازگی مانده شهر خرم آباد که آب جاری نداشته مردم از آب تنگی میکشیدند و در یک
فرسخی شهر آثار نهری بود بحکم نواب والا احتشام الدوله آن نهر را حفر و مرمت نموده بواسطه آن شهر خرم آباد را دارای آب جاری
کردند بلوک عقیلی شوشتر که خرابی داشت بقدر لزوم برعایای آن تخفیف مرحمت شد پل شوشتر را میسازند
ضرابخانه شوشتر که چندی بود سکه نمیزدند حکم شد دایر کنند نواب بهادر میرزا مرحوم شد نظر بلیاقت میرزا
محمد مستوفی او را بلقب قوام الدوله ملقب فرمودند از دربار دولت دو نشان سرتیپی از مرتبه دوم
دو دانه الماس بحکیم کلوکه حکیمباشی مرحمت شد قلعه تنکی و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و صاحبمنصبان و افراد
قشون بقدر لیاقت مورد مرحمت شدند یکصد نفر سوار افشار ابوابجمع سلیمانخان افشار را داخل سواره نمودند
ششصد نفر سواره افشار شاهسون و سیصد نفر سوار ایلات قزوین مواجب گرفته مامور خراسان شدند
فوج دماوند احضار دار الخلافه شده مواجب گرفته مامور اصفهان شدند هزار و یکصد نفر توپچیان آذربایجان
احضار شده که بسرحدات روانه شوند و توپچیان سابق سرحدات را مرخص کردند کهندل خان که لشکر بهرات
کشیده بود منهزم شده بهرات و اسفزار رفته کمک از کابل و قندهار طلبیده است در چمن قهقهه سه فرسخی
شهر مشهد مقدس شش مرغ بهم رسیده که هر یکی از گوسفندی بزرگتر میباشند باهتمام شاهزاده مصطفی
قلی میرزا شکرهای قند را تا طوری سفید کرده اند که مثل شکر لاهور شده در دماوند باران کامل آمده
عمارات جدید سلطانی در دار الخلافه ساخته مزید بر عمارات قدیم نمودند و حکم شد مریضخانه مابین قورخانه
دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهارصد نفر مریض و منزل اطبا و مطبخ وغیره داشته باشد
بسازند وعده توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون
شهر را از قبیل لاله زار و نگارستان و قصرها را در کمال خوبی تعمیر کردند و عمارت جدید سلطانی در نیاوران قصبه
بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در نیاوران نیز بسازند شفیع خان مصلحتگذار دولت علیه
ایران مقیم لندن این اوقات با اجزای خود بحضور اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشرف شد نواب شاهزاده
نصرة الدوله حکمران فارس بنشان مرتبه اول میرپنجگی و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه مفتخر گردید

وشیخ صیفد بهرامی نواب معظم الیه درکرمسیر خدمت کرده بودند هریک مورد مرحمتی لایق گردیدند فوج بهادران
سرهنگی آقاخان که قدیمی ونظام دان است درکمال انتظام وآراستگی از آذربایجان بدار الخلافه آمدند عباسقلیخان
سرتیپ افواج قزوین بجهة گرفتن کسری افواج قزوین وفوج جدید افشار بکشلو وارد قزوین شد یوسفخان سرتیپ
افواج خواجه وند وعبدالملکی مامور گرفتن ونظم افواج مزبوره شد خان باباخان پسر عباسقلیخان سرتیپ افواج
قزوین بمنصب سرهنگی فوج قدیم قزوین وخلعت همایون سرافراز شد آقاخان سرتیپ نیز بگرفتن کسری افواج ایلات
قزوین وسایر امور متعلقه بافواج مزبوره وسواره ایلات ابوابجمعی خود بقزوین رفت در اکثر ولایات ممالک محروسه
باران کم شده بود رعایای اصفهان یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند وصنف علاف وخباز اصفهان که از
مالیات معاف بودند اما حکام بآنها تعدی میکردند قدغن بلیغ شد که کسی متعرض این دو صنف نشود شب پنجم
ماه رجب زلزله شدیدی در شاهرود شد مرتضی قلیخان در تنقیه قنوات شاهرود وتعمیر قلعه وقنات رحمت آباد اهتمام
مینماید ابراهیم خان پسر عبدالرزاق خان یزدی بحکومت کاشان وخلعت همایون سرافراز گردید خسروخان کرمانی
حکومت قراجه داغ با فتح خلع شد میرزا عبدالرحیم پسر مرحوم میرزا محمد تبریزی آجودان وزارت امور خارجه شد
ریش سفیدان ترکمانان کوکلان ویموت که محض سبقت در انقیاد بدربار همایون آمده بودند مخلع ومرخص شدند
وبرای سایر ریش سفیدان ترکمان که در اماکن خود بودند خلعت مبذول وانفاذ شد فوج جدید فیروزکوهی ابواب
جمعی مصطفی قلیخان میرپنجه بسرهنگی علیرضاخان وارد دار الخلافه شدند وحکم همایون شد که کل صاحب منصبان
قشون کلیجه نظامی وشلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند پیران فوج فدوی از خدمت معاف شدند
روز عید نوروز در شیراز تگرگ غریبی باریده که دانه های آن بدرشتی نارنج بوده ویکدانه از آنها بر یکنفر خورده
چشمهای او از حدقه بیرون افتاده ومغز او از هم پاشیده گوسفند ومال ومواشی زیاد در صحراها تلف کرده وبعضی
از درشتی دانه های تگرگ چیزها میگویند که باغراق شبیه است در رشته قنات دریم وپزماشیر احداث کرده اند
که باغستان بعمل آرند بعضی ایلات رودباری وغیره کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند باماکن
خود برگردند وتا چهار سال از مالیات معاف باشند آب زاینده رود اصفهان زیاد شده ومایه مسرت زارعین
سرفوج سرباز جدید اصفهان عازم دار الخلافه میباشند

روز پنجشنبه هفتم شعبان بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه ابتدا سوار شده بسرکشی وبازدید مشق افواج
قاهره تشریف فرما شدند بعد از آن عزیمت نیاوران نموده پس از تماشای آن اماکن عمارت سلطنتی ارک را مزین داشتند
علامات میرزا فضل الله وزیر نظام منظور نظر اقدس شده یکقطعه نشان مرتبه اول سرتیپی ویکرشته حمایل سرخ
مخصوص اینمرتبه مصحوب میرزا مصطفی قلی ولد معزی الیه باقتخار ایشان انفاذ تبریز شد میرزا ابراهیم مسیحی اصفهانی

میرزا

اصفهانی مترجم سفارت دولت علیه ایران مقیم لندن بلقب خانی سرافراز شد هشت فوج از افواج قاهره را
ابوابجمع محمد حسن خان سردار فرمودند وعبدالله خان ولد مشار الیه بمنصب میرپنجگی سرافراز شد بیگلرخان
سرهنگ بیچلو که بسپهرد وعازم مکه معظمه بود حسب الاستدعای او منصب سرهنگی اورا بعباسقلیخان پسر
او مرحمت فرمودند فوج نجران شقاقی ابوابجمعی قاسمخان قراباغی سرتیپ وارد دار الخلافه شدند فوج شانزدهم
شقاقی که از آذربایجان احضار دار الخلافه شده بود نیز وارد گردید در بلده دزفول بگروز مقارن غروب انقلاب
غریبی در هوا نمودار شده تگرگ شدید باریده وطوری سیل برخاست که اکثر گاو والاغ که مردم از صحرا بخانه میاوردند
سیل برد وبنیاد بعضی خانه ها نیز از لطمه رعد وبرق وسیل خراب شد سد بند شهر قزوین که سال گذشته خراب
شده بود خسروخان والی حاکم قزوین میسازد در ماه رجب بیست وچهار دقیقه تگرگ شدیدی در قزوین باریده
که سه روز در زمین باقی بود روز پنجشنبه چهاردهم شعبان ذات ملکوتی صفات مقدس در قریه دربند
شمیران مهمان میرزا محمد خان کشیکچیباشی بودند ومشار الیه لوازم پذیرائی مقدم مبارک را کاملا بعمل آورده
شب پانزدهم که شب عید ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بود در قصر قاجار توقف
فرمودند وآتشبازی کاملی شد نواب محسن میرزا را بیکثوب جبه ترمه لاکی مخلع فرمودند کارخانه بلورسازی که در
دار الخلافه ترقی کرده است مشهدی حسن نام صندوق ساز تبریزی دو صندوق آهنی ساخته که وزناد وغیره را
ودر بستن وگشادن آن صنایع غریبه بکار برده واز قرار تصدیق تجار جز در دو سه کارخانه از کارخانه های
فرنگ نظیر آن ساخته نمیشود مورد توجه شده سیصد تومان ویکطاقه شال باو مرحمت فرمودند فوج مخبران
شقاقی بسرتیپی قاسم خان مامور فارس شد فوج هفتم وهشتم افشار ابوابجمع عسکرخان سرتیپ از آذربایجان
برکاب اعلی احضار شدند سواران میرزا ابراهیم خان سرتیپ که احضار رکاب اعلی شده بودند نهصد وپنجاه
نفر در کمال آراستگی میباشند سربازان فوج خرقان مامور ساخلو یزد شدند که فوج بندپئی عوض آنها از یزد حرکت
کنند فوج شانزدهم شقاقی بسرهنگی رحمة الله خان وارد دار الخلافه شده مامور خراسان شدند نواب امامقلی
میرزا حکمران کرمانشاهان پنجاه سوار بحراست طرق وشوارع آن صفحات برقرار نمودند در خراسان بارندگی کامل شده است
در نیشابور یکنفر در بام بوده برق براو زده اورا هلاک وسقف را شکافته یکنفر را هم در اطاق کشته در قریه جرزد
کاودرهای استرآباد بادی آمده که اغلب خانه های آنجا را خراب نموده

موکب همایون روز یکشنبه بیست وچهارم شعبان با شکوهی تمام عزیمت ییلاق فرموده تشریف فرمای قصر نیاوران
شدند قصبه نیاوران رونقی حاصل نموده است در ایام ماه مبارک رمضان بجهت فراغت طبقات مردم
برای عبادت عصرها را موقع شرفیابی بدربار قرار دادند تخم پنبه ینگی دنیائی بزارعین دار الخلافه همچنین

برعایای تبریز داده شد که امتحان نمایند که در کجا خوب بعمل می‌آید در کرمان باران آمده و هوا معتدل است شادیخان ترکمان یموت که مصدر شرارت بود در استراباد نزد محمد ولیخان بیگلربیگی آمده اظهار پشیمانی و التماس نمود تگرگ زیاده در همدان باریده امامزاده زید در این ماه مبارک بانواع امتعه مزین دادند فضلعلیخان میرپنجه و بیگلربیگی را بمنصب امیرتومانی سرافراز فرمودند عبدالله خان جوانشیر بسرهنگی فوج اول خاصه سرافراز شد فوج جدید برخوار و ماربین اصفهان را چراغعلیخان برکاب اعلی فرستاده نهایت آراسته بودند حکم شد مشغول مشق باشند کلیهٔ افواج قاهره در ماه رمضان از مشق معاف‌اند نادرقلیخان سرکردهٔ سوارهٔ ایلات که مامور خراسان بود با سوار ابوابجمعی خود در کمال نظم بمحل ماموریت رفت زنی در خراسان طفلی زائیده بعینه میمون ولی دم ندارد خوانین سیستان عریضه نوشته اظهار انقیاد مینمایند علیقلیخان میرپنجه و عسکرخان سرتیپ و دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه بانتظام صفحات خراسان مامور شدند امیر علینقی خان وکیل طبس بحکومت ولایت طبس و خلعت همایون سرافراز شد اسکندرخان زند حکومت مرند و کرکر یافت شب هفتم رمضان بندگان سرکار اعلیحضرت همایون در منزل جناب صدراعظم افطار میل فرمودند و جناب معظم له تشریفات را بعمل آوردند میرزا علی اکبر مباشر قورخانه بمنصب سرهنگی و خلعت همایون و دویست تومان اضافه مواجب نائل گردید میرزا محمدعلی سررشته دار اول فوج خاصه سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد بهبودخان برادر عسکرخان سرتیپ بمنصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور روانه خراسان شد فوج کلپایگانی و برچلو و فوج جدید خلخالی مرخص خانه شدند

امامقلیخان ملقب

روز شنبه پانزدهم رمضان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه از قصر نیاوران تشریف فرمای شهر شده بصحن مقدس امامزاده زید توجه فرموده تجار و اهل صناعت که در این زاویهٔ مقدسه بفروش امتعه خود مشغول‌اند هر کس متاعی نفیس و مصنوعی ممتاز داشت معروض و ملحوظ نظر انور داشته ذات معدلت صفات مقدس هر چه را پسند فرموده خریداری شد هرات که چندی بود از تصرف سلاطین ایران خارج شده بمیل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد هزار و دویست تومان بر مواجب نواب والا مفرح الدوله افزودند دیگری سفیدی خلوت و منصب تفنگدارباشیگری دربار همایون را مجدداً به آقا محمدحسن مهردار مرحمت فرمودند چهارصد نفر سوار تکه در نواحی استراباد بعزم تاخت قلعه کنار آمده بودند جمعیت بر سر آنها رفته برخی را مقتول و بقیه منهزم شدند نواب مسعود میرزا حاکم بارفروش شد کارخانهٔ شکرسازی در میدان ارگ ساری تمام شده در اوایل ماه شعبان قند سفیدی از شکر سرخ آنجا پختند

حکومت

حکومت کلپایگان و خوانسار را باجودانباشی واگذار فرمودند فوج کرد ابوابجمعی هاشم خان احضار رکاب شد چون اعراب بادیه‌نشین بغداد تعدی بزوار میکردند بصوابدید علمای اعلام رفتن زوار بعتبات قدغن شد چون حدود خراسان باهتمام اولیای دولت علیه انتظام یافته عریضهٔ تشکر صبیه محمدخان سردار حاکم هرات و اعیان و اشراف آنجا بمصاحبت عالیجناب ملا فیض الله مفتی بدربار همایون رسید دور قلعهٔ عنایت آباد و سیاهی که در سرحد ترکمان است حکم شد قلعه خندق و شیر حاجی بنا کنند دور حنظل آباد از دهات پشتکوه بلوک تبادکان نیز مقرر شد قلعه بسازند فوج قشقه و سمیرم و چهار محال را چراغعلیخان از اصفهان روانه دارالخلافه نمود عمارات دیوانی کرمانشاه خاصه عرش آئین را نواب امامقلی میرزا تعمیر کاملی نموده است

روز دوشنبه غرهٔ شوال که عید رمضان است در عمارت جدید نیاوران سلام عام منعقد و طبقات خدام مجالس پای مبارک مشرف شدند و در این سلام یک قبضه شمشیر مرصع و یک ثوب جبه شمسهٔ مرصع بجناب صدراعظم مرحمت فرمودند شاهسون میرزا ولد نواب بهاءالدوله بلقب نواب شاهنشاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت پرویزخان سرتیپ سواره چهاردولی با سوارهٔ خود برکاب اعلی آمد محمدقلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار که غلام پیشخدمت بود بمنصب یوزباشیگری غلامان مامور کرمان برقرار شد دو فوج خمسه را احضار بدارالخلافه فرمودند در استراباد باران که زیاد شده است پانصد نفر سوار از سرخس بعزم تاخت وارد خاک جام شده بودند سوارهٔ تمامی آنها طلو گرفته و باز دو خورده آنها را از خاک جام بیرون نموده خان چوقی که بعزم گرفتن زکات بمرو آمده مرتها تمکین نکرده کار بمدافعه کشیده است عباسقلیخان بیگلربیگی که با هزار سوار و هزار نفر سرباز و دو عراده توپ مامور تعمیر خرابی بروج آق دربند و قراولخانه‌های مزدوران و غیره شده بود اینجاها را تعمیر نموده است در تربت جام باران که زیاد شده و بعد تگرگ بسیار که تخمیناً مردانهها دو سیر وزن داشته آمده و چهار پنج روز روی زمین مانده شنبه ششم شوال موکب همایون از نیاوران انتهاض فرموده محض تشویق و بازدید متعلمین و امور مدرسهٔ مبارکه تشریف فرمای دارالفنون شدند بعد ها برای سرکشی افواج قاهره میدان مشق خارج دروازهٔ دولت بمقدم مبارک آراسته وقت عصر مراجعت بنیاوران فرمودند میرزا رفیع خان نوری که نظر بحصانت قلعهٔ فوزک که از قلاع محکم خراسان است دم از خودسری میزد نواب والا حسام السلطنه والی خراسان پاشاخان سرتیپ را با دو فوج سرباز سمنان و دامغان و میرزا اسدالله خان حاکم قاینات را با عده از سواره و پیاده خراسانی بانتظام آن صفحات مامور کرده آنحصن حصین را که سر قلعه تو در تو بود مسخر نمودند و مثل سایر قلعه‌جات خراسان ساخلوی در آن گذاشتند میرزا رفیعخان بهرات رفته صبیه محمدخان سردار حاکم هرات را شفیع خود قرار داده شفاعت معزی الیها در دربار همایون عز قبول افتاده تقصیر میرزا رفیعخان معفو و قشون و صاحب‌منصبانی که در گرفتن قلعهٔ فوزک جلادت و خدمت کرده بودند

هریک بقدر استحقاق مورد مرحمت شدند اهالی قلعه کربک و طامات از قلاع خراسان نیز ترک خودسری نموده از در اطاعت درآمدند محمدحسن خان سردار بحکومت کرمان و بلوچستان و یزد سرافراز و بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید احمدخان نوائی کارپرداز اول دولت علیه ایران مقیم تفلیس احضار بدارالخلافه شد قاسم خان غلام پیشخدمت خاصه بجای او رفت علیخان پسر عزیزخان آجودانباشی که بمهمانداری مشیرالدوله و مامورین دولتخارجه مامور بود روانه سرحد شد نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه نایل گردید خدمات چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مشهود امنای دولت گردید مورد مراحم شاهانه گردید جناب صدراعظم باغ ارغوانیه را موسوم بداودیه کرده درانجا عمارت بنا نموده و بر وسعت و خوبی آن باغ افزودند میرپنجگی پنج فوج از افواج قاهره را بعبدالله خان ولد محمدحسن خان سردار مرحمت فرمودند در ششم ماه شوال در قلعه نوق از قلاع خراسان سی نفر زن حسب الرسم که از روز عید تا چند روز بتعیش مشغول اند بمحلی موسوم بمسجد نو که تقریبا نیم فرسخ از قلعه دور است رفته بودند و مردهای آنها بجمع آوری محصول خود میپرداختند ناگاه چهل و شش نفر ترکمان از طایفه اخالی و تکه طرفی بعزم تاخت ترتیب شیخ جام آمده تمام نسوان مسطوره را اسیر کرده بودند که هدادخان بیگلربیگی هزاره جزء با جمعی ده پانزده نفر آنها را تعاقب کرده جمیع را دستگیر و اسرا را رها کردند صید محمدخان حاکم هرات قشون بفراه که قندهاری تصرف نموده بود فرستاده قلعه کاه را که هشت فرسخی فراه است بیورش گرفته اند خان خوارزم بحدود مرو آمده و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالور و ساروق پسر او را بجای او خلیفه ساخته با خوارزمی بمجادله پرداخته اند و آنها را از حوالی قلعه مرو عقب نشانده اند محمدقلی خان سرکرده سواره شاهسون افشار با سواره ابوالجمعی خود در چمن کال یاقوتی دو فرسخی مشهد مقدس چادر زده اند

از وقایع معظمه این سال ۱۲۶۱ آنکه جمعی از اتباع سید علیمحمد باب علیهم اللعنة والعذاب بریاست ملاشیخعلی نام ترشیزی که خود را ملقب بعظیم نموده نایب باب میدانست بنای فساد نهاده جمعی در خانه حاجی سلیمانخان تبریزی که خود از معتقدین فرقه ضاله بود جمع و قصد کردند و آسیب بوجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب وجود فراغ و امن و اشاعه عدل و انصاف و برانداختن رسم ظلم و اعتساف است نمودند دوازده نفر که داوطلب شدند هریک بسلاحی مسلح گردیدند که بنیاوران آمده در کمین و منتظر وقت باشند و باقی در خانه سلیمانخان مهیا بودند که اگر موقع فساد شود بیرون تازند و بنهب اموال و سفک دماء مسلمین پردازند با ضلال عوام و ترویج عقاید فاسده باطله خود کوشند بنابراین روز یکشنبه بیست و هشتم شوال در وقتیکه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خلدالله تعالی ملکه و سلطانه از قصر نیاوران بعزم شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقه مطرود

کردوزبو

دشنامنده و محض کرایه است و هرکس هرجا بخواهد برود ساعتی بکمران کرایه میدهد محمودخان کلانتر بعطای یکثوب جبه ترمه مفتخر گردید محمدباقرخان پسر محمدخان میرپنجه سرهنگ فوج ششم تبریز مخلع شد محمدمرادخان سرهنگ فوج بنات زرند بمنصب سرتیپی و خلعت سرافراز شد زنی در تبریز در محله ششر و مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در پیشانی بود و ابرو نداشت دو دندان در زیر و دو شاخ در پشت گوش و زبانش مثل زبان گاو و موی سرش هم مثل موی سر گاو و دانگر پایانش سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک کردی داشته یکساعت بعد از تولد مرده است ترکمن تکه که بسمت گکلان رفته بودند جماعت گکلان آنها را متفرق و مغلوب نموده اند

روز یکشنبه هجدهم ذیحجة الحرام که روز عید غدیر بود سلام عام منعقد گردید میرزا احمدخان ناظر دیوان کرد ماموریت هرات خدمت کرده بود بیکثوب جبه ترمه مخلع شد میرزا محمدخان کارپرداز حاجی ترخان چون در مدت ماموریت کفایت خود را اظهار نموده بعطای یکثوب جبه ترمه مخلع شد میرزا عبدالوهاب گیلانی بمستوفیگری و سررشته‌داری گیلان و خلعت همایون نایل گردید عمارات دیوانی یزد را محمدحسن خان سردار حاکم یزد و کرمان تعمیر مینماید قنات نرکین میانه یزد و اصفهان را نیز تنقیه میکنند نادری قلعه شیراز را حسب الامر بنا نهادند در کار تمام کردن آن هستند

هم در این سال ۱۲۶۱ در شانزدهم رمضان المبارک در محروسه غباری ظاهر و روز بروز در تزاید بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی که بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند مگر با آواز و صدا اما از دو ساعت از شب گذشته غبار برکنار رفته و در هوا جوهر و اعتدالی نمودار میشد ولی با این غلظت غبار و احتباس چون گرمای زیاد نبود چندان مورث صدمه نشد بجهة اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا حکم شد مدرسه بسازند میرزا فضل الله وزیر نظام کردو عراده توپ سرپر بلند قد در تبریز ریخته پیشکش کرد و الحق توپهای خوبی بود بیکثوب جبه ترمه مخلع و سرافراز گردید حسب الامر مقرر شد تومانبیک کل افواج قاهره را نمایند و روی بیرقها اسم و عدد تومان افواج نقش شود نیز بعضی از افواج قاهره را بمیرپنجه‌ها سپردند که در انتظام کار آنها ساعی باشند با آنکه پنجسال است در فارس ملخ خوارگی میشود انواع نعمای الهی در آن مملکت وافر است در جبه‌خانه شیراز تفنگهای خوب میسازند در کازرون مولودی متولد شده که سران بشکل گربه و بدنش تمام مثل پلنگ منقش و انگشتهایهم بافته یک پای او بلند و پای دیگر کوتاه و قد او یک وجب و نیم دندانهم داشته گاهی گریه میکرده بعد از یکروز مرده است انجام امور قورخانه و جبه‌خانه و مدرسه دارالفنون و ملبوس

نظام را بعهدهٔ محمدخان بیکلربیکی و میرپنجه محول و موکول فرمودند حاجی مبارک بلقب خانی و منصب میرتیپی
سواره نائل گردیدند و کنکرلو نابل کردید پادری یحیی پیشوای ملت ارمنی کاتولیکی عیسوی در جلفای اصفهان
درگذشت و چون نهایت آدم خوبی بود ارامنه و مسلمان هم متأسف شدند

وقایع عمده که در این سال در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاده
اتاژونی ینکی دنیا

۱۲۶۷ در این سال ایجاد راه آهن مابین کانادا و بستن شد کتابخانهٔ دولت در این سال آتش گرفت

اسپانیا

وکلای ملت در این سال عزل شدند ناروایز صدراعظم دولت اسپانیا استعفا نموده مودیل بجای
او منصوب شد ژنرال بلیز که بقصد تسخیر جزیرهٔ کوبا از متصرفات ینکی دنیا از اسپانیول با ایجاد رفته بود گرفتار
شده در هاوان پای تخت جزیرهٔ کوبا مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکهٔ اسپانیا متولد شد

المان

۱۲۶۸ در این سال مجسمهٔ فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند اهالی ملک هفن زلرن بمملکت پروس
الحاق شد طایفهٔ یهود با عیسویان در حقوق و درجهٔ مساوات بهم رسانیدند و خال آنکه تا آن زمان دارای
این امتیاز نبودند ارنست اگوست پادشاه هانور در سن هشتاد و یک سالگی درگذشت و ژرژ پسرش
با آنکه کور مادرزاد بود بسن سی و دو سالگی بجای او جلوس نمود

انکلیس

۱۲۶۸ در این سال در انکلیس قبول کردن از طایفهٔ یهود را بسمت وکالت در مجلس پارلمان تصدیق کرده بود
ولی مجلس لردها قبول نکرده رد نمودند اکسپوزیسیون عمومی در لندن در عمارت بلور در هاید پارک که از
باغات بزرک عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدت پنجماه این اکسپوزیسیون برقرار بود لرد پالمرستن
وزیر امور خارجه استعفا نمود در شمال دماغه امید در افریقا که از متصرفات انکلیس است جنک سختی مابین
کافر اینجا با طایفهٔ کافر اتفاق افتاده عهدنامهٔ دوستی و تجارتی با جزایر سندویج بسته شد معدن طلا
در کوهستان شرقی استرالی منکشف کردید تلکراف بحری از انکلیس بفرانسه از زیر دریای مانش کشیدند
دو ورکالی را بهم وصل میکند امتداد یافت از اهالی ایرلاند مهاجرین زیاد بسمت ینکی دنیا رفتند چنانکه
در این سال شصت و پنجهزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام اهالی خانه‌های مزبوره به ینکی دنیا رفته بودند
لنکارد مورخ فوت شد جمعیت تمام جزایر انکلیس در این سال بیست و پنجکرور و دو بیست و سی و هشت هزار

دوهفت‌صد

و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است

پرتغال

۱۲۶۸ در این سال مارشال سالدانا که برضد وزرای پرتغال میبود بزور اسلحه دولت را مجبور کرد که کنت تمار صدر
اعظم را معزول کنند و خود بجای او بصدارت منصوب شد

دانمارک

ایجاد مجلس وکلای رعیت و بنیان قانون جدید ایزلند که متعلق بدانمارک است
ارستت معلم علم طبیعی درگذشت مابین دولت دانمارک و اهالی اسلسویک و هلستن صلح شد

روس

در این سال دولت روس مصمم است از دشت قرقیز بسمت جنوب قشون کشی نماید

سوئد و نروج

۱۲۶۸ در این سال اهالی نروج طایفهٔ یهود را قبول نمودند

عثمانی

۱۲۶۸ در این سال نقاری مابین دولت عثمانی و اطریش بجهة آزاد کردن کسوث که از اشراف مجارستان بود و پناه بخاک
عثمانی برده حاصل شد امیر بشیر از رؤسای لبنان فوت شد در این سال کسوف آفتاب را عثمانیها بفال
بد گرفتند و هرچه منجمین خواستند ثابت کنند که از آن اثری نیست مردم اعتقاد نکردند

فرانسه

۱۲۶۸ ذوالقعده در این سال شانکارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شد در پاریس و بعضی دیگر بلاد فرانسه شورشی بر
پا کردید دور شهر پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحبمنصبان و سربازان که در جنک ناپلیون اول زخمی
شده و از کار افتاده بودند ولی در خال حیات اند مرسومات تعیین نمودند برای تنبیه طایفهٔ قبیله که از
اعراب الجزایر اند قشون فرستادند مارشال سباستیانی و مارشال سولت که از
سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن تور و پواتیه برقرار شد و بنای بازار فروش ماکولات
در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهوری علاوه بر آنچه معمول بود مطالبه
کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت عزل و انتخاب وکلای تازه و تغییر
وضع جدید در دولت نمودند پانزده کرور رعیت فرانسه مدت ده سال لوی ناپلیون رئیس جمهور را بالاجماع
قرار دادند جمعیت فرانسه در این سال هفتاد و یک کرور و دو هشتاد و یکهزار و هشتصد و بیست و یک نفر بود

مصر

ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را نموده‌اند بتوسط کمپانی انگلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد

مکزیک

شورش و انقلاب در اغلب بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انگلیس با کمال تشدد مطالبه طلب خود را می‌نماید

ینگی دنیای جنوبی

ژنرال اشپینک در پرو ریاست یافت عهدنامه مابین منتویدو و برزیل برقرار گردید

وقایع سال ششم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران روحنا فداه مطابق سال هزار و دویست و شصت و نه هجری سیچقان ئیل ترکی

توجهات خاطر خطیر همایون شید الله تعالی دعائم ملکه و امنای دولت علیه در اینسال ۱۲۶۹ الی آخر مآل زاید الامکان بفراغت عموم رعایای ممالک محروسه و آسایش عباد و معموریت و رونق بلاد بود

هم در اینسال ۱۲۶۹ ارلغ خان ترکمان با شصت نفر از روسا و ریش سفیدان تراکمه سرخس برای تعهد خدمتگذاری بمشهد مقدس آمده در خدمت نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان با حضور علیقلی خان میرپنجه و سام خان ایلخانی و عباسقلی خان دره جزی بیگلربیگی قرار دادند که ارلغ خان با پنجاه نفر از ریش سفیدان سرخس علی الدوام در مشهد مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت و غلام بوده اسبهای خود را داغ کنند و همیشه مشغول خدمت باشند و یکصد نفر دیگر از آنها در قراولخانه‌های آن صفحات مستحفظ و مشغول حراست راهها شوند و از جانب نواب معظم والی خراسان نسبت باینها همه گونه التفات مبذول شد نوع لرستانی از لحاظ نظر مهر اثر مبارک گذشته مورد تحسین شد اشرار لرستان را نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمودند عمارات مرحوم عبدالله میرزا در زنجان همچنین دروازه‌های شهر را که در مقدمه طایفه ضاله بابیه خراب شده بود حسب الامر امیر اصلانخان حاکم خمسه تعمیر مینماید آلات حرب و اسباب نظامی را این اوقات در قورخانه و جبه‌خانه دار الخلافه بهتر از سابق میسازند نیز در کارخانه بلورسازی و چینی‌سازی خوب کار میکنند و مخصوصاً در باب این دو کارخانه سفارشات بمحمدخان میرپنجه شد که در ترقی و تشویق عملجات اهتمام نماید صد و پنجاه نفر از تراکمه باطراف خبوشان برای تاخت آمده بودند یزدان وردیخان

برادر سام خان ایلخانی آنها را منهزم و چند نفر را نیز مقتول ساخت محمدکریم میرزا از جانب علیخان بستامی عریضه خدمت نواب والا احتشام السلطنه نوشته که او را بخدمتگذاری دولت علیه قبول کنند و یک بیرق نشان شیر و خورشید برای سواره او مرحمت شود که معلوم باشد از عساکر منصوره‌اند و پس از آن متقبل گردید که هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است نظم آن بر عهده او موکول و اگر خلاف نظمی شود مسئول باشد همچنین کریمداد خان بیگلربیگی هزاره دو هزار خانوار هزاره و باخرزی با پسر خلیفه مرو و کدخدایان ساروق و سالور روانه بطرف ارض اقدس نمود ناخوشی وبا از خوی و سلماس بتبریز سرایت کرده

شب پنجشنبه ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بود در دار الخلافه و سایر بلاد و ممالک محروسه جشن گرفته چراغان و آتشبازی و سایر لوازم عید را معمول داشتند جمعی از سرکردگان که از خدمت خراسان مراجعت کرده بودند هر یک بفراخور بانعام و خلعت خسروانه نایل گردیدند نواب احمد علی میرزا بجوار رحمت الهی پیوست فوج جدید خمسه بسرتیپی ابراهیم خان میرزا خمسه سان داده مقرر شد تفنگ و قاسقه و اسباب بآنها داده شود که مشغول مشق شوند سرکردگان آذربایجان که احضار رکاب اعلی شده بودند مخلع گردیدند از غرایب آنکه در مزرعه برف آباد از توابع هرون آباد من اعمال کرمانشاه خرمنی که پنجاه خروار گندم پاک کرده داشته و صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند یکدفعه مانند سنگ آسیا بچرخ افتاده بزمین فرو رفته مطور بکروز دیگر چند ذرع زمین را کندند آثاری فی الجمله از گندم بود بعد آن آثار هم بکلی محو و معدوم شد و اشخاصیکه حاضر بودند و این واقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یکنفر از ایشان بمرد و باقی مدهوش شدند چاپارخانه در ساری و اشرف میسازند پنج سیر تخم پنبه دانه ینگی دنیائی در بلوک خوار کاشتند و یکخروار و پنجاه من جوزق برداشته و دانه‌های جوزق را که در بعضی از بته‌های او شمرده بودند دویست و پنجاه و دویست و هشتاد بلکه سیصد دانه جوزق داشته میرزا سعیدخان مؤتمن الملک دبیر مهام خارجه بیکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه سرتیپی اول و حمایل سرخ از مرتبه مزبوره سرافراز شد جمعی از تراکمه بتاخت صفحات خراسان آمده بودند محمدرحیم خان حاکم بجنورد خبر شده آنها را منهزم و بعضی را مقتول نمود بعضی از طایفه کاکاوند و خالدوند لرستانی که مصدر شرارت بودند نواب ملکدم میرزا بحکم نواب والا احتشام الدوله تنبیه نمود و بعطای یکجبه ترمه خلعت همایون سرافراز گردید امیرزاده ابراهیم میرزا که در انتظام امور عربستان و ساختن نهر هاشم و بستن سد و غیره خدمات کرده بود نیز بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون مفتخر گشت حاجی قوام الملک بعصای مرصع مفتخر گردید مدرسه مبارکه دار الفنون رونقی زاید الامکان دارا است متعلمین دانائی

سه مرتبه امتحان میکنند و اغلب امتحانات در حضور باهر النور مبارک است شاگردها خوب ترقی کرده‌اند
عمل جبه‌خانه دار الخلافه نیز باهتمام حاجی محمد حسین جبه‌دار باشی بخوبی منظم و ماهی یکهزار قبضه تفنگ
بهتر از اعلی در آن ساخته میشود نواب والا امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان را ملقب بعماد الدوله فرمودند
چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با یکرشته حمایل سرخ که مخصوص این
رتبه است نایل گردید محال فریدن باهتمام چراغعلیخان انتظام یافته و قلعه علی محمد خان را که حصانت آن
موجب شرارت مشار الیه میشد کوبیدند

موکب همایون روز شنبه هفتم ربیع الاول عزیمت شکارکن و سولقان فرموده چند روز در آنجا توقف
نمودند جناب صدر اعظم ملتزم رکاب میباشد سربازان پشت کوهی را که همه جوانهای رشید خوش اندام
بودند عباسقلیخان پسر احمد خان والی ارسان نظر انور گذرانید زین العابدین خان بیرانوند چهارصد
نفر سرباز جدید از طایفه بیرانوند گرفته از نظر اقدس اعلی گذرانید چند نفر از خوانین بلوچ که انقیادی
نداشتند بوساطت محمد حسن خان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند
امور گیلان باهتمام عیسی خان والی حکمران گیلان منظم است میرزا فرج الله خان آجودان توپخانه حسب الامر
مامور ساختن برجی جدید در انزلی و ریختن نه عراده توپ شده برجی بزرگ در کمال خوبی و استحکام ساخته
و دو لوله از توپها را ریخته زاید الوصف پاکیزه و صاف است محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی (جناب
ظهیر الدوله) بیکثوب جبه ترمه مخلع گردیدند میرزا زکی سررشته‌دار اصفهان نیز بیکثوب جبه ترمه
کرمانی نایل گردید نقیخان پسر حاجی حسنعلیخان بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز و مخلع شد چهارصد
نفر سرباز فوج بهادران باتفاق اصلان بیک یاور مامور بندر بوشهر شدند در شیراز بارانهای
زیاد باریده است نقاره‌خانه سر در ارک جدید البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر
از ریش سفیدان طایفه آخال تراکمه در اراضی اقدس خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان رفته از جانب
کل تراکمه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند بیست و پنج نفر
سوار ترکمان طرف بعزم تاخت بسمت کلات آمده جعفر آقای کلاتی آنها را منهزم و بعضی را مقتول کرده
در ماه ربیع الثانی امسال میرزا سعید خان مؤتمن الملک بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جناب
و خلعت همایون سرافراز شد محمد خان مصلحت گذار دولت علیه مقیم اسلامبول مرحوم شد حاجی میرزا
احمد خان نایب دویم وزارت دول خارجه مخلع شد بجای او رفت میرزا بزرگ قزوینی که سابقا پیشکار
مرحوم حاجی میرزا آقاسی بود بمنصب کارپردازی ارزنة الروم برقرار و مخلع گردید میرزا ربیع مستوفی

بوجود

بوجود بیکثوب جبه ترمه کرمانی سرافراز گشت جان محمد خان حاکم اردوی نیز بخلعت همایون سربلند آمد
جناب نظام الملک باعطای بیکثوب لباده ترمه بطانه خز قرین اعزاز گردید نواب والا احتشام الدوله باعطاء
یکقطعه نشان مرتبه اول میرپنجگی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گردید احمد خان نوائی کار
پرداز سابق تفلیس بیکثوب جبه ترمه درجه افتخار یافت مریضخانه دایر و مرضی را در آن بخوبی معالجه میکنند
مخصوصا میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام عده کثیری از مرضای افواج و سایر عساکر منصوره و غیره را با حذاقت
علاج نموده صاحب منصبان بزرگ نظام حسب الامر روزها بعد از فراغ از مشق بمدرسه مبارکه دار الفنون
آمده نزد کلنل معلم کل علم جنگ میخوانند شیر خان (اعتضاد الدوله) ولد خان خانان بمنصب سرتیپی سواره استراباد و خلعت
همایون سرافراز شد سرکردگی سواره شاهسون مشکین را امیر بیوک خان ولد قاسم خان کراباغی چون
بمنصب ایل بیگی گری شاهسون مشکین منصوب است مرحمت فرموده مشار الیه مخلع گردید میرزا علی اکبر
خان سرهنگ قورخانه باعطای یکطاقه شال سرافراز گردید نواب والا عماد الدوله حکمران کرمانشاهان تخم
برنج عنبربوی مازندران را از برای زراعت کرمانشاهان داده کاشته‌اند و بسیار خوب عمل آمده است

روز یکشنبه سیزدهم ربیع الثانی بندگان سرکار اعلیحضرت همایون تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون
شده متعلمین در حضور مبارک امتحان دادند و در این امتحانها اینکه مؤلف صغیر السن بوده با طلاقت
لسان امتحان داده مورد مرحمت گردید میرعزیز خان بلقب دریابیگی ملقب و مخلع شد چون ایل شاهسون
از طهماسبقلیخان ایلبیگی شاکی شدند او معزول و رستم خان بخلعت همایون نایل و بجای او منصوب شد قراولخانه‌های
دار الخلافه سپرده بمصطفی قلیخان و سربازان مشار الیه شد نصر الله خان پسر مرحوم غانم خان شهاب الملک
بمنصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز شد ناخوشی وبای آذربایجان رفع گردید در تنکابن مازندران
گلوله‌های بسیار خوب ریختند یکصد نفر سواره بلوچ بسر راه یزد و کرمان آمده بودند شیخعلیخان نایب
الحکومه آنها را منهزم و برخی را مقتول نمود دختری در کرمان متولد شد که سر نداشت و پاهای آن کج و کف
پای او با پشت پا مثل هم و یکساعت زنده بود در کرمانشاه کره الاغی متولد شد که یکسر و دو تن داشته و تمام
اعضای دو تن از هم منفصل بوده دارای چهار دست و چهار پا و دو دم ولکن زنده نمانده است محمود خان
قراگوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت علیه مامور سنت پطرزبورغ که احضار شده
بود نظر بخدمات لایقه باعطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ سرافراز گردید محمد صدیق
خان پسر یار محمد خان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان و غیره که بدربار همایون آمده بودند بخلاع فاخره
مفتخر گردیدند سلیمان خان سهام الدوله مسیحی که از قدیمی خدمتگذاران دولت علیه بود مرحوم شده

باحترام تمام او را دفن کردند مسیو بره مامور تعلیم افواج کرمانشاهان چون در سنه از عهده این خدمت
بر نیامده احضار شده بود پیشین صاحب بجای او مامور شد در گیلان ناخوشی وبا بروز نمود هفتاد نفر
روسای ترکمن مرو بخراسان آمده استدعای نوکری و خدمت بدولت علیه نموده مشمول مراحم گردیدند
روز پنجشنبه بیست و چهارم ربیع الثانی موکب همایون تشریف فرمای جاجرود گردید جناب صدراعظم و خواص
رجال و خدم در رکاب اعلی بودند روز چهارشنبه سلخ موکب ظفر کوکب خسروانه بمقر خلافت عظمی معاودت
فرمود میرزا فضلعلی خان مستوفی بیکثوب جبه ترمه مخلع گردید

روز پنجشنبه سیم جادی الاولی متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون در حضور مبارک امتحان دادند بارون
کومنس صاحب منصب دولت استریه که دو ساله بخدمت این دولت آمده بود قبل از انقضای وقت مستدعی شد
که او را رخصت معاودت دهند لهذا پانصد تومان انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال علاوه بر
سایر مراحم در حق او مبذول و او را مرخص فرمودند سواره بختیاری و باجلان را ابوالجمع نور محمد خان
سرتیپ نمودند در این اوان باران زیاد در دارالخلافه شد در سنندج کردستان زوجه سید محمد نام
در حالتی که حامله بود ناخوشی عجیبی باو عارض شده باین معنی که از بن موهای سر او خون جاری بود اطبا
از معالجه او عاجز شده حکیم حق نظر ولد حکیم اسمعیل گفت او را فصد کنند بعد از فصد هم رعاف خواهد
کرد و دفع ناخوشی او خواهد شد او را فصد کردند و چنان شد که حکیم مشارالیه گفته بود و شفا یافت
بیکثوب قبای نظامی میر پنجگی و یکقطعه نشان نقره از مرتبه اول این منصب و یکرشته حمایل سرخ و سفید مخصوص
این مرتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه بنواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا صاحب اختیار بروجرد و عربستان و لرستان
و بختیاری مرحمت شد حاجی علیخان حاجب الدوله و المؤلف باعطای بیکثوب خرقه ابره ترمه بطانه پوست مفتخر
گردید محمد تقی خان معمارباشی چون در ساختن توپخانه جدید و تعمیر عمارات دیوانی خدمات کرده بود بیکثوب
جبه ترمه مباهی گشت محمود خان سرتیپ نایب اول اجودانباشی (جناب ناصرالملک) مورد مراحم ملوکانه شد
فوج جدید قراگوزلو ابوالجمعی احمد خان ولد معزی الیه را و سواره نظام بسرکردگی امان الله خان (بهاءالملک) برادر
محمود خان را بمعزی الیه سپردند نور محمد خان قاجار بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع شد زین العابدین خان
برادر نور محمد خان که بمنصب سرهنگی سرافراز گردیده بعطای یکطاقه شال مفتخر گردید عبدالحسین خان اشرفی
نایب ایشیک آقاسی باشی شده مخلع گردید مسیو ستانبو طبیب فرنگی که در آذربایجان مواجب تمام در معالجه
مرضی نموده بود پنجاه تومان بر مقرری سالیانه سابق او که دویست و پنجاه تومان بود افزودند و صد تومان
هم بعنوان پول دوا قرار شد هر ساله باو مرحمت شود و یکطاقه شال ترمه نیز مخلع گردید یک جعبه تفنگ انگلیسی
بسیار

هم در آن روز موکب همایون از دوشان تپه تشریف فرمای قصر قاجار شدند کل قشون متوقف دارالخلافه از
توپچی و افواج قاهره و سواره نظام در نزدیکی قصر قاجار حاضر بودند و در حضور همایون مشق و حرکت
نمودند و سبک حرکت مشق آنها زایدالوصف پسند خاطر همایون شد اولا یکثوب کلیجه ملبوس تن مبارک
باجودانباشی مرحمت فرمودند و بعد چون معلمین فرنگی که در فنون مشق قشون ظفر نمون اهتمام کرده بودند
یکطاقه شال کشمیری بکلنل مطرات سومعلم کل و یکطاقه شال کشمیری نیز بکربتش صاحب معلم توپخانه و یکراس
اسب از اسبهای خاصه بنمیر اصاحب مرحمت فرمودند و نمیر اصاحب یکدست زین و یراق که بجهت نمونه از برای
سواره نظام ساخته بود بحضور مبارک آورده پسند افتاد و سواره نظام که بلباس ماهوت و کلاه پوستی
که همانروز بآنها داده شده بود ملبس گردیده باشکوه و آراستگی تمام بنظر آمده مورد تحسین شدند
این اوقات یکروز جناب صدراعظم و جناب نظام الملک و اجودانباشی و جمعی از امرا و صاحبمنصبان بزرگ
نظام بمجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلیخان معیرالممالک دایر نموده رفتند و پیش از وقت داخل کارخانه
کالسکه سازی که بمباشری محمد قلی بیک در آن کالسکه های خوب ساخته میشد شدند و پس از ملاحظه
خدمات مشارالیه را تحسین و تشویق نمودند پس از آن در کارخانه مجمع الصنایع و سید که بصنایع صاحب
صنعتان نمودند و در حجره خواجه احمد ساعت ساز یزدی که از مشاهیر صاحب صنعتان مملکت ایران
نشسته چای و شیرینی صرف نمودند و چون حسن صنایع خواجه مشارالیه در نظر جناب صدراعظم و امنه
دولت جلوه زیادی کرده کمال تحسین و تمجید را نموده یکصد تومان بر مواجب او افزودند در این کارخانه
اغلب صنایع از قبیل آیلیت سازی و زردوزی ملبوس نظام و بریدن و دوختن آن و ملیله سازی عمل
چین کرزکشی و زردوزی مخصوص ممتاز است و نقاشیهای بسیار اعلی و تفنگ سازی و چخماق سازی
و قداره سازی بسیار خوب رونق گرفته و معیرالممالک در ترقی کلیه صنایع مسطوره ساعی میباشند
در این اوقات چون ساتخان ایلخانی عزم تقبیل عتبه علیه کرده بود اشرار ترکمن سرحد قوچان را خالی از
نوکر فرض کرده قصد تاخت و تاز آن نواحی نموده بودند یزدان ویردیخان خبر شده جلو آنها را گرفته بسیاری را
مقتول و باقی را منهزم نمود
شب دوشنبه دهم جمادی الثانیه یکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود
و هنگام تحویل سلام خاص در حضور همایون منعقد گردید روز دوشنبه که روز عید نوروز بود سلام
عام انعقاد یافت و خاص و عام بزیارت جمال مهر مثال شاهنشاهی فایز شدند اسکندرخان سردار را
بحکومت خوی منصوب فرمودند میرهاشم خان حکومت نهاوند یافت و سرکردگی سواره خزل بمیر مطلب خان

پسر هاشم خان تفویض شد چون سال گذشته پنجاه هزار تومان تخفیف برعایای فارس که بواسطهٔ ملخ خوارگی
خسارت کشیده بودند مرحمت شده بود میرزا عبدالله خان را مأمور فرمودند که بآن مملکت رفته رسیدگی
کند که مبلغ مزبور باهل استحقاق رسیده باشد همچنین تحقیقی از مستمریات و وظایف نماید که بصاحبان آنها
چگونه میرسد همچنین میرزا حسین ممیز را بنهاوند مأمور کردند که او نیز رسیدگی بحساب آنولایت نماید و معلوم
کند تخفیفی که برعایای نهاوند مرحمت شده بود بارباب استحقاق رسیده یا حیف و میلی در آن شده است
چون در سنه ماضیه در آذربایجان رعایا بواسطهٔ بروز ناخوشی وبا مبتلا بضرر و خسارت شده بودند
محض تفضل دوباره آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته سیچقان ئیل
و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه اودئیل تخفیف بایشان مرحمت شد نیز یکهزار
تومان باسکندر خان سردار مرحمت فرمودند که عمارات دیوانخانهٔ خوی را که قریب بانهدام بود تعمیر نماید
خلیفه عبدالرحمن خلیفهٔ مرو پسر خود را با پنجاه نفر از روسا و کدخدایان مروی خدمت نواب والا احتشام
السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد مینماید و مستدعی است حاکمی از برای مرو از جانب اولیای
دولت علیه تعیین شود اردوئی که با عبدالله خان میرپنجه ببلوچستان رفته بود از بمپور و قلعه سرباز
و تمامی خاک بلوچستان تجاوز کرده بقلعه سورمیچ حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفه بلوچ از
بادیه نشین و غیره بتقدیم خدمات پرداخته اند سردار علیخان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد بکارگذاران
این دولت جاوید شوکت مینماید این اوقات که امیر علم خان قاینی و حسن خان جلیلوند بسیستان
وارد شده اند بیرق دولت علیه را در سر قلعه کوهک که از قلاع معظم سیستان و محل توقف خود سردار علیخان
نصب کرده و پسر خود را با پسران دوست محمد خان و ابراهیم خان سیستانی باسم گروی بمیر علم خان سپرده خود را
یکباره در ظل حمایت و ربقهٔ انقیاد این دولت ابد آیت کشید
چون شاهنشاهزادهٔ اعظم معین الدین میرزا بمنصب و لقب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این اوان رسماً
این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمد حسن بیک پسر مرحوم محمد خان مصلحت
گذار سابق دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب نیابت مصلحت گذاری اسلامبول سرافراز شد حاجی محمد
رحیم خان را مأمور بندر عباسی و انتظام آن صفحات فرمودند نواب والا مؤید الدوله را حکمرانی ولایت
همدان دادند از غرایب اینکه در بروجرد در اول حوت هوا فوق العاده گرم شده و سه روز بعید نوروز
مانده برف شدیدی باریده که پیرمردان نظیر آنرا بخاطر نداشتند و بعد از این برف بارانهای بموقع باریده
مایهٔ اطمینان رعایای آن صفحات شده است در خاک فارس احمد خان تنکستانی که دم از خودسری میزد
بعد

بعد از ورود حاجی قوام الملک و آقاخان سرهنگ فوج بهادران بدشتستان چون مفری ندید پناه بر
توپخانه مبارکه برده اظهار عبودیت نمود دولتمراد خان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفه سارق
باتفاق بیست نفر دیگر بارض اقدس خدمت نواب والا احتشام السلطنه آمده مستدعی است که بخدمتگذاری این دولت
علیه قبول شود و چون سابق تراکمه در خدمات این دولت اند مشغول خدمتگذاری گردد مسیو
معلم قشون که بجهت تعلیم قشون کرمانشاه که در این وقت در سرحد ذهاب میباشند رفته بود در خدمات
مرجوعه ساعی است میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری را با اسب و اسلحه بسیار ممتاز از سان
مبارک گذرانده با عطای کلیجهٔ تن پوش مبارک مفتخر گردید مبلغ پانصد تومان بر مواجب نواب مصطفی قلی
میرزا حکمران مازندران افزودند نواب شاهزاده جهانگیر میرزا مرخص شد که بزیارت مکه معظمه زادها الله
تعالی شرفاً و تعظیماً مشرف شود کتب طبع شده مجالس المتقین و حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم و سماء عالم جلد
چهارم بحار و مجمع البیان و تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و شاهنامه و خمسه نظامی و دبستان
داود خان بحکومت ارامنه و نصارای سرحدات اورمی و سلماس و خوی سرافراز گردید سلیمان خان چون
خدمات بدولت علیه کرده بود بعد از وفات او جهانگیر خان و نریمان خان ولدان او مورد مرحمت شده
جهانگیر خان را بمنصب سرتیپی و نریمان خان را بنیابت اول آجودانباشی مفتخر فرمودند حاجی میرزا علینقی
باغمیشه بکلانتری تبریز برقرار شد محمود خان سرتیپ نایب اول آجودانباشی مأمور سنت پطرزبورغ
این اوقات حسب الامر بمحل مأموریت خود روانه میشود صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این اوقات
در مریضخانهٔ دولتی باهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند گرگ آدمخوار در محالات خمسه همیشه
اوقات هست این اوان زیاد شده چنانکه طفل دوازده ساله را در زنجان گرفته خورده است قشون ظفر
نمون که بطرف مکران رفته بودند قلعه مکران را که از قلاع صعبه مستحکم است تصرف نموده و سرباز دین محمد
خان که مقدم بزرگان بلوچ است بدون اظهار مخالفت و اقدام بخلاف از در تمکین و اطاعت درآمده است
تاکنون بصفحات مکران کسی قشون نبرده بود در قلاع و نواحی مکران قریب دویست هزار اهل تمکن دارند
روز چهاردهم ماه رجب در میدان اسب دوانی در حضور همایون اسب دوانی بسیار خوبی نمودند سلیم خان و
حاجی جابر خان مأمور خدمات محترمه و آنحدود در مأموریت نظم آن نواحی ساعی میباشند ذوالفقار خان
خمسه بسرکردگی سوار خمسه برقرار و مخلع شد در شهر کرمان و حوالی باوصف بودن آب زیاد در غرس اشجار
مسامحه مینمودند لهذا هیزم و تخته در آن بلاد کمیاب بود این اوقات محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان
قدغن کرده که در شهر و بلوکات اشجار زیاد غرس نمایند

روز سه‌شنبه شانزدهم رجب بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون گردیده متعلمین در حضور همایون امتحان دادند در دارالخلافه این اوقات بارانهای خوب آمده منصب سرتیپی فوج نهاوندی را بحسن خان پسر حاجی یحیی خان مرحمت کردند مالیات قپان بلده سبزوار را بکلی بخشیدند روز دوشنبه هفتم شعبان موکب همایون بعزم توقف چند روزه بییلاق امامه که از قرای لواسان میباشد تشریف فرما گردیدند نواب والا اردشیر میرزا را حکومت دارالخلافه باهره دادند میرزا موسی وزیر دارالخلافه مرض وبا در دارالخلافه بروز کرده است روز سه‌شنبه هشتم دو ساعت بغروب مانده سیلی از کوهستان شمیران جاری و از قنات مهرگرد داخل ارک و از قنات سنگلج داخل محله سنگلج گردید اما قبل از آنکه بجائی خرابی کلی رساند او را گردانیده بخندق انداختند چند روز بعد باز سیلی آمده اما خرابی نرسانده

شب چهارشنبه بیست و پنجم رجب در شیراز زلزله سختی شده خرابی زیاد رسانیده باینمعنی که صدای زمین که از زلزله مسموع میشد مثل صدای رعد و صدای خراب شدن دیوارها هم پیدا گردیده طوری این زلزله شدت داشت که بعضی خانه‌ها از جای خود کنده شده و بجای آن آب متعفن پدید آمده تا چند روز مردم به بیرون آوردن نعشها مشغول بوده تقریباً زیاده از دوازده هزار نفر تلف شده‌اند صاحبمنصبان و احاد و افراد قشونی که بهمراهی عبدالله خان میرپنجه در فتح قلاع کیج و مکران بلوچستان رشادتی کرده بودند هر یک بفراخور استحقاق بنشان و انعام و خلعت همایون سرافراز شدند چون قاسم آقا یاور فوج قدیم کرمان ابوابجمعی اسمعیل خان سرهنگ درینمقدمه مقتول شده بود علی اکبر خان را بجای او منصب یاوری دادند در یزد یکروز سه ساعت بغروب مانده بادی از سمت شمال وزیده ابتدا زرد رنگ و بعد سرخ و بعد سیاه گشته و هوا را چنان تاریک نموده که هیچکس جائی و کسی را نمیدید در بازارها چراغ روشن کردند و چند موضع از بازار خراب شده و چنار مدرسه خان را از ریشه بیرون آورده در وسط وزیدن باد تگرگ بسیار آمده و بعد از تگرگ باران باریده از ابتدای وزیدن باد تا آخر دو ساعت طول کشیده است در خلخال و خمسه ناخوشی وبا بروز کرده آقا اسمعیل تحویلدار عساکر منصوره بخزانه‌داری کل نظام و لقب خانی سرافراز گردید چون مردم دارالخلافه بواسطه ناخوشی از شهر بشمیرانات میروند محمدعلی خان سرتیپ را بنظم شمیرانات امر فرمودند و مشارالیه دو چادر مریضخانه در کنار کاشانک زده و یک طبیب معین کرده که هر یک از سربازان و سکنه دهات شمیران مبتلا بناخوشی میشوند در آنجا مشغول مداوا و معالجه میکردند هوای دارالخلافه امسال خیلی مختلف است و اغلب بارندگی و رعد و برق و گاهی گرم و گاهی خنک است بهار آذربایجان خیلی خوب شده و باران زیاد باریده است چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مخلع گردید در آخر سامان دشتی

کتابند

کتابند دکنکان سه فرسخ است تگرگ غریبی باریده و خرابی زیاد نموده و از کوچکتران ده سیر وزن داشت یکدانه آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است در بعضی قرای شمیران از قبیل تجریش و جماران و نیاوران و ازکا نیز وبا بروز کرده در اواخر شعبان نیز بجهت باران که سیل از دهات ونک و اوین جاری و بشهر رسید اما چندان قوتی نداشت مع ذلک بقنوات خرابی رسانید و از اینجهت آب کثر بشهر میرسید نواب والا اردشیر میرزا برای تنگدستی مردم از آب چند نفر را گماشته که از آب کرج و بعضی آبهای شمیران بشهر بیاورند که مردم صرف نمایند علیخان سوادکوهی که قراولی ارک پادشاهی و خزانه و حفظ وجود مبارک باو مقرر بود مرحوم شده او را باعزاز دفن نمودند و خدمات او را بکلا رجوع بمیرزا اکبرخان سرهنگ فوج سوادکوهی فرمودند معزی الیه بخلعت همایون سرافراز گردید رمضان آقای سرتیپ توپخانه مبارکه با توپچیان متوقف شهر دارالخلافه و فوج فندوی قراگوزلو ابوابجمعی مصطفی قلی خان میرپنجه قراول قراولخانه‌های شهر اند و سایر قشون ظفر نمون و افواج قاهره مرخص شده که در اوان ناخوشی وبا بجاهای خوش آب و هوا نقل و سکنا کنند نصرالله خان سرهنگ فوج گلپایگانی با فوج خود مامور فارس شد تگرگی در جیرفت از بلوک کرمان آمده که دانه بیست سیر وزن داشته و یک گله گوسفند را در صحرا هلاک نموده و بعضی مردم را ناقص الاعضا کرده است چند راس گاو هم تلف شده بدنه و برج شهر کرمان که خرابی داشت محمدحسن خان سردار خاکریز دور کرمان حکم بساختن آن نموده از غرایب آنکه در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم در آمده که دو سر داشته در یک سر سه چشم و سه منقار و در سر دیگر دو چشم و دو منقار داشته و سایر اعضای او مستوی الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه میخورده بعد از آن مرده است نهر دولتخانه و نهر کریز دو کرمانشاهان که خراب بود نواب والا عمادالدوله حکمران کرمانشاهان حکم بتنقیه آن نموده اند که آب از آنجا جاری شود و در تابستان اهل شهر کرمانشاهان از آب تنگدستی نکشند مطلب خان تفنگدار خاصه و سرکرده سواره کوداری و بسطامی مامور محافظت زوار و قوافل راه خراسان در خدمت مرجوعه اهتمام دارد در بعضی دهات سمت لواسان چند نفر بمرض وبا درگذشته‌اند اما این ناخوشی در آنجاها شدت نداشته در قم و کاشان و اصفهان و مازندران نیز این ناخوشی هست و مخصوصاً چندی قبل در مازندران کمال شدت را نموده میرزا عزیزخان دریابیگی با عطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد این اوقات عمارات مبارکات سلطانی بمعماری محمدتقی خان معمارباشی و اهتمام حاجب الدوله والد مؤلف تعمیر میکنند و از عمارات جدیدالبنا که در این روزها ساخته میشود عمارت باغ نواب اماموردی میرزا است که بطرح خوب ساخته شده و مشغول سفید کردن و گچ بری و نقاشی آن هستند و شهر دارالخلافه از بابت ابنیه و عمارات دولتی و غیره نسبت بچند سال قبل بکلی فرق کرده و بر آبادی و صفا و رونق آن افزوده است هزار نفر سوار از تراکمه بعزم تاخت زوار بطرف شاهرود آمده محمد رحیمخان خبر شده

باجمعی سواره و پیاده سر راه بر ایشان گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را منهزم داده

موکب همایون روز هشتم رمضان از امامزاده عزیمت ییلاق لار فرمود میرپنجه علم سواره نظام بعطای یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول با وجهی نایل و سه ماهه مرخص شد که با استرابه وطن خود رفته عیال خود را بر داشته مراجعت بدار الخلافه نماید حاجی محمد حسین جبه دار باشی پیوسته تفنگ سربازی خوب تمام میکند و هر روز دسته دسته با امتحان میرساند تفنگهای فوج قزوین را این روزها از جبه خانه مبارک دادند نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بخلعت همایون سرافراز گردید کالسکه که بمصاحبت شعبانعلی خان با فتحمحمد صید محمد خان ظهیر الدوله مرحمت شده بود چون بیگلربیگی هرات و سید معزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته داخل شهر هرات شد در حول و حوش قزوین ناخوشی وبا شدت دارد در محال طالقان هم این مرض هست در قریه امامه نیز بعد از رفتن اردوی همایون وبای شدیدی بروز نمود در کن و سولقان هم چند نفری مبتلا باین ناخوشی شدند و چون در میان بعضی افواج وبا افتاده محبعلی خان میرپنجه از طرف قرین الشرف ملوکانه باحوالپرسی کل قشون که در این نواحی هستند و اظهار تفقدات پادشاهی نسبت با حاد و افراد مامور گردید و مبلغی خطیر وجه تصدق بفقرا و مساکین بذل فرمودند نواب والا نصرة الدوله حکمران فارس و بعض اعیان فارس نیز بخلعت همایون مفتخر شدند نواب والا عماد الدوله حکمران کرمانشاهان نیز بخلعت همایون سرافراز گردید زرگری اسلامبولی در دار الخلافه در کمال خوبی کار میکند و یکقطعه جیقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است اوایل ماه شوال نواب والا نصرة الدوله از حکمرانی فارس استعفا نموده نواب والا مؤید الدوله را بحکمرانی فارس مفتخر فرموده بخلعت همایون سرافراز شد اسد الله خان میراخور بحکومت همدان و خلعت همایون سرافراز گردید جهانسوز میرزا بمنصب میراخوری مفتخر گشت محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بخلعت همایون سرافراز شد زنی در کرمانشاهان با آنکه شوهر نداشته بیک شکم چهار طفل آورده از پدر اطفال از او سؤال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود بعد زنانه شده رفته ام و در آنجا آبستن شده ام بالجمله مادر چهار طفل صحیح بیش از چهار ساعت زنده نبودند در کرمانشاه چهار ساعت تگرگ آمد که بدرشتی نصف تخم مرغ بود نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری بخلعت همایون سرافراز گردیدند و نواب معظم امیرزاده جلال الدین میرزا را نایب الحکومه لرستان نمودند عزیزخان آجودانباشی را منصب سرداری کل عساکر منصوره عطا فرمودند

موکب همایون اواسط ماه ذیقعده عزیمت چمن سلطانیه فرمود ناخوشی وبا که در اردو بود از منزل ضیا آباد بالمره بکلی دفع شده در اواسط ذیحجه در دار الخلافه نیز اثری از ناخوشی مزبور نیست نواب والا اردشیر میرزا

حکمران

حکمران دار الخلافه در دو مسجدی که بکلیه امور و سرکشی مدرسه مبارکه دار الفنون اهتمام مینمایند میرزا موسی وزیر دار الخلافه نیز با مور اصناف و ارباب صنایع و مسجدی که کامل مینمایند میرزا محمد خان بیگلربیگی شیراز که بعد حاجی قوام الملک مرحوم شده میرزا علیخان ولد او را بجای او بیگلربیگی و مخلع فرمودند نیز بکثوب جبه ترمه بحاجی قوام الملک خلعت مرحمت شد میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه بلقب خانی نایل گردید سواره شقاقی ابوالجمعی جوادخان از آذربایجان احضار و مامور خراسان شدند سواره کرد و ترک را نواب مصطفی قلی میرزا در شیرگاه شان دیده برکاب همایون فرستادند خان خیوه که بر سر مرو آمده بود شکست خورده علاوه در اردوی او ناخوشی وبا افتاده بطرف خیوه کوچیده است

اردوی مبارک در چمن سلطانیه و عده ملتزمین رکاب بشصت هفتاد هزار نفر میرسید روز عید قربان سلام عام با شکوه تمام منعقد گردید و بجناب صدر اعظم در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند عزیزخان سردار کل و آجودانباشی چون قبل از ورود موکب همایون بچمن سلطانیه در نظم اردو خدمات کرده بود یکراس اسب خاصه چغان از اسبهای خاصه باو مرحمت فرمودند روز هشتم ذیحجه و روز چهاردهم موکب اقدس اعلی بسرچشمه چمن سلطانیه بتفرج تشریف فرما شدند و در روز آخر جناب صدر اعظم و بعضی از خواص چاکران دربار در رکاب همایون بودند جناب طامسن صاحب شارژدافر دولت انگلیس را نیز اردوی پادشاهی گردید از کارهای عمده که این اوقات باهتمام دکتر پولاک معلم علم طب دار الفنون شده بیرون آوردن سنگ مثانه است که شاگردان تربیت کرده های خود بخوبی آموخته و تقریبا در عرض یکسال خود بیست و سه سنگ مثانه بیرون آورده که بیست نفر از آنها یعنی کسانی که سنگ مثانه داشتند از جنس ذکور و سه نفر از جنس اناث بوده اند و از همه این بیست و سه نفر یکنفر تلف شده است گذشته از این عمل اعمال یدی دیگر از دکتر پولاک بظهور رسیده که همه در خور تحسین زیاد است در شیراز این اوقات مجددا زلزله شده و لطمه خرابی نموده اهل شیراز مشغول مرمت خرابی زلزله سابق اند

موکب همایون که تشریف فرمای چمن سلطانیه بود از آنجا عزیمت دار الخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذیحجة الحرام از دروازه شمیران شهر طهران را بورود مسعود مزین فرموده بعمارات مبارکات سلطنتی نزول اجلال فرمودند اهالی دار الخلافه با شوق و شعف تمام و سرور فی مالا کلام از موکب منصور ایده الله تعالی بنصره استقبال نموده بتقدیم قربانیها و دعا و ثنای وجود مبارک پرداختند و ذات همایون در تالار تخت مرمر جلوس فرمودند سلام عام منعقد و قاطبه خدام آستان بزیارت جمال بیمثال خسروانه فایز و سربلند گردیدند حاجب الدوله والده مولف که در این سفر خدمات شایان نموده بود بعطای یکثوب کلیجه تن پوش مبارک مفتخر گردیدند که

اسلامبولی آپلیت که انها بحسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته روز عید غدیر در چمن سلطانیه بحضور
مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خبره آنرا بقیمت پنجهزار تومان قیمت کردند نواب الاحتشام الدوله
حکمران آذربایجان که بچمن سلطانیه رفته برکاب اعلی پیوسته تا قزوین ملتزم رکاب همایون بود از آنجا مرخص شده
بمحل حکمرانی خود رفتند و برحسب استدعای نواب معظم پانصد تومان بمصنف شعرباف تبریز بتخفیف مرحمت شد
میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان اتابک اعظم نیز در سلطانیه بحضور باهر النور مبارک مشرف شده مورد
مراحم گردید و بعد از رخصت از خاکپای همایون بآذربایجان رفت میرزا مصطفی مباشر مهام خارجه از تبریز
احضار شد و حاجی میرزا محمد خان نایب اول وزارت دولت خارجه بلقب مدیر مهام خارجه و خلعت همایون سرافراز و از
قزوین در خدمت نواب الاحتشام الدوله بآذربایجان رفت قنبرعلی خان که بیگلربیگی و حاکم شهر تبریز بود احضار
و احمد خان نوائی که دیوان بیگی اردوی همایون بود بجای او مامور و روانه شد کلبحسین خان نایب اول
اجودانباشی چون اهل آذربایجان از رفتار او رضایت داشتند بلقب امین نظام ملقب و بخلعت همایون سرافراز
شد عیسی خان والی حکمران گیلان که با اعیان و اشراف گیلان در چمن سلطانیه برکاب اعلی مشرف شده بود از
قزوین بمحل حکمرانی خود مراجعت نمود امیرزاده علیقلی میرزا ولد عمادالدوله (صارم الدوله) که سرباز کلیائی
در چمن سلطانیه باردوی معلی آورده بود مرخص شده بکرمانشاهان رفت

اخبار و وقایعیکه در ینسال در ممالک و ولایات خارجه اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

۱۲۶۱
از وقایع اینسال اول کشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از نیورک ینکی دنیا به لیورپول بندر انگلیس آمد کشتی
موسوم به آدریاتیک بود و این سفر در ماه دلو اتفاق افتاد جمهوری اتازونی در صدد فرستادن جمعی از دانشمندان
بممالک ژاپن میباشند و غرض از این سفر انکشاف مسائل جدیده میباشد زیرا که بنادر ژاپن تا آنوقت برای
هیچیک از ملل خارجه باز نبود از اهالی چین چندهزار نفر بجهت کار کردن در معدن طلای کالیفرنی از مملکت
خود باتازونی میآیند در اینسال کلبسنا از معارف اتازونی در گذشت فرانسه و انگلیس هر قدر خواستند
اتازونی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نگاهداشتن جزیره کوبا تقویت نمایند قبول نکرد کشتیهای
جنگی اتازونی در اینسال سی و شش فروند بود

اسپانیا

۱۲۶۱
در اینسال شخصی قصد قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت کاستن از معارف اسپانیا در گذشت
غربای اسپانیا که دارای ادیان مختلفه هستند بموجب حکم سخت دولت بحسب ظاهر جزء طریقه کاتولیک نمیتوانند

عبادت

عبادت نمایند وزرای تازه در اسپانیا بصدارت ورن کالی برقرار شدند در جزیره کوبا و مانیل زلزله سخت
شد اما تفصیل شخصی که قصد قتل ملکه نمود از قرار ذیل است ملکه بعد از وضع حمل نذر کرده بود بکلیسا
اتشا رفته عبادتی نماید وقت بعد از ظهر بود و هنوز موقع رفتن بآن کلیسا نرسیده در یکی از دالانهای
معتبر عمارت گردش میکرد جمعیت زیادی که باید تا کلیسای مزبور ملکه را همراهی کنند حاضر بودند شاهزادگان
خانواده سلطنت اناثاً و ذکوراً همچنین سردارهای بزرگ اسپانیا در دالان در دو طرف ایستاده بودند و قتیکه
بجهة حرکت معین شده بود در رسید از همین دالان میبایستی بدهلیز عمارت بیایند و از آنجا بکالسکه نشسته
بکلیسا بروند ملکه بشوهر خود گفت از ازدحام جمعیت راه را چنان تنگ کرده که ایلچی حضرت پاپ که باید امین
دو یف بیاید مجبور است که از عقب بیاید این کلام ملکه تمام نشده شخصی بلباس کشیشان ملبس از پشت سر
سربازها خود را در وسط راه انداخته روبروی ملکه زانو بزمین زد مثل اینکه میخواهد دست ملکه را
ببوسد سربازها گمان کردند این شخص حامل عریضه ایست که میخواهد در این موقع آن عریضه را بملکه بدهد
این شخص که موسوم بمارتین مرینو بود بمحض اینکه خود را بملکه نزدیک رساند از بغل خنجر برهنه بیرون
آورده بپهلوی راست ملکه فرو برد ملکه فریادی زد و خنجر را بدست خود از پهلو بیرون کشید قاتل خنجر را
برداشته فریاد کرد امروز همین کافیست کردم آنچه مقصود بود مردم دور ملکه را گرفته و او تکیه بر دیوار
دالان داده خون زیادی از وی جاری میبود مردم فی الفور قاتل را گرفته و میخواستند همانجا او را بقتل رسانند
لکن رجال دولت مانع شده تا از او تحقیقات نمایند قاتل شصت و سه ساله بود و اقرار بجنایت خود کرد و
میگفت اگر مثل من دوازده نفر در روی زمین پیدا میشدند نسل این ظالمها را بر میانداختیم زخم ملکه
منکر نبود و بعد از چند روزی علاج شد

افریقا

۱۲۶۱
در اینسال بعضی از سیاهان که در امریکا بودند مهاجرت نموده به لیبریا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این
ناحیه یک جمهوری شبیه بجمهوری ینکی دنیا تشکیل داده اند ناحیه لیبریا که در اینسال هفتصد هزار سکنه — هزار و دویست و نود و چهار
اصلی دارد که سیاه پوست اند و شانزده هزار از آن سیاههائی هستند که از ینکی دنیا مهاجرت نموده باین
ناحیه آمده اند دول اتازونی و انگلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه بیک ایالت جمهوری افریقا شناختند

المان

۱۲۶۱
در اینسال اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالکی که در ایطالیا متصرف بود سفر نمود پرنس شوارتزنبرگ
صدراعظم اطریش در سن پنجاه و دو سالگی بمرگ فجاه در گذشت نیز اعلیحضرت امپراطور بمجارستان سفر نمود عهدنامه

تجارتی ما بین این دولت و دولت عثمانی بسته شد صد و شصت کرور فلورن مجدداً دراینسال دولت قرض کرد
نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش ببرلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس وهانور وغیره ملاقات نمودند
هم دراینسال در لهستان متعلق بروس وباپروز کرده و از انجا بمملکت پروس سرایت نمود پادشاه ایالت باد
شارل لیاپولد فردریک بسن شصت و یکسالگی درگذشت پسر بزرگ او لوئی که مبتلا بناخوشی صرع میباشد
بشراکت پسر دویم پادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود کرنلیوس و واکنیر از نقاشهای معروف
المان وفات نمود جمعیت پروس دراینسال سی و دو کرور و پنجاه و پنج هزار و یازده نفر میباشد

انکلیس

۱۲۶۹ دراینسال دُن رُوسِل صدر اعظم دولت انکلیس تکلیف کرد که علاوه بر قشون معمول دولت باید صد و بیست
هزار لشکر چریک بطور ذخیره داشته باشد که هنگام لزوم با آنها اسلحه و لوازم جنگ بدهند و آنها را بجنگ
مامور کنند وزرای دسته ویک استعفا کرده و وزرای توری برقرار گردید لرد دربی بمنصب صدارت یافت
دِلِنْکْتُن سردار و وزیر معروف انکلیس در سن هشتاد و سه سالگی وفات کرد و عزای عام در مملکت انکلیس
بجهه فوت او کردند مجلس پارلمنت بر ضد دسته وزرای جدید است وزرای دسته ویک مجدداً منصوب
شدند جنگ انکلیس با ایالت کافر در افریقی هنوز باتمام نرسیده است دولت انکلیس بر برمان اعلان
جنگ نموده و عساکر از کلکته و مدرس بر برمان فرستاده و فتوحات در آنمملکت نموده است بجهه انکشاف
معدن طلا هشتاد و هفت هزار نفر از انکلیس در مدت یکسال باسترالی مهاجرت کردند کشتیهای جنگی
انکلیس که در انوقت موجود میباشد صد و سی و سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میسازند
بیست و یک فروند است درین تاریخ در جزایر انکلیس یازده هزار و صد و پنج هزار ذرع راه آهن دایر است در یعنی هزار و صد و پنج کیلو متر
ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معدن طلا تا انوقت معادل چهل کرور طلا وارد انکلیس شده تماس مور شاعر
معروف ایرلندی دراینسال فوت شد

ایطالیا

۱۲۶۹ دراینسال کونت گوور بوزارت مالیه و بعد بوزارت بحریه اجزا الامر بمنصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد
دوساردین بعضی جاهای دیگر شورش نمودند مجلس شورای مملکتی دو دوره منعقد گردید کوه آتش فشان
اتنا طغیان نمود

پرتوغال

دراینسال با یک کمپانی معاهده نمودند که از لزبن پای تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهن ممتد نمایند

بلژیک

بلژیک

۱۲۶۹ دراینسال بلژیک عهدنامه تجارتی بر ضد بی با فرانسه بست وزرای تازه بصدارت بروکر نام تعیین شدند روزنامه
بلژیک را سخت مانعت نمود که نسبت بشخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و اینفقره بخواهش
دولت فرانسه بود در ابتدا قبول نمیشد ولی آخر موقع قبول یافت

دانمارک

۱۲۶۹ دراینسال ایالتین اسلشویک و هلستین دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند که دخلی
بوزرا و پارلمنت دانمارک ندارند

روس

دراینسال اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین و با اعلیحضرت پادشاه پروس برادر
زوجه خود در برلن ملاقات نمودند پرنس دلوشتان برک داماد اعلیحضرت امپراطور وفات نمود در اواخر اینسنه
در سنت پطرزبورغ و باپروز کرد راه آهن دولت روس دراینسال سیصد و بیست هزار ذرع است

عثمانی

دراینسال رشید پاشا صدر اعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد در شامات دزدی و راهزنی بحد است
علی پاشا بجای رشید پاشا صدر اعظم شد فواد افندی بمنصب وزارت خارجه رشید ابتدای خیال استقراض
دولت از خارجه معادل ده کرور تومان پول ایران و این فقره بواسطه عدم رضایت روس و اطریش و بعضی
از اهالی خود عثمانی انجام نمییابد بایالت مصر اجازه میدهند که مستقلاً از انکلیس قرض کند شورش طایفه
دروز در شامات و شورش اهالی منتکرو و هرزکوین که مالیات نمیدهند مامور شد عمر پاشا با بیست و
پنجهزار از قشون بر تنبیه اهالی منتکرو و هرزکوین

فرانسه

۱۲۶۹ دراینسال در بیرقهای فرانسه علامت و تصویر عقاب را که ناپلیون اول اختراع کرده ومدتی متروک بود
برقرار نمودند مسکوکات باسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهور منقوش خواهد بود در باب ده ساله
پرنس لوی ناپلیون را عموماً قبول نمودند مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و نجبای مملکت باشد
برقرار گردید املاک و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه و اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند
در باب مجلس سنا بر پرنس رأی عمومی رئیس جمهوری قرار میگیرد قانون دولتی موسوم بقانون ناپلیون میشود
روز پانزدهم ماه اوت که روز مولود ناپلیون بوده جشن میگیرند رئیس جمهوری فرانسه با ایالات جنوب

بورذلین بردذ و تور سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب میکنند امیر عبد القادر والی الجزایر که در حبس
فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز او را از حبس بیرون آورده بروسا از خاک عثمانی میفرستند
ورود رئیس جمهور بپاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را بحضور
او و تمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادام العمر نماید بالاخره در ماه نوس امسال اغلب اهالی فرانسه جمع شدند
پرنس لوی ناپلیون را رئیس جمهوری و ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژرم عموی لوی ناپلیون را
ولیعهد او قرار دادند مارشال ژرار و مارشال اکزلمان فوت شدند کشتیهای جنگی فرانسه در
این سال یکصد و هشت فروند بود

هلاند

کشتیهای جنگی هلاند در این سال چهل فروند است

ینکی دنیای جنوبی

بوزیل ابتدا جنابالمرحوم در حرکت بر روی شط امازن با کشتیهای بخار در این سال بود خرید و فروش
غلام و کنیز در دولت بوزیل بوساطت انکلیس موقوف شد توضیح آنکه شط امازن از تمام شطهای
روی زمین عظیم تر و بزرگتر است حتی از نیل سرچشمه این شط از جبال آند است بعد از طی پنجهزار و چهار
صد هزار ذرع مسافت در محاذی خط استوا بمحیط اتلانتیک میریزد در حوالی سرچشمه در جاها که عرض این
شط خیلی کم است تا الی پنجهزار ذرع است اما نزدیک بدریا عرض این شط دویست و هشتاد و هشت هزار
ذرع میباشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع زیادی آب این شط بحدیست که وقتیکه بمحیط میریزد بمسافت
صد و سی و پنجهزار ذرع در دریا طعم آب بهیچوجه تغییر نکرده شیرین است و مخلوط باب دریا نمیشود اکتشاف
این شط در سنه هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد

یونان

۱۲۶۹
در این سال اهالی یونان تمکین نمیکنند که متابعت کشیش بزرگی که در اسلامبول است نمایند و بواسطه
تکلیفی که دولت بآنها مینماید در بعضی ایالات شورش میشود در سواحل یونان در این سال طوفان عظیم شد

وقایع سال هفتم سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم جاه روحنا فداه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و دو ئیل

ترکیه

۱۲۷۰
در این سال جزء مآل کلیه توجهات خاطر خطیر همایون بترتیب و ترقی اهالی ممالک محروسه و امنیت بلاد
و آسایش عباد است چون میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی در سفر خیریت اثر سلطانیه خدمات کرده بود
بیکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید بعضی ولایات خراسان از قبیل مرو و سرخس که بجهة
دور دستی از شهر مشهد مقدس که در بنا و آن قاعده و دار الملک خراسان است بسبب قلت تسلط حکام سابق
طوری که باید و شاید نظمی نداشت اما حالا باهتمام اولیای دولت و اهالی شایق و راغب بعبیت و خدمتگذاری
این دولت ابد آیت میباشند و این ایام حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطی در مرو ساخته بقدر
ضرورت ساخلو گذارده شود خلیفه مرو که عریضه مشعر بر اظهار عبودیت بدربار معدلت
مدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانه فرمان همایون مبنی بر شمول مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی
دام ملکه خطاب بعزی الیه صادر و یکثوب جبه ترمه برسم خلعت و سیصد تومان نقد انعام بافتخار خلیفه
مبذول و مرحمت شد و چون خواززمیها محصول و زراعات آنها را چرابند و بواسطه کمی غله در صفحات مرو
و سرخس حاصل است امر فرمودند هزار خروار غله بآنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند بهادر خان
پسر مرحوم عباسقلیخان دره جزی و حسن خان سبزواری که در مرو مشغول خدمت بودند یکثوب جبه ترمه
کشمیری در حق بهادرخان و یکثوب جبه ترمه سلسله دار بحسن خان مرحمت فرموده و از سال گذشته هزار و
پانصد تومان نیز برسم انعام بعلیقلیخان میرپنجه که در خراسان مشغول خدمت است مبذول فرمودند
چون عباسقلیخان جهان بیکلو میرپنجه در سفر سلطانیه مرحوم شد افواج ثلاثه خراسان را ابواب جمع علیقلیخان
میرپنجه فرمودند مبلغ سیصد تومان که در سفر خراسان خدمت کرده بود مبذول شد این اوقات بنا باین دولت
و روس و عثمانی بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مامور آذربایجان شد که در آن سرحدات
اغتشاش و بینظمی حادث نشود جناب ایتسن صاحب قنسول دولت انگلیس مقیم دار الخلافه که بمرخصی آمده
چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجدداً بدار الخلافه مراجعت نمود هادیخان ولد مرحوم عباسقلیخان
میرپنجه را بسرتیپی افواج نیشابور و تربت سرافراز فرموده روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید
حیدر علیخان نایب دویم اجودان باشی بسرهنگی فوج توشیز مفتخر گردید علیخان سرهنگ فوج چهارم تبریز

بعسکر خان سرتیپ

بمنصب سرتیپی و نایب اول اجودانباشیگری سرافراز شد ناخوشی وبا مجدداً در تبریز شدت نموده است
میرزا زین العابدین مباشر و سررشته‌دار نوکرهای جرو سواره نظام بمنصب لشکرنویسی رسید جبرئیل خان
پسر آقا لرخان کرجی نایب دویم اجودانباشی و مخلع گردید علیقلی میرزا پسر نواب الاعتضاد الدوله حکمران
کرمانشاهان برحسب استدعای نواب معظم بمنصب سرتیپی سرافراز و از جانب نواب عماد الدوله بحکومت کلیائی
رفت

شب ششم ماه صفر که عید سعید ولادت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی میباشد در دار الخلافه باهره و تمام
ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند و چراغان و آتشبازی کامل نمودند عبدالله خان میرپنجه در ازای خدمات
بلوچستان و تسخیر قلعه بافنان بنشان میرپنجگی سرافراز گشت ناخوشی وبا که در کرمان بروز کرده بود دفع
شده اما هنوز در سیرجان و بم و نرماشیر و شهربابک باقیست برحسب استدعای اهالی یزد محمد حسن خان
سردار حکمران یزد و کرمان از جانب خود محمد یوسف خان سرتیپ را بپیشکاری میرزا کوچک خان سرهنگ فوج
جدید کرمانی بحکومت یزد فرستاد دو ستاره این اوقات در دار العباده یزد یکی مقارن غروب آفتاب و یکی در
شب ظاهر گردیده و دو جو محترق شده و هنگام احتراق روشنائی آنها از ماه بیشتر بوده و بقدر ده هنگام انبساط
آمده و هر یک تقریباً دو دقیقه ظاهر بوده بعد محترق شده اند ناخوشی وبا که در یزد بود دفع شده سر پوستی
ایل شکاک اردوی را بمحسنعلی خان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند اسدالله خان حاکم همدان بلقب
معتمد الملکی ملقب و مفتخر گردید ناخوشی وبای مازندران دفع گردیده است بقدر پانصد ششصد
نفر از طایفه ضاله بابیه در نیریز جمع شده و در کوه نزدیک نیریز سنگرها بجهة خود ساخته و با عیال در آنکوه
سر میبردند نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس میرزا نعیم لشکرنویس و حاکم نیریز و لطفعلی خان سرتیپ را
با فوج قشقائی و فوج جهرم فارس و چند عراده توپ مامور دفع آنها نموده جنگی سخت با آنها کردند و دویست
سیصد سنگر که در کوه ساخته بودند از آنها گرفتند و تقریباً صد نفر مقتول و باقی دستگیر شده بشیراز
فرستادند و در واقع ریشه فساد آنها از آنحدود قلع گردید میرزا جعفر نایب که در بلوک فهیا که من اعمال اصفهان
امامزاده را مأمن خود ساخته و از ایام حکومت منوچهرخان معتمد الدوله دم از خودسری میزد و تمکین حکام نمیکرد
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان او را از در انقیاد در آورد حاجی یوسف خان سرتیپ ایل بیگی مغان شد
عباسقلی خان هشترودی حکومت هشترود یافت ناخوشی وبا که در عربستان شیوعی داشت دفع شده میرزا
ابو القاسم تفرشی بمنصب سررشته‌داری دفتر استیفا سرافراز و دویست تومان بر مواجب سابق او افزودند
میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص که بسفارت سنت پطرزبورغ رفته بود معاودت کرده او را با کمال احترام

وارد دار الخلافه کردند قافله بخارا که عازم مرو و مشهد مقدس بود میر احمد خان جمشیدی با هزار نفر سوار از بلد
و غیره بجلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهار جو مانده بود بهادرخان حسن خان سیستانی را با سیصد نفر سوار بدفع میر
احمد خان فرستاده سواره میر احمد خان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافله مزبوره بدون آسیبی بمرو آمد
برحسب استدعای خلیفه مرو و مرویها علاوه بر قشونی که سابق مامور گشته این اوقات نواب والا حسام السلطنه والی
خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با قورخانه روانه مرو نمودند که آن ولایت را
از تعرضات ازبکیه محروس دارند و نظر بمراتب اهتمامات نواب معظم الیه در بندوبست و سایر خدمات خراسان
کرده بودند باعطای یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مباهی گردیدند دو هزار سوار بخارائی و غیره که در
نزدیکی مرو سکنا داشتند و دست اندازی بمال و خال مردم میکردند فرار نموده اند و رعایای آن نواحی آسوده
شده روز چهارشنبه چهارم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عز نصره تشریف فرمای
مدرسه مبارکه دار الفنون شده معلمین هر علمی در حضور باهر النور مبارک امتحانی شایان داده هر یک از
معلمین و متعلمین علی قدر مراتبهم مورد مراحم ملوکانه شدند چون ما بین شیرعلی خان پسر امیر دوست محمد خان
حاکم کابل و سردار کهندل خان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان سیستانی را با فرامین و احکام
ماموراً نصیحات فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلالت کنند و آن نقار را از میانه رفع نماید سردار
سلطانعلی خان پسر سردار کهندل خان که بخاکپای مبارک آمده بود مورد نوازش و مراحم ملوکانه گردیده
این اوقات که رخصت معاودت حاصل نمود او را بلقب مظفر الدوله ملقب و مخلع فرموده مصحوب او خلاع
فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندل خان و رحمدل خان و مهردل خان و سایر خوانین مبذول داشتند
و بخود مظفر الدوله نیز بخششهای لایق فرمودند نظر بخدمات خسروخان والی حاکم قزوین بعطای یکثوب کلیجه
ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید کتاب شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه باهتمام میرزا ابراهیم نواب طهرانی
که از معارف اعیان دار الخلافه و مداح نگار دولت علیه ایرانست در کمال صحت و امتیاز بطبع رسید
نظر بخدمات میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه مشار الیه را ملقب بعضد الملک فرمودند ناخوشی وبای
تبریز بالمره دفع شده است نواب والا حسام السلطنه والی خراسان چندی قبل دویست نفر سواره ممتاز
و یک بیرق شیر و خورشید قبه طلا از جانب دولت علیه بمصاحبت محمد خان کندبیلی و اماموقلی بیک روانه نموده بودند
این اوقات اماموقلی بیک مراجعت کرده اظهار داشته که مطابقه سارق بد میگذشت و بنای تفرقه داشتند
بعد از آنکه سواره و بیرق دولتی رسید بمراحم اولیای دولت علیه مستظهر شده از مرافعت کوچ کردن افتادند
کارمن صاحب حکیمباشی آذربایجان بعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه اول نایل گردید برحسب صواب

مباشر روزنامه و مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه نویس بخلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی بابا پسر مرحوم آقا حسین ملک التجار بادکوبه بعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرهنگی مفتخر گردید کپیتان زطی صاحب منصب مهندس از اهل استریه که در نوکری دولت علیه بود وفات نموده او را باعزاز دفن نمودند مسیو چادنو طا معلم علم معدن نیز وفات کرده با احترام او را بخاک سپردند قاسم خان صاحب جمع بیک قطعه نشان سرهنگی از درجه اول و یکثوب شمشه حمایل سفید و یکثوب جبه ترمه کرمانی سرافراز شد این اوقات محض رعایت کامل در باب احقاق حقوق رعایا و مزید دستکاری و استقصای اجرای دیوانخانه عدلیه مقرر شد پرده موشح بتمثال بیمثال همایون در دیوانخانه مبارکه عدلیه عظمی منصوب داشته پرده بر روی آن باشد و در مواقع اجرای احکام آن پرده را بردارند تا مدد که عدل و انصاف و مؤید عدو رستی منکشف شود دکتر پولاک معلم علم طب و جراحی کتابی در تشریح بدن انسانی نوشته مصور بصور اعضا و ابعاض و مشغول طبع آن میباشند بیکثوب خرقه ترمه بطانه خز تن پوش مبارک بنواب والا فریدون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند امیرزاده عبد الباقی میرزا ولد نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس چون در غیاب نواب معظم شهر شیراز را خوب منظم نگاهداشته بود بخلعت همایون سرافراز شد عالیجاه ملا اکرم مستوفی هرات چند راس اسب برسم پیشکشی از جانب سید محمد خان حاکم هرات بخاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید عبدالله خان صارم الدوله با فوج مأمور فارس شد شاهزاده عباسقلی میرزا حاکم خلخال در نظم آن نواحی مراقبت کامل مینماید در اطراف خلخال سیلهای زیاد برخاسته اما بکسی آسیبی نرسانیده قشون مأمور مرو را جمعیت کلی از تراکمه سرخس استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده از جمله پیر اراض خان و پیر صوفی خزدر رحمن قلی و سفر بیک لر که از معارف تکه سرخس نشین هستند سواره خود را برداشته همه جا همراه و از میان مال و اهل سرخس نشین باسوده کی عبور کرده و ترکمانان همه جا اظهار خوشوقتی نموده و دویست نفر سواره تراکمه سرخس تا مرو همراه اردو رفته اند ترکمانان طرفی نیز خدمت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم از جانب دولت ابد مدت همه را مشمول مرحمت نموده اند شیرخان ناظر بلقب جلیل عین الملکی و یکقطعه کل کمر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردید جهانسوز خان امیر آخور بیکثوب کلیجه ترمه بطانه خز تن پوش مبارک سرافراز شد آقا محمد حسن صندوقدار بعطای یکثوب لباده ترمه بطانه پوست مباهی گردید آقا محمد ملک التجار حسب الامر در اطاقی از اطاقهای کاروانسرای امیر بعضی روزها مجلسی از اعیان تجار منعقد نموده در امور تجارتی مذاکره مینمایند ناخوشی وبا که در مازندران شدت داشت رفع شده در مازندران بارندگی زیاد شده در ساری و بعضی جاهای کنار دریا نیم ذرع برف آمده محمد علیخان بختیاری هفتلنگ که بدی

وشرارت معروف بود و در یکی از قلاع صعب آنجا متحصن شده دم از خودسری میزد نواب والا احتشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیاری و بروجرد امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان را با سواد بختیاری و باجلان و فوج لرستان بگرفتن او مأمور نموده او را استیصال کرده اتباع او را دستگیر نمودند و خود او کو بجهت پناه بخانه شیخ جعفر مجتهد برد نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس برای نظم گرمسیرات این مملکت بدان صفحات رفتند و از جانب نواب معظم میرزا هادیخان مأمور صفحات لارستان و هاشم خان یوزباشی با جمعی غلام بسرحدات افلید و آباده و فریدون خان تولّلی نیز با جمعی غلام بجادست طرق سرحدات کرمان و شهر بابک رفت نواب والا حسام السلطنه والی خراسان باقی در بند رفته اند قشون مأمور مرو وارد مرو شده مرویها استقبال و پذیرائی را از آنها بعمل آورده اند در یکمنزلی مرو بکهزار سوار قرباغی جلو قشون نیز بوده را گرفته عساکر منصوره بآنها تاخته برخی را مقتول و باقی را منهزم نموده اند در اواخر ربیع الثانی یکشب تکرکی شدید بدرشتی فندق بارید ولی چون شب بود بکسی اذیتی نرسانید نظر بخدمات نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس یکقطعه نشان امیر تومانی و حمایل مخصوص این رتبه و یکثوب جبه ترمه از جانب سنی الجوانب همایون مباهی گردیدند نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما بحکمرانی خراسان نایل و هادیخان سرتیپ فوج تربت و نیشابور و جبه علیخان سرهنگ فوج ترشیز باتفاق نواب معظم الیه عازم خراسان میباشند میرزا فضل الله وزیر نظام را متولیباشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکار امور خراسان فرمودند نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان را منصب امارت نظام مرحمت فرمودند نواب والا نصرة الدوله بنیابت نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه مأمور بحکومت آذربایجان گردیدند میرزا صادق مستوفی بلقب قایم مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان سرافراز گردید زمستان کرمان امسال سخت گذشته در بلوک جیرفت که هرگز برف نمی آمد سه شبانه روز برف باریده و بعضی مال و مواشی از سرما تلف شده اند سالار محمد خان و ولد ملوک و سالار الله بلوچستانی نزد محمد حسن خان سردار حکمران کرمان و یزد آمده اظهار انقیاد و خدمتگذاری بدولت علیه مینمایند شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید چندی قبل که شاهزاده معزی الیه بمشهد سردفتر بودند از آنجا ببغدادن کلوله ریزی تا نیج آمده امور کلوله ریزی آنجا را نظم کامل دادند شال بافی کرمان خیلی ترقی کرده است

شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص در پیشگاه حضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد و روز چهارشنبه بیست و دویم در تالار تخت مرمر ذات ملکوتی صفات مقدس بجهة سلام عام بر سریر مهر منیر جلوس فرمودند

بندرعباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب اولیای دولت علیه بعهدهٔ شیخ یوسف خان محول بود چون سال گذشته شیخ یوسف خان وفات نمود شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بندر مزبور بخیال خودسری افتاده صید ثوینی پسر امام مسقط را بر بندر آورده با او عهد و میثاق کردند و در و بند دهنه جفره آذوقه و توپ و قورخانه جمعیت از امام مسقط و صید ثوینی دریافت نموده بیست و هفت عراده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهائی که در جهازات متعدده از امام مسقط در روی دریا بود بسنگر قشون دولت علیه گلوله میانداختند نواب والا مؤید الدوله امیرزاده ابوالقاسم خان را با توپخانه و فوج کلپایگانی ابوالیحیی نصرالله خان و فوج قشقائی لطفعلیخان با مصطفی قلیخان یوزباشی و تفنگچی لاری مامور بمحاصره بندرعباسی نموده ابتدا سنگرها و خانه های شهر را بتصرف در آوردند از انطرف هم صید محمد برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت زیاده از پنجاه عراده توپ بامداد اینها آمده تا در روز هشتم ماه جمادی الثانیه قشون ظفرنمون یورش برده بقهر و غلبه شهر را مسخر کردند و قشونی که بکمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شده که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بسفینه و جهاز برسانند و بدریا افتاده غرق شدند

همچنین قلعه کهیر که از قلاع بسیار معتبر گرمسیرات کرمان است و بهوای بندرعباس اهالی آن نیز دم از خودسری میزدند روز ششم همین ماه بتصرف رضا قلیخان عرب و امامعلی خان که با فوج عرب و فوج کرمانی از جانب محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بگرفتن آن قلعه مامور بودند درآمد

جناب صدراعظم یکقطعه نشان امیرنویانی اعظم و یک رشته حمایل سبز که اول نشان این دولت علیه است و مخصوص شخص اول و تاکنون بهیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و نیز یکقطعه شرابه بند کاغذ مکلل بالماس و مروارید که دیشر آن مروارید های بسیار درشت داشت و قبه های آن از الماس برلیان مرتبع بجناب معظم الیه مرحمت فرمودند ماه رمضان امسال در سبزه میدان که تازه در کمال خوبی ساخته شده دکاکین ترتیب داده حجرات را با قمشه نفیسه و امتعه ثمینه از ظروف چینی و فرنگی و بلور و آلات و غیره مزین نموده اند حاجی جابرخان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را بشیخ ثامر که محصل مال الباب شط العرب است مفوض نمودند قیمت گندم در فارس بجهة ملخ خوارگی چند ساله بخرواری پنج تومان رسید جناب سیبوانیکوف شارژدافر دولت روس روز شانزدهم رمضان وارد دارالخلافه باهره گردید روز هجدهم باتفاق پونتی دوالغاروکی وزیرمختار سابق آن دولت و سایر صاحب منصبان سفارت مخصوص باهر النور مبارک تشرف جسته همگی مورد مراحم ملوکانه شدند جهدی بعد از فتح بندرعباس شیخ سعید

این سال

این سال که از اشرار مشایخ عربستان است با چند کشتی جنگی و چند عراده توپ عازم تسخیر بندر مزبور گردید قشون ظفرنمون بچند تیر توپ کشتیهای او را شکسته و او ناچار مخذولا مراجعت کرده است [illegible] که اطاعت از حکام فارس ننمایند نواب والا مؤید الدوله او را گرفته بسزای عمل خود برسانند خلعت عید برای حکام بلاد و ممالک محروسه فرستاده شد کلاه بلند که معمول بود متروک شدن نهاده مردم کلاههای خود را کوتاه میکنند

روز عید فطر سلام عام در نهایت انتظام انعقاد یافت حاجی محمد تاجر تبریزی که بر حسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریختن کرهٔ دهانه و آهنگری و چلنگری به پطرزبورغ رفته بود این اوقات مراجعت کرده همگی مورد تفقدات اولیای دولت ابدآیت شدند و مقرر شد عجالة برای دو دستگاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته شود و چرخها را براه بیندازند و بمحمودخان (جناب ناصرالملک) مصلحت گذار مقیم سنت پطرزبورغ نوشتند که دو دستگاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاجی مشارالیه از دربار همایون اذن رفت که بنای کارخانه شکرسازی را در آنجا بنماید و در این اوان شکر سفید از مازندران آوردند که بهتر از شکر روس نیز بسیار خوب و هنگ بود عبائی در کاشان از ابریشم بعمل آورده اند که مثل عباهای خوب نجف اشرف و کربلای معلی است و حکم شد از این عباها بیافند دلاورخان فرستاده سردار رحمدل خان برادر سردار کهندلخان سردار قندهار با عریضه این اوقات بدربار همایون آمد حاجی محمد شریف خان قاجار بحکومت اردوی و حبیب علیخان شاد بحکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار بحکومت قراجه داغ و یحیی خان ایلخانی بحکومت مراغه نایل گردیدند در بعضی بلوک اصفهان سن خوارگی شده است وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه را تفویض بمیرزا محمد حسین عضدالملک فرمودند مدرسه دارالفنون رو بترقی و صاحب منصبان نظام را ترقیات علمی حاصل شده از جمله علیخان سرتیپ قراگوزلو کتابی بسیار خوب در علم نظام تالیف نموده و کلنل صاحب بخوبی و صحت آن تصدیق نمود محمد ولیخان بیگلربیگی حاکم استراباد بنظم گوکلان رفته و بعد از مراجعت باستراباد بخلعت همایون مفتخر گردید کوه بند و سمنان ملخ گرک و چند کلاغ دیوانه شده بعد از آنکه چند نفر را آنگرک در بند مردم بتیر تفنگ او را کشته اند اما کلاغ عبا سر بعقب مردم گذاشته هر که را دنبال میکرده اند او نیز دیوانه میشده و سی چهل نفر بدین منوال مبتلا بجنون شده بعد از ده دوازده روز کلاغها از انجا رفته اند صید محمدخان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس اسب بعنوان پیشکش باتفاق سردار صالح خان بدربار همایون فرستاد امیر دوست محمدخان حکمران کابل نیز جعفر قلیخان کابلی را چون با عریضه بدربار معدلت مدار فرستاده بود بعد از شمول مراحم کامله و انعامات شایسته در حق جعفر قلیخان

وهمراهان او او را مرخص فرموده و یکثوب جبه ترمه پولک دوز شمسه مرصع و یکراس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه
با انضمام زین و براق تمام طلا برای امیر دوست محمد خان و دو ثوب جبه ترمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد
افضل خان که در سمت ترکستان است و غلام حیدر خان بمصاحبت جعفر قلیخان انفاذ فرمودند سواره شاهسون
قورت بیگلو مامور خراسان شدند از اول سال تا چندگاه در کرمان عصرها طوری باد گرم میوزید که مردم در
کوچه و بازار آمد و شد نمیتوانستند نمود نواب حشمت الاحتشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و لرستان و
بروجرد و بختیاری را باعطای نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر فرمودند این اوقات در کرمان سرای گنجعلیخان را
تعمیر مینمودند در سردابه آن سر و دو کله انسان پیدا شد که از سر مردمان این زمان بزرگتر بود شخص زارعی که زیاده از یکصد
سال عمر داده گوید دو نفر بقال بودند قوی هیکل قدیم در این محل مشغول بقالی بودند چون شهر کرمان بتصرف قشون
شاه شهید (آقا محمد شاه) طاب الله ثراه درآمد آن دو نفر بقال در آن واقعه مقتول شدند و در اینجا ایشان را دفن کردند
این دو کله از آن دو نفر بقال است حاجی محمد رضای شادلو که از جانب نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما حکمران
خراسان مامور نشان سواره و پیاده و خانوار هزاره که سابقاً لاحقاً بشهر نو آمده اند و بنا دید قرار دادن خانه های جام
و باخرز و خواف و کاریز شده بود در مراجعت ده دوازده نفر از ریش سفیدان هزاره را همراه خود خدمت نواب معظم الیه
آورده هر یک مورد التفات و بمراحم اولیای دولت علیه امیدواری کامل حاصل نمودند این اوقات سالار محمد خان با عریضه
از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان آمده از جانب ایشان اظهار انقیاد نمود ولی از قرار مکتوب
امیر علیخان حاکم دزک جمازه سواری نزد ابراهیم خان ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که آزاد خان خارانی
جمعیتی جمع کرده که بسر دزک بیاید ابراهیم خان نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته و نوکر با اخبار نموده که اگر این فقره
راست باشد مهیای مدافعه باشند بعضی قنوات منازل عرض راه خراسان را جناب صدر اعظم امر بتنقیه نموده اند
محمد حسن خان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسند خان و میر کمال خان این اوقات از سیستان بدربار همایون
آمده علی قدر مراتبهم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاص که در قلعه بم نرماشیر فارس و قلاع بلوچستان
خدمت کرده بودند این اوقات از قرار ذیل در حق ایشان نشان و خلعت مرحمت شد

میر علیخان دزکی یکقبضه شمشیر براق طلا

خوانین بلوچ هشت نفر هشت قبضه کارد دسته طلا

آزاد خان خارانی یکقطعه نشان یاوری نقره از مرتبه دوم

ابراهیم خان ضابط بمپور و سرکرده جمازه سوار یکقطعه نشان یاوری

سید علیخان سرکرده نوکر بمپی یکقطعه نشان مطلا

برای فوج کرمانی ابواجمعی امامعلیخان نشان یاوری یکقطعه نشان سلطانی سه قطعه نشان نایبی پنجقطعه نشان
نقره چهل و یکقطعه

برای فوج کرمانی ابواجمعی میرزا کوچک خان نشان یاوری یکقطعه نشان سلطانی دو قطعه نشان یاوری
سه قطعه سایر سیزده قطعه

نشان بجهة ملا امام مهاجر هشت قطعه

نشان بجهة توپچیان پانزده قطعه

نشان بجهة سواره خراسانی پنج قطعه

برای خوانین بلوچ سه نفر شال و قبا سه دست

این اوقات حسب الامر اطاقی مخصوص برای اسلحه و آلات حربیه سلاطین ماضیه انار الله براهینهم که در خزانه
دولت علیه بوده و آنچه در این عهد ابد مهد داخل خزینه عامره شده از قبیل تفنگهای رومی و فرنگی که اغلب مکلل و
مزین بیراقهای طلاست و طپانچه ها و قرابینها (قربینه) عمل استادان قدیم و شمشیرهای که اینها که بعضی
از آنها بالتمام مکلل و بعضی دیگر مرصع است با تیغهای جوهری هندی و مصری و خراسانی و قداره های بی نظیر
که مانند آنها در روی زمین کمتر بهم میرسد و زره های مخصوص و کلاه خودها و چهار آئینه ها و توپچاقهای
جوهری که اغلب آنها زیب بر و دوش سلاطین با تمکین بوده و سپرهای مرصع و کرک و غیره و گرزهای نشان
و تبرزینهای مخصوص و بعضی آلات حرب دیگر را با کمال آراستگی و نظم در آن گذارده اند و هر یک از آلات و
ادوات مزبوره مرمتی لازم داشته در نهایت خوبی تعمیر نموده اند

نیز کتب و مرقعات خزانه مبارکه را که بخطوط اساتید بزرگوار است حکم شد در کتابخانه مخصوص علیحده بترتیب
مناسب و شایسته بگذارند و اطاقی دیگر ممتاز برای این کار ساختند

جناب صدر اعظم بالقاب مخصوص امیر نویانی که بزبان فرانسه آلتس باشد اختصاص یافتند

راه عتبات عالیات برای زوار مفتوح شد یکصد و پنجاه تومان از مالیات ارامنه جلفای (جولاهه) اصفهان را امسال
بخشیدند نیز بارامنه سالکی بلوک فریدن مبلغی از بابت قیمت جنسی که در عوض مالیات میدهند تخفیف
مرحمت فرمودند

این اوقات طایفه ترکمانیه از ریش سفیدان قلاع و قرا و اوبه جات تکه آتک نشین با هم همقسم شده پانصد نفر
سواره بعزم تاخت و تاز بطرف فریزه که یکی از قرای سرحدی قوچان است آمده اما اهالی قریه مزبوره بمدافعه
پرداخته چون ترکمان از غلبه بر آبادی مأیوس شده بچرانیدن و سوزانیدن محصولات پرداخته در بین بین بود دیدبان

برادر شاهخان ایلخانی مخبر شده سواره شمخالچی هرچه ممکن بوده با امداد حاجی خان بیک نایب قوشخانه و اهالی افریز
فرستاده سواره مزبوره سواره سرحد قوشخانه را نیز جمع کرده بجلگ سکنه افریز رفته و تراکمه بکلی از گرفتن
قلعه افریز مایوس حاصل نموده جسور نشدند دچار شدن محصور گردیده مناعت کرده اند اما یزدانوردیخان بفرستادن
سواره شمخالچی مزبور مطمئن نشده قدرت الله آقا را با دسته سواره شمخالچی دیگر از عقب آنها روانه کرده از آن
طرف هم ترکمانان تدبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار با بیل و کلنگ و نردبان بر سر قلعه جعفرآباد که در بجنورد
سرحد قوشخانه است آمده و اطراف قلعه را گرفته از نردبانها بالا رفته که قلعه را تصرف کنند مردان این قلعه
چون بجلگ اهالی افریز رفته بودند زنان جلادت در مدافعه کرده بروج را از دست آنها گرفته و سی نفر از آنها را
زخمی نموده بعد از مجادله زیاد تراکمه از گرفتن قلعه مایوس و مراجعت کردند بعد از مراجعت آنها قدرت الله آقا
با حاجی خان بیک و سایر سرکردگان کرد افریز بوده از واقعه مستحضر شده سواره و شمخالچی حاضر را برداشته
جلو آنها را گرفته و با آنکه جمعیت قشون ظفرنمون زیاده از پنجاه و صد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم
و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدانوردیخان بیکثوب جبه ترمه و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و
بکوشته حمایل سفید مخصوص این رتبه از طرف قرین الشرف ملوکانه برای معزی الیه انفاذ و مرحمت شد
نواب محمد تقی میرزا که از جانب نواب والا شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان بحکومت عراق رفته بود مرحوم شد
و میرزا حسن خان برادر مرحوم میرزا تقی خان بنیابت حکومت عراق منصوب گردید حبیب الله خان پسر خسروخان
کرمانی که رؤسای اشرار بلوچ را بدار الخلافه آورده بود بعطای یکطاقه شال ترمه و یکثوب قبای ذری مفتخر
گردید یکدسته از ترکمان اتک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد
رحیم خان نایب الحکومه بجنورد مستحضر شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق کرده و قلعه که ساخته بودند بکلی خالی
مانده ارگ و عمارات و ابنیه دیوانی مشهد مقدس را تعمیر میکنند شب یازدهم ماه شوال زلزله شدیدی
در شیراز شده ولی بحمد الله آسیبی بجائی نرسانده شب بیست و نهم ماه ذیقعده جناب احمد وفیق افندی ایلچی
کبیر دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل کرده وحید افندی مستشار خود را در غیاب خود
بمصلحت گذاری برقرار نمود حاجی علیخان حاجب الدوله والد مؤلف را بیکثوب جبه ترمه تن پوش مبارک مفتخر
فرمودند محمد باقر خان سرهنگ فوج دویم تومان دویم تبریز که چندی فوج قراول ارگ و عمارات مبارکات
دار الخلافه بود بیکقطعه نشان سرهنگی و یکطاقه شال سرافراز و یکقطعه نشان یاوری نیز بیاشا بیک یاور
فوج مزبور مرحمت شد عباسقلیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گردید راه گتل بالای امچه
که بمازندران میرود و از این راه زغال و برنج از مازندران بدار الخلافه میآورند چون راهی صعب بود و هر سال

مال زیاد بلکه در بعضی سنوات آدم هم در راه مزبور تلف میشد چندی است بحکم جناب صدر اعظم
انبار اهرا بنحوی میسازند و این اوقات قریب الاتمام است شاهزاده لواسان را که در قریه بادان است نیز میسازند
در اوایل ماه ذیقعده باد و طوفانی بسیار شدید در صفحات گرمسیرات فارس اتفاق افتاده تقریباً صد
هزار نخل از نخلستانهای قیر و کازرون و لارستان را از ریشه کنده و هوا طوری تیره و تار شده که روز روشن
مثل شب تاریک گردیده بعد از آن شروع بباریدن تگرگ نموده و سیل در رودخانه ها جاری گشته است
شاهزاده محمد یوسف که نوکر و خدمتگذار این دولت است نظم حدود جام را باو محول فرموده اند سواره
مزدورانی که بدفع تراکمه که قصد تاخت و تاز آن حدود داشتند فرستاده تراکمه را مخذول و متفرق نموده اند
چون جعفر آقای کلاتی چندی بود که بظاهر اظهار انقیاد نسبت باین دولت ابد بنیاد و در باطن مخالفت مینمود
لهذا حسب الامر نواب والا فرمانفرما حکمران خراسان و میرزا فضل الله قشون و توپخانه و استعدادی بطرف کلات
فرستاده کلات را متصرف و جعفر آقا با چند نفر از کسان خود فرار کرده و گرفتن کلات که از کارهای بسیار سخت
مشکل است باسانی برای قشون ظفرنمون میسر شد و نواب والا فرمانفرما نیز بعد از فتح کلات بآن حدود
رفته که قرار و نظم درستی در امور آنجا دهند و نظر بحسن خدمات نواب معظم و وزیر نظام خلاع فاخره همایون
از طرف قرین الشرف ملوکانه برای ایشان ارسال شد

روز یکشنبه نهم ذیحجة الحرام موکب اقدس اعلی از نیاوران تشریف فرمای دار الخلافه گردیده از جانب جناب صدر اعظم
تقدیم قربانی و پذیرائیهای کامل از مقدم فرخنده شیم همایون بعمل آمد و فردای آن روز که روز عید قربان بود
در دار الخلافه سلام عام منعقد گردید جناب احمد وفیق افندی ایلچی کبیر دولت عثمانی که رخصت انصراف از آستان
همایون حاصل کرده بود بعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس که از اجل نشانهای دولتی است
باخذ آن مفتخر و همراهان او نیز هر یک بعطیه در خور مقام نایل گردیدند در روز ششم همین ماه از راه بغداد
عازم مقصد گردید سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش بجهت مزار مزین آثار خاقان خلد آشیان
(فتحعلیشاه) نور الله مضجعه تمام نموده با تشریفات کامل بمصاحبت میرزا اسدالله روانه قم داشتند
اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردید و مواجب و جیره مرحوم بشیر الدوله را در
حق او برقرار و مواجب اسمعیل خان را بنام اولاد بشیر الدوله مرحمت فرمودند

روز عید غدیر سلام عام در دار الخلافه منعقد و عموم چاکران بار حضور معدلت ظهور شاهانه یافتند بهادر خان
و رحیم خان و آقا رضا خان که در فتح کلات خدمت کرده بودند مخلع شدند مستر بید از صاحب منصبان انگلیسی
که خدمات باین دولت ابد آیت کرده بود شب چهاردهم ذیحجة الحرام وفات نموده او را با اعزاز بخاک سپردند

خلیفه طاطاوس که بزرگ ملت ارامنه جاثلیق است بدربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال و لایات نسبت بارامنه چنانکه باید برسم عدل و اعتدال حرکت نمیکنند لهذا فرامین و احکام مؤکده بحکام و لایات صادر شده که نسبت بجمیع ملل که رعایای دولت علیه اند در غایت کمال عدل و انصاف را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند روز بیست و ششم ذیحجة الحرام موکب همایون از ذاودیه تشریف فرمای شهر گردید

سوانح و وقایعی که در اینسال ۱۲۷۰ در تمام ممالک عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

توضیح قبل از اقدام بنگارش اخبار اظهار میدارد که بعد از این هر جا ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و دویست و هفتاد شروع شد و عهد نامه که در صلح منعقد شده و قرار یکه دول متحابه عثمانی در حفظ حدود و ثغور و عدم مداخله دول دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شروطیکه دولت عثمانی نموده است که نسبت برعایای خودش کلیة علی الخصوص بعیسویان بتبعه خود چه قسم رفتار نماید و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع بدولت عثمانی است اینها را مسئله شرقیه مینامند) و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک بر ترتیب حروف تهجی است که در اسم انمملکت رعایت میشود و بنابر اینکه این مسئله تعلق کامل بعثمانی دارد بجای حرف عین نگاشته میشود

اتائونی ینکی دنیا

رئیس تازه جمهوری ژنرال پیرس در صدد وسعت مملکت و آبادی است نقار جمهوری اتائونی با دولت اطریش بجهة حبس یکنفر از تبعه اتائونی اکسپوزیسیون عمومی در نیورك

اسپانیا

فوت دن ذکونس از فصحا و علما که در اینوقت سمت سفارت کبری را در پاریس داشت نارواوز که جلای وطن یافته بود اجازه مراجعت یافت افتتاح راه آهن از اران ژواز بر تانیلك

المان

فوت ژنرال رادوز بدس اهالی شهر میلان ایطالیا که جزو مملکت اطریش است بتحریك مازینی بنای یاغیگری میگذارند یکی از اهل مجارستان خیال قتل امپراطور را میکند بمهاجرین یعنی که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کمال سختی میرسد ویکتور امانوئل پادشاه ساردین و پیمن از این فقره بدول فرنگ شکایت میکند قطع مراوده و دوستی مابین اطریش و سویس تاج سلطنت مجارستان و فرقرس اتیئن که یکی از ائمه عیسویان است باغیهای مجار در سه سال قبل از این سرقت نموده پنهان کرده بودند مکشوف میگردد و بدست دولت اطریش میافتد

در مملکت

151

در مملکت ساکس عروسی پرنس البرت ولیعهد آن دولت

تفصیل قصد قتل امپراطور اطریش از قرار است

و این تفصیلی است که از روی روزنامه معروف کازت دوین در بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه نوشته اعلیحضرت امپراطور و آجودانش کنت او دنیل بالای دیوار شهر وین که خم شده پائین میان خندق را تماشا میکردند که یکدسته قشون در میان خندق مشغول مشق بود بعد از تماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش شد شخصی از اهل مجار علی الغفله بیرون آمده با کارد ضربتی بپشت گردن امپراطور اطریش زد امپراطور شمشیر خود را کشید که بقاتل بزند کنت او دنیل آجودان خود را بر روی ضارب انداخته کارد را از دست او گرفته بر زمینش افکند جمعی جمعیت که از آنجا میگذشتند آجودان مزبور را کمك نموده قاتل را گرفتند امپراطور بدست خودش دهن زخم را نگاه داشته بود که خون زیاد از او نرود عمارت ارشیدوك آلبر که در آنحوالی بود امپراطور خود را بانجا رسانید بعد از آنکه قدری آرام گرفت بکالسکه نشسته بقصر سلطنتی رفت و بعد از دو سه روز کلیة بهبودی یافت اسم ضارب لیبنی

دولت اطریش یکدسته قشون بسرحد عثمانی مامور میکند که حمایت منتنگرو و هرزکوینها را بنمایند در حالتی که عمر پاشا با منتنگرو و هرزکوین در جنگ است

انگلیس

کنت کرالاندن بوزارت خارجه برقرار شد امتداد خط تلگرافی از مملکت انگلیس بهلاند و بلژیك از زیر دریا افتتاح اکسپوزیسیون بزرگی در دوبلن طایفه کافر که در سمت افریقا با دولت انگلیس در جنگ بودند طالب صلح شدند کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ داشت و بود باسم دوك دولنگتن موسوم شد جنگ با برمان در کمال تندی و گرمی است افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی فوت گل بودن که از طرف دولت انگلیس مامور بردن ناپلیون بجزیره سنت هلن بود و بیتی فاتح سند

ایطالیا

سفر برادر پادشاه دوك دوژن بپاریس و لندن جزئی شورشی در تورن پای تخت ساردنیا است

بلژیك

دوك دبراابان که الحال لادوپلد دوئیم است بسن بلوغ عرفی که هجده سال باشد رسید بالید خود پادشاه بلژیك سفری ببرلن و وین و ساکس نمود آرشی دوشس ماری دختر یکی از شاهزاده های بزرك مجارستان را بحباله نکاح آورد پادشاه بلژیك و پسر و عروسش با انگلیس سفر کردند

پرتغال

دنا ماری ملکه پرتغال در وضع حمل اولاد هشتم میمیرد پسر بزرگ ملکه دن پدرو پنجم که شانزده سال دارد بجای مادر پادشاه میگردد

چین

شورشیان از جنوب بسمت شمال حرکت کردند شهر نانکن را گرفتند و رأس رئیس یاغیان تین تیه که خود را از طایفه مغول و از اولاد قبلای قاآن میداند و سلطنت چین را حق خود فرض مینماید کانتون شهر دیگر را میگیرد شهر آموی را ضبط میکنند تا حوالی پکن میرانند

دانمارک

بواسطه نداشتن اولاد ذکور پادشاه دانمارک ولایت عهد را ببرادرزاده خود کریستین میدهد

روس

ضبط املاک و بیوتات لهستانیها که بر ضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنت پطرزبورغ الی ورشو بسط مملکت و فتوحات در ترکستان فتح خیوه فرار خان خیوه ببخارا فوت اتن ژز نویسنده معروف

سوید و نروج

وبای شدید در نروج علی الخصوص در کریستیانیا پای تخت آن مملکت

سویس

جمهوری سویس مضایقه در قبول تکلیف بعضی دول مینماید که روزنامه نویسان آن مملکت را مانع شوند نسبت بنابر ملل و سلاطین خارجه بد ننویسند روزنامه‌ها را آزاد میدانند از برای هنگام لزوم بیست و هشت هزار قشون حاضر میکند

عثمانی

ابتدای مسئله شرقیه دولت روس در ایالت سروستان محرک کشتیهای اسلاو است بر ضد پرنس الکساندر والی آن مملکت استعفای پرنس شبکا والی افلاق بغدان بواسطه بودن عساکر روس در آن مملکت اهالی قراداغ عثمانی در شورش اند بر ضد دولت دولت اطریش حمایت از آنها میکند سفیری مخصوصا از وین باسلامبول بجهة تکلیف بعضی مطالب که راجع بقراداغ است میرود دولت عثمانی قبول این تکالیف نمینماید دولت روس طالب آزادی و رفاهیت تمام عیسویان تبعه دولت عثمانی است پرنس منچیکف وزیر بحریه روس مامور باسلامبول و حامل نوشته سختی است برای سلطان عثمانی دولت انگلیس و فرانسه بمحض اطلاع ازین

نوشته

نوشته سخت دولت روس که تهدیدنامه است سفاین جنگی خود را بخلیج بزیکا که از آنجا باسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست وارد میدارند پرنس کرچاکف سردار روس از رودخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تابستان اینسال وارد ممالک افلاق بغدان میشود در وین پای تخت اطریش مجلس مشاوره دول که عبارت از کنفرانس باشد تشکیل مینماید سفرای کبار پروس و اطریش و فرانسه و انگلیس در مسئله شرقیه گفتگو مینمایند لایحه بطور یادداشت ازین مجلس نوشته میشود تکالیفی که درین لایحه ضبط بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میانه عثمانی و روس را قریب بیقین دیدند در پانزده ورود باسلامبول میکنند قشون عثمانی بسرداری عمر پاشا از دانوب عبور کرده در حوالی اولتنیتزا و تورکانی با قشون روس مقابل کرده اینها را شکست میدهد و در همان وقت شروع بمحاصره در آناتولیا میشود در بندر سینوپ یک قسمت عمده کشتیهای جنگی عثمانی را روسها شکسته غرق مینمایند رعایا عیسویها که تبعه عثمانی بودند و روس طالب بود و فی الواقع میخواست بدین اسم آنها را در تحت حمایت خود در آورد درین قسمت مملکت فرنکستان عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده میشدند بیست و دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان با ملل دیگر اند پرنس منچیکف وزیر بحریه روس قبل از ورود باسلامبول در سواستاپل بیست و هفت کشتی جنگی روس را سان دید و مسئله عمده که اسباب نقار شد و اعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مصر بر این بود که قشون روس از افلاق بغدان خارج شوند و دولت روس اینفقره را نمیخواست قشون عثمانی در سمت آناتولیا چند شکست خوردند در سمت ازمیر طایفه زیبک قاطرچی بنای دزدی و غارت گذاشتند عباس پاشا والی مصر بر ضد روس و خدمتگذار عثمانی است و غدغن بلیغ نمود که از مصر حبوبات بخارج نبرند دول فرنگ بطلان این حکم را از دولت عثمانی خواستند که بمحض تکلیف بعباس پاشا قبول نمود

فرانسه

مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اوژنی صبیه یکی از سرداران و بزرگان اسپانیا بواسطه بدی حاصل اینسال از اطراف بحکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی بمملکت فرانسه آوردند سدّی که در شربورگ هفتاد سال بود بنا کرده بودند تمام شد در آستانه نوکالدنی بتصرف فرانسه آمد فتوحات ژنرال بسکه و ژنرال ماکماهون در الجزایر

مکزیک

از ریاست رئیس جمهور اضطرارا استعفا نموده از مکزیک خارج میشود سانتا آنا بجای او منصوب و قوانین

جدید ایجاد میکند و قشون را منظم مینماید و تمنّای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده و لیعهدی
که باید بعد از فوتش بجای او باشد خود معین کند

هلاند

بنادر جزایر ملوک که از متصرّفات هلانداست بتجارت جمیع دُول باز میشود

یونان

زلزلهٔ سخت در شهر تب میشود

شرح سال هشتم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران شیّد الله تعالی دعائم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و یک هجری پارس ییل ترکی

چون خاطر الهام ذخایر مقدس همواره متوجه رعایت و آسایش کشوری و لشکری و قاطبه رعیت و کلیه
اهل مملکت است بعد از فتح کلات و سرکشی نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان آن قلعه
و نواحی را حکم همایون شد که سیورسات قشون ساخلوی کلات را که از افواج خمسه و فراهانی و غیره میباشند
دست بآنها برسانند و همیشه آذوقه پنج شش ماهه خود را در آنجا حاضر و آماده داشته باشند و از آذوقه
تنگی نکشند و اهالی کلات را چنانکه باید مشمول مرحمت و توجهات اولیای دولت ابد آیت نموده که آنها نیز از
هر جهت آسوده خاطر باشند برج و باره کرهان و ارک بم را تعمیر مینمایند نواب والا فریدون میرزا فرمانفرما
حکمران خراسان که با جمعیت و توپخانه و استعداد تمام بطرف سرخس رفته اند ریش سفیدان و روسای تراکمه
سرخسی از طایفه آقتمش و تقتمش که هر طایفه دوازده تیره و هر تیره هزار خانوار اند بخدمت نواب معظم الیه
آمده اظهار انقیاد و استدعای خدمتگذاری بابند دولت علیه را نموده قرار و مدار دیگر باید داده راه اطاعت
میپیمایند قلعه رویین دز نهاوند را تعمیر کردند نواب سیف الله میرزا بحکمرانی قزوین برقرار گردید
شب عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در تمام بلاد ممالک محروسه عموماً و در دار
الخلافه خصوصاً جشن گرفتند و چراغان و آتشبازی کردند و روز عید سلام عام در تخت مرمر اتفاق افتاد
نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران برحمت ایزدی پیوست و نظر بخدمات مرحوم مزبور و ظهور
شایستگی نواب احمد میرزا معزّی الیه را بحکومت مازندران و خلعت همایون سرافراز فرمودند و میرزا

اسدالله

اسدالله مستوفی نیز بوزارت و پیشکاری مازندران برقرار و مخلع گردید محمد علیخان سرتیپ افواج
فارسی را بلقب شجاع الملکی و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را ابواجمع مشار الیه فرمودند
میرزا عبد الرحیم اجودان وزارت خارجه بمنصب نیابت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب
خانی سرافراز و مخلع شده عازم محل ماموریت است قاسم خان کارپرداز اوّل دولت علیه مقیم تفلیس امضاء
دربار همایون شده میرزا حسین خان کارپرداز سابق دولت علیه در بندر بمبئی را (جناب مستطاب
اشرف سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه) بمنصب جنرال قونسولی مامور تفلیس فرموده با عطای
جبه ترمه از ملابس خاصه همایون سرافراز فرمودند سیف الله خان شاهسون مرحوم و سرکردگی سواره
شاهسون را ببرادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند و بخلعت همایون نایل گردید و برادر کوچک مرحوم مشار
الیه هدایت الله خان بمنصب ایلبیگی گری طایفه مزبوره برقرار و مخلع گشت جناب حاجی ملا اسدالله
معروف بحجة الاسلام از علمای معتبر بروجرد بمرض مطبقه بجوار رحمت الهی پیوست آقاخان سرتیپ در
انتظام امور سواره ایلات قزوین ابواجمعی خود مساعی لایقه نموده بود دو فوج سربندی و بزچلو را علاوه
بر سواره مزبوره ابواجمع مشار الیه فرمودند چون از کهی آب حوض سلطان بقایر بد میگذشت در آنجا
بحکم جناب صدر اعظم استخرهای آب میسازند عمارات دیوانی اصفهان را تعمیر مینمایند نواب والا
فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات حول و حوش کلات بطرف آخال رفته که آنحدود را هم نظم درستی
بدهند حسن خان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید حیدر علیخان سرهنگ
که در سفر خراسان و هرات و غیره خدمات کرده بمنصب نیابت اوّل اجودانباشی سرافراز و مقرر شد با آجودانی
دفتر بخدمات نظامی مشغول باشد

روز شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه تشریف فرمای مدرسه
مبارکه دار الفنون گردیدند متعلمین امتحان مفصلی در حضور باهر النور مبارک دادند و هر یک مستحق خلعت
و انعام یا مواجب و نشان بودند فی الفور بعطای آن سرافراز گردیدند و معلمین نیز بقدر استحقاق بخلاع فاخره
و انعامات شاهانه و مناصب نایل گشتند و محمد خان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود
بمکتوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردید و رضا قلیخان ناظم مدرسه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت
گنبد مطهر حضرت امامزاده عبد العظیم علیه السلام را حسب الامر همایون تعمیر نموده طلا کردند شب چهاردهم محرم
در بوشهر زلزله شد یکدفعه ولی آسیبی بکسی نرسید نواب والا فرمانفرمای خراسان که بطرف آخال رفته
بودند چون بعشق آباد که اول خاک آخال نشین است رسیدند بعضی سوارهای ترکمان سرراه بر ایرخان سرکرده

سواره قودوت بیگلو که پیش قراول بودند گرفته و با جوادخان سرکرده سواره شقاقی جنگ و جدال اتفاق
میافتد عساکر منصوره غالب و ترکمانان فرار میکنند نواب معظم الیه نیز با توپ و سواره و پیاده از عقب
میرسند و در عشق آباد توقف میکنند و روز بعد بهر طرف از اطراف آتک که محل سکنای ترکمانان آتک نشین است
میفرستند احدی از ترکمه یافت نمیشود و کلا فرار کرده لهذا نواب والا حکم نموده جمیع قلعه جات آنها را که بیست
و شش قلعه بوده با آذوقه و اسبابیکه در آنجا داشته اند خراب کرده و سوزانیده اند و بعد از چند روز معاودت
مینمایند و بنابر اهتمامات نواب معظم در آن صفحات یکثوب قبای ترمه تن پوش مبارک و یک قبضه کارد
دسته مرصع مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما مرحمت و ارسال میشود و
از قرار ذیل ملتزمین خدمت و همراهان نواب معظم بعواطف و خلاع فاخره سرافراز شدند

میرزا ابراهیم خان سرتیپ خمسه جبه ترمه ثوب
محمد حسن خان سرتیپ قراهانی نشان و حمایل سرتیپی
امیر حسین خان برادر سلیمان خان ایلخانی جبه ترمه ثوب
سعادت قلیخان پسر مرحوم سلیمان خان درهجزی فرمان حکومت درهجز و جبه ترمه ثوب
جوادخان سرکرده سواره شقاقی شال طاقه قبا ثوب
صفرعلی بیگ یاور توپخانه مبارکه نشان یاوری اول قطعه
یعقوب بیگ یاور نشان یاوری دوم قطعه
حسینعلی بیگ یاور نشان یاوری دوم قطعه
باقر بیگ نایب توپخانه مبارکه نشان مطلای نایبی قطعه

جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد موسی خان سرحددار بم و نرماشیر که مامور سفر بمپور
و بلوچستان با توپخانه و قورخانه بمحل ماموریت خود روانه شد غله که فی الجمله ترقی در دار الخلافه باهره کرده و
اسباب وحشت مردم شده بود یکهزار خروار از انبار دیوان غله بمردم فروختند و از اطراف قزوین و غیره نیز علی
التوالی حمل الامر غله بدار الخلافه میاید و چون یکدو باران هم آمده موجب امیدواری و اطمینان خلق گردید
قافله از هرات بمشهد مقدس میامد و قافله هم از مشهد بهرات میرفته مابین کوهستان هرات و کاریز جمعی
از سواره قراباغی با محمد شیخ بجلو آمده بودند خبر برخشی و سیده رئیس آنها با پانصد نفر سوار همراه خود برداشته
بابا خان هزاره را هم اخبار کرده بود که من بنابر اطاعتی که بدولت علیه دارم کاری نتوانستم برای محافظت
قافله از تاخت و تاز محمد شیخ میروم قافله که از مشهد میرفته اند در قلعه مشهدک ریزه که از توابع باخرز است

و نواب

۱۵۷

و نواب والا فرمانفرما از امسال تغییر نموده اند توقف نموده و بابا خان و محمد رضا خان هزاره آنها را نگاهداری
کرده لکن قافله که از هرات بمشهد مقدس میامد گرفتار محمد شیخ و اسیر شده اند و خبر بسعید محمد خان ظهیر الدوله
رسید جمعیتی را باستخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خوافی و هزاره بامداد جمعیت هراتی رفته
با همراهان محمد شیخ جدال نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب
کردند چون اسرا و گوسفندانی که از ترکمانان پس گرفتند متعلق برعایای دولت علیه بودند نواب والا
فرمانفرما و وزیر نظام بسعید محمد خان نوشته بودند که قدغن نماید سواره هراتی اسرا و گوسفندان را رد
نمایند از قرار مذکور پنجاه و یک اسیر را در هرات تسلیم گماشته وزیر نظام کرده اند اما بابت پنجهزار
گوسفند که استرداد نموده هنوز پس نداده اند

محمد علیخان بختیاری چهار لنگ که مدتی بود مصدر شرارت شده و در قلعه دز که از قلاع محکم است متحصن گردیده
امیرزاده ابراهیم میرزا بجهت دفع شرارت او استعدادی فراهم آورده با دویست نفر از فوج محمد مرادخان سرتیپ
و خود مشار الیه روانه بجانب قلعه دز شدند و بحسینقلی خان بختیاری هم تاکید نموده که از آن طرف بیاید بعد
از ورود امیرزاده با فوج و جمعیت بختیاری بدانجا حکم بمحاصره دز کرده تا سه چهار روز در پای قلعه مشغول مجادله بودند
و راه و رخنه ها را از دست محمد علیخان گرفته و عرصه را براو تنگ نموده آخر الامر یک شب ساعت شش بود یورش بدرون
که محل نشیمن خود محمد علیخان بود برده چند نفر از جمعیت محمد علیخان مقتول و مجروح و خود او چون کار را سخت
دید در همان شب بالطناب از قلعه دز پائین آمده فرار کرده فردای آن شب امیرزاده چند نفر از عقب او روانه کرده که
او را دستگیر نمایند و امیرزاده معزی الیه بنابر رشادتی که در خدمت بظهور رسانیده بیکثوب جبه ترمه خلعت
همایون مفتخر گردید چون محمد ولیخان بیگلربیگی حکمران استراباد در انتظام آن صفحات مساعی جمیله نموده بیک
قبضه شمشیر براق طلا کل مرصع از طرف قرین الشرف ملوکانه بمعزی الیه مرحمت شد جعفر آقای کلاتی که بعد از
فتح کلات فرار بخیوه کرده بود بقراباب شتافته با هزار سوار قراباغی بطرف کلات آمده و قصد داخل شدن کلات
داشته سربازان و قراولان خبر شده بنای شلیک را میگذارند و میرزا ابراهیم خان سرتیپ مطلع میشود معزی الیه
دسته سربازی بکمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زد و خورد شکست فاحشی بسواره قراباغی
داده با آنکه شب بوده آنها را منهزم و متفرق مینمایند از قرار مذکور یک برادر جعفر آقا نیز زخم گلوله برداشته
دوست محمدخان و شکور بیگ فرستادگان سردار کهندلخان حکمران قندهار با عریضه مشار الیه که بدربار همایون
عرض کرده بود بکرمان آمده محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان آنها را بطهرانی و مهمانداری نموده عرایض آنها را
بدربار معدلت مدار فرستاده و جواب آنها را دریافت نموده آنها را مقضی المرام با انعام و اخراجات بذل

تفقدات انها را معاودت دادند پل خواجوی اصفهان را تعمیر کرده اند شبلات مازندران واستراباد را بمیر
علی اکبرخان دو رباشی ومیرعبدالصمدخان دادند ومشار الیهما مخلع شدند جناب سبتونس صاحب قونسول
دولت انکلیس که سابق مقیم تبریز بود مامور اقامت دار الخلافه کردید میرزا احسن خان نایب الحکومه عراق دکاکین
شهر سلطان آباد را مرمت نموده وعمارات دیوانی را تعمیر کرده واز قم وبروجرد وهمدان واطراف از هر قبیل ارباب
صنایع باین شهر آورده وسکنا داده است وباغ شاهی بیرون دروازه ارک را نیز که خرابه داشته اشجار نشانده
وآباد کرده سد ناصری حویزه در کمال استحکام وباعلی درجه خوبی باتمام رسیده وبقدری آب بجویزه آمده که بی
زورق عبور از آن ممکن نیست از قاین مجمد حسن خان سردار حکمران یزد وکرمان خبر دادند که بلوچ زیادی
از دو دبار سیستان بعزم تاخت وتاز قاینات آمده در اینجا کاری نکرده بطرف هفتاد راه شتافته اند معزی الیه
فی الفور بهمه دهنه جات آدم فرستاده وخود نیز با جمعی بجنبیص که متصل بلوت است رفته واز آنجا جمعی را مامور
کرده اینها چند نفری در حوض نادر که در پانزده فرسخی خبیص است گذارده خود تا بکذار باروط ونقادخانه که بیست
وپنج فرسخ آنطرف حوض نادر است رفته وبلوچها را متفرق واسیر وزخمی کرده اند نظر بخدمات عیسی خان والی
حکمران کیلان یکقبضه کارد دسته مرصع ویکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک از جانب سنی الجوانب همایون برای
معزی الیه فرستاده شد منصب تحویلداری قورخانه را بحاجی میرزا موسی خان واکذار فرموده مشار الیه بیکثوب
جبه ترمه کرمانی مخلع کردید در ازای خدمات بندرعباس یکقطعه نشان سرتیپی اول ویکرشته حمایل سرخ ویکثوب
جبه ترمه بامیرزاده عبد الباقی میرزا ولد نواب والا مؤید الدوله ویکقطعه نشان میرپنجی ویکثوب جبه ترمه بعبد الله خان
صارم الدوله مرحمت شد همچنین بنا بر صاحبمنصبان از قرار ذیل بذل مراحم شد
ابدال خان یاور فوج ملایری نشان سرهنکی قطعه شال طاقه قبا ثوب
عبد الحسین خان سلطان فوج ملایری نشان طلای سلطانی قطعه
مصطفی قلی سلطان صوبه دار توپخانه مبارکه نشان طلای سلطانی قطعه شال کرمانی طاقه
سال گذشته رضا قلیخان سرهنک فوج عرب نظر بخدمات او در فتح بندرعباس او را بمنصب سرتیپی سرافراز فرموده بودند
ولیکن بعد از انکه مقرر شد فوج ابوالجمعی او در بندر ساخلو باشند فوج تقاعد واهمال نمود لهذا حکم شد
فرمان سرتیپی را از او پس بکیرند در اینسال چون فوج او مجدداً در بندرعباس خدمات نمایان کردند باز رضا قلیخان
بسرتیپی نایل کردید محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان چون امیر احمد خان اوزبی را که از جمله اشرار فارس بود
کرفته وقلعه او را خراب کرده بموجب این خدمتگذاری بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون سرافراز کردید فتاحخان
قشقائی را که چندی بود براهزنی وشرارت میپرداخت نیز لطفعلی خان سرتیپ قشقائی کرفته دفع شرارت او را نموده

لهذا سرتیپ مشار الیه نیز بیکثوب جبه ترمه مخلع کردید بعضی تراکمه عزم تاخت وتاز نواحی خراسان داشتند
حکام وسرکردکان اسفهات بتدبیر وتادیب انها پرداخته ایشان را منهزم ومتفرق وپراکنده نمودند شیخ فارس خان
حاکم جعب ومصاقات در خدمات دیوان مواظبت کامل مینماید نواب بهاء نور میرزا بمنصب سرتیپی دوم فوج
عرب وعجم نایل وبخلعت همایون مفتخر کردید شاهمراد اتالیق ازمستقلان خان خیوه با دو هزار سوار ودو
عراده توپ در قوشخانه نیز با هزار سوار بسرمرو آمده نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان احکام
بجمیع ولایات خراسان نوشته اند که سواره وپیاده قشون ظفر نمون در هرجا مستعد باشند که هنگام احضار
بدون معطلی حاضر باشند خان خیوه نیز بقراباب واز آنجا بمرو آمده لهذا نواب والا فرمانفرمای خراسان محمد
حسنخان سرتیپ افواج فراهان را با دو فوج فراهان ویکفوج کروس وپانصد سوار ودو عراده توپ روانه
اق دربند نموده خود نواب معظم الیه نیز عازم اسفهات میباشند اما نظر باینکه این اتفاق خالی از غلطی
نیست فی الجمله ببسط آن میپردازد

ذکر محاربه قشون ظفر نمون با محمد امین خان خان خیوه وکشته شدن خان خیوه

مملکت خوارزم که قاعده ودار الملک سابق آن که کانج مشهور با ورکنج بود وشهر مشهور حالیه آن خیوه است
وعرب آنرا معرب کرده خیوق کویند از طرف جنوب غربی متصل باستراباد است واز سمت جنوب شرقی بمرو اتصال
دارد واز آنجا که از قدیم الایام از رود جیحون باینطرف همیشه داخل خاک ایران بوده آنجا نیز در تحت اداره واختیار
اوامر ونواهی سلاطین ایران بود وحکام آنجا اکرچه از جماعت اوزبکیه بودند لیکن متابعت وانقیاد سلاطین
ایران مینمودند واکر یکوقتی یکی از انها باستظهار بعد مسافت وصعوبت راه خیال خودسری میکرد بپاداش وکیفر
خود را میدید چنانکه در عهد سلطان محمد صفوی جلال خان پسر محمد خان اوزبک که حاکم خوارزم بود لوای خودسری
برافراشت وبدست مرتضی قلیخان حاکم مشهد مقدس بقتل رسید وحاکم دیکر در آنجا تعیین کردند همچنین
وقتیکه عبد الله خان سیستانی بخوارزم استیلا یافت حاجی محمد خان حاکم آمده بشاه عباس صفوی پناه آورد
ودر سنه یکهزار وشش شاه عباس بخراسان رفته غاصبین انمملکت را بقتل رسانده حاجی محمد خان وعرب سلطان
پسرش را بحکومت آنجا برقرار کرد وسایر حکام انمملکت نیز همه در اطاعت پادشاهان ایران بودند تا بعد از عهد
صفویه فترات وانقلابات موجب خودرائی انها کردید ودر زمانی که نادر شاه استقلال واقتداری یافت همت
بر تنبیه آنها کماشت وحکمرانی خوارزم در آنزمان با لولاد فاضل اتالیق ومحمد امین اتالیق بود نادر شاه در سنه
هزار ویکصد وسه عزیمت آنطرف نموده خان خوارزم را کشته محمد طاهر خان پسر ولیمحمد خان اوزبک را حاکم کرد
بعد از نادر شاه در سنه هزار ودویست یازده سردار ایلتذر بن عوض اوبناق ابن محمد امین اوبناق حاکم آنجا شد

جنگ کردن لشکر ایران با طوایف خیوق

و همیشه افتخار ایشان بخدمت و بوکز بدکه سلاطین ایران بوده و بهمین واسطه چند سال بود که اولاد سردار ایلتذر
در حکومت انجا متمکن بودند چنانکه بعد از ایلتذر محمد رحیمخان بود بعد پسرش اللهقلیخان بود بعد از آن
رحیمقلیخان که در عهد خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه طاب الله ثراه بود و در کمال خدمتگذاری و اطاعت و هرگز
در عرض عرایض و ارسال رسل و انفاذ پیشکش تسامح و فروگذاشتی نداشت بعد از رحیمقلیخان که حکومت
برادرش محمد امین خان رسید در زمان شاهنشاه مبرور ماضی انار الله برهانه اولیای ابد دولت بوسایط
چند اعتنائی باو نکرده او نیز فرصت یافته و غنیمت شمرده از خدمت دولت کناره گرفت سهل است پس از چندی
بخیال تصرف مرو که رعیت مخصوص ابد دولت بد ابتدا است افتاده و اسباب تسخیر مرو را فراهم آورده هر دو سه سال
یکمرتبه بمرو میآمد و از انجا باسم زکات چیزی میگرفت و معاودت میکرد و اولیای دولت و حکام خراسان اعتنائی
نکرده او از بی اعتنائی جری گردید تا در بنههد فرخنده عهد در سنه هزار و دویست و شصت و نه که نواب والا
حسام السلطنه والی خراسان بودند محمد امین خان از خیوه برای اخذ زکوة بمرو لشکر کشید و نواب معظم الیه بعضی
امرا را با چند فوج از افواج قاهره را با توپخانه مامور مرو نموده بمحاربه مروی شکست فاحش باو دادند و او بی نیل
مقصود مخذول و منکوب معاودت کرد قشون دولتی هم مدتی در مرو بود اگرچه اولیای دولت علیه خیال ماموریت
قشون برای تنبیه و انتظام آنحدود داشتند لکن بجهة قحط و غلای شدیدی که در مرو بروز کرده بود دو خبر
واقعه بکلی ناپاب قشون مزبور را از مرو معاودت داده و تنبیه محمد امین خان بعهده تعویق افتاد و منتهز
فرصت بودند در بین سوء ابو سر محمد امین خان زده بیست هزار قشون او دکنجی و خیوقی جمع کرده در اواخر سنه
پارس ئیل که فرمانفرمائی خراسان بر عهده نواب والا فریدون میرزا بود بمرو آمده و از انجا بلا تامل قشون بسرخس
که رعیت مخصوص و ایل توخان ابد دولت است فرستاد اهالی سرخس مراتب را بنواب والا فرمانفرمای خراسان
معروض داشتند و استمداد و استعانت جستند نواب معظم الیه نیز باذن و اجازه اولیای دولت قاهره ابتدا
حسن خان سبزواری را با سیصد سوار خراسانی مقدمة الجیش فرستادند و متعاقب آن محمد حسن خان سرتیپ
فوج فراهانی را با دو فوج فراهانی و یکفوج گروسی و چهار عراده توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد
نفر از آنسوار را با یلغار مسرعاً بحسن خان سبزواری برسانند و پانصد نفر دیگر با خود داشته همراه پیاده نظام
و توپخانه ببرد محمد حسن خان سرتیپ نیز بهمین دستور العمل رفتار کرده و باقی در بند و فت نواب والا فرمانفرما هم
روز هفدهم جمادی الثانیه با افواج و سواره عراقی و خراسانی و ده عراده توپ حرکت کرده بجانب سرخس راندند
در ورود حسن خان سبزواری بسرخس لشکر خیوه خبردار شده دو هزار سوار او زبک از سرخس گذشته سواره حسنخان را
جلوگیری کردند این سواره با علد کم پای ثبات در میدان جلادت فشرده خصم را شکست فاحش دادند

و بهیچ آسیبی وارد سرخس شدند و در دیگر آن پانصد سوار متعاقب بسرخس رسید خبر رسیدن سواره
دولتی بسرخس و آمدن محمد حسن سرتیپ با افواج و توپخانه باق در بند بخان خیوق رسید خواست پیش دستی
کند نوروز جمعیت با امداد قشون سابق خود فرستاده حکم بتسخیر سرخس داد خود نیز متعاقب ایشان با قشون زیادی
که قریب چهل هزار نفر بود و از طوایف و اویماقات جمشیدی و قرایی و تیمنی و میمنه و شبرغان و سالور و تکه
طوایف ترکمه حرکت کرده بجانب سرخس روانه شد چند روز قبل از رسیدن او بدور سرخس که سواره و پیاده
او در آنجا جنگ میکردند همه روزه سواره خراسانی و سرخسی بیرون آمده محاربات دلیرانه میکردند و در این
چند روزه چند عراده توپ معتبر و پانصد قبضه شمخال و اسب و شتر بسیار از ایشان بچنگ عساکر منصوره افتاد
در روز ورود خان خیوق بدور سرخس نواب والا فرمانفرما با قشون ظفرنمون بآق در بند وارد شدند
و محمد حسن خان سرتیپ با افواج و توپخانه بشش فرسخی سرخس رسید و چون نواب والا یکروز بعد از ورود
بآق در بند که خبر عزیمت خان خیوق و جمعیت او را شنیدند در شب دوشنبه سلخ جمادی الثانیه نواب محمد تقی میرزا
سامخان ایلخانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیرخان سرتیپ عورت بیکلو و محمد حسین خان هزاره را با دو
هزار سوار صوب شبانگاه از آق در بند که تا سرخس پانزده فرسخ خراسانی است روانه ساختند خان خیوق
نیز همان روز دوشنبه با جمعیت مزبور که زیاده از چهل هزار بودند بدور سرخس آمده اقدام بمحاربه نمود که
شاید قبل از رسیدن کلیه قشون و توپخانه دولتی کاری از پیش ببرد و قشون خود را حکم بتسخیر سرخس داد و خود
در سر تلی که مشهور بقاتلو تپه میباشد و در سمت شرقی سرخس واقع است و دو هزار قدم تا سرخس مسافت دارد
چادری برافراشته با خواص و اعوان و اصحاب خود در انجا در قرار گرفت از قلعه سرخس هم اول وهله حسن خان
سبزواری با سواران خراسانی از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون آمده پیش تازی
کرد سرخسی هم غیرت و عصبیت کرده بمهلت اجتماع اتاتاذ کو را بینی از دروازه جنوبی سرخس و نیم دیگر از دروازه
شمالی بیرون آمده دست بمقاتله و مقابله گشودند و قشون خیوقی را منهزم ساختند قریب سه هزار سر با اسب
و شتر بسیار و شمخال و تفنگ بیشمار و یکعراده توپ هجده پوند بزرگ و شانزده عراده صف شکن و دو بیرق
از ایشان گرفتند از جانبین جنوبی و شمالی قشون خیوقی را منهزم ساختند و از تپه که خان خیوق در آن قرار داشت
گذرانیدند و حمله های مردانه کردند خان خیوق را که از سیلاب خون نظر چیحون دید و خود را در غرقاب فنا اسب
خواست که فرار کند و جان بسلامت برد چون یراق اسبش را مکلل بجواهر کرده بود بلکه بقاعده سلاطین گوی
طلا بدم اسب خود استوار کرده شجاعان خراسانی و سرخسی اسب او را شناخته بقدر دویست سوار بر روی تپه
تاختند و هنگامیکه خان خیوق تازه بر مرکب فرار گرفته بود خود را باو رسانیدند اصحاب و اعوان که نزد او بودند

محاربه با خان خیوه

هر یک اسب خاصه داشتند و سوار بودند فرار نمودند و آنها که دست رسی باسب نداشتند طعمه شمشیر ابطال شدند و خان خیوه با سی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص خود مقتول شد و سر خان را محمد نیاز خان پسر اراز خان که از رؤسای سرخس است از بدن جدا کرد و سر با یورت دار دلیران دیگر بریدند و این واقعه در سلخ جمادی الثانی سنه هزار و دویست و هفتاد و یک بود و آنچه بتحقیق پیوسته دویست و هفتاد نفر از صاحب منصبان خان کشته شدند و امیر اعظم خان جیشیک زخم کاری برداشت روز چهارشنبه دوم رجب که روز عید نوروز سال همایون فال توشقان ئیل بود سرهای مزبور را باد در خدمت نواب والا فرمانفرمای خراسان آوردند و آن دو هزار سوار که نواب معظم الیه بایلغار فرستاده بودند در وقت غروب روز دوشنبه سلخ که خان خیوق مقتول و قشون او منکوب و مخذول شده بودند بسرخس رسیدند و بجهت خستگی راکب و مرکوب شب را آرام گرفته صبح بتعاقب قشون شکسته خیوق شتافتند نواب والا فرمانفرما سرها را بمصاحبت رضاقلیخان نایب ایشیک آقاسی باشی بچاپاری روانه دربار همایون نمودند

شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه بود خبر قتل خان خیوق بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضاقلیخان با سرها وارد گردید روز شنبه نوزدهم در سلام عام بعرض خاکپای همایون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس شاهنشاه روحنا فداه پاس خدمات اجداد خان را ببلاهین با تمکین ایران و بزرگ زادگی او را منظور فرموده احضار سر او و کسان او را بحضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند آنها را با کمال احترام تغسیل و تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند لهذا سری که سودای خوارزمشاهی چندگاهی در آن تمکن داشت در دل خاک جای گرفت و میرزا محمد علیخان شمس الشعرای اصفهانی المتخلص بسروش در این معنی گفته است

افسر خوارزمشه که سود بکیوان   با سر شاه در بطین مبارک ایوان

اسامی و تعداد خواص محمد امین خان که کشته شدند از قرار ذیل است

(بنی اعمام خان که مشهور بتوره اند پنجاه و دو نفر) (قاضی خوارزم) (عبدالله محرم) (داود محرم) (خدایاری که یکی از صاحب منصبان معتبر بوده) (دولت یار ولی) (بیک خان دیوان بیگی) (سردار بیگخان) (نیاز قلی بیلیک باشی) (الله قلی یوزباشی) (حق نظر بیلیک باشی) (دولت نیاز یوزباشی) (پسر نیاز محمد بای که سابقاً پدرش حاکم مرو بود) (ویس بای آق سقال خیوه) (پسر حکومت خان حاکم میمنه که با هزار سوار بکمک آمده بود) (بیک مراد بای تکه قراباب نشین) (سلطان تکه از رؤسای قراباب) (محمد شیخ سردار که تازه بتاخت خراسان با دو هزار سوار میآمد) (پسر عباس بای تکه که از مشاهیر قراباب بود)

نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا که در کلیه امور حکمران خاصه در بستن سد ناصری در حویزه مساعی جمیله مبذول داشته بودند بیکقبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردیدند از غرایب اینکه نخیلات شط العرب امسال دو مرتبه ثمر داده اگرچه ثمر ثانی بحلاوت و رسیدگی ثمر اول نبوده ولی باز خیلی بمصرف رسیده و بکار خورده زیرا که گندم وجود در آن ولایت تسعیری داشته حاجب الدوله والد مؤلف که در تعمیر و طلا کردن گنبد مطهر امامزاده عبدالعظیم علیه السلام مساعی وافیه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید دویست نیزه سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یکعراده خمپاره که قشون کرمانی مامور بندر عباس با عبدالله خان میرپنجه هنگام فتح بندر عباس گرفته بودند بدار الخلافه آوردند عمارات و آبادی دار الخلافه دیوانی و غیره این اوقات خیلی زیاد شده است و بروج و بدنه ارک و شهر هر جا خرابی داشته میسازند در این اوان محض مزید نظم و انتظام امور قشون دستخطی بقلم معجز رقم همایون شرف صدور یافت که سواد آن زیور این کتاب است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

جناب صدر اعظم الزم و اعظم امور ملک و دولت نظم قشون است و قشون ایران بطور دلخواه و مکنون خاطر ما نظم کامل ندارد و این بی نظمی نیست مگر از عدم تسلط رئیس کل قشون و در حقیقت تسلط رئیس کل قشون با شما است اگرچه با آن عشقی که شما در انتظام امور کلیه مملکت دارید هرگز راضی به بی تسلطی رئیس قشون و بینظمی امر لشکر نخواهید شد از اینجهة میباید شما برای تسلط سردار کل این فقرات ثلاثه را قرار بدهید که در کار خود تسلط تمام داشته باشد بعد از این هم مراقب باشید که از این حالت استقلال نیفتد و هر کس تخلف کند فوراً مورد مواخذه شود و باداش داده شود اولاً مواجب قشون را از نظام و غیر نظام و توپخانه و سواره و پیاده رسیدگی کنند و بدقت برسانند که سرکرده و صاحب منصب و دیوان حیف و میل نکنند و هر کس از سرکردگان را بفهمد از مال نوکر خورده است حکماً تنبیه کند و مواجب نوکر را گرفته برسانند والا اگر معلوم شود در مواجب نوکر کسی افراط و تفریطی کرده است و سردار از او مواخذه و تنبیه ننموده است خود سردار مورد مواخذه و عتاب خواهد شد ثانیاً از دولت در حقیقت مواجبی که بصاحب منصبان و سرکردگان قشون عموماً داده میشود از اول تا بحال محض تفضل و مرحمت ملوکانه بوده است با امید اینکه در وقت خدمت بکار آیند این مرحمت را در حق آنها فرموده و میفرمائیم لکن اینها چنان معلوم میشود که خود را بشخصه قابل و مستحق این مرحمت میدانند و در هنگام ماموریت جزئی توقعات کلی بیجا میکنند اغلب سرهنگان

بمرتبه سرتیپی و سرتیپان بمرتبه میرپنجگی و میرپنجگان بمرتبه امیرتومانی و سرداری حرکت میکنند و در مشق نظام و درس مدرسه کوتاهی و غفلت دارند و هیچ سعی و تلاش در کار خدمت نمیکنند بموجب همین دستخط باید سردار کل اینفقره را بکل صاحبمنصبان و سرکردگان خاطر نشان کند که بعد ازین مادام که خدمتی از صاحبمنصبان و سرکردگان ظاهر نشود و در جنگ و محاربه با خصم جلادت و رشادت از ایشان بظهور نرسیده باشد ابدا زیادتی مواجب و منصب و نشان و حمایل باحدی داده نخواهد شد و البته شما هم اذن ندارید بدهید مگر مثل صارم الدوله که در تسخیر و فتح بندر عباس خود بر جمیع آحاد و افراد قشون سبقت جسته رشادت و جلادت نموده باین طور اگر از کسی خدمت ظاهر شود مورد عطوفت خواهد شد و الا بعد ازین دیگر زیادی منصب و مواجب در حق احدی مرحمت نخواهد شد ثالثاً در صدور بروات مواجب و سیورسات و احکام نظام قشون کلاً باید بصحه و مهر سردار کل برسد و اگر سردار معلوم کند که از صاحب منصبان و محررین و مشرفین کسی برات غلط گذرانده است خود تنبیه نماید و از لشکرنویسان اگر کسی چنین عملی را مرتکب شود و برات غلط صادر کند بما بگوید یا در حضور عرض کند تا در مقام مواخذه و تنبیه در آوریم البته میباید سردار کل ازین قرار در کار خود تسلط تمام داشته باشد و امور قشون را من حیث المجموع منتظم و مضبوط نماید تحریراً فی شهر جمادی الثانی

پارس ئیل سنه ۱۲۷۱

روز چهارشنبه دویم رجب یکساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود و ابتدای سال خجسته مآل توشقان ئیل شد سلام خاص در کلاه فرنگی عمارت باغ و فردای آن روز سلام عام در تخت مرمر در پیشگاه حضور باهر النور اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه منعقد گردید نواب والا علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) بیکقطعه گل کمر مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردیدند میرزا محمد صادق قائم مقام برحسب استدعای خود معزی الیه از تبریز احضار شده بود شرفیاب حضور مهر ظهور مقدس گردید در مازندران باران زیاد آمده میرزا فضل الله وزیر نظام مستوفی باشی و پیشکار خراسان چهار زوج در نقره که هر یک دو ذرع طول و یکذرع و سه چارک عرض دارد بجهة اطراف حرم محترم رضوی شرفها الله تعالی مزین بنام همایون تمام و نصب نمود در تجریش که مدتی بود باران نیامده بود بارندگی کامل شد جناب مسیو انیچکاف شارژدافر دولت روس مقیم دار الخلافه بیکقطعه نشان دوره الماس مصور بتمثال بیمثال همایون از جانب سنی الجوانب مقدس سرافراز گردید

درین اوقات چون رسما از سفارت دولت روس فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا را اعلان نمودند و جلوس اعلیحضرت الکسندر ولیعهد دولت مشارالیها را نیز اظهار داشتند از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میرزا محمد حسین عضد الملک بسفارتخانه سنیه روس رفته در حالتیکه کل صاحبمنصبان سفارتخانه حاضر بودند بجناب مسیو انیچکوف (انیچکاف) شارژدافر دولت روس اظهار افسوس از فوت مرحوم اعلیحضرت امپراطور نموده معزی الیه و صاحبمنصبان سفارت را حسب الامر دعوت بحضور مهر ظهور و مبارک کرده باتفاق عضد الملک شرفیاب حضور همایون شدند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه بعد از اظهار تاسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکسندر را بر سریر سلطنت کل ممالک روس بلفظ گوهر نثار مبارک ادا فرمودند بعد از تفقدات شاهانه اجزای سفارت را اجازه انصراف دادند نظر بخدمات میرزا محمد صادق قائم مقام بیکجام آئینه تمثال همایون که بزرگترین اسباب مفاخرت است معزی الیه را مفتخر فرمودند در کرمان بارندگی زیاد شده محمد حسن خان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه باغی غرس و احداث کرده موسوم بباغ ناصریه نموده است در فارس بارندگی کامل شده باستبانی در بوشهر قرینه چهار برج مشهور را بنا کرده دار الحکومه است حسب الامر در نهایت استحکام ساختند شب سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد در دار الخلافه چراغان و آتش بازی کامل نمودند روز این عید سعید سلام عام انعقاد یافت در خراسان علی التوالی ده پانزده روز باران آمده میرزا شفیع توپیرکانی وزیر کرمان است پل خرابی بر روی رودخانه قزل اوزن که از خاک گروس میگذرد در بود این اوقات از نو مجدداً در کمال استحکام ساختند در یزد بارندگی خوب شده دکتر پرتلیمی فرانسوی که از فحول اطباست در سلک چاکران دربار منسلک گردید بوجینس صاحب مترجم دولت علیه که مباشر روزنامه دولتی بود چون علیل شده بکساله مرخص شد که بمملکت انگلیس برود حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم و میرزا نصرالله ولد مشارالیه جبه دار باشی و مخلع گردید فوج جدید حسب الامر از شقاقی گرفتند بیست لوله خمپاره ۶۶ پوند و ۲۴ پوند و ۳۲ و ۴۲ پوند ریخته مشغول سوار کردن اینها میباشند توپهای بزرگ وسط میدان را پیاده نموده پرداخت و مرمت کرده دوباره سوار مینمایند چهارصد دست اسباب توپ کشی سوای اسباب توپ کشی سابق که در انبار بود حسب الامر دوخته تحویل انبار توپخانه کردند جناب چارلس اکتس مری وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس که مامور ایندربار دولت علیه میباشد باید بواسطه های معموله از جانب کارگذاران این دولت ابد آیت وارد دار الخلافه گردید روز بیست و نهم ذی حجه شرفاندوز حضور مهر ظهور همایون و مورد تفقدات خاصه خسروانه آمد بارندگیهای خوب مایه اطمینان

۱۸۱

اهالی دار الخلافه گشته محمد ولیخان بیگلربیگی حکمران استراباد این اوقات روانه گگلان شده با نوکر ازانجا
و سرعرّاده توپ در نوده و دامنان است در انتظامات انتظام کامل داده مشغول وصول مالیات طوایف کوچک
و ایمرقان و تاتار و دوجی و غیره است و محمد جعفرخان ولد معزی الیه بجای ایشان در استراباد میباشد
میرزا ذکی دشتی وزیر اصفهان است. و نهایت خوب رفتار مینماید در کازرون فارس که از نیامدن باران وحشت
داشتند بارندگی زیاد شده در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنگه بواسطه
وزیدن باد قوس و طوفان شدیدی شکسته و غرق شده و تقریباً دویست هزار تومان بتجار خسارت وارد
آمده در کرمانشاهان بارندگی خوب شده میرزا محمد صادق قایم مقام را بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون
مکلل بالماس مفتخر و مرخص فرمودند که باذربایجان معاودت کند میرزا اسد الله خان ولد مشیر الدوله بسرهنگی
فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید حسن خان سرهنگ فوج اردبیل و مشکین معزول و سرهنگی
فوج مزبور را بحسینعلی خان پیشخدمت خاصه مرحمت فرمودند و مرخص شد با قایم مقام روانه آذربایجان شود
وزیر نظام حوض بزرگی بجهت صحن جدید روضه مطهره حضرت رضوی سلام الله علیه میسازد پل آق دربند را
نیز فرستاده اند که در کمال استحکام بسازند عمارت هزار جریب اصفهان را چراغعلیخان نایب الحکومه تعمیر مینماید
طایفه سکوند لرستانی که مصدر شرارت بودند و جمعی دیگر را نیز با خود متفق نموده نواب والا احتشام الدوله
علیقلی خان سرتیپ را مأمور نموده ایشان را تادیب و تنبیه کاملی نمودند در بروجرد و آن صفحات نزول باران کاملا
رفع وحشت مردم نمود متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون امتحان خوبی در حضور همایون دادند بعضی
مستدعیات میرزا محمد صادق قایم مقام در خاکپای همایون قرین نجح و حصول گردید و تفصیل آن از قرار ذیل است

حکومت خوی بنواب محمد رحیم میرزا
حکومت ارومی بنواب سلطان احمد میرزا
حکومت اردبیل بامیرزاده اکبر میرزا
حکومت مشکین بمجید قلیخان بجنوردی
آقاخان سرهنگ فوج بهادران بمنصب سرتیپی
اسمعیل بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه
اللهیارخان یاور فوج شقاقی بمنصب سرهنگی
مرتضی قلیخان بمنصب سرهنگی
و بعضی مناصب و مواجب و تخفیف

میرزا محمد خان

میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری بواجبی خود را نشان داده چون در کمال شکوه بود با عنایت
یکثوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک مفتخر گردید و مسیو بوری معلم غلامان نظام نیز بخلعت همایون سرافراز شد
مواجب محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی سیصد تومان بود دویست تومان بر آن افزودند نظر بخدمات
و مساعی جناب نظام الملک در اتمام دستور العمل سال نو حکام و ولایات یکرشته شرابه مروارید با مرصع آویزه
زمرد از طرف قرین الشرف ملوکانه بجناب معزی الیه مرحمت شد و میرزا رحیم پیشخدمت و محصل کل محاسبات
که در این خدمت کمال جهد را نموده بود بیک قطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و خلعت همایون نایل شد
میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را با عطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند
گل محمد خان از اشرار و متمردین بلوچ قلعه ابرندجان را محکم نموده و در آن متحصن شده دم از خودسری میزد
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان جمعیتی فرستاده قلعه مزبوره را تسخیر نموده متمردین مخذول و مقتول
نمودند اسمعیل خان سرهنگ را نیز سردار معزی الیه مامور خدمات بلوک اربعه بم نمود نواب والا عبد
الصمد میرزا (عز الدوله) از جانب سنی الجوانب همایون بحکومت قزوین برقرار و حاجی حسینعلی خان خوئی آجودان
باشی سابق را وزارت نواب معظم الیه دادند حکومت ملایر و تویسرکان را بنواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند
مبلغی وجه نقد از دار الخلافه بجهت مواجب نوکریکه در استراباد هستند فرستاده شد علیخان والی کلات
که برکاب مبارک آمده بود حسب الامر معاودت بمقر حکومت خود مینمود بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون
و یکثوب جبه ترمه مفتخر گردید محمد علیخان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه شریفه مجاورت عتبات عالیات
اختیار کرده محمد قلیخان سرهنگ جوانشیر برادر او بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید قاسم خان سرهنگ
فوج اخلاص افشار در ماموریت فارس در بندر بوشهر مرحوم شد و خانلرخان ولد کلبعلیخان افشار بمنصب
سرهنگی فوج مزبور منصوب گردید چون چشمهای جعفرقلی خان سرهنگ فوج گرند بسبب امراض مزمنه نابینا شده
لهذا منصب سرهنگی او را بملک نیاز خان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند چون رعایای دره جز از سعادتقلی خان
حاکم دره جز ولد مرحوم سلیمانخان دره جزی شاکی شدند او را معزول و برادر کوچکتر او اللهیار آقا که بحسن
سلوک موصوف بود بجای او منصوب فرمودند محمود خان سرتیپ و مصلحت گذار سنت پطرزبورغ (جناب
ناصر الملک) بلقب جنابی مفتخر گردید قشون ظفر نمون که در این سال جزیره ما مجدداً در فتح بندر عباس خدمت
کرده بودند هریک از سرکرده و صاحبمنصب بفراخور استحقاق بمنصبی و عطائی نایل شدند از جمله عبد الله خان سرتیپ
بود که بنشان میرپنجگی اول و حمایل سرخ و سفید سرافراز گردید و از اسم طوداشتیم عواطف مبذوله در حق سایرین
از این قرار است که در ذیل مرقوم میگردد

امامقلی خان سرهنگ ماکوئی بمنصب سرتیپی و نشان از درجه دوم سرتیپی

مسیو سلیمز حکیم قشون کرمانی نشان دوم سرهنگی و پنجاه تومان انعام مستمری

فوج هفتم کرمانی نشان طلای سلطانی ده قطعه نشان مطلا سیزده قطعه نشان نقره صد قطعه

امامعلی خان سرهنگ نشان سرتیپی از مرتبه دوم

غلامان طایفه افشار نشان نقره یازده قطعه

سواره طایفه جبال بارزی نشان نقره شش قطعه

فهیم خان سیستانی فرمان مواجب شصت تومان

امیر سعید خان بلوچ سیستانی کارد دسته طلا قبضه

قاسم آقای بادکوبه نشان از مرتبه دوم یاوری

سواره مهاجر نشان مطلا چهار قطعه

نوروز علی بیک که سر از بلوچ آورده بود انعام پنجاه تومان شال کرمانی طاقه

خداوردی بیک مهاجر اضافه مواجب چهل تومان

جهانگیر خان جبال بارزی مواجب چهل تومان

شاهسوار خان نشان سلطانی طلا قطعه

کمال خان سیستانی اضافه مواجب بیست تومان

اسدالله خان نایب اول توپخانه نشان سلطانی طلا قطعه

میرزا نصرالله خان یاور فوج کرمانی نشان از مرتبه اول یاوری

اصلان بیک یاور توپخانه مبارکه نشان از مرتبه اول یاوری

سهراب بیک پسر امامقلی خان سرتیپ لقب خانی و نشان از مرتبه دوم یاوری

چون ده دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه و اویماقات اضجهات در قراباب جمع شده و در آن اطراف و حول وحوش بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان تاخت و تاز میکردند بعد از شکست لشکر خوارزم و قتل خان خیوه نواب والا فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که از سرخس بمرو رفته بودند بر سر قراباب رفته اشرار مزبور که قراباب را محکم و سقناقی برای خود قرار داده بودند و بحصانت خود مستظهر چون استعداد قشون ظفرنمون را دیدند دانستند که در مقابله و مقاتله امید سودی نیست لذا در استیمان درآمدند نواب معظم الیه آنها را از قتل و نهب امان داده حکم بتخریب قلعه آنها نمودند و آن جمعیت را از آنجا کوچانیده بمواطن خود معاودت دادند و هشتاد

خانوار با خانه و کوچ از معتبرین مرو گروی گرفته خانوار سلطان هزاره را در آنجا بحکومت منصوب کرده بمشهد مقدس معاودت نمودند و از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب والا فرمانفرما و همراهان ایشان از قرار ذیل خلاع و نشان مرحمت و ارسال شد

نواب والا فرمانفرما نشان تمثال همایون مکلل بالماس قطعه جبه ترمه زنجیره دار ثوب

میرزا فضل الله وزیر نظام عصای مرصع عدد جبه ترمه ثوب

شاهرخ خان ایلخانی جبه ترمه ثوب

شاهزاده محمد یوسف هراتی جبه ترمه کرمانی ثوب

امیرزاده جعفرقلی میرزا جبه ترمه کرمانی ثوب

امیرزاده محمدقلی میرزا جبه ترمه کرمانی ثوب

محمد حسینخان سرتیپ افواج فراهانی جبه ترمه کرمانی ثوب

امیر خان سرهنگ شاهسون نشان اول سرهنگی با حمایل سفید

محمد حسینخان قوللر آقاسی هزاره جبه ترمه کرمانی ثوب

محمود خان سرهنگ فوج نشابوری شال کرمانی طاقه

کاظم خان سرهنگ فوج تبریزی شال کرمانی طاقه

محمد تقیخان سرهنگ فوج جدید فراهانی شال کرمانی طاقه

عباسقلیخان کروسی شال کرمانی طاقه

امیر حسینخان برادر شاهرخ خان ایلخانی شال و قبا دست

حاجی فتحعلیخان یوزباشی غلامان خراسانی شال و قبا دست

بهادرخان شال و قبا دست

عبدالباقی خان افغان جبه کرمانی ثوب

محمد رضا خان تیموری شال و قبا دست

سید علیخان خوافی شال و قبا دست

نصرالله خان بجنوردی شال و قبا دست

میر منصور خان خوافی شال و قبا دست

محمد ابراهیم خان قاجار حاکم جوین جبه ترمه کرمانی ثوب

مهدیقلیخان یاور فوج قدیم فراهانی نشان اول یاوری
صفرعلی بیک یاور اول توپخانه نشان اول یاوری
محمدعلی بیک یاور فوج گروسی نشان دویم یاوری
یعقوب بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه
حسنعلی بیک یاور فوج قرائی شال کرمانی طاقه
اولاد عبدالرحیم خان سنگ بستی از بابت مواجب پدرشان مواجب صد تومان
عطا محمد خان برادر کلادقیخان فورکی مواجب پنجاه تومان
حسن خان سبزواری که در جمیع محاربات بوده و در رکاب همایون نیز آمده بود اضافه مواجب پنجاه تومان انعام پنجاه تومان
نشان یاوری قطعه شال کرمانی طاقه

سیم شعبان در دشتستان تگرگ شد که هر دانه آن بقدر تخم مرغ بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نموده دویم شعبان در شیراز برق بخانه صفر سلطان که یکی از سلطانهای فوج شیراز است زده یکنفر جاریه و دو راس اسب را اهلاک نموده خانه را هم خراب کرده نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس یکفوج از کرمسیر فارس که ششصد نفر از آنها تنگستانی و غیره و چهارصد نفر لاری میباشند برهنگی باقرخان تنگستانی که فعلا در بندر عباس فرستادند که با فوج عرب ابوالجمعی رضا قلیخان سرتیپ ساخلو بندر عباس باشند امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندر عباس صفحات شمیل و میناب و سایر نواحی را خوب منظم نموده است

جناب جنرال برسبلف که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت روس با نامه مودت ختامه اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور بتخت سلطنت مامور دار الخلافه بود بهمراهی بارتولمه پولکونیک که او نیز از طرف جناب جلالتمآب مراد یف جانشین جدید ممالک قفقاز با مراسله مخالصت غازم دربار معدلت مدار میباشد بعد از ورود بسرحد ایران نواب والا نصرة الدوله حکمران آذربایجان قاسمخان سرتیپ را بمهمانداری ایشان مامور و با عزاز تمام وارد تبریز شدند و علینقی خان سرتیپ از طرف قرین الشرف ملوکانه بمهمانداری معزی الیهما مامور شده از تبریز الی دار الخلافه مراقبت تمام از جانب سرتیپ مشار الیه و مباشرین و کارگذاران نسبت برعایت احترام ایشان بعمل آمده روز یکشنبه هفدهم رمضان چادر دولتی در قریه طرشت زده شد و محمدخان بیگلربیگی و نیز محمد رضا خان سرتیپ از جانب سنی الجوانب همایون و خانباباخان سرهنگ از طرف جناب صدراعظم و میرزا عبدالغفار خان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمودخان کلانتر و کدخدایان شهر و استقبال چی بسیار از غلام

وغیره باستقبال ایشان رفته باحترام تمام وارد باغ دولتی مشهور بباغ میرزا نبی خان امیر تومان که قبل از وقت برای ایشان منزل معین شده بود گردیدند و احترامات و تشریفات معموله بطور اکمل در حق ایشان بعمل آمد و روز دوشنبه بیست و پنجم رمضان محمد حسن خان نایب ایشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف خسروانه بمنزل جناب برسبلوف و همراهان او رفته ایشانرا دعوت بحضور مبارک کرده برسم معمول با تشریفات متداوله جناب معزی الیه و همه اجزای سفارت نامه مودت ختامه بحضور باهر النور مبارک مشرف و مورد تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند

امیرزاده لطفعلیخان حاکم بهبهان بعضی مفسدین الوار را بواسطه لطفعلیخان سرتیپ فوج شقاقی دستگیر و تنبیه کامل نموده محض رفاه رعایای جزیره خارک وجوه نخیلات آنجزیره را معاف نمودند

نواب والا احتشام الدوله را بحکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر فرمودند و میرزا زکی کیلانی پیشکار سابق اصفهان کما فی السابق بر پیشکاری نواب معظم الیه برقرار و مخلع گردید عرایض گرد سواری موکب همایون رعایا و غیره مبدهند عباس خان سرتیپ که از امنای دیوانخانه است در رکاب مبارک سوار میشود میگیرد یکصد تومان بر مواجب میرزا محمدعلی سررشته دار توپخانه افزوده شد چون رعایای شاهرود و بسطام از حاجی سلیمانخان حاکم خود شاکی بودند او معزول و عباسقلیخان پسیان که سابقاً حاکم کاشان بود بجای او منصوب گردید همچنین بنا بر سوء سلوک ابراهیم خان حاکم کاشان او را معزول و محمد حسن خان پیشخدمت را بجای او منصوب نمودند نواب والا فرمانفرمای خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر بجهت ساخلوی مرو فرستادند شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادر او شیخ حاکم خان بیک قبضه شمشیر تر غلاف و کرمک طلا نایل گردید

بنا بر کمال مودت دولتین ایران و روس بعد از جلوس اعلیحضرت امپراطور بر تخت سلطنت روس لازم نمود سفیری از جانب سنی الجوانب همایون بآن دربار اند دولت مامور و اظهار تاسف از ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی را از وفات اعلیحضرت امپراطور مرحوم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور را دا نماید لهذا جناب سیف الملک عباسقلی خان میرپنجه را بعد از اعطای القاب و نشان و حمایل میرپنجگی و خلعت و شمشیر و کمر مرصع و دیگر مرحمتهای شاهانه برتبه ایلچی کبیر با نامه مهر علامه بدان دربار اند دولت مامور فرمودند و قاسمخان که سابقاً بر تبه کارپردازی اول دولت علیه متوقف تفلیس بود بمستشاری سفارت کبری با جناب سفیر کبیر مامور سنت پطرزبورغ شد و علاوه بر مستشاری سفارت کبری معزی الیه را مقرر فرمودند که بجهت آ جلالتمآب جانشین مملکت قفقاز از جانب سنی الجوانب همایون تهنیت تفویض شدن مناصب عالیه و مشاغل عظیمه را

بعهده کفایت ایشان ادا نماید

جناب مسیو باره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مأمور بسفارت دربار دولت علیه ایران بود به بندر بوشهر وارد و از آنجا باتفاق مهماندار مخصوص از جانب دولت علیه و غایت شرایط احترامات کامله از جناب وزیر مختار معزی الیه و اجزای سفارت سنیه عازم دار الخلافه شده شب هجدهم شوال در قریه بخشی آباد چادر دولتی زده شد و علیخان میرپنج امشاد و نصر الله خان سرتیپ از جانب سنی الجوانب همایون و خانباباخان سرهنگ از طرف جناب صدر اعظم و میرزا عبد الغفار خان نایب دویم وزارت امور خارجه و محمود خان کلانتر و کدخدایان شهر و مستقبلین زیاد از غلام و غیره باستقبال جناب معزی الیه رفته و باحترام تمام وارد سفارتخانه خود شدند و احترامات لازمه پذیرائی سفرا بطور اکمل بعمل آمد روز بیست و پنجم ماه مزبور محمد حسن خان نوکچی نایب ایشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف ملوکانه بسفارتخانه رفته جناب معزی الیه را با اجزاء سفارت بحضور همایون دعوت کرده با نامه مودت ختامه شرفیاب حضور مهر ظهور مقدس گردیده مورد تفقدات خاصه خسروانه گردیدند

در گله دار که بلوکیست در اواخر گرمسیرات فارس مرض طاعون بروز کرده ولی بجای دیگر سرایت نکرده در اسد آباد همدان تگرگ بسیار شد بطوریکه هر دانه آن بقدر گردوئی بوده آمده و بباغات و محصولات خسارت وارد آمده امیرزاده عبد الباقی میرزا حاکم بندر عباس بمنصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز گردید علیقلیخان میرپنج که در سفر خراسان متصدی خدمات عمده شده بود باعطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون مفتخر گشت نواب والا اردشیر میرزا حکمران دار الخلافه و میرزا موسی وزیر دار الخلافه بجهة مساعی جمیله در امور حکمرانی شهر و توابع مورد مراحم اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه گردیدند پاشاخان سرتیپ با سواره ابوابجمعی خود مأمور خراسان گردیدند فوج بندپی جمعی نصر الله خان سرهنگ شاملو باصفهان شدند فوج تخته قاپوی قراجه داغ جمعی محمد علیخان سرتیپ مأمور شاملو فارس گردیدند یازده عراده توپ با قورخانه مأمور فارس شدند که به بندر بوشهر بروند چهار عراده توپ با قورخانه نیز بعربستان مأمور گشتند کلب حسینخان نایب اول اجودانباشی بمنصب سرتیپی قورخانه مبارکه و خلعت همایون سرافراز گردید جعفر آقای کلانی که منشأ فساد و غالباً او و خان خیوه را محرک بتاخت و تاز بود بعد از شکست قشون اورگنج و قتل خان خیوه بخیوه که بعضی از قراریکه نوشته اند سر او را در خیوه بریده اند محمد قاسم خان که سابقاً بکارپردازی اول مأمور اقامت تفلیس بود در هذه السنه بمستشاری وزارت کبری و بعد از آن برتبه مصلحت گذاری مأمور توقف سنت پطرزبورغ گردید این اوقات بیکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل

سرخ

سرخ از طرف قرین الشرف ملوکانه سرافراز و عازم محل مأموریت خود خواهد گردید بابابیک امشاد و در لک یاوران توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند میرزا هاشم خان حاکم سراب و کرمرود حکومت خلخال یافت جناب جنرال بروسیلوف ایلچی دولت روس مرخصی از دربار همایون حاصل نموده معاودت کرد عمارات مبارکه ارک و غیره و ادارات و بناهای دیگر تعمیر میباشند و این اوقات بنائی دیوانی و غیره در دار الخلافه بسیار میشود فتحعلی بیک نایب اجودانباشی سرهنگ فوج بختیاری بود و لقب خانی سرافراز شد و کریمخان سرهنگ فوج قدیم نصاری را نیز سرهنگی فوج ترشیزی و خلعت همایون سرافراز گردید حاجی شکر الله بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه و خلعت همایون نایل گشت سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قندهاری که از جانب سردار کهندلخان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش بدربار همایون میآمدند این اوقات وارد دار الخلافه شدند امان الله خان والی کردستان در امور ولایت اهتمام مینماید

روز دهم ذیحجه که روز عید اضحی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه چون در قریه افجه متعلق بجناب صدر اعظم تشریف فرما بودند در همانجا سلام عام منعقد شد ذو الفقار خان ولد جناب صدر اعظم حاکم قم و محمد یوسف خان سرتیپ نایب الحکومه یزد در امور حکمرانی خود مساعی کامله دارند کلکری مملکت بر بلیان حبیب الامرا آقا محمد حسن صندوقدار یزد کرده می دستور العمل داده و ساخته است از قراریکه قیمت کرده اند دویست هزار تومان ارزش دارد میرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه منجوقداری کل توپخانه مبارکه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نایل گردید عباسخان زیراهی بحضانت قلعه زیراه (از اعمال فارس و متصل بشبانکاره) مغرور شده دم از خودسری میزد لهذا جمعیتی بر سر او فرستاده قلعه او را کوفته و خود او با اتباع مخذولاً فرار نمود دیوار حصار بوشهر را که بیمن دریاست میسازند میرزا حسنعلیخان دریابیگی بندر بوشهر و محمد باقر خان سرهنگ فوج فریدن و محمد کریم خان یاور را با [illegible] و یک دسته سرباز بجزیره خارک فرستاده و قرار داده است قلعه آنجا را تعمیر کنند و یکعراده توپ شش پوند و پنج قبضه جزایر و بقدر لزوم قورخانه با توپچی و قورخانه چی صنعاقب نهاد و آنه جزیره مزبوره کرده است محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذیحجه مرحوم شد

روز سلخ ذیحجة الحرام موکب اقدس همایون از ییلاق تشریف فرمای شهر دار الخلافه گردیدند

سوانح و وقایعیکه در این سال ۱۲۷۱ در ممالک خارجه و اقطار عالم اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

کدورت مابین این دولت با اسپانیا بجهة حبس یکی از کشتیهای اتازونی در هاوان بدست کارگذاران دولت

اسپانیا عهدنامهٔ تجارتی با دولت ژاپن دولت اتاتونی در صدد است که میان دول متحابه و روس واسطه شود دولت انگلیس از اهالی اتاتونی داوطلب بجهة ماموریت بجنک شرق زمین میخواهد در مجلس شورای کفتکوی سخت بجهة ازاد کردن غلامان میشود در ایالت دیو ژمنی بسبب زود خالت و بانی نیبرسکا معادل شش کرور لنکه (دکیسر) پنبه از اتاتونی بخارج حمل شده

اسپانیا

تولد دختر از ملکه اسپانیا و فوت او بفاصله سه روز اخراج بلد نمودن اغلبی از سرداران قشون بی پولی دولت بشدت دو هزار سوار بکره متوقف پای تخت بودند شورید یکی از سردارانی که اخراج بلد شده بودند میپیوندند شورش در اغلب بلاد سردارها را که اخراج بلد کرده بودند معاودت دادند مادر ملکه را شورشیان جلای وطن دادند روز حرکت او انقلاب در پای تخت شورش زیادی در شهرها روی داد بروز وبا در بعضی از شهرها شورش مختصری در مادرید بر ضد دولت شدت وبا در جنوب این مملکت فوت دنکارلس

المان

ازدواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با الیزابت از انجیب نجبای باویر وزیر جنک مملکت پروس انتحار دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول میشود فوت فردریک اکوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت ژان برادر پادشاه بجای او افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مونیک پای تخت باویر در اخر این سال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد ابتدای راه آهن از مملکت بوهم بنجارستان بتوسط کمپانی فرانسوی

انگلیس

فرستادن یک دسته کشتی جنکی معتبر بدریای بالتیک بسرداری امیرال نپیه اجزای مجلس پارلمان قبول نمیکنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بدو محیط در سمت شمال و مغرب ینکی دنیا انکشاف کرده بود فوت دکتر بارت و وادنک تن دو مسافر بکه در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند

ایطالیا

در ایالت پارم والی انجا را که موسوم بر دوک دو پارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر کنت شامبر است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود بنیابت سلطنت را اختیار میکند تا کبیر شدن او بروز وبا در

ژن و مسین) فوت مادر پادشاه و زن پادشاه بفاصله ده روز و دوک دژن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از ایشان فوت جنرال الکساندر مارمارا سردار دسته سپاه بمرض وبا

ناپل (ایطالیا)

بروز وبا و قحطی و دزدی و شرارت و راه زنی بعلاوه تعدی دولت بر رعیت در روم ان طونلی صدر اعظم را میخواهند هلاک سازند اکرچه پادشاه ناپل کمال بیطرفی را در جنک روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطنا طرفدار روس است دول فرانسه و انگلیس کمال نارضامندی را دارند

پرتغال

پادشاه جوان این مملکت بسیاحت فرنک میرود در مراجعت چون بسن بلوغ رسیده است خود بدون قیم بامور سلطنت رسیدکی مینماید

بلژیک

شورش مردم در تمام مملکت بجهة کرانی ماکولات علی الخصوص کندم اهالی پای تخت هم در شورش امد مسافرت ولیعهد و زوجه او باطریش و بعد ها ولیعهد تمام فرنکستان را سیاحت نموده الی مصر میرود

چین

یاغیها که بر ضد دولت بودند در صدد رساندن صدمه بقونسولخانهٔ فرانسه که در شانکائی است میشوند باین واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده یاغیها را از شانکائی خارج کرده شهر را بتصرف کارگذاران چینی میدهند اهالی کانتون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند

دانمارک

عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد دولت است مغضوب میکردد

روس

فوت اعلیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت این سال ولد ارشد مرحوم امپراطور الکساندر دویم که ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت وعده اجرای خیالات پطر کبیر و سلاطین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت والد ماجد خود میدهد امر باحضار قشون زیاد از ممالک روس میشود هر هزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید باردوها بفرستند تمام راه آهن روس در این سال زیاده از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود

عثمانی

فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جزء قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند دولت عثمانی خیال مسیو لسپس فرانسوی را در حفر نهر مجمع البحرین سوئز قبول نموده و اجازه این کار را میدهد احمد پاشا والی تونس فوت مینماید

مسئلهٔ شرقیه

کشتیهای جنگی فرانسه و انگلیس در اوایل زمستان وارد قرادنکز میشود در سرحد دانوب عثمانیها بقشون روس حمله میبرند نوشته تهدید آمیز انگلیس و فرانسه بروس که حتما افلاق بغدان را خالی نموده بتصرف عثمانی بدهد اعلان جنگ اعلیحضرت امپراطور روس بجمیع ممالک خود اظهار بیطرفی دولت ایران و دول سوئد و دانمارک در این جنگ نوشتجات مخفی که مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده بود انگلیس این نوشتجات را بطبع رسانیده منتشر میکند عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انگلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت برعایای عیسوی خود رفاهیت منظور دارد و دفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در مملکت عثمانی شود که همه بتعمیر امن و آسوده باشند قطع مراوده عثمانی با یونان ورود یکدسته قشون فرانسه به پیره بندر یونان فرستادن ماموری از طرف شامیل داغستانی باسلامبول قشون روس در افلاق بغدان با کمال تسلط زیست میکنند در محاصره قلعه سلیستریه شکست بقشون روس وارد میاید جنرال پسکویچ سردار روس کاری از پیش نبرده جنرال گورچاکف در این سمت دانوب بجای او بسرداری مامور میشود قشون فرانسه و انگلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی در اردوی آنها افتاده آنها را متفرق مینماید لرد رگلان سردار انگلیس و مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه و انگلیس هستند قشون روس بعد از مهاجرت از افلاق بغدان بمیل دول متحابه و امضای دولت عثمانی یکدسته قشون دولت اطریش موقتا در اینجا متوقف میشوند شکست عثمانی در بایزید و قارص تکلیف صلح

مابین

مابین روس و عثمانی بوساطت دولت اطریش قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را ورود پنجاه هزار قشون فرانسه و انگلیس در اواخر تابستان بقریم فتوحات قشون فرانسه در کنار رودخانه الما که با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند سردار قشون روس پرنس منچیکف است فوت مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه از مرض وبا منصب ژنرال کانروبر بجای او جنگ در بالاکلوا قتل زیاد سوارهٔ انگلیس که با قشون عثمانی متفقا میجنگیدند دو پسر اعلیحضرت امپراطور روس گراندوک میشل و گراندوک نیکلا با قشون تازه که منچیکف دفتر آورده بود در اینکرمان با عساکر انگلیس و فرانسه در کمال سختی جنگ میکنند فتح قشون فرانسه و انگلیس و شکست روس طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انگلیس دولت پروس هم باطنا با دول فرانسه و انگلیس و اطریش که بر ضد روس اند موافقت میکند کشتیهای جنگی انگلیس قلعه سخت بمارسوند را که متعلق بروس و در جزیره آلاند در دریای بالتیک واقع است با کمال سختی با گلوله توپ و نارنجک ویران میسازد استحکامات سوستاپل بواسطه تعلیمات توتلبن مهندس روس بقدری سخت است که حمله های پی در پی عساکر روس و انگلیس رد شده بیفایده میگردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت پروس میخواهد داخل این مجلس شود اما اطریش قبول نکرده میگوید چون عساکر خود را بر ضد روس با ما حاضر نکرده حق ورود باین مجلس را ندارد دولت ساردین (ایطالیا) بیست هزار نفر از عساکر خود را بجنگ روس و بکمک عساکر فرانسه و انگلیس میفرستد فوت مرحوم امپراطور نیکلا که در ماه حوت اتفاق افتاده بهیچوجه وضع جنگ را تغییر نمیدهد عمر پاشا سردار عثمانی از طرف دولت خود بکمک عساکر دول متحده وارد سواستاپل میگردد در کونفرانس وین دولت اطریش را که مقصود انعقاد مقدمات صلح ما بین دولتین روس و عثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در قرادنکز سفاین جنگی نداشته باشد کونفرانس وین مثمر ثمری نگردید دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکند و وضع خود را در انظار طوری جلوه میدهد که مداخله در مسئله شرقیه نمیخواهد بکند جنرال پلیسیر سپهسالار کل عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل میگردد چند سفینه جنگی فرانسه و انگلیس بدریای آزوف ورود میکنند و فتوحات نمایان از آنها معروف میشود از اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل در نهایت گرمی است نقاطیکه در تصرف عساکر دولتین متحده است خیلی نزدیک بقلعه و مجهز بوده و شیء مساعد است لرد راگلان سپهسالار انگلیس بمرض وبا که شدت دارد در سواستاپل فوت میشود فتح قلعه معروف بمالاکوف بواسطه عساکر فرانسه بسرداری جنرال بوسکه و جنرال ماکماهون که فی الواقع فتح سواستاپول از همان شد در اوایل پائیز جنرال گورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی دولت خود را بواسطه اینکه مبادا بتصرف دشمن

دریا بدعزق میسازد جنرال پلیسیر سردار فرانسه بمنصب مارشالی میرسد قلعه‌جات و سنگرها و استحکامات که در سواستاپل بود تماما معدوم و با زمین مساوی گشت در کامشانکا یکی از قلعه‌جات روس را سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب میکنند والی دهنه رود آمور میتازند در مملکت فنلاند متعلق بروس قلعه بمرزند نارنجک متصرف میگردند امپراطور جدید روس اعلیحضرت اسکندر دویم بیرون از کلایف میاید زمستان بسیار سخت امسال بجهه عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است فوت امیرال فرانسه بروا در دریا از مرض وبا موراویف سردار روس قلعه قارص را که مهندسین انکلیس محکم ساخته اند محاصره نمود مامور عمر پاشا بطرف باتوم آچقی فتح قارص در اوایل زمستان بدست سردار روس اتحاد دولت سود و نروژ با دول انکلیس و فرانسه

فرانسه

بجهه مصارف جنک دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض میکند و ملت زیاده از صد کرور تومان حاضر میکنند مالیات دولت که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایران است مخارج دولت که وکلا معین کرده اند که باید از انقرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت بمصارف مقرره که در وصیتنامه ناپلیون اول است در جزیره سنت هلن میرساند شدت مرض وبا در پاریس اعلیحضرت ناپلیون و امپراطریس بلندن ببازدید پادشاه انکلستان میروند شخص ایطالیائی که در پاریس در صدد قتل ناپلیون است بچنک آمده مقتول میشود

تفصیل این مقال انکه شخص مزبور را نام پیانوری و مدتی در پاریس بود عصر روز بیست و هشتم آوریل اعلیحضرت امپراطور در خیابان شانزلیزه با دو نفر از اجودانهای خود گردش میکردند شخصی ملبس بلباس خوب غفلتا از میان مردم بیرون آمده دو تیر طپانچه بطرف ناپلیون خالی کرد و هیچیک از گلولها بناپلیون نخورد ناپلیون با اشخاصی که بواسطه این مقدمه نزدیک آمده بودند با کلاه و دست سلام داده باراحتی اسب خود را میرانند تا با امپراطریس که در کالسکه بود رسیدند شخصی که مرتکب اینعمل شده بود حکم بقتل او صادر شد در نطق افتتاح مجلس اعلیحضرت ناپلیون اظهار نارضائی از رفتار دولت اطریش در مسئله شرقیه مینماید پادشاه ساردین (ایطالیا) با وزیر اعظم خود کونت کاوور بپاریس آمده در عمارت طویلری ناپلیون آن پادشاه را پذیرفتند افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنج ماه امتداد داشت در پاریس کمپانی بجهه حفر نهر مجمع البحرین سوئیز مصر تشکیل یافت

مصر

عباس پاشا والی مصر بجهه قساوت قلب و میلی که بخونریزی داشت دو نفر از غلامهای او او را خفه میکنند عموی او سعید پاشا که بزرگترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنکستان تربیت شده بود در انوقت بجای او والی مصر میشود

مکزیک

در حوالی ماتاموروس سانتا لوی قشون بدولت یاغی شده شورش مینمایند فرار رئیس جمهور قرار وضع دولت موقتی

هلاند

منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هندوستان که متعلق باین دولت است عهدنامه تجارتی با دولت ژاپن

ینکی دنیای جنوبی

افتتاح راه آهن جدید در برزیل از جزایر کوچک شنکاس که متعلق بمملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی انجا سکنا داشته فضلات خود را انجا ریخته بودند و تا انزمان فرنکیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی اراضی این جزایر بچندین ذرع قطر از فضولات طیور بحری است از برای رشوه زمین خیلی مثمر ثمر میباشد در اینسال انکشاف کرده کشتی کشتی ببلاد فرنک و سایر بلاد ینکی دنیا بردند افتتاح راه آهن از شاکرالی پاناما بعد از پنج سال از شروع هشتاد هزار ذرع با هفت کرور تومان پول ایران مخارج شد شورش شدید در مونت ویدو

ینکی دنیای مرکزی

در شهر سان سالوادر که در بوزیل واقع است زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد میاورد

یونان

دزدی و راه‌زنی بشدت در این مملکت وزیر جنک که با دولت روس عداوت دارد بپادشاه خود که دوست روسهاست کلمات مستهجن میگوید

شرح سال هشتم سلطنت تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه صاحبقران دام ملکه و عز نصره مطابق هزار و دویست هفتاد و دو هجری توشقان ئیل ترکی

موکب اقدس همایون شهریاری روحنا فداه در دارالخلافه بمهام ملکی و دولتی توجه میفرمایند و کلیه بلاد و عباد را بشمول عدل و نصفت آسوده و مرفه میدارند جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران مامور سنت پطرزبورغ که در نوزدهم ذیحجه وارد تبریز شده دوازدهم محرم از تبریز با اجزای سفارت سنیه روانه مقصد گردیدند حکومت استراباد را بجعفرقلیخان ایلخانی مرحمت فرمودند و بیک ثوب جبه ترمه کشمیری خلعت همایون سرافراز گردید و میرزا اسمعیل خان که سابقا در استراباد مباشر مهام خارجه بود علاوه این منصب بپیشکاری استراباد و خلعت همایون نایل گشت عبدالله خان میرپنجه ولد مرحوم محمد حسن خان سردار از کرمان بدربار معدلت مدار آمده بخلعت التفات مفتخر گردید روز هفدهم محرم جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه مامور سنت پطرزبورغ وارد سرحد شده صاحبمنصبان دولت فخیمه روس یعنی کانوف سرهنگ توپخانه و بوره شوف مترجم و بارطانوف نایب فرمانوف حاکم نخجوان و کلبعلیخان پسر احسان خان و ژدکوف مریض حکیمباشی و جمعی سالدات و سواره و صاحب منصبان دیگر با ده عراده کالسکه و ده عراده درشکه چند روز قبل وارد شده منتظر ورود جناب مشارالیه بودند بعد از ورود بانطرف رود ارس جمعی صاحب منصب بمبارکباد ورود فرستاده کمال توقیر و احترام بعمل آوردند روز دیگر که بانطرف رود ارس رفتند صاحبمنصبان مزبور بدیدن آمده نهایت پذیرائی و اعزاز و احترام مرعی داشته جناب سیف الملک نیز با هر یک بمخالصت تمام و مودت کامل برخورد کرده روز نوزدهم روانه سنت پطرزبورغ شدند چون سید محمد خان ظهیر الدوله حکمران هرات بنای سوء سلوک با اهالی هرات گذاشته اعالی و ادانی را از خود رنجانیده از جمله که یار محمد خان هزاره را بیموجبی بقتل رسانیده و از سفر قورات که برگشته توپ ببروج و بدنه شهر بسته سبب این حرکت را از او پرسیده بودند گفته بود میخواهم بدانم هرات را با توپ میتوان خراب کرد یا نه نتیجه این اعمال آنکه اهالی آنولایت هزاره ها بشهر کشیده و سید محمد خان را گرفته و در جزو شاهزاده محمد یوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نوشتند که خود را بتعجیل بهرات برساند مشارالیه نیز بوصول اینخبر فوراً بدون اینکه کسی اخبر یابد با اینکه نواب والا فرمانفرما

حکمران

حکمران خراسان مطلع شود بهرات شتافته و اهالی شهر از افغان و هزاره وغیره او را بحکومت خود تعیین کردند و الان مشغول حکومت آنولایت است دستمحمدخان سلطان بهادری توپخانه مبارکه سرافراز گردیده مامور ساخلو عربستان شد حاجی ملا محمود نظام العلما برحمت ایزدی پیوست مرض وبا در دارالخلافه طهران بروز کرده است نادرقلیخان ثانی از جانب حکومت آذربایجان بحکومت ارونق و انزاب مامور شد محمدقلیخان ایلخانی فارس در انتظام ایلات ساعی است

شب پنجشنبه ششم صفر که عید مولود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره میباشد در تمام ولایات و ایالات ممالک محروسه جشن گرفتند و روز عید سلام عام در دارالخلافه در حضور مبارک منعقد گردید محمد علیخان شجاع الملک را باعطای یکقطعه نشان از مرتبه سیم میرپنجگی سرافراز فرمودند در چهاردهم ماه صفر موکب همایون از دارالخلافه تشریف فرمای نگارستان گردید میرزا اسمعیل خان پیشکار استراباد و مباشر مهام خارجه آنولایت بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید میدان توپخانه و نقاره خانه کرمانشاهان از نواب والا عمادالدوله در کمال خوبی مرمت مینمایند میرزا نصرالله اردبیلی مشهور بمصدق الممالک در کرمانشاهان مرحوم شد روز ورود جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بتفلیس انواع تشریفات کامله و پذیرائیهای شایان و اعزاز و احترامات نمایان کارگذاران مملکت قفقاز نسبت بجناب معزی الیه منظور داشتند نصرالله خان خالوی اعلیحضرت اقدس شهریاری دام ملکه بمنصب نظام العلمائی و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان بدربار همایون احضار و میرزا محمد قوام الدوله را بوزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند آقاخان سرتیپ بلاشتر دین بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید میرزا محمد حسین عضد الملک بمنصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه نایل و مخلع گردید عباسقلیخان میرپنجه مامور گرفتن یکفوج جدید امیریه است فرمان همایون که بسرافرازی آراض خان و سایر ترکمانان سرخس شرف صدور یافته بود نهایت مایه امیدواری ایشان گردید پنج شش هزار خانوار با صداقت بانقیاد و اطاعت و خدمتگذاری دولت علیه میباشند حکیم کلوکه فرانسوی که در دربار همایون منصب حکیمباشیگری داشت وفات یافته حکیم پولاک بجای او بمنصب حکیمباشیگری حضور همایون برقرار و بیک کمر الماس و یکطاقه شال کشمیری سرافراز شد محمدتقی بیک پیشخدمت بلقب خانی نایل گردید

روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندگان سرکار اعلیحضرت اقدس همایون تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون شده متعلمین هر علمی امتحان خوبی در حضور مبارک دادند و مقرر شد شاگردان جدید بجهة توپخانه مبارکه معین شود و شاگردان دواساز عملی که در علم دواسازی آموخته بودند بمنصه ظهور رسانیدند

بانعام شاهانه سرافراز گردیدند چند نفر از شاگردان توپخانه نیز که مواظب ساختن سنگر بودند مورد انعام شدند یک طاقه شال هفت رنگ بقیمت صد و پنجاه تومان و طاقه دیگر سفید و آبی بقیمت صد تومان بدستور العمل مرحوم محمد حسن خان سردار در کرمان بافته بودند بدار الخلافه آورده با شالهای خوب کشمیر که بهمین قیمت است هیچ فرقی ندارد در قم و کاشان و بروجرد ناخوشی وبا بروز کرده محمود خان کلانتر بیک قبضه حمایل سفید از مرتبه اول سرهنگی و یکثوب جبه ترمه سرافراز شد محمد قلیخان نوری غلام پیشخدمت بحکومت تربت حیدریه برقرار گردید جمعی سوار افاغنه بتاخت و تاز قاینات رفته بودند میر علیخان پسر امیر قاین آنها را شکست داده و سر و اسیر از آنها گرفته لهذا امیر قاین مخلع و میر علم خان بنشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد در شهر سلطان آباد یکروز دو مرتبه زلزله شدید شده اما خرابی بجائی نرسانیده غلامحسین خان سپهدار را بحکومت کرمان و مضافات و یکثوب جبه ترمه دور زنجیره و یکثوب قبای ترمه از ملابس خاص مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات را نیز بوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت همایون سرافراز فرمودند چون سواره اوصانلوی خوار بجهة بی مبالاتی جلیل خان سرکرده سواره مزبوره چنانکه باید منظم نبودند آنها را ابوابجمع محمد حسین خان پسر میرزا فتحعلیخان مستوفی کردند مطلب خان سرکرده سواره و پیاده کوزادی و بسطامی را احضار در رکاب اعلی فرموده عبد الکریم بیک غلام پیشخدمت پسر برادر عباسقلیخان حاکم شاهرود و بسطام را بسرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند بموجب روزنامجات خراسان امیر دوست محمد خان سردار کابل بتحریک همسایگان قشون بر سر قندهار کشیده انجا را متصرف شده و اراده تصرف هرات را دارد و اولیای دولت علیه استقلال حکومت هرات را که از حکام کابل و قندهار بانجا دست اندازی نشود بجهة حفظ انتظام داخله خراسان بلکه نظم بلوچستان و کرمان لازم دانسته لهذا لابد باید قشون مستعد بجهة دفاع و تنظیم داخله و سرحدات خود بهرات فرستند و آنمملکت را از تطاول امیر دوست محمد خان محفوظ دارند و حکومت هرات را نگذارند بدست غیر انتقال یابد

میرزا عبد الله خان را بمنصب جلیل استیفای خاصه و خلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا آقاجانی لشکر نویس مرحوم و میرزا باقر برادر زاده او بجای او بمنصب لشکر نویسی برقرار و مخلع شد آقا جبار پیشخدمت بلقب خانی نایل گردید شخصی در قهرج نرماشیر ناخوش بود در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرا بشکافند جانوری در آن هست بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری بترکیب چلپاسه که تخمیناً سه چهار ربک وزن داشت از شکم او بیرون آمد میرزا فتح الله لشکر نویس باشی که بعتبات عالیات رفته بود در کرمانشاهان مرحوم گردید میرزا محمد علی آبادی وزیر کرمان بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز گردید که

مادام

مادام مأموریت و بعد از آن در سلک مستوفیان باشد فرخ خان صندوقدار وجوه خاصه بیک قطعه کل کمر مکلل بالماس سرافراز گردید شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که از اجله علما بود در ماه ربیع الاولی در شیراز برحمت الهی پیوست

بندی از بندهای بلوک کربال در فارس که از بناهای عضد الدوله دیلمی است و بمرور خرابی بهم رسانید چهل پنجاه پارچه دهکده بی آب و لم یزرع مانده بود نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس مخارج ساختن آنرا داده در کمال استحکام ان بند را میبندند چون جمعیت دار الخلافه باهره روز بروز زیاد میشود و برای متوطنین بجهة ضیق مکان صعوبت حاصل است محض توسعه منزل و مقام آنها از قلعه دار الخلافه بعضی اراضی خالصه باغات را که تقریباً چهل هزار ذرع میشود و معروف بباغ خنزرخانی و باغ قورخانه و باغ امان الله خانی است با کل ما یتعلق بها بمحمد تقی خان معمار باشی واگذار کردند که هر کس از آن اراضی بخواهد از مشار الیه ابتیاع نماید نواب الاعز فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که مریض بودند در شانزدهم ربیع الثانی در ارض فیض قرین مشهد داعی حق را لبیک اجابت گفتند و ایالت و حکمرانی مملکت خراسان از طرف قرین الشرف ملوکانه بنواب احتشام السلطنه مفوض و بیکثوب خرقه ترمه تن پوش مبارک سرافراز گردیدند شمس الشعرا میرزا محمد علی متخلص بسروش بلقب خانی و خلعت همایون مفتخر گردید شیخ مشکور مجتهد نجفی که از اجله علما بود و بجوار رحمت الهی پیوسته در دار الخلافه فاتحه خوانی مجللی برای آنمرحوم اعلی الله مقامه گذاردند هفتصد خانوار باخرزی که در ازمنه سابقه بهرات رفته و در انجا ساکن شده بودند این اوقات بوطن خود معاودت کردند میرزا احمد خان دبیر مهام خارجه با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و حمایل سرخ سرافراز گردید نواب شاهزاده لطف الله میرزا را بحکومت مازندران و یکثوب جبه ترمه دور زنجیره از ملابس خاصه مفتخر فرمودند خلجی میرزا محسن از اجزای سفارت کبری مأمور سنت پطرزبورغ (جناب معاون الملک) بلقب خانی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا عباس منشی اول وزارت امور خارجه با عطای لقب خانی و یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید میرزا عبد الرحیم خان آجودان وزارت خارجه که بنیابت اول سفارت اسلامبول مأمور شده بود بیک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول بادوی سرافراز گردید حاشیه ترمه در کرمان بافته اند که بعینه مثل حاشیه عبد العظیم خانیست محمد خان میرپنجه که در خدمات مرجوعه خاصه انتظام امور مدرسه مبارکه دار الفنون اهتمام کامل نموده بمنصب امیر تومانی و حمایل آجودانی خاصه همایون سرافراز شد که همواره مهمات اهل نظام را عموماً بعرض خاکپای همایون برسانند روز نوزدهم ربیع الاول جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه مأمور سنت پطرزبورغ با اجزای

سفارت سنیه وارد مسکو شده جنرال کنیازی که از جانب اعلیحضرت امپراطور مامور بود برای سفارت
کبری بود با حاکم و قلعه بیگی مسکو و جنرالها و اعیان شهر از جانب مغربی البه استقبال کرده شرایط اعزاز
و احترام و تشریفات را کاملا منظور داشتند روز بیست و سیم ماه مزبور امان الله خان از اجزای سفارت کبری در
مسکو مرحوم شد روز بیست و هفتم ربیع الاول جناب سفیر کبیر از مسکو وارد سنت پطرزبورغ گردیده
بتوسط راه آهن و پذیرائیهای لایقه کامله بپای تخت رسیده روز بیست و نهم با جناب غراف نسلرود
صدراعظم دولت روس ملاقات نموده و بعدها بحضور اعلیحضرت امپراطوری تشرف جسته از جانب اعلیحضرت
همایون رسوم تعزیت و تهنیت را ادا نموده اعلیحضرت امپراطور کلمات مودت آیات نسبت باعلیحضرت همایون بیان
فرمودند امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل و بکتوب
جبه ترمه سرافراز گردید ولیخان سرتیپ فوج سیلاخوری مرحوم شد و رستمخان پسر او بمنصب سرهنگی فوج
مزبور و خلعت همایون نایل گردید عباسقلیخان پسیان که بحکومت شاهرود و بسطام مامور بود روز بیست
و هفتم جمادی الاولی از شاهرود به بسطام میرفته جمعی از اشرار غفلةً در میرها وخالی کرده او را مقتول نمودند
لهذا چراغعلیخان نایب الحکومه سابق اصفهان بحکومت شاهرود و بسطام مامور و مخلع گردید و مقرر شد
قاتلین عباسقلیخان را دستگیر نموده بدربار همایون بفرستند تا قصاص و سیاست شوند عمارت جدید بطرح
تازه در جنب عمارت اندرونی سلطنتی در دار الخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال
شکوه و امتیاز حسب الامر ساختند و انجام این خدمت چون بر عهده حاجب الدوله والد مؤلف عفی الله مقرر گردیده
و مساعی جمیله نموده بود مورد عواطف مخصوصه شاهنشاهی گردید میرزا ملکم سرهنگ مهندس تاماذر
و مترجم دولت علیه که در خدمات مرجوعه کفایت خود را ظاهر ساخته و هنگام انعقاد عهدنامه مبارکه فیمابین
دولتین علیتین ایران و فرانسه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد معاهده بود باعطای یکقطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد بارود کوبخانه قزوین که سابقاً خرابی
بهم رسانیده بود حاجی حسنعلیخان پیشکار قزوین از نو مرمت کرده و یکصد خروار باروط تا کنون در آن ساخته اند
بعد از رفتن جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس از دار الخلافه بتبریز بعضی سوانح در افغانستان
اتفاق افتاده که ضرر کلی بجهة داخله خراسان داشت و بر اولیای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط
حکومت قندهار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان بود تدابیر لازمه بکار برند که هم رفع
آن فتنه ها بشود و هم آن دو ولایت بحالت حکومت علیحده برقرار بماند بمنه الخالق الاحد
اما تفصیل سوانح مزبوره اینکه بعد از فوت سردار کهندلخان سردار قندهار مجهة ریاست و حکومت انجا

فیمابین

فیمابین اخوان و اولاد او خشونتی فی الجمله ظاهر گردید اولیای دولت علیه منظور داشتند بجهة یکنگی
کامل که مرحوم مزبور بدولت علیه داشت برای تسلیت آنها و رفع خشونت مابین و اصلاح مامور روانه
نمایند در این بین امیر دوست محمد خان خبر وفات کهندلخان و اغتشاش هرات را شنیده فرصت بافته بهانه
تعزیت و اصلاح ذات البین خود را بقندهار رسانیده آنها هم چنان دانستند که محض دلسوزی و اخوت آمده
و باز مغاودت خواهد کرد لهذا او را اکرام و استقبال نمودند لکن امیر دوست محمد خان با قشون و استعداد
زیاده از حد قدرت او که همیشه مشاهده میشد آمده لدی الورود بجمیع دروازه ها قشون خود را گذاشته
و در مقام تصاحب قندهار برآمد و اخوان و اولاد و کسان سردار کهندلخان را بی دخل و بری نموده متواری
ساخت و هر یک بطرفی رفته در جائی سکنا گرفتند و از آنها رحمدلخان و میرافضلخان و محمد صدیق خان و
محمد عمرخان و سلطانعلیخان مظفرالدوله که دو سال قبل بسمت نوکری بدربار همایون آمده بلقب مظفر
الدولگی و منصب سرتیپی سرافراز شده و غلام محی الدین خان و عبدالله خان و خوشدلخان و یحیی خان
و صاحبزاده و محمد علم خان و فتح محمد خان و سایر وابستگان او عریضه بحضور اقدس شاهنشاهی نوشته
و از تطاول و دست اندازی امیر دوست محمد خان بخانواده آنها اظهار تظلم نموده بجهة رفع تعرض امیر دوست محمد خان
و بقای خالت حکومت و محل حکومت خودشان باحوال سابق استغاثت از اولیای دولت علیه جستند و امیر
دوست محمد خان بعد از تصاحب و تصرف قندهار عزیمت هرات را تصمیم نموده از شاهزاده محمد یوسف و عموم
روسا و علما و اعیان هرات نیز عریضه جات متعدده باولیای دولت رسیده در مقام تظلم برآمدند و کم
مانده بود که هرات بشکند و از اینطرف هم سردار علیخان از سر کوه سیستان خاک ایند ولت عریضه بدربار
همایون بتعجیل فرستاده که امیر دوست محمد خان یکی از پسران خود را با تاخت و تاز سیستان و بلوچستان فرستاده
چون اولیای دولت علیه این حرکات ناشایسته امیر دوست محمد خان را دیدند و ملاحظه اینکه نزدیک است
اوضاع آنصفحات و داخله خراسان منقلب شود لهذا قشونی مامور هرات نمودند که بجهة محافظت هرات و نظم
خراسان قشون دولت هم در آنصفحات بوده متوجه حفظ و حراست هرات و تامین اهالی آنجا باشد که امیر دوست
محمد خان هوس عزیمت هرات و آمدن آنصفحات را ننماید و بسرداری کابل که داشت قانع شود و از مداخله در
کار هرات و قندهار در گذرد چون این اوقات قشون بسمت هرات رفت بعد از این هم در باب قندهار و
حفظ اولاد کهندلخان و نظم حکومت ایشان مذاکره خواهد شد
قاتلین عباسقلیخان پسیان را که از اشرار نوکر کوذاری بودند چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام دستگیر
کرده بدار الخلافه باهره فرستاده سیاست شدند محمد رضاخان سرتیپ بمنصب اجودان خاصه گی و بکوشنه

حمایل قرمز و یکقطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد عبدالعلیخان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی توپخانه دکم
وخلعت همایون مفتخر گردید شغل برات نویسی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه را بمیرزا محمد علی سررشته دار
کل توپخانه مبارکه و اصطبل توپخانه را واگذار نمودند اصطبل توپخانه مبارکه را باصلان بیک یاور اول توپخانه
واگذار نمودند در بیرون شهر سمنان در موضعیکه مشهور بستاده است قریب بهزار مار در پشته که در آنجا
واقع است بیرون آمده اهالی آنجا بتماشا رفته اطفال وغیره آنها را بسنگ و چوب هلاک میکردند ولی مارها
بکسی اذیت نمیرساندند و بالاخره از کثرت اذیت اطفال متواری شدند امیر اصلانخان را بحکومت گیلان مفتخر
و یکثوب جبه ترمه دوز نجیره از ملبوس خانه خاص بامیر الامراء معظم الیه مرحمت فرمودند محمد ابراهیم خان سرتیپ
بیکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز گردید شاهزاده لطف الله
میرزا حکمران مازندران علیخان مهندس را بفرح آباد فرستاده مکان برج بلند وغیره آنجاها را تشخیص داده
ومعمار و بنا و عمله و مصالح کار مهیا نموده و بحفر خندق و نهر و داغ مرز و اصلاح خندق حسین آباد و حفر خندق
جنب قلعه مبارکه ناصر آباد رفتند وزارت همدانرا بحاجی میرزا عزیز تفویض فرموده بخلعت همایون سرافراز
گردید قرار طبع روزنامه ملتی در دار الخلافه داده اند چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام بیکقطعه نشان از رتبه
اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و یکثوب جبه ترمه سرافراز گردید مرو بهنا و سرخسیها کمال خدمتگذاری را
نسبت باولیای دولت علیه مینمایند و از قرار مذکور کار اورگنجها بسیار پریشان است و برادر خان
خیوه که بجای او در اورگنج حاکم شده بود طایفه یموت ترکمان مقتول نموده و بالفعل یموت بجماعت اورگنجی
فایق و عرصه را بانها تنگ کرده اند

از اتفاقات حسنه اینکه عید نوروز فیروز امسال و عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام در یکروز است لهذا شب پنجشنبه سیزدهم رجب که شب عید بزرگ است در دار الخلافه
جشن گرفته چراغان و آتشبازی نمودند در روز پنجشنبه قبل از ظهر سلام مخصوص بجهت عید مولود حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام انعقاد یافت و چون شش ساعت و پنجاه و چهار دقیقه از روز مزبور گذشت
آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود سلام خاص تحویل منعقد شد و فردای این روز سلام عام
عید نوروز در تالار تخت مرمر با شکوهی تمام اتفاق افتاد

جناب صدر اعظم را باعطای یکقطعه قلمدان مکلل بالماس بسیار ثمین ممتاز اعلی که علامت بزرگ
شخص اولی صدارت ایران بود شرف اختصاص عنایت فرمودند شجاع الملک در فارس عزیمت اشجار توت
نموده که ابریشم بعمل آورد چراغعلیخان حاکم شاهرود و بسطام را طلبیدند که بحکومت خمسه مامور نمایند

میرزا احسن علیخان

میرزا احسن علیخان در بابیکی بندر بوشهر بیکقطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی سرافراز گردید نواب والا عماد الدوله حکمران
کرمانشاهان باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید حکومت نهاوند را بمحمد رحیمخان
نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) مرحمت فرموده و یکثوب جبه ترمه معزی الیه مفتخر گردید و سواره خزل را نیز
بعبد الله خان ولد ایشان ابو الجمع داشتند میرزا محمد صادق قایم مقام از آذربایجان بدربار همایون آمد
در اصفهان بارندگی زیاد شده سیل رود زاینده رود بحدیست که نادر اینطور دیده میشود

در ماه شعبان امسال نواب والا علیقلی میرزا را ملقب باعتضاد الدوله فرمودند و بیکثوب قبای ترمه تن پوش
نواب معظم الیه مفتخر گردیدند حاجب الدوله والد مؤلف بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس
از درجه سیم سرافراز شد محمد قلیخان یوزباشی که با صد و پنجاه نفر غلام بهمراهی چراغعلیخان مامور بسطام شده بود
و در گرفتن مقصرین و قاتلین عباسقلیخان خدمت کرده بیکطاقه شال کشمیری و یکثوب قبای پولک دوز
سرافراز آمد یحیی خان (جناب معتمد الملک) بمنصب مترجمی وزارت امور خارجه برقرار گردید حاجی باقرخان
سرهنگ فوج فریدن و میرزا عبد الوهابخان سرهنگ فوج سرده بنشان سرهنگی از درجه دویم نایل گردیدند
جمعی ترکمانان از خوارزم بعزم خدمتگذاری این دولت ابد آیت میآمدند طایفه تکه در سر راه بممانعت آنها
برخاسته جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد خبر شده با سواره چکنی و بجنوردی و بغایری و زرینی و یموت و کلران
بر سر طایفه تکه رفته تنبیهی کامل و سزا از آنها نمود عبد الله خان صارم الدوله بمنصب میر پنجگی و یکثوب کلیجه از ملابس
خاص مفتخر شد امیر اصلانخان حاکم گیلان بلقب عمید الملکی ملقب گردید معادن گلوله ریزی مازندران
خوب کار میکنند و اهل آنولایت هنر در کاشتن نیشکر و عمل آوردن شکر اهتمام مینمایند جانمحمد خان قاجار
بحکومت شاهرود و بسطام و خلعت همایون سرافراز گردید چون تکمیل هر علمی منظور نظر انور همایون است مقرر
فرمودند تواریخ ایران را از جائیکه تاریخ روضة الصفا ختم نموده و خاتمه در زمان سلطان حسین بایقرای
گورکانی بوده و از آنوقت تاکنون سیصد و هفتاد و دو سال گذشته تاریخ اینمدت را رضاقلیخان ناظم مدرسه
مبارکه دار الفنون که از اجله امرا و در تواریخ سلف و حوادث ایام و سنوات تتبع تام و تمام دارد در سه جلد نگاشته
ضمیمه هفت جلد روضة الصفا نماید و فهرستی بر طبقات انبیا و سلاطین الی الان قرار دهد که تا جزو تقدیم
طبقات و عدد و زمان ملک ایشان بسهولت معین و واضح باشد و یکهزار نسخه از این کتاب که موسوم بروضة الصفای
ناصری گردید و عبارت از ده جلد است یعنی هفت جلد سابق و سه جلد لاحق بمجلس طبع در آورند میرزا ملکم خان
سرهنگ اتاماژور و مترجم مخصوص دولت علیه مامور بسفارتخانه این دولت قوی شوکت در اسلامبول گردید
چراغعلیخان حاکم خمسه بیکقطعه نشان از مرتبه سیم میرپنجگی مفتخر شد مبلغی تخفیف بوغای گیلان مرحمت فرمودند

محمد ابراهیم خان یزدی بحکومت خوانسار و کلپایکان و خلعت همایون سرافراز گشت در ساوه انقلاب هوائی فوق العاده شده رعد و برق نمودار و باران طوری نزول نموده که در نیمساعت سیل عظیمی برخاست و یکصد و پنجاه باب خانه در خود ساوه خراب کرد و بسیار خانه‌ها نیز از سیلاب پر شد طفلی در دارالخلافه تولد نموده که سر سر داشت یکسر بصورت متعارف انسانی که همه چیزش درست مگر یک چشم نداشت که جای چشم بود و بی تخم چشم و دو دندان و زبانی زبر و کوچک مثل زبان خروس داشت سر دیگر بعقد و نارنج بزرگی بود و بی مو و بدون هیچ آثار علامت سر بسیم بعقد دهند و انرا قرا باغی و آنهم بی آثار و علامت دستهایش پیچیده مثل دست و پاهایش نیز پیچیده و در دستها چهار ده انگشت داشت و آلت رجولیت نداشت ولی خصیتین داشت مقر بولش سوراخ کوچکی بود آوازش مانند آواز جوجه خروس بیست و چهار ساعت زنده بود بعد فوت شد

مرتضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان نوری (مرحوم وکیل الملک) (جناب وکیل الملک) بمنصب سرهنگی سرافراز گردید روز عید سعید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافته عموم چاکران آستان سپهر نشان همایون بزیارت جمال مهر مثال مقدس سرافراز گردیدند میرزا محمد صادق قائم مقام بیک حلقه انگشتری الماس که اینها و یک ثوب جبه ترمه آز ملابس خاص و حمایل و نشان امیر تومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت باذربایجان نماید فرخ خان صندوقدار خاصه بلقب جلیل امین الملکی و یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا صادق کاشانی بلقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب نیابت اول کارپردازخانه بمبئی سرافراز گردید جعفر قلیخان قاجار سرتیپ افواج مراغه بمنصب میرپنجگی مفتخر گردید در زهاب من اعمال کرمانشاهان تگرگی باریده که از قرار مذکور هر دانه بقدر نارنجی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده محمد تقیخان پسر حاجی محمد هاشمخان امیر دیوان فارس بسرهنگی فوج حومه شیراز برقرار گردید سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر سردار کهندلخان حاکم قندهار که سابقاً بر کاب مبارک آمده بود بعد از تعرضات و سوء سلوک امیر دوست محمد خان که اولاد سردار کهندلخان مرحوم سواری و فراری شدند و آنچه داشتند از انها گرفتند معزی الیه با برادرش سردار عبدالله و جمعی خوانین اچکزائی با اهل و عیال با اسپدوار تمام پناه باین دربار معدلت مدار آورده مقرر فرمودند که در خراسان جا و مسکن شایسته بجهة خود و عیالشان معین نمایند و از نقد و جنس بجهة اخراجاتشان مرحمت شد چون قورخانه شیراز کوچک و مختصر بود حسب الامر نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس قورخانه خوبی ساختند محمودخان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا جعفرخان پاورتوپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه نایل و مخلع گشت آخوند ملا کاظم که از جمله فقها و مجتهدین دارالخلافه بود در اواخر ماه شوال داعی حق را لبیک گفت نواب والا اردشیر میرزا حکمران

دار الخلافه

دار الخلافه باهره بیک ثوب جبه ترمه زمردی خاشیه دار و میرزا موسی وزیر دار الخلافه بعصائی مرصع بجواهر مفتخر گردیدند علی آقا نایب اجودانباشی بمنصب سرهنگی سرافراز گردید میدان نقش جهان اصفهان را حسب الامر تعمیر میکنند

چون ما بین سلاطین با تمکین دول اروپا معمول است که معتبرترین نشانهای دولت خودشان را بجهة دلیل و علامت کمال اتحاد با هم بیکدیگر اهدا مینمایند و بنا بر مودت کامله ما بین دولتین ایران و فرانسه این اوقات اعلیحضرت ناپلیون امپراطور ممالک فرانسه اعظم نشانهای دولت خودشان را از درجه اول (لژیون دنر) مرصع بالماس با لوازم و حمایل آن با انضمام نامه مهر علامه نزد جناب مسیو بوره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مقیم دربار دولت علیه ارسال و جناب معزی الیه را مامور بتبلیغ آن بانجمن حضور سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی داشتند روز هفتم ماه ذیقعده جناب معزی الیه در قصر نیاوران باتفاق مسیو لژن نایب سفارت که مخصوصاً از سفارت حامل نشان شده و اجزای سفارت بحضور همایون تقدیم نموده و از جانب اولیای دولت علیه شرایط احترامات و تشریفات چنانکه شاید و باید بوجه اکمل در قبول این هدیه بعمل آمد روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از ییلاق نیاوران بسمت دماوند و فیروزکوه تشریف فرما شدند

هم درین روز جناب امین الملک فرخ خان که بوصف ایلچی گری کبیر از طرف قرین الشرف ملوکانه مامور بدربار دولت فرانسه بود با نامه مهر علامه همایون از دربار معدلت مدار مرخص شده عازم صوب مقصد گردید نیز بجناب امین الملک ماموریت مخصوص و جداگانه دادند که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شهریاری بعضی مکنونات خاطر همایون که شفاهاً با ایلچی کبیر القا شده بلاواسطه در اسلامبول بحضور اعلیحضرت سلطان عثمانی تبلیغ نماید ذوالفقار خان حاکم قم و ساوه بمنصب جلیل استیفا سرافراز گردید مهر علیخان شجاع الملک بیکقطعه نشان از درجه اول میرپنجگی مفتخر شد عیسی خان بیکلربیکی قاجار بحکومت ملایر و تویسرکان و خلعت همایون نایل گشت عمارت علی قاپی اصفهان که معظم عمارات است شکستگی در تالار و بیم دستید حسب الامر نواب والا حشمة الدوله حکمران اصفهان تعمیر مینمایند عبد الحسین خان برادر مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام و درس زبان فرانسه دار الفنون بود بمنصب سرهنگی خارج از فوج سرافراز گردید و یکصد تومان بمواجب سابق او افزودند جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با تشریفات کامله که از جانب دولت روس در حق معزی الیه بعمل آورده اند با اجزای سفارت بتفلیس مراجعت کرده و از تفلیس نیز از راه خدا آفرین رود ارس عازم دار الخلافه باهره شده اند

در این ایام در اصفهان بدون اینکه ابری ظاهر شود روشنی برق مانند تابیده چنانکه تمام شهر را روشن کرده دیگر چیزی معلوم نشد بعد از دو سه روز طرف عصر صدای مهیبی مثل آواز توپ در آسمان ظاهر و پس از آن روشنی مثل شعله آتش که بسیاری از اهالی شهر عیان دیدند و آن روشنی سه پارچه شده دو پارچه آن طوری بزمین فرو رفته که اثری از آنها ظاهر نشده یک پارچه را که بقدر دو ذرع بزمین فرو رفته بود بیرون آوردند و آن پارچه سنگی بود بوزن چهار من تبریز میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز شد طوایف ترکمه جمعیتی کثیر جمع و قصد تاخت و تاز نمودند جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد با جمعی از قشون ظفر نمون بر سر آنها رفته شکست فاحشی بآنها داده نظر بجلادت و رشادتی که از معزی الیه بظهور رسیده بیک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب همایون مفتخر گردید محمد شاه خان سبی و نادر شاه خان پسرش قلعه سبی را در بلوچستان حصین شمرده نظر باینکه بیست و شش خشت بدنه وسیع و دو ذرع ارتفاع دیوار قلعه سی است که بیست ذرع خاکریز دارد دم از خودسری میزد سپهدار حکمران کرمان آقا علیخان سرتیپ افواج کرمانی را با قشون کرمانی و خلج و غیره مامور بلوچستان نموده آن قلعه را محاصره و یک بدنه آن قلعه را بضرب توپ ویران و نقب بزیر برج زده آتش زدند و قلعه را مسخر و محمد شاه خان را با نادر شاه خان و اتباع آنها دستگیر کردند پاشاخان پیشخدمت خاصه همایون بلقب امین صره که قشون نظام و غیر نظام ملقب گردید میرزا محمد تقی مستوفی متخلص بسپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی کتاب ناسخ التواریخ را که مشحون بر احوال انبیا علیهم السلام و جمیع سلاطین روی زمین و عموم علما و حکما و غیره است تالیف نموده نیز کتاب موسوم ببراهین العجم را در قواعد شعر فارسی که از قرون ماضیه مستور مانده نگاشته از طرف قرین الشرف همایون ملقب بلسان الملک گردید شب عید قربان جناب صدر اعظم را باعطای جبه شمسه دار سنگین و عصای مرصع مباهی فرمودند میرزا صادق لشکرنویس آذربایجان و میرزا احمد مشرف توپخانه آذربایجان که اعضاد بد رفتاریها بودند شده بودند مخلع گردیده مرخص و روانه آذربایجان شدند در بندر بوشهر از پانزده بدنه لب دریا که حسب الامر مقرر شد بسازند هشت بدنه را تاکنون ساخته و مشغول باقی هستند اصلانخان یاور توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید

موکب همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از ییلاقات افجه و لواسان تشریف فرمای نیاوران گردیدند

وقایع و سوانحی که در این ماه در تمام روی زمین و اقطار عالم اتفاق افتاد

اتازونی ینگی دنیا

مجادله شدید در مجلس مابین وکلائیکه مایل بآزادی غلامها بودند و آنهائیکه نبودند انتخاب بوکامان

نام

نام برنا ستجمهوری که طالب عدم آزادی غلامان سیاه اند که در بعضی ایالات اتازونی بطور وحوش و چهارپایان با آنها رفتار میشود و بزخم تازیانه و زجر بر خانه آنها را بکارهای پر زحمت وا میدارند و بوجه مملوک آنها را متبایعه مینمایند برقرار گردید

اسپانیا

شورش در اغلب نقاط مملکت علی الخصوص در مادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت بمادر ملکه ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن بروز شورش در مالاکا

افریقا

فوت سلطان مسقط سعید نام که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنگبار این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تطاول طایفه وهابیه انتزاع داد و با دول انگلیس و فرانسه و اتازونی ینگی دنیا معاهدات تجارتی بست

المان

تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار مسافرت اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس بایطالیا در ایالت بادن عروسی برادر والی که بواسطه عدم لیاقت برادر بزرگ ولایت باو تعلق گرفته است با شاهزاده خانم لویز دختر برادر پادشاه پروس که الحال امپراطور المان است

انگلیس

خبر مصالحه روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند دوک دکامبریج از منسوبان پادشاه انگلستان که در جنگ سواستاپول حضور داشته بمنصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد مسافرت شاهزاده فردریک پروس (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) بانگلیس بخواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلستان در هندوستان پادشاه مملکت اود را دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده جنرال اطرام بحکومت آنجا مامور گردید جمعیت این ایالت هشت کرور است اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر پانزده این مطابق است با اوایل سنه هزار دویست و هفتاد و سه و شرح آن بیاید لوینکستن مسافر و سیاح انگلیس بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم بجزایر موریس معاودت میکند

ایطالیا

ساردین شش کرور تومان دولت بجهة مخارجیکه در جنگ سواستاپول نموده استقراض میخواهد

کنت کاوور وزیر اعظم دولت در مجلس کونکره پاریس از برای دولت خود بعضی امتیازات مطالبه میکرد (توضیح آنکه مقصود از کونکره که از زبان لاتین اقتباس شده بمعنی انعقاد مجلس بجهة شوری در امور معظمه است اجزاء این چنین مجلسی باید شخص سلاطین یا سفرای کبار ایشان که اقوال و اعمال ایشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون مختصری در رم جمعی قصد قتل پادشاه ایطالیا نموده اند دیلس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود بدست آمده مقتول شد

پرتغال

شورش واز دحام سخت در لیزبن پای تخت این دولت بجهة گرانی نان افتتاح راه آهن از لیزبن بکارکادطرف سرحد اسپانیا

چین

زلزله شدید در یوچینک عمارت سلطنتی واقعه در پیخفر سچی پای تخت یکی از اولاد خاقان که در آنجا متوطن بود با آواره دفنه تلف میشود

روس

فوت پرنس پسکوییچ معروف در ورشو در زمستان حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بجای پسکوییچ که حاکم بود کنت ادلف بمنصب صدارت برقرار میشود کنت نسلرد از وزارت خارجه استعفا نموده پرنس الکساندر کورچاکف بجای او منصوب میشود جشن تاج گذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب قرار داد با بانک کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید اول از درشو پطر دویم از مسکو به نیژنی نوکرد سیم از مسکو بکافا چهارم از کورسک بسمت کورلاند

سود و نروج

افتتاح راه آهن از نروی برادبرد آزادی مذهب در این مملکت

سویس

گفتگوی سخت مابین ایالت جمهوری سویس با دولت پروس نهبته جنگ طرفین دولت دودتن برک و اطریش مایل باین جنگ نیستند

عثمانی

انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که مشتمل بر یک بیت و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان تبعه خود مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان کمال نارضائی را دارند در سمت اسپاخاک عثمانی اذیت زیاد عیسویها

ازمسلمانان

ازمسلمانان میبینند اهالی ملداوی و والاشی (مقصود افلاق بغدان است) طالب اندکه یک ایالت شوند در مصر راه آهن از اسکندریه بقاهره افتتاح مییابد مهندسین که بجهة حفر نهر مجمع البحرین سوئز بمصر آمده بودند اینطور مقرر داشتند که از بندر سوئز واقعه در ساحل بحر سفید الی پلوز که در ساحل بحر احمر است نهر مستقیمی بدون اعوجاج حفر نمایند در جزیره قندی زلزله سخت روی نمود

مسئله شرقیه

دولت انگلیس مشغول تدارکات زیاد است که از دریا به بندر گورشتاد حمله برد شورای عسکریه دول متعاهده در عمارت طویلری بحضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم در دفعه جنگ با دولت روس بر وفق مرض تیفوس در میان عساکر دول متعاهده دولت اطریش که ابرام زیاد در مصالحه دارد دولت روس را براین داشت که مقدمات شروط مصالحه را قبول کند انعقاد مجلس کونکره در پاریس و صورت اجزای مجلس از این قرار بود کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم بر او قرار گرفت از طرف دولت اطریش کنت بوئول و بارون هوبنر از طرف دولت انگلیس لرد کلاراندون و لرد کولی از طرف دولت روس بارون برونف و کنت ارلوف از طرف دولت ساردین و ایطالیا کنت کاوور از طرف دولت عثمانی عالی پاشا مامور دولت پروس بعد از چندی قبول شد ابتداء حضور نداشت انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی در یکطرف و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار دولت عثمانی از این بعد در تحت حمایت دول معظم فرنگ خواهد بود قرار دنکیز بجهة تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان قشون متعاهده سوستاپل را تخلیه کرده بتصرف کارگذاران دولت روس دادند و از اینطرف عساکر روس قارص را بتصرف عثمانی عزل عالی پاشا و نصب رشید پاشا دول انگلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید براین میکنند که اگر آزادی برعایای خود ندهد سفاین جنگی آیند و دولت بزودی در دود بناپل خواهند نمود دولت روس در این تهدید متالم شد

فرانسه

افتتاح مجلس پارلمان که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید بصلح میدهد سبب خوشحالی عام گردید با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب شدند تولد پسری از امپراطریس فرانسه در بهار سرداران که بمنصب مارشالی برقرار شدند جنرال کان روبر بوسکه راندن که این اخری حاکم الجزایر بود انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی باطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار کنت ارلف سفیر کبیر روس با علیحضرت

امپراطور ناپلیون رسما جلوس اعلیحضرت الکساندر دویم را بتخت سلطنت روس اظهار میدارد

اتحاد و مراوده دوستی مابین دولت روس و فرانسه سفارت کنت مرنی در مملکت روس بجهة تهنیت بجلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم امپراطور روس نود و پنج هزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از زخم
و چه از امراض مختلفه بهلاکت رسیده‌اند دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان ایران باشخاصی و عهد
که اراضی باتلاقی که در مملکت فرانسه است و قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و حاضر از برای هر نوع
زراعت نمایند و هر کس در این فقره اختراعی کرده باشد که باسانی بتوانند این قبیل اراضی را خشک نمایند
علاوه حقی هم داده خواهد شد کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریبا سیصد و سی
و نه کرور تومان پول ایران و خرج دولت تقریبا سیصد و چهل کرور طغیان رودخانه‌های رن و لوار
در اوایل تابستان و خرابی زیاد از بلادی که در سواحل این رودخانه‌ها واقع شده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون
بشخصه بسرکشی این ایالات میرود سفر اعلیحضرت امپراطور بدریای شمال نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون
با امپراطریس زوجه ایشان است قشون فرانسه کلیتا از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود میشوند
قریب سیصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپول و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند
مارشال پلیسیه که قلعه مالاکف سواستاپول را فتح کرده بلقب دوک دمالاکف برقرار و دو هزار تومان هم سالی مواجب
خواهد داشت در الجزایر زلزله سخت علی الخصوص در شهر فلیپ ویل

ینگی دنیای جنوبی

برزیل تعداد نفوس پانزده کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر

یونان

کوشش دولت برای دفع راه‌زنان و اشرار

شرح سال دهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران
ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه
هزار و دویست و هفتاد و سه
هجری لوی ئیل
ترکی

از بدو این سال خجسته مآل ذات ملکوتی صفات مقدس رای صواب‌نمای همایون را متوجه مهام امور سلطنتی
و جلب منافع و دفع مضار کشور و لشکر مبذول نمودند و هر یک از چاکران را باندازه لیاقت مشمول عواطف
و مکارم خسروانه میداشتند حاجی قوام الملک که در صفحات فارس خاصه در انتظام بندر بوشهر خدمات
لایقه نموده بود بیک قطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید در دهه عاشورا تکیه مبارکه دولتی را که در جنب قصر
نیاوران بنا نموده‌اند در کمال شکوه بسته در اینجا تعزیه‌داری و روضه‌خوانی مینمایند نواب والا مؤید
حکمران فارس حسب الامر بقعه متبرکه امامزاده شاه میر حمزه علیه السلام و عمارات تکیه خواجه حافظ علیه الرحمه
و شاه داعی و باباکوهی را تعمیر مینمایند حاجی محمد علی جراح نظام جراحباشی نظام شد
موکب همایون روز پنجشنبه بیست و چهارم محرم چون میزان داخل شده و هوای دارالخلافه اعتدال یافته
از ییلاق نیاوران تشریف فرمای قصر نگارستان گردیدند میرزا رفیع وکیل نواب والا احتشام الدوله بمنصب
جلیل مستوفی‌گری نایل گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران که بسمت پطرزبورغ رفته بودند
مراجعت کردند و باعزاز تمام وارد دارالخلافه شده جواب نامه اعلیحضرت همایون را که اعلیحضرت الکساندر دویم
امپراطور روس انفاذ داشته بودند تبلیغ نمودند میرزا عبد الغفار خان نایب وزارت امور خارجه بیک قطعه نشان
از درجه اول سرهنگی با حمایل این رتبه سرافراز گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بیک قبضه کارد مکلل بالماس
مفتخر شد میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک وزیر فارس بخلعت همایون نایل گشت محمد خان ولد مرحوم
محمد حسن خان سردار بمنصب جلیل میرپنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و یوسف خان سرتیپ
و حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشار الیه نیز بهشتصد تومان مواجب و ایضا ابو الفتح خان و عبد الحسین خان ولدان
مرحوم سردار هر یکی بهفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند باد بسیار گرمی در خراسان وزیده جمعی
تلف نمود سردار سلطان علیخان مظفر الدوله پسر مرحوم سردار کهندلخان با خانه و عیال از قندهار بعزم
خدمتگذاری این دولت جاوید آیت بارض اقدس آمده محمد اکرم خان رئیس و بزرگ اچکزائی و ابو کاب مبارک
فرستاده مشار الیه بخلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفر الدوله و برای سایر ریش‌سفیدان اچکزائی هم

خلاع مرحمت شد و اخراجات آنها را نیز قرار دادند که در ارض اقدس بدهند و همانجا مشغول خدمتگذاری باشند محمود قلیخان هزاره نیز با چند نفر از ریش سفیدان طایفهٔ خود بدربار معدلت مدار آمده قرار نوکری آنها را اولیای دولت علیه داده بخلعت و انعام ملوکانه نایل و از آستان مبارک رخصت انصراف حاصل نمودند

میرزا عنایت الله امین لشکر بیکقطعه نشان از مرتبهٔ اول امیر پنجگی و حمایل مخصوص این رتبه مفتخر گردید

صید سعید خان امام مسقط که بر بندر عباسی آمده مشمول عنایت اولیای دولت ابد مدت شده بر بندر مسقط معاودت کرده و روز ورود بر آن بندر را محض مسرت از ظهور مراحم امنای دولت علیه بر خود عید سعید قرار داده و مباهات کلیه و تقدیم بعضی خدمات نموده است جناب سیف الملک میرزا که در مأموریت و سفارت کبری سنت پطرزبورغ در تشیید مبانی مودت و مخالصت دولتین ذی شوکتین لازمهٔ کفایت را بظهور رسانیده بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید جناب مسیو بوره ایلچی مخصوص و وزیر مختار بعد از حصول اجازه موقتاً بفرانسه معاودت کرد در ماه صفر زلزلهٔ شدیدی در تبریز شد ولی بجائی اذیت نرسانید معصوم خان یوزباشی غلامان شهریاری مرحوم و شکرالله خان نوری بجای او بمنصب یوزباشیگری سرافراز گردید در استرآباد زلزلهٔ شدیدی شده و بعد از آن باد شدیدی وزید همان روز ناخوشی وبا بروز نمود محمد خان پسر حاجی جابر خان بمنصب سرهنگی سرافراز و مأمور کومتی فوج جدید عرب گردید

شب عید مولود مسعود همایون در دارالخلافهٔ باهره و تمام ولایات جشن گرفتند و شرایط روز عید نیز بعمل آمد جناب امین الملک فرخ خان ایلچی کبیر دولت علیه بسرحد دولت عثمانی رسیده کمال پذیرائی و احترام او را دربارهٔ او مبذول داشته اند

روز دوشنبه چهارم ربیع الاول مژدهٔ فتح هرات را معروض خاکپای همایون نمودند و تفصیل آن از قرار ذیل است

محاربه و محاصرهٔ عساکر منصوره هرات را و فتح آن بلد و جاهای دیگر بدست قشون ظفر نمون بسرداری نواب والا حسام السلطنه والی خراسان

سابقاً اشاره از سوء سلوک صید محمد خان ظهیرالدوله و شوریدن اهالی هرات بر او و طلبیدن شاهزاده محمد یوسف ابن شاهزاده قاسم ابن فیروز الدین که سالها در خدمتگذاری ابد دولت جاوید شوکت در خراسان بود و بجای ظهیرالدوله برقرار کردن نموده ایم شاهزاده محمد یوسف همینکه بجای صید محمد خان برقرار شد عریضه بدربار معدلت مدار شاهنشاهی عرض کرده تشکرات از نعمای ولینعمت کل ممالک محروسه نموده منضم عریضه که محمد حسن قاضی و امین محکمهٔ شرع و محمد عثمان قاضی و فیض الله مفتی و میرزا ابوالقاسم صوفی ابن صوفی اسلام کرخی و قاضی ابوالخیر و شیخ مرتضی وکیل افاغنه و فیض محمد مدرس و سردار علیخان بردرانی

و جمعی

و جمعی علمای هرات نوشته و مهر نموده که ظهیرالدوله را امراض دماغی مستولی است و مأمورین بحکومت شاهزاده محمد یوسف داده ایم مستدعی امضای همایون و تشریف و منشور مهر ظهور اعلی دربارهٔ معزی الیه هستیم استدعای آنها موقع قبول افتاده حسب الامر الاقدس فرمانفرمای خراسان خلعت و فرمان حاکم هرات را بر عباسقلی خان کرهسی داده روانه داشتند و شاهزاده محمد یوسف مجید خان سردار سرحد غوریان را با پانصد سوار یکعراده توپ باستقبال خلعت همایون فرستاد و بعد از ورود بکوهستان هرات میرزا محمد علیخان هروی باستقبال آمد و چون قدری بدیگر شدند خود شاهزاده محمد یوسف با ده هزار پیاده و سوار آراسته استقبال کرده و در بقعهٔ عبدالرحمن جامی خلعت پوشیده شرایط احترامات و تعظیمات را بعمل آوردند و بهرات مراجعت کرده در حکمرانی هرات استقلال تمام یافت و بتقدیم بعضی خدمات پرداخت ولی تسویلات نفسانی بعد از آن او را بکارهای شنیع بداشت اولاً ظهیرالدوله را بکشت بعد از اینکه قاتل کامران است و ثانیاً برخلاف شرع بدون سر بردن مدت عدهٔ زوجهٔ ظهیرالدوله را که دیگر در حبالهٔ نکاح خود در آورد و با او هم بستر شد ثالثاً دو خواهر ظهیرالدوله را نیز با مادر پیری بگناه بقتل آورد و چندان نگذشت امیر دوست محمد خان امیر کابل قصد قندهار نموده آنرا متصاحب کرد و بتسخیر فراه و سبزوار کس فرستاده خاطر در فتح هرات بست شاهزاده محمد یوسف متوحش شده عریضه بدارالخلافه عرض کرده مستدعی اعانت شد و مخصوصاً سام خان ایلخانی را بخواست و استدعای او قبول شده و سام خان با هزار سوار و پانصد تفنگچی روانهٔ هرات گشت و مقرر شد که اگر لشکر کابل رو بهرات نهد باز از قشون ظفر نمون بسرداری والی خراسان بامداد بدانصوب شتابند و مدافعه نمایند امیر دوستمحمد خان که خبر ورود سام خان را شنید و دانست عساکر منصوره آهنگ هرات نموده اند دانست که در منصوبه کاری از پیش او نخواهد رفت لهذا خیال و تدابیر اندیشید و بعضی افاغنه را بوعده و وعید مستمال نمود و اعاظم آنها را با سام خان ایلخانی بد دل کرد و او را از نزول بارک هرات عذر خواسته بباغ شاه منزل دادند و در آنجا نیز بتوقف رضا نداده بقلعهٔ ملک که در دو فرسنگی شهر هرات است و انزوا نمودند چون بدانجا رفت جمعی را بقتلش گماشتند و بخارج شدن از خاک هرات مجبورش کردند و اظهار عدم احتیاج بمعاونت ابد دولت نمودند چون سام خان ایلخانی بشکیبان در رسید عریضه بنواب والا حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان نوشته که افاغنه در راه و بیراه قصد قتل من دارند اگر ممکن باشد مرا از بین کرده برهانند نواب معظم الیه پاشا خان سرتیپ را با جمعی سوار بایلغار روانه شکیبان نمودند و سام خان را با همراهان او مستخلص ساختند ولی در غوریان باز جمعی بر سر راه ایلخانی و پاشا خان آمدند و بنای مجادله گذاشتند و این خبر بنواب والا حسام السلطنه که در جام بودند رسید با جمعیتی که همراه داشتند عزیمت آنصوب نمودند مقارن اینحال عریضه از

فتح هرات

سردار علیخان سیستانی از سرکوهی و سبد که امیر دوستمحمد خان یکی از فرزندان خود را بتسخیر دغار تیستان
فرستاده اینخبر که امیر دوستمحمد خان که قبل از این داعیه عراضی و هدایا بدربار معدلت مدار مصحوب سفیر سپاد اولیای
دولت را ابراهیم حیرت شده بود حرکت افاغنه در هرات سبب شد که امنای دولت جاوید شوکت حکم
فرمودند که نواب والا احتشام السلطنه والی خراسان دفع اینمفاسد را بمحاصره هرات پردازد و قشون
ظفرنمون مامور خراسان مشرف کردیدند و افواج و سواره مزبور از قرار ذیل است
(فوج نصرت بسرتیپی محمد رضا خان کرکری تبریزی) (فوج مخبران شقاقی جمعی قاسمخان) (فوج خوی
بسرهنکی باقر آقا) (فوج جدید مراغه ابوالجمع اسکندرخان سرهنک) (فوج شقاقی جمعی ابوالفتح خان)
(فوج شقاقی بسرتیپی رحمت الله خان) (فوج جدید افشار اروی جمعی یوسفخان سرتیپ) (فوج جدید طهران
ایضا جمعی محمد رضا خان کرکری) (فوج برچلو جمعی عباسقلی خان سرهنک) (فوج قدیم قزوین متعلق
بعباسقلی خان سیف الملک) (فوج جدید قزوین جمعی بابا خان سرهنک پسر مشار الیه) (فوج افشار تکلو
بسرهنکی فرج الله خان) (فوج قدیم و جدید خمسه جمعی میرزا ابراهیم خان سرتیپ) (فوج ششم تبریز بسرهنکی
باقرخان ابن محمدخان امیرتومان) (فوج جدید خلج بنده لو بسرهنکی جعفرقلیخان) (دو فوج عرب و عجم بسطام
بسرتیپی نواب جهانسوز میرزا) (آقاخان میرپنجه و امیر علمخان سرتیپ و میرحسن خان و حسن خان با سواران
خراسان و پیاده فوج ترشیزی و فوج قرائی و فوج نیشابوری خود در خراسان حاضر بودند) (از توپچیان
زیاده از هزار نفر بسرتیپی عبدالعلیخان و الله وردی خان سرهنک) (سواره خمسه جمعی ذوالفقار خان
ابن حسینقلیخان خمسه) (سواره شاهسون افشار جمعی محمد تقیخان) (سواره شاهسون دوبرن جمعی
لطف الله خان) (جماعت قراق جمعی پاشاخان) (سواره افشار تکلو جمعی محمد صالح خان) (سواره
افشار اینانلو جمعی صفرعلیخان) (سواره قراکوزلو و ادینه وند و عبدلوند و سواره غلامپیشخدمتان
جمعی ابوالقاسم سرتیپ) (غلامان خراسانی) (از تربیت یافتکان دار الفنون که در علم توپخانه و
هندسه و سایر متعلقات عسکریه استحضاری دارند چند تن) (توپ قورخانه و لوازم بقدر دیگر
باید) این جمله از نقاطی که متوقف بودند براه افتاده بزودی ملحق باردوی نواب والا احتشام السلطنه
شدند و در این وقت اردوی والا در غوریان بود و چنان اتفاق افتاد که روز نهم رجب اطلاع قراولان
قورخانه آتش بقورخانه افتاده یکصد بار باروط و کلوله یکباره آتش گرفت روز سه شنبه یازدهم
الله وردیخان سرهنک توپخانه با چند عراده توپ و هفتاد بار قورخانه از مشهد مقدس روانه غوریان
شد از آنطرف شاهزاده محمد یوسف سردار احمد خان قلعه کاهی را با دو هزار سوار افغان باتفاق شاهزاده

محسن

محسن درانی بمحاربه قشون ظفرنمون فرستاد این خبر بسمع والا رسید سام خان ایلخانی را با سواره
خراسانی دو هزار و صفرعلیخان سرتیپ شاهسون و فوج ترشیزی و دو عراده توپ باستقبال افاغنه فرستاد
روز دیگر دو سپاه در کنار قلعه زنده جان تلاقی کرده سپاه افغان را شکستی فاحش داده و تا دو فرسخ
هرات تعاقب کردند و این اول فتح عساکر منصوره بود و از آن پس فتوحات متواتر یافت نواب والا احتشام
السلطنه حکم بمحاصره غوریان دادند روز بیست یکم رجب حسنعلی خان سرتیپ کروس (وزیر فواید) با فوج
خود بلشکرگاه پیوست و کار بر قلعه کیان سخت شد سردار مجید خان افغان که حاکم غوریان و داماد
سرتیپ عیسی خان کارگذار هرات بود چون راه چاره را مسدود دید با خضوع و لابه از در استیمان در آمد
و امان یافت و غوریان بتصرف قشون نصرت نمون درآمد و چون اینخبر بهرات رسید تزلزلی در ارکان
خیالات بزرگان افاغنه افتاده بسیاری باردوی والا آمده اظهار انقیاد کردند و با ماکن و قبایل خود رفتند
روز بیست و ششم رجب اردوی والا از کنار غوریان بطرف هرات کوچ کرد و امیر حسینخان برادر سام خان
با پانصد سوار خراسانی و دو عراده توپ برمنقلای سپاه و هزار و دویست تن سواره عراقی با یک عراده
توپ بوسناقر لشکر مامور شدند روز دوشنبه غره شعبان نواب والا ابیات فرسنکی هرات نزول کردند
و زمین مصلی را لشکرگاه قرار دادند روز چهارشنبه سیم شعبان سام خان ایلخانی با پانصد سوار خراسانی
و اکراد و پاشاخان مکری با دو فوج سمنانی و دامغانی و سواره کرد و ترک و چهار عراده توپ تا چمن سنگ
سفید که تیر پرتابی بشهر مسافت دارد رفتند و با سپاه افاغنه که در تلال و وهاد آنمحل کمین کرده بودند
جنگ در گرفت نواب والا احتشام السلطنه خبر شده با سایر قشون ظفرنمون بدانجا شتافته پس از ساعتی
قتال افاغنه را شکست داده و فراریان را تعاقب کرده بسیاری از هزیمت یافتکان از هیجان خود را بخندق
انداختند (زن و فرزند شاهزاده محمد یوسف که تا این اوان بمشهد مقدس بودند پناه بحرم رضوی
شرفها الله تعالی برده بستی شدند و میرزا محمد حسین عضد الملک متولیباشی مستحفظ کماشت که از آن
محل فرار نکنند) چون شاهزاده محمد یوسف کار را سخت دید بنواب والا پیامی عرضه کرده که من پرورده
نعمت اولیای دولت علیه ایرانم و از ذلتی که رفته پشیمان و برانم که شاهزاده محمد رضا را با وجوه اعاظم هرات
برسم کروی باردوی والا فرستم استدعا آنکه این لشکر از کنار هرات بغوریان حرکت نماید و ترک محاصره
کند تا خود از قفای اردو بحضور والا تشرف جویم و بدار الخلافه روم و امرا اعلیحضرت شاهنشاه ایران آید
روز سیزدهم شعبان شاهزاده محمد رضا با کروهی انبوه از بزرگان هرات بیرون آمده دو عراده توپ که یکی در هنکام
محاصره هرات از لشکر شهریار صبر و ماضی طاب الله ثراه هرویان برده بودند و دیگری را نواب والا احتشام الدوله

فتح هرات

بظهیر الدوله یار محمد خان داده بودند با پسر خود که درین ایام از پسرت دار نیشابوری گرفته بودند انفاذ داشته
در دوانزاردوی والا شدند و در باب استدعای شاهزاده محمد یوسف الحاح نمودند نواب والا که غرضی
درین باب جز حفظ مصالح دولت علیه نبود آن مسئول را قبول و اردوی را حرکت داده هفت فرسنگ بازپس
آمده در چمن شاه ده قرار گرفتند اما شاهزاده محمد یوسف غدر کرده بود و بوعده وفا ننموده و مجدداً تهیه
کارزار و حصانت دادن بحصار کوشید و در اینوقت سردار مجید خان داماد عیسی خان سرتیپ ملتزم
خدمت والا بود کس بهرات فرستاد و برحسب امر والا از عیسی خان تقدیم این خدمت بخواست وی معروض
داشت که اگر اردوی والا بغوریان بازپس رود من شاهزاده محمد یوسف و برادرزاده او شاهزاده محسن
سابق مفسدین را ببند نهاده بلشکرگاه فرستم که با اعیان هرات برسم گروی در دار الخلافه بمانند لهذا
نواب والا بدو فرسنگی غوریان نزول کردند و منتظر وعده و وفای سرتیپ عیسی خان بودند از آنطرف شاهزاده
محمد یوسف استشمام رایحه مطلب سرتیپ عیسی خان کرده با حاجی غلامخان مواضعه در باب قتل سرتیپ
مزبور نمود و روز بیستم شعبان حاجی غلامخان با جماعتی از طایفه خود بخانه سرتیپ عیسی خان رفته که
کار او را تمام کند سرتیپ نیز مردم خود را جمع داشت در جماعت بهم ریخته حاجی غلامخان را پس از چند زخم
منکر گرفته حبس کردند و دو بر پای شاهزاده محمد یوسف نهادند و او را با شاهزاده محسن و حاجی غلامخان
افغان و میر محمد خان را دست بسته بدستیاری نیاز خان و سواری چند داده باردوی والا آورده محبوس
نمودند ولی بعد ازین مقدمه سرتیپ عیسی خان رایت استبداد برافراشت و بهوس حکمرانی هرات در حفظ
برج و باره اهتمامی میکرد و بدوستمحمد خان ازین کار مژده داد چون مطلب معلوم نواب والا احتشام السلطنه
شد و دانستند که عیسی خان باغوای دوستمحمد خان خیال خودسری دارد اردوی والا را بظاهر هرات
نزول دادند و بیورش و جنگ عرصه بر شهریان تنگ کردند و مردم چندانکه توانستند از شهر هرات فرار
و بیناوری گرفتار سپاه منصور شدند از جمله شب چهارشنبه چهاردهم ذیحجة الحرام الله‌قلیخان برادر
عبد الله خان جمشیدی با پانصد تن از جمشیدی و فیروزکوهی و بردرانی بر اسب اسر نشسته فرار میکردند
که دو چار قشون ظفرنمون گشته بسیاری از آنها کشته و بعضی دستگیر شده خود الله‌قلیخان با چهار سوار
جان بدر برد و وصول این خبر بهرات خاطر شهریان را آشفته نمود و بحکم والا رحمة الله خان و امیر علم خان قاینی با
سپاهی در خور بفتح اسفراز مشهور بسبزوار مامور شدند و سردار علیخان سیستانی نیز با آنها همراه شده قلعه
لاش را بگرفتند و جبرالله خان که از جانب امیر دوستمحمد خان حکومت فراه داشت برای رحمة الله خان پیام
داد که اگر با معدودی سپاه بدینسو گرائی فراه را بتو سپارم و تابع و خدمتگذار دولت ایران شوم لهذا

رحمة الله خان و امیر علم خان آهنگ قلعه تجلک که پنج فرسخی فراه است نمودند و آن قلعه را مسخر کردند نیز
نواب والا احتشام السلطنه آقاخان میرپنج را با پنجهزار کس بسبزوار فرستاده اهل سبزوار تسلیم شدند میر
علم خان و رحمة الله خان نیز بسبزوار آمدند بعد از آن نواب والا حکومت سبزوار را بمحمد عمر خان پسر سردار
کهندلخان واگذاشتند و میر علم خان را بتوقف نزد او امر نمودند روز پنجشنبه نوزدهم ذیحجه شاهزاده
محمد یوسف و شاهزاده محمد رضا و حاجی غلامخان افغان را بهمراهی بهادرخان جامی و جمعی سوار نواب والا
بمشهد مقدس فرستادند و هرات در بند محاصره بود و امیر عباسخان هراتی که قبول خدمت این دولت
ابد آیت کرده بود مساعی جمیله بظهور میرسانید و نایره جدال اشتعال داشت و میرزا احمد مهندس
که از تربیت یافتگان مدرسه دار الفنون و بدانجا مامور بود بواسطه خدماتی که از او بظهور رسید
منصب سرهنگی یافت و لخوالامر سرتیپ عیسی خان دست خود را از دامن چاره دور دید و دانست که
عساکر منصوره بقهر و غلبه شهر را مسخر خواهند نمود لابد عریضه خدمت نواب والا احتشام السلطنه نوشته
اظهار انقیاد نمود چون این بار برخلاف سابق راستی سخن او آشکار بود گوش بمطالب او دادند والیخانی
هرات رفته پس از مفاوضات سرتیپ عیسی خان را مطمئن نموده روز شنبه بیست و پنجم صفر سرتیپ عیسی خان
و عبد الله خان جمشیدی و بیگلربیکی و فتح الله خان فیروزکوهی بمرافقت سامخان ایلخانی در اردوی والا
شدند و نواب والا مزید پذیرائی ایشان نمود و چون سرتیپ عیسی خان شرفیابی حاصل کرد نوشتجاتی که امیر
دوستمحمد خان در باب نگاهداری هرات باو نوشته بود بنظر والا رسانید و سپرد و مورد اشفاق شایسته گردید
روز دیگر خوانین هرات از قبیل محمد خان و خانمحمد خان و امان نیاز ترکمان و سایر اعیان و اشراف بخدمت
نواب والا پیوستند و کمر اطاعت بستند روز جمعه غره ربیع الاول سنه هزار و دویست و هفتاد و سه
دو ساعت بغروب آفتاب مانده نواب والا احتشام السلطنه و قوام الدوله و سران لشکر و چهار فوج افشار
مراغه و قزوین و خوی و ششصد سوار از دروازه قندهار داخل شهر هرات شدند و در ارک قرار گرفتند
و بزدکان و اغاظم هرات را بنواختند و بعواطف اعلیحضرت شاهنشاهی مستظهر نمودند و سامخان ایلخانی
و حسینخان یوزباشی بجامع هرات درآمد خطیب بمنبر صعود کرد و خطبه بنام همایون خواند و حضار
بدعا و ثنا پرداختند روز دیگر نواب والا بعمارت موسوم بچهارباغ که در میان شهر است آمده بر مسند
ایالت نشستند و اهالی هرات هریک در خدمت ایشان بمقام خود قیام نمودند و خطبه بنام اعلیحضرت
ظل اللهی خواندند و میرزا فتح الله بسطامی متخلص بذوقی که از بلغاء شعراء و مترسلین است قصیده
در فتح هرات انشاد نمود و میرزا سرخوش هروی نیز قصیده در تهنیت این فتح است که مطلع آن اینست

بذکر فتح هرات

فتح هرات

کو چرشد فتح هری ز برای حسام السلطنه   عاقبت گردید تسخیر از برای حسام السلطنه

و بملاحظه دیر و تسخیر که مجهول و معلوم است باید گفت حسن معانی بقبح قافیه ارزد بالجمله پس از انکه هرات
مفتوح سپاه منصور گردید نواب الاحشام السلطنه حسن بیک صندوقدار خود را با عریضه بدربار معدلت
مدار فرستادند و او در چهارم ربیع الاول بدار الخلافه رسید روز دیگر امیر حسینخان زعفرانلو رسید
و مژده ضبط و تصرف شهر را آورد و چون بعد از فتح هرات مبلغی خطیر بلا فاصله در ضرابخانه دار القرب هرات
باسم مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی سکه کردند حسینخان یوزباشی حامل ان زر مسکوک گردیده با مجید خان
روانه دار الخلافه شد و سرتیپ عیسی خان عریضه ضراعت بدرگاه آسمان جاه عرض کرد

روز پنجشنبه هفتم ربیع الاول در دار الخلافه باهره جشن گرفتند و چراغانی کردند و روز هفتم سلام عام در تالار
تخت مرمر منعقد گردیده عریضه حسام السلطنه را میرزا محمد تقی مستوفی ملقب بلسان الملک در پیشگاه حضور
مهر ظهور خسروانه قرائت کرد خطابات ملهمات بجناب صدراعظم از خدمات نواب والا احشام السلطنه
سلطانمراد میرزا والی مملکت خراسان و قوام الدوله و سامخان ایلخانی و سایر سرکردگان سپاه فرمودند و میرزا
محمد علیخان اصفهانی ملقب بشمس الشعراء و متخلص بسروش قصیده در تهنیت این فتح عرض کرده بود و مطلع آن اینست

شهر هری مسخر شاه و ستاره باد   ابشرت ستاره بدین مژده می بناد

و منظور شد امیر ضا بجناب صدر اعظم که در کار این جنگ کرده بودند بکتوب کاتبی سمور ابره و چهل بند
بنام اعلی که بندهای ان مرصع بجواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون بجناب معظم مرحمت و اظهار مراحم
کامله فرمودند و پاشا خان پیشخدمت حامل امین حضرت (امین الملک) که ابتدا مژده و دو وجه پادشاه فتحنامه را بعرض
خاکپای مبارک رسانیده بهزار تومان انعام ملوکانه نایل گردید و سه هزار تومان باجله علما و سادات دار
الخلافه و بعضی از قاجار به مرحمت شد و علاوه بر ده هزار تومان که سابقا بجناب اقا شیخ عبدالحسین مجتهد برای
تعمیر عتبات عالیات داده بودند ده هزار تومان دیگر مبذول فرمودند و یکقبضه عصای مرصع بنواب والا
حاجی محمد ولی میرزا مرحمت شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند

(و روانه فرموده مدینه دنی)

میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام بکتوب جبه ترمه کشمیری
و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید میرزا عباسخان
منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت

ذکر انفاذ خلعت و انعام از دار الخلافه برای نواب والا احشام السلطنه و اکابر سپاه

پس

پس از انکه شرحی بلفظ گوهربار مبارک اظهار مراحم نسبت بنواب والا احشام السلطنه و سران سپاه عموما فرمودند
برای هر یک خلاع فاخره از ثیاب ثمینه خاص و نشان و منصب و مواجب و انعام و لقب معین و مرحمت شد
چنانکه برای نواب والا احشام السلطنه والی خراسان یکقطعه کمر مرصع بجواهر گرانبها و دشنه با نیام
زرین و قبائی زربافت و چهار هزار تومان انعام مبذول داشتند و میرزا محمد قوام الدوله ولد مرحوم میرزا
محمد تقی قوام الدوله وزیر خراسان و سامخان ایلخانی خراسان را بخلاع قیمتی مفتخر فرمودند و سامخان
ملقب بشجاع الدوله گشت و هزار و سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره بیاوران و سلطانهای افواج
و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد و امیر حسینخان برادر سامخان ایلخانی و حسینخان یوزباشی
که بحضرت دار الخلافه آمده بودند مرسوم و مواجب مضاعف گردید و حسینخان یوزباشی بمنصب سرتیپی
مفتخر گردید و حسن بیک فرستاده نواب والا احشام السلطنه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون
سرافراز شد و علاوه بر خلاع و مناصب و نشانها که بسرکردگان مبذول شد بنز خوانین و سرداران هرات
و صاحبمنصبان و فضلا و قضاه جداگانه بخلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد
بجهت مخارج و انعام و مساعده مردم هرات و سپاه مامور بهرات انفاذ شد و حامل این وجه حسین خان یوزباشی
بود که منصب سرتیپی یافت و چون بخراسان رسید فوجی و با جمعی سوار با خود همراه برد و در نواحی جام
سواران سرخسی و قره باب و آخال سر راه بر او گرفتند و قصد دستبرد داشتند قشون همراه حسین خان
با انها مجادله نموده انجمعیت کثیر را متفرق ساختند بلکه بعضی مال و حشم و اسیر که نهب کرده بودند مسترد نموده
تا مسافت زیادی ایشان را تعاقب کردند و بسیاری از تراکمه مقتول و مجروح شدند و روز هفدهم جمادی
الاول حسینخان با خلاع شاهنشاهی و وجوه مزبوره وارد هرات شد نواب والا احشام السلطنه و بزرگان
لشکر و اعاظم شهر تا یک فرسنگی شهر خلعت مهر طلعت همایون را استقبال کردند و در باغ شاه خارج شهر
جشنی عظیم برپا داشتند و هر یک پیکر خود را از خلعتهای گرانبها قرین افتخار و اعتبار داشتند و بعد
از رتق و فتق بسیاری از امور ان ولایت نواب والا در هرات بماند و قوام الدوله با بنی اعمام منصوره بمشهد
مقدس مراجعت نمود و چون بعضی از تراکمه کمان کرده بودند که مشهد مقدس و نواحی آن این اوان خالی
از قشون است رو بدان سمت نموده که در این موقع از چپو و غارت منتفع شوند چند تن از صاحبمنصبان
سپاه منصور با چند دسته قشون ظفر نمون بر سر آنها تاخته بعضی اسیر و گوسفند که بغارت برده بودند
از انها مسترد ساختند برخی را مقتول و باقی منهزم شدند

(حسین خان یوزباشی که بمنصب سرتیپی رسید بعدها در مدارج ترقیات کامله پیمود تا بلقب شهاب الملکی نایل و حکومت کرمان یافت و اواخر امر ملقب بنظام الدوله شد و والی خراسان گردید سالی دو میباشد که مرحوم شده است)

تذییل

سابقاً اشارت رفت که شاهزاده محمد یوسف حکمران هرات را بمشهد مقدس وازآنجا بدارالخلافه روانه داشتند چون بدار الخلافه رسید بنا براینکه منشاء تقصیرات بزرگ شده بود مقرر بود که او را بحضور معدلت ظهور شاهنشاهی حاضر و بمواخذه اعمال و شرارت خوی وی او را سیاست کنند ولی در روز ششم صفر المظفر که روز عید مبلاد سعادت بنیاد همایون است جناب صدراعظم در پایه سریر معلی لب بشفاعت کشوده الحاح نمودند و ذات ملکوتی صفات مقدس بنا بر سجیت کریمانه جرایم او را عفو فرمودند ولی چندی نگذشت که وراث صید محمد خان ظهیر الدوله او را بقصاص خون ظهیر الدوله و خواهران و مادر ظهیر الدوله و در آمیختن او بمحارم ظهیر الدوله بدون ملاحظه شرعیه برای دیگر فرستادند و رخت بدیار عدم کشید نیز از وقایع ملالت انگیز امسال که در چهاردهم ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت ابد مهد علیه معین الدین میرزا بشاخسار جنان پرواز نمود
جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس قرین مفاخرت کردید حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نیز بخلعت همایون سرافراز شد عمارات دیوانی و توپخانه و قورخانه استراباد را تعمیر کردند روز جمعه هفدهم شهر صفر جناب سفیر کبیر دولت علیه امین الملک با اجزای سفارت کبری وارد اسلامبول کردیدند و از جانب دولت عثمانی پذیرائیها و تشریفات که بجهت ورود ایلچیان کبیر دول معظمه معمول است بوجه اکمل واتم درباره جناب سفیر کبیر معزی الیه بعمل آوردند نواب والا احتشام الدوله حکمران اصفهان بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون مکلل بالماس مفتخر کردیدند و میرزا زکی مستوفی وزیر اصفهان نیز مخلع کردید یحیی خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب معتمد الملک) بمنصب اجودان صدارت عظمی نایل کردید شیخ عبد الله با عریضه و پیشکش از جانب صید سعید خان امام مسقط وارد شیراز شد میرزا داود خان ولد جناب صدراعظم بمنصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر کشت چون تمثال شمایل مبارک حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در عصر آنحضرت از روی چهره مبارک ساخته اند از خزاین ملوک سلف بخزینه این دولت جاوید عدت انتقال یافته بود حسب الامر همایون میرزا ابو الحسن خان نقاشباشی که در صنعت وحید اعصار و فرید ادوار است از روی آن تمثال عدیم المثال ساخته بجواهر ابدار ترصیع کردند و بلالی شاهوار علاقه بستند روز چهار شنبه بیست و هفتم ربیع الاول نظر بحسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانه فرو آویختند و جشن و سروری باشکوه و سلامی عام منعقد کردید و بخششهای ملوکانه فرمودند
هم در این سال نظر بکدورتی که فیمابین دولتین ایران و انکلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی کشتیهای

جنکی

جنکی انکلیس بخلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چند کاهی قبل از ورود جهازهای جنکی مذکور سفیر و کارکذاران اندولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم دولت خود را خوابانیدند و در هشتم ماه محرم علیخان شجاع الملک از شیراز با چند فوج و چند عراده توپ روانه بندر بوشهر کردید و میرزا احمد خان کشیکچی باشی ولد مرحوم امیرخان سردار قاجار نیز از دار الخلافه باهره مامور فارس شد روز پنجشنبه چهاردهم جمادی الاولی روانه کردید و چند فروند جهاز جنکی انکلیس نیز بمحمره رفت و عساکر دولتین مشغول محاربه شدند و چندی نکذشت که رفع منازعه شده جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در پاریس بخواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم بتاریخ هفتم رجب همین سال کفتکوی مصالحه را بپایان رسانیدند و صورت عهدنامه جدیده در جلد اول کتاب مرآت البلدان ناصری در ذیل لغت بوشهر ثبت و ضبط شده است در شیراز کنبد شاه چراغ علیه السلام و محراب صحن را که از زلزله خراب شده نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس حسب الامر مبسازند جناب غراف کنیوشار ژدافر دولت فرانسه که بدار الخلافه باهره آمده بود با ترتیب شرایط معموله و اعزاز شاهان بحضور معدلت ظهور شاهانه تشرف حاصل نمود رضاقلیخان سرتیپ فوج عرب بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و خلعت همایون مفتخر کردید حاجی میرزا احمد خان مصلحت کذار دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب وزیر مقیمی در دربار دولت عثمانی برقرار کردید کتاب موسوم بانوار ناصریه در علم حکمت و طبابت از مصنفات میرزا محمد حکیمباشی کل طبع شده بفروش میرسید کتاب جراحی که رساله دیکر را ضمیمه دارد از مصنفات حکیمباشی خاصه دکتر پولاک نمساوی بطبع میرسید فوج چهار محال اصفهان نیز بمحمد ابراهیم خان سرتیپ افواج فریدن و شرده ای ابوابجمع فرمودند فوج کرایلی بعلی آقای سرهنگ خارج از فوج و نایب اجودانباشی ابوابجمع فرموده مامور کرمانشاهان نمودند بند پیمودن را در عراق میرزا حسن خان حاکم عراق بست آقا رضا خان نایب دویم اجودانباشی بمنصب نیابت اول اجودانباشی نایل کردید حاجی عبد الله کاشته امام مسقط با پیشکش و هدایا که از جمله یکرشته تسبیح مروارید اعلی بود و دو راس اسب نژاد ممتاز عربی و غیره بدربار همایون آمد شیخ دین محمد خان حاکم مکران وفات یافته شیخ عبد الله خان پسرش بجای او حکومت دادند کلنل شندلاکو سفیر دولت استریه از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آستریه بدار الخلافه باهره آمده و از ویذیرائی کامل نمودند و بحضور همایون با اعزاز وافر تشرف حاصل نمود و از جمله تحف و هدایائی که از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت استریه تبلیغ و تقدیم حضور باهر النور اعلیحضرت شاهنشاهی نمود یکقطعه نشان تمثال مکلل بالماس اعلیحضرت امپراطور آستریه و یکجلد کتاب تصویر اعلیحضرت امپراطور معظم الیه و خانواده سلطنتی و اکابر دولت و جار بزرک بلور بلند ساقه

دنکهن کر انواع صنعت ونظافت دران بکار رفته وبعضی اشیاء نفیسه دیگر بود میرزا شفیع وزیر یزد بمنصب جلیل استیفای خاصه وخلعت همایون مفتخر گردید حسنعلیخان افشار سرهنگ فوج اردبیل عسکر بمنصب سرتیپی سرافراز شد نورخانه وجبه خانه اصفهان خوب کار میکنند مرتضی قلیخان سرحددار انزلی بمرض فالج مبتلا شده برادر مشارالیه جعفرقلیخان بسرحدداری انزلی برقرار گردید میرزا اسمعیلخان میرزا آقاسی شیلات گیلان وفات یافته محمودخان پسر او بمباشری شیلات مقرر شد آزادخان خاقانی نوکر ابد دولت جاوید شوکت بیک کوب جبه ترمه تمام زنجیره ویکقبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید میرزا محمدتقی مشرف دارالنظاره بنیابت نظارتخانه مبارکه مفتخر گردید

میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی غفاری که در فن اعلی درجه مهارت را بهم رسانیده واز اجله صاحب صنعتان این زمان ووحید عصر وفرید ویگانه دهر میباشد در تصویر تمثال حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حد صنعت استادی را بکار برده یک جعبه رنگ نقاشی طلا که در وسط گل الماس دارد و بنیاد کار ابنها و ثمین بمعزی الیه مرحمت فرمودند میرزا محمدرضای متولیباشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم شده جناب میرزا سیدحسین ولد آنمرحوم بجای پدرش بمنصب متولیباشیگری بقعه متبرکه سرافراز شد میرزا محمدصادق قایم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجددا امور آنمملکت گردید نواب محسن میرزا امیرآخور بخلعت همایون سرافراز گردید جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با اتباع سفارت کبری وارد پاریس شده بنابر اینها که از جانب دول متحابه نسبت بوزرای مختار و ایلچیان بزرگ دول معظمه معمول است از جانب دولت فرانسه نسبت بجناب معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمد روز پنجم در دوبیز با شرایط ورسوم معینه بحضور اعلیحضرت ناپلیون سیم مشرف شده نامه مهر ختامه اعلیحضرت همایون را تسلیم کرده اعلیحضرت ناپلیون نهایت اظهار شعف از مودت کامله اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از عهدنامه تجارتی که فیما بین دولتین ایران و فرانسه بسته شده نمودند وهدایای اعلیحضرت همایون را که عبارت از تمثال بی مثال المبارک برای اعلیحضرت ناپلیون وتصویر کردن بند برای علیاحضرت امپراطریس وشمشیر مرصع برای نواب ولیعهد بود جناب سفیر کبیر تبلیغ وتقدیم نمودند آقاعلی اشتبانی پیشخدمت خاصه محصل وجوه خاصه بخلعت همایون مفتخر گردید

شب شنبه بیست و چهارم رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده سلام خاص تحویل در پیشگاه ایوان خانه همایون منعقد و فردای آنروز که عید نوروز بود سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت امیراصلانخان عمیدالملک حکمران گیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس

سرافراز

سرافراز گردید جناب کنیاز باراتنسکی تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بجانشینی مملکت قفقاز منصوب گردید جنرال کنیاز ملیکوف را که با هشت نفر از صاحبمنصبان محترم وجمعی دیگر بدربار دولت علیه روانه نمود که ماموریت خود را اظهار دارد جناب مشارالیه بدارالخلافه باهره آمده از جانب اولیای دولت بنای پذیرایی شایان معمول بعمل آمد سرباز علیخان حاکم سیستان بعزم عتبه بوسی آستان مبارک بدارالخلافه آمد مهرعلیخان شجاع الملک بنشان امیرتومانی ویکرشته حمایل وسطایی کناره قرمز ویکقبضه شمشیر مرصع بالماس مفتخر گردید محمدقلیخان ایلخانی فارس بنشان از مرتبه سیم میرپنجی وخلعت همایون سرافراز شد علیخان سرتیپ قراگوزلو بنشان از مرتبه سیم میرپنجی ومحمدقلیخان سرتیپ بنشان از درجه اول سرتیپی وعبدالله خان سرهنگ فوج خاصه بنشان از درجه اول سرهنگی وحمایل همین رتبه ومحمدطاهرخان سرهنگ فوج تبریز بنشان از مرتبه دویم سرهنگی ومیرزا علیمحمدخان ولد حاجی قوام الملک بنشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید مفتخر گردیدند ولطفعلیخان سرتیپ فوج قشقائی بیکقبضه شمشیر یراق طلا مایل گشت همچنین ابوالفتح خان سرتیپ فوج قشقائی وپردیزخان سرتیپ سواره چهاردولی هریک بیکقبضه شمشیر یراق طلا سرافراز شدند احمدخان نوائی نایب ایشیک آقاسی بحکومت بندربوشهر برقرار گردید عزیزخان سردار کل معزول شد نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمدشاه) انارالله برهانه روز پنجشنبه بیست وپنجم شوال المکرم ابتسال بغرفات جنان انتقال نمود نواب والا رکن الدوله بحکمرانی آذربایجان سرافراز گشتند ونواب والا محمدتقی میرزا بحکمرانی دارالخلافه برقرار گردیدند نواب والا عبدالصمد میرزا حکمران قزوین میباشند در تبریز ناخوشی وبا بروز کرده کاروانسرای موسوم بکاروانسرای شاه بلده ساری را حسب الامر مرمت میکنند جناب مستر موری وزیرمختار وایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست ویکم ذیقعده با اجزای سفارت خود بدارالخلافه باهره آمد حسنعلیخان سرتیپ فوج اردبیل ومشگین که بقراولی وساخلو دیوانخانه مبارکه ومخانه درمیاوران برقرار بود مرخص وعباسقلیخان سردار لاریجانی باینخدمت سرافراز گردید دوقریه زلزله سختی شده است احمدخان نوائی حاکم بندربوشهر بلقب دریابیگی بحر فارس ونشان از درجه اول سرتیپی وحمایل سرخ از این مرتبه سرافراز شد محمدخان امیرتومان بیکقبضه شمشیر مرصع واسباب طلا و هزار تومان انعام نایل گردید چراغعلیخان حاکم خمسه عمارات دیوانی آنجا را حسب الامر تعمیر میکنند حکم همایون شد که جمیع ملل که در عتبات ابد دولت ابد آیات اند کاملا در رفاهیت وامنیت باشند واگر اجاره با آنها دست تعرض وصدمه دراز کنند تنبیه شوند جناب حیدر افندی شارژدافر دولت عثمانی

که موقتاً از آن دولت اجازه معاودت بمملکت خود حاصل نموده شرفیاب حضور باهر النور مبارک شده
رخصت انصراف حاصل نموده مورد مراحم ملوکانه گشته یکقطعه نشان تمثال همایون از درجه دوم
مکلل بالماس بمعزی الیه مرحمت شد جناب توفیق افندی بجای جناب جید افندی بشارژدافری
برقرار است مسیو جان داود خان مترجم اول دولت علیه بنشان سرهنگی اول و حمایل سفید مخصوص
این رتبه و خلعت همایون نایل گردید جناب مسیو لاغوفسکی شارژدافر دولت روس را یکقطعه نشان
شیر و خورشید از درجه اول و حمایل سبز سیر مخصوص آن مورد مراحم خاص فرمودند فرستادگان ولایات
و سرداران کابل و قندهار و اتالیغ بیک والی قندز و کهندل خان حاکم سابق تاش قورقان با عرایض
ارادت آمیز خدمت نواب والا احتشام السلطنه آمدند آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام یکقطعه نشان شیر و خورشید
از مرتبه اول سرهنگی با یکرشته حمایل سفید مخصوص این رتبه سرافراز گردید محمد علی بیک یاور فوج
دماوندی بمنصب سرهنگی و خطاب خانی سرافراز گردید هادیخان سرتیپ یکقطعه نشان سرتیپی
و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه مفتخر گشت عسکرخان سرتیپ افشار ارومی مرحوم و یوسف
خان برادرش بجای او بمنصب سرتیپی رسید نریمانخان نایب اول ابناشی حامل عهدنامه مصالحه
دولتین ایران و انگلیس بدرجه سرتیپی رسید و چون از اجزای سفارت کبری مامور پاریس است
روانه محل ماموریت خود گردید کیناز ملیکوف و سایر صاحب منصبان دولت روس که از جانب
جناب کیناز باراتنسکی جانشین جدید قفقازیه بدربار همایون آمده بودند اجازه انصراف حاصل
کرده یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول بکیناز ملیکوف مرحمت فرمودند و سایر صاحب منصبان
که همراه معزی الیه بودند بهریک علی قدر مراتبهم نشان بموجب فرمان همایون مبذول شد میرزا عباس
خان منشی اول وزارت امور خارجه بمنصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز گردید
جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران از پاریس بلندن رفتند و در آنجا پذیرائیهای شایان که از
سفرای مختار و ایلچیان بزرگ دولت معظمه رسم است نسبت بجناب معزی الیه بوجه اکمل از جانب
دولت انگلیس بعمل آمد روضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها را حسب الامر ذوالفقارخان حاکم
قم تعمیر مینماید و سد رودخانه قم را میسازد و سد پل دلاک و خود پل دلاک و کاروانسرای آنجا را و
کاروانسرای حوض را مرمت میکند و کاروانسرای حوض سلطان و حوض بزرگی تازه ساخته میشود
اللهوردیخان یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید بعضی اشرار تراکمه سرخسی
قراباب با سوار زیاد بعزم تاخت نواحی نیشابور آمده بودند قشون مامور سرحد ایشان را شکسته و بسیاری

از ایشان را

از ایشان را کشته معدودی فرار کردند نواب والا شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه [illegible]
کتاب تاریخ افغانستان را در بهترین سبکی حاوی فنون فضایل تصنیف نمودند آقا محمد حسن
مهرداد یکقطعه نشان تصویر مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید کتاب شرح قاموس فارسی را در
نهایت امتیاز میرزا عبدالله طبری منشی دیوان اعلی طبع نموده بفروش میرسد نواب والا اردشیر
میرزا حکمران دارالخلافه بلقب رکن الدوله ملقب گردید محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان
بلقب سهام الملکی و خلعت همایون مفتخر گردید خسروخان والی [illegible] مرحوم شد میرزا حسن برادر
میرزا حسین سررشته دار قورخانه مبارکه بمنصب جبه دارباشیگری و مباشری جبه خانه مبارکه سرافراز
شد سردار علیخان سیستانی بمصاهرت نواب والا بهرام میرزا (معز الدوله) مباهی گردید میرزا زمان
امیر دیوان یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این منصب
و خلعت همایون مفتخر گشت امسال در دارالخلافه باهره چه از جانب دیوان اعلی و چه از طرف امنای
دولت علیه و سایر خلق بنائی زیاد میشود و روز بروز جمعیت دارالخلافه رو بتزاید است و در بیرون
دروازه دولت و دروازه شمیران عمارات خوب ساخته اند مسجد جامع قزوین را مرمت کرده اند

۱۲۷۳
سوانح و وقایع عظیمه که در اینسال در تمام عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتازونی ینکی دنیا

قحط و غلای سخت در ایالت مشیگان در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی مابین قشون دولت
و احتساب شهری که پول بجد بکر بانک نیورک و بستن از دادن پول برات را مضایقه نمودند

اسپانیا

شورش سختی در مالاکا بدست آوردن جمعی از شورشیان در مادرید پای تخت در ایالت سویل
ایضا شورش عزل نارواز از صدراعظم و نصب امیرال ادنیر تولد پسری از ملکه در پاییز موسوم
بالفنس رودخانه ابر را دولت در صدد است که بعرض و عمقش بیفزاید تا کشتیهای بزرگ باسانی
در آنجا سیر نماید جمعیت تمام اسپانیا در اینسال سی و دو کرور و سیصد و چهل هزار نفر میباشد

آلمان

ایجاد قانون تجارتی بجهت تمام ممالک آلمان هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالک ایطالیه
متصرفی خود جنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع فتوحات این ایالات بدست او شده بود از منصب

ملزم از استعفا نمود و حکومت ایالات مذکوره منتقل بر ماکسی میلین برادر امپراطور میگردید در مملکت پروس طایفه یهود را منع میکنند که قانون دولت متحمل نمایند افتتاح راه آهن از برلن برونیز اعلیحضرت پادشاه پروس که بشدت ناخوش اند اختیار سلطنت را موقتاً سه ماه ببرادر کهتر خود که سنا دو سال کوچکتر است و ولیعهد میباشد واگذار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید یافت

انگلیس

عزل وکلای ملت بواسطه اختلافی که با رجال دولت داشتند تعیین وکلای جدید که اغلب با لرد پالمرستن صدر اعظم خیالشان مطابق است فرمان اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس قرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه بعد از این مخاطب به پرنس شوهر خواهد بود گفتگوی مصالحه مابین جناب امین الملک فرخ خان و لرد کولی سفرای کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس شورش عسکر انگلیس در بنگاله بواسطه دخالت دولت در طریقه ملتی و مذهبی آنها این شورش باغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد بیحد و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود در دهلی یاغیها یکی از اولاد سلاطین گورکانیه خودشان را بپادشاهی بر میدارند افواج انگلیس را در کلکته یراق چینی میکنند قشون مملکت عود و گوالیور بدولت انگلیس میشوند در ناحیه گاون پور علی الخصوص ننه صاحب نامی اینها کمال وحشی گری را نسبت باهالی انگلیس مینمایند جنگ سخت یاغیها در حوالی اکره در بمبئی طایفه سیک از طوایف هند نسبت بانگلیسها نمیشوند شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردید و در این جنگ خیلی از قشون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود ساله بود در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول گردیده و اغلب شاهزاده های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند متصرف دولت انگلیس جزیره پرین را در دریای احمر مابین عدن و مخا موافق عهدنامه که با دولت [illegible] بسته شد این دولت حق داد بعد از این در بنادر داخله مملکت انگلیس قونسول روانه کند کشتیهای جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است

ایطالیا

قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پارم بیرون رفتند در شهر لیورن مردم بنای شورش دارند محرک جمیع شورشیان مازینی است مسافرت حضرت پاپ بفلورانس شروع بکندن دالانی از عرض کوه منسینی بجهة عبور راه آهن از خاک فرانسه با ایطالیا در افتتاح اینکار بزرگ پادشاه ساردن و کنت راسانول و پرنس ناپلیون برادرزاده امپراطور فرانسه حضور داشتند زلزله شدید در ایالت سالرن

پرتوغال

اعلیحضرت پادشاه پدرو پنجم بشخصه افتتاح مجلس پارلمان میکند و این سال اول است که این پادشاه جوان خود بشخصه افتتاح مجلس میکند در لزبن پای تخت تبهای بد و حصبه با شدت تمام ساری بوده جمعیت زیادی را میکشد

بلژیک

عروسی دختر اعلیحضرت پادشاه شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسی میلین

چین

کشتیهای جنگی این دولت با وجود عدم استحکام بعد از استقامت در مقابل سفاین جنگی انگلیس و صدمات کلی رسانیدن بآنها بالاخره شکست یافتند جزیره هونانزا در محاذی کانتن مامورین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و شهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای خارج شهر را متصرف شدند

دانمارک

طایفه اسکاندیناو که بیشتر اهالی سود و نروج و دانمارک از این طایفه هستند میل باتحاد دول ثلثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سود را بجهة اینکار انتخاب نمودند وحشت پادشاه دانمارک از این فقره و نوشتجات رسمی بدربار دول فرنگ فرستادن و اظهار وحشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلسویک وضع قانون ایالت خود را بپارلمان طالب اند و مضایقه در دادن مالیات بدولت دانمارک مینمایند بهم زدن حاکم اسلسویک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را مطالبه مالیات از رعیت بزور دول اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد و حامی است

روس

اعلیحضرت امپراطور روس در صدد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت بنجبا و ملاک و اربابان خود حالت عبودیت و مملوکیت داشتند شروع اینخیال بزرگ ابتداء از ایالت لیتوانی شده و تا دوازده سال تمام مقرر شد از این تاریخ بعد متدرجاً این حالت مذمومه از میان اهالی روس مندفع شود برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد در بنادر نظامی دول فرنگ بسیاحت رفت علی الخصوص در تولن و شربورک بنادر جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاده معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انگلستان عهدنامه تجارتی با ژاپن عروسی گراندوک میشل برادر کهتر اعلیحضرت امپراطور با شاهزاده خانم سسیل دختر والی باد افتتاح راه آهن از پطربورغ

سوئد

پادشاه اینمملکت بواسطه سوء مزاج قدرت بسلطنت نداشت پسر خود را که ولیعهد بود بنیابت سلطنت مقرر داشت

سویس

جنگ با پروس بواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بصلح شد جمیع دول فرنگ در مجلس گفتگوی این مصالحه که در پاریس واقع شد مامور فرستادند اعلیحضرت پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نفشاتل که متعلق بسویس است دست کشید حتی تنخواهی را که از سویس مطالبه مینمودند از آن تنخواه هم صرف نظر نمودند عهدنامه بامضای طرفین و بامضای جمیع دول فرنگ در تابستان اینسال در پاریس منعقد گردید

عثمانیه

در مصر تغییر وضع و صولتها لبات سفر والی مصر بسمت سودان تعیین مخارج معین برای شخص والی مصر باین راضی نشد که بلکه ستر از علمای انگلیس و فرانسه والمان که بجهة انکشاف سرچشمه نیل بمصر آمده بودند خیالات خود را در اجرای اینعمل بانجام رسانند در تونس قتل یکنفر یهودی که بدین اسلام بی احترامی کرده بود والی قدیم ملداوی شبکا که در بنوقت در پاریس بود خود را میکشد عیسویان هرزکوین و بسنی والبانی که از طرف مسلمانها باها صدمه میرسید مبشورند

بقیه مسئله شرقیه

الحاق ایالت ملداوی بولگراد واگذاشتن بدولت عثمانی جزیره ماراز واختیار مصب رود دانوب را بقرار نکیزند بدولت عثمانی تخلیه قشون اطریش ایالات افلاق بغدان را موافق عهدنامه که موسوم بعهدنامه پاریس است ۲ مقیم حد روس و عثمانی در سمت آسیا و پاینی عرب خواهد بود سفیر بلژیک در دربار دولت عثمانی متهم باین شد که اهالی افلاق بغدان را محرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را بسلطنت خود اختیار نمایند عزل رشید پاشای صدر اعظم صدارت عالی پاشا قطع مراوده ایلچیهای فرانسه و انگلیس و اطریش و روس با وزارت خارجه عثمانی بطور کدورت دول انگلیس و اطریش عهدنامه مخفی میبندند مسافرت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه بانگلیس و ملاقات ایشان با اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر ازبرن تجدید مراوده سفرای مذکوره بفاصله چهارده روز با وزارت خارجه عثمانی ملاقات اعلیحضرت ناپلیون فرانسه و اعلیحضرت امپراطور روس در اشتتگارد پای تخت مملکت وورتنبرگ در عمارت سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اطریش در ویماد

فرانسه

قتل کشیش بزرگ پاریس سیبور نام بدست یکی از کشیشهای بد جرئت ویرژه در هنگام عبادت در کلیسای سن اتیین ایجاد قانون جدید نظامی صد هزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح موجود خواهد بود هر سی و پنجنفر از رعایای فرانسه حق فرستادن یک وکیل بدار الشوری دارند در لندن مادینی نام ایطالیائی محرک جمعی است که اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه را بقتل رسانند دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده پرنس ناپلیون بسمت میانجیگری ببرلن پای تخت پروس میرود آمدن برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین و آمدن پادشاه باویر بپاریس فوت جنرال کاوینیاک فجاءةً دو هزار تومان دولت فرانسه باشخاصی که در الجزایر خوب پنبه بعمل آورده اند انعام داد مأموریت بیست و پنجهزار قشون برپاداری تا کاهون بجنگ طوایف صحرانشین قبیلی امتداد سیم تلگرافی بحری از ساردنیا بالجزایر جمعیت فرنگی که در الجزایر است صد و شصت و هفت هزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است در جزیره ماداگاسکر فرانسه‌ها را از پای تخت آنجزیره اخراج میکنند عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام خیال ساختن راهی از زیر دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسه تعداد نفوس جمعیت فرانسه بهفتاد و دو کرور و سی و نه هزار سیصد و شصت و چهار نفر رسید

مکزیک

شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در وراکروس

ینکی دنیای جنوبی

شدت مرض تب زرد در منت ویدو

وقایع سال یازدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله تعالی ملکه و دولته مطابق هزار و دویست و هفتاد و چهار هجری ۱۲۷۴

ئیل توی

در اینسال خیریت مآل کما فی السابق کلیه توجه خاطر خطیر همایون بانتظام امور کشور و لشکر و اشاعه عدل

وانضباطی در میان جمیع ملل و غازیان این دولت ابد آیت تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه بنا و دوران
میشود میرزا اسمعیل خان منشی مهام خارجه استرآباد احضار بدار الخلافه شد میرزا محمد که سابق مسبوق
باین خدمت بود بجای او منصوب و باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرهنگی سرافراز
و باتفاق جعفر قلیخان حکمران استرآباد روانه محل ماموریت خود گردید چون میزان سابق تبریز کوچک
بود حسب الامر میزان و سیورسات و انبارهای بزرگ ساختند علیقلیخان بمنصب بیگلربیگی گری تبریز سرافراز
شد عمارت دیوانی تبریز را میرزا فضل الله وزیر نظام تعمیر مینمایند قلعه خرم آباد و باغ سروستان علی آباد
که بمرور دهور خرابی بهمرسانیده بود حسب الامر مجدداً آباد و اشجار غرس نموده اند حسن خان سرکرده سواره
قراپاپاق که در تدمیر ترکمانان بنواحی خواف و غوریان و بعضی نواحی دیگر خراسان رشادت زیادی نموده بود
بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی و حمایل سفید مخصوص آن رتبه سرافراز گردید حرم مطهر
حضرت رضوی علیه السلام را حسب الامر آئینه کاری مینمایند یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از درجه
اول با حمایل آبی بمصحابت مسیو جان داود خان سرتیپ مترجم اول این دولت علیه از جانب سنی الجوانب همایون
با نامه مهر علامه برای جناب ایالت نصاب کنیاز الکسندر باراتنسکی که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس
بجانشینی مملکت قفقاز و سپهسالاری قشون قفقازیه مامور شده اند انفاذ شد عمارات دیوانی
اصفهان خاصه میدان نقش جهان و میدان چهار حوض را حسب الامر تعمیر مینمایند در غیاب جعفر قلیخان
ایلخانی حکمران استرآباد و توقف او بدار الخلافه ترکمان نواحی را خالی از قشون و کمان موقع مناسبی از وان
برای تاخت و تاز کرده آق محمد سردار تکه با زیاده از چهار هزار نفر بسمت بجنورد میآیند سبحانقلیخان
نایب الحکومه برادر ایلخانی حکمران خبر شده با سیصد و پنجاه نفر سوار و یکصد نفر شمخالچی بمقابله دو سه اتله
با آنها پرداخته ترکمان را منهزم و بسیاری از آنها مقتول میشوند
شب ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میباشد در دار الخلافه
ناصره و سایر بلاد ممالک محروسه جشن بزرگی برپا نموده و روز عید سعید سلام عام در بنا و دوان منعقد
گردید حاجی جابر خان حاکم محمره بمنصب جلیل میرپنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون
سرافراز گردید راه جنابان مازندران را حسب الامر تعمیر مینمایند میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان
بیکقطعه نشان همایون سرافراز گردید غلامحسین خان سپهدار حکمران کرمان نیز بیکقطعه نشان
تمثال بیمثال همایون مفتخر شد علیقلیخان میرپنج بمنصب جوانباشیگری کل عساکر نظام و غیره
برقرار آمد محمد اسمعیلخان چاپارچی باشی ملقب بمشیر الدوله شد میرزا سید محمد پسر میرزا صادق

لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد در اوایل عشر دویم ربیع الاول نواب مستطاب شاهنشاه زاده
امجد اعظم امیر محمد قاسم خان را ولایتعهد این دولت ابد مهد عنایت فرمودند و از شب چهاردهم تا شب
هفدهم که شب عید مولود مسعود حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله میباشد در دار الخلافه باهره جشن
بزرگ گرفتند تراب خان نایب اجودانباشی بمنصب سرهنگی سواره نظام مفتخر گردید یکقطعه فیروزه
درشت خوب بیعدیل و نظیر از معدن فیروزه نیشابور پیدا کرده بقیمت نازلی یعنی صد و هشتاد تومان
برآقا سید میرزا حاکم نیشابور فروخته و مشارالیه نیز بقوام الدوله پیشکار خراسان بهمان قیمت فروخته
قوام الدوله آنرا بدار معدلت مدار فرستاده داخل جواهر نفیسه خزانه مبارکه گردید میرزا احسن خان
حاکم عراق بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیرپنجگی و یکرشته حمایل سرخ و سفید که مخصوص آن رتبه است
سرافراز گردید یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی با انضمام یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه بنواب
محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند میرزا بزرگ کارپرداز دولت علیه مقیم ارزنة
الروم بلقب خانی و خلعت همایون برقرار شد آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم شد
موسی خان پسر جناب صدر اعظم که بزیارت عتبات عالیات روانه شده بود در ملایر مرحوم شد بعد از مرحوم شدن
آقا محمد حسن مهردار مناصب او را از مهرداری و غیره برآقا عبدالله رختدارباشی ولد آنمرحوم مرحمت فرمودند
و منصب رختدارباشیگری را برآقا ابراهیم برادرزاده آنمرحوم واگذار نمودند در خوی زلزله شدیدی اتفاق
افتاد چون حسنقلیخان سرهنگ فوج عجم در ماه محرم فوت شد این اوقات محمد علیخان ولد آنمرحوم
بسرهنگی فوج عجم سرافراز شد میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام بمنصب استیفای دیوان همایون
مفتخر گردید ریاست کل مدرسه مبارکه دار الفنون را در ماه جمادی الاولی بنواب والا اعتضاد السلطنه
واگذار و نواب معظم الیه را بخلعت همایون سرافراز فرمودند میرزا عبدالله مستوفی میزان که سابقاً مامور
آذربایجان بود بلقب ناظم میزان ممالک محروسه ملقب و مخلع گردید علیخان سرتیپ افواج قراگوزلو بمنصب میرپنجگی
و خلعت همایون مفتخر گردید جعفر قلیخان ایلخانی بیگلربیگی استرآباد در تنبیه اشرار ترکمانیه و جعفربای
ترکمان مساعی جمیله نموده بیکقبضه شمشیر مکلل بالماس سرافراز شد نشان تمثال همایون که برای سید ثوینی
امام مسقط فرستاده بودند حین ورود بمسقط سید ثوینی در محل صحار که از علاقه جات عمان است بوده
سید محمد بن سالم که قائم مقام او در مسقط بود لوازم استقبال و تکریم را بعمل آورده بیست و یک تیر
توپ شلیک کرده خود امام مسقط نیز بمجرد استماع قشونی که برای استقبال سید ثوینی برادر کوچک
خود جمع کرده بود در صحار عمان گذاشته بتعجیل بمسقط آمده لوازم جشن و توقیر و احترام نشان مهر لمعان

همایون پرداخته آذوقه بیکرا افتخار خود نمود و مخالفتی هم که میان معزی‌الیه و صبید ترکی بود از قرار رقم والا
نواب مؤیدالدوله حکمران فارس باصلاح انجامید جناب مسیو دبنشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت
فرانسه مامور باقامت دربار دولت علیه از اول ورود بخاک ممالک محروسه از طرف آذربایجان همه جا جناب
معزی‌الیه را مامورین مخصوص این دولت ابد مدت چنانکه باید پذیرفته باعزاز و لوازم معموله و شرایط
مقرره وارد دارالخلافه کردید جناب مسیو قنبو شارژدافر دولت فرانسه که بیکقطعه نشان تمثال همایون
مکلل بالماس مفتخر کردیده بود برحسب احضار دولت متبوعه خود از حضور مهرظهور همایون مرخصی
حاصل نموده مقارن روانگی بموطن خود نیز بیکقطعه نشان از درجه اول خارجه با حمایل سبز و بیکطاقه شال دستی
اعلی بمعزی‌الیه مرحمت فرمودند چند قبضه تفنگ سربازی سبک خزانه دار بسیار خوب کارخانه
اصفهان بدارالخلافه آورده مقرر شد عجالةً هشتصد قبضه از این تفنگ بسازند در درشت اجناس
تسعیر داده میرزا عبدالوهاب خان شیرازی (جناب نصیرالدوله) بخلعت همایون سرافراز و داخل در
دیوان وزارت امور خارجه کردید میرزا عبدالله مستوفی ناظم کرات چون حسب‌الامر روانه آذربایجان کردیده
میرزا سید رضی که مشغول سررشته داری کارخانه‌های ممالک محروسه باو مفوض بود بنیابت معزی‌الیه
برقرار کردیدند رکن‌الدین میرزا امیر توپخانه در ماه رجب مرحوم شد
در این اوقات برحسب اشاره علیه حکمی نظامی جناب صدراعظم بجهة تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل
نظام مرقوم نموده صدر آن موشح بدستخط جهانمطاع همایون کردید و صورت آن حکم نظامی از قرار ذیل است

جناب میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله که از وزارت تجارت ممالک محروسه برقرار میباشند پدر بر پدر از بزرگ‌زادگان فارس و خدمتگذاران این دربار معدلت مدار و همواره در مدارج ترقیات کامله بوده در کار معاملات و شئونات عالیه مصیب باشند

چون منظور نظر اکسیر اثر و مکنون ضمیر منیر مرحمت تخمیر سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه
عالمیان پناه روح العالمین فداه تنظیم لشکر و تربیت کافه نوکر است تا هر یک از طبقات نوکر را متعین در کار
باشد و بدان رسم و سلوک رفتار نمایند و ارباب قلم را از اصحاب سیف امتیاز باشد و کافه لشکر از جهت
لباس و اسلحه از دیگران ممتاز آیند و نظر باینکه این البسه متداوله ایران خاصه کلاه‌های بلند از صلابت
و سطوت و مهابت که خاصه لشکریان است دور و بلطافت و نظافت که مخصوص اصحاب طاق و رواق است
نزدیک بود و برای قشون و ارباب مناصب تلبس باین لباس مناسب نبود و تاسیس این اساس هم و از مرافقت
میمنود و حال اینکه ما به تفرقه حواس و خیالشان بود بدین جهت که باید حواس ارباب مناصب جمع تنظیم سپاه
باشد در دو ضهال تقطیع کلیجه و کلاه لهذا امر و مقرر فرمودند که غازیان عساکر منصوره از ملتزمین رکاب ظفر
انتساب همایون و مامورین و متوقفین ممالک محروسه از ارباب مناصب و تابین از این پس قرار کلاه و لباس و چادر و نوکر

خود را از این قرار بگذارند و اندازه کار و اخراجات خود را مرعی دارند بموجب همین حکم نظامی که برحسب
امر قدر قدر مرقوم شده است

قرار لباس غازیان مفصله

آقایان قاجار و خوانین قاجار — اهالی کشیکخانه عموماً از غلام پیشخدمت و غلام وغیره
نسقچیان و جارچیان و یساول و عمله حضور — فراشان و چاپاران و عمله اصطبل
عساکر منصوره از امیران و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب منصبان و سرکردگان از توپخانه
و زنبورکخانه و قورخانه و سرباز و سوار عموماً از نظام و غیر نظام و معلمین و متعلمین مدرسه دارالفنون
و نایبان اجودانباشی وغیره

کلاه جمیع اشخاص مفصله فوق باید دو رویه باشد مثل کلاه خراسانی از صاحب منصبان و روسا از دو تومان
و پنج هزار دینار زیادتر قیمت نداشته باشد کمتر را مختارند از تابین و احاد افراد از دو تومان باشد
الی سه هزار دینار

کلیجه زمستانی و بهاری کلاً باید بره آنها غیر از برک و ماهوت چیز دیگر نباشد بکلی کلیجه ترمه کشمیری و
کرمانی را موقوف دارند تابین کلیجه قدک و لنگه بپوشند لاغیر

قبای صاحب منصبان و روسا دارائی و صوف یزدی و قدک در تابستان و در زمستان ماهوت و برک باشد
لاغیر از تابین عموماً قدک باشد مگر ملبوس نظامی ماهوت که از دیوان اعلی داده میشود

قرار چادر نوکر

چادر پوش از میرپنجه بپائین کسی نباید دو ادود و بر دارد امیر تومان و میرپنجه‌ها کسی که دو سلک شمشیربند
شان میرپنجگی داشته باشد مختار است سرتیپان چادر بی پوش سرتیپی مثال ابره چیت یا قلمکار یا دارائی
هرچه بکنند مختار است لکن پوش نباید داشته باشد و سرهنگ هم چادر سرهنگی یکسر طبل میانش را هرچه
بکنند مختار است این در صورتیست که سرتیپ و سرهنگ همراه اردوئی سفر کنند که تابع ان اردو باشند
لکن اگر سرتیپ را رئیس اردو کنند یا قشونی باو بسپارند و بجائی مامور کنند که وکتر از ان در آن
اردو و قشون نباشد در آن صورت از دیوان اعلی چادر پوش باو داده خواهد شد که بعد از معاودت
از سفر بجبا خانه مبارکه پس بدهد امیر تومان و میرپنجه در برداشتن چادر پوش مختارند خواه با اردوی
بزرک یا منفرد باشند سرتیپها میتوانند در روی چادر یکسر طبل خود شان پوش کوچکی بی هنک و تیر
عرقچین طور علاوه نمایند که تمیز میانه سرهنک و سرتیپ داده و هم حفظ باران و سرما کند و اگر
هم نگذارند مجبور نخواهند بود

از امیران تومان و میران پنجه و سرتیپان و سرهنگان و صاحب‌منصبان قرار قراول اینها این است که هر یک بقدر فوجی که ابواب‌جمعی دارند از هر فوجی دو نفر اردل داشته باشند مثلا سرتیپ دو فوج دارد چهار نفر اردل داشته باشد و سرتیپ یکفوج دو نفر علی هذا زیاده از این اردل در جلو خود نیندازند و نوکر هم در شهر و کوچه و بازار و غیره زیاده از قرار تفصیل ذیل همراه خود بر ندارند

امیر تومان	میر پنجه	سرتیپ	سرهنگ	یاور
هشت نفر	شش نفر	پنج نفر	چهار نفر	دو نفر

نایب آجودان باشی از مرتبه اول و دوم و سیم مثل سرتیپ و سرهنگ و یاور است زیاده از این نباید نوکر همراه خود بردارند و سایر نوکران شمشیربند هم از این قرار و موافق شأن هر یک از درجات که هستند میتوانند با خود بردارند زیاده از این بردارند مجبور اند لاکن در کمتر مختارند

قرار مفصله مزبوره فوق قرار از حال تحریر الی غایت مدت بکاه در جمیع ممالک محروسه معمول و مجری دارند و دقیقه از دقایق اینها را مهمل و متروک نگذارند عالیجاه مقرب الخاقان امیر الامراء العظام عباسقلی خان سیف‌الملک میر پنجه میباید حسب الامر تا مدت بکاه این خدمت را انجام داده قرار لباس و چادر و نوکر هر کس از چاکران دربار همایون بر نهج مقرر بگذارد و صورت این حکم محکم را مقرب الخاقان سیف‌الملک بجمیع ولایات و اردوها که قشون جمع هستند و جمیع سرحدات بتوسط و صاحب چاپار بفرستد و التزام عدم تخلف این حکم محکم را بیاورند و محتسبین در دار الخلافه و سایر ممالک محروسه مامور دارد که هر یک از این قرار تخلف و تجاوز نماید معروض دارد تا بمعرض مواخذه و عتاب درآید و اگر آن مقرب الخاقان نیز در اجرای احکام مرقومه تعلل و تسامح نماید مورد مؤاخذه و عقوبت قهرمانی خواهد بود تحریراً

فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۷۴

نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان با قشون ظفرنمون در سه فرسخی مرو و مفسدین ترکمانان سرخس و مرو که سابقاً منشا شرارت بودند تنبیه شدند و در راه دوستی و منادی هستند

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سی دقیقه از شب گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده مجلس تحویل با شکوهی تمام در دربار همایون منعقد گردید و فردا سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت

شب پانزدهم شعبان که شب عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه میباشد و

این عید

این عید سابقاً معمول نبود و سال گذشته بامر همایون دایر گردید جشن بزرگی در دار الخلافه گرفتند

محمدرضا بیگ یاور اول توپخانه پسر مرحوم ذبیل بیگ افشار که در جنگ هرات بصدمه گلوله توپ مقتول گردید نظر بحقوق او و لیاقت محمدرضا بیگ معزی الیه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز شد

نواب والا حشمت الدوله حکمران اصفهان را احضار بدربار همایون نموده عیسی خان والی را بحکمرانی اصفهان مامور و سرافراز نمودند نواب والا نصرة الدوله را بحکمرانی عراق مفتخر فرمودند میرزا ذو الفقار خان مستوفی حاکم قم بیک‌قطعه نشان از مرتبه اول میرپنجگی با انضمام حمایل سرخ و سفید این رتبه سرافراز گردید و میرزا ابو القاسم خان ولد معزی الیه با نشاء دیوان اعلی برقرار شد

اختیار حکومت خلخال و شاطرانلو را بمیرزا فضل الله وزیر نظام مرحمت فرمودند میرزا هاشم خان حاکم سابق خلخال بحکومت سراب و گرمرود و شقاقی برقرار آمد مکتب‌خانه اطفال ارامنه تبریز باهتمام میرزا عباس منشی رونقی دارد و شاگردان آن مدرسه که مشغول تحصیل زبان فرانسه و فارسی و عربی و جغرافی و غیره میباشند ترقی نموده اند سیل شدیدی در قزوین آمده و قدری خرابی کرده است

نواب والا اعتضاد الدوله حکمران کرمانشاهان که احضار در بار معدلت مدار گردیده بودند این اوقات مرخص شده بمحل حکمرانی خود معاودت مینمایند با عطای یک‌قطعه گل کمر مکلل بالماس مفتخر گردیدند و برای هر یک از آقایان و اعاظم کرمانشاه خلاع ثمینه مرحمت شد نظم عمل چاپارخانه‌های ممالک محروسه را بمحمد خان سرتیپ محول فرمودند چند عراده توپ که در سنه ماضیه ریخته بودند آجودانباشی و رمضان آقای میرپنجه توپخانه مبارکه آنها را امتحان نموده نهایت خوب و بی‌عیب بودند سیل شدیدی در اردبیل جاری شده بعلاوه از چاههای خانه‌ها آب در فوران آمده و ویران کرده

نمونه از تلگراف از عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله‌زار باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه و مراقبت مسیو کرشیش معلم توپخانه که متصدی بنای تلگراف در دار الخلافه بوده بمترجمی میرزا زکی باتمام رسانیده اند لهذا معلم معزی الیه بیکرشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید حسینقلی خان بختیاری بیکثوب جبه ترمه و یک‌قبضه شمشیر با غلاف طلا مفتخر گردید شیخ سلطان حاکم رامهرمز که بدربار همایون آمده بود نیز مخلع گردید روز بیست و دوم شعبان حسینعلی خان معیر الممالک داعی حق را لبیک اجابت گفته منصب خزانه‌داری و معیر الممالکی را که از جلایل مهام دولتی است به دوستعلی خان ولد آن مرحوم مرحمت فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ حاکم سنقر و کلیایی بیک‌قطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این منصب سرافراز شد باقرخان

سرهنگ تنکستانی بخلعت همایون و حسن خان ولد او بیک قبضه شمشیر غلاف طلا مفتخر گردیدند چون مناصب مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار از قبیل صندوقداری و مهرداری و رخت داری و تفنگ دار باشیگری و ریش سفیدی عمله خلوت و سبد که امور جواهرخانه و زرگرخانه را بر آقا عبد الله ولد آن مرحوم مغوض فرمودند مشار الیه را باسم پدر او آقا محمد حسن نامیدند اشرار تراکمه سرخس که دم از خود سری میزدند نواب والا احتشام السلطنه حکمران خراسان باعساکر نصرت مآثر مامور تنبیه آنها شده چون از توجه نواب معظم الیه با خبر شده سرخس را خالی و بمرو رفته حصاری گردیدند نواب والا آنها را تعاقب در مرو محصور کرده چندی بحصانت حصار و سورت سرما و قلت آذوقه قشون ظفر نمون استظهاری داشتند آخر الامر مایوس شده از در استیمان در آمدند و امان یافتند و نواب والا حشام السلطنه حکمران خراسان بعد از نجح مرام بمقر حکمرانی خود معاودت کردند نواب والا رکن الدوله او دشیر میرزا حکمران آذربایجان بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و قرمز که مخصوص این درجه است و یکهزار تومان اضافه مواجب سرافراز شدند میرزا فضل الله وزیر نظام آذربایجان نیز بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و قرمز و یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع مفتخر گردیده از رکاب اعلی مرخص و معاودت بآذربایجان نمود میرزا مصطفی قلی مستوفی دیوان و پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل قرمز و خلعت همایون نایل گردید صنف خباز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب ایشیک آقاسی باشی بمنصب بیگلربیگی تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز بمنصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد میرزا ذو الفقار خان حاکم قم و ساوه بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ مخصوص این رتبه سرافراز شد مسیو کوشش معلم و سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی نایل گردید دویست سواره ترکمانیه تکه و تقادی قلعه کریکدسته آنها ششصد نفر بوده بتاخت بعضی نواحی خراسان آمده محمد رحیم خان آنها را مخذول و متفرق نمود

روز یکشنبه غره ذیقعدة الحرام چون هوای شهر دار الخلافه گرم شده موکب همایون تشریف فرما به ییلاق نیاوران گردیدند مجددا ششصد نفر از تراکمه که عزم تاخت و تاز بعضی محالات خراسان داشتند در چشمه کیک سواره سردار شاه دولت خان و سواره شاهسون و چهارصد نفر از فوج دوم نصرت و چهارصد نفر از فوج طهران آنها را کاملا تادیب و متفرق نمودند میرزا احمد علی بنادر

امور

امور خارجه گیلان بیکقطعه نشان از درجه دوم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد روز سه شنبه ششم ذیقعدة الحرام طاهر روح نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسم خان ولیعهد دولت علیه پرواز بخلد برین نمود در زاویه مقدسه حضرت امامزاده عبد العظیم علیه السلام بقعه مخصوص برای مضجع آن گوهر تابناک اختیار شد و آنرا بعد ها بنا خواهند و در اندک وقتی بانواع تزیینات مزین کردند جناب فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه که بسفارت کبری بدربار دول روی پا رفته بودند باسلامبول مراجعت کرده چندی بسمت سفارت کبری در پای تخت خواهند بود موکب همایون در این اوقات تشریف فرمای دوده باد و شمیرانات گردیده یک راس اسب عربی خاصه با یراق مرصع مکلل بجواهر بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند حاجی حسین خان بروجردی بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی گری و خلعت همایون سرافراز شد

وقایع و سوانحی که در این سال در تمام کره ارض و اقطار عالم اتفاق افتاده اتازونی ینکی دنیا

اختراع وضع تلگراف جدید بتوسط دکتر مرس از اهل اتازونی که باسم همان شخص این تلگراف الحال موسوم است دولت انگلیس چهل هزار تومان حق السعی و انعام باین شخص میدهد

اسپانیا

اختلاف آراء ما بین وزرا اعلیحضرت پادشاه انگلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان گفتگو دارد افتتاح راه آهن از مادرید به الیکانت

افریقا

در شمال افریقا غرایبی چند این سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی الخصوص هلاندیها در سواحل دو ولایت ترانسوال سکنا کرفتند و بیست و دو سال بود دولت انگلیس لاینقطع با آنها در منازعه بود بلکه آنها را جزء رعایای خود که در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا در این سال دولت انگلیس این جمهوری مختصر را شناخت جمهوری ترانسوال بپرتوریوس نام هلاندی با انتخاب عامه اهالی ترانسوال بمدت هفت سال ریاست یافت

المان

فوت مارشال رادتسکی قرض دولت اطریش در این سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایران است تولد پسری از امپراطور اطریش در میلان ایطالیا متصرفی دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته اشتها دادند اعلیحضرت سلطنت اعلیحضرت و یکتر امانوئل پادشاه ساردنی را طالب اند پسر اعلیحضرت پادشاه پروس دختر بزرگ

اعلیحضرت پادشاه انگلیس با ازدواج خود رضا داده اند افتتاح راه آهن از کیبر برلن شهر پروس الی سرحد روس پرنس گیوم برادر اعلیحضرت پادشاه پروس مستقلاً بدون تردید و بدون دخیلی وقف نیابت سلطنت بواسطه سوء مزاج اعلیحضرت پادشاه که برادر بزرگ اوست برقرار شد

انگلیس

عزل وزراء و ولی و نصب وزرای طایفه توری بریاست لرد دربی پادشاه اود که ادعای با انگلیس حساب بجزیره آمده بودند میفرستند حکومت در فرمانفرمائی هندوستان که تا آن زمان بتصرف کمپانی بوده باختیار دولت لرد پالمرستن در اواخر صدارت و لرد دربی در اوایل صدارت در ظرف این سال تکلیف بدولت میکنند که این وضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را یکی از ایالات معتبره معظمه انگلیس تصور نمایند و یک وزیری بسمت وزارت هند در دسته وزرا مقرر شود سر کالین با امداد جنرال با پنجاه هزار قشون شهر لکهنوی هندوستان را متصرف شد و ده بیست هزار از یاغیها بسمت نپال و بورما فرار کردند بجهت فتوحات نمایان کاملی سپهسالاری هند ولقب لرد کلیدی از طرف دولت انگلیس باو داده میشود لرد استنلی کانینک که از طرف کمپانی حکومت هند داشت بسمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شد در جزیره نول کالیدونی متعلق بانگلیس معادن طلای خیلی با مکنت منکشف شد مجلس لردها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه یهود در مجلس پارلمنت بسمت وکالت رعیت حضور بهم رسانند در جل سراف معروف یهودی در مجلس قبول شد دیگر نام اناغالی النانا بجاده روزنامه تلگرافی عمومی نمود

ایطالیا

کاوور وزیر اعظم ساردن (ایطالیا) معتقد است که باید بفرانسه اتحادی داشت

بن زیل

ابتدا بجداء آهن جدیدی موسوم براه دن پذر

پرتوغال

ازدواج اعلیحضرت پادشاه بایکی از شاهزاده خانمهای پروس

بلژیک

دولت درصدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس برآمد

چین

حاکم ایالت کانتن یه نام وسپهسالار چین از طایفه تاتار بدست عساکر انگلیس محبوس کردید حاکم مزبور که بکلکته بمحبس فرستاده میشود معترف باین است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مأمور بحکومت این ولایت است شصت هزار نفر آدم از یاغیها را بقتل رسانیده است مأمورین فرانسه و انگلیس بامید اینکه بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو نمایند تا کهانک سو میروند گفتگوی در مصالحه بعد از بعضی ناامیکاز مصالحه عساکر فرانسه و انگلیس به خلیج پت شلی وارد میشوند در این خلیج رودخانه پیهو یک شعبه اش از میان شهر پکن پای تخت میگذرد میریزد چینیها در ساحل این خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند بعضی از قلعه جات آنها را که صد و سی و هشت توپ بآنها گذارده داشتند عساکر متفقه گرفتند دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را متصرف شدند مأمور روس در این مقدمه عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس باز و آزاد دانسته در سمت رود آمور تقریباً پانصد میل مسافت از سرحد سیبر ضمیمه مملکت روس شد بعد عهدنامه دوستی چینیها در تین سین با فرانسه و انگلیس بستند سفرای انگلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود ده کرور تومان پول ایران خسارت دولت چین بدولت انگلیس خواهد داد و شش کرور پول ایران بفرانسه مسافرین و سیاحان فرنگ در چین آزاد خواهند بود که در تمام ممالک چین گردش کنند مذهب عیسوی در تمام ممالک چین مختار خواهد بود تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود

روس

انعقاد مجلسی بحکم اعلیحضرت امپراطور بجهت آزاد نمودن رعایا در مملکت روس پنجه بیست و دو ملیون و صد و نه هزار رعایاست از بیست هزار و چهارصد نفر از هزار الی ده هزار رعیت دارند که این رعایا بمنزله مملوک هستند و خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعلیحضرت امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم امپراطور آزاد شد

ژاپن

عهدنامه تجارتی با امریکا و انگلیس و روس و فرانسه

سوئد

بواسطه ناخوشی سختی قسمت عمده از پای تخت مسدود

سوئیس

افتتاح راه آهن از ژنو به نوآن

عثمانی

خیال اتحاد با لتین والاشی و ملداوی (املاک بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای اقتدار دوس
در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود با بتوسط بازها بین روس و عثمانی نزدیک بود که جراود
شد لهذا مجلس شورای مجددی در پاریس از مامورین جمیع دول منعقد گردید بعضی قرارهای جدید
عمل اتحاد املاک بغدان و قرارداغ عثمانی و بعضی جاها گذاشته شد سرهانزی بلور بسفارت انگلیس
در دربار عثمانی بجای لرد ربکلیف برقرار شد فوت رشید پاشا فجأةً شورش سخت در ایالت هرزکوین
ومنتنکرو در بینی فتوحات عمرپاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد بادیدن باران سخت در شامات
وخرابی رسانیدن در جزیره کاندی بجهه زیادی مالیات اهالی شوریدند مسلمانها علیحده زیاده در این جزیره
بقتل رسانیدند در بندر جده فرنکی زیاد بقتل رسید من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند
کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس بضرب گلوله ناربجك خرابی زیادی بجده وارد میاورند دولت
عثمانی جمعی را بجهه تحقیق این فقره مامور بجده نموده ده نفر از مقصرین که محرک مردم بودند در این قتل
و نهب بدست آورده میکشند ایجاد مجلس وکلای ملت در بلگراد و سروستان وکلای ملت این ایالت
عزل قادار ارس ژورژ را طالب اند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و ابرنوویچ ولیعهد مصر احمد پاشا نصب
پسر ابراهیم پاشا در نیل غرق شده هلاک میگردد در تونس ایجاد بك بانك ایجاد اول راه آهن در خاك
عثمانی از ازمیر برآیدن

فرانسه

جمعی از اهالی ایطالیا که رئیس اینها ارسینی نام بود قصد قتل اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه کردند
و شبی در مدخل تماشاخانه بزرك سه ناربجك بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر
مجروح و هشت نفر مقتول و با امپراطور نیز جزئی زخمی وارد امد و تفصیل این سانحه از این قرار است
ارسینی که شخص موسس این فتنه بود بیست و هفت سال تمام بود که در جمیع انقلابات و حوادث عمده
کرد ایطالیا دوی مبداء داخل بود در این اواخر او را اخراج بلد نموده بانکلیس فرستاده بودند و او با
سه نفر همدست از راه بلجیك بقصد قتل امپراطور بخاك فرانسه ورود کرد ناربجکی اختراع کرده بود از آهن فرانسه
بزمین که میزدند اجزائی که پنجاه مرتبه حدتش زیادتر از باروط است بمحض خوردن ناربجك بزمین مشتعل
شده ناربجك را ترکانده پارچه های او را باطراف متفرق میکرد شبی که مرتکب این عمل میشده صبح آن سه نفر

کرباو

کر باو آمده بودند خواسته اظهار داشت که امشب ناپلیون بتماشاخانه خواهد رفت و کار او را باید آنها
ساخت بدست هر یك از آن سه نفر یك ناربجك و خود دو ناربجك برداشت مقارن غروب از منزل راه
افتادند دو ساعت از شب رفته که کالسکه های دربار رسیدند در کالسکه اول بعضی صاحبمنصبان
بودند و گذشته در کالسکه دوم اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس نشسته بودند همینکه بمحاذی او رسیدند
ناربجك را بزمین زد و بصورت اعلیحضرت امپراطور چنانکه مذکور شد زخمی رسید و خود ارسینی که ناربجك
انداخته بود زخمی شد دو نفر از آن چهار نفر بدست آمدند و دو نفر دیگر فرار اگرفتار شدند بعد از آنکه
تحقیقات بعمل آمد حکم قتل این چهار نفر صادر شد شبی که صبحش ارسینی را میبایست بسیاست کنند عریضه
با علیحضرت ناپلیون نوشت که وطن من که ایطالیاست بعد توین وضعها گرفتار است مگر اعلیحضرت شما
همتی بکنید و دولت ایطالیا را دولتی بسازید موافق فرمان اعلیحضرت امپراطور ناپلیون در زمان
غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نیابت سلطنت با امپراطریس خواهد بود جنرال شانکارنیه و جنرال
بدکر از خاك فرانسه اخراج شده بودند اجازه یافتند که وارد شوند سفارت کبرای دولت ممالك
بانکلیس از برای زینت شهر پاریس در ظرف ده سال دولت مقرر داشت سی و شش کرور تومان اورن
خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت کمك خواهد کرد ما بقی را اهل شهر فوت مادر کنت دو پاریس
نوه لوی فلیپ پادشاه فرانسه و ولیعهد او در انکلیس وزارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در
خارج از مملکت فرانسه مالك است به پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد حکومت جنرال ماکماهون
بر الجزایر مملکت سیام قبول قونسول فرانسه نمودند جزئی کدورتی با دولت پرتغال توضیح خواستن
دولت پرتغال و عفو دولت فرانسه بجهة حفر مجمع البحرین سوئز کمپانی این عمل در پاریس افتتاح استقراض
کرد آمدن اعلیحضرت پادشاه انکلستان بشربورغ بر بندر فرانسه و ملاقات نمودن با اعلیحضرت امپراطور
فرانسه فوت ذالسل بازیکو معروف

ینکی دنیای جنوبی

شورش سختی در جمهوری پرو و دفع آن

ینکی دنیای شمالی

بعد از دو مرتبه تلاش بیهوده در مرتبه ثالث مابین والانتیا شهر ایرلند انکلیس و سنت ژان شهر ینکی
دنیائی امتداد سیم تلکراف مجری شد اول مخابره تلکراف تهنیت امیز مابین رئیس جمهوری اتازونی و اعلی
حضرت پادشاه انکلستان بود و قتیکه در ساعت شهر والانتیا دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود

انگلیس — در سیمنت [؟] ثانی ظهور و اختلاف اتفاق با این قدر اما بزودی این سیم بحری پاره و قطع مراوده ما بین یوروپ و ینکی دنیا گردید

یونان

ایجاد موزه در آتن پای تخت این دولت بروز زلزله در آتیک خرابی شهر کرنت بواسطه زلزله جزیره کرفو دولت انگلیس مایل بتصرف است لیکن اهالی جزیره زیاد تمایل دارند که جزو یونان باشند

شرح سال دوازدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و دولته مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج

یونت ئیل ترکی

در اینسال خیر مآل ذات ملکوتی صفات اقدس اعلی بنفس نفیس مبارک عزو تعمیق در کلیه امور دولتی و توفیر اعاده و امراء خدم و حشم و جمیع طوایف و مللی که رعایای ابد دولت جاوید شوکت اند میفرمایند تعزیه خوانی دولتی در تکیه مبارکه نیاوران برپاست متعلمین مدرسه مبارکه دار الفنون را در مدت یکماه امتحانی بدقت نموده شاگردان خوب ترقی کرده اند جناب مسیو انیچکوف که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بسمت ایلچیگری و وزیر مختاری مامور بدربار معدلت مدار همایون بودند از اول ورود بخاک ایران جمیع شرایط پذیرائی و اعزاز و مهمانداری و استقبال و احترامات معموله درباره سفرای مختار دول بزرگ درباره معزی الیه بوجه اکمل بعمل آمده روز یازدهم محرم وارد دار الخلافه باهره گردیدند و روز چهاردهم محرم از قریه زرگنده که منزل ییلاقی سفرای مختار دولت روس است دعوت بحضور با هر النور مبارک شده در قصر نیاوران تشرف جستند و مورد عواطف مخصوصه گردیده تبلیغ نامه مودت ختام اعلیحضرت امپراطور روس را نمودند میرزا ذکی معلم توپخانه که بمنصب یاوری توپخانه سرافراز بود در امتحان اخیری مدرسه مبارکه دار الفنون بمنصب سرهنگی توپخانه مفتخر گشت بتاریخ شنبه بیستم شهر محرم الحرام دستخط جهانمطاع مبارک خطاب بجناب صدر اعظم شرف صدور یافت و با وجود صورت این دستخط مبارک حاجت بتفصیل و نگارش نیست

سواد دستخط مبارک

میرزا حسن الله باشی بمنصب ریش سفیدی و جمیع حرمخانه و خلعت همایون سرافراز شد مصطفی قلیخان حاکم سبزوار بخلعت همایون و یکقبضه شمشیر قبه غلاف طلا نایل گردید قوانین لازمه بجهت رونق تجارت و زراعت و صناعت و معادن ممالک محروسه معین و برقرار فرمودند جناب شیخ عبد الحسین مجتهد که در عتبات عالیات مشغول دعاگوئی و تعمیرات از جانب سنی الجوانب همایون هستند یکطوب عبا ترمه از جامه خانه خاص برای جناب معزی الیه انفاذ داشتند نیز برای جناب حاجی سید جواد امام جمعه کرمان یکقبضه عصای سر مرصع ارسال فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان مخلع گردید جانمحمد خان سرهنگ فوج خلج ساوه بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد حسینخان نظام الدوله بمنصب جلیل امیر تومانی و خلعت همایون سرافراز شد جناب فرخ خان امین الملک مامور بسفارت کبری و معاقده عهد مودت با بعض دول اروپا بعد از اتمام ماموریت مراجعت نموده در ماه ربیع الاول وارد دار الخلافه شده بزیارت خاکپای همایون سرافراز و از انواع فخر و شرف بهره یاب گردیدند و هنگام ورود بدار الخلافه حسب الامر استقبالی شاهانه از جناب معزی الیه نمودند و یکقلمدان کل که مرصع بجواهر گرانبها و یکطوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار و دو زنجیر از ملابس خاص پادشاهی مرحمت فرمودند میرزا شفیع شیرازی بمنصب استیفا و خلعت همایون سرافراز گردید دیوانخانه های عدلیه در ولایات برقرار فرمودند بعضی از شاگردهای مدرسه دار الفنون که ترقی کلی نموده و تحصیل خود را کامل کرده و نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم تصدیق داده مقرر شد جناب سپهسالار بقدر علم و عمل و شایستگی منصب دهند و دسته دیگر شاگرد از نجیب زادگان انتخاب کرده در مدرسه مبارکه بجای آنها بگذارند یحیی خان آجودان مخصوص و مترجم حضور همایون بیکرشته حمایل سفید از مرتبه سرتیپی سرافراز شد بعضی از صاحبمنصبان جناب فرخ خان امین الملک از فرنگستان برای بعضی از خدمات دولت علیه همراه آورده اند میرزا ملکم خان سرهنگ اتاماژور مترجم مخصوص دولت علیه و آجودان حضور همایون که منصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک باروپا مامور شد بمنصب سرتیپی و نشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی با حمایل سرخ مخصوص مفتخر گردید نواب والا شاهزاده بهرام میرزا را بلقب معز الدوله مفتخر و بصاحب اختیاری مملکت آذربایجان و یکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه امیر تومانی و یکرشته حمایل سبز و سرخ که متعلق باین منصب است سرافراز فرمودند عزیز خان سردار کل را بنشان و حمایل و خطاب آتابک سابق که داشت مجددا برقرار فرموده ریاست کلیه و نظم امور مملکت و قشون آذربایجان را بعهده معزی الیه موکول و بخلعت همایون سرافراز فرمودند

کرده خدمت نواب الامعز الدوله روانه آذربایجان شوند میرزا ابوالقاسم مستوفی بلقب معین الملک ملقب گردید میرزا عباسخان نایب وزارت خارجه بمنصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز شد که بموجب دستور العمل اولیای دولت علیه مستقلا بمهام خارجه آذربایجان رسیدگی نماید امیرالامراء العظام عیسی خان والی حاکم اصفهان باعطای لقب جلیل اعتمادالدولگی سرافراز گردید محمود خان میر پنجه بلقب نبیل ناصرالملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب همایون بمعزی الیه تفویض شد

نواب الاحتشام الدوله را بحکمرانی خراسان و باعطای یکثوب قبای مفتول دوز نظامی تن پوش مبارک و یکرشته حمایل سبز و آبی که مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند نواب عبدالله میرزا را بحکومت تربت و نواب پرویز میرزا را بحکومت نیشابور و محمد رحیمخان قاجار را بحکومت ترشیز مفتخر فرمودند میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بیکرشته حمایل سبز و قرمز از مرتبه امیر تومانی نایل گردید میرزا جعفرخان مشیرالدوله را بعطای یکقبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند میرزا محمد منشی اول. خاصه وزارت امور خارجه بریاست دفترخانه وزارت خارجه سرافراز و بنشان درجه اول سرهنگی و حمایل مخصوص آن مفتخر گردید شیخعلیخان سرهنگ که نسبت بفوج خلخالی بی اعتدالی کرده بود معزول و سرهنگی اینفوج را بعبدالحسین خان برادر مؤلف مرحمت فرمودند محمد آقا سرهنگ سابق فوج قرائی بسرهنگی فوج حومه شیراز برقرار گردید جناب میرزا فضلعلیخان صاحب دیوان بحکومت یزد مفتخر آمد میرزا صادقخان که سابق نایب اول کارپردازخانه دولت علیه مقیم بمبئی بود بمنشیگری مهام خارجه گیلان سرافراز و باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص آن و خلعت همایون نایل گردید سرفوج قزوین که سابقا سپرده بعباسقلیخان بود بمحمدخان امیر تومان مرحمت فرمودند یوسف خان سرتیپ افواج افشار ارومی بیکقطعه نشان از مرتبه دوم سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص آن مرتبه مفتخر گشت هنگام مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه و دول متحابه امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهر النور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عز وصول یافت و از انجمله یکحلقه انگشتری الماس کوچک میباشد که وسط نگین آن تصویر اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه است و یکجلد کتاب شاهنامه که در پاریس بزبان فرانسه ترجمه شده است محمد ولیخان قاجار بیکلربیگی سابق استراباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید و سیصد و بیست نفر غلامان قراول خراسان را

ابوالجمع

ابوالجمع محمد هاشم خان پسر مشارالیه فرمودند میرزا احمدخان پسر مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر بمنصب سرتیپی اول سرافراز گردید فوج ملایر را بمرتضی قلیخان (جناب وکیل الملک) سپردند جناب فرخ خان امین الملک بوزارت حضور و منصب مهرداری مهر مبارک و ریش سفیدی و ریاست عمله خلوت برقرار گردید و دستخط جهانمطاع مبارک شرف صدور یافته صورت آن از اینقرار است

صورت دستخط همایون

منصب مهرداری که از اجله مناصب دولت است و ریاست عمله خلوت که هم از مناصب بزرگ دولت است بالقب وزارت حضور که از القاب عمده ایران است با امین الملک التفات فرمودیم که در کمال سرافرازی مشغول خدمات حضور در فرمایشات ما باشد فرمان صادر شود ۱۵ جمادی الثانیه ۱۲۷۵

نشان مجید بر از درجه کوماندر بجناب میرزا حسین خان وزیر مختار دولت علیه در اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی مرحمت شده باجازه اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه قبول آن نشان نمودند میرزا علیخان ولد میرزا مصطفی خان افشار بمنصب سرهنگی سرافراز شد نظر بموالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یکقبضه شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نموده جناب حسپوانیشکوف وزیر مختار و سفیر مخصوص دولت روس با لوازم تشریفات لایقه بحضور باهر النور مبارک رسانیدند فوج نهاوندی را بمحمد رضاخان سرتیپ تفنگ سپردند نواب الامعز الدوله بهرام میرزا بحکومت آذربایجان سرافراز شدند میرزا هدایت الله پسر بصیرالملک بمنصب استیفای وظایف ممالک محروسه برقرار گردید حاجی میرزا عبدالله خان ولد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد

در ماه رجب امتثالا للحکم شد سیم تلگراف از دارالخلافه باهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز بکشند نواب الاعتضاد السلطنه که مدرسه مبارکه دارالفنون سپرده بایشان است مشغول انجام این خدمت میباشند و این اول تلگرافی است که در ایران کشیده میشود و بمرور بهمه سرحدات خواهند کشید چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران انتخاب شده اند که در مدارس علیه پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند حسنعلیخان جنرال اجودان خاص حضور همایون سرتیپ بمنصب وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص دولت علیه ایران مامور باقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه و حامل نامجات دوستی علامات گردیده بخلعت مهر طلعت همایون سرافراز شد

و حاجی محسن خان سرهنگ بنیابت اول و میرزا صادقخان بنیابت دوم و نظر آقا بمترجمی اول و میرزا بوذرک
بمنشیگری سفارت مزبوره برقرار گردیدند و شاگردان مزبوره که باید در پاریس مشغول تحصیل
شوند سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار گردیدند که پس از ورود بپاریس قرار تعلیم و تعلم آنها
بدهند میرزا عبدالرحیم خان که در اوقات توقف اسلامبول بطور کفایت حرکت کرده بود بمنصب کار
پردازی اول دولت علیه منصوب و باقامت تفلیس مامور گردیده با عطای یکقطعه نشان سرتیپی
و حمایل و خلعت همایون سرافراز شد و میرزا عبدالوهابخان بمنصب نیابت اول کارپردازخانه تفلیس
برقرار گردید نصرالله خان سرتیپ بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد اسمعیل خان
سرتیپ فوج کرمان در خبیص مرحوم شد این اوقات مقرر شد که پنج هزار قبضه تفنگ خانه دار
از کارخانجات بلجیک بخرند حکومت کرمانرا بنواب کیومرث میرزا و وزارت کرمانرا بمجد اسمعیلخان
مفوض فرموده اوایل شهر شعبان بمحل حکمرانی خود میروند
جناب میرزا حسین خان (جناب اشرف سپهسالار اعظم) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول
و خلعت خاص همایون سرافراز گردیده اجزای سفارت کبری که با جناب معظم الیه روانه میشوند
از قرار ذیل است
(نریمانخان سرتیپ مستشار سفارت) (میرزا سلیمانخان پسر مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب
اول) (میرزا حسن نایب دوم) (میرزا رضا نخان بسمت قنسول جنرالی مامور باقامت مصر)
(میرزا مهدی بمنصب کارپردازی ارزنة الروم) (میرزا حسین بمنصب کارپردازی مامور باقامت
طرابزن) (حاجی میربهاء الدین بمنصب کارپردازی شام) (یحیی خان پسر جناب حسنعلیخان وزیر
مختار بسرهنگی فوج اول گروس سرافراز و سرپرستی افواج گروس را بنیابت جناب حسنعلیخان بشار
الیه واگذار فرمودند نواب والا اعتضاد الدوله بیکقطعه نشان امیرتومانی و حمایل سبز و آبی که مخصوص
این منصب است سرافراز گردیدند قوام الدوله وزیر خراسان نیز بیکقطعه نشان امیرتومانی مفتخر
گشت الله ویردیخان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار گردید حسنعلیخان
سرتیپ افشار بیکقطعه نشان دوم سرتیپی و حمایل سرخ مخصوص این رتبه نایل گشت محمد باقرخان سرهنگ
فوج ششم بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد علیمرادخان پسر اسدالله
خان سرتیپ فوج گوران چون این اوقات اشرار سامان پدرش را غفلةً بقتل رسانیدند و قاتلین
او را گرفتند خود او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد عزت الله خان شاهسون بمنصب ایلبیگی گری
شاهسون

حکمرانی فارس را بنواب والا حسام السلطنه تفویض داشتند مسیو پشن ایطالیائی معلم افواج قاهره
عازم دار الخلافه میباشد مقارن انتهاض اردوی همایون از راه قم بسلطانیه دستخطی بافتخار نواب والا
نصرة الدوله شرف صدور یافت که صورت آن از اینقرار است

صورت دستخط مبارک

نصرة الدوله باید کمال استقلال را داشته باشد و هیچیک از نوکران مامور و متوقف طهران نباید
از کرده و صوابدید شاهزاده تخلف کنند هر کس تخلف کند مورد سیاست خواهد بود در حقیقت نصرة
الدوله در غیاب ما در امورات محوله بخود کمال اختیار و تسلط را دارد دستور العمل نصرة الدوله از اینقرار است
که نوشته شده است همه ماموریین دار الخلافه باید آنی از خدمات دیوانی غفلت نکنند و نصرة الدوله شب
و روز باید مراقب نظم دار الخلافه و نواحی باشد و در حقیقت نظم ممالک اطراف هم با نصرة الدوله است
و باید مواظب باشد ۲۷ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۷۵
روز بیست و نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومه سلام الله
علیها و تشریف فرمائی بسلطانیه انتهاض فرموده یافت آباد محل نزول اردوی معلی گردید محمد حسینخان
نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) پیوسته مشغول حفظ و حراست و تنظیم و آراستگی اردو میباشند علیتقیخان
اجودانباشی مامور نظم قراولان سراپرده شاهانه و حراست شب است روز جمعه چهارم رمضان اردوان قم ۷
که جدید بخصوص همایون ابتیاع شده و از جمله قراء معظم است و عمارات خوب سلطانی دارد مخیم اردوی همایون
شد حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه بجهة انجام خدمات مقرره و تسویه
قرار دادهائی که فیمابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته بسمت
ماموریت مخصوصه مامور گردید و در ضمن اداره انتظام امورات تبعه دولت علیه که در عراق عرب ۲ بغداد
اقامت و عبور مینمایند من حیث المجموع بعهده معزی الیه واگذار و محول گردید و میرزا علیخان پسر او
بمنصب منشیگری وزارت امور خارجه و اعطای مواجب سربلند و باتفاق مشار الیه روانه عراق عرب شد
میرزا محمد صادق امین الدوله که بوزارت امور داخله سرافراز بود مزاجش علیل شده هنگام عزیمت سفر
سلطانیه ایشانرا از منصب مزبور معاف فرمودند شاگردهای مدرسه مبارکه دار الفنون که مامور
پاریس بودند و سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه روز پنجم شهر رمضان
روانه آذربایجان شدند و عبدالرسولخان نواده مرحوم صدر اصفهانی رئیس آنهاست سیم تلگراف
که باید تا سلطانیه کشیده شود الی سلیمانیه شش فرسخی دار الخلافه امتداد یافته و گفتگو مینماید

ونواب والا اعتضاد السلطنه اهتمام دارند که قبل از ورود موکب همایون بسلطانیه سیم مزبور با نجا رسیده باشد امان الله خان والی کردستان بیک قطعه نشان از مرتبه دویم سرتیپی با حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید شب چهارشنبه نهم رمضان منزل حوض مقر موکب همایون بود قناتی که در منزل حوض بجهة آسایش عابرین احداث نموده اند زاید الوصف موجب رفاهیت قوافل و اهل اردو است نواب والا حسام السلطنه بیکقطعه نشان مکلل بالماس از درجه دویم امیر نویانی و یکرشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند جناب فرخ خان امین الملک را بلقب امین الدوله که ملقب و علاوه بر مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دارد و عزل و نصب حکام و ولایات ممالک محروسه هم بمشاورت و صوابدید ایشان باشد روز پنجشنبه دهم رمضان موکب همایون تشریف فرمای قم گردیدند و بعد از فوز زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا زمان خان که بسرپرستی تبعه دولت علیه مامور اقامت قاهره مصر بود بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد روز بیست و سیم رمضان محلات محل نزول اجلال موکب معلی گردید و هفت روز در انجا توقف فرمود بعد ها روانه همدان شدند سرپرستی طایفه مجوس یزد را محول بجناب معتمد الدوله فرمودند که آن طایفه کاملاً آسوده باشند امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب والا انصر الدوله بمنصب سرهنگی خارج از فوج برقرار گردید مدرسه نظام تبریز باهتمام محمد صادق خان سرهنگ رونق کاملی دارد جمعی از تراکمه بعزم تاخت و تاز نواحی بجنورد آمده بودند کسان جعفر قلیخان ایلخانی حکمران استراباد سر راه برایشان گرفته جنگ شدیدی نموده یکصد نفر از ایشان را کشته و باقی را منهزم و متفرق نمودند نواب والا احتشام الدوله حکمران خراسان روانه سرخس شدند امیرزاده ساسان میرزا بمنصب سرهنگی نایل و بیکلربیگی تبریز شد بعضی اجناس در مازندران تسعیر دارد موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای سننج شد سه روز در انجا توقف فرمودند و عمارات والی نشین انجا را مقرر شد تعمیر نمایند و چون از عهد سالها در این ولایت معمول ولات بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه در ملک و ما یملک خود چنانکه باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا نسلاً بعد نسل مالک تمام اموال موروث خود باشند و شرح فرمان همایون را در مسجد دار الاحسان قرائت و در سنگ مرمر بزرگی نقش و در سر در مسجد مزبور نصب نمودند و موکب معلی از سننج انهاض فرموده بنا حاک کردستان و در بیجار نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده در منزل چنک بازکه

در مکتب

اول خاک خمسه است چراغعلی خان حاکم خمسه برکاب اعلی مشرف گردید روز دویم ماه ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی کیوان شکوه خسروانه گشت و اردوی نظامی که حسب الامر در سلطانیه منتظر ورود مسعود همایون بود بزیارت جمال مهر مثال مبارک نایل آمد و جناب سپهسالار و امین لشکر و جنرال نظام الدوله و محمد خان امیر تومان و سلیمان خان افشار و عبد العلی خان سرتیپ توپخانه مبارکه و سایر سرکردگان مورد مراحم مخصوصه گردیدند روز ششم ماه ذیحجه چون علف چینی اطراف سلطانیه تمام شده غیر از پنج هزار سوار که باید ملتزم رکاب همایون باشند سایر عساکر منصوره را بعد از شان دادن مرخص فرمودند

چون حسب الامر مقرر بود تا ورود موکب معلی بسلطانیه سیم تلگراف از دار الخلافه الی سلطانیه امتداد یابد با وجود ضیق وقت نواب والا اعتضاد السلطنه به بیست و ششم رمضان برای انجام این کار بنفسه از دار الخلافه بیرون آمده تا ورود موکب مسعود انرا بسلطانیه رسانیدند روز نهم ذیحجه بنفس نفیس همایون از سلطانیه با دار الخلافه مخابرات شاهانه فرمودند و نواب والا اعتضاد السلطنه را مورد مراحم خاصه فرموده بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس که اینها و یکهزار تومان انعام مفتخر فرمودند ومنصب و لقب وزارت علوم را نیز بنواب معظم الیه مخصوص داشتند و مقرر شد از سلطانیه بزنجان نیز بزودی سیم تلگراف را امتداد دهند و مسیو فوکتی که در خدمت تلگراف اهتمام کرده بود مورد مرحمت و مخلع گردید

۲ بواسطه تلگراف

روز دوشنبه دهم ذیحجه که عید اضحی بود در عمارت سلطانیه سلام عام انعقاد یافت و در ابتدا چهل هزار نفر از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند قاسم خان وزیر مقیم دولت علیه متوقفه پطرزبورغ بمنصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا بحکومت اصفهان و نواب والا اعضد الدوله سلطان احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند حکومت لرستان را ضمیمه حکومت کرمانشاهان نموده بنواب والا عماد الدوله مرحمت فرمودند والد مؤلف حاجی علیخان را بلقب ضیاء الملک ملقب و بحکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند نظر بمراتب ابلاغ معهود حکومتی مازندران و استراباد حکمرانی این دو ولایت را بنواب خانجی شاهزاده کیومرث میرزا ایلخانی ایل جلیل قاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب بملک آرا نمودند و نیابت این ایالت با میرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدیخان پسر جناب سپهسالار بمنصب کشیکچی باشیگری مفتخر گردید المیرا اصلانخان عمید الملک حکمران گیلان که شرفاندوز خاکپای مبارک و بسلطانیه آمده

بلقب مجدالدوله‌گی ملقب کردید پاشاخان سرتیپ اول شجاع الملک لقب یافت نواب والاحشمة
الدوله حکمران خراسان که مامور سرخس و تعمیر قلعه قدیم انجا بودند چون با قاعده هندسی که درین
وقت ترقی کرده و تکمیل یافته قلعه قدیم موافق نبود باجازه علیه قلعه جدیدی محکم و بزرگ بقاعده مقرره
هندسه بنا نموده‌اند و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکنای آن
قلعه معین شده است

سوانح و وقایعیکه درین سال ۱۲۷۵ در تمام عالم و کره ارض واقع کردید اقطار

اتازونی ینکی دنیا

شورش سپاهیهای برده در ایالت وِرژینی که تقریبا بیست و پنج فرسخ تا پای تخت مسافت دارد اختلاف
سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی برضد شورش
سپاهیها در ایالت سنت‌لوئی و بلین جمهور مساعد طرفی است که آزادی برده‌ها را طالب نیستند

اسپانیا

افتتاح راه آهن از مادرید بر سارا‌گس میل عام مردم بجنگ با دولت مرقش سرداری اودنل
درین جنگ جنگ سخت مابین قشون اسپانیا و مرقش اتلاف قشون اسپانیائی بواسطه
امراض وبائی فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرقش در اوایل زمستان هنگام منازعه
اسپانیا با دولت مرقش دولت انگلیس با اسپانیا شرط مینماید که بندر تانژر را بعد از فتح آنقدر
نکاه دارد که امضای عهدنامه صلح بشود

افریقا

فوت مولوی عبدالرحمن سلطان مرقش در سن هشتاد سالگی و بعد از سی و هفت سال سلطنت
پس ازین سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرقش را دارند جنگ داخله

المان

تزلزل دولت اطریش از بروز جنگ در اوایل امسال مابین این دولت و ایطالیا و فرانسه فرستادن
اطریش یکدسته قشون بسرحد بیروستان خاک عثمانی ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه و اطریش
و کلمات سخت اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بدولت اطریش در اول ژانویه بتوسط سفیر
اطریش دولت اطریش تهیه جنگی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا مینماید گفتگوی سخت مابین

دولت اطریش و ایطالیا دولت روس از برای رفع غایله بدول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره مینماید
و قبول نمیشود دولت اطریش اعلیحضرت ویکتر امانوئل پادشاه ساردن (ایطالیا) را تهدید میکند
که بطور حتم تهیه جنگی کرده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت داده بود دولت
فرانسه ازین تهدید متالم شده سرداران خود را بجانب ساردن بسرحدات ایطالیا مامور مینماید شروع
منازعه مابین فرانسه و اطریش در مملکت ایطالیا کمک بعضی از ایالات کوچک ایطالیا بدولت اطریش و
بیطرفی بعضی بیطرفی حضرت پاپ درین جنگ روس و پروس تهیه قشون میبینند بدون مداخله
در جنگ مباشر جنگی دولت انگلیس که بیطرف شد نطق اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از
جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است حرکت اعلیحضرت ناپلیون از پاریس در دارالسلطنه بسمت میدان جنگ
ورود ایشان بژن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری کل عساکر فرانسه و ایطالیا را اعلیحضرت ویکتر امانوئل
پادشاه ساردن بنیابت اعلیحضرت ناپلیون درین جنگ مقرر است گاریبالدی درین جنگ دخالت
دارد شکست قشون اطریش در والانزا توپچی که از فرانسه آورده بودند و گلوله او دو هزار و ششصد
ذرع میرفت سبب فتح شد جنگ سخت چیالدینی سردار اعلیحضرت ویکتر امانوئل در مرتوا فتح
ماژانتا و شکست سخت قشون اطریش بدست قشون فرانسه رشادت جنرال ماکماهون درین جنگ
بیست هزار مقتول و هفت هزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق درین جنگ نصیب قشون فرانسه شد
درهمین جنگ جنرال ماکماهون بمنصب مارشالی و لقب دوک دماژانتا برقرار کردید ورود اعلیحضرت امپراطور
اطریش باردوی خود در وِران تهیه جنگ بروس کرد و بیست و پنجاه هزار قشون حاضر میکند شکست
یافتن قشون فرانسه و ایطالیا بدست اعلیحضرت امپراطور اطریش جنگ سخت بزرگ در سلفرین
قشون اعلیحضرت امپراطور اطریش صد و هفتاد هزار و قشون اعلیحضرت ناپلیون فرانسه و پادشاه ساردن
صد و چهل و پنجهزار و در کرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد
و سه بیرق و سه توپ و شش هزار اسیر بدست قشون فرانسه افتاد از عساکر فرانسه درین جنگ
پانزده هزار و از عساکر ساردن پنجهزار و پانصد نفر تلف شد جنرال نیل سردار قشون فرانسه بمنصب
مارشالی برقرار شد فرستادن چند کشتی جنگی بسمت ونیز اهالی المان ازین فتوحات فرانسه چندان
مشعوف نیستند شورش در مجارستان بر ضد دولت اطریش دولت پروس انگلیس و روس ایمپانجی
گری میان فرانسه و اطریش میطلبند متارکه قشون فرانسه و اطریش ملاقات اعلیحضرت امپراطور
فرانسه و اعلیحضرت امپراطور اطریش در ویلافرانکا و گفتگوی مصالحه عمده شروط مصالحه این بوده است

ورود اعلیحضرت امپراطور و ویکتر امانول بمیلان در اوایل تابستان شکست هزار اطریش میلان شکست قشون اطریش از هر نقطه

که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لومباردی ایطالیا دارد واگذار باعلیحضرت ناپلیون فرانسه
نماید و ناپلیون نیز سلطنت لومباردی را باعلیحضرت ویکتر امانول پادشاه ساردن تفویض نماید
جمیع دول فرنگ خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که با وجود فتوحات پی در پی اعلیحضرت امپراطور
فرانسه را چه براین داشت که بتعجیل در مصالحه نماید خود اعلیحضرت امپراطور باین عذر معتذر شدند
که حرارت هوا و امراض وبائی و بعضی جهات دیگر من جمله شراکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با ما در بواسطه
این جنگ بود من نخواستم امتدادی در این جنگ بدهم علاوه براین چون جمیع دول فرنگ در ابتدای
جنگ بوجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت
و قدرت ملت فرانسه را با اطریش بدون دخالت دولت دیگر مصالحه نمایم اضطراب دولت انگلیس
از اینکه مبادا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب منازعه ما بین فرانسه و انگلیس گردد پنجاه
هزار عساکر فرانسه با مارشال واپان سرباز متوقف ایطالیا خواهند بود صلح ما بین فرانسه و
اطریش و ایطالیا (ساردن) در زوریخ منعقد شد عزل کنت دبوآل و نصب رشبرگ بجای او
بی پولی شدید در مملکت اطریش استقراض سی کرور تومان پول ایران فوت وزیر بزرگ پرنس
مترنیخ در تابستان بسن پیری تولد پسری در پروس از پرنس نایب السلطنه فوت الکساندر همبلت عالم
متبحر در برلن فوت کارل ریتر جغرافی دان معروف

انگلیس

مسافرت نواب ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الی جزیره مالت تعیین پنجاب بچهارم ایالت
هندوستان در این ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت شمرده میشود چهل
و چهار کرور رعیت انگلیس دارد عزل وزرای توری نصب وزرای ویک و صدارت لرد پالمرستن
شورش عمله جات در لندن منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مقصر را باشلاق نقاد جزنی با
اتاوونی بنکی دنیا مسافرت ماکلنتک بقطب شمال و انکشاف دریای قطبی و تعیین بر فوت فرانکلین
سیاح قطبی که در سنه هزار و دویست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود تاکنون
دولت انگلیس در جستجوی او بود تا اینوقت که یقین بفوت او و همراهان او فوت هلام مورخ و برونل نمود
مهندس اهالی جزیره کرفو با وجود اصرار دولت انگلیس در الحاق آن جزیره بمملکت خود داده
قبول ننموده تبعیت یونان را اختیار کردند

ایطالیا

قبول

قبول نمودن اعلیحضرت ویکتر امانول سرداری قشون خود را در جنگ اطریش جمهوری طلبان ایطالیا
گاریبالدی را بریاست و سرداری خود اختیار کردند ملکه پارم (ایطالیا) پسر خود را برداشته
بسمت سویس فرار میکند والی مدن نیز مملکت خود را گذاشته فرار میکند و از جانب اعلیحضرت
ویکتر امانول حاکم آنجا تعیین میشود ایالت تسکان نیز جزء مملکت ساردن شد فوت پادشاه
ناپل فردیناند دوم در سن چهل و نه سالگی که مدت تمام مریض بود جلوس پسر این پادشاه فرانسوای دوم
که یکی از خواهرهای ملکه اطریش را در حباله نکاح دارد استعفای کنت دکاوور از صدارت و نصب
کنت دِآرزِ که یکی از دوستان اعلیحضرت ناپلیون فرانسه است ورود فتح آمیز پادشاه ویکتر امانول و امپراطور
بشهر میلان تظلم پسر والی تسکان در دربار فرانسه و قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور ناپلیون
فرانسه تظلم او را اهالی ایطالیا عموماً سلطنت جسمانی حضرت پاپ را مانع اند جمیع ایالات ایطالیا
سکه و بیرق پادشاه ساردن اعلیحضرت ویکتر امانول را قبول کردند اخراج نمودن حضرت پاپ ایلچی
ویکتر امانول را از رم اغتشاش سخت در ایالت رم ازدواج شاهزاده خانم کلتیلد با پرنس ناپلیون
عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه ده کرور تومان ایران دولت ساردن استقراض نموده برای تهیه
جنگ با اطریش احضار کنت دکاوور صدر اعظم اعلیحضرت ویکتر امانول بپاریس و گفتگو در دستور
العمل اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه با او در اوایل بهار

پروس

اعلیحضرت امپراطور روس از شهر ورشو بشهر برسلو آمده با نواب نایب السلطنه پروس خالوی خود
ملاقات کرده عهدی مخفی بین دولتین با کمال سختی منعقد میگردد

پرتوغال

فوت علیا حضرت ملکه در تابستان

برزیل

مسافرت ششماهه اعلیحضرت امپراطور بداخله مملکت برزیل

بلژیک

تولد پسری از نواب ولیعهد این مملکت موسوم بکنت دِهِن گفتگو در مجلس شوری در استحکام بندر آندرس

چین

فوت حاکم کانتن که اسیر انگلیسها بود در کلکته خفت دادن سفرای انگلیس و فرانسه در ینگی دنیا

در این مملکت و بنده بر فتن اعلیحضرت خاقان چین ایشان نزاد در حضور خود

روس

عهدنامه جدید دولت روس با چین حبس شامل با چهارصد نفر از مریدها بدست پرنس باریاتنسکی

ژاپن

جزیره یوکوهوما از برای ورود سفاین ملل فرنگ باز بود هنوز به ییدو پای تخت ورود نکردند

سوید

نوت اسکار پادشاه این مملکت جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در سن سی و سه سالگی

عثمانی

ایالات افلاق بغدان معاً پرنس کوزا را بریاست خود منتخب کردند مشارالیه وعده میدهد که از روی قانون حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سروستان میلیل بیرملیتی بولایت منصوب و برقرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او قانون جدید عثمانی که حکم بقتل در حق مقصرین پولتیکی نخواهد شد و بجلای وطن تنها اکتفا میشود اول شخصی که بجلای وطن رفت عمر پاشای معروف است عزل قبرسلی پاشا صدر اعظم که مداخله در مخارج حرم را ورد بار میخواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ میدارد میل دارد کم و کسر کند در مجلس کنفرانس پاریس که بجهت گفتگوی افلاق بغدان منعقد شده بود ایلچی عثمانی صراحتاً گفت که دولت عثمانی موقتاً پرنس کوزا را بوالیگری در ایالات میشناسد

فرانسه

بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون فرانسه با دختر اعلیحضرت پادشاه ایطالیا دویست و بیست هزار تومان مواجب در حق او برقرار میشود عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوپ لوبا دولت یکصد کرور تومان پول ایران از رعیت استقراض نمود همینکه ملت تمیل دولت را در استقراض دید متجاوز از پانصد کرور وجه نقد بجهت دولت حاضر شد در زمان غیبت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایطالیا بود علیاحضرت امپراطریس زوجه ایشان بنیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرم عموی اعلیحضرت ناپلیون بمستشاری علیاحضرت امپراطریس برقرار گردید جشن اهالی پاریس در مراجعت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از جنگ ایطالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است ندنول گالدونی از متصرفات فرانسه باغوای سر نفر

انگلیس اهالی بدولت فرانسه شوریدند معاهده دوستی و تجارتی با ژاپن ماموریت امیر نیخ نزد اعلیحضرت ناپلیون فرانسه در آبهای معدنی پیرنه اعلیحضرت پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندر بیاریتس با اعلیحضرت ناپلیون فرانسه ملاقات نموده در استحکام موقت دولتین فرانسه و اطریش گفتگو مینماید پرنس

ماچین

قشون دولت فرانسه و اسپانیا سواحل رودخانه تورانرا متصرف شده هو و اینرا نیز متصرف کردند

مکزیک

ژواورز رئیس جمهوری تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنگ و اغتشاش سخت در داخله

ینکی دنیای جنوبی

خرابی شهر کیت بیک زلزله سخت شورش در ونزوئلا و در شیلی منازعه اهالی بلاتا و اروگوای

وقایع سال سیزدهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران شیدالله تعالی دعایم ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و شش هجری قوی ییل ترکی

موکب ظفر کوکب همایون در اول محرم الحرام در سلطانیه بالیمن و السعادة اقامت دارد و تعزیه داری دولتی در اینجا در زیر چادری بزرگ با شکوهی تمام بعمل آمد روز چهاردهم محرم بعزم تشریف فرمائی آذربایجان استنهاض فرموده روز پنجشنبه بیست و نیم وارد چمن اوجان شدند چراغعلی خان حاکم خمسه بلقب سراج الملکی مفتخر گردید و از منزل آق کند مرخص شده بمحل حکومت خود رفت روز ورود موکب مسعود همایون باوجان دوازده فوج از افواج قاهره و هزار سوار و ده عراده توپ در اینجا اردوی منظمی داشتند سردار کل عساکر منصوره عزیزخان مورد مراحم خاصه گردیده موکب همایون پنج شب در اوجان توقف فرمود حسنعلی خان شاهسون که در سبستان خدمت کرده بود بیکقطعه نشان از مرتبه دوم سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و یکقبضه شمشیر یراق طلا مفتخر گردید محمد صالح خان

کرد بیچه نیز که باتفاق سردار علیخان سیستانی بسیستان رفته و در نظم انجا خدمات نموده بمنصب سرتیپی و خلعت همایون نایل شد جناب مستوفی الممالک بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شدند جمعی از اعاظم سیستان که در سلطانیه بخاکپای مبارک مشرف شده بودند مرخص و روانه دار الخلافه گشتند موکب همایون غره شهر صفر المظفر از اوجان انتهاض فرموده روز سیم ماه تشریف فرمای تبریز گردیدند نواب والا معتمد الدوله حکمران آذربایجان و معین الملک و میرزا عباسخان معاون وزارت مهام خارجه در نزدیکی باسمنج بتقبیل رکاب اعلی مستسعد شدند اهالی تبریز در ورود موکب مسعود نهایت جان فشانی نموده شب ششم شهر صفر المظفر که شب عید مولود همایون بود جشن بزرگی گرفتند چون هوای شهر تبریز باقتضای فصل قدری گرم است باغ شمال که نهایت باصفا و وسیع است در در محلات واقع در بیرون شهر مبنا شد از روز دهم صفر محل توقف بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میباشد رضا قلیخان که حسب الامر مراقب نظم مدرسه مبارکه دار الفنون میباشد این اوقات نیز در عمل تلگراف لازمه حذمتگذاری را بعمل آورده بنیابت وزارت علوم برقرار گردید و علیقلی خان پسر رضاقلیخان (جناب مخبر الدوله) بمنصب سرهنگی تلگراف سرافراز شد جعفر قلیخان پسر دیگر رضاقلیخان بمنصب کتابداری مدرسه مبارکه دار الفنون نایل گردید و بعضی دیگر از شاگردان فارغ التحصیل مدرسه در خدمات تلگراف و هریک بمنصبی مناسب حالت خود رسیدند سیم تلگراف باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بزنجان رسیده و حکم شد تا سه ماه دیگر تا تبریز امتداد دهند دوستعلیخان معیر الممالک باعطای یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و سفید مخصوص این رتبه سرفراز شد درب طلائی حسب الامر برای روضه مقدسه رضوی علیه السلام عضد الملک متولیباشی تمام نموده نصب کرد چون غله در تبریز تسعیری داشت یکهزار خروار گندم بوزن هزار مثقال فرمودند بفقرا بذل شود سردار کل عساکر منصوره بیکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید و میرزا احمد خان سرتیپ اول توپخانه مبارکه بلقب ساعد الملکی ملقب و مخلع گردید

روز بیست و دوم صفر موکب ظفر کوکب اعلی از تبریز بسمت مراغه توجه فرموده روز بیست و ششم تشریف فرمای مراغه گردیدند میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه بیکقطعه نشان از مرتبه دوم سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ سرافراز گردید مهمانخانه زوار در مشهد مقدس چون کوچک بود حسب الامر میرزا محمد حسین عضد الملک متولیباشی مهمانخانه وسیع بسیار خوبی ساخته آب انبار ممتازی هم نزدیک آن بنا نهاده اند لوازم مهمانخانه را نیز از مطبخ و شربت خانه وغیره وسعت داده اند میرزا نصر الله لشکرنویس بمنصب لشکرنویسباشیگری

آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد میرزا عبد الوهابخان شیرازی (جناب نصیر الدوله) منشی خاصه وزارت خارجه بمنصب نیابت وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز گردید

روز دوم ربیع الاول موکب مسعود همایون از مراغه نهضت فرموده از راه هشترود تشریف فرما گردیده روز بیست و دوم دار الخلافه باهره بمقدم بهجت شیم مبارک مزین گردید نواب والا امیر الدوله حکمران دار الخلافه بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس و یکثوب قبای ترمه نظامی دور کلابتون تکمه طلا سرافراز گردیدند مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است

(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا امیر الدوله حاکم دار الخلافه و عراق و ملایر و تویسرکان) (جناب سپهسالار) (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب معتمد الدوله عباسقلی خان جوانشیر وزیر عدلیه) (جناب امین الدوله) (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (سپهدار) (مشیر الدوله) (جناب ناصر الملک وزیر تجارت و صنایع) (جناب دبیر الملک) چون آب اهالی قم کم بود مقرر فرمودند بهمان سوزخان حاکم قم یکرشته قنات احداث و جاری بشهر نماید و آن قنات جاری و با آب زیاد داخل شهر میشود معین الملک بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و سفید سرافراز گردید حسین خان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده باو میباشد بلقب شهاب الملکی ملقب گردید علاوه بر مجلس شورای دولتی حسب الامر مجلس مصلحت خانه برای امور دولت ترتیب یافته عیسی خان اعتماد الدوله را بریاست این مجلس برقرار و مقرر فرمودند که هر روزه از صبح تا چهار ساعت بغروب مانده در مجلس مخصوص اجزای مسطوره در ذیل بنشینند و گفتگو در مهام کشور و لشکر نمایند و انتظام کلیه امور و آسایش رعیت و آبادی مملکت و ترقی دولت را از مد نظر داشته باشند و صورت اجزای مصلحت خانه از قرار ذیل است

(عیسی خان اعتماد الدوله رئیس مجلس)

(میرزا موسی وزیر دار الخلافه) (اسکندر خان) (حسینخان نظام الدوله) (مجد الاشراف) (ملک الکتاب) (ملاباشی) نسقچی باشی (جناب علاء الدوله) (میرزا تقی سپهر لسان الملک) (میرزا غفار خان) (میرزا مصطفی خان) (شهاب الملک) (رضا قلیخان رئیس مدرسه دار الفنون) (میرزا رضای مهندس باشی) (احمد خان نوائی) (محمد ابراهیم خان یزدی) (میرزا عبد الوهابخان جناب نصیر الدوله) (بدایع نگار) (میرزا محمد وزیر سابق کرمان) (میرزا اسد الله مستوفی) (میرزا محمد علی سرکارات) (حاجی میرزا محمد خان طسوجی) (شاطرباشی) (حاجی میرزا جبار ناظم المهام) (آقا اسمعیل پیشخدمت باشی) (میرزا ملکم منشی احکام شاهنشاهی مصلحت خانه)

نواب والا امیرزاده میرزای نایب الایاله بیکقطعه نشان میرپنجی و یکرشته حمایل مخصوص آن رتبه سرافراز شدند

محمودخان احتساب آقاسی بلقب احتساب الملکی وخلعت همایون سرافراز شد میرزا علی اکبر اجود ابناء
بلقب خانی وخلعت همایون نایل گردید چون غله در تبریز کم شد حسب الامر قنبرعلی خان که ملقب بمعتمدالملک
گردید روانه تبریز شد که هزار خروار از غله دیوان در شهر تبریز بفروشد و از ولایات خمسه و کردستان هم
ممکن شود حمل بتبریز کند و هر کس نیز گندم احتکار کرده باشد حکما بیرون آورده بمردم بفروشند میرزا
عنایت الله امین لشکر بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی و یک رشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز
گردید جناب محمودخان ناصرالملک وزیر تجارت و صنایع بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس
از مرتبه دویم سرافراز گردید پاشاخان پیشخدمت خاصه و امین صره بیکقطعه نشان از مرتبه اول
سرتیپی و یک رشته حمایل زرد و قرمز که در غیر نظام مخصوص باین رتبه است مفتخر گردید میرزا عبدالرحیم
منشی باشی دیوانخانه مبارکه بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی وخلعت همایون سرافراز شد مسیو جان
داودخان سرتیپ و مترجم اول دولت علیه که یکسال قبل برسالت از جانب سنی الجوانب همایون مامور
بدربار دولت نمسه و حامل نامه مودت ختامه مبارکه و نشان تمثال همایون باعلیحضرت امپراطور دولت نمسه
بود بعد از ورود بدربار آن دولت لازمه احترام و پذیرائی را نسبت بمشارالیه نموده مأموریت خود را
بطور شایستگی بانجام رسانیده مراجعت نمود و روز بیستم شهر ربیع الثانی باعزاز وارد دارالخلافه شده
روز بیست و یکم شرفیاب حضور باهرالنور مبارک شده جواب نامه همایون را با یکقطعه نشان اول
فرانسوا ژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور دولت مشارالیها تبلیغ نمود محمدخان پسر قاسم خان وزیر
مختار دولت علیه مقیم پطرزبورغ بنیابت سفارت مزبوره برقرار گردید شهر جدید که در سرخس بنا
نموده بودند باتمام رسیده و تراکمه طرفی و الامان که در حوالی و نواحی مشهد شرارت بودند نواب والا
حشمة الدوله حکمران خراسان آنها را تنبیه درستی نموده اند و بعد از اتمام شهر مزبور چهار فوج عرب
و عجم و نیشابوری و ترشیزی را با پانصد نفر سوار خوافی در آنجا گذاشته محمدولیخان سردار خراسان را
بریاست آنجا برقرار و از قرار ذیل خلاع و انعامات شاهانه مصحوب حاجی طالب بیک تفنگدار برای
هر یک انفاذ ایشان گردید

(نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان قبه مرصع و جبه ترمه پولک دوز تن پوش مبارک
(قوام الدوله وزیر خراسان خرقه ترمه تن پوش مبارک) (محمدولیخان سردار خراسان شمشیر کل مرصع
وخلعت همایون) (جعفرقلیخان سرتیپ اول مراغه لقب نصرةالملکی و شمشیر کل مرصع وخلعت همایون)
(لقب فوج مظفر در حق فوج قدیم مراغه و دویست تومان انعام) (یوسفخان سرتیپ افشار منصب

سرتیپی

سرتیپی دویم وخلعت همایون) (افواج افشار لقب افواج هیبت و دویست تومان انعام) (حسنعلیخان
سرتیپ فوج اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی وخلعت همایون) (خدادادخان
سرهنگ فوج مراغه حمایل و نشان سرهنگی وخلعت همایون) (جعفرقلیخان سرهنگ فوج افشار
نشان و حمایل سرهنگی وخلعت همایون) (حاجی عسکر آقا سرهنگ توپخانه حمایل و نشان سرهنگی وخلعت
همایون) (فتحعلیخان سرکرده سواره بغدادی حمایل و نشان سرهنگی وخلعت همایون) (میرزا مهدی
مهندس منصب سرهنگی خارج از فوج وخلعت همایون) (حیدرقلیخان سرتیپ فوج نیشابوری نشان
و حمایل سرتیپی سیم و صد تومان انعام) (عباسخان سرتیپ فوج ترشیزی نشان و حمایل سرتیپی سیم و صد
تومان انعام) (بهادرخان بیگلربیگی نشان و حمایل سرهنگی وخلعت همایون) و سایر صاحبمنصبان افواج
و توپچیان نیز بخلاع و انعامات شاهانه نایل گردیدند جناب سپهسالار بیکقطعه نشان
امیر نویانی از مرتبه اول و یک رشته حمایل سبز مخصوص این منصب سرافراز فرمودند عبدالعلیخان پیشخدمت
خاصه برادر مؤلف بلقب ادیب الملکی وخلعت همایون مفتخر گردید وجه شاهی اشرفی عید از بابت مالیات
که قبل از عید بحکام و ولایات حواله میشد غدغن سخت در برانداختن و متروک داشتن این رسم نمودند
جناب جنرال دُ لِینسُن وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با نامه مهر علامه اعلیحضرت پادشاه انگلستان
بعد از تقدیم جمیع شرایط معموله و پذیرائیهای شایان در خاک ایران روز پنجشنبه دوازدهم جمادی الاولی
باعزاز تمام وارد دارالخلافه گردید محمدباقرخان سرهنگ فوج ششم که در خراسان و ایام مأموریت مرو
محمودآباد خدمات کرده بود بیکقطعه نشان از مرتبه سیم سرتیپی و یک رشته حمایل قرمز و سفید مخصوص این
رتبه سرافراز شد و صاحبمنصبان فوج او نیز بمناصب و انعامات مناسب حال خودشان نایل گردیدند نواب
شاهزاده احمدمیرزا حاکم گلپایگان ملقب بمعین الدوله گردید میرزا محمدابراهیم بدایع نگار وقایع ده ساله
عهد جاوید مهد را کتابی نموده موسوم بعقداللآلی و بنهایت مطبوع طبع اقدس اعلی و بجز تاریخ بدایع دو
که مشغول است تاریخ دیگر مبسوط از ابتدای دولت قوی شوکت شروع نموده در کمال فصاحت و سلاست
و چند جزو آنرا بنظر انور ملوکانه رسانیده مقرر فرمودند که آن تاریخ را نیز مشغول باشد و بملاحظه علم
و فضل مشارالیه بمنصب نیابت اول وزارت علوم وخلعت همایون سرافراز گردید میرزا اسدالله نوائی
ولد مرحوم میرزا مهدی لشکرنویس منشی مخصوص وزارت امور خارجه بمنصب منشیگری اول وزارت امور خارجه
و اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز گردید قصر نیاوران که در شمیران بنا شده اگرچه از هر جهت
بنهایت امتیاز دارا و در چشم انداز جنوبی آن باعلی درجه صفا ولی چون در دامنه کوه البرز واقع است شمال آن

ابنیهٔ عمارات مبارکه سلطنت آباد در این سنوات فرخنده آیات خیلی بیش از این است این صفحه فقط صورت کلاه فرنگی و برج خوابگاه همایون مبنا شد

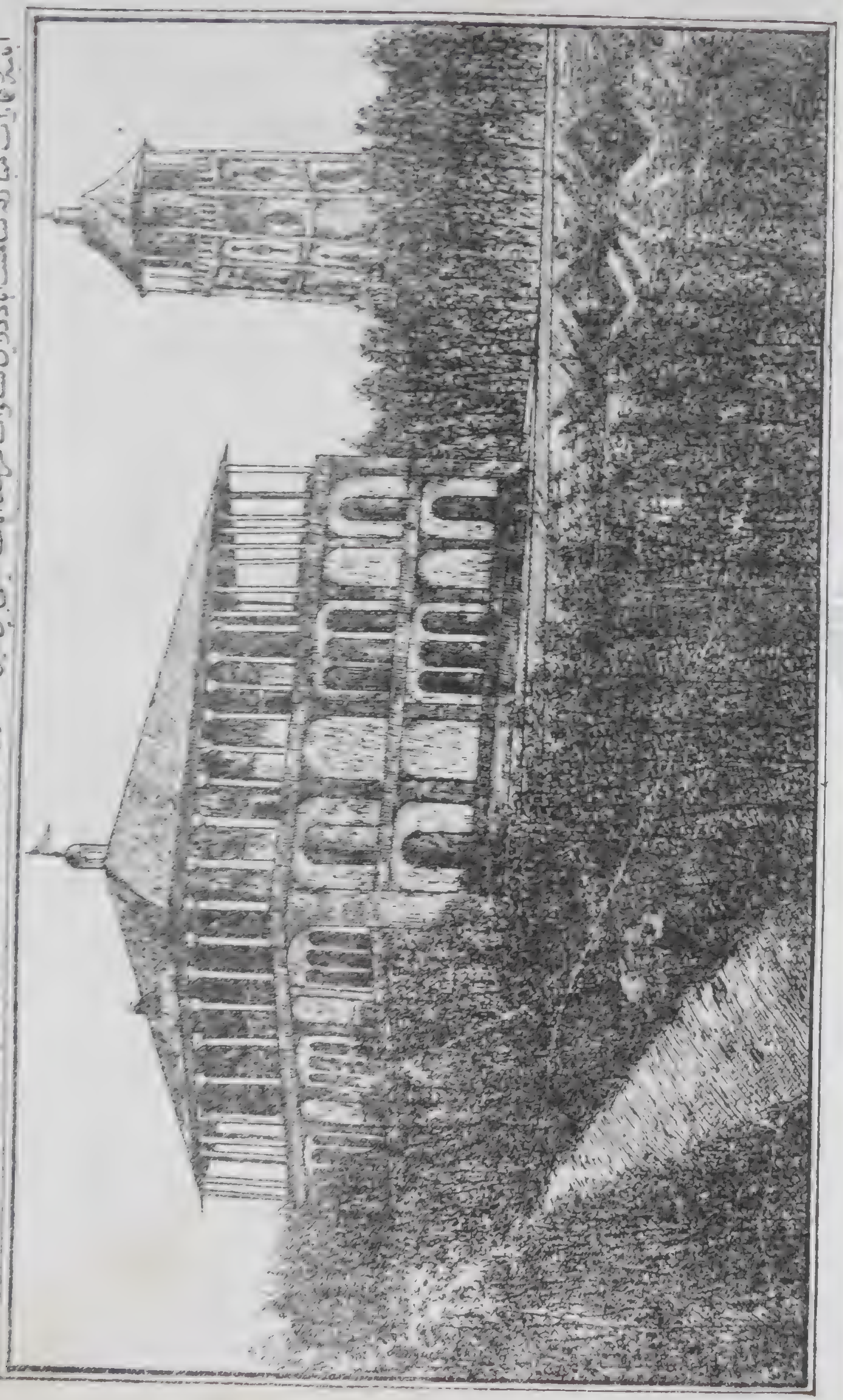

بعلت ارتفاع کوه مزبور صدود و مبناشد بنابر این منظور نظر بلند همایون این بود که در شمیران عمارتی سلطنتی بنا شود که از هر طرف باز و در صفا و دلگشائی از سایر عمارات ییلاقات ممتاز باشد و جلگه نودیک بقریه رستم آباد برای مکان این بنای مبارک منتخب شده بود و از دو سال قبل معماران قابل و مهندسین لایق اقدام بساختن این عمارت مبارکه نموده این اوقات عمارت بیرونی آن باتمام رسیده و مقرر شد که در سمت شرقی این عمارت حرمخانه بزرگی بنهایت عالی ساخته شود و از اطراف واکناف ولایات اقسام و انواع گل و درختهای واشجار مثمر بیاورند و در باغ این عمارت غرس کنند و این بنای همایون موسوم بسلطنت آباد گردید

جانمحمد خان سرتیپ پیکرشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی درجه دوم سرافراز شد آقا رضا خان نایب اجودانباشی بمنصب اجودانباشیگری اردوی خراسان و خلعت همایون سرافراز شد عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزرا گردید چون جانکی گرمسیر متصل بشوشتر بود حکومت آنرا نیز بوالد مؤلف ضیاء الملک مرحمت و ضمیمه حکومت عربستان فرمودند میرزا یوسف خان کارپرداز دولت علیه مقیم حاجی ترخان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید سرتیپی از درجه سیم با حمایل ذرد و سرخ سرافراز شد سام خان شجاع الدوله ایلخانی ایل زعفرانلو یکفوج جدید از ایل زعفرانلو گرفته امیر حسین خان برادر معزی الیه را که منصب و مواجب سرهنگی داشت و فوج نداشت بسرهنگی این فوج برقرار فرمودند یکدسته قشون مامور خراسان شد و صورت دسته جاتی مامورین از اینقرار است (اذو فوج فراهان بسرتیپی محمد حسن خان فراهانی) (سواره نودت بیکلو شاهسون بسرکردگی رضا قلیخان پسر امیرخان مرحوم) (توپ چهار عراده) (قورخانه وچادر و ملبوس سربازی سیصد و پنجاه بار) (پول نقد چهل هزار و دویست تومان) و این یکدسته قشون همراه حسین خان شهاب الملک مامور گردید حاجی مطلب خان تفنگدار بسرکردگی سواره خوی و سرتیپی ایلات توابع خوی و سلماس سرافراز شد اللهیار خان حاکم دره جز بجهت بی اعتدالی معزول و بهادرخان دره جزی که از همان سلسله و بدرستکاری موصوف است بجای او منصوب گردید حریربافی کارخانهای کاشان ترقی و رونقی دارد یکدسته دیگر قشون مطابق تفصیل ذیل مامور خراسان شد

(عبدالعلی خان سرتیپ توپخانه با ده عراده توپ و سیصد نفر توپچی و قورخانه) (فوج تمام خوی جمعی جمشید خان سرتیپ بهمراهی تقی خان سرهنگ) (فوج سربند جمعی ابوالفتح خان سرهنگ سربندی) (پانصد نفر سواره جهاد دولی بسرکردگی پرویزخان سرتیپ) بفاصله سه روز دسته دیگر مامور خراسان شدند از اینقرار (پاشا خان مکری شجاع الملک با فوج بهادران و فوج قهرمانیه جمعی خود و چهار عراده توپ نربوند) (پانصد نفر سواره ایلات قزوین ابوابجمعی محمد رحیم خان زند) علیقلی خان ماکوئی کر

سالها در مدرسه مبارکه دار الفنون مشغول تحصیل بوده بسرهنگی فوج فریدن برقرار شد زین العابدین
خان حاکم کردستان بیکقطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز گردید دسته دیگر قشون
از قرار تفصیل ذیل مامور خراسان شد (فوج شقاقی جمعی محمد صادقخان سرتیپ پسر مشیر الدوله) (سواره
مکری هفتاد نفر) (سواره بختیاری صد و هفتاد نفر) (سواره شاهسون شیخانلو پنجاه نفر) (توپ
چهار عراده با قورخانه و سایر لوازم) (پول نقد سی هزار تومان مصحوب قهرمان بیک تفنگدار خاصه و چهل
نفر غلامان خاصه رکابی) حاجی محمد خان حاجب الدوله بیکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص
آن رتبه سرافراز گردید میرزا محمد علیخان نایب اجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان که بعد از فوت والد
خود مامور کارپردازی بغداد بود بمنصب کارپردازی بندر بمبئی و یکقطعه نشان سرهنگی اول و یکرشته
حمایل سفید مخصوص این رتبه و خلعت همایون مفتخر گردید و میرزا عبد الرسول نویسنده وزارت امور
خارجه بنیابت و منشیگری کارپردازخانه بمبئی برقرار شد کتاب حل ما لا ینحل در جواب مسائل لا ینحل
امر خلاصة الحساب مرحوم شیخ بهائی رحمة الله علیه میرزا عبد الغفار که از معلمین مدرسه مبارکه و ولد
جناب آخوند ملا علی محمد اصفهانی که از اجله علمای ریاضی و صاحب ادب و عزت میباشد تالیف نموده و
مطبوع و مسبل است در این اوان چون ضیاء الملک والد مولف بحکومت عربستان مشغول بود بنده مولف
بنیابت حکومت شوشتر را داشت عمارت اسب دوانی سابقاً محقر بود امسال حسب الامر عمارتی عالی و جدید
در کمال استحکام در محل بنا نمودند نواب والا رکن الدوله اردشیر میرزا بحکومت گیلان و مضافات مفتخر
گردیدند و میرزا زکی دشتی مستوفی نیز بوزارت این ولایت برقرار شد عبد الحسین خان غلام پیشخدمت
که سابقاً تحویلدار وجوه خزانه اصفهان بود بتحویلداری کل گیلان سرافراز آمد اعتماد الدوله علیخان
والی بحکومت ولایت یزد نایل و بخلعت همایون مباهی گشت مجد الدوله امیر اصلانخان را حکومت ولایت
در طهران خمسه مرحمت فرمودند کارخانه برای ساختن تفنگ خانه دار حسب الامر بنا شد از ماه ذیقعدة الحرام
مقرر است که ماهی یکهزار و پنجصد تفنگ خانه دار رنگی در کارخانه مزبوره بسازند و تفنگ جمیع افواج
خانه دار باشد عمل باروت سازی نیز تکمیل شد قرار شد باروتها که سابق در قورخانه مبارکه است دوباره
بسبک جدید بکوبند حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیمه عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاء الملک
شهر والد مولف نمودند اراضی ری را باسر رشته قنات آن که خاصه دیوان اعلی بود بدبیر الملک سپرده
مقرر فرمودند که بحلیه آبادی در آورد نوجهانسوز میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم بیکقطعه
این رتبه نشان از درجه دوم سرتیپی با حمایل مخصوص سرافراز گردید میرزا بزرگ خان کارپرداز سابق از زنته الروم

بکارپردازی اول و مخصوص این دولت مامور اقامت بغداد گردید بنا بر اتحاد دولتین علیتین
ایران و عثمانی سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه نشان اول و مخصوص سلطنتی خود شانزا با
حمایل خاصه و نامه مبارک برای اعلیحضرت سلطان عظیم الشان عثمانی نزد جناب میرزا حسینخان وزیر
مختار و ایلچی مخصوص این دولت مقیم اسلامبول اهدا فرمودند که بمحفل سلطانی موصول نمایند و چون
محض احترام نشان سلطنت عظمی باید یکی از خواص چاکران دربار همایون حامل آن باشد یحیی خان اجودان
حضور مبارک مامور این خدمت روانه اسلامبول گردید و یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
مکلل بالماس با حمایل سبز مخصوص نیز برای جناب فواد پاشا ناظر امور خارجه انفاذ داشتند اسد الله
خان معتمد الملک حاکم همدان مرحوم و محمد حسینخان پسر آنمرحوم را بجای او بحکومت همدان برقرار فرمودند
جناب مسیو بارون وزیر مقیم دولت پروس در دربار دولت علیه از اول ورود بممالک ایران همه جا
شرایط اعزاز و احترام مرسوم درباره سفرای دول بزرگ از کارگذاران و مامورین مخصوص این دولت جاوید
شوکت درباره جناب مشار الیه بوجه اکمل بعمل آورده روز پانزدهم شوال وارد دار الخلافه شد و تفصیل
هدایائی که بمصاحبت مسیو بارون اعلیحضرت پادشاه پروس بجهة حضور همایون اهدا نموده بودند از قرار این است
(تصویر نواب نایب السلطنه دولت پروس در پرده بزرگ با چارچوبه و اسباب شایسته) (کلدانهای چینی بزرگ و
کوچک منقش که بسیار امتیاز دارد) (نشان سلطنتی دولت پروس) (میرزا احمد خان نایب وزارت
امور خارجه بنیابت اول وزارت خارجه و نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص این رتبه سرافراز
گردید شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا بمنصب جلیل سرتیپی اول در افواج نظام و خلعت همایون مفتخر
گردید حکومت بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نموده بنواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا مرحمت فرمودند
و نواب والا اعتضاد الدوله حکمران سابق بروجرد را بحکومت ملایر و تویسرکان مامور فرمودند میرزا محمد
علیخان حاکم لاهیجان ملقب بامین دیوانی و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید سردار کل عساکر منصوره
عزیز خان بیکقطعه نشان امیر نویانی مکلل بالماس با حمایل مخصوص این رتبه سرافراز و این علامت افتخار را
از دربار همایون بآذربایجان برای معزی الیه انفاذ داشتند رستم خان و فرضی خان ایل بیگیان ایل
شاهسون اردبیل و مشکین که حسب الامر در تخته قاپو کردن ایلات و عشایر شاهسون اردبیل و مشکین
خدمات کرده بودند بمواجب سرتیپی و نشان و حمایل سرتیپی سیم نایل شدند میرزا ابو القاسم معین الملک
پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز شد محمد صادقخان قاجار سرهنگ
توپخانه مبارکه بیکقطعه نشان سرهنگی از مرتبه اول با حمایل مخصوص آن مفتخر گردید محمد اسمعیل خان

وزیر کرمان بلقب کمال الملکی ملقب اند چون بعضی از تراکمه که در بعضی از قطعات خراسان و کرکان هستند بنا بر عادت و جبلت اغلب بتاخت و تاز و قصد مینمایند و در این ایام مروشاه جهان را محکم و محل اجتماع خود قرار داده‌اند حسب الامر قشون به تنبیه ایشان مامور خراسان شد و نواب الاحتشام الدوله حکمران خراسان و سردار قشون این مملکت با قشون بطرف مرو حرکت نمود در هر یک از ولایات ممالک محروسه حسب الامر مجلس مصلحت خانه بر قرار و کفتکو در مصالح ولایتی مینمایند

وقایع و سوانحی که در اینسال که تمام عالم و اقطار کره ارض اتفاق افتاده

اتائونی ینکی دنیا

در دو سفر ثانی بواشنکتن نصب ابراهیم لنکلن بریاست جمهور و عزل بوکانان که مدت ریاست او بانتها رسیده بود دیکس جمهوری تازه آزادی غلامان را طالب است بعضی ایالات که غلامان سیاه داشتند از انتخاب رئیس تازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جرکه ایالات متحده اتائونی خود را خارج کنند از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجد بر این هستند که نکاهداشتن غلام از واجبات است کارولین جنوبیست اهالی این ایالت بعضی امکنه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپارخانه و قورخانه و کمرک خانه متصرف شدند و بنای شورش کذاشتند

اسپانیا

منازعه سخت این دولت با مرقش سردار قشون اسپانیول اُدُنل است فتح شهر تیتوان از شهرهای مرقش بدست سردار مذکور ملاقات بیفاید سردار مذکور با برادر پادشاه مرقش برای صلح حرکت قشون اسپانیا بسمت تان ژر اضطراب اهالی مرقش و عجله در صلح و قبول ادای بیست کرور تومان ایران و قبول پذیرائی یکنفر ایلچی اسپانیا در فز پای تخت مرقش شورش و فتنه اشخاصیکه طالب سلطنت دن کارلس که یکی از بنی اعمام علیا حضرت ملکه است میباشند حبس بعضی از معارف که باطنا با دن کارلس مراوده داشتند محبوس نمودن پنج نفر از کشیشهای پروتستان مذهب که در صدد رواج این مذهب در اسپانیول هستند مسافرت علیا حضرت ملکه با یالات شرقی افتتاح راه آهن از والادلید به بورغش طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد رسانیدن جمعیت اسپانیا در این سال سی و یک کرور و صد و هفتاد و سه هزار و پانصد و سی و شش نفر است این دولت بعد از فتوحات نمایان که در مرقش کرده بتوسط دولت فرانسه میخواهند جزو اول دول فرنک شمرده شود لیکن دولت اطریش از ترس اینکه مبادا بعد از امضای این مسئله

دیکر امانول پادشاه پیمونت نیز همین داعیه را داشته باشد قبول نمیکند

افریقا

اغتشاش داخله در مملکت حبش منازعه مابین تئوسبه پادشاه واقعی و نادوس شخص اجنبی که داعیه سلطنت دارد ورود موسیل نام از صاحب منصبان بحری فرانسه بداخله حبشه و صحیح و سالم مراجعت کردن

المان

نواب نایب السلطنه پروس در افتتاح راه آهن سار بروک حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که از برای اینکار منعقد شده صراحتا اظهار داشت که ملت المان متفقا و تماما راضی بر این نمیشوند که بقدر یک بند انکشت از دولت المان بتصرف خارجی در آید بعد از مدتی پنس و ساوا اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بمملکت باد رفته با نواب نایب السلطنه پروس و سلاطین باویر و ورتنبرک و باد و ساکس و هانور ملاقات مینماید و اظهار دوستی میکنند ملاقات اعلیحضرت امپراطور پروس و اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت امپراطور اطریش با یکدیکر و ملاقات نواب نایب السلطنه پروس با اعلیحضرت پادشاه انکلستان در اکس لا شاپل ایضا ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در ورشو اظهار عداوت نمودن پادشاه باویر با ویکتر امانول و وحشت پروس از اتحاد یکروس و دولت فرانسه در منظر دارند در مجلس وکلاء دولت بعضی تکالیف که راجع بقشون است مینماید و تمام این تکالیف مقبول میشود ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین المان و کفتکوی اتحاد در میان آوردن ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش با نواب نایب السلطنه پروس وحشت اهالی المان از دولت فرانسه و تدارک جنک دیدن اتحاد مابین دولت اطریش و باویر افتتاح راه آهن از وینه پای تخت اطریش بمونیک پای تخت باویر فوت نونسیده معروف مجار اس زشینی و عزای عمومی در این مملکت استقراض سیصد کرور تومان ایران از برای بعضی مخارج لازمه اطریش عزل وزیر مالیه بارن بروک اتهام این وزیر بتقلب بعد از اشتهار این خبر بلا فاصله خود را هلاک میسازد حکومت جنرال بندک بمجارستان قرض دولت اطریش در اینسال دو هزار و سیصد و سی و یک کرور تومان ایران بوده است اهالی مجار طالب خودسری و آزادی اند انقلاب و شورش در مجارستان بتداوط پاینز عزل جنرال بندک از حکومت مجارستان و نصب او بحکومت دینز بوده است فوت بارن اشتین که عالم بالسنه مشرقیه

انکلیس

اتهام ایلچی انکلیس لرد کولی که مامور در دربار فرانسه بود بدوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را اکر تکلیف او اظهار داینها بدولت متبوعه خود بود محض دوستی با دولت فرانسه

اعضا او بلندن و جواب دادن در مجلس وکلا بر لرد نرماندی که او را متهم ساخته بود و مجاب نمودن
لرد نرماندی و مجدداً معاودت بدولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت هفتاد هزار نفر داوطلب
حاضر خدمت دولت انگلیس میشود اختراع توپ جدید دور زن در مملکت انگلیس موسوم بر
ویت ورت سان دیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان داوطلبان جدید را در یکی از باغات لندن
ازین حاضر شدن داوطلبان و گفتگوهای در مجلس قدری استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس
و فرانسه میشود اهالی منچستر نقار دولت انگلیس را با فرانسه صلاح نمیدانند مسافرت نواب
ولیعهد انگلیس بجزیره سفید و مراجعت نمودن بانگلیس و مجدداً در ظرف همین سال سفر کردن بکانادا
ینگی دنیا و اتاوونی مالیات بستن بر تنباکو و نمک در هندوستان سفر اول کشتی بزرگ معروف
نرمبر اعظم از سوت هامتن بندر انگلیس به نیویورک ینگی دنیا در تابستان فوت امیرال ناپیر و
لرد دالهوزی که فرمانفرمای هند بود وکلای ملت انگلیس بر ضد این خیال هستند که دولت
فرانسه نیس و ساوا را که جزو مملکت ایطالیا بوده در صدد الحاق بمملکت خود است اگرچه در افتتاح
پارلمنت فرانسه اعلیحضرت ناپلیون فرانسه با اصرار الحاق این ایالت را بمملکت فرانسه اظهار مینماید
ازین الحاق دولت پروس نیز متغیر است و دولت اطریش و روس ساکت و بیطرف اند دولت
سوئد با انگلیس و پروس شریک است

ایطالیا

مسیو کاوور صدر اعظم و وکلای ملت پیمون و لمبارد در یک مجلس جمع مینمایند بجای رم پایتخت
متفق اند و استقلال جسمانی او را طالب اهالی توسکان تبعیت پادشاه ایطالیا را طالب اند حکومت
پورتن گاری بنا از اقوام پادشاه با ایالت توسکان لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی را که در صدد — اغتشاش در مملکت ناپل
گرفتن مملکت روم افتاده هستند گاری بالدی از اعلیحضرت ویکتر امانول بواسطه واگذاشتن
نیس و ساوا بفرانسه رنجید ورود پادشاه ساردنی بفلورانس در بهار جنرال لامرسیر از سرداران
فرانسه که در جلوس اعلیحضرت ناپلیون بسلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری
عساکر پاپ را میکند پادشاه ناپل ویکتر امانول را متهم بر این مینماید که گاری بالدی بتحریک
او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل گذاشته پادشاه ناپل از دول فرنگ طلب عنایت و حمایت میکند
ولی اضطراراً بتوسط دولت فرانسه قبول تبعیت ویکتر امانول را مینماید و رنگ بیرق این پادشاه را
قبول نموده بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنگ ویکتر امانول افراشته شد شورش و انقلاب

سخت

سخت در ایالت ناپل و در شهر ناپل علی الخصوص محارم و هواخواهان پادشاه ناپل او را تنها گذاشته
بسمت ویکتر امانول میروند حتی عموی پادشاه کنت دسیراکوس گاری بالدی و فنازنی ایتلی با جمعیتی
در دو سمت با علم تمام ایالت ایطالیا را بشورش و انقلاب در آرند یکی از اعمام پادشاه ناپل کنت داکیلا باتهام اینکه
با گاری بالدی مراوده داده پادشاه او را از مملکت ناپل تبعید نماید نزدیک شدن گاری بالدی بحوالی
شهر ناپل و فرار پادشاه از راه دریا ورود گاری بالدی بناپل و حضرت در اوایل ... شهر ناپل خطبه
بنام اعلیحضرت ویکتر امانول پادشاه تمام ایطالیا خواندن اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه با ملکه
ناپل با اینست که مملکت ناپل که در زمان سلطنت ناپلیون اول از آن پرنس مورا شوهر همشیره
ناپلیون اول بود حالا نیز بر حسب ارث باولاد او تعلق گیرد اضطراب دولت ایطالیا ازین خیال
تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ را که قشون ملل خارجه را از رم اخراج نماید گاری بالدی
اعلان میکند مادامیکه پادشاه ایطالیا در عمارت کرینال که یکی از عمارات حضرت پاپ است در
شهر رم جلوس نماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع باتحاد مملکت ایطالیاست نخواهد شد
و ازین کلام چنین مفهوم میشود که گاری بالدی میل تصرف رم دارد و از هیچ چیز متألم نیست مگر
از سلطنت جسمانی پاپ و الحاق نیس و ساوا بمملکت فرانسه فرستادن دو فوج جدید از مملکت
فرانسه بجهة حفظ حضرت پاپ برم رنجش دولت فرانسه ازین کلمات و احضار سفیری که در ایطالیا
داشت پناه جستن پادشاه ناپل در شهر گائت مغلوب شدن عساکر پاپ بسرداری جنرال
لامرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن جنرال مزبور بدست سردار ایطالیا گاری بالدی وعده
میدهد که هرکس فرانسوی دوم پادشاه ناپل را مقتول نماید مبلغ گزافی هر سال از بیت المال باولاد او
داده خواهد شد عساکر ایطالیا تا نزدیکی شهر رم تاختند و بواسطه بودن قشون فرانسه در
شهر رم تجاوز از آن مکان را صلاح ندیدند در یکی از جنگهای با پادشاه ناپل شخص پادشاه با بیست
هزار مرد با گاری بالدی جنگید سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در
گائت گذاشته در رم نزد پاپ رفتند ورود فتح آمیز ویکتر امانول بشهر ناپل پادشاه ناپل — مادرید
بجمیع سلاطین فرنگ اظهار تظلم مینماید ولیکن این تظلم بی فایده میشود محاصره شهر گائت بتوسط
جنرال چالدینی سردار ایطالیا کاغذ اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه به پادشاه سابق ناپل که زیاده
برین در صدد مقاومت با پادشاه ایطالیا بر نیاید جان خود را در تحت حمایت فرانسه دانسته بمملکت
فرانسه رود و از مملکت خود دور شود پادشاه ناپل قبول ننموده در شهر گائت متوقف میشود ورود

گاری بالدی وقشون داوطلبی که مطیع او بودند ببیسل حرکت گاری بالدی بسمت ناپل
قشون فرستادن فرانسه در رُم بجهة حفظ حضرت پاپ احضار دولت روس ایلچی خود را از ایطالیا

بلژیک

رضایت مردم از پادشاه خود وعید جلوس او را با کمال شکوه برپا داشتن

چین

منازعه مابین چین و دول انکلیس و فرانسه دوازده هزار قشون انکلیس بسرداری امیرال هُپ وجنرال
گرانت ویکدسته قشون فرانسه بسرداری جنرال منتُبان در بهار امسال شروع بجنگ مینمایند ورود
همین چین باغهای تِجِ پینک بعضی از اهالات چین را قتل وغارت مینمودند وتا حوالی شانگهای راندند
فتح قلعه پیانُک بدست قشون متفقه یورش بقلعه جات پِیهُو فتح قلعه جات پِیهُو وبدست آوردن
توپخانه زیاد فتح شهر تِینِ سین که سیصد هزار جمعیت دارد حرکت قشون متفقه بسمت پکن پای تخت
شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار وموسوم بسان کُولِن بود فتح پالی کاوو در یکفرسخی پکن
شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خاقان چین بسمت مکُیِن ورود قشون فرانسه بشهر پکن
که چهار صد هزار جمعیت دارد غارت نمودن یکی از عمارات ییلاقی سلطنتی ورود قشون متفقه بحوالی
پکن مصالحه مابین دولت چین ودول فرانسه وانکلیس در پکن در این مصالحه بندر تین سین مفتوح از
برای تجارت دول مزبوره خواهد بود واز این تاریخ ببعد دول فرانسه وانکلیس حق داشتن ایلچی
در شهر پکن خواهند داشت مطالبه خسارت جنک کزاف دول متفقه از چین جنرال اکناتیف
مامور روس از پرنس کُنک برادر خاقان که سمت صدارت داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت

دانمارک

جمعیت این مملکت در این سال سر کرده دو کرور وصد وپنجهزار نفر است

روس

افتتاح راه آهن از پطربُرغ تا بورک هفتصد هزار ذرع فوت مادر اعلیحضرت امپراطور روس شصت
ودو ساله‌کی دولت روس پنجاه هزار قشون بساحل پروت سرحد عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف
دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت فرانسه دولت عثمانی را تهدید میکند که قوانین جدیده

دردفاهیت

در رفاهیت عیسویان تبعه خود را ایجاد سازد

ژاپن

قتل یکی از مترجمین سفارت انکلیس در روز هفده نفر نایب السلطنه حمله برده بدن او را مجروح میسازند

عثمانی

انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدر اعظم بجهة قرارداد لازمه که عیسویان تبعه عثمانی در رفاهیت
وآسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفه دِرُوز ومارُونیت در روزها که مسلمانه
هستند دهات مارونیتها را که عیسوی هستند میسوزانند واهالی را قتل مینمایند قشون دولتی نیز
در این عمل شنیع با آنها شریک است در صیدا وبیروت ودمشق در برابر القرنبته عیسویها قتل وغارت
سختی واقع میشود نسبت بقونسولهای دول فرنک نیز بی احترامی سخت وارد مینماید در شهر دمشق
مدت پنج روز متوالیا مسلمانها هر کجا عیسویها را که میبابند بقتل میرسانند حتی قونسول هلاند
مقتول وقونسول ینکی دنیا مجروح کردید قشون دولتی عثمانی رفع غایله نکرده بلکه کمک مینماید
امیر عبد القادر الجزایری که در دمشق سکنی داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود
نکاه میدارد اعلیحضرت سلطان بمحض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فواد پاشا را مامور دمشق
مینماید دولت فرانسه جداً در صدد تحقیق این عمل است دول فرنک را با خود شریک میسازد ورود
فواد پاشا در بیروت وحبس جمعی از اشرار وقتل بعضی از آنها علی الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم
باین عمل است محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرک ومشیرهای معتبر که هفتاد نفر تقریبا میشدند
بحکم فواد پاشا بسیاست میرسند ورود عساکر فرانسه از راه دریا به بیروت مامورین دول فرنک از برای
تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام کردش میکنند بالاخره بعد از تنبیه اشرار خساراتی که بطایفه مارونیت
وارد آمده است علی التخمین بشش کرور تومان ایران مقرر میدارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه
دو کرور طایفه دروز بدهند از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار ودویست نفر
بیشتر سبب شرارت وقتل بودند این مبلغ را این هزار ودویست نفر باید بدهند شورش در اپالت البانی
قتل والی منتنگرو دانیل منصب برادر زاده او دنیلو نوزده ساله‌کی بجای او فوت والی سردی میلُش
وولایت پسرش میشل بجای او ایجاد قانون در مملکت تونیس افتتاح راه آهن بقسطنطنیه کسوف شمس بالتمام
در هجدهم ژوئیه اوایل تابستان که عثمانیها این را دلیل شومی دانستند اما تفصیل قتل عیسویان
لبنان از این قرار است

در کوهستان لبنان دو طایفه سکنا دارند یکی دروز و دیگری مارونیت و لا اصل و نسب این طایفه از قرار
دروز یکی از طوایف شام که در سمت شمال عکه در ناحیه که ممتد است از بعلبک به آدنون در ساحل بحر
سفید سکنی دارند و علی التحقیق جمعیت دروزها یکصد و بیست هزار نفر میرسد چهل هزار نفر از اینها
قابل حمل اسلحه و جنگی هستند جنگجو و مهمان نواز میباشند مذهب اسلام را تبعیت دارند لیکن الحاکم بامرالله
مصری را پرستش میکنند و عقیده ایشان اینست که خداوند تبارک و تعالی در جسم الحاکم بامرالله حلول کرده
بود و باین لباس بهدایت مردم آمده بود و بعضی عقاید ملل متفرقه را نیز دروزها جزو دین خود کرده اند
در ... این طایفه در دیر القمر سکنی دارد اینها را دروز باینجهة میگویند که دروز نام که از خواص الحاکم بامرالله
بود سمت اجتهاد باینها داشت و در تحت لوای همین دروز این طایفه از مصر مهاجرت کرده بکوهستان لبنان
پناه جستند مدتها بدولت عثمانی یاغی بودند تا در سنه هزار و پانصد و هشتاد و هشت مسیحی مطابق
نهصد و نود و هفت هجری سلطان مراد سیم اینها را ایل نمود

مارونیت یکی از طوایف شام که در سمت طرابلس شرق سکنی دارند و با دروزها هم کوشی اند و صد و پنجاه
هزار نفر تحقیقاً عدد این طایفه است اطاعت بیک امیری که در بیکلس سکنی دارد مینمایند در سنه ششصد
و سی و چهار مسیحی مطابق سنه سیزده هجری در زمان خلافت خلیفه دویم وقتی که قشون عرب فتح شامات
کرد یوسف نام که از اعیان بیکلس بود و عیسوی مذهب با تبعه خود بکوه لبنان پناه جست و از آنوقت
تا کنون در آنجا سکنی دارند و کاتولیکی مذهب و تابع پاپ هستند

تا سنه هزار و هشتصد و چهل مسیحی مطابق هزار و دویست و پنجاه و شش هجری رقابت و طایفه مزبوره
چندان معلوم نمیشد و ظهوری نداشت چرا که هر وقت مخاصمتی در میان اینها رو میداد شاهزاده بشیر که
آنوقت ریاست موروثی با اینها داشته در صدد دفع و رفع آن برمی آمد تسلط و ریاستش بر عیسویها
و مسلمانهای آنجا یکسان بود و دولت عثمانی را نمیگذاشت که در مقام تقویت مسلمانها برآید و بطایفه طرف مقابل
اذیت برساند تا در سنه هزار و هشتصد و چهل و چهار مسیحی مطابق هزار و دویست و شصت هجری دول
همعهد علی رغم دولت فرانسه دوباره شام را از محمد علی پاشای مصری انتزاع نموده جزو دولت عثمانی
کردند دولت عثمانی ایالت لبنان را جزو شامات نمود تا خراج گذار بواسطه بشود و بنفسه ایالتی شمرده نشود
و اینکار را برای این کرد که بطایفه دروز محض همدینی رعایتی بکند و از اینها تقویت نماید فی الواقع در الحاق
کردن لبنان بشام پولتیکی منظور داشت این پولتیک عثمانی آخرکار بجائی منجر شد که ایالت لبنان منقسم
بدو قایم مقام شد یکی قایم مقامی مارونیت که عبارت از عیسویان واقعه در سمت شمال کوههای لبنان باشد

و دیگری

و دیگری قایم مقامی دروز که عبارت از مسلمین واقعه در طرف جنوب جبال مزبوره باشد قایم مقامی
مارونیت با وجودیکه در سنه هزار و هشتصد و چهل و یک علیسوی و در سنه هزار و هشتصد و چهل
و پنج بخونریزی عیسویان پرداخته بود مجدداً در سنه هزار و هشتصد و شصت زاید بر دو دفعه سابقه
اقدام باینعمل شنیع نمود طایفه مارونیت پس از آنکه بیچاره ماندند و از هر طرفی از اینها میکشتند قاتلین را
دولت عثمانی بهیچوجه مواخذه و سیاست نمیکرد ملجأ شده در بیروت مجلسی از عیسویان برای دادرسی
خود ترتیب دادند ولی غافل از اینکه اعتنائی بدادخواهی مجلس مزبور نمیشود پس از اینکه در چند جا عثمانیها
بعیسویان مارونیت تاختند و اینها را بقتل رسانیدند و خانه هاشانرا غارت کرده و آتش زدند طایفه
مزبوره همینکه خود را ذلیل و بیچاره و از خانه و زندگانی آواره دیدند اضطراراً بداخله مملکت رفتند که
بلکه در امان باشند باز در صعیدا دیدند که ترکهای عثمانی و طایفه دروز اتفاق کرده در صدد قتل
اینها برمیایند بالاخره عثمانیها محض تقویت و همراهی بطایفه دروز دو شهر حسبیه و راشیه را بآنها
واگذار نمودند و آنها را در تسخیر شهر زاحل که طایفه مارونیت نمیتوانستند حفظ و حراست نمایند حمایت
کردند در دیر القمر یک عداوت دروزها و رغبت اینها بخونریزی طایفه مارونیت واضح گشت
عیسویهائیکه در آنجا محصور بودند چون آذوقه و مایحتاج اینها باتمام رسید و بقول و قرار داد و اطمینان
طاهر پاشای سرتیپ مطمئن شده تسلیم شدند پس از تسلیم بچنگ طایفه دروز و قشون عثمانی افتاده
بقتل رسیدند و تقریباً سه ربع از اموال منهوبه اینها نیز قسمت و نصیب طایفه دروز و قشون گشت
ابتدا عثمانیها قدری جبن کردند که مبادا فقره قتل و نهب عیسویان در تمام ولایات شام منتشر بشود ولی
در آخر اعتنائی در این کار نکردند در دمشق نیز مسلمانها بعیسویان تاختند و در مدت ده روز شش
هزار نفر از اینها بقتل رسانیدند و با وجودیکه احمد پاشای مشیر و سردار اکرم آنجا بود بهیچوجه در مقام
ممانعت بر نیامد دوازده هزار نفر از عیسویان را امیر عبدالقادر الجزایری که آنوقت در دمشق
ساکن بود نجات داد امیر مزبور هزار و دویست نفر از اهل الجزایر در آنجا محکوم داشت همه را مامور
میکرد که دسته دسته در کوچه ها و برزنهای دمشق گردش کنند و عیسویها را از چنگ مسلمانها نجات
بدهند بالمآل حالت غیظ و طیش مسلمانها بدرجه رسید که بمریضخانه ها تاختند و معابد کلیساها
و قونسولگریها را غارت نموده آتش زدند

(قشون فرستادن دولت فرانسه در سنه هزار و هشتصد و شصت تا سنه هزار و هشتصد و شصت و یک
و منظم ساختن ایالت لبنان را در سنه هزار و هشتصد و شصت و یک)

پس از آنکه خبر قتل و غارت عیسویان شام و دمشق منتشر شد اسباب افسردگی تمام دول فرنگستان گشت
اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه معجلاً از سلطان عثمانی توضیح و جبران اینکار را خواست و چون بیمها
باز قتل و غارت تجدید شد ابتدا بعد دولت فرانسه بعثمانی و بر پنج دولتی که مصالحه منعقده در پاریس را
امضا نموده بودند اظهار کرد که قراری در این باب بگذارند چون برای نظم و نسق شام و دمشق لازم بود
قشونی از فرنگستان برود و باتفاق مامورین دولت عثمانی در اخذ و قید مرتکبین بکوشند و قرار نظم
انجا را بدهند لهذا دولت فرانسه متعهد شد که چنین قشونی را از خود مامور سازد ولکن دولت عثمانی
بملاحظه دولت انگلیس که هیچوقت راضی نمیشود که قشون فرانسه در سمت شرق ظاهر شود در مقام طفره
برآمد اعلیحضرت ناپلیون سیم بمسیو پرسینگی وزیر مختار دولت خودش که مقیم لندن بود نوشته
در آنکاغذ او را وادار بدفع سوء ظن انگلیس در این مقام نمود او نیز حسب الامر اعلیحضرت امپراطور کار را از
پیش برده در چندین مجلس انگلیس غلبه کرد تا اینکه در قرار ماموریت قشون اطمینان حاصل کرد
در سیم ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت جمیع دول فرنگستان قرار دادند که قشونی که مرکب از دوازده
هزار نفر باشد بشام فرستاده شود نصف قشون مزبور را فرانسه بدهد و نیز قرار دادند که مجلسی که اجزایش
وکلای دول فرنگستان باشد تشکیل داده قرار حکومت ایالت لبنان را بدهند و در تغییر و تبدیل
قرار دادها و احکامی که در سنه هزار و هشتصد و چهل و دو در لبنان مقرر شده بود بکوشند قشونی
که دولت فرانسه برای ماموریت بشام معین کرده بود جزوی از قشون اردوی شالون بود در زمانیکه
قشون حرکت میکرد اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خطاب بانها کرده مضمون ذیل را ادا نمود
شما که مامور باین خدمت هستید چندان جمعیت و عدد نفوس زیادی ندارید ولی رشادت و جرئت
و حسن نیت شما شما را در انصفحات خیلی عظیم در نظرها جلوه خواهد داد قشون فرانسه در شانزدهم
ماه اوت سنه هزار و هشتصد و شصت وارد بمملکت شام شده و بر تنهائی و خودی خود مامورین دولت
عثمانی را محرک باخذ و قید و تنبیه و سیاست اشرار و مرتکبین قتل عیسویان شدند در هفدهم ماه ژوییه
فؤاد پاشا که با تسلط بلانهایه و اختیار تامه از اسلامبول برای اصلاح امور عیسویان و قلع و قمع قاتلین
آنها مامور شده بود از کشتی بیرون امده و در بیست و نهم ماه ژوییه داخل دمشق شد سه هزار نفر
نیز از قشونی و غیره همراه داشت لدی الورود هفتصد نفر از اشرار دمشق را که زیاده از دیگران بانی
قتل عیسویان شده بودند دستگیر نمود احمد پاشای مشیر و حکمران در شهر حبس و دار انشیره را نیز [illegible]
کردند بموجب تصدیق وکلای دول فرنگستان دو هزار و چهارصد و نود و یک نفر از طایفه دروز را

برطرابولی

برطرابولی فرستادند که تا مدت پنج سال در آنجا مرتکبین از تمامیت انها را نیز بجزای مختلفه مجازات بعضی فرستادند باشند
و در حق هر یک بقرار خود تقصیر تعیین نسقی و مدت حبسی کردند رئیسان طایفه دروز را شخصی از
رؤسای انها که بیش از همه مرتکب شرارت شده بودند و زیاده سیاست را مستوجب بودند فرار کردند
و از سیاست و مواخذه جستند ژنرال دبوفور انها را تعاقب کرده تا در میانه تنگنای جبال موطن
خودشان انها را احاطه نمود لیکن غافل از این بود که قشونی را که بهمراه خود آورده عثمانی میباشند
وانها بر حسب هم مذهبی راضی بدستگیری معتبرین نیستند و از قشون فرانسه هم که همراه نداد علاوه
قشون عثمانی صف نظامی خود را گشوده وانها را راه فرار دادند که بوادی غیر ذی زرع حوران فراری شوند
و همین کار را دوام کردند مامورین دول فرنگستان بازحمت و گفتگوی زیاد دولت عثمانی را مجبور کردند
که مبلغ چهار کرور و بیست و پنج هزار تومان تقریباً پول ایران در عوض ضرر و خسارت و خونبهای طایفه
مارونیت و سایر عیسویان دمشق و غیرها بدهد دول فرنگستان در مقام امداد و اعانت عیسویان
شرقی عثمانی برآمدند از جمله دولت فرانسه مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان پول ایران وجه اعانه بآنها
داده منعقد شد که طایفه مارونیت دوباره خانه های مخروبه خود را برپا کردند و اسباب کسب و فلاحت ویران
خود را فراهم آوردند به اعتنائی مامورین عثمانی اسباب تعویق اصلاح امور شد و تا پنجم ماه ژوئن
سنه هزار و هشتصد و شصت و یک طول کشید و معاودت قشون فرانسه را زیاده بر شش ماه بعهده
تاخیر انداخت دولت فرانسه در کمال میل حاضر بود که دائماً قشونش را در سمت شرق عثمانی نگاه دارد و
لیکن باب عالی مصلحت ندید انگلیس که دائماً سوءظنی در ظهور و توقف قشون فرانسه در سمت شرق
داشت در مسئله قبول قرار داده و همه تکالیف داده براو برآمد و مراجعت قشون فرانسه را خواهش
نمود مسیو توونل وزیر امور خارجه فرانسه در جواب بابعالی نوشت چون قشون ما از جانب همه
دول فرنگستان مامور بشام شده است باید زمان و روز مراجعتش را نیز همه دول تعیین نمایند و بعد
از ان دولت فرانسه آزاد میشود و بخودی خود تکلیف خود را معمول خواهد داشت بالاخره پس از قرار
داد و اصلاح امور آنسامان قشون فرانسه از شام حرکت کرده معاودت نمود کلیه مقصود دولت
فرانسه در رفاه و فراغت لبنان بود و مقصود داشت که یکی از خود اهالی لبنان را برسایر ایالت مزبوره
والی نماید در مجلس وکلای دول فرنگستان چنین صلاح دیدند که این والی را از باب عالی تعیین نمایند
و باید والی مزبور عیسوی باشد تا سه سال هم معزول نگردد و نیز قرار دادند که جزء اعظم از سکنه
لبنان عیسوی باشند قرار مجلسی نیز در مرکز ایالت مزبوره دادند که مرکب از دوازده نفر باشد و هر چند

نفر از آنها از جانب طایفه و قبیله و کیل باشند همه ایالت لبنان را منقسم بشش محال کردند و هر محالی منقسم بچند کدخدائی نمودند و در هر کدخدائی از هر طایفه یک کدخدا قرار داد نمودند و با آنها اختیار و سپیدکی بدامور دادند دیر القمر را مقر حکومت و والی نشین کردند و الی که ابتداء بوالبکری انجا نامیده شد یکی از ارامنه کاتولیکی مذهب موسوم به داود پاشا بود این والی را بموجب تعیین دولت فرانسه از باب عالی ماموریت داده بودند پس از انقضاء سه سال مجدداً والبکری بخود پاشای مشار الیه تفویض گردید خلاصه کلام ایالت لبنان بحالت اول امده و اهلش باهم بتجدید اتفاق نموده بزندگانی و تحصیل معیشت مشغول شدند انصافاً اهالی لبنان باید خیلی ممنون و مرهون دولت فرانسه باشند چرا که در میان جمیع دول فرنگستان فقط دولت فرانسه در هیچ جهة قصور نکرد و از پولیتیکی که در سنه هزار و هشتصد و شصت بخرج داد ندامت حاصل ننمود

فرانسه

استعفای مسیو والفسکی از وزارت خارجه و منصب تُوونل که سابقا در اسلامبول سفیر کبیر بود بجای او وورود اخر دسته قشون فرانسه بپاریس از ایطالیا باتفاق مارشال و ایان فوت کراندوشس استفانی از اقوام مادری اعلیحضرت امپراطور ناپلیون سیم که دختر خوانده اعلیحضرت ناپلیون اول بود فوت پرنس ژِرُم برادر اعلیحضرت ناپلیون اول و عموی اعلیحضرت ناپلیون سیم در سن هفتاد و شش سالگی مسافرت امپراطور به نیس و ساو او و کُرس و بالجزایر ملاقات والی تونیس در الجزایر با امپراطور ایجاد قانون ملعع در الجزایر که مردم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان در سنگال که پادشاه انجا بدست برادر زاده کان خود مقتول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شد قاتلین پدر را بدست آورده بسزا میرساند این قتل و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه نمیکاهد عهدنامه تجارتی با پیرمان فتوحات در ماچین فوت خواهر علیا حضرت امپراطریس دوشس دالب مسافرت مشار الیها بانکلیس و پذیرفتن اعلیحضرت پادشاه انکلستان او را در وندزور موقوف داشتن تذکره عبور مابین انکلیس و فرانسه منافع و مداخل شهر پاریس بتنهائی در امسال بیست کرور و سیصد هزار تومان ایران است

اعلیحضرت

درانجمت

ینکی دنیای جنوبی

سلطنت یکی از تبعه فرانسه آن تُوان نام در ایالت اروکانی که خود را با آن تُوان اول موسوم کرده بود

شرح سال چهاردهم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ادام الله تعالی ایام ملکه مطابق سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت پیچی ئیل ترکی

در ابتدای سال خیر مآل جمیع توجه خاطر خطیر همایون باشاعه عدل و انصاف و رسیدگی بعرایض و ترقی و ازدیاد آسودگی و داشتن کل رعایا و برایا است تعزیه خوانی و دولتی در تکیه مبارکه بنا و دایر است مصطفی قلیخان حاکم سبزوار فوج جدیدی از سبزوار گرفته و محمد هاشمخان ولد معزی الیه سر هنگی فوج مزبور برقرار گردید حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استراباد با بعضی از قشون مامور استراباد ترکمانان که داز رانبینه تنبیه نموده ولیمحمد خان بلوچ افواج خمسه که تا مسافت زیادی ترکمان را تعاقب کرده بود مقتول شد بعد از آن شاهزاده ملک آرا تا قتلوق که بجوهر ترکمن است راننده تنبیهی لیز از اشرار این طایفه بعمل آمده است میرزا رضا و میرزا حسین از شاگردانی که مامور بتحصیل در پاریس بودند خوب ترقی کرده و معلمین فرنکی بانها اجازه طبابت داده اند محض رسیدگی کامل بعرایض ملهوفین و متظلمین و احقاق حقوق و مزید آسایش آنها روزهای یکشنبه را قرار دادند سفراً حضراً در جائی مخصوص بدیوان مظالم ذات ملکوتی صفات مقدس نفس نفیس همایون جلوس فرمایند و بار عام بعارضین از هر صنف و هر ملت دهند و دستخط جهانمطاع مبارک مبنی بر شرح این قانون معدلت نمون شرف صدور یافته که صورت آن از قرار ذیل است

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

دستور العمل و قاعده و وضع عارضین عموم مردم از بزرگ و کوچک هر کس که باشد روزهای یکشنبه از صبح تا وقت الی غروب که ماخود بنفس نفیس خود بعرض آنها خواهیم داد از این قرار است

روزهای یکشنبه نباید وزرا و غیره عرض خارجی بکنند از قبیل نوشتجات ولایات وغیره وغیره وغیره این روز مخصوص است از برای رسیدگی عرایض و مطالب عموم مردم مگر امر بسیار واجبی و یا حادثه ی البته باید بعرض برسد

و در این روز نایبان ایشیک آقاسی باشی کل و نسقچیان و نایبان همه باید حاضر در بخانه باشند با ایشیک آقاسی باشی

معتمد الدوله و نایب الصدر باید در این روز از صبح زود در حضور حاضر باشند که احکام عارضین را معتمد الدوله بفرمائیم و نایب الصدر ثبت عرایض و حکم را بر دارد و مخصوص یک کتابچه سفید باید معتمد الدوله همراه داشته باشد که نایب الصدر در انجا عرض و جواب هر دو را ثبت کند

نظم

نظم آوردن عارضین بحضور و بردن بیرون بعهده محمد رحیم خان نسقچی باشی و حاجب الدوله واجودانباشی است که در آن روز هر سه از اول صبح باید در بخانه حاضر باشند

وضع آمدن عرضچیان بحضور آنها باید در نزدیکی در بخانه اجتماع کنند باید اگر در شهر است یاد در میدان با دکو چه ادل اگر شمران و ییلاق است در صحرا باشند و یک یک و دو دو باید به بخانه عرضچی اگر عددش از دو نفر بالاتر است باید از حریم اولی بخاو زنکند و یکنفر از جانب خودشان وکیل کرده بحضور بفرستند اگر عدد از دو نفر بالاتر نیست همان دو نفر ماذون هستند بیایند حضور و عرضشان را بکنند و در حضور همینکه یکی بشعر عبارتشان دو نفر باشد عرضش با تمام رسید و مرخص شد بعد از رفتن آنها عرضچی مجدد بیاید اینکه عرض تمام نشده دسته دیگر حاضر حضور باشند

در این روز فوج قراول در بخانه باید با لباس خوب از اول صبح الی تمام عرض عارضین حاضر باش کرده با تیشد با ترتیب با سرهنگ همان فوج و یکدسته قراول مخصوص سوا کو هی با سلطان آن دسته زیر پله عمارت باشند با لباس خوب و بیست نفر تفنگدار زیر بالا عمارت بایستند و فراش خلوتیان و پیشخدمتان کشیک آن روز همه باید حاضر باشند و همچنین صد نفر فراش با نایبان در بخانه حاضر باشند

اگر از عرضچیان در محل اجتماع قال و قیلی شود مورد تنبیه سخت خواهند شد باید اعلام کرد با آنها که در وقت اجتماع و عرض و غیره ساکت باشند

غرض از رسیدن بعرض عارضین دفع ظلم از مظلوم است نه اینکه هر کس بخیال خود شبها فکر کرده در آن روز عرض کند مثلا خواهش مواجب و اضافه مستمری بیولی معنی باید اعلام کنند هر کس اینگونه عرضی کند همان در حضور مورد تنبیه خواهد شد

چون منظور نظر مبارک عموم رعیت و رفع ظلم و اجحاف از ضعفا و مظلومین است لهذا هر کس در ولایات بعیده باشد دستش بدربار همایون نداشته باشد باید عرض خود را در عریضه نوشته سرش را بسته سر بمهر بضابط چاپار همان ولایت بسپارد که او هم بی آنکه کسی مطلع شود سر بسته عریضه آنکس را بچاپار بدهد که در جزو نوشتجات و لایات بعرض خاکپای همایون برسد موافق عدل و انصاف حکم شود ا نتهی

چندی میرزا حسین مستوفی بپیشکاری دار الخلافه برقرار بود و لهذا این اوقات مجددا وزارت دار الخلافه را بمیرزا موسی مرحمت فرمودند

شب ششم صفر که شب عید مولود مسعود همایون اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میباشد در تمام ولایات ممالک محروسه جشن کرفتند و روز این عید سعید سلام عام در قصر نیاوران منعقد کردید در باشتاد الطباع

دولتی و طبع روزنامجات را بمیرزا ابو الحسن خان نقاشباشی غفاری که مقدم اساتید و یگانه زمان است تفویض فرمودند و روزنامه دولتی مصور شد بعد از مامور شدن نواب والا حشمة الدوله حکمران خراسان و قوام الدوله وزیر آن ایالت با عساکر منصوره بمرو همینکه نزدیک بقلعه شهر قدیم مرو موسوم بقلعه محمد نیاز خان میرسند تراکمه یکمرتبه در جلو اردو در آمده ولی چون مقاومت با قشون ظفر نمون را فوق قوت و طاقت خود می بینند بعد از یکمرتبه شکست عیال و اطفال و احمال و اثقال خود را برداشته در تاریکی شب از قلعه بیرون می آورند فردای آن روز سپاه منصور وارد قلعه شده آنجا را خالی از سکنه دیده ولی آذوقه بسیار در آنجا بوده که نصیب قشون نمون کردیده بعد از آن عزم تسخیر بایانی کرده آنقلعه را نیز مسخر کرده و طایفه سالور را منقاد نموده اند نصرت
صفر علیخان سرتیپ سواره اینانلو را نیز با هشتصد نفر سواره ابواجمعی خود و یکعراده توپ بتنخواهی بمجهه عساکر اردوی مرو از دار الخلافه میروند مشار الیه بمنصب سرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز کردید عباسقلی خان معتمد الدوله بیکقطعه نشان تمثال بمثال همایون سرافراز کردید شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب اجودانی مخصوص حضور مبارک سرافراز کردید در این اوان که حکومت عربستان و لرستان با ضیاء الملک الدوله مولف است این بنده نایب الحکومه عربستان می باشد مسبوق وس در دار الخلافه تفنگهای شش خان بسیار خوب ساخته همچنین در دار الخلافه چاشنی خیلی ممتاز برای این تفنگها میسازند طرقه نیز برای توپ مسمی روس اختراع کرده که دیگر احتیاج بفتیله و مهتاب و آتش ندارد بیکپارچه سیمی بطرقه وصل کرده و در دست بان سیم متصل و در دست توپچی است محض حرکت طرقه آتش میگیرد و در کمال سهولت توپ را آتش میدهد نواب والا حشمة الدوله و قوام الدوله را از خراسان احضار فرمودند و نواب والا حسام السلطنه بحکمرانی خراسان مامور و محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی را بلقب ظهیر الدوله ملقب و بسمت پیشکاری سرحدی آنجا مقرر فرمودند و محمد ابراهیم خان پسر جناب ظهیر الدوله را بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب والا مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب کردیدند محمد ابراهیم خان سرتیپ اول افواج خمسه بلقب مظفر الدوله سرافراز کردید در مشورتخانه خاصه وزرا حسب الامر قانونی برای نظم کلیه قشون و جبه خانه و قورخانه و غیره نوشته میشود حسین خان حاکم همدان بخلعت همایون نایل شد نواب کیومرث میرزا حکمران کرمان ملقب بعمید الدوله کردید جناب شیخ عبد الحسین مجتهد که از جانب سنی الجوانب همایون مامور بساختن و وسعت دادن صحن مقدس و تعمیر کنبد مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام می باشند بقدر هزار ذرع زمین از خانهای نزدیک بصحن خریده و خرابه کرده و بر صحن مقدس افزوده در جمیع اطراف آن حجرات و تحتانی

نوقانی ساخته که بجهت زوار محل سکنی باشد و گنبد مطهر را نیز بخوبی تعمیر کرده همچنین بقعهٔ منورهٔ حضرت عباس را مرمت
نموده اند در دار الخلافهٔ باهره و در اصفهان حبس تسعیر دارد و از سایر ولایات ممالک محروسه باین دو ولایت گندم
و برنج و هیزم و حطب می آید میرزا غفار خان صدیق الملک نایب اول وزارت امور خارجه بمنصب وزیر مختاری و ایلچی
مخصوص ابد دولت سرافراز و مامور باقامت سن پطربورغ گردید بیکقبضه شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل
گشت میرزا جواد خان ولد مشار الیه مامور رسیدگی امور تجارتی دول خارجه که محول بصدیق الملک بود
شد میرزا رضای نامه نگار با عطای یکقطعه نشان از درجهٔ اول سرهنگی و یکرشته حمایل زرد قرین مباهات آمد حاجی
نور محمد آقای تاجر تبریزی بلقب مشیر التجاری مفتخر گشت میرزا نصر الله لشکر نویس باشی با عطای یکقطعه نشان
سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه مباهی گردید میرزا رضا پسر مرحوم میرزا مقیم مستوفی که در پاریس مشغول حاجی
تحصیل علوم طبی و جراحی بود تصدیق نوکری گرفته بدار الخلافه مراجعت نمود میرزا محمد حسین دبیر الملک جناب
بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید یحیی خان اجودان مخصوص سرکار اعلیحضرت همایون
که از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجهٔ اول مجیدیه برای امنای
این دولت جاوید شوکت ابلاغ نمود و امنای مسطوره از شاهزادگان عظام نواب والا اعتضاد الدوله و
نواب والا اعتضاد السلطنه و از وزراء جناب آقای مستوفی الممالک و جناب عباسقلیخان معتمد الدوله
و جناب سپهسالار و جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه بودند تسیم تلگراف که حسب الامر مقرر بود از
دار الخلافه الی تبریز کشیده شود باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم در ماه رجب این سال باتمام
رسیده است و نواب معظم الیه با عطای یکثوب جبهٔ ترمهٔ تن پوش مبارک و یکقبضه قمهٔ مفتخر گردیدند مرصع
میرزا محمد حسین پسر مرحوم میرزا احمد طبیب افشار بعد از مدت بیحساب تحصیل علوم طبیه در پاریس تصدیق دکتری از
حکمای فرانسه گرفته بدار الخلافهٔ باهره معاودت نمود علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانهٔ ممالک محروسه نایب
دویم وزیر علوم بنشان و حمایل سرهنگی از درجهٔ اول و خلعت همایون مفتخر گردید و سایر صاحب منصبان
تلگرافخانه بمناصب و خلاع و انعامات شاهانه نایل شدند [illegible] ضیاء الملک حکمران عربستان و لرستان
با عطای یکقطعه نشان و یکرشته حمایل از درجهٔ امیرتومانی و یکثوب کلیجهٔ ترمه تن پوش مبارک مباهی گردید
نواب والا حسام السلطنه که بحکمرانی خراسان منصوب گردیده بودند روانه محل حکمرانی خود شدند حاجی
قاسم تاجر طهرانی که چند سال است در ارض اقدس رضویه ساکن میباشد بمنصب ملک التجاری خراسان برقرار گردید
در ماه شعبان این سال هشت شبانروز در سنگلج لاینقطع برف آمده و باختلاف مواضع از هشت ذرع

الی سه

جنوب که یاغی هستند پنجاه هزار و این ایالات جنوبی از طرف خود ایلچی بمملکت انگلیس و فرانسه روانه میسازند
و پای تخت خود را در ریشمن قرار میدهند قشون ایالات شمالی اگرچه از جنبهٔ عدد زیادتر هستند و لیکن احاد
و افراد این قشون که غالب تجار و کسبه هستند چندان ربطی از استعمال اسلحه نمیباشند بر خلاف عساکر جنوبی
استعداد توپخانه و قورخانه شان کامل و صاحب منصبان مجرب دارند ابراهیم لنکلن از مجلس وکلا چهارصد
هزار مرد و چهارصد کرور تومان ایران کمک مطلبیده ابتدای جنگ بین طرفین در حوالی بولرون در نزدیکی
واشنگتن شکست عساکر جنوب شده و حکم ابراهیم لنکلن بنادری که متعلق بجنوب میباشد بسته از خروج بایالات
و دخول سفاین ملل روی زمین ممنوع باشد جنگهای سخت خونریز در اغلب نقاط ببطرفی تمام دول فرنگ در این جنگ

اسپانیا

فوت دونفر از اولاد دون کارلس پرمدعی که و فوت زوجه اش بلا فاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت
و ورود سفیر کبیر مراکش بمادرید پای تخت این سفیر از سلطان مراکش بود و در دیپس سابق مکزیک میرامن
بمادرید افتتاح راه آهن از مادرید باسکوریال

افریقا

تادورس یاغی در حبشه نفوسیه پادشاه جوان را مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس کرد فوت ملکه جزیره
جزیرهٔ مادا کاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پسرش راگتکه برادامای دوم موسوم گردید که دوست
فرانسه ها و عیسوی ها بود در مراکش پاشای تان ژیر سید محمد الخطیب که از طرف پادشاه مراکش مامور بود با دول
عیسوی مذهب بود با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست و شصت و هشت
هجری عداوت ورزیده و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری
با اسپانیولها معزول شد

المان

فوت پادشاه پروس فردریک چهارم در سن شصت و پنجسالگی در زمستان جلوس برادرش ویلیم اول بعضی از وکلای ملت
پروس در صدد اتحاد ممالک المان و سلطنت یک امپراطور در المان هستند که بهمه جهت از اهل المان باشد یکی از
طلاب بلیزیک که طالب اتحاد المان بود در مملکت باد طپانچه بپادشاه پروس خالی میکند چون گلوله بپادشاه
نمیخورد عدالتخانه حکم به بیست سال حبس او صادر میکند تاجگذاری پادشاه پروس در شهر کنیزبرگ اهالی
مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجار را بسر گذاشته بالقاب خود پادشاهی
مجارستان را الحاق نماید ذالک نام از اهالی مجار راضی بر این نیستند که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین حاضر

جلوس نمایند شورشی پیدا شد افتتاح مجلس پارلمنت در برلن در بهار صد و چهل و چهار نفر از وکلای ایالات دیگر در افتتاح مجلس حضور بهم نرسانیدند اهالی مجار امراری دارند که سلطنت مجار مجزی از امپراطور اطریش باشد عزل وزیر مجارستان و نصب طابین فرانس بجای او در بهم آدنبت مطابقه جمهور علی الخصوص معابد آنجا فرستادن اهالی کراف و کلا بمجلس پارلمنت برلن ملاقات اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه ساکس در باد باحضور برادر اعلیحضرت امپراطور اطریش ماکسیمیلیان مجلس پارلمنت المان پانصد و بیست عراده توپ بتصیب یاده کرور فلورن ابتیاع نموده از برای حد و ثغور مملکت المان لازم میدانند قشون المان بر حجم چهارصد و پنجاه و دو هزار خواهد بود فرستادن ایلچی از طرف اعلیحضرت پادشاه پروس بایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر مأموریتهای رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است

انکلیس

بی نانی و پریشانی عملجات کارخانهای ریسمان ریسی که بواسطه نیامدن پنبه از ینکی دنیا در تعطیل و بیکاری مانده اند روزنامهای انکلیس بعضی طرفدار رئیس جمهوری اتازونی و بعضی برضد او هستند تجهیز بیدن انکلیس از برای جنگ بحری و تدابیر مالیه کرده امسال گلادستون حساب دخل و خرج دولت را که مجلس اظهار مینماید مصارف عساکر بحری و بری انکلیس در سال پنجاه و شش کرور و دویست و هشتاد و پنجهزار لیره است و هر لیره معادل بیست و پنجهزار ایران می باشد فوت لرد هربرت که مبلغ دویست و هشتاد سالگی که رئیس مجلس امرا بود فوت پرنس البرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در پایتخت تعداد نفوسی که در این سند شده است تمام جمعیت جزایر انکلیس پنجاه و هشت کرور و دویست و یکهزار و صد و شصت و چهار نفر است ایجاد نشان موسوم بستاره هند از راجهای هند بکسیکه از این نشان داده شد نظام حیدرآباد مهاراجه کوالیر مهاراجه کشمیر نواب رامپور کفتکوی سخت لرد پالمرستن در مجلس وکلا بر ضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا منع نکرده است دولت انکلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را که بویکتر امانول پادشاه پیمن داده بودند می شناسد اضطراب در مملکت انکلیس که مبادا جزیره ساردن را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد

ایطالیا

حکومت پرنس گاردینیان از اقوام سلطنت ناپل بوزارت بنگرا قصد پرنس گاری بالدی و مازینی و ونیزیا محاصره گائت که پادشاه ناپل در او بود بتوسط اعلیحضرت امپراطور فرانسه مدت شش روز متعویق افتاد چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج نشد و تسلیم نکردید مجدد بعد از شش روز جنرال جیالدینی حکم بود شاد سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا بجانب و عایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او به

ایطالیا

مضایع دولت فرانسه شراع کشیده رفتند امیرالبحر رسان امیر بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی از سمت دریا بنای گائت را محاصره نمودند زوجه پادشاه ناپل که خواهر ملکه اطریش است با وجود جوانی با شوهر خود در تنگنای محاصره گرفتار است مخصوص پانزده روز متارکه خواستند قبول نشد ناخوشی تیفوس (اسمی از مطبعه حادث است) در شهر گائت بابت دارد بالاخره شهر گائت بعد از نود روز مقاومت تسلیم شد قشونی که در اینشهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر بود تسلیم کردیدند آذوقه و قورخانه زیادی از هر قبیل آنجا موجود بود من جمله هفتصد توپ و شصت هزار تفنگ پادشاه ناپل فرار از گائت به رم پناه برد قلعه مسین که یکی از قلاع مستحکم بود نیز تسلیم شد و این آخر قلعه بود از پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا در آمد اول

قلاع

دولتی که ترک امراوده با دولت ناپل کرده دولت انکلیس بود افتتاح مجلس پارلمنت تمام ایالات ایطالیا در تورن با حضور اعلیحضرت پادشاه ایطالیا ویکتر امانول و وکلای ملتان طرف تمام اهالی ایطالیا اعلیحضرت ویکتر امانول را بخطاب پادشاهی تمام ممالک ایطالیا مخاطب و اولاد او را نسلا بعد نسل بهمین خطاب میشناسند مسیو گاوور هیچ از صرافت تصرف رم نیفتاده است او سعی مینمود داعیه سلطنت ناپل که بلپرنس در زمان اعلیحضرت ناپلیون اول آنجا پادشاه بود مینماید تفتیش و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی ایالات مفتوحه گاری بالدی که بجزیره کاپره رفته و میل مداخله در کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا را به سعی نسبت بخود متهم میسازد فوت مسیو کاوور صدر اعظم در تابستان بعد از فوت کاوور بارن ریکازولی که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود افتتاح راه آهن از میلان به براتس طغیان کوه آتش فشان وزوو در اوایل پاییز

پرتوغال

فوت پادشاه در سن بیست و چهار سالگی جلوس برادرش لوی اول بجای او

بلژیک

ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ اهالی بلژیک در شناختن دولت ویکتر امانول را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند

چین

بعد از فرار از پکن هنوز اعلیحضرت خاقان وارد پای تخت نشده است تنو دهنو وزارت خارجه برادر خاقان و دو سفرای کبار فرانسه و انکلیس به پکن در بهار انکلیسها در صدد این هستند که راه تبت را هم باز کنند لیکن تلاش اینها بیفایده میشود فتوحات قشون دولتی در بعضی نقاط یکه طاغیها بودند بخصوص در ایالت پچلی شورش و یاغیگری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی تبت مخصوص

حاجی

جناب

مرقع

فوت خاقان در شهر دِهلِی جلوس پسر هفت ساله او بر تخت سلطنت چین بجهت طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان و معتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنک اگرچه جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدید او را اسمت مستشاری خود اختیار نمود بازا قوال او بدامورات دولتی سنکدست

دانمارک

دولت پروس جبر راضی نیست که قانون مملکت المان در اِسلِسویک و هلستین جانکه اهالی المان ساکن این هستند رواج بگیرد دول فرانسه و انگلیس و روس بدولت دانمارک تکلیف میکنند که با اهالی ایالتین مهربانی کنند

روس

انقلاب و اغتشاش سختی در ورشو لهستان حاکم لهستان پرنس میشل گرچاکف عاجز از نظم مملکتی است تغییر اعلیحضرت امپراطور نسبت با اهالی ورشو لهستان فرستادن قشون بجهت نظم لهستان در ورشو منازعه عینیه با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین قشون مامور در شهر ورشو هشتاد و پنجهزار رسید و مخارج این را مدت توقف مجبورا اهالی ورشو باید متقبل شوند مختصر شورشی در ایالت قازان فوت میشل گرچاکف حاکم ورشو قشون

و نصب جنرال سوخوزانت بجای او حبس هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسیبر و بعضی را بقلاع دیگر محبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو ولادمیر

ژاپن

قتل یکنفر از هلاندی که مترجم بود واسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن و ینکی دنیا و انگلیس و پروس بود بدست بعضی از اشرار در پی بعضی اشرار درصدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند

عثمانی

انقلاب و اغتشاش سخت خون ریزی در ایالت هرزگوین کُلُّ اهالی قرادلغ انها را امداد میکنند عمرپاشا سردار عثمانی یاغیان را منازعه مابین اهالی قرداغ و عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سِرو سِنیان شورش مردم بدولت بواسطه سکنی دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان که نزدیک با نهاست والی تونیس سید صادق ایجاد قانون جدید کرده مملکت نمود من جمله هر یک زن در حرم خود نخواهد داشت مامورین دول فرنگ در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند سعید بیک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند در مجلس مردود در عمل القمر من بعد از این یک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت داود افندی

که از عیسویان کاتولیکی مذهب است به لبنان فوت اعلیحضرت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی در ایلنالبستان جانشین سلطان مرحوم از سیزده اولادی که ازو باقی مانده بود که پسر ارشد بیست ساله بود نیست بود که در سلطان مرحوم عبدالعزیز که در هزار و هشتصد و سی مسیحی مطابق هزار و دویست و چهل و شش هجری متولد شده سلطان مملکت عثمانی گردید وزارت خارجه فواد پاشا صدارت عالی پاشا وزارت علیه کیامیل پاشا در مصر تغییر سرباز باچوب موقوف گردید طغیان آب زیاد در نیل و خراب نمودن اغلب یالات

فرانسه

حکم اعلیحضرت ناپلیون امپراطور که یکدسته از قشون فرانسه بجهت حفظ حضرت پاپ میباید همیشه در شهر رم متوقف باشد نصب مسیو تُرنِی بریاست مجلس پارلمنت فرانسه شناختن اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه اعلیحضرت ویکتور امانوئل را بسلطنت ایطالیا معاهده تجارتی با دولت بلژیک بواسطه عدم باران حاصل نقد رکفایت مملکت فرانسه را بتباع حبوبات از خارج مینماید ورود سفرای سیام بفرانسه و پذیرفتن علیحضرت امپراطور آنها را در عمارت فونتن بلو تقریبا دویست سال بود که ایلچی سیام بمملکت فرانسه نیامده بود فوت مارشال بُسکه در سن پنجاه سالگی فوت اِسکریب شاعر معروف تعداد نفوس در این سال سی و هفت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنجنفر که از این عدد ششصد و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی نیس و ساوا هستند که تازه الحاق بمملکت فرانسه شده است جمعیت پاریس تنهائی سه کرور و دویست و شصت هفت هزار و هشتصد و چهل و یکنفر است انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس در آن مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ طایفه عیسویان شامات مدتی باید در شام توقف کنند اطریش و اسپانیا بدولت فرانسه تکلیف میکنند که قراری در استقلال جسمانی پاپ در مملکت رم و سایر متصرفات او گذارده شود دولت فرانسه مضایقه از این تکلیف میکند اعلیحضرت پادشاه تازه سود شارل پانزدهم با برادر خود اسکار و اعلیحضرت پادشاه پروس و پادشاه هلاند بدیدن اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه بپاریس وارد شدند معاهده مابین انگلیس و فرانسه و اسپانیول وانها معا متفق بر این شدند که بر ضد ژوارز رئیس جمهودی مکزیک قشون کشی نمایند بعضی مطالب تجارتی و پولیتیکی که معوق مانده است بتوسط قراری در آنها داده شود و نیز در این معاهده که حرحل و عقد بعضی مطالب لاینحل دیگر در امور داخله مکزیک و جها من الوجوه مداخله نکرده اهالی انجا را مجبور نسازند و تغییری در وضع دولت خود بدهند یا قبول پادشاهی بکنند قشونی که اسپانیول موافقت بفرانامر قید میشود

خواهد فرستاد سه هزار نفر فرانسه دو هزار و پانصد نفر انگلیس شهامیان کشته‌ها جنگی اکتفا خواهند نمود

ماچین

جنگ سخت قشون فرانسه با عساکر دولت آنام فتوحات بعضی از نقاط مملکت آنام علی الخصوص سیغون هنوز عده قشون فرانسه و اسپانیول در این نقطه بدرجه نرسیده است که به هوه پای تخت پیش بروند

مکزیک

فراهد رئیس سابق میرامن بسمت هاوان نصب ژوارس برپاست طمع ژوارس رئیس تازه در موقوفات معابد وضع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع بخواهد استقراضی از دول فرنگ رانند هند دریای تخت مکزیک استقرار در صدد قتل سفیر فرانسه از اعیان انگلیس هستند اخراج نمودن با کمال بی‌احترامی وبعضی سفیر اسپانیول را از مکزیک چون در مملکت مکزیک جمعیت زیادی از تبعه فرانسه و اسپانیول هستند ایجرکات بی‌ادبانه رئیس تازه مکزیک سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول انگلیس و فرانسه و اسپانیول بر ضد دولت مکزیک گردید نهایت بجنگ نمودن فرانسه و انگلیس توسط سفرای خود به ژوارس ورود قشون اسپانیول بسرداری جنرال پریم بوراکروز و تصرف شهر و قلعه سن ژانت

یونان

مثویس بعضی از صاحبمنصبان نظامی یکی از طلاب قصد قتل ملکه نمود در روزی که اعلیحضرت پادشاه بالمان سفر کرده بود اهالی کرفو و جزایر یونان مایل ملحق شدن بیونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خونخواری نمودند

شرح سال پانزدهم سلطنت و شهریاری اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ادام الله تعالی ملکه غیر المتناهی مطابق هزار و دویست و هفتاد و هشت هجری تخاقوی ئیل ترکی

در این سال خیر مآل عموم خدام آستان معدلت بنیان و قاطبه رعایای دولت جاوید نشان مشمول عواطف و توجهات خاصه ملوکانه میباشند در دهه عاشورا چون موکب همایون بجهة شدت حرارت هوا تشریف فرمای شمیرانات است و اگرچه در حضور مبارک تعزیه خوانی شد ولی مثل سنوات سابق لوازم این رسم و کار بزرگ بعمل نیامد تا انکه موکب معلی بسلطنت آباد تشریف فرما شده چون تکیه جلیله نیز در این محل ساخته و ضمیمه بنا بر ابنیه سلطنتی نموده اند در عشر دویم ماه صفر در این تکیه جدید البنا با تزیینات مناسب تعزیه خوانی کردند میرزا هاشمخان تحویلدار وجوه صرف جیب مبارک بلقب امین خلوت ملقب گردید

شب عید مولود مسعود همایون در تمام بلاد ممالک محروسه جشن گرفتند روز عید در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید حسب الامر مقرر شد راه سلطنت آباد را هرجا که سنگلاخ و ناهموار است مسطح و هموار نمایند که کالسکه بخوبی و سهولت از آن عبور کند و همچنین نمونه راه سازی برای سایر ولایات بدست آید موسیو کاستگر مهندس نمساوی و یک دو نفر از شاگردان مدرسه مبارکه دار الفنون بدستور العمل نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم باینکار پرداختند چون عمل زراعت و تجارت تریاک در اصفهان باهتمام آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی رونقی گرفته مشار الیه را رئیس کمپانی تریاک اصفهان فرمودند که از تقلب مصون ماند و تریاکی که تجار بولایات میفرستند باستحضار آقا محمد مهدی و مهر و نمره او روانه شده باشد نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس پل بسیار معتبر محکم بر روی رودخانه سیوند در هشت فرسخی شهر شیراز میکشند حاجی محمد شریف خان سرتیپ بلقب مستشار لشکری سرافراز شد نواب والا احمد میرزای معین الدوله را بحکومت ولایت استراباد سرافراز فرمودند که در اطاعت حضرت شاهنشاهزاده امجد کامکار یمین الدوله بوده باشد در دار الخلافه ناخوشی وبا بروز نموده بعضی ترکمان که در نواحی خراسان شرارت میکردند نواب والا حسام السلطنه حکمران خراسان حیدر قلیخان ایلخانی شادلو را با سواره حاضر در مشهد و توپخانه و جمعی از جنود دیوانی بدره جزی مامور نموده ترکمان را تنبیه کرده اند میرزا سلطان محمد خان

بهبهانی که خیال خودسری داشت نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس او را گرفتار نموده اند چون بعضی عمارات دیوانی فارس در ایام زلزله خرابی بهم رسانیده بود ششهزار تومان بنواب مؤید الدوله حکمران فارس مرحمت فرمودند که بمصرف تعمیر آن عمارات برسانند بعد از انتقال مرحوم سلطان عبدالمجید خان سلطان عثمانی در هفدهم ذیحجه سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت وجلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان بر تخت سلطنت آن دولت دو طغرا نامه مودت ختام از جانب اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان یکی مشتمل بر واقعه حزن انگیز و دیگری مشعر بر تجدید ابقای ماموریت حیدر افندی وزیر مختار وایلچی مخصوص آن دولت در دربار همایون اهدای حضور باهر النور ملوکانه نموده وزیر مختار مشار الیه مراتب را دستگاه بوزارت امور خارجه اعلام کرد میرزا هاشم خان امین خلوت همایون روز شنبه بیست و پنجم ربیع الاول بسفارتخانه دولت مشار الیها رفته بعد از اظهار تاسف از جانب سنی الجوانب ملوکانه وزیر مختار مشار الیه را دعوت بحضور موفور السرور مبارک نمود باتفاق بدربار معدلت مدار همایون تشرف جسته وزیر مختار معزی الیه مورد عواطف خسروانه گردیده شفاها بلفظ گوهر بار مبارک تعزیت رحلت سلطان مرحوم و جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان را ادا فرمودند و برای اظهار تسلیت از رحلت و تبریک و تهنیت از جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان محمد رحیم خان نسقچی باشی را که از چاکران معتمد دربار سپهر آثار و حامل تمثال و تبرزین مرصع و صاحب نشان شیر و خورشید از درجه دویم سرتیپی و از اجزا و رؤسای مصلحت خانه مبارکه و رئیس سواره نظام و ناظم اردوی همایون و ناظم دیوان مظالم عضو دار الشورای اعلی میباشند برسم سفارت کبری مامور بدربار دولت عثمانی نموده و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع و یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی و یکرشته حمایل سرخ و سفید آن از درجه و لقب جلیل علاء الدوله سرافراز فرمودند نواب والا احتشام الدوله خانلر میرزا حکمران اصفهان یکنفر استاد قابل برای جستن ذغال سنگ روانه جوشقان نمود معدن ذغال سنگ و کوکرد و مس و زرنیخ پیدا کرده اند قورخانه و توپخانه محمره را چون در کنار شط ساخته بودند در بهار بواسطه مد آب بکلی خراب شده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران عربستان و الدولة مؤلف بجوی جدید میسازد صحرای دوشان تپه که بسیار وسیع و هیچ وقت آب نداشته سه سال قبل حکم شده بود یکرشته قنات احداث شود امسال آب آن قنات جاری شد بلکه لوله از توپخانه شئی بودند را مقرر شده بود در کارخانه خان بکشند با اینکه اول کار استادان بود در کمال خوبی خان کشیدند تلگراف این ایام با جمیع ولایات عرض راه آذربایجان تا تبریز گفتگو مینماید ناخوشی وبا در تبریز بروز کرده و شدتی دارد یکنفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی ریاحین و نباتات از پاریس احضار فرمودند

علاوه

غله های خالصجات دیوانی را حسب الامر بانبار دولتی میاورند وجمعی رحمة الله خان غلام پیشخدمت خاصه است ناخوشی وبای بسیار جزئی در مشهد بروز کرده و بزودی رفع شده است جناب ناصر الملک را مامور در اتمام ساختن راه گیلان فرموده و بنواب والا رکن الدوله و شهر میرزا حکمران گیلان نیز در انجام این خدمت تاکید فرمودند فی الجمله ناخوشی وبا در مازندران بروز نموده است همچنین در کرمانشاهان ناخوشی مزبور جمعی کثیر را تلف کرده است ضیاء الملک و الدولة مؤلف حکمران عربستان و لرستان بشدت مریض شده لهذا سلیمان خان سرتیپ افشار را مامور این دو ایالت فرموده که معاون ضیاء الملک باشد که در آن نواحی بی نظمی نشود و میرزا حسین دکتر مامور و روانه بمعالجه ضیاء الملک شد روز شنبه نهم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دار الفنون گردیده امتحان کاملی از متعلمین در حضور همایون بعمل آوردند و چون از هر جهت رونق و ترقی کامل در مدرسه حاصل شده بود نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر تومانی با یکرشته حمایل مخصوص آن مرتبه داخل نظام سرافراز شده مبلغ یکهزار تومان در باره نواب معظم الیه مرحمت فرمودند و نواب والا فرهاد میرزا نایب الایاله که در امتحانات مدرسه حاضر بودند کمال مواظبت را نموده بودند بدین امتحان باعطای یکقطعه نشان طلا از مرتبه اول مدرسه و یکرشته حمایل امیر تومانی خارج از نظام سرافراز گردیدند رضا قلیخان رئیس مدرسه بخلعت همایون و جعفر قلیخان ولد رضا قلیخان باعطای یکقطعه نشان سرهنگی و یکرشته حمایل از درجه اول سرهنگی خارج از نظام و خلعت همایون و پنجاه تومان انعام سرافراز شد محمد حسین خان اصفهانی که تحصیل کاملی در مدرسه کرده بود بمنصب اجودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام مفتخر گردید و سایر اجزای مدرسه مبارکه از معلمین و صنعتیین و غیرهم نیز هر یک بقدر ترقی و استحقاق خود بانعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند هزار نفر سواره تکه مروی بسرداری امان سعد و محمد شیخ از قراولخانه قلعه سرخ گذشته بتاخت فریمان و جلگه زاوه و باخرز آمده بودند نواب والا حسام السلطنه که با قشون و استعداد مهیای حرکت بر رخس و سرحدات بودند و عازم تنبیه ترکمان این خبر را استماع نموده با جمعی سواره شصت فرسنگ ایلغار کرده در اطراف زاوه بسر ترکمانان رسیده جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر ترکمانان را مقتول و اسیر نموده اند تفنگهائی که حسب الامر همایون از فرانسه ابتیاع نموده اند پنج شش هزار از آن رسیده قلعه شهر طهران را حسب الامر میرزا موسی وزیر دار الخلافه مشغول مرمت شده و یکدسته شهر را از بیرون و اندرون از برج و دیوار و خندق بسیار خوب تعمیر نموده بقیه را امسال انشاء الله خواهند ساخت و آباد نمایند

طایفه یموت شدت دارد هوا در بندر بوشهر امسال طوری گرم بود که هیچکس بخاطر ندارد و از شدت
گرما چند نفر کسبه تلف کرده و هلاک شده اند عباسقلی خان جوانشیر معتمد الدوله وزیر دیوانخانه
عدلیه اعظم داعی حق را در ماه جمادی الاولی لبیک اجابت گفت محمد ابراهیم خان برادر آنمرحوم بریاست
دیوانخانه مبارکه و لقب امیر دیوانی سرافراز گردید پاشاخان امین شورای بیکقطعه نشان تمثال
همایون مفتخر گردید امان الله خان والی حکمران کردستان بیکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول
سرتیپی و حمایل قرمز و سفید مخصوص این رتبه نایل گردید جبه خانه بسیار عالی تازه بنا نموده اند و باتمام
رسید حسینخان حاکم همدان را احضار فرموده محمد حسن خان پیشخدمت خاصه بحکومت آن نواحی سرافراز
شد میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بپاریس رفته
بود کار خود را انجام داده معاودت نمود یک لوله توپ خاندار جهت نمونه از فرانسه ابتیاع شده با تفنگهای دیگر
که ابتیاع شده بود بدار الخلافه میآورند که از روی همان توپ توپهای خاندار متعدد در دار الخلافه بسازند
جبه خانه و قورخانه دار الخلافه رونقی دارد و مسیو دوس بجهة تسهیل عمل کارگران راه آهنی از کوره توپ
ریزی تا کارخانه توپ سوراخ کنی ساخته که لوله توپ از این کارخانه تا کارخانه دیگر در کمال سهولت حمل
میشود و محتاج بحمل عراده و کارگرها و زحمت نیست نیز مسیو دوس مشغول ساختن قپس است که با قاطر حمل میشود
و این قپسها در سفرها و جنگها بسیار با فایده است در چاشنی سازخانه نیز مشغول ساختن چاشنی تفنگ
هستند و قرار شده در کارخانه طهران سالی ده کرور چاشنی ساخته شود کارخانه ریسمان ریسی و شمع
و کاغذسازی و بلورسازی وغیره باهتمام نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم نهایت رونق دارد
و شکریکه در کارخانه شکرریزی مازندران ساخته اند نهایت خوب و قندهائی که عمل آورده اند
تفاوتی با قند روسی ندارد نواب والا رکن الدوله حکمران گیلان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز
و نواب معین الدوله حاکم استراباد بیکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی با حمایل مخصوص این رتبه مفتخر
گردید چون جناب علاء الدوله بسفارت کبری در دربار عثمانی مامور شده امورات نیابت خدمات
مرجوعه بجناب معزی الیه را بعلاء ملک خان نایب ایشیک آقاسی باشی رجوع و واگذار فرمودند چون از شهر رشت
تا منجیل که چند منزل است راه همیشه بشدت گل و لجن است و در اوقات بارندگی آدم و مال زیاد تلف
میشد ساختن آن راه را بعهده جناب دبیر الملک محول فرمودند بعد از آنکه محمد شیخ و امان سعد از
رؤسای تراکمه از قشون ظفرنمون در نواحی خراسان گریزان شده خود را بمامنی رسانیدند در ثانی
بخیال افتادند که بی الجیه و غنیمتی معاودت ننمایند محمد شیخ بر خود مخمر کرده که با دویست نفر سوار زبده

بتاخت

در دار الخلافه

بتاخت و تاراج حلکه مشهد مقدس آید اگرچه امان سعد در صدد منع او بر آمد او ممانعت پذیر نشده پس از
تصمیم این عزم خبر بمحمد ولیخان سردار قشون خراسان رسیده بدفع شر او پرداخته و برای جلوگیری او
با جمعی سوار روانه شدند و یکدسته از عساکر منصوره بتراکمه برخورده آنها را منهزم و پنج فرسخ تا [illegible]
تعاقب کرده آخر الامر محمد شیخ که نهایت شرور بود بدست سواران شاهسون اینانلو مقتول و دو نفر دیگر
از رؤسای تراکمه و سه نفر از برادر زادگان محمد شیخ با جماعتی از تراکمه همراهان آنها نیز کشته شده باقی راه
هزیمت پیش گرفتند عیسی خان اعتماد الدوله حکمران یزد که بدربار معدلت مدار همایون آمده بود بجهة
عارضه ناخوشی در ماه جمادی الثانیه این سال مرحوم شد حسینقلی خان پسر بزرگ آنمرحوم که نایب الحکومه
یزد بود بحکومت یزد مفتخر گردید بعد از فتح هرات امیر عطاء الله خان تیموری با دو هزار نفر ایل خود
کوچیده در کوه سرخ و ربع شامات از صفحات سبزوار من اعمال خراسان که از جانب اولیای دولت مشخص شده
بود سکونت اختیار نموده و مشغول خدمتگذاری گردید در این اوقات امیر عطاء الله خان با چند نفر سوار
جمعی خود بتقبیل رکاب اعلی مشرف و مورد مراحم شاهانه آمد چنانکه در سایر دول رسم است این اوقات
در دولت علیه نیز مقرر داشتند احکامیکه شرف نفاذ مییابد و بامضای همایون مقرون میگردد کلیه
از فرمان و ملفوفه فرمان و دستخط همایون و سایر احکام وغیره روی ورقه دولتی نوشته شود و نشان
مخصوص ورقه دولتی سپرده بامین شورای شد اصطبل توپخانه را بمیرزا علی اکبر آجودان باشی توپخانه سپردند
کاغذ کارخانه دار الخلافه کاغذهای بسیار خوش قلم ممتاز میسازد جناب آقا محمد مهدی پسر مرحوم حاجی محمد
ابراهیم کرباسی که از اجله علمای اصفهان بود بجوار رحمت الهی پیوست پل شوشتر را که از طغیان آب
خراب شده ضیاء الملک والده مؤلف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نموده است میرزا نصرالله لشکر
نویس باشی آذربایجان بنیابت لشکرنویس باشی ممالک محروسه و خلعت همایون مفتخر شد نواب والا
رکن الدوله حکمران گیلان حسب الامر مقرر داشته اند کارگذاران انزلی مناره سرحد (فانوس بحری)
در آنمحل بسازند جناب ناصر الملک نیز مراقبتی دارند که در گیلان نیشکر بعمل آورند قشون و سرداران
کرد و تنبیه اشرار تراکمه خدمت کرده بودند مورد عواطف ملوکانه گشته از قرار ذیل بخلعت و منصب
و انعام همایون سرافراز گردیدند

(محمد ولیخان سردار انعام هزار تومان جبه ترمه زنجیره دار پولک دوز ثوب) (زین العابدین خان سرتیپ
سواره دره بون منصب سرتیپی اول و جبه ترمه) (سعد علیخان سرتیپ سواره اینانلو نشان و حمایل سرتیپی اول)
(محمد تقی خان سرکرده سواره افشار شاهسون نشان از مرتبه دوم سرهنگی) (محمد خان سرکرده سواره

چلیپا ملون نشان از مرتبه سیم سرهنگی) معین الملک لشکر نویسباشی با عطای یکقطعه نشان تمثال همایون از مرتبه سیم سرافراز شد محمد باقرخان پسر ظهیرالدوله بسرهنگی فوج عرب وعجم برقرار گردید مصطفی قلیخان معلم توپخانه بسرهنگی خارج توپخانه مفتخر گشت هشتاد نفر از فوج اصفهان حسب الامر سپرده میسو بنزاک میباشند وهر روزه اینها را با بیست نفر از شاگردان خود که مسیو بنزاک انتخاب کرده در خارج شهر تعلیم فکان وقلعه سازی فوری میدهد وعنقریب هریک ازین سربازان درین علم سمت معلمی خواهند داشت راه گیلان که در حکومت مجدالدوله ابتدا شده بود این اوقات باهتمام ناصرالملک مشیر حضور باتمام رسید میرزا محمد علی کارگذار مهام خارجه فارس بلقب خانی سرافراز گردید میرزا مهدی همدانی منشی مهام خارجه ملقب بخانی وناظم مهام خارجه بندر بوشهر وسایر جزایر بحر العجم وخلعت همایون نایل گشت زین العابدین خان حاکم کروس که باسر کردگی افواج کروس مامور ساخلوی کلات بود مرحوم شد وعلیرضاخان پسر آنمرحوم بحکومت کروس وخلعت همایون مباهی گردید آقا محمد حسن صندوق دار خاصه مبارکه ملقب باعتمادالملکی وخلعت همایون سرافراز آمد میرزا مصطفی لشکر نویس بلقب وکیل لشکری وخلعت همایون مفتخر شد آقا محمد مهدی کمپانی توپ اصفهان عمل توپ انصفحه را کمال نظم داده است این اوقات محض مزید انتظام امورات دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب بمجدالدین ابراهیم خان امیر دیوان شرفصدور یافت که صورت آن بتمامها در ذیل نگاشته میشود

صورت دستخط مبارک بافتخار مجدالدین ابراهیمخان امین دیوان

چون استحکام مبانی ونصفت وپیشرفت قواعد دیوان عدالت پیوسته منظور نظر انور همایون است وامورات که محض دولتخواهی باکمال صدق وحق مرحوم معتمدالدوله گذرانیده وحکم داده است باید مجری وممضی باشد وتغییر وتبدیل نپذیرد لهذا امر ومقرر میفرمائیم که اگر کسی بخواهد حالا تصرفی در احکام صادره آنمرحوم نموده تغییری بدهد آنمقرب الخاقان بالصراحه بعرض خاکپای همایون رسانده دفع متصرف وتغییر احکام صادره سابقه را بکند وهمچنین اموراتیکه راجع بآنمرحوم ومخصوص دیوان عدلیه بوده وتا بحال ناتمام مانده آن مقرب الخاقان بدون مداخله غیر با تمام رسانده صورت انجام عمل را بخاکپای مبارک عرض نماید ودر امورات حال واستقبال دیوانخانه که انجام ان رجوع بآنمقرب الخاقان است احدی نباید مداخله بکند واگر کسی بنای دخل وتصرف داشته باشد ویا مساهله ومماطله در اجرای احکام محکمه حسب الامر الاقدس الاعلی از دیوان عدلیه اعظم ابلاغ میشود نباید هر کس باشد آنمقرب الخاقان مأذون است که فی الفور معروض وخاطر همایون را اطلاع دهد که نهایت مواظبت در احکام واحقاق حق عارضین بشود

دلیلی

جناب میرزا جعفرخان مشیرالدوله که دو سال قبل بسمت سفارت کبری مامور دولت انگلیس گردید ودر بین راه در خاک هر دولتی کمال پذیرائی واعزاز وا کارگذاران ان دولت در باره مشارالیه بوجه اکمل بعمل آوردند ودر اسلامبول بحضور سلطان عبدالمجیدخان مرحوم مشرف ومورد تلطفات شایان گردید واورا باعطای نشان مجیدیه از درجه اول قرین اختصاص داشتند بعد از ان بلندن رفته بحضور اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرفیاب بعد از ادای ماموریت نامه مهر علامه اعلیحضرت همایون را تسلیم نمود واز جانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان شرایط تفقدات نسبت بانسفیر کبیر معمول شد ومدتی در ان پای تخت اقامت نمود وصنایع وبدایع ورسوم وآداب انمملکت را برای العین دید همچنین بتماشای شهر پاریس رفته باتفاق جناب حسنعلیخان[۲] بحضور اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه مشرف شدند واز جانب اعلیحضرت

وزیر مختار دولت علیه مأمور اقامت پاریس

ناپلیون اظهار مودت ویگانگی نسبت باعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه وبذل تلطفات درباره سفیر کبیر مشارالیه شد ومجددا بلندن مراجعت کردند بعد ها باز با تشریفات کامله مغاودت باسلامبول نموده واز آنجا قدری راه را منحرف کرده شهر اتن پای تخت یونان را نیز سیاحت نموده بحضور پادشاه یونان نیز تشرف جستند پس از ان از راه تفلیس عازم ایران شدند در این اوان باحترام واعزاز شایان بدربار معدلت همایون مشرف وباعطای یکقطعه نشان امیر نویانی باحمایل مخصوص آن رتبه جناب معزی الیه را مفتخر فرمودند وعلیخان نایب دویم سفارت کبری بمنصب نیابت اول سفارت برقرار گردید ومیرزا اسحق خان منشی بمنصب کارپردازی مهام خارجه استرآباد مامور گشت حسنعلیخان سرتیپ مشارالیه بمنصب جنرال اجودانی حضور مبارک وخلعت همایون سرافراز شد راه پیوژن وراه شریف آباد بمشهد مقدس که هر دو بجهة کوه وکتل سختی داشت وزوار در هنگام عبور در تعب بودند باشاره علیه میرزا محمد حسین عضدالملک متولیباشی حاجی مصطفی قلی بیک دربان باشی را بهموار نمودن این دو راه گماشته مشارالیه این خدمترا بخوبی انجام داد نواب الاازهاد میرزا نایب الایاله بحکومت عربستان ولرستان مامور گردید میرعطاءالله خان تیموری بمنصب سرتیپی سرافراز آمد محمد رحیم خان علاءالدوله ایلچی کبیر دولت علیه که برای ادای تعزیت انتقال مرحوم سلطان عبدالمجیدخان وجلوس اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان مامور دربار دولت عثمانی بودند روز سه شنبه بیستم شهر جمادی الثانیه وارد لنگرگاه اسلامبول شده از جانب کارگذاران دولت عثمانی تمام تشریفاتی که درباره سفرای بزرگ دول معظمه رسم ومعمول است از اول ورود جناب سفیر کبیر بخاک عثمانی تا وصول بپای تخت اندولت درباره ایشان بوجه اکمل معمول داشتند وجناب

احضار

ملاء الدوله را با اعزاز تمام دو روز بعد بحضور اعلیحضرت سلطان عثمانی نموده ابلاغ نامه مهر علامه اعلیحضرت همایون را نموده اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان کمال بشاشت را از مودت اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه نموده و جناب ایلچی کبیر را بالتفات خاصه مخصوص نمودند و جناب معزی الیه بعد از انجام این سفارت کبری بطور شایستگی و کفایت معاودت نموده روز ششم رمضان المبارک وارد دار الخلافه شدند در ماه شعبان ابتدا موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگی بسیار بزرگ شکار شصت مبارک شد قنبر علیخان سعد الملک بمنصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا سید تقی تفرشی سررشته دار سابق آذربایجان بمنصب لشکرنویسی و خلعت همایون نایل آمد حاجی میر علی اصغر شیخ الاسلام تبریز برحمت ایزدی پیوسته میرزا ابو القاسم ولد آن مرحوم بمنصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید میرزا اسحق منشی که از اجزای سفارت کبرای لندن بود و بعد از انجام ماموریت خود بمنصب مباشری مهام خارجه استراباد نایل گردید باعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی با حمایل مخصوص این رتبه و خلعت همایون سرافراز شده بمحل ماموریت خود روانه گشت بجهة نظم ایصال اقساط

خطاب

صاحب جمعان دیوانی که از جانب وزیر مالیه معین میشود دستخطی مبارک بدوستعلی خان معیر الممالک شرف صدور یافت که صورت آن بعینه نگاشته میشود

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معیر الممالک قرار سنه جدیده ایت ئیل که در باب تنخواه ولایات مقرر فرموده ایم از این قرار است که حکم میشود و نباید تخلف نشود هر صاحب جمعی خود باید تنخواه ابواب جمعی خود را از اول سال الی آخر سال که دوازده ماه تمام است وصول کند که دیناری عقب مانده بسال نو نرسد و قسط خود را در وقت و موقع وصول کرده بمخارج لازمه دولتی بدهد که از آنجمله قسط ابواب جمعی خزانه است که باید اهتمام کرده هر قسمیکه خود صلاح بداند در پی انجام دادن و وصول کردن قسط خود باشد و بهیچوجه عذری از حکام وغیره نشنود اگر کوتاهی در وصول قسطهای خود نماید کمال مواخذه از تو خواهد شد سواد این دستخط را برای جمیع حکام بفرستند و بوکلای حکام که در پای تخت حاضر اند بنمایند تحریرا فی شهر رمضان آخر تخاقوی ئیل

جناب مسیو کوبینو که بسمت وزیر مختاری از جانب دولت فرانسه ماموردربار دولت علیه بود و از راه گیلان عزیمت دار الخلافه نموده از اول ورود بخاک ایران تا وصول بدار الخلافه جمیع شرایط معمول که درباره سفرای بزرگ و وزرای مختار دول متحابه بعمل میآید درباره جناب معزی الیه بعمل آمد دعوت بحضور بامر النور اعلیحضرت شاهنشاهی شده ابلاغ نامه اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه

فرانسه را نموده مورد نوازش و تلطفات خاص خسروانه گردید میرزا علی خان پسر دبیر مهام خارجه که با حداثت سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت با ربط شده و خط را در کمال خوشی و بطرز استادان کامل مینویسد بخلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفراً حضراً در رکاب علی ملتزم خدمت باشد

شب بیستم رمضان قریب شش ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص تحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانه منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد میرزا جعفر خان مشیر الدوله و رئیس دار الشوری را با ابقای ریاست دار الشوری بمنصب متولی باشیگری حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز فرمودند نواب والا احتشام الدوله حکمران اصفهان که بدربار معدلتمدار آمده بود مریض شده مرحوم گردید جناب ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی بحکومت استراباد سرافراز شد میرزا عبد الوهاب خان نایب اول وزارت امور خارجه بلقب نایب الوزارگی ملقب و اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان را با ایشان تفویض و بخلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز فرمودند میرزا هاشمخان امین خلوت بیکقطعه نشان سرتیپی اول مفتخر گردید نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت ترشیز برقرار گردید محمد قاسم خان قدیم مختار سابق سنت پطرزبورغ بحکومت گیلان و لقب والی گری ملقب و سرافراز گردید سالور خان مسیحی سرهنگ و اجودان مهام خارجه باعطای یکقطعه نشان طلا از درجه اول مدرسه سرافراز گردید نصر الله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا که از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه دار الفنون است بنیابت وزارت علوم برقرار و بخلعت همایون سرافراز و بهمراهی نواب والا احتشام السلطنه حکمران خراسان مامور آنمملکت گردید حاجی علی اکبر تاجر طهرانی که در کار معادن جدید و قدیم ممالک محروسه جد کافی بعمل آورده بود بلقب امین معادن ملقب گردید نواب والا شاهنشاهزاده اجل امجد سلطان حسین میرزا بلقب جلال الدوله ملقب و بحکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله به پیشکاری شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد علیخان قراگوزلو سرتیپ اول بلقب عضد الملکی مفتخر گردید بیکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آنمملکت فرمودند شرحی در قواعد نشان شیر و خورشید باشاره علیه همایونی نگاشته شده و صورت آن بعینه از قرار ذیل است

بسم الله تبارک و تعالی

قواعد نشان شیر و خورشید دولت ابدمدت که بحکم واراده سنیه سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل الله و لینعمت کل ممالک محروسه ایران خلد الله تعالی ملکه در این سال خجسته فال ایت ئیل ایجاد و

میرزا علیخان مذکور در معین جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر وظایف خاصه ولد جناب مجد الملک محرر و شمّا شد که این مسطور الی الآن پیوسته در معارج ترقی صعود نموده دارای نشان تمثال بیمثال همایون اند و الآن بسمت ایلچی کبیری دولت علیه در دربار ایطالیا مامور بابلاغ تعزیت و تسلیت از انتقال اعلیحضرت ویکتور امانوئل مرحوم و جلوس اعلیحضرت هومبیر پادشاه جدید ایطالیا میباشند

وزارت ع

بر قرار شده است و قوانین محکم آن الی الابد در دولت علیه حسب الاراده الملوکانه انشاءالله تعالی بفرخندگی معمول خواهد شد مشتمل بر مقدمه و چهار باب و خاتمه است

مقدمه

نشان در دولتها موضوع است در ازاء یک امر معنوی که حاصل میشود برای اشخاص از مجاهدات بلیغه ایشان در کسب مراتب لیاقت و شرف و چون امور معنوی را جنبه شهود و عیان در نظرها نیست لهذا خواسته اند که بواسطه نصب علایم حسیه هر یک از آن مراتب معنویه را در انظار محسوس نمایند تا از صورت بمعنی پی برده شود و آن فخر و شرف که شخص در تحصیل آن عمری تلف کرده است در اسم و وجود او پاینده و باقی ماند پس اراده علیه همایون بر این قرار گرفت که این نشان همایون بکسی داده نشود مگر با استحقاق حقیقی و موجود بودن شرایط مقرره در این قانون و شرط اعطای این نشان مبارک و امتیازات مترتبه آن در ضمن خاتمه بیان خواهد شد

باب اول

اقسام و اسامی این نشان مبارک که منقسم به سه قسم است و موسوم است باسامی محترمه مفصله نشان اقدس نشان قدس نشان مقدس و اوصاف هر یک از ابعاد که میشود

باب دویم

نشان موسوم باقدس و تمثال مکلل بالماس شده داده نخواهد شد مگر بسلاطین عظیم الشان که مابین اعلیحضرت شاهنشاهی و ایشان عهد مودت و یگانگی بدرجه کمال و از طرفین شرایط یگانگی بمنصه شهود و عیان رسیده باشد در این صورت حمایل این نشان آبی روشن خواهد بود که مخصوص شخص وجود همایون است و از برای عزت و احترام این قسم از نشان همایون همان قدر کافیست که بجز پادشاهان عظیم الشان احدی دسترس بمقام رفیع آن نخواهد داشت و نیز همین نشان موسوم باقدس داده نخواهد شد مگر بوزرای عظام که اولین مقام خدمت را فایض شده اند حکمرانهای بزرگ ممالک عظیمه را نیز از خانواده سلطنت و سایر که ولات و حکام بزرگ در وزیر حکم آنها باشند راه اعطای آن مسدود نیست مشروط باینکه در دولت بدرجه وزارت عظمی مفتخر شده باشند در خارجه نیز وزرای عظام دول دوست اهل و شایسته این مقام خواهند بود و حمایل این نشان عبارت از حریر سبز است که خط باریک آبی از طرفین او قرار داده باشند و فرقی میان قسمین این نشان اقدس ملاحظه نشده است مگر آنکه مخصوص شخص وجود همایون و سلاطین عظیم الشان اکلل بالماس بودن حتم و لازم است و حمایل آن آبی روشن بضمیمه لزوم صورت تاج و جیقه در صدر آن

نشان موسوم بقدس داده نخواهد شد مگر باشخاصیکه درجه منصب ایشان تالی مرتبه وزارت عظمی باشد سفرای کبار و ایلچیان مخصوص و سرداران بزرگ نیز اهلیت اعطای این نشان خواهند داشت حمایل آن عبارت از حریر سبز است که خط باریک سرخی در طرفین آن قرار داده باشند

نشان موسوم بمقدس داده نخواهد مگر باشخاصیکه یکدرجه بیشتر فاصله میان مرتبه آنها و درجه وزارت عظمی نباشد وزرای مقیم و امرای تومان و حکام ولایات در حالتیکه بدرجه امیر تومانی رسیده باشند نیز شایسته و سزاوار این موهبت عظمی خواهند بود حمایل آن عبارت از حریر سرخی است که طرفین آن بخط باریک سبز معلم شده باشد

باب سیم

اداره نظم این نشانهای مقدس در کف کفایت رئیس واحد خواهد بود که اراده علیه همایون بانتخاب آن قرار گرفته باشد و هر وقت یکی از احاد محترمه طبقات مسطوره در مظنه اتحاف با بذل یکی از این عواطف مقرره برآید محول بتصدیق و تشخیص آن رئیس خواهد بود که حالت او را بسنجد و در مطابقت این عطایای عظیمه با اهلیت آنشخص غور و امعان بلیغ نماید تا چنین موهبت دولت بغیر اهل نرسیده باشد

باب چهارم

هرگاه یکی از اشخاص طبقات فوق دلایل استحقاق نیل یکی از درجات نشانهای مقدسه را اقامه نمود از جناب سنی الجوانب اقدس همایون اشاره بیکی از وزارتخانه های دربار که مناسبت بحالت آنشخص داشته باشد خواهد شد و از آن وزارتخانه نیز ابلاغ مکتوبی مشتمل بر ادله استحقاق شخص برئیس مزبور خواهد گشت بعد از آنکه دلایل مزبوره در نزد رئیس موجه و با شرایط مقرره مطابق افتاد بعد از امضای همایون فرمان همایون و نشان و حمایل را از آن تاریخ تا یکهفته حاضر و بان وزارتخانه که ابلاغ فرمایش کرده بود خواهد فرستاد

خاتمه مشتمل بر چند مقاله (اولی)

در بیان شرایط استحقاق دارندگان نشانهای مبارک است چون سلسله سلاطین با تمکین بواسطه عظم شان و جلالت قدر دخلی بنا بر ناس ندارند و ایشان خود مالک منع و اعطا هستند کسی را نمیرسد که در حق ایشان سخن گوید همینقدر که اراده یکی از ایشان باهدای نشان خود بنیاد شاهی تاجدار قرار گرفت کافی خواهد بود

اما سایرین پس شرط اعطای نشان اقدس در داخله دولت علیه یکی از وزرای عظام انستکه از وزیر بعد از آنکه بعلاوه خدمات مختصه بواسطه یک تدبیر بزرگی نیز در دایره متعلقه بوجود خدمت نمایانی بدولت نماید که از آن خدمت ترقی و فزایش شایسته نسبت بحالات دولت حاصل آید در نظر اقدس همایون و امنای دولت

محسوساً واضح و آشکار شود که این تدبیر وسعت و پیشرفت امور دولت را زیاده بر آنچه بود باعث افزونی شد در این صورت آن وزیر استحقاق حقیقی برای اعطای آن نشان خواهد داشت و امتیازات آن در ضمن مقاله چهارم بیان خواهد شد و در خارجه انستکه آن وزیر دولت خارج نیز شرایط مقرره را ظاهر سازد اعم از آنکه آن شرایط نسبت بدولت متبوعه او که دوست این دولت است باشد یا نسبت باین دولت علیه باشد بطوریکه فواید عمده بر آن مترتب آید در این صورت میتوان این نشان جلیل الشان را بتصدیق سفرای این دولت علیه بآن وزیر نیکخواه عطا و عنایت نموده

مقالهٔ ثانیه

شرط اعطای نشان تقدس بیکی از سرداران بزرگ انستکه در مقام لشکرکشی و جنگ با دشمن منشاء فتح بزرگ فوق العاده برای دولت متبوعه خود باشد مشروط براینکه درجات نشانها را که در قانون نظام مقرر است مشروحاً بعد از فتوحات و خدمات نمایان حایز و نایل شده باشد در این صورت نظر بظهور فتح نمایان و طی مراتب نشانهای نظامی مستحق اعطای این نشان جلیل خواهد بود و در حق حکام و ولات بزرگ انستکه علاوه ادای تکالیف عادیهٔ حکومتی اعم از ادای منال دیوانی و سرپرستی احاد و افراد ناس که بدست اختیار او سپرده شده اند و رفع ظلم و بدعت و تامین طرق و شوارع و استرضای خاطر عامه خلق بحکم تدبیر وافی و عقل کافی مصدر کار بزرگی شده باشند که بدان واسطه توفیر کلی در حال مملکت و ازدیاد نفوس خلایق و مالیات دیوانی حاصل شود و این معنی در نظر اقدس همایون بدلایل موجهه ثابت و مبرهن آید در چنین صورت آن شخص اهلیت واقعی باعطای این نشان هم خواهد داشت و امتیازات مرتبه بر آن در ضمن مقاله چهارم بیان خواهد شد و در حق ایلچیان بزرگ و سفرای مخصوص انستکه علاوه تحصیل رضا و خشنودی خاطر اقدس همایون از طرز سلوک و مجاهده خود شان در حفظ و ازدیاد روابط دوستی و الفت میان دول علیه و دولت متبوعه خود شان و ابراز دلایل حسن نیت بی غرضی مابین دو دولتین که لازمه تکلیف سفارت ایشان است مصدر یک جزو خواهی شایسته در دوستی نسبت بدولت علیه شده باشد که فواید مخصوصه و محسوسه بر آن مرتب شود در چنین صورت مستحق دارائی این نشان خواهد بود

مقالهٔ ثالثه

شرط اعطای نشان موسوم بمقدس در نظام و غیر نظام در داخله و خارجه همان شرایط مشروحه در ضمن مقاله دویم است بملاحظه نسبت میان تکالیف ایشان و اشخاص رتبه سابقة الذکر

مقاله رابعه

امتیاز اول هریک از طبقات سابقه که خود را بعد از مجاهد موفوره و مساعی مشکوره بمقام دارائی یکی از نشانهای مبارکه مسطوره برسانند و باین افتخار و عز نایل شود و قتاً من الاوقات از آن درجه نازل نخواهد شد و آن عزت مکتسبه را مفقود نخواهد کرد مگر العیاذ بالله در صورت ظهور خیانت ثابته غیر مشکوکه از او نسبت بدولت علیه در محضر چهل نفر از امرا و اعیان و روسای هریک از دستگاههای متنوعه دربادی بعد از انعقاد سر مجلس متوالی و مراتب خیانت از اینقرار است مثلاً با دشمن دولت بسازد یا حق بزرگ یا ملک دولت را ضایع نماید و قس علی ذلک نه هر خلافی که اینها در صورت ظهور و ثبوت سزای دیگر خواهد داشت که دخلی باینمراتب ندارد

امتیاز دویم دارای نشانهای مبارکه را هر وقت از اوقات اجازه استعفای از خدمت ارزانی و قبول خاطر همایون استدعای او خواهد بود بی آنکه از شان و احترام او ذره کاسته شود

امتیاز سیم اگر کسی برخلاف احترام سابق حرکتی با او نماید همان سزا که در صورت ظهور اینحرکت نسبت بیکی از وزرا و چاکران مشغول خدمت در حق مرتکب جاری میشود اجرا خواهد شد

امتیاز چهارم مواجب مقرری که در حالت اشتغال داشته نصف آن در حالت اعتزال باو بوجه احسن مرحمت و اعطا خواهد گشت

امتیاز پنجم هر وقت میل خدمت نماید همان شغل سابق یا مرتبه آن بی تفاوت و با نبودن مانع موجه و جهه اشکال باو محول خواهد امد

امتیاز ششم جای او در سلام حضور همایون در روزهای رسمی از هم منصبان او برتر خواهد بود چنانکه در ضمن باب سیم مذکور شد که اداره نظم این نشانها محول بکف کفایت رئیس واحد خواهد بود تا بشرایط مقرره در طی این قواعد قیام و اقدام نماید

اظهار و اعلام میشود که ارادهٔ علیه اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاه ولینعمت کل جمال النحر و سر ایران خلد الله ملکه و سلطانه بر این قرار گرفت که یا شاخان این شوری که متصف بصفات کفایت و حاوی مراتب صدق و امانت و محل اعتماد خاطر اقدس همایون است بضمیمه سایر خدمات محوله بعهده خود از امانت دار الشورای کبری و تقدیم خدمات مختصه حضور همایون با داره و نظم این خدمت نیز بکمال دقت و مواظبت اشتغال نموده بواسطه نظم کامل که در خدمات مزبوره از خود بمنصه ظهور خواهد رسانید مراتب الطاف خاطر مهر اتصاف همایون را از ایام علی ماسبق در حق خود کامل و شامل دارد و بعد از این رجوع مواد متعلقه باینکار بمعزی الیه خواهد بود

نواب والا عبدالصمد میرزا ملقب بعز الدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب کردید و حاجی میرزا عبدالله
خان که سابقا در قزوین بوزارت نواب معظم برقرار بود مجددا بوزارت و پیشکاری انولایت سرافراز شد
نواب والا حاجی فرهاد میرزای ملک آرا در سلک اجزای دار الشوری منسلک و مخلع کردید نواب والا
حشمة الدوله بحکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند ضیاء الملک والد مؤلف که از عربستان بدربار
معدلت آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دار الشوری داخل و بخلعت همایون مباهی آمد و بعد از آن
بوزارت عدلیه اعظم منصوب کردید محمد ابراهیم خان امیر دیوان بلقب معتمد الملکی سرافراز شد محمد
محمدخان کشیکچی باشی بیکقطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر کردید نواب والا انصرالدوله حکمران
عراق و ملایر بسرداری افواج قشون عراق برقرار کردید مرتضی قلیخان (وکیل الملک) سرهنگ فوج ملایر
بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد بیوک خان پسر محمد خان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج
ششم تبریز سرافراز شد و فوج مزبور ملقب بفوج اقبال کردید میرزا محمد علیخان نایب اجودانباشی و کار
پرداز اول مخصوص دولت علیه مقیم بمبئی بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سرتیپی و حمایل مخصوص
آن مفتخر آمد میرزا پطروس مترجم وزارت خارجه باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
سرهنگی با حمایل مخصوص آن مفتخر کردید و مامور کیلان شد
درین اوان سعادت اقتران که اواخر ماه ذیحجة الحرام است حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده
کامکار مظفرالدین میرزا حکمران آذربایجان و مضافات را بولیعهدی این دولت جاوید شوکت سرافراز
و بیکقطعه نشان تمثال بیمثال اقدس نشانه ولایت عهد و بکثوب جبه ترمه کشمیری دو دو مروارید موشح
بلآلی و جواهر گرانبها قرین امتیاز و اختصاص فرمودند و وزارت مخصوصه حضرت مستطاب معظم الیه را
بعزیزخان سردار کل عساکر نظام و غیرنظام تفویض و واگذار کردند و یحیی خان اجودان مخصوص
حضور مبارک حامل این نشان و خلعت آفتاب طلعت کردیده روانه آذربایجان شد

عهدنامه تجارتی پروس با فرانسه شناختن دولت پروس دیگر امانول را بسلطنت تمام ایطالیا
استقراض دولت از برای تهیه جنگ و کلای ملت درین مسئله مساعد با دولت نیستند مقاربه
پادشاه و وکلای ملت ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس درین وقت مامور فرانسه بود و قبل بهمین
سمت در سنت پطرزبورغ بود در جرگه وزرای دولت وزیر مالیه و وزیر خارجه هر دو بعد از ورود
بیزمارک بمجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارک بمنصب صدارت
برقرار کردید ایجاد وزیر بحری در مملکت اطریش تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری مرکب از
صد و بیست و نه کشتی که دارای نهصد و نود و شش توپ و هیجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی
و قشون بحریست ایجاد پلی در روی رودخانه رین در حوالی نانتی بجهة عبور راه آهن

انگلیس

درین سال بهمه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور لیره قیمت داشت زیاده از مملکت
انگلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور لیره کارخانجات
انگلیس پارچه پنبه بخارج میفروخت و این نبود مگر بواسطه جنگی که در ینگی دنیا واقع شده بود که بقدر
لزوم حمل پنبه از ینگی دنیا بانگلیس نمیشد در ایرلاند بعضی از ملاکین که نسبت برعایای خود ظلم میکردند
مقتول شدند بواسطه شورش رعایا اکسپوزیسیون عمومی در حوالی لندن در بعضی محالس عمومی لندن
کراز دحام کلی میشد اهالی لندن بر گاردی بالدی تمجید و تهنیت فرستادند و اهالی انگلیس بدیده خوب حضور
قشون فرانسه را در رم نمی نکرند مخارج زیاد دولت درینسال بجهة اداره قشون لرد الژن بفرمانفرمائی
هند منصوب شد عدد قشون هندوستان کرد در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود بصد و بیست
و پنج هزار قرار دادند و عدد قشون انگلیسی که از انگلیس فرستاده میشد و نود هزار بود بهفتاد هزار قرار
دادند فوت پادشاه دهلی در رانگون مسافرت نواب ولیعهد انگلیس باسلامبول و یونان عروسی دختر دویم
اعلیحضرت پادشاه انگلستان شاهزاده خانم آلیس با شاهزاده حس فوت سر جیم رز مسافری که در قطب
شمال چندین دفعه سفر کرده بود

دولت انگلیس نیز از دول فرانسه در منال اصلاح مجاهدین ینگی دنیا بود لیکن این وساطت در ینگی دنیا بجائی نرسید بیفایده شد

ایطالیا

اصلاح بیهوده دولت فرانسه مابین حضرت پاپ و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا فوت پرنس کاپو یکی از
اعمام پادشاه سابق ناپل ملاقات والی مصر با پادشاه ایطالیا در ناپل ایجاد بندر تازه در ناپل با حضور
اعلیحضرت پادشاه خیال راه آهن بناپل استقراض دولت مبلغی بجهة مخارج اینکار از صرافان رجل

نقار گاری بالدی — شورش در بعضی نقاط بجهة هواخواهان گاری بالدی با اعلیحضرت پادشاه خطبه حضرت پاپ بر ضد اعلیحضرت پادشاه ایطالیا شناختن دولت روس اعلیحضرت ویکتر امانول را بسلطنت تمام ایطالیا گاری بالدی آشکار امیکوید بامرك یا رُم واینکلام گاری بالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه جدید ایطالیا است که اولی محارست رُم را در عهده گرفته وثانی عهد کرده است که در رُم مداخله ننماید

وحبس — زخمی شدن گاری بالدی در یکی از جنگها که با قشون پادشاه ایطالیا کرد واسیر او در اسپزیا مدت چهار ماه کلوله که بر پای او خورده بود بیرون نیامد بالاخره بسعی نلاتن جراح فرانسوی آن کلوله خارج شد وبعد از بهبودی یافتن او را بجزیره کاپره فرستادند این رفتاری که نسبت بگاری بالدی شد از جوان مردی پادشاه ایطالیا در انظار اهالی ایطالیا کاسته شد عروسی دختر دویم اعلیحضرت پادشاه ایطالیا با پادشاه پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برُم

پرتوغال

شورش در بعضی نقاط بجهة گرانی حبوبات

برزیل (ینکی دنیای جنوبی)

نقار با دولت انکلیس که بعد مبدل بصلح میشود

چین

در حوالی شانکای جنگ سخت مابین یاغیهای تای پنك وعساکر فرانسه وانکلیس شکست یاغیها زخمی شدن امیرال پروتو سردار فرانسه که بهمان زخم هلاك کردید وعقب نشاندن یاغیها تقریباً سی فرسخ

دانمارك

دولت دانمارك مسلح شده تهیه جنك میبیند وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس نسبت بالتین داسلشویك وهلستن ودول فرانسه وانکلیس وروس وسود شکایت مینماید از وضع وطرزی که دولت پروس پیش کرفته است

روس

فوت صدراعظم کنت نسلرد امتداد سیم تلکراف از لندن به سبیر در ظرف چهل ودو ساعت از سنت پطرزبورغ به برلن پای تخت پروس بتوسط راه آهن میشود رفت تفویض حکومت لهستان بگراندوك قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور در ظرف یکسال چهارده هزار وهشتصد وسی وسه نفر از متمردین لهستان محبوس شدند حکومت گراندوك میشل برادر کهتر امپراطور بمملکت قفقاز

ژاپن

تعدی نسبت بانکلیسها خروج سفرای خارجه از یدُّ پای تخت ودر دشان بر یکهاما وترضیه خواستن از دولت ژاپن

سوئد

ملاقات سلاطین سود ودانمارك

عثمانی

صدارت فواد پاشا وزارت خارجه عالی پاشا شورش در حلب دنیس طایفه دروز در حوران خالد ادبیك از ادای مالیات مضایقه دارد ودزدی وشرارت را تا بدروازه امتداد میدهد افتتاح مجلس پالتین ملداوی ووالاشی بدست پرنس کوزای والی جنك عمر پاشا با اهالی قراداغ که بعضی از اتباع دولت اطریش بقراداغ شکست سخت قشون قراداغ ومنادر که خواستن والی آنجا دولت روس میانجی صلح است در بلگراد پای تخت سِروِستان بجهة نقاری که مابین عساکر عثمانی واهالی شهر روی داده بود عساکر عثمانی در ارك متحصن شده شهر را کلوله باران کردند از شش قلعه که عثمانی

داشته — در سروستان دو قلعه را بدول فرنك بسروی واکذار کردند وچهار قلعه را عثمانی خود متصرف است مجلس کنفرانسی از دول در اسلامبول تشکیل میشود واصلاح میان عثمانی وسروی میکنند معاهده تجارتی عثمانی با روس وبا اغلب دول فرنك والی مصر سعید پاشا بسیاحت فرنك میرود در حفر نهر مجمع البحرین اهتمامی کامل بعمل میآورند وعمله جات جداً مشغول کار هستند

فرانسه

مواجب جنرال منتبان سردار فرانسه که در چین فتوحات کرده بود بر پنجهزار تومان مقرر شد که نسلاً بعد نسل باولاد ذکور او داده شود ایجاد مالیات جدید علاوه بر معمول بر کالسکه واسب ونمك غذغن اکید بوزرا که علاوه بر مواجب مرسومی که هنکام وزارت مقرر است خرج نکنند در مجلس وکلا از فرستادن قشون بسمت مکزیك کفتکو شد وکلای دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن قشون بقای نام وحفظ ابروی فرانسه است وقراردادی در تنخواهی که اهالی مکزیك استقراض از فرانسه نمودند ملقب شدن مسیو مُرنی بلقب دوك (دوك بمنزله امیرالامراست) نصب دروان دلوئیس بوزارت خارجه شیخ عثمان از طایفه طوارق با دو نفر از مشایخ دیکر بشهر الجزایر آمده قبول تبعیت فرانسه نموده بعد بپاریس سفر نمودند این مشایخ متعهد بر این شدند که مال التجاره فرانسه را از داخله صحرای کبیر به افریقا عبور

داده بسودان برسانند کارخانه جات پنبه رسی فرانسه بواسطه نرسیدن پنبه از تنگی دنیا معطل و صاحبان کارخانه متضرر گردیدند آزادی نانواها در فروش نان لیکن بنرخ حد معین

مکزیک

عساکر انگلیس و اسپانیا و فرانسه که باهم متفق بودند در مسئله تغییر وضع دولت مکزیك بتابنی فیما بین نزاع دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز ریس جمهوری مکزیك در همان وقتیکه قشون اسپانیولی در خاك مکزیك آمده بودند بالنسبه برعایای اسپانیولی کمال تعدی را نموده دو کرور تومان از او جریمه گرفته جمعی از آنها را باتهام جزئی بقتل رسانده با وجود این سردار اسپانیولی جنرال پریِن اتفاق با فرانسه ها را مصلحت ندید تنها قشون فرانسه را در مخمصه انداخته در چار مجادله با ژوارز بتنهائی نموده سرداران اسپانیول و انگلیس بکشتی نشسته باوطان خود مراجعت نمودند و از آن ببعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمهوری مکزیك را دولت امپراطوری نموده ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیك جلوس دهد جنگ سخت قشون فرانسه که زیاده از هفت هزار نبودند با قشون ژوارز در حوالی پوابلا در ورود قشون فرانسه ببرپادی جنرال دُوِا بر بند دوراکروز مکزیك تلف شدن بیشتر از قشون فرانسه از تب زرد عدد قشون فرانسه بر بیست و پنجهزار مرد و پنج هزار اسب رسید

یونان

شورش در نپلی که توپخانه دولت آنجا واقع شده است جنگ قشون دولتی با یاغیان شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد سلطنت شورش سخت بر ضد خانواده سلطنت اجماع مردم در عزل پادشاه که از شاهزاده های باوِیر بود اتحاد قشون با شورشیان استعفای پادشاه اُتُن از سلطنت ایجاد دولت موقتی تردید در انتخاب پادشاه جدید پرنس اَلفرِت پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان داعیه سلطنت دارد که قبول نمیشود دوك دِلِشتَنبِرك از شاهزاده های روس که داعیه سلطنت دارد او هم رد میشود پدر پادشاه پرتوغال فرزند نیاند که با و نیز تکلیف سلطنت مینمایند او نیز قبول نمینماید خزانه دولت خالی است انقلاب و اغتشاش در جمیع نقاط قشون بی نظم و بی سردار

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵	۲۰	سیف الملك	سیف الملوك	۱۸	۲۲	مریدها	مرویها
۱۸	۲۴	ده جزی	دره جزی	۲۵	۱۲	سالر	ساکر
۲۷	۱۶	ولبن	لبن	۳۹	۱۴	ولی چای	دلی چای
۴۱	۲	شب را سودیم	شب را سُودیم	۷۵	۱۳	پزنیان	بونیا
۶۳	۱۸	دوزپای	دوزوای	۷۰	۲۵	سبزوار	سبزار
۷۲	۴	نخی	نخعی	۷۲	۱۶	پامانا	پاناما
۷۳	۲۳	شال	شاول	۷۴	۱۰	پرتیل	بریل
۷۴	۱۶	توئی	تونلی	۷۴	۱۸	لسکان	تُسکان
۷۵	۶	شاغیل	شامل	۷۵	۱۰	سوز	سِود
۷۵	۲۰	لورماندی	نورماندی	۷۵	۲۲	ژردم	ژِرم
۷۶	۱۶	ستید محمد	صید محمد	۸۳	۹	اجودان	اجودان باشی
۸۴	۶	ماتلانو	ماترانو	۸۴	۱۰	لمر	نمرو
۱۰۴	۱۳	بعقلی	بعقیلی	۱۰۹	۸	عقلی	عقیلی
۱۱۳	۱۶	اق ودربند	آق دربند	۱۵۱	۱۷	لنل تن	ولنگتن
۱۵۲	۲۰	کشتیهای	کشیشان	۱۷۴	۱۴	اکوت	اکوست
۱۸۱	۷	محمد علیخان	مهر علیخان	۱۸۴	۳	امان الله خان	امان الله خان پسر سیف الملك
۴	۲۱	جر	جز	۹	۸	تیز	نیز
۱۳	۱۹	مکزیکه	مکزیك	۲۳	۱۹	عبد الحسین میرزا	عبدالله میرزا الحسین میرزا
۲۶	۳	واکه براد	برادر	۳۰	۱۸	کشت	برکشت
۳۱	۸	بمغاونت	بمعاونت	۳۳	۱۴	چیده	حیده
۱۵۰	۲۴	فرقه	خرقه	۱۲۲	۱۲	جهانسوز میرزا	جهانسوز خان

تقویم بهمن السنة همایون
بارس ئیل ترکی هزار
و دویست و نود و پنج
هجری

ربیع الاول — ربیع الثانی — جمادی الاولی

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵	۱۱	بنا کردند	در شیراز بنا کردند	۷۵	۲۳	ژردم	ژِرُدَم
۸۱	۵	مسیومر	مسیو نمیرو	۸۱	۶	چارتوطا	چارنوتا
۸۴	۲	سانی	ساتی	۸۴	۵	کاژوپلو	کاژتیلو
۸۴	۷	پش	مِشِن	۸۴	۱۰	لمر	نمیرو
۱۴۱	۲۲	روانه نموده	روانه مر نموده	۱۴۳	۹	یکشب تکرکی	یکشب تکرکی در دشتستان
۱۵۶	۱۸	حاجی میرزا باقر	زوجه حاجی میرزا باقر	۱۷۲	۲	باره	بوده
۱۸۷	۶	اعتضاد الدوله	اعتضاد السلطنه	۱۸۹	۱۰	همایون تقدیم	همایون مسرت تقدیم
۱۸۹	۲۱	تاراو	تا الاراو	۱۹۱	۱۹	ابوالقاسم	ابوالقاسم خان
۲۰۵	۱۰	غراف کنبو	کنت دِکونبو	۲۱۵	۱	اویل	اوایل
۲۱۵	۱۴	لمشدی	شدیدی	۲۱۶	۱۹	وسلوک	سلوک
۲۲۵	۱۹	ژاشل	راشل	۲۲۵	۶	فرارا	فودا
۲۳۲	۱۴	اذربایجانرا	اذربایجان	۲۴۱	۲۴	هلک را	هلک ارا
۲۵۱	۱۱	بلقب ادب الملکی و خلعت	ملقب بادب الملک سب خلعت	۲۵۸	۹	نه نیر اعظم	به نیر اعظم
۲۵۹	۵	نافتح	با فتح	۲۶۱	۶	مازعه	منازعه

حق ترجمه و طبع این کتاب مستطاب را احدی
ندارد مگر باذن مؤلف
۱۲۹۵

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	جمادی الثانیه	نصف النهار	بین طلوعین
دوشنبه	غره	۱۵	۳		۸	۴۸
سه‌شنبه	۲	۱۶	۴		۸	
چهارشنبه	۳	۱۷	۵		۹	
پنجشنبه	۴	۱۸	۶		۹	۴۹
جمعه	۵	۱۹	۷		۹	
شنبه	۶	۲۰	۸		۱۰	
یکشنبه	۷	۲۱	۹		۱۰	
دوشنبه	۸	۲۲	۱۰		۱۰	۴۹
سه‌شنبه	۹	۲۳	۱۱		۱۰	
چهارشنبه	۱۰	۲۴	۱۱		۱۰	
پنجشنبه	۱۱	۲۵	۱۲	حزیران ماه رومی	۱۱	
جمعه	۱۲	۲۶	۱۳		۱۱	۵۰
شنبه	۱۳	۲۷	۱۵		۱۱	
یکشنبه	۱۴	۲۸	۱۶		۱۲	
دوشنبه	۱۵	۲۹	۱۷		۱۲	۵۱
سه‌شنبه	۱۶	۳۰	۱۸		۱۲	
چهارشنبه	۱۷	۱	۱۹	تیر ماه جلالی بعضی حزیران		
پنجشنبه	۱۸	۲	۲۰			۵۱
جمعه	۱۹	۳	۲۱			
شنبه	۲۰	۴	۲۲	اول سرطان		
یکشنبه	۲۱	۵	۲۳	اول چله بزرگ تابستان		
دوشنبه	۲۲	۶	۲۴			۵۱
سه‌شنبه	۲۳	۷	۲۵		۱۲	
چهارشنبه	۲۴	۸	۲۶		۱۱	
پنجشنبه	۲۵	۹	۲۷			۵۱
جمعه	۲۶	۱۰	۲۸		۱۱	
شنبه	۲۷	۱۱	۲۹			
یکشنبه	۲۸	۱۲	۳۰			
دوشنبه	۲۹	۱۳	۱	ژوئیه ماه فرانسه	۱	۵۲

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	رجب المرجب	نصف النهار	بین طلوعین
سه‌شنبه	غره	۱۴	۲		۱۰	
چهارشنبه	۲	۱۵	۳		۱۰	
پنجشنبه	۳	۱۶	۴		۱۰	
جمعه	۴	۱۷	۵		۱۰	۵۰
شنبه	۵	۱۸	۶		۹	۵۱
یکشنبه	۶	۱۹	۷		۹	
دوشنبه	۷	۲۰	۸		۸	
سه‌شنبه	۸	۲۱	۹		۸	۴۹
چهارشنبه	۹	۲۲	۱۰		۸	
پنجشنبه	۱۰	۲۳	۱۱		۷	
جمعه	۱۱	۲۴	۱۲		۷	۴۸
شنبه	۱۲	۲۵	۱۳	تموز ماه رومی	۷	۴۷
یکشنبه	۱۳	۲۶	۱۴		۶	
دوشنبه	۱۴	۲۷	۱۵		۵	
سه‌شنبه	۱۵	۲۸	۱۶		۴	
چهارشنبه	۱۶	۲۹	۱۷		۴	
پنجشنبه	۱۷	۳۰	۱۸		۳	۴۶
جمعه	۱۸	۱	۱۹	مرداد ماه جلالی	۳	۴۵
شنبه	۱۹	۲	۲۰		۲	
یکشنبه	۲۰	۳	۲۱		۲	
دوشنبه	۲۱	۴	۲۲	اسفند ماه قدیم	۱	
سه‌شنبه	۲۲	۵	۲۳	اول اسد	۱	۴۴
چهارشنبه	۲۳	۶	۲۴		ساعت ۱۲	
پنجشنبه	۲۴	۷	۲۵		۵۹	
جمعه	۲۵	۸	۲۶		۵۸	۴۳
شنبه	۲۶	۹	۲۷	باد خنک وزد	۵۸	۴۳
یکشنبه	۲۷	۱۰	۲۸	یوم المبعث	۵۷	
دوشنبه	۲۸	۱۱	۲۹		۵۶	
سه‌شنبه	۲۹	۱۲	۳۰		۵۵	۴۲
چهارشنبه	۳۰	۱۳	۳۱		۵۴	۴۱

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	شعبان المعظم	نصف النهار	بین طلوعین
پنجشنبه	غره	۱۴	۱	اوت ماه فرانسه اول چله کوچک	۵۳	
جمعه	۲	۱۵	۲		۵۲	
شنبه	۳	۱۶	۳	ولادت امام حسین ع	۵۲	
یکشنبه	۴	۱۷	۴		۵۱	
دوشنبه	۵	۱۸	۵		۵۱	۳۹
سه‌شنبه	۶	۱۹	۶		۵۰	
چهارشنبه	۷	۲۰	۷	باد خنک آشکار	۴۹	۳۸
پنجشنبه	۸	۲۱	۸		۴۸	۳۷
جمعه	۹	۲۲	۹		۴۷	
شنبه	۱۰	۲۳	۱۰		۴۶	
یکشنبه	۱۱	۲۴	۱۱		۴۵	۳۶
دوشنبه	۱۲	۲۵	۱۲		۴۴	
سه‌شنبه	۱۳	۲۶	۱۳	آب ماه رومی	۴۳	۳۶
چهارشنبه	۱۴	۲۷	۱۴		۴۲	
پنجشنبه	۱۵	۲۸	۱۵	مولود حضرت قائم	۴۱	۳۵
جمعه	۱۶	۲۹	۱۶		۴۱	
شنبه	۱۷	۳۰	۱۷		۴۰	
یکشنبه	۱۸	۱	۱۸	شهریور ماه جلالی	۳۹	۳۴
دوشنبه	۱۹	۲	۱۹		۳۸	
سه‌شنبه	۲۰	۳	۲۰		۳۷	۳۳
چهارشنبه	۲۱	۴	۲۱		۳۶	
پنجشنبه	۲۲	۵	۲۲		۳۵	
جمعه	۲۳	۶	۲۳	اول سنبله	۳۴	
شنبه	۲۴	۷	۲۴		۳۳	
یکشنبه	۲۵	۸	۲۵		۳۲	۳۲
دوشنبه	۲۶	۹	۲۶		۳۱	
سه‌شنبه	۲۷	۱۰	۲۷		۳۰	
چهارشنبه	۲۸	۱۱	۲۸		۳۱	
پنجشنبه	۲۹	۱۲	۲۹		۲۹	۳۱
جمعه	۳۰	۱۳	۳۰	[illegible]	۲۷	۳۱

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	رمضان المبارک	نصف النهار	بین طلوعین
شنبه	غره	۱۴	۳۱		۲۳	
یکشنبه	۲	۱۵	۱	سپتامبر ماه فرانسه	۲۳	
دوشنبه	۳	۱۶	۲		۲۲	
سه‌شنبه	۴	۱۷	۳		۲۲	
چهارشنبه	۵	۱۸	۴		۲۱	۳۰
پنجشنبه	۶	۱۹	۵		۲۰	
جمعه	۷	۲۰	۶		۱۹	
شنبه	۸	۲۱	۷		۱۸	
یکشنبه	۹	۲۲	۸		۱۷	
دوشنبه	۱۰	۲۳	۹		۱۶	۳۰
سه‌شنبه	۱۱	۲۴	۱۰		۱۵	۲۹
چهارشنبه	۱۲	۲۵	۱۱		۱۴	
پنجشنبه	۱۳	۲۶	۱۲		۱۳	
جمعه	۱۴	۲۷	۱۳	ایلول ماه رومی	۱۲	
شنبه	۱۵	۲۸	۱۴		۱۱	۲۹
یکشنبه	۱۶	۲۹	۱۵		۹	۲۹
دوشنبه	۱۷	۳۰	۱۶		۸	۲۸
سه‌شنبه	۱۸	۱	۱۷	مهر ماه جلالی	۷	
چهارشنبه	۱۹	۲	۱۸	لیالی قدر	۶	
پنجشنبه	۲۰	۳	۱۹		۵	۲۸
جمعه	۲۱	۴	۲۰	لیلة القدر	۴	
شنبه	۲۲	۵	۲۱		۳	
یکشنبه	۲۳	۶	۲۲	اول میزان لیلة القدر	۲	۲۸
دوشنبه	۲۴	۷	۲۳		۱	
سه‌شنبه	۲۵	۸	۲۴		ساعت ۱۲	
چهارشنبه	۲۶	۹	۲۵		ساعت ۵۹	
پنجشنبه	۲۷	۱۰	۲۶		۵۷	۲۸
جمعه	۲۸	۱۱	۲۷		۵۶	
شنبه	۲۹	۱۲	۲۸		۵۵	۲۸

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	شوال المکرم	نصف النهار	بین طلوعین
یکشنبه	غره	۱۳	۲۹	عید فطر		
دوشنبه	۲	۱۴	۳۰		۵۲	۲۷
سه‌شنبه	۳	۱۵	۱	اکتبر ماه فرانسه	۵۲	
چهارشنبه	۴	۱۶	۲		۵۱	
پنجشنبه	۵	۱۷	۳		۵۰	۲۷
جمعه	۶	۱۸	۴		۴۹	
شنبه	۷	۱۹	۵		۴۸	
یکشنبه	۸	۲۰	۶		۴۷	
دوشنبه	۹	۲۱	۷		۴۶	
سه‌شنبه	۱۰	۲۲	۸		۴۴	
چهارشنبه	۱۱	۲۳	۹		۴۳	۲۷
پنجشنبه	۱۲	۲۴	۱۰		۴۲	
جمعه	۱۳	۲۵	۱۱		۴۱	
شنبه	۱۴	۲۶	۱۲		۴۰	
یکشنبه	۱۵	۲۷	۱۳	تشرین الاول ماه رومی	۳۹	۲۷
دوشنبه	۱۶	۲۸	۱۴		۳۸	
سه‌شنبه	۱۷	۲۹	۱۵		۳۷	
چهارشنبه	۱۸	۳۰	۱۶		۳۶	
پنجشنبه	۱۹	۱	۱۷	آبان ماه جلالی	۳۵	۲۸
جمعه	۲۰	۲	۱۸		۳۳	
شنبه	۲۱	۳	۱۹		۳۲	
یکشنبه	۲۲	۴	۲۰	فروردین ماه قدیم	۳۱	
دوشنبه	۲۳	۵	۲۱		۳۰	۲۸
سه‌شنبه	۲۴	۶	۲۲		۲۹	
چهارشنبه	۲۵	۷	۲۳		۲۸	
پنجشنبه	۲۶	۸	۲۴	اول عقرب	۲۷	
جمعه	۲۷	۹	۲۵		۲۶	
شنبه	۲۸	۱۰	۲۶		۲۵	
یکشنبه	۲۹	۱۱	۲۷		۲۴	۲۹

ایام	عربیه	جلالیه	فرانسه	ذی‌قعده الحرام	نصف النهار	بین طلوعین
دوشنبه	غره	۱۲	۲۸			
سه‌شنبه	۲	۱۳	۲۹		۲۲	
چهارشنبه	۳	۱۴	۳۰		۲۱	
پنجشنبه	۴	۱۵	۳۱		۲۰	۲۹
جمعه	۵	۱۶	۱		۱۹	
شنبه	۶	۱۷	۲	ولادت امام [illegible] نومبر ماه فرانسه	۱۸	
یکشنبه	۷	۱۸	۳		۱۷	
دوشنبه	۸	۱۹	۴		۱۶	
سه‌شنبه	۹	۲۰	۵		۱۶	
چهارشنبه	۱۰	۲۱	۶		۱۵	۳۰
پنجشنبه	۱۱	۲۲	۷	ولادت حضرت رضا ع	۱۴	
جمعه	۱۲	۲۳	۸		۱۳	
شنبه	۱۳	۲۴	۹		۱۲	
یکشنبه	۱۴	۲۵	۱۰		۱۱	
دوشنبه	۱۵	۲۶	۱۱		۱۰	۳۰
سه‌شنبه	۱۶	۲۷	۱۲		۹	
چهارشنبه	۱۷	۲۸	۱۳	تشرین الاخر رومی	۸	
پنجشنبه	۱۸	۲۹	۱۴		۷	
جمعه	۱۹	۳۰	۱۵		۷	
شنبه	۲۰	۱	۱۶	آذر ماه جلالی	۶	۳۱
یکشنبه	۲۱	۲	۱۷		۵	
دوشنبه	۲۲	۳	۱۸		۴	
سه‌شنبه	۲۳	۴	۱۹		۳	۳۲
چهارشنبه	۲۴	۵	۲۰	تیر ماه قدیم	۲	
پنجشنبه	۲۵	۶	۲۱		۲	
جمعه	۲۶	۷	۲۲		۱	۳۲
شنبه	۲۷	۸	۲۳	اول قوس اشتداد سرما	۱	
یکشنبه	۲۸	۹	۲۴		ساعت ۱۲	
دوشنبه	۲۹	۱۰	۲۵		ساعت ۱۲	۲۹

فهرست اسامی سلاطین قاجاریه

السلطان	ولادت	جلوس	مدت سلطنت	رحلت	عمر	مدفن
فتحعلی خان	سنه ۱۰۹۷	سنه ۱۱۳۳	شش سال	سنه ۱۱۳۹	چهل و دو سال	خواجه ربیع در مشهد مقدس
محمد حسن شاه	سنه ۱۱۲۷	سنه ۱۱۶۴	هشت سال	سنه ۱۱۷۲	چهل و پنج سال	حضرت عبد العظیم
حسینقلی شاه ملقب بجهان سوز شاه	سنه ۱۱۶۴	سنه ۱۱۸۴	هفت سال	سنه ۱۱۹۱	بیست و هفت سال	استراباد
آقا محمد شاه مرحوم	سنه ۱۱۵۵	سنه ۱۱۹۳	هجده سال	سنه ۱۲۱۱	پنجاه و شش سال	نجف اشرف
فتحعلیشاه مبرور	سنه ۱۱۸۵	جلوس در طهران سنه ۱۲۱۲	سی و هشت سال و پنج ماه	سنه ۱۲۵۰	شصت و چهار سال و چهار ماه	در قم
نایب السلطنه عباس میرزای مرحوم	سنه ۱۲۰۳			رحلت در خراسان سنه ۱۲۴۹	چهل و پنج سال و شش ماه	در مشهد مقدس
محمد شاه طاب ثراه	سنه ۱۲۲۲	سنه ۱۲۵۰	چهارده سال و سه ماه	سنه ۱۲۶۴	چهل و یک سال و یازده ماه	در قم

سلطنت عظمی

السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان ابن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه** صاحبقران ابن محمد شاه ابن ولیعهد عباس میرزا ابن خاقان فتحعلی شاه بن حسینقلی شاه ابن سلطان محمد حسن شاه بن سلطان فتحعلی خان بن امیر شاه قلی خان ابن محمد قلی خان ابن مهدیخان بن محمد قلی خان قاجار خلد الله تعالی ملکه و دولته

تولد همایون

شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و چهل و هفت من الهجرة المقدسة النبویة

جلوس همایون بر تخت سلطنت

یوم یکشنبه هجدهم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و دویست و شصت و چهار در دار السلطنه تبریز

جلوس مبارک بر تختگاه سلطنت در دار الخلافه ناصری

در شب شنبه بیست و دویم شهر ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و شصت و چهار که الحال سی و یکسال تمام است که با الاستقلال مع الشوکة و العظمة والاجلال سلطنت و جهانبانی میفرمایند

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت جاوید مهد مظفر الدین میرزا تولد جمعه چهاردهم شهر جمادی الثانیه سنه یکهزار و دویست و شصت و نه من الهجرة المقدسه

نواب اشرف والا ظل السلطان سلطان مسعود میرزا تولد یوم بیستم شهر صفر المظفر سنه یکهزار و دویست و شصت و شش من الهجره

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر کامران میرزا تولد روز نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام سنه یکهزار و دویست و هفتاد و دو من الهجره

بنات سلطنت

نواب علیه عالیه فخر الملوک تولد در سنه ۱۲۶۳

نواب علیه عالیه عصمة الدوله تولد در سنه ۱۲۷۲

نواب علیه عالیه افسر الدوله تولد در سنه ۱۲۷۵

نواب علیه عالیه والیه تولد در سنه ۱۲۷۵

نواب علیه عالیه ضیاء السلطنه تولد در سنه ۱۲۷۲

نواب علیه عالیه افتخار الدوله تولد در سنه ۱۲۷۳

نواب علیه عالیه تومان آقا تولد در سنه ۱۲۷۸

نواب علیه عالیه توران آقا تولد در سنه ۱۲۷۹

اخوان سلطنت

نواب والا عباس میرزا ملک آرا نواب والا عز الدوله عبد الصمد میرزا نواب والا رکن الدوله محمد تقی میرزا

اخوات سلطنت

نواب علیه عالیه عزة الدوله نواب علیه عزیز الدوله نواب علیه عفة الدوله

اعمام سلطنت

نواب والا معز الدوله بهرام میرزا نواب والا بهمن میرزا نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا نواب والا حسام السلطنه سلطان مراد میرزا

نواب والا معین الدوله احمد میرزا نواب والا نصرة الدوله فیروز میرزا نواب والا احتشام الدوله حمزه میرزا نواب والا شجاع الدوله لطف الله میرزا

اولاد خاقان مغفور

نواب والا عضد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم نواب ملک ایرج میرزا رئیس الاطباء نواب سلطان سلیم میرزا نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله سلطان احمد میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب امان الله میرزا نواب جهانسوز میرزا امیر تومان

اولاد محمد علی میرزای مرحوم

نواب والا مؤید الدوله طهماسب میرزا نواب نصر الله میرزا والی نواب محمد رحیم میرزا

امیرزادگان کرام و غیرهم

حاجی سیف الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان عمید الدوله کیومرث میرزا ابو الفتح میرزا ولد حسام السلطنه احتشام الدوله سلطان اویس میرزا حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ناصر الدوله سلطان حمید میرزا ابو النصر میرزا ولد حسام السلطنه محمد حسن میرزا ولد وزیر علوم محمد حسن میرزا ولد مرحوم اسد الله میرزا اعتضاد الدوله محمد مهدیخان احتشام السلطنه ابراهیم میرزا حاجی بهاء الدوله ساسان میرزا حاجی حسین میرزا ولد مرحوم جهانگیر میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم ایضا محمد علی میرزا پسر خسرو میرزا اسمعیل میرزا اسحق میرزا عبد الله میرزا مرتضی قلی میرزا ولد مرحوم عماد الدوله سلطان محمد میرزا ولد مرحوم ایضا کامران میرزا محمد باقر میرزا داراب میرزا پسر مرحوم ضیاء الدوله سلیمان میرزا عبد العلی میرزا نایب الایاله اکبر میرزا هوشنگ میرزا انوشیروان میرزا حاجی محمد طاهر میرزا حاجی فریدون میرزا مهدیقلی میرزا شعاع السلطنه ذبیح الله میرزا شمس الشعرا سام میرزا سلطان محمد میرزا جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الدوله

خوانین و آقایان قاجار با یلخانی کری

جناب عضد الملک خوانسالار یلخانی مهر یار

طایفه قوانلو

امیرزادگان و غیره که در جزو طایفه و خوانین قاجار منظورند

حاجی سیف الدوله میرزا ادریس میرزا سلطان حسین میرزا اسمعیل میرزا محمد میرزا ۲ اکبر میرزا محمد شریف میرزا محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا

۲ یونس میرزا

اولاد مرحوم سلیمانخان امیر

محمد ولیخان محمد تقی خان محمد رضاخان محمود خان بلوچخان عبد الله خان هادیخان محمد حسنخان

بنی اعمام

محمد رحیم خان رئیس غلام حسینخان ناصر لشکر اسحقخان خلیل الله خان

طایفه مهدیقلی خانی

حسینقلیخان نجفقلیخان رئیس نجفقلیخان ولد حاجی بهرام علیخان جعفرقلیخان علیخان محمد قلیخان

طایفه قزل ایاغ

محمد رحیم خان رئیس امان الله خان نورالله خان
احمد خان سلیمان خان احمد خان
غلامحسین خان محمد صادق خان

طایفه دولو

حاجی محمد حسین خان رئیس محمد تقی خان علیخان
حاجی محمد رضاخان فتحعلیخان محمد خان
حاجی حسینعلیخان حاجی قلیخان محمد قاسمخان
محمد خان محمد صادق خان علینقی خان
خانلرخان حبیب الله خان عباسقلی خان

طایفه عزالدینلو

الله خان رئیس محمد جعفرخان حیدرخان ولد
حسین خان محمد قاسمخان

طایفه شامبیاتی

حاجی محمد رحیم خان رئیس محمد حسینخان قاسمخان
امامقلیخان محمد حسین خان محمد محسن خان
محمود خان خلیل الله خان حاجی حبیب الله خان
حاجی اللهقلی خان رئیس باباخان آقا

طایفه سپانلو

حاجی مشهدی

محمد تقی خان رئیس محمد حسینخان اسدالله خان

محمد طاهرخان حسینقلی خان

شاه بوداقلو

محمود خان رئیس علی محمد خان حاجی محمد زمانخان

طایفه قاجلو

محمد صادق خان

طایفه داسلو

محمد مهدی خان

طایفه فراموشی لو

خانلرخان

طایفه زیادلو

احمد خان

طایفه خزینه دارلو

محمد قلیخان رئیس محمد ولیخان

طایفه کهنه لو

بهرامخان رئیس حاجی محمد علی خان

طایفه کرلو

محمد خان رئیس محمد رفیعخان

سایر خوانین

امیرخان بیناولباشی
سایر خوانین دویست و سی و هشت نفر

اسامی وزراء عظام

جناب اجل آقا وزیر اعظم کشور و مالیه
جناب اشرف سپهسالار اعظم وزیر جنگ و وزیر امور خارجه

سایر

نواب والا معتمدالدوله وزیر عدلیه عظمی
نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و معادن
جناب عضدالملک خوانسالار ایلخانی ایل جلیل قاجار
جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم
وخازن مهر مهر آثار همایون

جناب نظام الملک
جناب ناصرالملک مشیر حضور همایون
جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه حضور همایون
جناب معاون الملک
جناب وزیر لشکر
جناب امین لشکر وزیر کرات

جناب وزیر دفتر استیفا
جناب حاجی دبیرالملک
جناب نصیرالدوله وزیر تجارت و زراعت
جناب حسینعلیخان وزیر فواید عامه
جناب مجدالملک وزیر وظایف و اوقاف
جناب مخبرالدوله وزیر تلگراف

ادارۀ خاصۀ جناب اجل آقا وزیر اعظم کشور و مالیه

جناب معاون الملک
حاجی میرزا رضا منشی مخصوص

منشیان اجزاء وزارت جناب معاون الملک که مربوط بکلیه نوشتجات و احکام دولتی است

میرزا صادقخان منشی حاجی میرزا عبدالله
میرزا مهدی گیلانی میرزا احسین
میرزا محمد ساوجبلاغی میرزا علی محمد کاشانی
میرزا علی میرزا قاسم

وزارت جلیلهٔ جنك

جناب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم رئیس کل قشون از توپخانه و قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره سواره و پیاده نظام و خارج نظام

جناب وزیر لشکر میرزا موسی

مجالس نظامی

مجلس شورای عسکریه بریاست نواب معزالدوله

نواب معین الدوله مصطفی خان امیر تومان مرتضی خان شهاب الدوله حاجی محمد قلیخان حسام الدوله نصر الملك صمصام الدوله وکیل لشکر

میرزا مسعود خان نایب اجودانباشی

مجلس خزانه نظام بریاست امیرزاده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار نظام

امیرزاده وجیه الله میرزا خزانه دار حاجی میرزا علی نقی محاسب و ضابط اسناد خرج نصر الله خان سررشته و ناظم صندوق نظام میرزا محمد علی فهرست نویس

خزانه نظام

ارباب قلم دفتر لشکر و سایر ولایات ملتزمین

رکاب مبارك از بابت لشکرنویسان و سررشته داران و منشیان وغیره

لشکرنویسان

میرزا مصطفی وکیل لشکر میرزا شفیع لشکرنویس میرزا یوسف میرزا اسمعیل میرزا محمد تقی میرزا علی میرزا زینل میرزا محمد علی میرزا زین العابدین

میرزا علی میرزا اشرف میرزا عبد الحمید میرزا رفیع میرزا حبیب الله میرزا محمد تقی میرزا ابو القاسم میرزا عبد الله خان میرزا حبیب الله خان میرزا حسینعلی میرزا محمد قلی میرزا علی اصغر میرزا عبد الحسین میرزا مهدی نوری میرزا اسد الله حاجی میرزا اشرف میرزا سید علی میرزا ابو القاسم تفرشی میرزا مهدی کجوری میرزا زمان میرزا محمد علی

سررشته داران دفتر لشکر و محررین وغیره

دفتر لشکر

میرزا ابو القاسم میرزا محسن میرزا نبی میرزا محمد میرزا حسین میرزا علی اشتیانی میرزا امام قلی میرزا آقا میرزا احمد میرزا هادی میرزا اسمعیل میرزا محمد علی میرزا محمد علی میرزا زکی میرزا عبد الکریم میرزا باقر میرزا علینقی میرزا ابو تراب

سررشته داران توپخانه و قورخانه وغیره

توپخانه و اصطبل

میرزا محمد علی اصفهانی میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل توپخانه میرزا نصر الله میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا ولیقلی میرزا رضاقلی میرزا اسد الله میرزا فضل الله

میرزا سید تقی میرزا حسن میرزا آقا

زنبورکخانه

میرزا هادی سررشته دار

مهاجر

میرزا لطفعلی سررشته دار

منشیان

میرزا محمد خان منشی باشی میرزا کلبعلی میرزا مهدی میرزا ابو الحسن حاجی میرزا عبد الکریم میرزا احمد خان میرزا سید رضا میرزا شفیع میرزا علی میرزا عبد الرحیم خان میرزا داود میرزا اسمعیل روزنامه نویس

میرزا هدایت روزنامه نویس

عزب باشی و عزبان دفتر لشکر

میرزا محمد علی عزب باشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل میرزا اسمعیل میرزا جعفر میرزا حسن

میرزا علی اصغر

مامورین

اذربایجان

لشکرنویسان

میرزا علا معلی ناظم دفتر لشکر میرزا محمود خان مستوفی نظام میرزا علی رضا حاجی میرزا یوسف میرزا علی اشرف میرزا سید مرتضی میرزا احمد حاجی میرزا محسن میرزا حبیب الله میرزا محمد میرزا احمد

سررشته داران

میرزا عبد العلی میرزا علی میرزا قربانعلی میرزا احمد

سایر ولایات

خراسان

میرزا سید محمد لشکرنویس ثانی میرزا یوسف سررشته دار

فارس

میرزا علی محمد خان لشکرنویس باشی

کرمانشاهان

میرزا حسینعلی لشکرنویس

کرمان

میرزا حسین لشکرنویس میرزا عبد الله سررشته دار

اصفهان

میرزا محمد حسین میرزا محمد سررشته دار

عربستان

میرزا رضای لشکرنویس

عراق

میرزا محمد تقی سررشته دار

مازندران

میرزا علا محسن لشکرنویس

استراباد

میرزا مقیم لشکرنویس

همدان

میرزا محمد لشکرنویس

بسطام

میرزا احمد سررشته دار

اهل نظام

امراء تومان

نواب معین الدوله نواب جهانسوز میرزا

جناب ناصرالملک جناب وزیر فواید امیرالامرا العظام
مصطفی خان امیرالامراء سلیمانخان
حشمت الملک میرعلیخان

سرتیپان

سرتیپان اول

احتشام الدوله ناصرالدوله انوشیروانمیرزا
حاجی بهاء الدوله عبدالله میرزا شهاب الدوله
حسام الدوله سهام الدوله نصرالملک سالار
اصلان صارم الدوله وکیل الملک اعتماد
السلطنه اقبال الدوله مظفرالدوله
صمصام الدوله محمدخان والی اللهیارخان
اجودانباشی جوادکبرخان اجودان باشی ساعد
الدوله شجاع السلطنه مصطفی قلیخان
علیخان نایب الوزاره سیف السلطنه صمصام
الملک میرزا یوسفخان مستشار محمدآقا
[illegible] ان افشار حسین قلیخان قورچی
عبدالحسینخان ولدمرحوم اجودانباشی

سرتیپان دوم سوای اشخاصیکه در جزو
افواج و سواره نوشته ملشود

حشمة السلطنه عالمشاه میرزا عبدالحسینخان
امیرنظام اکبرخان زمانخان حاجی ترابخان

سرتیپان سیم سوای سرتیپانیکه در جزو
افواج و سواره نوشته ملشود

عبدالعلی میرزا نایب الایاله سلطان محمدمیرزا
داراب میرزا سلیمانمیرزا کامران میرزا

حاجی یوسفخان بنا الملک حاجی هادیخان
مهدیقلیخان دنبلی لطفعلیخان قراگوزلو
حیدرخان ولدمرحوم آصف الدوله امامقلیخان
محمدعلیخان نظمیه ابوطالبخان عطاالله خان
حاجی غلامحسینخان حیدرقلیخان غلامحسین
خان لاریجانی عباسخان هراتی عباسقلیخان
پوشتکوهی حسین قلیخان پشتکوهی
رضاقلیخان میرزا رضاخان میرزا احمدخان
مهدیخان قاجار حاجی اسمعیل پاشاخان
حسینقلیخان قاجار محمدعلیخان

سرهنگان

خارج از فوج

محمدحسن میرزا رحمت الله خان محمودخان کرکری
عظیم آقا علی قلیخان جوانشیر جعفرخان
عبدالله آقا آقاخان ماکوئی فتح الله خان عبدالله
خان [illegible] کاظمخان شقاقی علیرضاخان
[illegible] علی قلیخان قراباغی احمدخان
زین العابدینخان افشار علی قلیخان آقاخان
[illegible] میرزا کاشانی مرتضی قلیخان میرزا یوسفخان
عسکرخان شقاقی حاجی اسدالله خان محمدحسین
خان زند محمدعلیخان زند میرزا نصرالله خان
محمدتقیخان علی اکبرخان افشار اسدالله خان ماکوئی
محمدعلیخان علی اکبرخان کرمانی یوسفخان
میرزا علی اصغر محمدحسنخان محمدقلیخان محمودخان
مرتضی قلیمیرزا خانلرخان علینقی خان

غلامرضاخان

غلامرضاخان مافی کلبعلیخان علی اکبرخان قراگوزلو
میرزا آقا ذوالفقارخان کلبرضاخان کل محمدخان
محسن خان ولدمرحوم شیخعلیخان آقا لرخان ولد
مرحوم قاسمخان علینقیخان کروسی ابوالحسنخان افشار
عبدالعلیخان اسدالله خان علی اشرف خان
محمدتقیخان افشار حسینقلیمیرزا حاجی محمدمیرزا مهندس
ابراهیم میرزا احمدخان مهندس افشار میرزا محمدعلی
مهندس محمدحسن میرزا مهندس موسیخان قاجار
یحیی خان باقرخان افشار غلامعلیخان دوبرن
محمدحسنخان ایضا حسنخان ولد اجودانباشی

نایبان اجودانباشی

محمدصادقخان تقیخان کرمانی احمدخان میرزا
بزرگخان نصرخان ولد قاسمخان قزوینی یزدان
بخش میرزا محمدحسینخان تبریزی عسکرخان
محمدحسینخان لواسانی باقرخان محمدعلی بیک
عبدالعلیخان میرزا یوسفخان ولدامین لشکر هاشمخان
اسکندرخان میرزا مسعودخان ولدسیف الملک
میرزا مسعودخان فیروزکوهی علی بیک نجفقلیخان
حیدرقلیخان مصطفی قلیخان قاجار رستمخان
کرجی مصطفی قلیخان همدانی غلامرضاخان بیکا
حسنخان ولدمظاهرخان محمدآقا احمدمیرزا ولد
کیقبادمیرزا حسینخان ولدوزیرنظام احمد
میرزا ولدتیمورمیرزا حسینخان ولدجارچی باشی
جبرئیلخان مسیحی میرزا عبدالله خان نایبی
محمدخان ولدامیرالامراء میرزا یوسفخان کرجی

غلامحسینخان هادیخان زرندی حسنخان
قزوینی رحمت الله خان نواده سیف الملک
قاسم خان ملایری صادقخان محمدمرادخان کروسی
عباسقلیخان اسدالله خان ولدخانلرخان
حاجی فیروزمیرزا سیدحسینخان فیروزکوهی حاجی
عباس قلیخان علی آقا حسینقلیخان برادر اجودانباشی
میرزا محمود اسمعیلخان ده ملائی علیمرادخان کرمانی

معلمین

فرنکی و ایرانی و غیره

فرنکی

مسیو هلر یزیت اندرنی صاحب مسیو لمر
موزیکانچی باشی مسیو اسشلی مسیو مشن
مسیو لسو مسیو آنجیل طبال باشی

معلمین ایرانی و غیره

معلمین

عبدالحسین میرزا محمد آقای جدید الاسلام
کریمخان حسن آقا میرزا عبدالوهاب پیاده نظام
علیخان قاجار

مترجمین

عباسقلیخان میرزا محمدعلی محمدخان

توپخانه

سرتیپان

اللهوردیخان حاجی جعفرعلیخان شهاب الملک
تیمور پاشاخان میرزا علی اکبر اجودانباشی

نایبان اجودانباشی

۳ تیمورخان
۳ نعمت الله خان برادر دبیرالملک
۲ مهدیخان

میرزا اسمعیل خان احمد خان میرزا ابراهیم خان

افواج

فوج بهادران

جمعی اللهویردی خان سرتیپ

فوج اول بهارلو

جمعی صفرعلی خان سرتیپ

فوج دویم تبریزی

جمعی حاجی شکور خان سرتیپ

فوج سیم ارومیه

جمعی فرج الله خان سرهنگ

فوج چهارم مرندی

جمعی نعمت الله خان سرهنگ

فوج پنجم خوئی

جمعی نقی خان سرتیپ میرزا نقی اجودانباشی

فوج ششم ملک

جمعی میرزا فرج الله خان سرهنگ

فوج هفتم شقاقی

جمعی جلیل خان سرهنگ

فوج هشتم خلخالی

جمعی میرزا فتح الله خان سرتیپ

فوج مخبران مقدم

جمعی محمد صادق خان امیر نظام

فوج بهادران افشار

جمعی حاجی رجبعلی خان سرتیپ

فوج اول افشار

محمد رضا خان سرتیپ محمد صادق خان سرهنگ

فوج دویم خمسه

جمعی لطف الله میرزا سرهنگ

فوج سیم قره‌بیغی و قراگوزلو

جمعی میرزا شفیع خان سرهنگ

فوج چهارم افشار بکشلو و کرمانشاهی

فوج پنجم همدانی و نهاوندی

جمعی حاجی حمزه خان سرتیپ

فوج ششم گروسی

جمعی علیرضا خان سرهنگ

فوج هفتم کرمانی و بسطامی و شیرازی

جمعی عبد الحسین خان سرتیپ

فوج هشتم سیلاخوری

جمعی محسن خان سرهنگ

فوج مخبران خرقانی

جمعی اصلان خان سرتیپ

قورخانه

جهانگیر خان سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه

سرهنگان

حاجی موسی خان محمد علی خان باقر خان

میرزا عبد الله خان عیسی الله خان

یاوران

هفده نفر

زنبورکخانه

زنبورکخانه

نصر الله خان سرتیپ عبد الحسین خان سرهنگ

علی محمد بیک یاور اول محمد علی بیک یاور دوم

افواج

فوج بهادران

شجاع السلطنه سرتیپ اول ابراهیم خان سرهنگ

فوج اول خاصه

حسام الدوله سرتیپ اول حاجی نقد علی خان سرهنگ

فوج دویم خاصه

حاجی میرزا صادق خان سرتیپ حسن خان سرهنگ

فوج دویم نصرت

رحیم خان سرتیپ احمد خان سرهنگ

فوج سیم مظفر مراغه

پاشا خان مظفر الدوله سرتیپ اول فرج الله خان سرهنگ

فوج چهارم مرندی

عبد الحسین خان سرتیپ باقر خان سرهنگ

فوج پنجم ایلات قراجه‌داغی

علینقی خان سرتیپ رحیمدل خان سرهنگ

فوج ششم قراگوزلو

حسام الملک سرتیپ فضل الله خان سرهنگ

فوج هفتم افشار

جمعی اقبال الدوله اردشیر خان سرتیپ خسرو خان سرهنگ

فوج هشتم افشار

اقبال الدوله سرتیپ اول لطفعلی خان سرهنگ

فوج مخبران شقاقی

صادم الدوله سرتیپ اول رضا خان سرهنگ

فوج بهادران دسته خوئی

شیخ علی خان سرتیپ ابو الحسن خان سرهنگ

فوج اول لهمر خوئی

محمد جعفر خان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج دویم ششم اقبال

جمعی شجاع السلطنه بسرهنگی یوسف خان

فوج سیم جدید مراغه

قاسم خان سرتیپ فتح الله خان سرهنگ

فوج چهارم تخته‌قاپوی قراجه‌داغی

جمعی جعفر خان سرهنگ

فوج پنجم شقاقی

جمعی صادم الدوله

فوج ششم شقاقی

جمعی محمد آقا بسرهنگی مرتضی قلی آقا

فوج هفتم خلخالی

میرزا علی خان سرتیپ علی خان سرهنگ

فوج مخبران ماکوئی

هلولا آقای سرتیپ محمد پاشا خان سرهنگ

فوج بهادران قهرمانیه

فوج اول گروس

جمعی وزیر فواید بسرهنگی خسرو خان

فوج سیم جدید افشار

جمعی اقبال الدوله بسرتیپی میرزا علی خان

فوج جدید

فوج چهارم جدید مراغه
جمعی فضلعلی خان سرتیپ
فوج پنجم امیریه
محمد آقای سرتیپ احمد آقا سرهنگ
فوج ششم اردبیل و مشکین
جمعی میرزا زکیخان سرتیپ
فوج هفتم شقاقی
عبدالرزاق خان سرتیپ فضلعلی خان سرهنگ
فوج هشتم منصور
جمعی حسام الملک
فوج مخبران قراگوزلو
جمعی احمدخان سرتیپ
فوج بهادران کامران
ناصرالدوله سرتیپ اول محمد طاهرخان سرهنگ
فوج اول جدید طهران
جمعی وجیه الله میرزا
فوج دویم خلج قاهر
سیف السلطنه سرتیپ اول دوست محمدخان سرهنگ
فوج سیم زرچلو
جمعی محمدخان سرتیپ
فوج پنجم سیلاخوری
جمعی ناصرالدوله سرهنگی رضاخان
فوج ششم سربندی
جمعی سلطان محمد میرزا سرهنگی مصطفی خان
فوج هفتم سواد کوهی

جمعی امین السلطان سرهنگی میرزا موسی خان
فوج مخبران کزازی
علینقی خان صمصام الملک سرتیپ اول ذوالفقارخان سرهنگ
فوج بهادران حشمت سمنان
جمعی مصطفی خان امیرتومان سرهنگی محمودخان
فوج دویم ملایری
جمعی عسکرخان سرتیپ
فوج سیم لاریجانی
جمعی خان باباخان سرهنگ
فوج چهارم کمره
جمعی عبدالله میرزا علیخان سرتیپ علینقی خان سرهنگ
فوج پنجم کلپایگانی
جمعی شهاب الدوله سرهنگی کاظم خان
فوج ششم قدیم خمسه
جمعی نصرالملک سرهنگی مظفرالملک
فوج هفتم جدید خمسه
جمعی نصرالملک سرهنگی علینقیخان
فوج مخبران بهادر جنگ بیات زرند
جمعی سهام الدوله سرهنگی حسن خان
فوج بهادران اخلاص افشار
جمعی سلیمان خان صاحب اختیار سرهنگی علی خان
فوج اول قدیم قزوین
جمعی نصرالملک سرهنگی امان الله خان
فوج دویم جدید قزوین
جمعی نصرالملک سرهنگی مصطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو
جمعی اللهیارخان آجودان باشی سرهنگی آقاجان خان
فوج چهارم فریدنی
جمعی صمصام الدوله سرهنگی مصطفی قلیخان
فوج ششم چهار محال
جمعی صمصام الدوله سرهنگی ابوالقاسم خان
فوج هفتم عرب و عجم
جمعی جان محمدخان سرتیپ
فوج مخبران فیروزکوهی
جمعی اسمعیل خان سرهنگ
فوج بهادران دماوندی
علینقی خان سرتیپ علی محمدخان سرهنگ
فوج اول خلج قشم
جمعی اسحق خان سرتیپ
فوج دویم نهاوندی
جمعی علی اکبرخان سرهنگ
فوج سیم بیندی
جمعی عبدالحسین خان سرتیپ
فوج ششم خرقانی
جمعی آجودان باشی سرهنگی علی محمدخان
فوج هفتم قدیم کرمانی
جمعی وکیل الملک سرهنگی نقی خان افشار
فوج هشتم شوکت کرمانی
جمعی وکیل الملک سرهنگی سلیمان خان
فوج نهم جدید کرمانی

جمعی وکیل الملک سرتیپی ابراهیم خان
فوج مخبران درجزین
جمعی عبدالله میرزا سرهنگی خسروخان
فوج بهادران کوران قلعه زنجیری

فوج اول کرندی
عباسقلی خان سرتیپ نصرالله خان سرهنگ
فوج سیم کلهر
جمعی محمد حسن خان سرتیپ
فوج چهارم زنگنه
جمعی محمد رضاخان ظهیرالملک
فوج مخبران کردستان
جمعی محمد علی خان سرهنگ
فوج بهادران قراگوزلو
جمعی اعتمادالسلطنه سرتیپ اول عبدالله خان سرهنگ
فوج امرائی لرستان
جمعی سلطان محمد میرزا سرتیپی برخوردارخان
فوج بیرانوند
جمعی سلطان محمد میرزا سرهنگی اسدخان
فوج چهارم سره‌ده
جمعی صمصام الدوله سرتیپی میرزا عبدالوهاب خان
فوج مخبران ترشیزی
مصطفی قلیخان سرتیپ اول مهدیخان سرهنگ
فوج بهادران قرائی
جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ

فوج اول قاینی

جمعی میرعلیخان حشمت الملک میر اسمعیل خان سرتیپ حاجی [illegible] خان سرهنگ

فوج سیم تنکابنی

حبیب الله خان ساعد الدوله سرتیپ اول ولیخان سرهنگ

فوج سربازان کوچک

جمعی حاجی بهاء الدوله

فوج مفسد کش ملایری

جمعی ذوالفقار خان سرهنگ

موزیکانچیان

جمعی شاهزاده وجیه الله میرزا

صاحبمنصبان

شکر الله خان موزیکانچی باشی محمد حسن خان سرهنگ

صفر علی خان یاور غلام حسین بیک یاور

دستجات

دسته ارکستر [illegible] دسته لوراتی شهرستانکی

دسته موزیکانچیان توپخانه دسته موزیکانچیان

زنبورکخانه دسته موزیکانچیان ارامنه

دسته موزیکانچیان حضرت ولیعهد دسته

موزیکانچیان اصفهانی دسته موزیکانچیان

سیلاخوری دسته موزیکانچیان کزازی

دسته موزیکانچیان شمس اقبال دسته

موزیکانچیان سمنانی دسته موزیکانچیان [illegible] شاه

سواره

اذربایجانی وغیره

اذربایجان

سواره افشار وغیره

جماعت افشار صاین قلعه

جمعی عباسعلی خان سرکرده

جماعت افشار ارومیه

جمعی باقرخان سرهنگ

جماعت چهاردولی

نوروزخان سرتیپ سلیم خان سرکرده

جماعت چلبیانلو

محمود خان سرکرده رحیم خان سرکرده

جماعت خوئی

امین بیک سرکرده عباسعلی خان سرکرده

جماعت شاهسون اردبیل و مشکین

باقرخان سرکرده قربانعلی خان سرکرده

جماعت شقاقی

جمعی علیخان سرکرده

جماعت کلبری

جمعی باقرخان سرکرده

جماعت ماکوئی

جمعی نصرالله خان سرکرده

جماعت مکری

جمعی حاجی آقا بیک سرکرده

جماعت مقدم

جمعی محمد صادقخان سرکرده

سواره نصرت ومهاجر

سواره نصرت

ابراهیم اقای

ابراهیم اقای کهنک میرزا هدایت خان سرکرده

میرزا زین العابدین خان سرکرده علیقلی خان سرکرده

حسین خان سرکرده اسکندر خان سرکرده

سلیمان خان سرکرده نایب سرکرده هشت نفر

سواره مهاجر جمعی شجاع الملک

عبدالغفار خان شجاع الملک حسنعلی خان سرتیپ [illegible]

حسن خان سرتیپ قبه اسمعیل خان سرتیپ

محمد علی خان سرتیپ اسکندر خان سرهنگ

علی محمد خان سرهنگ حسن خان سرهنگ

خراسانی

جماعت درجزی

اللهیارخان سرکرده جان مرادخان سرکرده

جماعت بجنوردی

جمعی یار محمد خان سرکرده ایلخانی

جماعت خوافی

جمعی میرلطفعلی خان سرکرده

جماعت باخرزی

جمعی عبدالباقی خان سرکرده

جماعت سبزکی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت میامئی

جمعی مصطفی قلیخان سرکرده

جماعت پشتکوهی

جمعی محمد رحیم خان سرکرده

جماعت جامی

جمعی نصرالله خان سرکرده

جماعت خورده ایمانی

جمعی یار محمد خان سرکرده

جماعت اردلان

جمعی محمد خان سرکرده

جماعت تیموری

علی مرادخان سرتیپ میرزا عطاالله خان ایلخانی میرزا [illegible] خان سرکرده

جماعت قوچانی

جمعی امیر حسین خان

جماعت مزدورانی

جمعی محمد جعفر خان سرکرده

جماعت درفانی

جمعی ملا علی عرب سرکرده

جماعت سرجامی

جمعی حسین خان وحسنخان

جماعت باروشك وچولائی

جمعی سلیمان خان سرکرده

جماعت غیاث ابادی

جمعی صمد محمد خان سرکرده

جماعت پشتکوهی

جمعی سعادتقلی خان سرکرده

جماعت قرائی

جمعی محمد خان سرکرده

جماعت افشار

جمعی مرتضی قلیخان سرکرده

جماعت

جماعت سرداری

حاجی فرزند خان سرکرده سعادتقلی خان سرکرده عباسقلی خان سرکرده امان الله خان سرکرده

حاجی میرزا افضل الله سرکرده

جماعت خورده ایماق سبزواری

جمعی حیدرخان سرکرده

جماعت عرب

جمعی باباخان سرکرده

جماعت مروی

علی مرادخان سرتیپ محمد شریفخان سرکرده

محمد حسنخان سرکرده صبد محمد بیك سرکرده

جماعت کوهستانی

جمعی آزادخان سرکرده

جماعت بهتائی

جمعی گل محمدخان سرکرده

جماعت ترشیزی

جمعی محمد حسین خان سرکرده

جماعت نیشابوری

باقرخان سرکرده حاجی خالقخان سرکرده

جماعت جامی

جمعی علیرضا بیك قراول باشی

جماعت قائینی

جمعی علی اکبرخان سرکرده

جماعت تیموری

جمعی زین العابدین خان سرکرده

جماعت جمشیدی

جمعی اللهیارخان و محمد امین خان

جماعت هزاره

یوسفخان سرتیپ اسمعیل خان سرهنك سرکرده چهار نفر

جماعت هرانی

میرزا مسعودخان سرکرده محمد حسنخان سرکرده

استرابادی وغیره

استرابادی

جماعت استرابادی

جمعی علیخان آقای یوزباشی

جماعت زردینی

جمعی افراسیاب خان سرکرده

جماعت بسطامی

جمعی علی اکبرخان سرهنك

مازندرانی

جماعت کرد و ترك

خدامرادخان سرکرده فتح الله خان سرکرده

موسی خان سرکرده عباس خان ایضا

ابراهیمخان ایضا ذوالفقارخان ایضا هاشم خان ایضا

حسن خان ایضا محمد حسین خان ایضا

جماعت خواجوند و عبد الملکی

محمد قلیخان سرکرده طهماسب قلیخان سرکرده

قلی خان سرکرده حسن خان سرکرده

اسدالله خان سرهنك عبد الملکی جعفر قلیخان سرکرده ایضا

جماعت گرکان روی گیلان

جمعی نصرالله خان سرتیپ

عراقی

جماعت بختیاری

جمعی اسفندیار خان سرتیپ

جماعت اردستانی

جمعی مصطفی قلیخان سرتیپ

جماعت افشار اسداباد

جمعی کریمخان سرکرده

جماعت شاهسون افشار

جمعی یوسفخان سرکرده

جماعت خمسه

جمعی ذوالفقارخان سرتیپ

جماعت شاهسون دویرن

جمعی وجیه الله میرزا

محمد حسین خان سرهنك غلام علی خان سرهنك

غلامرضا خان سرکرده ولیمحمد خان ایضا یوسفخان یاور

جماعت شاهسون اینانلو

جمعی عزیز الله خان سرتیپ سرهنگی حاجی لطف الله خان

جماعت شاهسون بغدادی

جمعی فتحعلی خان سرتیپ

جماعت شاهسون قورت بیکلو

جمعی حسینقلی خان سرتیپ اول

جماعت خرقانی

جمعی اللهیارخان اجودانباشی

جماعت برانوند

جمعی حسنخان سرکرده

جماعت آق صانلو

جمعی یوسفخان سرکرده

جماعت قراچولوی خوار

جمعی عزیز محمدخان سرکرده

جماعت افشار ساوجبلاغ

جمعی حسنخان سرهنك

جماعت کرد بچه

جمعی نصرالله خان سرتیپ نبوکخانه محمد طاهرخان سرکرده

جماعت هداوند

جمعی رحیم خان سرکرده

جماعت شاهسواری

جمعی نصرالله خان سرتیپ نبورکخانه

جماعت ایلات

جمعی نصرالملك بسرتیپی محمد نظرخان

جماعت افشار بکشلو

جمعی اجودانباشی بسرکردگی محمد کاظمخان

جماعت چگنی

جمعی نصرالملك بسرکردگی صادقخان

جماعت لحمدوند و بهتوئی

جمعی حسینقلی خان سرکرده

جماعت نانکلی کرمانشاهان

جمعی خدامرادخان سرکرده

جماعت نانکلی شهریار

جمعی جمشیدخان سرکرده

جماعت گرزه بر

جمعی عالیخان سرکرده

جماعت عرب ناصری

جمعی محمد حسن خان سرکرده

جماعت بجنباردی

اصلان خان سرکرده

پیاده

خراسانی و کرمانی

دسته خراسانی

شمخال چیان جمعی حسنعلی خان سرهنگ

دسته کرمانی

جمعی محمد رحیمخان سرکرده

دستجات استرابادی

دسته فندرسکی

جمعی میرزا تقی خان سرتیپ

دسته کتول

جمعی آقا خان سرکرده

دسته مقصودلو

جمعی عبدالصمد خان سرکرده

دسته استراباد رستاقی

جمعی شیخعلی خان سرکرده

دسته بالا شاهکوهی

جمعی آقا هادی بیک سرکرده

دسته پائین شاهکوهی

جمعی آقا کاظم سرکرده

دسته سدن رستاقی

جمعی محمد صادقخان سرکرده

دسته انزانی

جمعی محمد علی خان سرکرده

دسته عسکی

جمعی نوروزخان سرکرده

دسته سادری

جمعی جعفر قلیخان سرکرده و آقا رضا

دسته سپل سپر

جمعی اسدالله خان سرکرده

دسته بلوچ

جمعی میرزا بیک سرکرده

دستجات گیلانی

دسته اسالمی

جمعی نصرالله خان نبیره کردکی اللهیار خان

دسته طالش دولابی

جمعی جعفر قلیخان سرکرده

دسته باسانی

جمعی جواد خان سرکرده

دسته شاندرمنی

جمعی

دسته سالیانی

جمعی میرزا یوسفخان سرکرده

دسته شفتی

جمعی نعمت الله خان سرکرده

دسته انزانی جمعی جبار قلیخان سرکرده

غلامعلی خان نایب سرکرده علینقی خان ایضا محمد قلیخان ایضا

مازندرانی وغیره اجزاء ملکه جدید البنای انا ماوراء

مازندرانی

ابراهیم خان سرتیپ نجفقلی خان سرهنگ

لطفعلی خان سرهنگ حبیب الله خان سرکرده

اشرف توابعی

رضا قلیخان سرتیپ کلبادی عبدالعلی خان سرکرده

علی اکبر خان سرکرده مهدی خان سرکرده

عربستانی

جمعی شیخ عیسی خان سرهنگ

میرزا عباس خان مهندس مخصوص حضور مدیر مدرسه

مسیو لوسو معلم کریمخان مترجم حسن خان

غفارخان خلیفه مدرسه

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه وغیره

یکصد و پنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار نفر

وزارت دفتر استیفا که جزو وزارت عظمی کشور است

جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر استیفا

مستوفیان

حاضر رکاب

جناب معاون الملک میرزا علی قائم مقام منشی الممالک

وقایع نگار لسان الملک میرزا تقی نایب

حاجی میرزا نصرالله حاجی میرزا شفیع آقا میرزا حسن

میرزا اسدالله میرزا محمود وزیر میرزا سید کاظم

مستوفی اصطبل صدیق الدوله میرزا محمد ولی

میرزا ابراهیم میرزا محمد علی خان میرزا ذوالفقار خان

میرزا رضا ولد مرحوم معین الملک میرزا حسنعلی خان

میرزا عبدالوهاب خان میرزا محمد حسین مستوفی خزانه

میرزا سید احمد میرزا سید محمد میرزا محمد مستوفی

نظام حاجی رشید خان میرزا ابوالقاسم خان نوری

میرزا سید کاظم مستوفی صندوقخانه میرزا علی اکبر

حاجی میرزا سید حسین میرزا ربیع میرزا اسدالله خان نوری

میرزا علیرضا میرزا باقر میرزا حسینعلی ولد

مرحوم میرزا زمان میرزا عبدالله میرزا عبد

الوهابخان پسر جناب نظام الملک میرزا زین العابدین

خان میرزا عبدالله خان میرزا علی محمد خان

میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا محمد

میرزا زکی نوری میرزا محمود صاحب دیوان میرزا
سید رضی احتساب الملک میرزا رضا هندسه باشی
میرزا طاهر میرزا کاظم خان للـه باشی میرزا حسن
ولد جناب وزیر لشکر میرزا عبد الرحیم خلخالی
میرزا محمد ولد مرحوم میرزا هادی میرزا رضا الیزدی
میرزا محمد رضای نوبرکانی میرزا حسن بلود میرزا حسن
پسر میرزا زکی نایب میرزا رفیع میرزا علی
میرزا محمد ولد حاجی میرزا عباسقلی میرزا عبد العلی
میرزا حسن پسر میرزا ابراهیم میرزا حسینعلی ولد
مرحوم میرزا نظر علی میرزا هدایت پسر لسان الملک
میرزا محمد حسین پسر وقایع نگار میرزا شکر الله
پسر ضیاء الملک میرزا جعفر

مأمورین

جناب صاحب دیوان وزیر نظام مشیر الملک
علاء الملک مستشار الملک ضیاء الملک
میرزا رضای بیان الملک میرزا حسن خان کوکانی
میرزا حسین خان پسر جناب صاحب دیوان
میرزا مسیح میرزا شفیع خان کرکانی
میرزا شفیع مستوفی نواب حسام السلطنه
میرزا محمد حسین نایب الحکومه کاشان
میرزا محمد حسین سراج الملک میرزا سید
ابراهیم میرزا رضا قلی

وزارت جلیله امور خارجه

جناب اشرف مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه

دفتر مخصوص جناب اشرف

محمد حسن خان صنیع الدوله مقدم السفراء
محمد ابراهیم خان بدایع نگار میرزا نصر الله خان
نایب اول وزارت امور خارجه میرزا حسن خان
سر نایب کتابت اسرار و منشی مخصوص میرزا محمود
خان منشی مخصوص میرزا رضا منشی مخصوص
میرزا جواد خان منشی میرزا محمود منشی رموز
میرزا علی اکبر خان مترجم میرزا سید امیر منشی میرزا محمد رضا منشی

اداره میرزا محمد رئیس کل دفتر وزارت جلیله خارجه که واسطه مابین اداره‌ها و جناب اشرف است

میرزا محمد رئیس کل دفتر وزارت خارجه که واسطه
رجوع کل اجزای آن به جناب اشرف است
محمد طاهر میرزا نایب وزارت خارجه
میرزا سلیمان خان نایب وزارت خارجه
نجفقلی خان پسر مرحوم حاجی محمد باقر خان بیگلربیگی

حاجی رشید

حاجی رشید خان مستوفی میرزا عبد الوهاب خان
نایب وزارت خارجه حاجی میرزا علی اکبر خان
نایب وزارت خارجه میرزا شکر الله نامه نگار
میرزا عبد الرحیم خوش نویس میرزا محمد علی خان منشی
مخصوص وزارت خارجه میرزا عباسقلی خان
داروغه دفتر میرزا نصر الله منشی میرزا محمد
حسین سررشته دار و برات نویس میرزا علی
عزب دفتر

اداره منشآت و تحریرات

سفارتخانه‌های دول متحابه در دربار همایون

تحریرات و نوشتجات راجعه به سفارت دولت علیه روس در دار الخلافه طهران

میرزا عبد الله خان مدیر میرزا محمد قلیخان
معاون میرزا آقا منشی میرزا صادق سررشته دار
میرزا محمد حسین پسر مرحوم نجفقلی خان

تحریرات و نوشتجات راجعه به سفارتخانه دولت انگلیس

میرزا ابو طالب مدیر میرزا رحیم منشی شیرازی
میرزا حسین خان منشی پسر مرحوم میرزا شفیع خان
میرزا نجفعلی محرر

نوشتجات و تحریرات راجعه به سفارتخانه دولت علیه عثمانی

حاجی میرزا سید رضی مدیر میرزا ابو القاسم معاون
میرزا مسیح محرر میرزا عبد الوهاب محرر
میرزا مطلب

دفتر وزارت خارجه

میرزا محمد علی ناظم مأمور اسلامبولی میرزا رضی دفتر دار
میرزا محمد حسین دفتر دار میرزا اسد الله کتابچه نویس
میرزا عبد المطلب

تحریرات و نوشتجات راجعه به سفارتخانه دولت اتریش و فرانسه

میرزا حسنخان نایب وزارتخارجه مدیر میرزا حسین
خان نایب وزارتخارجه معاون میرزا اسحق
خان منشی میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا
اسمعیل خان میرزا علی محمد محرر

اداره رجوعات تجارتی و محاکمات

میرزا جواد خان نایب وزارتخارجه حاجی میرزا
حسن منشی حسینعلی میرزا پسر مرحوم حاجی محمد زمان
میرزا

اداره پیغامات جناب اشرف به سفرای دول متحابه مقیمین طهران

میرزا مهدیخان مدیر میرزا ابو طالب منشی
پسر کاظم بیک غلامباشی

طبقات صاحبمنصبان که هر وقت اقتضا نماید به خدمات مقتضیه مأمور خواهند شد

طبقه اول

حاجی میرزا زمان خان میرزا یوسف خان
سرتیپ اول مأمور تبریز اسمعیل خان قاجار
نوه آصف الدوله مرحوم

میرزا بزرگ خان سرتیپ اول مامور مجلس مذاکرات و تحقیقات خالصجات دولتی در دربار همایون محمد علیخان سرتیپ دوم عبدالحسین خان سرتیپ دوم محمد قلی آقا میرزا نصرالله خان مامور فابنات میرزا غلامحسین میرزا ابوالقاسم خان

طبقه دوم

اللهیارخان علیخان پسر ملک الشعراء زکی خان محمد حسنخان غلام پیشخدمت مامور مازندران میرزا کاظم میرزا ابوالقاسم منشی میرزا محمود خان مامور بحر العجم میرزا حسین خان پسر مشار الیه

طبقه سیم

احمد علیخان شاه محمد خان محمد حسن بیک داراب بیک جواد بیک اسمعیل خان

طبقه مترجمین

میرزا رضا خان سرتیپ رئیس مترجمین آجودان مخصوص میرزا علیخان مترجم فرانسه و انکلیس و نمسه میرزا هارطون مترجم فرانسه و انکلیس و روس میرزا مهدی مترجم فرانسه میرزا پطروس خان مترجم روسی مامور بسرپرستی نصارای ارومی میرزا غلام حسین مترجم روسی و آجودان وزارت خارجه

طبقه آجودانهای جناب اشرف

حاجی عبدالعلی خان سرهنک اسمعیل خان ماکوئی رئیس کل آجودانهای جناب اشرف محمد خان میرزا مسعود خان فیروزکوهی

طبقه مهندسین

میرزا عباس خان سرتیپ مخصوص حضور و نثر لفایح وزارت خارجه رئیس مهندسین میرزا عبد الرحیم خان محمد تقی خان سرهنک مقدم اسدالله خان میرزا علی اشرف خان سرهنک

میرزا حسین نقاش

طبقه اطباء

میرزا ابوالقاسم حکیم باشی میرزا عبدالوهاب

میرزا عبدالله مسیو بیکمز

سفرا و مامورین دولت علیه ایران در دول متحابه خارجه

سفارتخانه اسلامبول

حاجی محسن خان معین الملک وزیر مختار میرزا محمد علی ناظم مامور مجلس تفتیش ترجمان مستشار میرزا جواد خان مترجم اول احمد آقا مترجم میرزا آقا منشی حاجی میرزا نجفعلی مترجم ترکی جودجکی افندی ترجمان تجارت میرزا محمد علی مترجم دکتر پاپادوکا حکیم سفارت مامور در مجلس صحیه حاجی آقا بیک ترجمان ضبطیه

سفارتخانه لندن

میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر مختار میرزا میکائیل خان نایب میرزا علی نایب و منشی مستر لنج جنرال قونسول

سفارتخانه پطربورغ

میرزا عبدالرحیم

میرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک وزیر مختار موقتا احضار شده میرزا اسدالله خان شارژدافر مامور پطربورغ میرزا علینقی منشی حکیم فاده

سفارتخانه پاریس

نظر آقا وزیر مختار میرزا احمد خان نایب و منشی فهرمان خان مترجم دکتر بیار مسیو اسپنهایم جنرال قونسول مسیو مرهال وکیل کارپردازی در پاریس مسیو کاردالو کارپرداز در شهر بردو مسیو دوپله در شهر مارسیل مسیو دلامارکا کارپرداز در شهر هاور

کارپردازخانه بغداد

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز اول میرزا طهماسب قلی عزیز افندی کاتب ترکی میرزا محسن منشی میرزا احمد منشی

نواب نجف اشرف و کربلای معلی

نجف اشرف

میرزا محمد بیک نایب

کربلای معلی

حاجی میرزا ابوالقاسم نایب کربلای معلی میرزا اسمعیل ترجمان میرزا علی محمد کاتب ترکی

سایر اماکن متبرکه و غیره

نایب کاظمین حسن افندی نایب سامره میرزا ابوالقاسم نایب خانقین محمد اسمعیل بیک نایب مسیب حاجی محمد نایب یعقوبیه حاجی عباسقلی نایب عماره اسکندر بیک نایب بصره حاجی ملا رضا نایب حله یوسف خان

نایب مندلیج علی بیک نایب سلیمانیه عبدالله آقا نایب قصر شیرین حسنخان نایب عزل رباط محمد جعفر نایب مشهدی کاظم امیر السفراء وکیل کارپردازی بغداد و بمبئی و ابوشهر و اصفهان و کیلان

کارپردازی مصر

میرزا احمد خان کارپرداز اول رعنا افندی نایب میرزا رضی منشی و نیب قونسول در اسکندریه یعقوب افندی دفتردار

کارپردازخانه ارض روم

میرزا علی اکبر خان کارپرداز میرزا محمد حسین نایب و منشی

کارپردازی شام

حاجی محمد صادق خان کارپرداز شام

کارپردازخانه طرابزن

میرزا محمود خان سرهنک کارپرداز علی بیک مترجم

قونسولها و مامورین در خاک دولت عثمانی

آقا محمد قونسول ازمیر میرزا شکرالله قونسول حلب حاجی محمد باقر وکیل التجاره جده میرزا هادی وکیل التجاره بیت المقدس محمد آقا وکیل التجاره بروسا محمد بیک وکیل التجاره صامسون میرزا عیسی وکیل التجاره ادنا و طرسوس حاجی حبیب بیک وایس قونسول وان موسیو انینا وکیل التجاره ازناکیا

کارپردازخانه تفلیس

میرزا اسدالله خان کارپرداز میرزا محمود خان وکیل میرزا مصطفی نایب میرزا معصوم مترجم

میرزا اسمعیل منشی میرزا محمد بیک دفتردار

کارپردازخانهٔ حاجی طرخان

میرزا احمد خان سرتیپ کارپرداز میرزا موسی منشی مترجم میرزا علی اکبر خان قونسول پطرسبورغ

کارپردازخانهٔ بمبئی

میرزا فضل الله خان کارپرداز میرزا سید علی منشی

مترجم انکلیسی

بلجیک

مسیو بونسل جنرال قونسول در شهر بروسیل

مسیو کلی کیرماکینه کارپرداز در شهر لیژ

مسیو مستداه کارپرداز در شهر قان

وینه

میرزا حسن وین قونسول

مامورین و کارگذاران مهام خارجه در ممالک محروسه

اذربایجان

علیخان سرتیپ اول کارگذار حاجی میرزا صادق نایب اول میرزا حسن خان نایب حاجی میرزا باقر نایب حاجی میرزا معصوم منشی اول قلیخان اجودان میرزا محمد خان وقایع نگار میرزا ابراهیم خان منشی مهام خارجه میرزا لطفعلی منشی میرزا مهدی ایضا میرزا محمود ایضا میرزا محمد علی ایضا ساطور خان مترجم عباسعلی خان امین الوزاره رئیس امنای تذکره اذربایجان

میرزا محمد حسین منشی و نایب میرزا پطروس خان سرپرست نصارای دارامنه و یهود و ادومی سلماس

مسیو درمی نایب و مترجم

کرمانشاهان و کردستان

کرمانشاهان

میرزا هادیخان کارگذار میرزا نقیخان نایب

کردستان

میرزا سید رضا کارگذار میرزا علیخان نایب

میرزا احمد خان منشی

گیلان واسترآباد ومازندران وغیره

گیلان

میرزا معصوم خان سرتیپ میرزا حبیب الله امین تذکره

استراباد

میرزا اسحق خان حاجی میرزا طاهر نایب و منشی

مازندران

میرزا مهدیخان کارگذار

بندر جز

میرزا علینقی وقایع نگار

مشهد سر

میرزا عبد الوهاب امین تذکره

فارس وغیره

حاجی میرزا صادقخان کارگذار میرزا محمد خان نایب میرزا محمد خان کارگذار خارجه بوشهر میرزا عبد الله خان کارگذار بندرعباس میرزا اقا وقایع نگار لنگه محمد حسین بیک امین تذکره محمره

اصفهان

اصفهان

محمد جعفر خان کارگذار اسمعیل خان نایب

کاشان

میرزا فرج الله خان کارگذار

یزد و کرمان

ملا کیخسرو سرپرست زردشتی

سفرا و مامورین دول متحابهٔ خارجه در دربار دولت علیه و سایر ولایات محروسه

از انکلیس در طهران

جناب وزیر مختار ولیم طیلر طامسن صاحب رانلد طامسن صاحب مستشار سفارت ولیم دکسن صاحب نایب اول مگرهٔ صاحب نایب دوم مستر فنن پرو قونسول برجوزف دکسن حکیم سفارت محمد حسینخان نواب منشی اول میرزا جان منشی میرزا سید محمد منشی میرزا اسمعیل منشی چهارم

در تبریز

ابت جنرال قونسول میرزا علی اکبر خان منشی

در رشت

چرچیل صاحب قونسول میرزا نصر الله منشی

در سایر ولایات

مستر اقانور وکیل التجاره در اصفهان میرزا حسن علی خان در شیراز میرزا عباس خان در خراسان اقا حسن در کرمانشاهان اقا سید حسین در همدان محمد قلی در استراباد

بندر بوشهر

کلونل راس بالیوز کپیتان بری دوجانشین بالیوز مونتی مستر ادواردسن مستر لوکس حکیم دارنس مستر ماریزوس نویسنده مستر هود نویسنده مستر کانسند ایضا مستر اوید ایضا

از فرانسه در طهران

جناب مسیو ملینه وزیر مختار و ایلچی مخصوص مقیم طهران مسیو مارای نایب مسیو سرسه لبشر و اجزای سفارت مسیو برنه مترجم اول مسیو لوه مترجم دوم و دفتردار

میرزا یوسف منشی اول

دار السلطنه تبریز وغیره

مسیو امرا قونسول مسیو برژان دفتردار ۲ دیست و مترجم

کارگذاری دولت فرانسه بقونسولگری دوس سپرده است

از روس در طهران

جناب دبیسوی مثل نو اسطاطسکی ساودنیک مسیو زینا و یف ایلچی مخصوص و وزیر مختار نادوورنی ساودنیک مسیو شیمانوفسکی نایب اول نادوورنی ساودنیک مسیو پطروف نایب دوم و خزانه دار سفارت تی تولار نی ساودنیک مسیو غریغوریچ مترجم اول و دوم سفارت کالژسکی سکرتر مسیو فنلی بوف صاحب منصب سفارت مسیو باخطونوف صاحب منصب سفارت کالژسکی ساودنیک مسیو کوزمینسکی حکیم باشی سفارت مسیو نلوفی پولکونیک اطاشه میلیتر میرزا عبد المجید خان منشی اول سفارت میرزا عبد الله منشی دوم میرزا ابو القاسم خان منشی سیم

جنرال قونسول لکری در تبریز

کالژسکی

کالژیکی ساودنیک مسیو کرابا جنرال قونسول
تی‌تو لاردی ساودنیک مسیو شولژفسکی نایب جنرال
قونسولکری کالژسکی سکرتر مسیو کاخانوفسکی
مترجم جنرال قونسولکری کالژسکی سکرتر مسیو
یونانی دین صاحب منصب جنرال قونسولکری
میرزا عبد الکریم منشی جنرال قونسولکری میرزا
علی اشرف خان منشی جنرال

قونسولکری رشت

کالژسکی آسه‌سور مسیو نود قونسول کالژسکی
سکرتر مسیو ولاسوف نایب و مترجم قونسولکری
میرزا عبد الوهاب منشی

قونسولکری استراباد

نادورنی ساودنیک مسیو یاقولین قونسول کو
برنسکی سکرتر مسیو اشجلکو نوف صاحب منصب
میرزا محمود منشی

از آستریه و مجارستان در طهران

جناب توچینسیکی شارژدفر مسیو نیشان رئیس
ضرابخانه دولت علیه ایران مسیو ریدرر رئیس
پستخانه دولت علیه ایران میرزا محمد حسین منشی

از عثمانی در طهران

جناب اسمعیل افندی شارژدفر فؤاد بک آتشه ملیر
منشی اول میرزا حسنخان

باش شهبندری تبریز

علی محجب بک باش شهبندر میرزا حاجی آقا منشی

کرمانشاهان

احمد عزت افندی شهبندر

بوشهر

خالد افندی شهبندر میرزا حسین منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهبندر

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهبندر

خوی

یمنو افندی شهبندر

خلوت همایونی

ارباب مناصب

جناب معتمد الملک وزیر مخصوص امین خلوت و ریش
سفید خلوت همایونی حکیم الممالک پیشخدمت باشی
سلام امین السلطنه جامه‌دار خاصه غلام
حسین خان خازن رکیبخانه

سایر

مهدیقلیخان وجیه الله میرزا خزانه‌دار نظام ادیب
الملک حاجب الدوله امین حضور محمد حسنخان محقق
محمد حسنخان پیشخدمت و فراشباشی نواب اشرف والا
نایب السلطنه سلطانحسین میرزا فرخ خان
میرزا احمد خان میرزا عبد الله خان جبار خان
اقا علی امین صره عمید الملک ناظم خلوت

دار النظاره خاصه مبارکه و غیره

جناب عضد الملک خوانسالار ایلخانی و خازن مهر
مهر اثار همایون محمد قلیخان پیشخدمت و نایب ناظر
میرزا زین العابدین سرپشته‌دار میرزا جانی مشرف
حاجی قاسم شربتدارباشی میرزا محمد رضا تحویلدار

صندوقخانه مبارکه

بریاست حاجی وجیهخان خازن الملک سلطانحسین میرزا
نایب صندوقخانه مبارکه میرزا حسین مشرف

دار الترجمه خاصه همایونی

بریاست ضیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون
مسیو ریشارد خان سرنایب مترجم زبان فرانسه و انکلیس
میرزا محمد رضا مترجم زبان فرانسه میرزا علیخان
مترجم زبان فرانسه و انکلیسی میرزا عیسی خان مترجم
مترجم مخصوص زبان فرانسه ماد روس خان مترجم
زبان روسی و فرانسه

اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیمباشی ملک الاطباء میرزا کاظم
شیخ الاطباء میرزا حسینعلی تیمور میرزا میرزا زین
العابدین کاشانی میرزا لقمن ولد ملک الاطباء
مسیو هیدنر دندانساز

فراشخلوت و قاپوچیان دربار طاق همایونی

غلامعلیخان قاپوچی مخصوص درباطاق همایون
میرزا محمد کروسی ایضا میرزا کریم محمد خان فراش خلوت ۲ صادق

قهوه‌خانه مبارکه

حسنخان قهوه‌چی باشی اقا جبار قهوه‌چی

تفنکداران خاصه

بریاست امیر خلوت تفنکدارباشی رضا قلیخان
محمد زمان خان رستم خان مصطفی قلیخان
میرزا ابو الفتح خان علی اکبر خان شیرازی الله خان قراباغی حلبی نقیخان
علیخان میرزا باقر خان جلیخان اسمعیل خان فرجخان
اسد الله خان حسنخان پسیان حاجی نصر الله خان محمد کریمخان خرمان خان

خواجه‌سرایان

حاجی آغا جوهر خواجه باشی اغا محراب حاجی اغا
فیروز اغا حسن حاجی غلامعلی حاجی سرور
اغا سید اسمعیل اغا بهرام اغا فتح الله
اغا فرج

و تفنکدارباشی

وزارت دربار اعظم

جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم
میرزا احمد سررشته دار مخصوص وزارت دربار

کشیکخانهٔ مبارکه

عبدالله خان قوللر اقاسی باشی وکیل لشکر مباشر
محاسبات کشیکخانه و لشکر نویس میرزا رضا سررشته دار
میرزا محمد علی سررشته دار

یوزباشیان از حاضر رکاب وغیره

محمد حسن میرزا رستمخان عباسقلیخان عبدالله خان
حیدر قلیخان کلبعلیخان محمد حسینخان هاشمخان
محمد قلیخان عزت الله خان خانلرخان طهماسب قلیخان
مامور آذربایجان محمد قاسمخان مامور آذربایجان سعدالله
خان مامور آذربایجان محمد حسن خان

غلام پیشخدمتان

حسینعلیخان غلام پیشخدمتباشی مرتبهٔ اول ده نفر
مرتبهٔ دوم بیست و پنج نفر مرتبهٔ سیم هجده نفر
مرتبهٔ چهارم هفتاد و دو نفر

ایشیکخانهٔ مبارکه

بریاست علیخان ایشیک اقاسی باشی

نایبان

محمد امین خان قاجار محمد خان قاجار حسینقلیخان
ولد نواب حاجی صاحبقران میرزا جعفر قلیخان قاجار
مصطفی قلیخان قاجار محمد حسن خان رضا قلیخان
قزوینی امان الله خان قاجار حاجی حسینخان برو جردی
محمد علیخان نوائی محمد علیخان برادر شهباز خان ابو
الفتح خان برادر ایضا عباسقلیخان ولد مرحوم شهباز خان

غلام حسین خان محمد خان نوائی ولد مرحوم عمید الملک
مهدیقلیخان نوائی ولد میرزا افضل الله خان

فراشخانهٔ مبارکه

محمد حسنخان فراشباشی محمد اقا قاپوچی باشی
اقا سید حسین حمام باشی میرزا علی اکبر مشرف

نایبان چهل و دو نفر

سرایدارخانهٔ مبارکه

محمد ابراهیمخان سرایدارباشی نایبان سرایدارخانه هشت نفر

غلامان مهدیه

بریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

یوزباشیان و غلامان

اقاجان خان پاشاخان حاجی حسینخان میرزا
نقی خان جهان شاه خان

نسقچیخانهٔ مبارکه

محمد حسنخان نسقچی باشی

نایبان

عباسخان قاجار هادیخان قاجار یوسفخان
محمد زمان خان قاجار میرزا اقا تبریزی خان باباخان
ابوالقاسمخان قاجار میرزا حسین مشرف محمد رضا
خان قاجار میرزا محمود علی اصغر بیک

جارچیان

محمد هاشمخان جارچی باشی حسنخان نایب
یحیی خان ایضا ابراهیم خان ایضا غلام حسین خان ایضا

مشاطران

بریاست حاجی محمد قلیخان صارم الملک نصرالله خان سالار باشی

اداره باغات و عمارات و قنوات و خیابانهای دولتی

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون
حاجی میرزا حسین معمار حاجی ابوالحسن معمار مخصوص
اقا سید جعفر مقنی باشی

ادارهٔ باغات

محمد باقر بیک باغبان باشی کریمخان میرزا اسد علی
مشرف باغبانان و سرایداران میرزا عبد المجید
نایب سلطنت اباد

ادارهٔ احتساب خیابانها و معابر دولتی

محمد تقی بیک نایب ابری نایب قلی
میرزا ابوالقاسم مشرف

وزارت جلیلهٔ مالیه و ادارهٔ خزانهٔ عامره که جزو وزارت عظمای کشور تیه است

امیر دیوان محمد خان معیر الممالک رئیس خزانهٔ عامره
میرزا محمد حسین مستوفی خزانهٔ عامره
میرزا شفیع سررشته دار و ضابط اسناد
اقا محمد علی تحویلدار خزانهٔ عامره
میرزا محمد مشرف خزانه
صرافان خزانهٔ عامره دو نفر

وزارت علوم و معادن وغیره

نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن وغیره

اجزاء وزارت علوم

جعفر قلیخان سرتیپ اول رئیس مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون
نایب وزارت علوم میرزا اسدالله خان نایب وزارت
علوم میرزا اسد باقر محاسب میرزا مسیح منشی

اجزاء مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون

رؤسا

محمد حسینخان سرتیپ ناظم مدرسه محمد تقی میرزا
سرهنگ و اجودان مدرسه محمد ابراهیم خان
سرهنگ و تحویلدار مدرسه میرزا اسحق سررشته دار
میرزا جعفر خان ناظر مدرسه اسدالله خان کتابدار

میرزا علی نویسندهٔ کارخانه میرزا نقی روزنامه نویس

معلمین وغیره

ایرانی

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا علی
دکتر معلم طب فرنگی میرزا عبد الغفار نجم الملک معلم
علوم ریاضی میرزا کاظم معلم علوم فزیک و شیمی
میرزا علی اکبر خان نقاشباشی معلم نقاشی ملا اسدالله
معلم فارسی و عربی استاد حیدر علی نجارباشی
میرزا رضا مؤذن

فرنگی

میرزا رضا خان معروف بمسیو ... سرتیپ معلم

زبان فرانسه مسیو پرویسکی سرتیپ معلم شاگرد نما
خارج و داخل مدرسه مسیو طلر معلم زبان انگلیسی
مادروس خان معلم درس زبان روسی مسیو ولیر
معلم علم معدن مسیو لمر معلم علم و عمل موزیک

خلفاء یازده نفر

میرزا جعفر خان خلیفه نقاشی میرزا حسین خلیفه
ایضا سایر خلفاء نه نفر

شاکردان

دویست و چهل و پنج نفر
شاکردان داخل مدرسه دویست و بیست نفر
داخل و خارج بیست و پنج نفر

اجزای مجلس کمیسیون حفظ صحت

اطبای ایرانی

میرزا کاظم ملک الاطباء میرزا سید علی حکیم باشی نظام
میرزا ابو القاسم معلم طب ایرانی مدرسه میرزا
علی دکتر معلم علم طب فرنگی مدرسه میرزا زین العابدین
کاشانی طبیب حضور همایون میرزا سید علی طبیب حضور
همایون میرزا علی اکبر خان حکیمباشی مریضخانه
حاجی میرزا ابو الفضل ساوجی

اطبای فرنگی

دکتر طولوزان طبیب مخصوص حضور همایون حکیم کاستالدی
طبیب سفارت دولت علیه عثمانی حکیم دکسون طبیب
سفارت دولت بهیه انکلیس حکیم کوزمی نسکی طبیب
سفارت دولت بهیه روس حکیم بیکر طبیب سفارت
دولت بهیه انکلیس حکیم بکمز

اجزای مریضخانه

میرزا علی اکبر خان حکیمباشی رئیس مریضخانه میرزا علی
خان طبیب میرزا نصرت طبیب حسن خان طبیب
میرزا ابو القاسم طبیب میرزا نصیر دواساز
میرزا محمد طبیب میرزا علی اکبر طبیب میرزا حسین
طبیب مؤذن و پیش نماز یکنفر مباشر دو نفر
فراش و عمله جات بیست نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

میرزا عباسخان سرهنگ رئیس مدرسه اقاخان ناظم
و معلم درس زبان فرانسه محمد جعفر خان معلم علم طب
محمد میرزا معلم علم هندسه غفار خان معلم پیاده نظام
نجفقلی خان معلم توپخانه میرزا فتحعلی خان سررشته دار
میرزا عباسقلی ناظر معلم فارسی یکنفر ده باشی و فراش چهار نفر
عمله کارخانه دو نفر متعلمین داخل و خارج چهل نفر

اجزای مجلس تالیف کتاب رجال

اقا میرزا سید علی حاجی میرزا ابو الفضل
اقا میرزا حسن اقا شیخ مهدی مترجم ملا اقا مترجم
میرزا محمد حسین رئیس الکتابخانه میرزا مهدی
منشی میرزا طاهر کاتب پیشخدمت و فراش و قهوه‌چی چهار نفر

اجزای وزارت معادن

حاجی علی اکبر امین معادن میرزا عبد الکریم سررشته دار و
منشی حاجی علی اصغر مباشر حاجی میرزا عبد الکریم
مامور خراسان شیخ عباس معدنچی

معمارخانه

بریاست نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم
محمد ابراهیم خان معمار باشی میرزا زین العابدین خان مستوفی
میرزا حسین سررشته دار حاجی ابو الحسن معمار مخصوص

وزارت عدلیه عظمی که جزو وزارت جلیله کشور است

نواب والا امیر الدوله وزیر عدلیه عظمی
میرزا محمد علی صندوقخانه مبارکه حاجی محمد خان اعتماد
الملک حیدر قلیخان قاجار میرزا حسن مستوفی دیوان
حاجی میرزا علی رئیس میرزا علی مستوفی میرزا عبد
الحسین احکام نکار

منشیان

میرزا محمد حسین منشی نوری میرزا ابراهیم منشی فرونی
میرزا ابو القاسم منشی شیرازی میرزا علی منشی کیلانی
میرزا علیرضا منشی نوری میرزا محمد حسین منشی نوائی
میرزا عبد الغنی کتابچه نویس میرزا محمد حسین منشی
میرزا جواد منشی میرزا محمد علی منشی میرزا فضل الله
منشی میرزا عبد الرحیم منشی میرزا علیخان منشی
حاجی میرزا زین العابدین منشی میرزا اسد الله منشی

دیوان مظالم

حاجی جنیخان رئیس میرزا موسی منشی میرزا اسمعیل
و میرزا غلام حسین ولدان میرزا موسی میرزا حسین
منشی نوری میرزا حسن پسر میرزا موسی منشی ۲ میرزا
محمد منشی میرزا محمد حسین تفرشی منشی میرزا رضا
منشی میرزا محمد علی منشی میرزا احمد
میرزا حسن داروغه

۲ میرزا عبد الغنی منشی
میرزا باقر منشی

وزارت وظایف و اوقاف که جزو وزارت عظمی کشوریه است

جناب مجد الملک وزیر وظایف و اوقاف
میرزا مهدی نایب الوزاره حسام السادات نایب وزارت
وظایف و اوقاف میرزا نصر الله سررشته دار
میرزا مصطفی خان منشی میرزا محمد علی منشی

اسامی مامورین ولایات از وزارت وظایف و اوقاف

دار الخلافه طهران	میرزا علی قلیخان
اذربایجان	میرزا عظیم مستوفی و وزیر وظایف
فارس	میرزا اشرف مستوفی
خراسان	میرزا حسن
اصفهان	میرزا سلیمان خان
یزد	میرزا سید حسین ناظم العلماء
کرمان	میرزا محمود
کرمانشاهان و کردستان	علی اصغر خان
سمنان و دامغان	میرزا محمد علی
شاهرود و بسطام	میرزا تقی
قزوین	میرزا محمد حسین
زنجان	میرزا یوسف
مازندران	میرزا عیسی
کیلان	میرزا هاشم
استراباد	میرزا مهدی
دماوند و فیروزکوه	میرزا طهماسب
کاشان	میرزا غیاث
قم	میرزا اقا
همدان	میرزا محمد حسین

عراق میرزا محمود

کلپایکان و خوانسار

میرزا زین العابدین

ملایر و تویسرکان میرزا علی

نهاوند میرزا محمد علی

وزارت فواید عامه که جزو وزارت کشوریه است

جناب حسینعلی خان امیر تومان وزیر فواید عامه

میرزا زین العابدین نایب دوم میرزا

بزرک منشی میرزا ابو القاسم

دفتردار

وزارت تجارت که جزو وزارت عظمای کشوریه است

جناب نصیر الدوله وزیر تجارت

امرای وزارت تجارت

نواب نصر الله میرزا نایب اول وزارت تجارت ممالک محروسه

حاجی میرزا کاظم سررشته دار اقا میرزا اسمعیل منشی

اقا میرزا سید ابراهیم سررشته دار اقا میرزا علی اکبر سررشته دار

میرزا حبیب الله خان منشی میرزا محمد صادق منشی

حاجی میرزا محمد علی نایب وزارت تجارت ممالک محروسه

رؤسای تجار دار الخلافه

حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک محروسه حاجی میرزا نقی

آقای تبریزی اقا محمد صادق ارباب قزوینی اخوند ملا

محمد حسین تبریزی حاجی احمد اقای تبریزی حاجی علی اکبر

شیرازی حاجی سید ابراهیم کاشانی اقا سید محمود پسر مرحوم

حاجی سید حسین حاجی علینقی کاشانی حاجی محمد حسن اصفهانی

حاجی محمد حسین تبریزی حاجی محمد حسین کاشانی اقا محمد

امین طهرانی اقا عبد الباقی طهرانی اقا محمد ابراهیم

طهرانی معروف بکرمانی اقا محمد ابراهیم طهرانی معروف

بحاجی قاسم بیکی حاجی عبد اللطیف شیرازی

حاجی علی اکبر دهدشتی حاجی محمد حسین ارباب طهرانی

اقا محمد حسن ارباب طهرانی اقا علی مقدم قزوینی حاجی اقا موسی

ارباب طهرانی اقا محمد حسین ارباب طهرانی حاجی شیخ ابو الفتح

طهرانی اقا علی ارباب طهرانی حاجی محمد صادق کاشانی

حاجی اقا محمد کاشانی اقا محمد حسین اصفهانی معروف بحاجی سمیع

وزارت کمرک که جزو وزارت کشوریه است

جناب امین لشکر وزیر کمرکخانهای ممالک محروسه کل

میرزا نجفعلی سررشته دار میرزا علی اکبر ایضا اقا علی محمد

معین التجار معاون حاجی محمد حسن مقوم میرزا سمیع منشی باشی

اذربایجان

مدیر کل میرزا شکر الله سایر شش نفر

بوشهر و شیراز

مدیر کل محمد رضا خان بیکلربیکی سایر دو نفر

اصفهان رئیس کل رحیم خان بیکلربیکی نایب کریم خان

کرمانشاهان رئیس کل خان دارنده مرحوم اسمعیل خان یزد رئیس

اسد الله خان سایر دو نفر کرمان رئیس مرتضی قلی میرزا سایر دو نفر

بروجرد رئیس موسی خان همدان رئیس میرزا احمد سررشته دار یکنفر

قزوین حاجی نعمت الله سررشته دار یکنفر خمسه رئیس میرزا علی اقا

یوسف وزنامه نویس کاشان اقا میرزا جان دار الخلافه مباشر میرزا

وزارت

وزارت تلکراف که جزو وزارت عظمای کشوریه است

جناب مخبر الدوله وزیر تلکراف

اجزاء تلکرافخانه مبارکه دار الخلافه طهران

صاحبمنصبان

حسینقلی خان ناظم میرزا فضل الله خان سرتیپ

نصر الله خان سرهنک رضا خان سرهنک میرزا

حسن سرهنک خداداد خان سرهنک جلیل میرزا

تحویلدار اسمعیل خان

ارباب قلم

میرزا سلیم سررشته دار منشی و محرر دوازده نفر

تلکرافچی بیست نفر غلام و فراش بیست نفر

خط فارس

قم

محمد مهدی میرزا رئیس میرزا نفر فراش نفر

کاشان

عیسی خان رئیس میرزا نفر تلکرافچی نفر فراش نفر

اصفهان

میرزا ابو القاسم خان رئیس میرزا دو نفر تلکرافچی هفت نفر

فراش چهار نفر

اباده

میرزا حسین یاور فراش نفر

شیراز و کازرون

نصر الله خان سرهنک رئیس میرزا نفر تلکرافچی پنج نفر فراش نفر

ابوشهر

عبد العلیخان سرهنک رئیس تلکرافچی نفر فراش دو نفر

خط اذربایجان

قزوین و منجیل

محمد مهدی میرزا رئیس میرزا نفر تلکرافچی پنج نفر

غلام چهار نفر فراش دو نفر

زنجان

اقا خان رئیس میرزا نفر تلکرافچی سه نفر غلام

هفت نفر فراش دو نفر

خط خراسان

حضرت عبد العظیم

تلکرافچی نفر فراش نفر

ایوان کیف

تلکرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

خوار

میرزا محمد علی تلکرافچی غلام دو نفر فراش نفر

سمنان

حاجی بابا خان رئیس تلکرافچی نفر غلام چهار نفر فراش نفر

دامغان

عبد الحسین خان رئیس تلکرافچی نفر غلام چهار نفر فراش نفر

شاهرود و میامی وغیره

میرزا موسی خان سرهنک رئیس میرزا نفر تلکرافچی

چهار نفر فراش چهار نفر غلام پانزده نفر

سبزوار و عباس اباد وغیره

عباسعلی خان سرهنک میرزا نفر تلکرافچی سه نفر

فراش چهار نفر غلام سیزده نفر

بزرك

نیشابور

میرزا عبدالوهابخان رئیس تلگرافچی نفر میرزا نفر فراش دو نفر غلام چهار نفر

مشهد مقدس

میرزا حیدرعلیخان سرتیپ و رئیس میرزا نفر تلگرافچی سه نفر غلام و فراش چهار نفر

استراباد

میرزا رضا قلی تلگرافچی فراش دو نفر غلام چهار نفر

خط خانقین

خان اباد

تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

نوبران

تلگرافچی نفر غلامان سه نفر فراش نفر

زره

ابراهیم خان فراش نفر

همدان

محمد صفی میرزا سرهنگ رئیس میرزا نفر تلگرافچی سه نفر غلام و فراش ده نفر

کنگاور

میرزا طاهر غلام دو نفر فراش نفر

کرمانشاه و سرحدات

میرزا جعفرخان سرهنگ رئیس عبدالحسین خان سرهنگ

میرزا نفر تلگرافچی شش نفر فراش چهار نفر غلام هفت نفر

ملایر

سیف الملوک میرزا رئیس میرزا نفر تلگرافچی نفر فراش و غلام چهار نفر

عراق

حبیب میرزا رئیس تلگرافچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

بروجرد

حاجی مهدیخان رئیس تلگرافچی نفر میرزا نفر فراش و غلام چهار نفر

کردستان و قروه

علی اصغرخان رئیس تلگرافچی دو نفر غلام چهار نفر فراش سه نفر میرزا نفر

خرم اباد و دزفول

میرزا حسین نایب رئیس تلگرافچی نفر غلام شش نفر فراش سه نفر

مامورین راه عربستان

تلگرافچی و غیره هفت نفر سیم کش نفر غلام نفر

صاحب منصبان خارجه

مامورین راه عربستان و کردستان و غیره

مسیو شنلر سرتیپ مسیو باطال

مسیو کاستالدی مسیو کرپاس بطر

دار الخلافه

مسیو شارل سرهنگ دفتردار خارجه

سایر ادارات

اداره جناب امین السلطان

موزه مبارکه

میرزا علی اکبر مستوفی اطاق موزه اقا باقر اقا محمد

مهدی ساعت ساز اقا یوسف خان سلطان عمله ده نفر

ابدارخانه مبارکه

اقا یوسف سقاباشی اقا محمد علی ابدارباشی اقا حسینعلی

ابدار مخصوص مرتضی خان ابدار حاجی حسن ابدار

اقا ابوالقاسم ابدار میرزا لطیف مشرف سقا و عمله

ابدارخانه پنجاه نفر

وجوهات مخصوص

اقا حسینعلی تحویلدار اقا باقر تحویلدار میرزا فضل الله

سررشته دار

زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم

میرزا علیخان نایب الحکومه حاجی سید اقا زید الدوله متولیباشی

استانه مبارکه میرزا هدایت نایب التولیه حاجی سید علی فراشباشی

سایر خدام و کلیدداران معروف استانه مقدسه بیست و شش نفر

انبار مبارک

تحویلدار کل اقا یوسف سقاباشی میرزا حسن سررشته دار

میرزا ربیع برات نویس میرزا ابوطالب روزنامه نویس

کربلائی اسدالله تحویلدار

متفرقه

نایب الحکومه تجریش فتح الله خان

یوزباشی ایل بیگی کل ایلات دار الخلافه که سوار شاهسون سه هزار

و پانصد و شصت و پنج خانوار و بیست و سه هزار و چهار و بیست و پنج نفر جمعیت

نایب الحکومه سواد کوه حاجی جعفر قلیخان

نایب کوه پر خانه حاجی محمد خان

نایب دهات لشتنشاء کیلان اکبر خان سرهنگ

نایب خوار محمد خان

دهات مرحوم محمد الدوله با غلامرضا بیگ

شترخانه و قاطرخانه و شتران کلانی و قاطرخانه

تخت و تخت خانه و شتران رسورات

میرزا سید کاظم مستوفی اقا علی صاحب جمع میرزا هاشمخان

مشرف کلانی میرزا علی محمد مشرف قاطرخانه نایب میرزا

محمد علی مشرف تخت خانه میرزا علینقی مشرف نایب باشی

تخت روان چهل و سی نفر

صاحب منصب و عمله جات شترخانه و قاطرخانه

و کلانی یکهزار و سیصد نفر

سوار

سوار خواجوند

سرهنگ علی اکبرخان نوری

سرکردکان چهار نفر

حسنخان محمد قلیخان فتح الله خان نعمت الله خان

ایل بیگی خواجوند حاجی اسمعیل

سواره و غیره

سوار چهارصد نفر

خانوار خواجوند و هزار خانوار و ده هزار نفس

سوار اصانلو و غیره

سرهنگ سوار اقا رضا خان

سوار اصانلو

سرکرده سیف الله خان سوار یکصد نفر

قراچورلو

سرکرده عزیز محمد خان سوار یکصد نفر

سوار نهاوند

سرکرده رحیمخان سوار یکصد و پنجاه نفر

اصطبل خاصه مبارکه

امیرزاده محمد حسین میرزا امیر آخور اصطبل مبارك

میرزا رضاقلی سررشته‌دار حاجی میرزا رضا مشرف

میرزا مهدی مشرف

نایبان

رشید خان میرزا ابراهیم خان حاجی نایب

سایر نایبان بیست نفر

سایر اجزاء و غلامان از جلودار و غیره صد و پنجاه و شش نفر

چاپارخانه کل ممالک محروسه

ضرابخانه جدید البنای فرنگی بریاست جناب امین الملك

وزیر رسایل خاصه حضور همایون

میرزا رحیم نایب جناب امین الملك

اداره پستخانه کل ممالک محروسه

مسیو ریدرر رئیس کل اداره پستخانه‌های ممالك

محروسه مسیو نیکلا سیمینو نایب اول و مختار

کل اداره آقا میرزا محمد علی قاجار منشی مخصوص محمد میرزا مترجم

میرزا محمد علی رئیس اطاق پستخانه دار الخلافه سرهنگ سایر اجزاء ۲۵ نفر

ضرابخانه جدید البناء

مسیو پیچان رئیس کل ضرابخانه اسدالله خان مترجم

اجزاء و اصحاب عمل پنجنفر

ضرابخانه قدیم

بریاست امیر دوست محمد خان معیر الممالك

خزانه صرف جیب و عکاسخانه مبارکه

آقا رضا اقبال السلطنه مخصوص خازن صرف جیب و رئیس عکاسخانه مبارکه و سایر عکاسخانه‌های دولت علیه

میرزا هاشم سررشته‌دار صرف جیب میرزا زین العابدین امین

آقا غلامحسین تحویلدار صرف جیب میرزا حسینعلی

عکاس عکاسخانه همایونی

کالسکه‌خانه مبارکه

بریاست معیر الممالك رسولخان کالسکه‌چی باشی

حاجی چراغ علی بیك نایب نایبان جزو هشت نفر

میرزا یعقوب مشرف کالسکه‌چیان یکصد و سی و نه نفر

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار حبیب الله خان

سایر اتباع معروف نه نفر

زرگرخانه مبارکه

بنیاباشی استاد ابراهیم زرگرباشی

اداره دار الطباعه مبارکه و روزنامجات دولتی و سایر باسمه‌خانه‌های ممالک محروسه

بریاست صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون

اداره روزنامه ایران

میرزا سید حسن مستوفی روزنامه و دار الطباعه میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامه ایران

میرزا علی محمد ناظم اداره روزنامه میرزا ابو القاسم منشی

میرزا عباس نقاش و استاد مخصوص مباشر باسمه‌خانه مبارکه و غیره میرزا سید علی مرتب حروف فرنگی و ایرانی

میرزا کوچك مرتب مخصوص حروف روزنامه ایران سایر مخبرین و نوبسندکان سه نفر

شاگردان حروف چین پنجنفر عمله طبع ده نفر فراشان هشت نفر

یوزباشی نفر سایر هفت نفر

مترجمین دار الطباعه

میرزا محمد رضا مترجم فرانسه میرزا علیخان مترجم زبان فرانسه و انگلیس

میرزا عیسی خان سرهنگ مادروس خان مسیحی مترجم فرانسه مترجم فرانسه و روسی

اداره روزنامه علمی

میرزا سید حسن مستوفی و مباشر روزنامه علمی

میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی و مصحح روزنامه علمی

میرزا علی محمد ناظم اداره

میر محمد علی کاتب روزنامه

میرزا عباس استاد طبع

فراشان و محصل اخبار دو نفر فراشان روزنامه دو نفر

باسمه‌خانه‌های آذربایجان بریاست میرزا عباسخان سرهنگ و رئیس تلگراف

ولایات محروسه
دار الخلافه طهران

نواب اشرف والا شاهنشاه زاده نایب السلطنه امیر کبیر حکمران دار الخلافه و غیره

میرزا محمود مستوفی کرکانی وزیر دار الخلافه

علماء

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه جناب صدر العلماء
جناب آقا سید صادق جناب حاجی ملا علی
جناب آقا میرزا صالح عرب جناب حاجی ملا هادی
جناب حاجی ملا محمد جعفر جناب حاجی سید حسین
جناب ملا محمد تقی جناب آقا شیخ جعفر ولد مرحوم حاجی شیخ محمد
جناب حاجی ملا آقا بزرگ جناب حاجی آقا محمد
جناب میرزا احمد شیخ الاسلام

اعیان و اشراف و امرا و خوانین از رجال دولتی و غیرهم

جناب میرزا محمد خان نظام العلما حاجی میرزا خان مستشار الدوله
اعتماد الدوله جبلقلی خان ولد آصف الدوله آقا سردار
ولد سپهدار عین الملوک محمد کریم میرزا ولد اعتضاد الدوله
عباس میرزا ولد ایضا فتحعلی خان ولد ایضا محمود خان
ملک الشعرا آقا شیخ علی جناب نایب نظام العلماء میرزا
جعفر حکیم الهی سلیمان خان ولد مرحوم حاجب الدوله
حسینعلی خان ولد مرحوم اعتماد الدوله رضا قلی خان
عباسعلی خان ولد مرحوم سلیمان خان محمد تقی خان ولد
سهراب خان اسمعیل خان بشیر الدوله میرزا محمد خان
غلامحسین خان میرزا صادق خان ولد مرحوم میرزا حسن خان
وزیر نظام محمد خان ولد مرحوم احمد خان عمید الملک
محمد حسن خان ولد ایضا حاجی حسین خان ولد ایضا

اولاد مرحوم محمد باقر خان بیگلربیگی و غیرهم

حاجی علیخان محمد مهدی خان عباسخان محمد هادی خان
عبدالله خان پیشخدمت باشی نواب اشرف والا نایب السلطنه
سلطان حسین میرزا ولد پرویز میرزا امان الله خان
امیر اصلان خان غلامحسین خان سلیمان خان
فضل الله خان محمد ابراهیم خان برادرزاده حاجی آصف الدوله
محمد جعفر خان ولد مرحوم عیسی خان بیگلربیگی حسین خان
محمد کاظم خان هدایت خان زین العابدین خان
لطفعلی خان علی اکبر خان نجفقلی خان محمد باقر خان
احمد خان امیر اصلان خان اسمعیل خان ولیخان
محمد حسن خان ولد مرحوم معتمد الملک عباسخان ولد مرحوم ایضا

امرا و حکومت دار الخلافه

صدیق الدوله مباشر خالصجات حاجی میرزا تقی کلانتر

کدخدایان محلات

میرزا سید یوسف کدخدای سنگلج میرزا سید احمد کدخدای
محله بازار میرزا بزرگ کدخدای چالمیدان میرزا حسن
کدخدای بیرون دروازه شمیران و توابع میرزا حسین
کدخدای محله عودلاجان

سررشته داران

میرزا جعفر سررشته دار میرزا حسین ایضا

منشیان

میرزا

میرزا هاشم خان میرزا محمد میرزا علی نقی خان

ادارهٔ مخصوص حضرت اشرف والا نایب السلطنه

حاجی بهاء الدوله رئیس اول پیشکار مخصوص محمد خان
میرزا ابو القاسم آجودانباشی جناب ملا باشی محمد حسین
خان فراشباشی و پیشکار ساوه و زرند و غیره
حاجی نصرالله میرزا امیر آخور جمشید میرزا صاحب جمع
عبدالله خان پیشخدمت باشی امیرزاده آقا سردار پیشخدمت
خاصه عباسقلی خان مترجم و صندوقدار میرزا عباسقلی پیشخدمت
خاصه اکبر خان ناظر

مستوفیان پنج نفر

یکنفر میرزا علینقی سایر چهار نفر

منشیان سه نفر

میرزا محمد حسین کاتب السلطان میرزا علی اکبر منشی مخصوص میرزا ...

کشیکخانه

محمد اسمعیل خان کشیکچی باشی
رضا خان یوزباشی عبدالله خان تفنگدار باشی
عنایت خان شاطر باشی
رحیمعلی ... باشی ...

سایر ممالک و ولایات محروسه

مملکت آذربایجان

نواب اشرف والا شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد دولت
کردون مهد صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان
میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان وزیر نظام و پیشکار
مملکت آذربایجان
عمید الدوله کیومرث میرزا حکمران خوی و سلماس

دار السلطنه اصفهان و بروجرد و بختیاری
و کلپایکان و خوانسار و توابع

نواب اشرف والا شاهنشاه زاده معظم ظل السلطان حکمران
و صاحب اختیار دار السلطنه اصفهان و بروجرد و بختیاری
و کلپایکان و خوانسار
رحیم خان بیگلربیگی اصفهان

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله والی مملکت خراسان و سیستان
جناب مؤتمن الملک میرزا سعید خان متولی باشی
حضرت رضوی علیه السلام
حاجی مستشار الملک مستوفی و پیشکار خراسان

مملکت فارس و توابع

نواب والا حاجی معتمد الدوله فرمانفرمای مملکت
فارس و توابع

ایالتین کرمانشاهان و کردستان

نواب والا حسام السلطنه حکمران و والی کرمانشاهان
و کردستان و سرحدار عراقین
امیرزاده ابو الفتح میرزا نایب الایاله کردستان

ایالتین عربستان و لرستان

نواب والا حشمة الدوله والی و حکمران عربستان
و لرستان
نایب الایاله لرستان عبدالله میرزا

مملکت کرمان و بلوچستان

حاجی شهاب الملک حکمران مملکت کرمان و بلوچستان

دار المرز مازندران

جناب معتمد الملک وزیر مخصوص حکمران دار المرز مازندران

میرزا مسیح مستوفی و وزیر و نایب الحکومه

دار المرز استراباد

نواب جهانسوز میرزا امیر تومان صاحب اختیار و حکمران استراباد

دار المرز گیلان

جناب ضیاء الملک میرزا زکی مستوفی و الحمد دار المرز گیلان

کاشان و قم و ساوه و زرند و غیره

بحکمرانی مدار مکرمت کذاران نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر

کاشان

میرزا محمد حسین مستوفی حکمران

قم

میرزا محمد حسین [illegible]

ساوه و زرند

محمد صادق خان حکمران

شاهسون بغدادی

میرزا معصوم خان حکمران

میرزا موسی پیشکار و وکیل میرزا محمد حسین حکمران کاشان

خمسه

جناب جلالت ماب عباس میرزا ملک آرا حکمران ولایات خمسه

دار السلطنه قزوین

حضرت والا عضد الدوله حکمران دار السلطنه قزوین

یزد

جناب محمد خان والی حکمران ولایت یزد

عراق و کمره

بحکومت نواب والا نصرة الدوله

ملایر و تویسرکان و نهاوند

بحکومت نواب والا موید الدوله محمد مهدی میرزا نایب الحکومه

همدان و درجزین

جناب ایلخانی اللهقلی میرزا حکمران

سمنان و دامغان

حسینخان اعتضاد الملک حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک حکمران

گروس

بحکومت جناب حسنعلی خان وزیر فواید محمد خان حکمران

اسداباد

بحکومت خان باباخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار

کنگاور

بحکومت رحمت الله خان ساری اصلان

محلات

بحکومت کیان جناب معتمد الملک وزیر مخصوص

طارم

بحکومت نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم

میرزا علی اکبر خان حکمران

نطنز

بحکومت نواب والا احتشام السلطنه میرزا تقی حکمران

ممالک خارجه
اروپ

دولت اتریش و مجارستان

امپراطور فرانسوا ژزف در سنه ۱۲۴۶ هجری متولد شد

ولیعهد ارشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف

پای تخت وین وزیر اعظم کنت اندراسی

مذهب دولتی کاتولیک و پروتستانی هم دارد

جمعیت هفتاد و دو کرور

دولت اسپانیا

پادشاه آلفونس دوازدهم سنش بیست و یکسال

وزیر اعظم کانواس دل کاستیلو

مذهب دولتی کاتولیک جمعیت سی و سه کرور

و سیصد و سی و پنجهزار نفر پایتخت مادرید

دول معتبره المان

جمعیت کلیه هشتاد کرور و مذهب دولتی پروتستان

و بعضی هم کاتولیک هستند

اولا باد

فرمان فرما فردریک کیلیوم لوی

سنش پنجاه و دو سال ولیعهد فردریک

کیلیوم لوی لئوپلد اکوست سنش بیست و یکسال

پای تخت کارلسرو مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دوم اتن فردریک کیلیوم سنش سی و سه سال پای تخت مونیک

مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک کیلیوم اول امپراطور المان و پادشاه پروس در سنه ۱۲۱۲ هجری تولد شده و در سنه ۱۲۸۸ با امپراطوری المان برقرار گردید

سنش هشتاد و یکسال است

ولیعهد فردریک کیلیوم نیکلا شارل سنش چهل و شش سال

وزیر اعظم پرنس بیزمارک منصب دولتی

پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند

پای تخت برلین

ساکس

شاه البر فردریک آگوستان تون فردینان ژزف

شارل ماری باتیست نپومسن کیلیوم کزاوییه ژرژ

فیدل سنش پنجاه سال

پای تخت درزد

مذهب دولتی پروتستان و قدری هم کاتولیک

ورتمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش پنجاه و پنجسال پای تخت ستوت گارت

مذهب دولتی پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش پنجاه و هشت سال ولیعهد پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال سنش سی و هفت سال

وزیر اعظم لرد دربی پای تخت لندن
جمعیت تمام این ملکتها از انکلیس و ایرلند و اسکاتلند
شصت و سه کرور و سیصد و چهل و پنج هزار نفر
مذهب دولتی پروتستان و مذهب ملکتهای ایرلند کاتولیک
فرمان فرمای هندوستان لرد لارنس

دولت ایطالیا

پادشاه ویکتور امانوئل
ولیعهد ابراول ربنبرت شارل سنش سی و پنج سال
وزیر اعظم دپرتیس مذهب کاتولیک
جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر (پای تخت رم)

دولت بلژیک

پادشاه لوی فیلیپ ماری و یکتر لئوپلد دوم سنش چهل و سه سال پای تخت بروکسل
جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر
مذهب دولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پدرو سنش چهل سال
ولیعهد شارل فردیناند لوی ماری
وزیر اعظم دفنتس پرادملو پای تخت لیزبن
جمعیت در اروپ نه کرور و یکصد و هشتاد و هفت هزار نفر
خارج از اروپ شش کرور و دویست و هشتاد و یک هزار نفر مذهب کاتولیک

دولت پاپا که حالا نیز نام سند

پادشاه کیلیوم سوم الکساندر پل فردریک لوی
سنش شصت و یکسال
ولیعهد کیلیوم نیکلا الکساندر فردریک شارل هانوی سنش سی و هشت سال
پای تخت لاحه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار نفر مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت سال
ولیعهد کریستیان فردریک کیلیوم شارل سنش سی و پنجسال
وزیر اعظم یعنی رئیس وزراء استروپ
پای تخت کپن هاگ مذهب دولتی پروتستان
جمعیت سه کرور و چهارصد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور الکساندر نیکلاویچ دوم در سنه ۱۲۳۴ هجری متولد شد سنش شصت سال
ولیعهد الکساندر الکساندرویچ سنش سی و سه سال
وزیر اعظم پرانس کورچاکف
جمعیت صد و هفتاد و سه کرور و هشتاد و شش هزار نفر
مذهب ارتودکس یونانی و مذاهب متفرقه هم دارد
پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت عثمانی

سلطان عبد الحمید خان سنش سی و شش سال
ولیعهد هنوز معین نشده
وزیر اول صفوت پاشا پای تخت اسلامبول
مذهب دولتی مسلمان سنی و عیسوی و غیره نیز دارد
جمعیت از قرار سنه ماضیه چهل و سه کرور و صد و چهل

وهفت

و هفت هزار نفر جمعیت و پنجاه و سه کرور و صد و سی و شش هزار نفر جمعیت دارند که مجموع نود و شش کرور و دویست و هشتاد و سه هزار میشوند که در تحت حمایت هستند

دولت فرانسه

رئیس جمهوری مارشال ماکماهون پای تخت پاریس
مذهب دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کرور و صد و دو هزار نفر

دولت یونان

پادشاه ژرژ اول
ولیعهد قسطنطین پای تخت اتن
جمعیت دو کرور و چهارصد و شصت هزار نفر
مذهب عیسوی یونانیست
رئیس شورای دلی ژرژیس

آسیا

دولت چین

امپراطور گوانک سو سنش هفت سال
وزیر اعظم شاهزاده کنک پای تخت پکن
مذهب دولتی بودا مذهب هستند مسلمان و غیرهم دارد
جمعیت کلیه هشتصد و شصت کرور
جمعیت رعیت هشتصد و نه کرور و چهارصد و چهل و شش هزار و چهارصد و چهارده نفر
جمعیتی که زیر حمایت هستند پنجاه و هفت کرور

دولت ژاپن

امپراطور موتسو هیتو
ولیعهد حیکاتی نو سیمی میا
وزیر اعظم سانجو پای تخت یدو
مذهب بودا مذهب
جمعیت شصت و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه فرا باد سمدج فرا پارمانر
وزیر اول شو پیا فرا پای تخت بانکک
مذهب بودا مذهب
جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس که جزو سلطنت عثمانی است
والی محمد صادق پاشا بیک ولیعهد که برادر والی است سید علی پای تخت تونس جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نکوس مینامند اسمش ژان
پای تخت گندار جمعیت دوازده کرور

دولت زنگبار

سلطان برغش بن سعید
پای تخت بلد زنگبار جمعیت جزیرهٔ زنگبار
صد هزار نفر اما تمام رعیت آن مشخص نیست

جزیرهٔ ماداگاسکار

پادشاه ملکه راناوالو دوم
پای تخت تاناناریو جمعیت پنج کرور

دولت مارق

سلطان مولای حسن
پای تخت فاس جمعیت دوازده کرور
ایالت مصر که جزء سلطنت عثمانی است
خدیو اسمعیل پاشا
پای تخت قاهره مذهب اسلام سنی
جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

ینگی دنیای شمالی

جمهوری اتازونی

رئیس جمهوری هایس
پای تخت واشینگتون مذهب اغلب پروتستان
جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیک

رئیس جمهوری سباستین لردو تخادا
پای تخت مکزیک مذهب کاتولیک
جمعیت هیجده کرور و دویست و هفتاد و شش هزار نفر

ینگی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و دو صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری رافائل زولدیوار
پای تخت سان سالوادر جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا
پای تخت سان ژوزه
جمعیت بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژزه روفینو بارئس
پای تخت گواتمالا جمعیت سه کرور و دو صد هزار نفر
مذهب کاتولیک

جمهوری نیکاراگا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو
پای تخت ماناگا

جمهوری هندوراس

رئیس جمهوری مرکوار پل یوستو
پای تخت کوماپایکا

ینگی دنیای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهوری نیکلا اولاندا
پای تخت بوانس ایر جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکواتور

رئیس جمهوری این سیو وانتیلا پای تخت کی تو
جمعیت دو کرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یک نفر

جمهوری

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

جمهوری اوروگوئی

رئیس جمهوری دون لورنزو لاتور
پای تخت منت ویدئو
جمعیت چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور دوم پدرو دوم
پای تخت ریودوژانرو
جمعیت بیست کرور و صد و هشت هزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دون توماز فریاس
پای تخت چوکی ساکا
جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراگی

رئیس جمهوری دون ایگی نوا ئعبارت
پای تخت اسمپسیون
جمعیت از قرار سنوات سابقه دو کرور نفر

جمهوری پرو

رئیس جمهوری پاردو
پای تخت لیما
جمعیت پنج کرور
مذهب کاتولیک

جمهوری شیلی

رئیس جمهوری پانیباو پانتو
پای تخت سانتیاگ جمعیت چهار کرور

جمهوری دول متحدهٔ کولمبی

رئیس جمهوری اکیلیو پرّه
پای تخت بگتا
جمعیت کل دول متحدهٔ کولمبی دوازده کرور

جمهوری ونزوئلا

رئیس جمهوری دون لینارس الکنطرد
پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیرهٔ ساندویچ

پادشاه لن کامحا (خامس) پنجم
پای تخت هنولولو

جزیرهٔ سن دومنگ

رئیس جمهوری بنوانتورز
جمعیت چهارده هزار نفر

جزیرهٔ هایتی

رئیس جمهوری جنرال بنساز سالوت
پای تخت پرتپرنس
جمعیت هشتصد هزار نفر